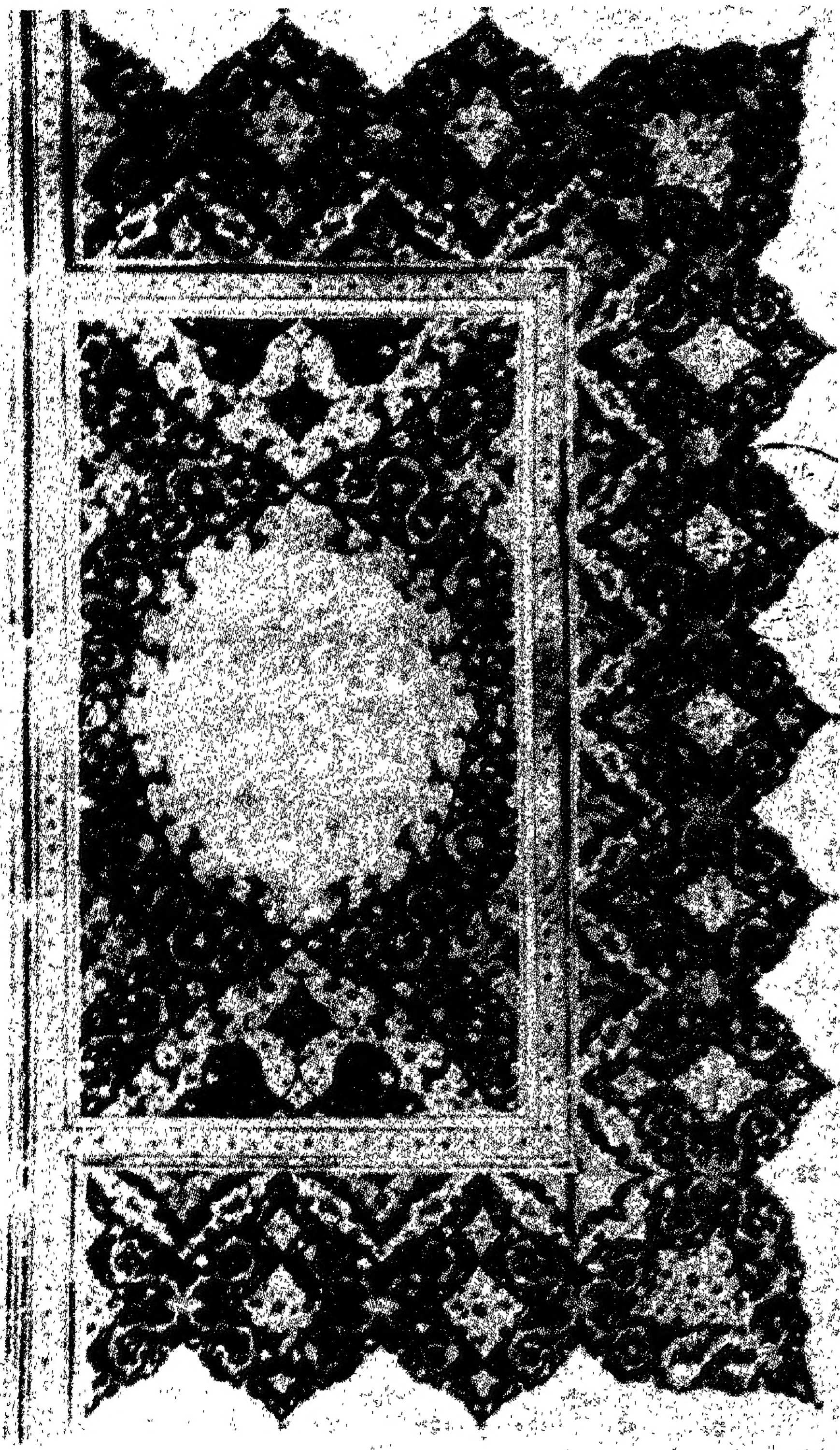
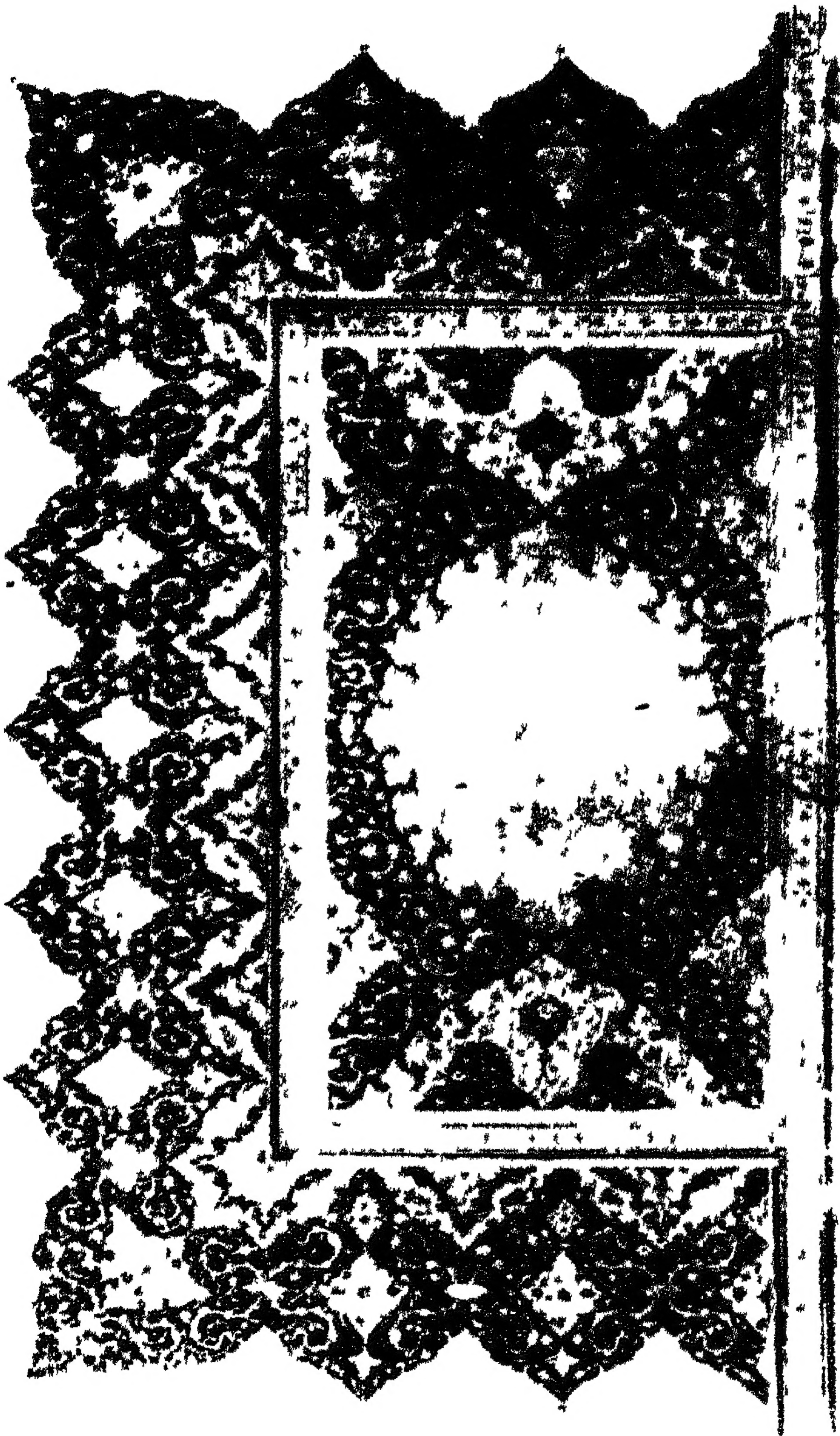
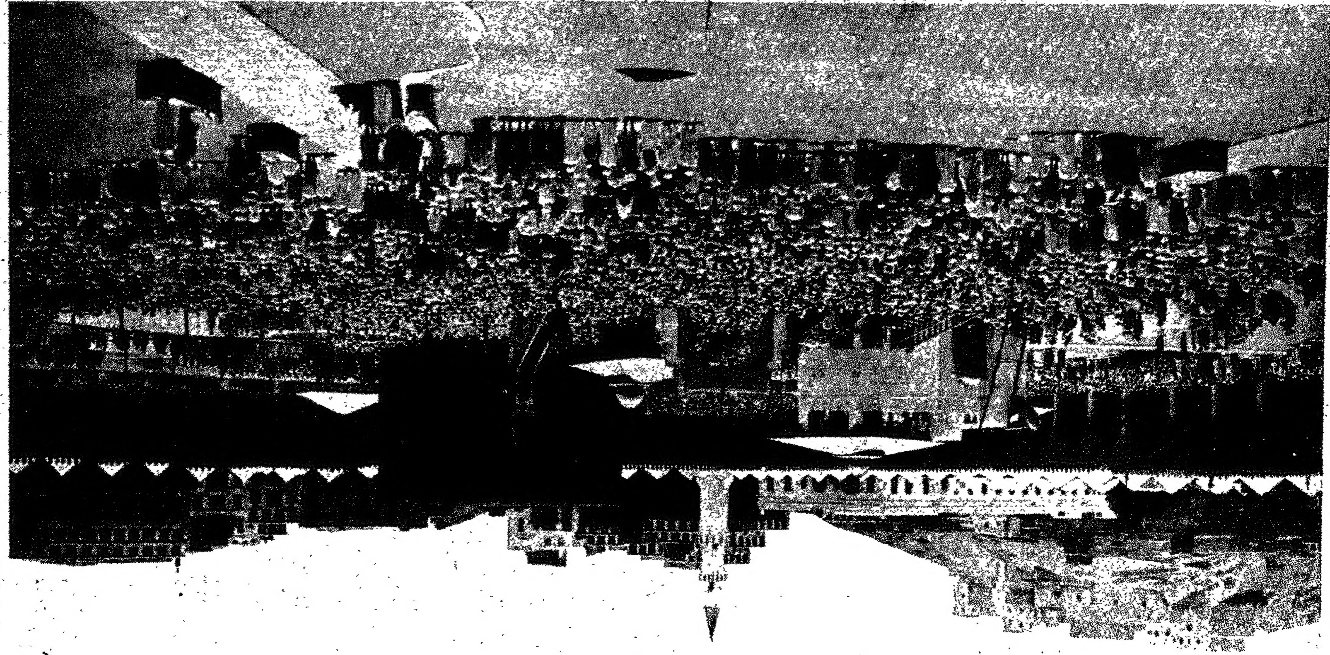


نمونهٔ از خطاطی و میناتور های قدیم افغانستان .
(اقتباس از قرآن قلمی مخصوص کتابخانهٔ شاهی)



نمونهٔ از خطاطی و میناتور های قدیم افغانستان .
(اقتباس از قرآن قلمی مخصوص کتابخانهٔ شاهی)

عکس یکصفحه قرآن عظیم در پوست آهو رسم الخط اوائل اسلام



حرم محترم مکهٔ معظمه زادالله تعالی شرفها وتعظیما



مدينهٔ منوره

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

در جملهٔ مطبوعات امروزهٔ دنیا ، طبع و نشر سالنامه ها مقام عمدهٔ داشته و کمتر اتفاق می افتد مملکتی ازداشتن آن محروم باشد · حتی تکامل سالنامه‌ها بجائی کشیده‌که ممالك حیه در عرض سال تنها بطبع و نشر سالنامهٔ واحدي اکتفا نمی نمایند ، بلکه ازمنابع رسمی و ملی چندین سالنامهاي متعددي منتشر می گردد ازقبیل سالنامهاي اقتصادي، سیاسی ، تخنیکی و . . . . .

سالنامه ها بعلاوهٔ آنکه درداخل یك مملکت ، براي عرض معلومات مختلفه و عمومیه و حوادث مهمهٔ تاریخیهٔ یکسال ، بمثابهٔ جام جهان نمائی بشمار میرود وافراد آن مملکت بمطالعهٔ آن بسی محتاجند ، در ممالك خارجه نیز خیلی مورد اعتنا بوده ، و در عین حال براي ملل خارجی راجع بهمان مملکت راه نمای کافی شمرده می شود .

ترتیب سالنامه ها ، محتاج احصائیه هاي متنوعهٔ اقتصادي ، جغرافی ، تخنیکی و ..... و مساعدت دوائر رسمیهٔ دولتی بوده ، ولهذا براي نشر یکسالنامه اقلاً وجود دائرهٔ مخصوص و تهیهٔ مواد در عرض سال کمال لزوم را دارد .

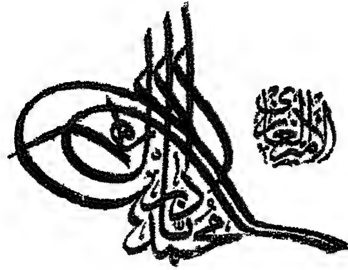
اما « انجمن ادبی کابل » در اواخر سال ۱۳۱۱ ش درین فکر افتاد که براي نشان دادن نمونهٔ ازسالنامهٔ مملکتی بهموطنان ، اقدام به نشر یکسالنامهٔ خصوصی از طرف « مجلهٔ کابل » نماید با آنکه قلت وضیق وقت و عدم آماد گی ازقبل، چنانیکه منظوربودمساعد به نشریکسالنامهٔ ازهرجهت مکمل نگردید ، معهذا علی العجاله تا جائیکه مواد و اطلاعات لازمه بدست آمد ، ترتیب داد واینك بعنوان (سالنامهٔ مجلهٔ کابل) بمطالعهٔ هموطنان تقدیم میشود .

مایقین داریم سالنامهٔ کابل داراي نقائصی بوده وازهروجه مکمل شمرده نخواهدشد، ولی چون منظور ما أزنشرآن ، فقط تقدیم نمودن نمونهٔ ازسالنامه هابهموطنان ازیکطرف، و جلب توجه دوائر رسمیه براي مد نظر گرفتن لزوم سالنامه هاي رسمی أز طرف دیگر است ، لامحاله ارباب بصیرت از نقائص او اغماض خواهند فرمود ، و ما امیدداریم در سال آینده ، تااندازهٔ به ترقی سالنامهٔ کابل موفق آمده وبتوانیم سالنامهٔ خوبتري بهموطنان تقدیم نمائیم ، چه هرکاري دربدو شروع دچار نقصان بوده و تکامل آن بعلاوهٔ جهد و مساعی تابع مرور زمان میباشد.

« انجمن ادبی »







اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی پادشاه افغانستان

خلد الله ملکه و سلطنته

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی ایده الله درسال ۱۲۶۲ هجری شمسی بتاریخ ۲۱ حمل مطابق ۹ اپریل ۱۸۸۳ ع ـ سریر آرای مهد وجود گشته اند .

تعلیمات اعلیحضرت نادری در تحت تربیهٔ اساتذهٔ لایق اسلامی و معلمین دانشمند عصری شده است .

اعلیحضرت غازی پس از طی مراحل ایام صباوت وتربیه در دربار سلطنتی درسال ۱۲۸۲ شمسی بمنصب کند کشری منصوب شده ودر سال ۱۲۸۴ نظر بابراز قابلیت عسکری برتبهٔ غند مشری ارتقا جستند .

در سال ۱۲۸۷ درایت و کفایت فوق‌العادهٔ از خود بروز داده چنانکه بدرستی در بین امائل و اقران بی نهایت امتیاز یافته و بمنصب رفیعهٔ جنرالی ترقی کردند و بعد ازانکه فتنهٔ سمت جنوبی به شمشیر و تدبیر اعلیحضرت ممدوح خموش گشت و درین حادثه لیاقت فوق العاده بخرج داده و غائلهٔ آنرا بدون همه خسارات ملی و دولتی منطفی نمودند ، دولت در ازای این خدمت بزرگ ، ذات همایونی را برتبهٔ عالیهٔ نائب سالاری ترفیع داد والقاب و نشان سرداری حاصل نمودند (۱۳۳۰ قمری)

چون قشون مملکتی دران وقت فاقد تشکیلات جدید عصری بوده وتنها قطعات منسوبهٔ ذات همایونی در تعلیم ومشق نظام اصلاح یافته بود ، دولت ملتفت شد و دانست که تاامور تمام قشون بکف باکفایت اعلیحضرت شان در نیاید ، عسکر افغانستان بطور عصری آراسته ومترقی نمیگردد لهذا در سال ۱۳۳۲ بمنصب جلیلهٔ سپه سالاری و (وزیر حربیه) ترفیع نموده زمام کل قشون را بدست گرفتند و فی‌الحقیقت در اندك مدتی عساکر مملکت را باسلحه و آلات عصریه مجهز و صاحب تعلیم وتربیهٔ خوبی نمودند واردو های افغانی را مانند قشون دول متمدنه مرتب و منظم فرمودند .

بعد از شهادت اعلیحضرت حبیب‌الله خان شهید ، اعلیحضرت همایونی بسبب لیاقت ذاتی و استعداد فطری در اوایل سلطنت امان الله خان دو باره مورد همان اعزاز واکرام سابقه گردیده وبمنصب جلیلهٔ سپه سالاری کما فی السابق برقرار ماندند وبعد بسمت جنوبی بحیث قوماندان بزرگ برای محاربهٔ استقلال مامور شدند .

ذات همایونی باهمان عزم مردانه وعشق وطن پرستانهٔ که نسبت به تحصیل نام و ننگ و حصول استقلال کاملهٔ مملکت عزیز داشتند مردانه درین مقصد کوشیده تااینکه خدای معین با این ارادهٔ حق پرستانه تائید ذات همایونی را نموده وبه تحصیل این شرافت ملی یعنی استقلال کاملهٔ وطن موفق وکامیاب گردیدند . (تفصیلات این موضوع در کتاب نادر افغان درج است) .

بعد ازانکه متارکه ازطرف دولتین افغان وانگلیس اعلان شد اعلیحضرت محمد نادر شاه برای انجام امورات مهمه به کابل عودت فرموده و سپس برای انتظام سمت مشرقی که در اثر جنگ و انقلاب رشتهٔ نظم و نسق آن گسیخته بود مامور شده و دران سمت نیز به اصلاحات و انجام دادن امور مهمه موفق گردیدند .

در سال ۱۳۰۰ به ریاست تنظیمیهٔ قطغن و بدخشان مامور شدند و بعد از انتظامات اساسیهٔ امور کشوری وعسکری آنولایت در ۱۳۰۱ بکابل عودت نموده و در اوائل برج قوس ۱۳۰۲ از عهدهٔ وزارت حربیه نظر به بعضی موانع مستعفی گردیدند .

درسال ۱۳۰۳ به وزارت مختاری افغانستان در پاریس منصوب وبتایخ ۱۹ سرطان رهسپار فرانسه گشتند ، در ۳۰ نومبر ۱۹۲٦ ع در اثر علالت مزاج استعفای قطعی خویش را اظهار داشته بمعالجه پرداختند .

درزمانیکه آتش انقلاب درتمام افغانستان شعله ور گردید وامان‌الله خان ازاطفای آن نایرهٔ مدهش عاجز آمد ، اعلیحضرت همایونی در حالیکه بواسطهٔ شدت مرض قابل‌حرکت نبودند برای‌نجات وطن‌ازچنگ دزدان شقی بتاریخ ۵ دلو ۱۳۰۷ از (نیس) حرکت فرمودند وبتاریخ ۱۹ برج حوت ۱۳۰۷ داخل خاك افغانستان گردیدند و به تشکیل قشون ملی آغاز نموده به قلع وقمع اشرار سقوی پرداختند .

بتاریخ ۱٦ میزان ۱۳۰۸ قوای اعلیحضرت نادر شاهی به سر کردگی والا حضرت شاه ولیخان برادر ذات شاهانه مرکز کابل را اشغال وقوای سقوی را پامال نمود و بتاریخ ۲۳ میزان اعلیحضرت منجی وطن وارد کابل شده از طرف ملت بپاداش این خدمت بزرگ بپادشاهی افغانستان قبول و انتخاب گردیدند و در اثر اصرار ملت ذات همایونی شان وظیفهٔ شاهی را پذیرفتند در موقع قبول زمامداری ، وطن را محتاج اصلاحات بیشماری دیده وچنین مناسب شمردند که بجهت اصلاحات امور ملت و مملکت که هدف آمال ملوکانه قرار گرفته‌بود خط مشی یعنی‌نصب‌العین خود شان را معین فرمایند بنابر این در اول امر،خط مشی خود شان را که مآل آن قرار آتی است به عامهٔ ملت اعلام و اظهار فرمودند .

خط مشی حکومت اعلیحضرت محمدنادر شاه افغان

اول حکومت موجوده موافق باحکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی امور مملکت را اداره و اجرا خواهد کرد و برای اینکه شریعت غرای محمدی (ص) در امور مملکتی قائم و دائم باشد ریاست شورای ملی و وزارت عدلیه مسئول میباشند و شعبهٔ احتساب از امور لازمی این حکومت است بیك صورت منظم این شعبه دائر خواهد شد موافق باحکام دین اهالی افغانستان بدون امتیاز قومیت و نژاد باهم برادر ودر حقوق مساوی یکدیگر شناخته میشوند ، حجاب در افغانستان موافق بدین و شریعت محمدی صلی الله علیه وسلم قائم خواهد بود .

دوم ـ منع رشوت و شراب نوشی ـ در حال مامورین حکومت از هر مدارجیکه باشند در وزارت عدلیه به قرآن عظیم الشان عهد خواهند نمود که هیچگاه رشوت و هدیه از اهالی نمی گیرند و بپاك نفسی و پاك دامنی خدمت خلق الله را اجرا می کنند و بدولت متبوعهٔ خویش از امروز ببعد خیانت مالی یا عملی نمی نمایند و صادقانه به وظیفهٔ خویش می پردازند جزای شراب نوشی موافق به شریعت محمدی (ص) داده خواهد شد فروش ظاهر و خفیه شراب در تمام افغانستان ممنوع است اهالی بساختن شراب مجاز نیست درخانهٔ که شراب ساخته شود یا دکانیکه شراب بفروشد دولت چون تحقیق کرد و به ثبوت رسید ضبط میشود و اشخاص جزای شرعی خواهند دید اگر به مامور حکومت ثابت شد که شراب می نوشد علاوه از جزای شرعی از ماموریت طرد میشود تبعهٔ خارجه ازین حکم مثتنی است .

سوم ـ امور حربیه افغانستان برای حفظ استقلال و نگهداشت امنیت مملکت :ـ حکومت موجوده میخواهد یك قشون منظم بااسلحه ساخت جدید تشکیل کند ونهایت توجه باین مسئله که حیات وممات افغانستان وابستهٔ اوست صرف می نماید وبرای اینکه صاحب منصبان نظامی ما تعلیم یافته شوند و از علوم و فنون حربی دنیای متمدن و استعمال آلات و ادوات حرب بدانند مکتب حربیه زود از زود تشکیل و ترتیب میگردد مسئله گرفتن عسکر به صورت قومی و خوش برضا جاری میشود .

چهارم ـ ادامه و برقراری و استحکام مناسبات افغانستان با دول خارجه . مثل زمان امان الله خان مناسبات افغانستان با دول خارجه که جریان داشت جریان خواهد کرد و حکومت موجوده دوستی و سلوك مرغوب دول متحابه را نسبت به افغانستان آرزو و خواهش دارد و هم حکومت موجوده با تمام موجودیت خود برای حفظ و استقلال افغانستان و ارائه کردن نظر دوستانه و خیر خواهانهٔ خویش بادول معاهدین حاضر و آماده است .

پنجم ـ امور داخله ؛ وزارت داخله در تعین حکام و مامورین ولایات و حکومتی های اعلی و کلان و باقی حکام اهتمام و توجه تام خواهد کرد که کار به اهل کار داده شود و فهرست مامورین خویش را به مجلس انتخاب خواهد داد تا غور و تحقیق کرده شود و هم برای ترمیم و تعمیم تیلفون و تلگراف سعی و کوشش خواهدنمود و انتظام پوسته را بصورت خوبترین وآسانترین تامین خواهد نمود برای ترمیم راه های عبور و مرور موتر ، گادی زود از زود توجه خواهد نمود .

ششم ـ مالیات را وزارت مالیه بصورت خوب اداره خواهد کرد و کوشش خواهد نمود که تمام ولایات اقساط مالیه را مثل سابق به خزینهٔ دولت تادیه کنند محصولات گمرکی هم درگمرك جاهای ولایات مثل سابق گرفته میشود باقیاتیکه درملك مانده باشد بطریق مراعات جمع میشود اما تسهیلات داده خواهد شد، تا اشخاص باقی ده خوار و پریشان نشوند، و هم دولت دچار زحمت نگردد ، آنچه حکومت های سابق نسبت به باقیات حکم معافی در اعلانها نموده اند منظور است .

هفتم ـــ تجارت و زراعت افغانستان امروز از پیشتر بیشتر باین شعبه کار احتیاج دارد و میخواهد با دول ایران ، ایطالیا ، فرانسه ، بریطانیا ، اتحاد جماهیر اشتراکیه ، امریکا ، بلجیم ، جرمنی ، جاپان و غیره دولیکه آرزو داشته باشند مناسبات تجارتی خود را باز کند و از دول متمدن درین راه استفاده نماید ، و راه آهن را زود از زود آغاز کند و معادن افغانستان را بکار بیندازد ، نهر های آب برای زراعت تعمیر نماید ، حکومت موجوده میخواهد وسایل زراعتی دنیای متمدن را تا باندازهٔ امکان در زراعت افغانستان تطبیق نماید .

هشتم — علم و فن برای ترقیات دینی و دنیوی افغانستان از اهم ضروریات شمرده میشود و حکومت حاضره این مسئله‌را خیلی اهم میداند ، هر وقتیکه شورای ملی تشکیل و وکلای ملی جمع شوند امید است راه خوبتری نسبت باین مسئله یافته شود که تا ملت خود را برای حفاظت خویش علماً مستعد ساخته بتواند .

نهم — شورای ملت : وکلای ملت از تمام اهالی بمرکز میرسند ، صورت انتخاب بطور سابق بوده ، وکلا را اهالی از دانشمندان و علما و صادقان و بهی خواهان که ملت بر آنها اعتماد کلی داشته باشد ، انتخاب خواهند کرد ، وزرای دولت و حکام مسئول وکلای ملت خواهند بود ، ریاست شوری حق تفتیش خواهد داشت ، و رئیس شوری ملت از طرف وکلای ملت انتخاب میشود .

دهم — صدر اعظم بانتخاب و منظوری شاهانه تعین میشود ، و صدر اعظم کابینهٔ وزرا را تشکیل کرده بحضور شاهانه معرفی مینماید و منظوری حاصل می کند .





نشسته : در وسط ذات همایون اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی تاجدار افغانستان .

طرف چپ : ج ، ع ، ج سردار محمد هاشم خان صدر اعظم . طرف راست : ع ، ج سردار محمد عزیز خان وزیر مختار برلن .

ایستاده : طرف راست ع ، ج سردار شاه ولی خان فاتح کابل . طرف چپ ع ، ج سردار شاه محمود خان وزیر حربیه برادران رشید اعلیحضرت ممدوح .

فرزند تاجدار افغانستان

عالیقدر جلالتمآب والاحضرت شهزاده محمد ظاهر خان

والاحضرت افخم به یوم دو شنبه ۲۲ میزان ۱۲۹۳ هجری شمسی در دارالسلطنهٔ کابل پا بعرصهٔ وجود نهادند. در ۱۲۹۹ بمکتب عالی حبیبیه شمولیت ورزیده ، الی برج میزان ۱۳۰۱ در صنوف ابتدائی مشغول تحصیل بوده اند در برج میزان ۱۳۰۱ که ابتدای تاسیس مکتب امانیه بود از مکتب حبیبیه بمکتب امانیه شامل شده الی برج سرطان ۱۳۰۳ - شمولیت داشته در امتحان سالانه کامیاب و دورهٔ ابتدائی را به پایان رسانده اند .



از حیث اینکه صنوف رشدی را به اصول عصری باید تحصیل نمایند ، در یوم پنجشنبه ۱۹ سرطان ۱۳۰۳ به معیت پدر مرحمت گستر خود اعلیحضرت غازی که به سمت (وزارت مختاری افغانستان در پاریس عز تقرر حاصل نموده بودند) بغرض تحصیل دورهٔ رشدی عازم پاریس گردیدند .

در پاریس داخل مکتب (اینه ژانسون ده سالی) Ainé Jenson de Salée شده ، دو سال را به تعلیم و تحصیل صرف کردند ، بعد درجنوب فرانسه تشریف برده، (یك سال و شش ماه) در آنجا گذرانیده ، واپس در پاریس مراجعت کرده ، در یك فامیل محترم فرانسوی موسوم به (دانیه لو) که حالا وزیر امور صحیه است ، بسر برده ، دو سال دیگر درمکتب (پاساتور) هم اخذ تعلیم نموده ، سپس به جنوب فرانسه عازم شدند .

در ایام فتور و انقلاب افغانستان که پدر نامور شان اعلیحضرت غازی ، بعزم نجات وطن همت گماشته عازم افغانستان گردیدند ، والا حضرت شهزادهٔ معظم به ارادهٔ پدر والا گهرخویش بغرض تکمیل تعلیم در آنجا معطل بوده ، و درمکتب (کولژده مون پیلئی) Collége de Monpélier شمولیت ورزیدند .

در تمام ایام توقف خود در پاریس ، مرتباً از جماعت ۱۰ الی اول تحصیل نموده ، و در عین زمان تحت نظریه و ادارهٔ والد ماجد معظم دیانت توام خویش تربیه شده اند .

پس از کامیابی پدر نجات بخشای خود ، و متمکن گردیدن شان به اریکهٔ شاهی افغانستان بغرض اینکه در وطن و مملکت عزیز خود خدمتی انجام داده بتوانند ، و تعلیمات مکتسبه را عملی نمایند ، حسب ارادهٔ اعلیحضرت غازی بوطن مالوف مراجعت و بروز دو شنبه ۲۰ میزان ۱۳۰۹ موفقانه و کامیابانه وارد مرکز سلطنت شده ، خاك وطن را بقدوم سعادت لزوم خویش منور و مفتخر ساختند .

ازحیث چند ساله مسافرت و تعلیمات ، چندی استراحت و تفریح کرده ، پس ازان نظر به اینکه اصول و تعلیمات عسکری از مسلك ذاتی و فطری خاندان جلیل شان بوده ، و این مسلك مقدسه ، برای شخص

والا حضرت ارثی هم شمرده میشود جهت توسیع معلومات خود از ۲۷ سرطان ۱۳۱۰ که بدو تأسیس و افتتاح دورهٔ اول تعلیم گاه پیاده بود ، داخل و شامل تعلیم گاه شده ، و به فنون عصری تحصیل کرده ، در اوائل میزان ۱۳۱۱ که اختتام تعلیم گاه بود موفقانه بدرجهٔ عالی الاعلی فائز و فائق شدند ، و نظر به تعلیمات نظری وعملی خویش در برج میزان همین سال از حضور پدر تاجدار خود اعلیحضرت غازی کفالت وزارت حربیه را وظیفه دار گردید از حسن درایت و کیاست جبلی خویش انجام مهام را چنانیکه ملحوظ خاطر خطیر اعلیحضرت قائد اعظم ، و تقاضای زمان است ، به صورت خوب و شیوهٔ مرغوب میدارند ، و در ترقیات اردو و مزید حسن تعلیمات و تربیهٔ شان ، به فنون و اصول مقبوله دول مترقیه ، و انتظامات دوائر و ذخائر و باقی امورات حربی بذل مجاهدت می گمارند .

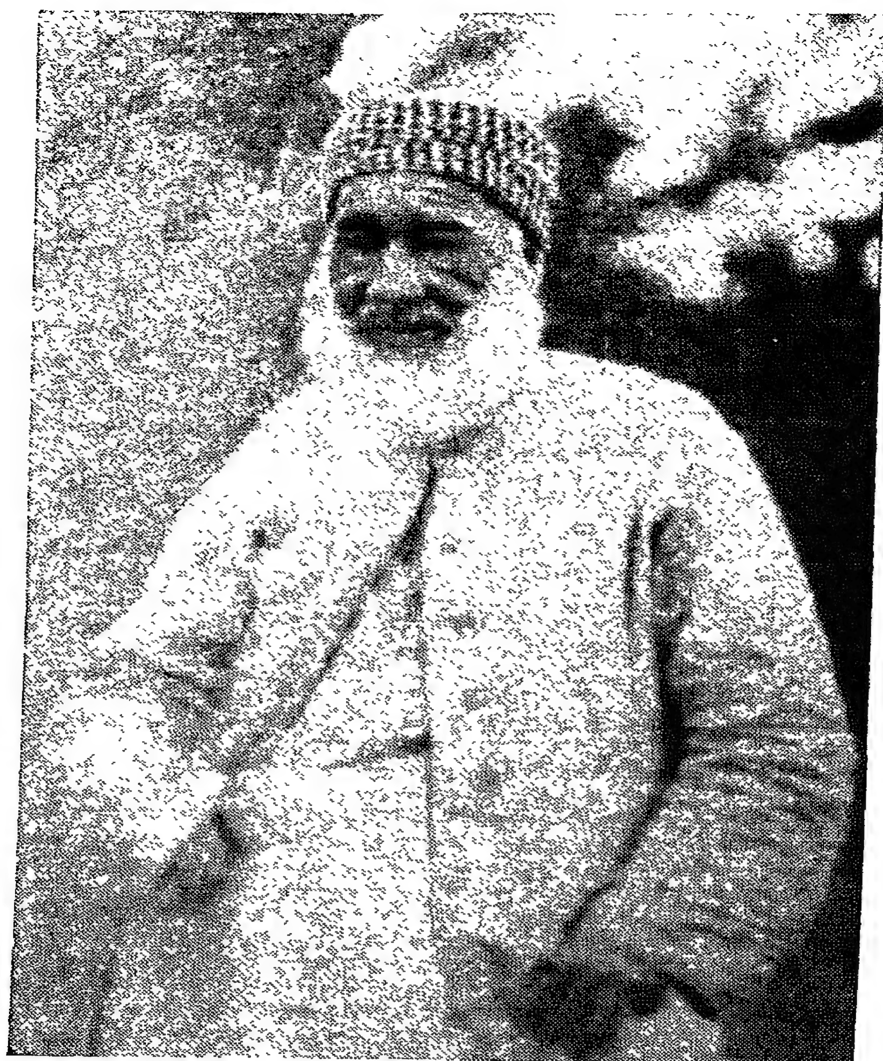




اعلیحضرت تاجدار افغانستان محمد نادرشاه غازی و والاحضرت شهزاده محمد ظاهر خان
فرزند رشید شاه افغان



شرافتمآب نورالمشائخ جناب فضل عمر صاحب مجددی
وزیر عدلیهٔ سابق ، مشهور بجناب حضرت صاحب
شوربازار



شرافتمآب جناب نقیب صاحب که ۲۹ سال قبل از وطن مألوف خود (بغداد شریف) بخاك افغانستان تشریف آورده اند .

تاریخچهٔ مختصر افغانستان

نگارش جناب میرغلام محمدخان غبار
عضو انجمن ادبی کابل

حسب تکلیف انجمن محترم ادبی کابل : برای اولین سالنامهٔ که نشر آنرا در وطن مصمم شده اند اینك ورقپارهٔ چندی (در موضوع تاریخ افغانستان) در نهایت اختصار ترتیب و به مطالعهٔ هموطنان مخصوصاً متحصلین عزیز مدارس تقدیم مینمایم . کتابهای شرقی و غربی که در تحریر این تاریخچه ماخذ قرار داده شده ، و ما از آنهمه آنچه را بعقاید ما نزدیکتر بود گرفته ایم اینهاست :

تاریخ هیرودت مصنفه لارنس ـ اقوام افغانستان مؤلفه داکتربیلو ـ افغانستان فریر ، تالیف فریر ـ کیمبرج هستری اف اندیا مصنفهٔ راپسن ـ آثار عتیقه بودائی بامیان تالیف مسیو گودار ، مادام گودار ، مسیو هاکن ـ رسالهٔ مجسمه تراشی گریکو بودیك در کاپیسا محررهٔ مسیو ژوزف هاکن ـ انسکلیپدی بریتانی ـ انسکلوپیدی اسلامی بریتانی ـ راه نمای تکسیلا مؤلفه جون مارشل ـ عتائق وسط آسیا مؤلفهٔ سر اوریل استین ـ تاریخ ملل شرق و یونان تالیف البر مالی و ژول ایزاك ، جغرافیای تاریخی ایران تالیف بارتولد ـ تاریخ عمومی احمد رفیق ـ تاریخ بیهقی ـ جهانکشای جوینی ـ یك حصه از زین الاخبار گردیزی ـ تاریخ طبری ـ روضة الصفای خوند میر ـ فرشته محمد قاسم ـ حبیب السیر ـ تاریخ گزیده مستوفی ـ نزهت القلوب مستوفی ـ معجم البلدان یاقوت حموی ـ روضات الجنات اسفزاری ـ منتخب التواریخ محمد الخاکی شیرازی ـ حیات افغانی تالیف محمد حیات خان افغان ـ خورشید جهان تالیف شیر محمد خان افغان ـ سراج التواریخ تالیف فیض محمد خان افغان و چندین کتب تاریخی دیگر .

م . غبار

میرویم بمقصد :

افغانستان مملکتی است در آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و نژادی قدیم او شامل ممالك افغانستان حالیه ، بخارا و سمرقند ، خوارزم ، خراسان و کرمان ، کل سیستان ، بلوچستان ، سند پنجاب ، کشمیراست ، اما جغرافیای سیاسی قدیم او بعلاوه ممالك مذکوره شامل ولایات کاشغر ، ختن ، قسماً فارس و حوضه های هندوستان تارود بار گنگا وجمنا شمرده میشد . در قرون ماقبل المسیح افغانستان بنام های باختر، آریانه، آریا ورتا خوانده میشد ، و در دورهٔ اسلام مشهور به خراسان گردید ، ولایات عمدهٔ افغانستان قدیم عبارت بود از : ـ تخارستان (قطغن و بدخشان حالیه) باختر (میمنه و مزار) سغد (بخارا و سمرقند) خوارزمیش (خوارزم) اریانا (هرات) اپرتیا (خراسان) کار امانیا (کرمان) سکاستین یا سجستان (سیتان ـ فراه و پشت رود) زابلستان یا ارا کوسیا (قندهار) اورشیا (بلوچستان) اندس (سند) زت کوش (پنجاب) کشمیر ، بلورستان یابولر (نورستان وچترال) باکتیا یا پاختیا (سمت جنوبی حالیه) گندهارا (ولایات پشاور سوات ، کابل) غور (هزاره جات حالیه وغور) .

نژاداً نفوس افغانستان عبارت از آریانهای هند و اروپائی بوده و مشهور ترین طوایف آنها پشتانها ، باختریها ، تخار ها ، دادیك ها (تاجیك ها) پارت ها ، اسکئی ها ، سغدیها ، بلوچ ها شمرده میشدند ـ در مرور دهور قسمتی از نژاد های یونانی ، زرد ، سامی ، هندی هم در بعض حصص افغانستان مخلوط و تحلیل گردید .

السنه ولهجه های افغانستان مشتق ازاصل اریائی و عبارت از زبانهای باختری ، تخاری ، تاجیکی ، پشتو ، هروی ، زابلی ، سکزی ، بلوری ، سغدی بوده و در قرون ماضیه قسماً السنهٔ خارجی ازقبیل یونانی ، مغولی ، سامی ، هندی (پراکریت ، پنجابی ، سندی ، کشمیری ، پشه ئی) هم در افغانستان نفوذ نموده است .

اما دیانت قدیم افغانستان عبارت بود از عناصر پرستی ، زردشتی ، بودائی و قسماً برهمنی .

افغانستان از نقطهٔ نظر مدنیت دارای قدیمترین مدنیت های آسیائی بشمار میرود ، و این تمدن ها بنام مدنیت باختری « و گریکو بود یك » در صفحات تاریخ ملل مقام برجسته ئی دارد ، آثار عتیق بلخ ، بامیان ، هده و غیرها یادگار های همان مدنیت قدیمند که امروزه مورد توجه و تفحص علمای مغرب زمین گردیده و در نتیجه تحقیقات عمیق کتابهای دایر بآن نوشته آمده است ، اما مدنیت افغانستان در دورهٔ اسلام (عهد سامانی ها ، غزنویها) فصل دیگری است که بر فضل و افتخار این مملکت می افزاید . افغانستان از نقطهٔ نظر تشکیلات ارضیه دربهترین قسمت های آسیا واقع و دارای آب و هوای گوارا ، محصولات زمینی نافع ، معادن قیمتی ، حیوانات و طیور مختلفهٔ ، نسل قوی و مستعدی بوده است .

افغانستان حالیه در اسیای وسطی با شکل بیقاعده ئی افتاده که از جهات اربعه باچین ، تورکستان روسیه ، فارس ، بلوچستان انگلیزی وقسماً سرحدات آزاد پشتونها (در حصص شرق مملکت باخط دیورند مطابق حد بخشی سال ۱۸۹۳ مسیحی) محدود ومتصل است ، نفوس حالیهٔ افغانستان تقریباً ۱۲ ملیون در داخله وچهار ملیون در سرحدات شرقی و دوملیون در ممالك همجوار بوده وعموماً از جنس آریا و مسلمان راسخ‌العقیده بشمار میروند. زبان رسمی مملکت دادیکی یاتاجیکی افغانستان (فارسی امروزه) وزبانهای ملی عبارت از پشتو وبلوری (نورستانی) است .

سرحد حالیهٔ مملکت افغانستان بعد از جنگهای متعددی با خارجی ها از سال ۱۸۸٤ مسیحی تا ۱۹۰۵ معین گردیده وشکل ذیل را اختیار کرده است :ـ از غرب شمال افغانستان خط سرحدی از ذوالفقار بجانب شرق متوازی جبال هند و کوه امتداد یافته و ۳۵ میل بجانب شمال علاقهٔ جمشیدی هرات رود کشك را در چهل دختران (آخرین ایستگاه ترین روسیه) عبور میکند و بعد ها بطرف شمال مشرق سیر کرده و رود مرغاب را در حد مروچاق افغانی تیر میشود و کوهای چل را باریگستانهای علیلی ترکمانها گذشته بروذبار آمون توصل می نماید (سرحدات مذکوره توسط منار ها و تقسیمات طبیعی آبها و اراضی مشخص میشود) از نقطهٔ اتصال خط سرحدی با رودبار آمون (خم آب) تا گوشهٔ شرق غدیر و کتوریا (در پامیر ها) رود آمون فاصل طبیعی خاك روس و افغانستان است . از کول ویکتوریا خط سرحد ، پامیر را قسماً بافغانستان گذاشته مابقی را جزو حدود روس مینماید (مطابق فیصله هیئت های حدبخشی ۱۸۹۵) بعد ها خط سرحد از سلاسل صعب‌المرور جبال گذشته بکوهای برفدار دایمی چین (سر کول) منتهی میگردد ، از ذوالفقار تا سر کول طول خط سرحدی افغانستان (۷۵۰) میل است . از سر کول خط سرحد افغانی بجانب غرب دور خورده و در یك خط متوازی جبال هندوکوه برفتن دوام میکند [عرض افغانستان درینحصهٔ باریك بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ میل نبوده و قسمتی ازین زمین باریك و بلند رو بجانب شرق شمال (موسوم به واخان) تا پامیر ممتد میشود که در آنجا فاصل حدود انگلیز وروس بوده و خاك افغانستان را

در شرق شمال بسرحد چین میرساند . ارتفاع اینخطهٔ عجیب ومهیب دایم البرف از ۱۹ تا ۲۴ هزار فت است] ازینجا خط سرحد بهمراه سلسله کوهای بلند چترال بطرف نورستان میرود و در نزدیك کوتل دورا (دارای ۱٤٦۰۰ فت ارتفاع) ولایت چترال را از رودبار دلیخه جدا میکند . سرحد افغانی و چترال ازینحصه تا درهٔ ارنوای عبارت از یك کوه برفدار بوده و در جنوب چترال متصل درهٔ مذکوره خط سرحد با رود چترال مقاربت مینماید و وادیهای چترال و باشگول افغانی بهم ملاقی میشوند . بعد ازین خط سرحدی از پهلوی شهر قدیم پشت گذشته و درووادی کنر میدرآید و از آنجا در یك خط معوج بجنوب امتداد یافته علاقهٔ مهمند را عبور می کند و در حد پلوسي رود کابل را قطع نموده مستقیماً بجانب جنوب سیر و تا تورخم میرسد (از سر کول تا تورخم و از تورخم تا کوه ملك سیاه در منتهای جنوب غربی افغانستان با سرحد افغانی ولایاتی تماس میکند که تحت حمایت انگلیز هاست) از تورخم خط سرحدی بطرف سپین غر (سفید کوه) که سرکوب علاقهٔ آزاد (تیرا) است رفته و ازانجا وادی کرم (مرکز طوایف توری پشتانه) را دوره نموده از کوتل پیوار (سرحد جاجی) میگذرد و باز (کیتو) را گذشته بسرحد شمال (توچی) رسیده گوشهٔ غربی وزیرستان را عبور می نماید و بمقام (دوماندی) رود گومل را قطع کرده درجنوب رود گومل با سرحد بلوچستان تماس میکند . از اینجا خط سرحد بطرف جنوب غربی روان شده و باز بجنوب شوراوك و نوشکی میدود ، و متصل نوشکی ریگستان هلمند را گذشته تقریباً در یك خط مستقیم از بین ریگستان سیستان بجانب غرب تا سرحد فارس ممتد میشود و در مقام کوه ملك سیاه و جنوب سیستان با سرحد فارس تلاقی میکند ، ازینجا تا ذوالفقار خط سرحدی افغان و فارس در یك خط تقریباً مستقیم امتداد پیدا میکند (و این همان خط سرحدی است که در سال ۵ ـ ۱۹۰٤ معین شده)

(دوره اول)

از قدیمترین ازمنهٔ تاریخی تا ظهور اسلام

از قدیم ترین ازمنهٔ تاریخی تاقرن هفت قبل المسیح :

در ازمنهٔ قبل التاریخ نژاد سفید (هند و اروپائی) در آسیای وسطی زنده گی میکرد ، ازانجمله شعبهٔ آریانی که از هشت شعبهٔ هند و اروپائی است و بسه حصهٔ اسکائی ، آرینی (ایرانی) هندی منقسم میشود ـ از سایر شعب جدا شده و تقریباً در سه هزار سال قبل المیلاد اراضی واقعهٔ بین سیحون و جیحون را مسکن قرار دادند و بعدها رخت هجرت بافغانستان کشیده نخست در ولایت باختر (بلخ) اقامت اختیار نمودند ، و متعاقباً از جهت کثرت نفوس و قلت جای از راهای شمال و شرق و شمال غرب بسایر وادی های افغانستان از قبیل آریانه یا هرات ، اپارتیا یا خراسان، غور، ارا کوسیا یاقندهار ، اوریشیا یا بلوچستان ، تخارستان یا بدخشان و قطغن ، بولورستان یا نورستان و چترال ، گند هاریا یا کابل وپشاور ، پا کتیا (ولایات جنوب و شرق تا سند) اندس یا سند ، زت گوش یا پنجاب ، کشمیر و غیره پراگنده و منقسم گردیدند . آرینها در ورود خود بافغانستان با بومیان وحشی منشی دوچار و آنها را در نتیجهٔ جنگها برانداخته جایشان را اشغال نمودند ، درین عهد آرین ها مردمان زراعت پیشه و مالداری بودند ، دین آنها عبارت از عناصر و قوای طبیعت پرستی و زبان شان همان زبان معروف آریا که یکی از هفت شاخه زبان آرین است بشمار میرفت ، ماهیت اصلی زبان آریا هنوز مجهول است و پسان السنهٔ پشتو ، سکزی (سیستانی افغانستان) سغدي ، ارمنی ، پهلوی فارسی ازو مشتق و بمرور زمان لهجه های مختلفی در افغانستان و دیگر جا ها از همین شاخه منشعب گردید .

در تاریخ قدیم همراه باختر افغانستان مهمترین حرکات نژاد هند و اروپائی موجود است بحدیکه مغربیها اورا گهوارهٔ تهذیب حالیهٔ خود ها میخوانند ، این حرکات مهمه عبارت است از هجرت آریانهای هند و فارس از افغانستان در حوضه های هند و مملکت فارس که از دو تادونیم هزار سال قبل‌المیلاد بعمل آمده، هندی ها و فارسی ها بعد ازانکه از افغانستان هجرت کردند زبان و مذهب آریائی افغانستان را با خود یادگار بردند و مدت ها اشتراکات معنویه و رسوم آنها با افغانستان باقی بود ، شاعران ریگک ویدا (قدیمترین کتب اری ها و منسوب بقرن چهاردهٔ قبل المیلاد) در سرود های خویش از دریا های افغانستان چون کابل ، کرم گومل ، سوات بنامهای کوبهه، کرومه ، گومتی ، سو واستویاد میکنندو گاهی اسمای بعضی طوایف افغانستان را (در ضمن قصهٔ یکواقعهٔ تاریخی موسوم بمحاربهٔ ده پادشاه) از قبیل پکتهاها (پشتو ها) الیناها (مردمان شمال شرق نورستان) بهلا ناسی (مربوط بدرهٔ بولان) سوا ها (نزدیك اندس) متذکر میشوند . از کتابهای اوستای افغانستان و وید هند که کهن ترین یاد گار های علمی این دو ملت است معلوم می شود بعلاوه اشتراك خون و مشابهت زبان شباهت مذهبی و رسوم بین این دو ملت موجود بود مثلاً مشابهت بین (آهر مزد) معبود اویستائی و (ورونه) معبود ویدی و (مشره) افغانستان و (متره) هندوستان و امثال آن ، شروع شرب مقدس در نزد اهالی افغانستان و هندوستان نیز با کلمهٔ بسیار شبیه بعمل میرسید مثلاً یمه Yama و یمه Yima

می رویم بمقصد ، آرین ها بعد ازانکه در افغانستان ساکن شدند برادران اسکائی آنها هم بعد از مدتی وارد افغانستان شده و در بعض وادیها سکونت اختیار نمودند ، مشهور ترین مسکن آنها ولایت سکاستین (فراه ، پشت رود ، چخانسور ، بقایای سیستان حالیهٔ فارس) یا سیستان افغانستان بوده و اینها همان طائفهٔ مشهور و شجاع افغانستان بشمار می روند که تاهنوز افسانهای رستم زابلی ازانها حکایت میکنند . مرور زمان و مقتضیات اوضاع جغرافیائی زبانهای جدیدی در افغانستان و هند و فارس ایجاد نمود که ازانجمله است زبان «زند» یا اوستا در افغانستان وسانسکریت در هند ، پسانها فرس قدیم هم در فارس رواج یافت . از زبانهای قدیم افغانستان چون آثاری نمانده تفصیلی بدست نیست فقط زبان اوستا توسط کتاب اوستا معلوم و معین شده که از حدود یکهزار سال قبل المیلاد در افغانستان معمول و مروج بوده است . واین آوانی بوده که آریانهای افغانستان در باختر اولین دولتی را بین آریانهای اسیای وسطی تشکیل کرده اند، درانعهد هندیها زندگی قبیله وی داشتند و فارسی ها محکوم استبداد آشوریها بودند ، ازین دولت قدیم باختری توضیحاتی بدست نیست جز آنکه مورخین یکنفر از شاهان او را بنام « ویشتاسب » شاه باختر در حدود هفت قرن قبل المیلاد میشناسند و از ملکهٔ او « حوتا اوس » نام می برند ، « ویشتاسب » پادشاه ملت زارع و مالداری بوده در اطراف خود شکوه و جلالی نداشت ، درین عهد افغانستان گویا مناسبات تجارتی با « اثوریها » داشته اند و هم درین عصر بود که « زر تشت » مشهور در افغانستان از خانوادهٔ امرای بلخ در منزلی بنام « ونگهوئی داریتا » قدم بعرصهٔ وجود گذاشت ، « زر تشت » در سن سی سالگی بعد از فراغت تحصیل یگانه پرستی را اعلام و «اوستا» را ظاهر ساخت واودر کوه « اشیدر » خودش را ملهم میدانست و در هجومی که « تورانی ها » از ماورای جیحون ببلخ آوردند کشته شد ، آئین زرتشت شامل قوانین و فلسفه های بوده که در اعصار مختلفه توسط دیگران تکرار شد ولی بعد ها در اثر اختلاط تورگها و آتشپرستها مخلوط و مشهور باتش پرستی گردید (درینجا ما از اختلاف اقوال مورخین راجع به تشکیل سلطنت باختری و ظهور و تعدد زر تشت ها که از ۶۹۰۰ سال تا ۲۵۰۰ سال قبل المیلاد سخن میگویند منصرف گردیده و بذکر قناعت آخرین محققین اکتفا نمودیم) و الحاصل ظهور زرتشت، افغانستان را در بین برادران آریائی همجوار خود در طریقهٔ دیانت خدا پرستی افتخار سبقت بخشید ، چنانیکه آنها در تشکیل

دولت حق قدامت داشتند . دیانت زرتشت بین جبال و رودبارهای افغانستان محصور نمانده و بسرعت داخل مملکت فارس شد ، « مادیها » و « فارس ها » اوستا را با آغوش بازی پذیرفتند و هندیها گاتها یعنی ترانه های زرتشتی را در زبان سانسکریت بسرودند .

راجع بعلوم و فنون ایندوره در افغانستان ، سخن کشاده تر نمیتوان گفت جز آنچه از اوستا معلوم میشود ، آری اوستا بهترین ممثل علوم فلسفی ، اخلاقی ؛ اجتماعی و ادبیات حتی اشعار منظوم و طب و نجوم افغانستان قدیم بحساب می رود ، بعض مورخین مینویسند از زرتشت بیست و یك کتاب مبنی بر علوم مختلفه باقیمانده که بر چندین هزار پوست گاو نوشته شده و در هجوم یونان برباد شد حتی تسمتی ازان (در موضوع طب و نجوم) بفرمودهٔ سکندر در زبان یونانی ترجمه یافت . رویهمرفته میتوان گفت افغانستان درین عهد دارای پاره ای ازعلوم اخلاق ، حفظ الصحه ، نجوم ، طب ، شعر وموزیك وفلسفه و غیره بوده اما آثار برجسته ئی از خود (باستثنای اویستا) بیادگار نگذاشته ، و اگر بوده هم در صر صر حوادث بر باد فنا رفته است .

از قرن شش تاچهار قبل‌المسیح :-

در قرن شش قبل‌المسیح هخا منشی هـای فارس بولایات شمالی افغانستان تاخت آوردند (طوایف مادی فارس تا آواخر قرن هشت قبل‌المسیح درشمال فارس محکوم دولت آثوریها بودند در اوایل قرن هفت قبل‌المسیح آزاد شده و برادران فارسهٔ خود را مطیع ساختند و در قرن شش قبل‌المسیح فارسی ها بر مادیها تغلب جسته به تشکیل حکومت عظیمی در آسیا پرداختند و سلسلهٔ هخا منشیان از ۵۵۰ تا ۳۳۳ ق . م . به تمام مملکت فارس ، آسیای صغیر ، بین النهرین ، مصر و بعض حصص دیگر حکومت نمودند .) و منجمله « کوروش » معروف ازسال ۵۵۰ تا ۵۲۹ قبل المیلاد بحمله های افغانستان پرداخت ، کوروش ولایت بلخ را فتح کرده و دولت باختری را منترض نمود اما بسایر ولایات افغانستان که در تحت ادارهٔ رؤسای وطنی بودند دستی نیافت حتی خودش نیز درسال ۵۲۹ ق . م دریکی از جنگهای که باولایات مغربی افغانستان مینمود از طرف قبیلهٔ «داهی» شعبهٔ اسکائی های افغانستان کشته شد . اما « دارا یوش اول » از اخلاف کوروش مرد بزرگی بود (۵۲۱ — ۴۸۵ ق . م) و او قسمتی از ولایات شمال و غرب و جنوب و شرق افغانستان را تا رود بار سند حتی پنجاب مسخر نمود ، درعهد او عساکر باختری افغانستان کلاه میدیائی با کمانهای وطنی و نیزهٔ کوتاه در جنگها استعمال مینمودند . بعد از دارا یوش اقتدار هخامنشی ها را سستی فرا گرفت و ولایات مفتوحهٔ افغانستان گرچه اسماً تابع دولت هخامنشی شمرده میشدند ولی استقلال داخلی آنها بکلی ازهر تحکمی مصئون بود و این تضیه تا سال ۳۳۳ ق ، م طـولی کشید - « بسوس » یکی از رؤسای افغانستان و حاکم بلخ بود که در هجوم یونان « دارای ثالث » را کشته و خود بعنوان « دارای رابع » اعلان سلطنت نمود ولی حملهٔ سکندر مجالی برای دولت او باقی نماند .

درین دوره (قرن۶ - ۴ ق . م) تجارت افغانستان با فارس و هند کشاده تر گردید و مذهب والسنهٔ افغانستان همان مذهب زرتشتی قدیم و زبان های وطنی بود ، اماخط آن زمان معلوم نمیشود چه بوده . مدنیت هخامنشی ها در زمان استیلای آنها بافغانستان تاثیری نموده و حاصل نفوذ آنها در مملکت فقط اخذ خراج و یکنـوع قدرت نظامی بود و بس، و این اوضاع تا هجوم یونان در افغانستان قرار داشت .

قرن چهار تا اول قبل المیلاد :

اسکندر یونانی درسال ۳۳۳ ق ، م باهشتادهزار عسکر فارس را فتح کرده بافغانستان شتافت و ازسال

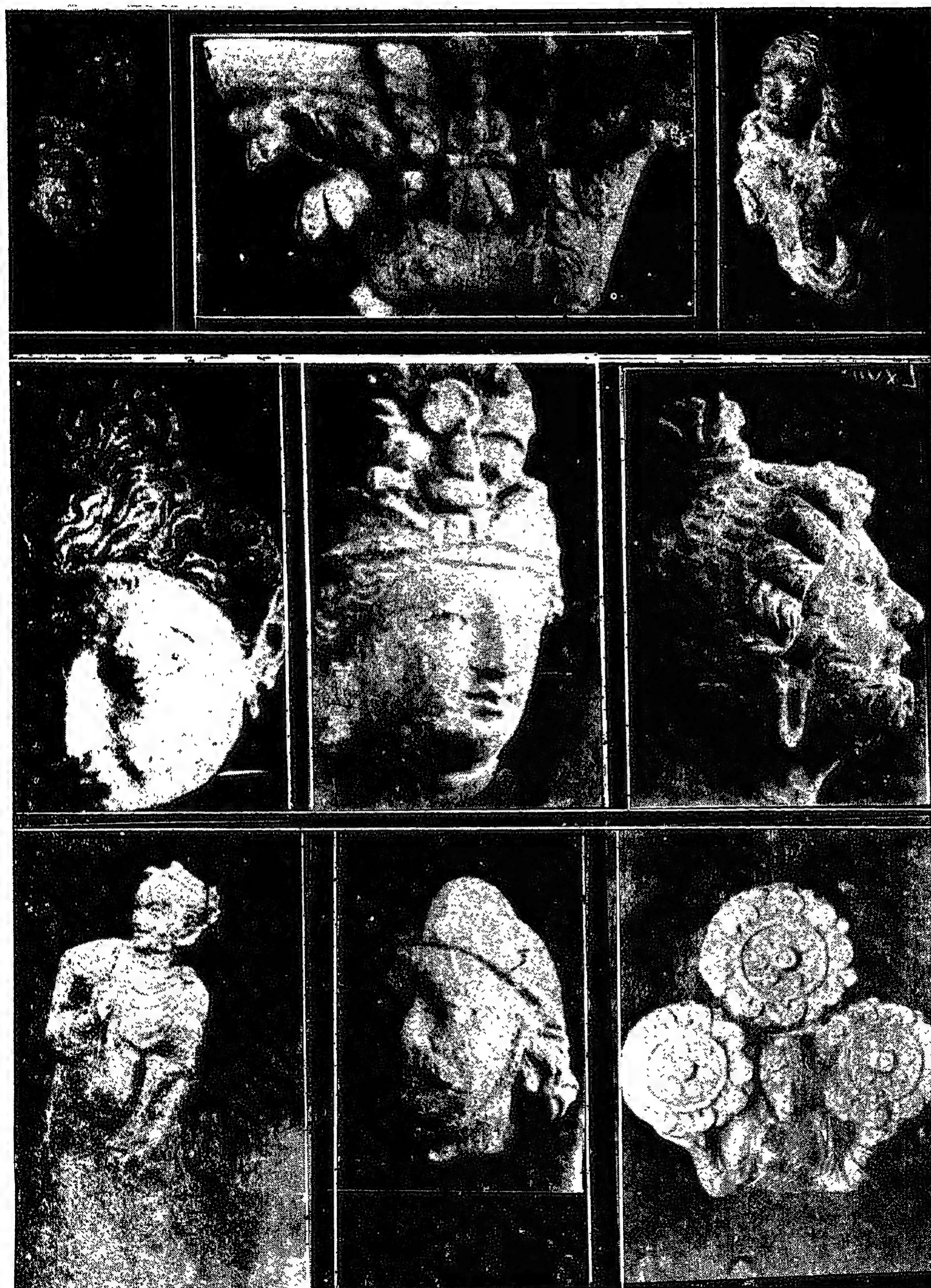
۳۳۰ تا ۳۲٤ ق . م بفتح این مملکت پرداخت، ولی سکندر درین جنگهای خود سخت ترین مدافعات اهالی افغانستان را دوچار شد بحدیکه شخصاً در حدود پنجکوره و سوات و کنر زخمی گردید - معهذا سکندر افغانستان را فتح نمود وبعد ازانکه از هرات بقندهار و ازانجا ببلخ تاسیحون رفته و دوباره از بلخ هندو کش را عبور و براه کنر، سوات و تنگهٔ خیبر به اراضی ماورای سند بگذشت از ساحل دریای بیاس براه بلوچستان جانب فارس عزیمت نمود. در افغانستان‌از طرف سکندر وخلف او « سیلوکس سکندرثانی » شهر های : - آری گاؤن، اسکندریه مرگیانا ، اسکندریه اراکوسیا ، اسکندریهٔ قفقاز ، کارتنه ، نکائی ، در اراضی بین کنر و پنجکوره ، مرغاب ، حوالی شهر قندهار ، کوهدامن ، بگرام ، بین کابل و کوهدامن اعمار گردید ، بعد از اسکندر واختلاف جانشینان او ، یونانیان باختر در بلخ به تشکیل سلطنتی مستقل پرداختند که عمر او تاقرن اول قبل المیلاد در افغانستان طول کشیده وغالباً دامنهٔ او از آسیای وسطی تاقلب هندوستان کشیده میشد . درین میانه (بعد از سال ۳۱۲ ق . م) خانوادهٔ شاهی هندوستان (چندر گپتاموریا) صفحات جنوب هندوکوه را با بلوچستان وسندو پنجاب و کشمیر از افغانستان مجزا وبهند الحاق کردند ولی از سال ۲۵۰ ق . م دولت بلخ حصص مذکوره را بافغانستان مسترد داشته و قسماً هندوستان را نیز ضمیمهٔ افغانستان نمود . در قرن دویم قبل المیلاد سلاطین پارت خراسان [« پارتها » از طوایف آریائی و اصلی افغانستان بوده و برخی آنها را از قبیلهٔ « داهای اسکائی » افغانستان شمار می کنند ، از اینها « ارشاك » نام بلخی در خراسان رفته به تشکیل دولتی پرداخت و درمملکت فارس جانشین یونانیان گردید. اخلاف او از سال ۲۵۰ ق . م تا ۲۲٦ میلادی در تعداد ۲۷ نفر دران مملکت سلطنت کردند و چون نسبت بفارس اجنبی بودند درانجا رسوم باختری و زبان و ادبیات یونانی را ترویج نمودند، وممکن پارتها منسوب بطوایف اپارتیای هیرودوتس (آفریدیهای پشتانه) بوده باشند] با دولت باختری افغانستان جنگها کرده و قسمتی از ولایت مغربی هرات را با سیستان فتح نمودند و حتی در جنوب حوضهٔ هلمند دولتی تاسیس کردند ، ولی این تسلط پارتها را دوامی نبوده در همان قرن (۱۲۸ ق . م) « اسکائی‌های افغانستان » با پارتها جنگ داده « اشك هفتم » شاه پارت را بکشتند وولایت آنها را تاراج نمودند (اینکه گویند پارتها در عهد « مهر داداول » بهندوستان تاخته اند درست نیست بلکه این یوروش بهند از طرف اسکائی های افغانستان که در تواریخ چین باسم (ملت سه) ذکر یافته بعمل رسیده وبقول بعضی هجوم مذکور از طرف کوشانی های افغانستان برده شده است)

بهر حال اسامی شاهان یونانی افغانستان از تاریخهای رومی و یونانی تا هفت هشت نفر معلوم میشود اما مسکوکات آنها زیاده از چهل نفر را شمار می کنند ، ممکن است چندین نفر ازانها در یکوقت در حصص مختلفهٔ افغانستان حکومت داشته و سکه میزدند ، مشهور ترین این پادشاهان بعد از سیلوکس اسکندر (نکاتور) و « انتیاکس اول » و ثانی ، اینهاست : - تهیودوتس ، یوتهی دیمس، دیمتریس، یوتهی دیمس ثانی ، یوکری دیتس ، اپالودوتس ، هلیاك بلیس ، فلوزینس. درعهد اینها حدود سیاسی مملکت افغانستان از یکطرف رودبار سیحون و از طرف دیگر خلیج کامبی (در ساحل غرب شمالی جزیره نمای هند) و در شرق شمال سرحدات مملکت چین بوده . در اواخر قرن دویم قبل المیلاد سلطنت باختر بواسطهٔ جنگهای پارتها و خانه جنگی ها رو به تنزل رفته و در حدود ۱۲۷ ق . م در نتیجهٔ نفوذ و اقتدار قبیلهٔ کوشانی (منسوب بطوایف تخاری افغانستان) حکومت باختر در صفحات شمالی هندوکوه بر افتاد ، اما هنوز حکومت های یونانی در صفحات جنوب هندو کوه و هندوستان غربی موجود بوده و اینها تا پنجاه سال قبل المیلاد حتی در حوضهٔ کابل تااوایل قرن اول میلادی حکومت داشتند .

این حکومت ها بطور شاهان کوچك و مستقلی بشمار میرفتند ، اما از انها سوای مسکوکات آثاری

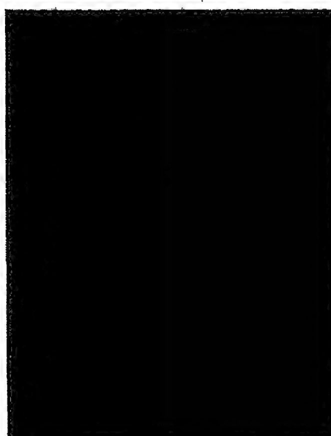
۲۹ قطعه تصاویر ذیل نمونه ایست از مدنیت و صنعت معروف و قدیم (گریکو بودیك) افغانستان که در سالهای ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ هجری توسط هیئتهای علمی فرانسه و افغان در مواضع هدهٔ شریفه، باغ گاهی و پراتس، کافرتپه و غیره در مرکز ولایت قدیم گنند ها را (سمت مشرقی و جلال آباد) در نتیجهٔ حفریات بدست آمده و در موزهٔ کابل نقل داده شده است. این چند قطعه تصاویر که مدنیت نزدیك به دو هزار سال پیشتر افغانستانرا نمایندگی میکند، از کلکسیون و تصاویر تاریخی موزهٔ کابل درینجا اقتباس و چهاپ شد.















(۳) قطعه تصاویر ذیل از مجسمه های تاریخی افغانستان است که در سال ۱۳۰۳ هجری‌از (پاتاوۀ — کوهدامن) کشف شده و در موزۀ کابل موجود است ، این‌مجسمه‌ها نیز نمونه همان صنعت گریکو بود یك افغانستان درنواحی کابل بشمار میرود .



صنم صاحب الشجر یاملکة « مایا » مادر بودا که وقت زائیدن دست بشاخ درخت (اشوکا) زده است .



برهمن ها



بداسا کیامونی

(۷) قطعه تصاویر (سنگ های نوشته) ذیل از کلکسیون تصاویر تاریخی موزهٔ کابل درینجا نقل شد . سنگ های مذکور از علاقه های لمپاکا (لغمان) مثل درهٔ النگار ، درهٔ الیشنگ ، حصص پریانه بدست آمده هنوز مضمون و تاریخ آنها معلوم نشده ، و برای همین مقصد عکس های شان به فرانسه فرستاده شده است .





شیرهای سنگی قدیم در قندهار



سومین دایرهٔ منقوش حصهٔ برجستهٔ طاق بودا - ۵۳ متری
بامیان



جزئیات اولین دائره منقوش حصه برجسته طاق بودا- ۵۲ متری
بامیان



تصاویر رنگه که حصهٔ برجستهٔ بزرگترین طاق بوداکشته را زینت داده است
بامیان

بدست نیست ، از سکه ها اسامی دوازده تن از آنها معلوم میشود ، رویهمرفته میتوان فهمید این پادشاهان کوچك در چهار حصه تقسیم میشدند : ـ وادی فوقانی کابل ، وادی تحتانی کابل ، حوزهای پشاور ، پنجاب. درین دورهٔ ملوك الطوایفی یك خاندان شاهی دیگری از آرین های افغانستان بنام (سسی) نیز در حدود دریای کابل وخطیکه در همین عرض البلد طرف مشرق کشیده شده حکمرانی مینودند واسمای آنها اینست : ـ ماوس، ازیس ، ازی لیس ، اونی نیس ، سپالیری سس . هکذا درین دوره ولایات سیستان و زابلستان در تحت اداره رؤسای وطنی طوایف « اسکائی » افغانستان زندهگی مینمودند واین اسکائی ها همانهائی استند که در قرن دویم قبل المیلاد مملکت فارس را زیر و زبر کرده بودند . و الحاصل از قرن اول مسیحی « شاهان کوشانی » افغانستان جای یونانیان را در تمام افغانستان گرفتند .

در عهد یونانیان باختری مذهب زرتشتی در افغانستان سقوط نموده و قسماً ارباب انواع پرستی یونانیان بر روی کار آمد ، وزبان یونانی با علوم ادب و طب و فلسفهٔ یونانی داخل زبان افغانستان گردید و صنعت یونان رواج یافت ، متعاقباً دیانت بودائی قدم در افغانستان گذاشته رو بعروج رفت بحدیکه نوبهار بلخ (مرکز زرتشتی) کانون مذهب بودا محسوب گردید ، ظهور ونشو ونمای صنایع « گریکو بودیك افغانستان » نیز درین دوره بعمل آمده و مدنیت مخصوص « باختری » را بمیدان کشید ، این مدنیت افغانستان بکلی از تمدن های ملل همجوار (هند ، چین ، فارس) جدا و ممتاز بود ، افغانستان این مدنیت جدیدرا در ممالك وسیعهٔ هند و چین بسط داد چنانیکه در صنایع منسوبه بقرن دویم قبل المیلاد چین نفوذ و اثر صنایع باختری مشاهده شده و محققین ازان ذکری کرده اند ، زبان باختری افغانستان درین دوره بازبان یونان یکجا بکار میرفت و این مطلب از مسکوکات « یوتی دیمس » و « یوگرا تائید یس » شاهان باختری معلوم میشود ، بعلاوه در اثر نفوذ بودائیت در افغانستان خط هندی هم مروج گردید ، از پهلوی تجارت افغانستان درین دوره پیشرفته و باختر مرکزتجارت های هندوستان و اوروپا از راه ماوراءالنهر وبحر های خزر و سیاه گردید ، ثروت آنوقتهٔ افغانستان را مسکوك طلای « یوتیدیموس دویم » شاه باختر که (۰،۵ ، ۱۶۸) گرام وزن داشته و بیست برابر طلای یونان و فارس بود نمایندهگی می کند واقعاً هیچ پادشاهی توسط سکه اینچنین نمایشی ازثروت خود نداده . و هم در عهد همین پادشاه بود که مسکوکات (نکل) از افغانستان برای بار اول در دنیا ظاهرشد . اماخود یونانیان درین دوره بااهالی افغانستان مخلوط شده ، ودرچند قرن بکلی قومیت خود را از دست دادند .

قرن اول تاپنج مسحی :

در قرن چهار قبل المیلاد از بعضی طوایف معروف افغانستان در بلخ ذکری شده از قبیل اسکائی ها، چوراسمی ها ، ساکدیها . اما از طوایف تخاری افغانستان درانجا هنوز نامی برده نشده ، و فقط اسم تخار ها از قرن دویم قبل المیلاد در باختر یاد میشود ، « تخار ها » طوایفی از آرینهای افغانستان و از سکان ولایت بدخشان و قطغن استند که حتی ولایت مذکور بنام آنها تخار و « تخارستان » یاد شده و این اسم تا قرون اولیهٔ اسلام در مورد آن ولایت اطلاق میگردید ، مورخین قسماً تخار ها را علی‌الرغم چینی ها (چینی ها طوایف تخاری را بنام « یوئیچی » یاد کرده ومسکن اصلی شان « بولونسزیز » را در سرحدات خود چین میشمارند) ازشاخهٔ طوایف اسکائی افغانستان که آنهم آریه استند میشناسند و بهمین جهت است که آنهارا بلحاظ استیلا درهندوستان گاهی شاهان «هندوسکائی» میخوانند بعضی ها از روی مسکوکات شاهان « کوشانی تخاری » که صورت سلاطین آنها دارای دماغ قوی و برجستهٔ کشیده ، چشم کلان، ریش انبوه ، لب های قدری کلفت است تخار ها را اسلاف پشتونها میدانند .

علی ای حال تخار ها از قرن دویم قبل المیلاد در باختر قدم نهادند و در قرن اول قبل‌المیلاد حکومت یونانی

باختری را برانداختند ومتعاقباً بصفحات جنوب هندوکوه کشیده ودرنصف قرن اول میلادی قبیلهٔ کوشانی تخاری به تشکیل سلطنت عظیمی در افغانستان پرداختند ، ابتدای حکومت کوشانیها بقولی ازنصف قرن اول قبل‌المیلاد و بروایتی از نصف قرن اول بعد المیلاد (٤٠ مسحی) بوده و تانصف قرن پنجم میلادی (٤٣٠ مسحی) طول کشیده است ، در طول اینمدت هژده نفر از خاندان کشن ها سلطنت کرده اند مشهور ترین آنها « کادفزس اول » « کادفزس ثانی » « کانیشکای اول » کانیشکای ثانی » و «اوشکا» است، چینیها «کانیشکارا» «کیانی ساکیا » و هوشکا (یا) اسود یورا « کیو چیؤ خیؤ » خوانده اند و کشمیری ها « وانکوچیؤی » چینی ها را « جوشکا » گفته اند .

سلطنت کوشانی های افغانستان درانعهد از قویترین دولتهای آسیا بحساب میرفت و در قرن دویم مسیحی ولایات یار کند ، ختن ، کاشغر بافغانستان الحاق یافت ، جغرافیای سیاسی افغانستان دران وقت بعلاوهٔ افغانستان حالیه و پنجاب و کشمیر شامل قسمتی از مملکت هندوستان از بحر عرب تادریای گنگاو تورکستان چینی بوده و پایتخت اینهمه ممالك وسیعه گاهی کابل ودر زمستان ها پشاور بود بعضاً کشمیر هم مرکز شمرده می شد . دولت کوشانی چون از اطراف خود باممالك چین ؛ هند ؛ پارت (خراسان) محدود بود ، لهذا غالباً با این ممالك رزم ها داده وازآنجمله است جنگی که درقرن اول مسیحی بین افغانستان و چین رخداد درمابین سالهای (٨٠ ـ ٩٠ مسیحی) جرنیل مشهور چین « پان چیو » کاشغر را تاخته و با افغانستان رزم نمود ، شاه کوشانی درینجنگ آنقدر مقاومت نمود تا کشته شد و شاه جدید افغانستان که چینی ها اورا « خوئین تسو » مینامند اطاعت چین را قبولکرد ، حتی دولت پارت در خراسان و فارس نیز اطاعت چین را قبولکردند ، وچین ها دراثر همین فتح بخارا را متصرف شدند . ولی درقرن دویم شاهان کوشانی بتورکستان چینی تاخته وختن را با یارکند وکاشغر ازچینی ها گرفتند و باینصورت تلافی از گذشته نمودند، هکذا درقرن اول شاه کوشانی که چینی ها اورا « کی تو لو » خوانده اند درمیدان های پشاور باعساکر پارتی جنگ سختی نموده است ـ یکباری هم هنگامیکه رومی ها دوست متعهد افغانستان بفارس تاخته و خلیج فارس را اشغال نمودند کوشانی ها بر علیهٔ رومیان داخل کارشدند ـ بعد از انقراض پارتی ها و استقرار دولت ساسانی درفارس باز هم جنگهای متعددی بین افغانستان وفارس رخداده و بالآخره همین جنگهای متواترهٔ خارجه از قرن سوم مخصوصاً ازقرن چهار اسباب ضعف دولت کوشانی گردید .

دولت کوشانی درایام صلح بعلاوهٔ روابط تجارتی باممالك خارجهٔ چین ، فارس، هند، مناسبات سیاسی با رومی ها نیز داشتند ویکبار سفیری بدربار روم فرستاده ، ودو بار سفرای رومی را قبول کردند ، می‌نویسند روابط اولین افغانستان و روم در عهد « کانیشکای کوشانی » و « مارك انتوانت قیصر روم » (تا ٣٠ سال ق . م قیصر بوده) آغاز نموده وبعد ها با « اگوست » و « وژوایوس سزار » این مناسبات تحکیم و معاهداتی عقد گردیده است (موضوع معاهدات معلوم نیست چه بوده) کوشانی ها کمك مادی هم بروم ها نمودند بعلاوه کوشانی ها در اوائل با ساسانی ها نیز خویشاوندی داشته و یکی از شاهان فارس بمصاهرت سلطان افغانستان موفق شد .

افغانستان در دورهٔ کوشانی ها تجارت با رونق و وسیعی داشت و تجار او در ممالك دور دست سفر مینمود ـ ازان جمله چند نفری را در اسکندریه ذکر می کنند. درآن زمان بلخ مرکز تجارت بین المللی ومحور شاهراهای عمده و ثلاثهٔ اسیا بحساب میرفت و ازغرب بجانب امپراطوری رومن، از شمال‌شرق بطرف براعظم چین و از جنوب شرق بطرف سواد عظیم هندوستان مربوط بود .

اما صنایع و علوم و مدنیت افغانستان مخصوصاً صنعت حجاری و مجسمه ترا‌ئی درین دوره بسی ترقی کرده

و مکاتب صنعتی گریکو بود یك در ولایت گندها را (کابل و پشاور) تاسیس یافت و موضوعات افغانستان و شرق لباس غرب پوشیده و در اثر روح بود ائی و ژنی یونان بهترین شاهکار های صنعتی در افغانستان بوجود رسید ، دورهٔ این‌مدنیت از قرن اول تا پنج مسیحی طول کشید و بعضاً از آثار و تصاویر بامیان ظاهر شد که صنعت ایندوره مجموعهٔ قشنگی از طرح آریائی افغانستان و فارس و طرز هند و چین و یونان است ، همچنین تاثیر و نفوذ صنایع ایندورهٔ افغانستان درممالك دور دستی به ثبوت رسیده از قبیل اشکال درهٔ شاپور فارس که فتح « شاپور » را بامپرا طور « والرین » نشان میدهد ، وقیافهٔ که موسیو (روتر) در شهر بابل مشابه وقریب « رب النوع مهتاب » بامیان کشف کرده ، هکذا آثاری که در تورکستان مشرقی از نواح در یای طارم و در ماورای رود سند از « تکسیلا »و در اسیای مرکزی از تزئینات « کای زایل » و غیره مکشوف گردیده است .

در دورهٔ کوشان ها دیانت بودائی ترقی کرده و سرتا سر افغانستان را فرا گرفت چه کانیشکا مشهور ترین شهنشاهان این‌سلسله تمام مساعی و همم خود را در دسترس عشق بمذهب بودا گذاشت لهذا معابد مذهبی در مملکت آباد شد وازان جمله بود معبد ـ نفیسی که هنگام دخول اسلام درپشاور وجود داشت ، بزرگترین یادگار های مذهبی آن دوره اصنام مشهوره بامیان است .

کانیشکا درقرن اول مسیحی یك«لوی جرگهٔ» مذهبی در کشمیر وبقولی درجالندر مرکب از پنجصد نفر علمای روحانی منعقد ساخته و درنتیجهٔ سه رسالهٔ مذهبی بنام « تری پتکا » (سه سبد گل) در تشریح برقانون بده تالیف و در الواح مسین بحروف « پالی باختری » یا « سانسکریت » نقر گردید و مبلغین برای این مطلب در آسیای مرکزی وچین فرستاده شد ، مورخین هند میگویند دولت کوشانی های افغانستان درتهذیب هندوستان تاثیرات و مدخلیت بزرگی داشته است هکذا در دیانت مملکت چین نافذ بوده اند .

در دورهٔ کوشانی ها بعلاوهٔ السنهٔ سابقهٔ افغانستان از قبیل یونانی و آریانی باختری و لهجه های مختلفهٔ محلی خط و زبان هندی با علوم سانسکریت ترقی زیادی کرد ، معهذا از مسکوکات کوشانی همان زبان یونانی وزبان وطنی افغانستان اشکار است واین زبان ها درمسکوکات آنها به حروف تهجی خروشی (مشتق‌ازآرامی) منقوش میگردید این الفبارا گاهی آریانی وگاهی بنام (پالی باختری) یاد میکنند و گویند باحروف سانسکریت شبیه بود، قاعدهٔ عدد نویسی باختری افغانستان از الواح مسین مکشوفه از تکسیلا ظاهر گردیده است. از مسکوکات کوشانی ها نیز همان خصوصیت صنعتی افغانستان که مجموعهٔ از طرح های متعددهٔ افغانستان وهند ویونان بود ، معلوم میشود چنانیکه سکه ها درزبان وطنی افغانستان و یایونانی بحروف خروشی ویونانی ضرب شده ودریکروی آنها غالباً شکل (هریکلیز) معبود یونان ها ویا (مترا) و غیره فرشتگان زرتشتی افغانستان ویا (شو) آلهٔ حرب هند منقوش میگردید، گاهی هم درین سکه‌ها نمونهٔ ازصورت معبودان بابل و مصر منقور میشد .

بعلاوهٔ زبانهای سابق‌الذکر یك زبان دیگری نیز درافغانستان وجود داشته که از قرن اول مسیحی یعنی آغاز سلسلهٔ کوشانی غالباً تاقرن دهم معمول بوده است واین زبان را « بنام سکی » و « ختن قدیم » یا ایران مشرقی یادمیکردند وهم اورا زبان تخاری خوانده اند، میگویند این زبان تخاری ازجهت فرهنگ بیشتر هندی وازجهت صرف بیشتر آریانی (ایرانی) وازجمله السنهٔ ادبی هند واروپا درآسیای مرکزی است . علی ای‌حال زبان تخاری باطوایف تخاری افغانستان مربوط بوده ولی تحقیقاتی در آن باب بدست نیست ، جز اینقدر که زبان تخاری دارای ادبیاتی بوده واین مطلب از یکفقره آثار بودائی تورکی معلوم شده که اونیز از زبان‌تخاری ترجمه یافته است .

والحاصل سلسلهٔ کوشانی درقرن سوم میلادی درنتیجهٔ جنگهای ساسانی هاضعیف شده ودرقسمت‌های شمالی افغانستان مغلوب شدند ودراوایل قرن چهار (۳۰۲ مسیحی) در هندوستان ازطرف سلسلهٔ «گپتاهای ثانی» منقرض گردیدند ومتعاقباً کشمیر ازدست شان برآمد ، ضعف کوشانی ها درسال ۳۵۹ مسیحی بانتها رسید ودرهمین قرن درولایت گندها را (حوضه های پشاور وجلال آباد) از طرف یك قبیلهٔ دیگر تخاری که به یوئیچی های صغیر معروفند منقرض گردیدند ، ازین بعد فقط یك سلسلهٔ کوچك کوشانی بصفت سلطنت درحوضه های کابل تاقرن پنج باقیماند که ازان جمله بود پادشاه «تاپکی مالیك» کوشانی ـ کوشانی ها ازین بعد بجانب موطن قدیم خود حرکت کرده و درجهت غرب بدخشان سکونت اختیار کردند ، ولی هجوم های طایفهٔ «جوان جوان» های تاتاری فرصت زندگی را ازانها در بدخشان سلب کرد والهذا بهجرت بلخ تن دادند و دروقتیکه بجانب بلخ مسافرت میکردند قبیلهٔ «هیاطله» ازهمین تخار ها از برادران کوشانی خود جدا شده وکوهای هندوکش را عبور نمودند ، هیاطله ها بعد از ورود بکابل سلطنت آخرین کوشانی را بر انداخته و خود ها به تشکیل یك سلطنت عظیمی در افغانستان پرداختند .

قرن پنج تاهفت مسیحی ،

دولت هیاطله :

هیاطله یا یفاطله که آنها را هفتالیت نیز خوانده اند مثل کوشانی ها قبیلهٔ هستند از طوایف تخاری افغانستان ، جای آنها را مورخین در بدخشان دانسته و شهر های یفتل را در بدخشان علیا و سفلی یادگار آنها میشمارند ، شهر اول در بدخشان علیا تا هنوز بشکل قریهٔ موجود و شهر دویم در بدخشان سفلی (قطغن) بوده و حالا خراب و معدوم است . نام هیاطله تا دورهٔ اسلام در مورد بدخشان وقطغن وحتی بامیان اطلاق‌شده چنانیکه مورخین افغانستان واسلام شاهان غوری بامیان را نیز بنام ملوك‌هیاطله ذکر کرده اند . هیاطله ها طایفهٔ سوار کار وتیرانداز قابل و شجاعی بحساب میرفتند ، و در قرن پنج مسیحی غالباً اراضی سواحل آمون را میتاختند ازهمین جهت ترکتازهای مهیب مورخین آنها را به هونهای وحشی‌تشبیه کرده و (هونهای سفید) خوانده اند . بهرحال بعدازانکه هیاطله ها بازمانای کوچك کوشانی ها را در صفحات جنوب هند وکوه برانداختند خود به تشکیل دولتی در افغانستان پرداختند که عمر این سلطنت قوی و عظیم در افغانستان تا سال ۵۶۵ مسیحی‌امتداد داشت ، مشهورترین شهنشاهان هیطل‌توامان ، مهیرا گل‌وافتالانوس است . جغرافیای سیاسی افغانستان در دورهٔ هیاطله ها شامل مملکت حالیهٔ افغانستان وسغد (بخارا ، سمرقند) پنجاب ، کشمیر ، سند ، کاشغر ، ختن ، بوده وپایتخت آنها گاهی شهرساکلا (درشمال پنجاب) شمرده‌میشد .

حکومت هیاطله ها زیاده‌تر یك حکومتی عسکری وغالباً مصروف جنگ وجدال باهمسایه ها بوده‌اند، از آنجمله فارسی ها صدمات سختی از هجومهای عسکری اینها متحمل شده‌اند چنانیکه هیاطله‌ها بهرام‌گورنام شاه فارس‌را درسال ۴۲۰ مسیحی بکرات بشکستند وخلف اورا سخت فشارها دادند بحدیکه «افتالانوس» شهنشاه هیطل آنکه او را فارسیان «خوشنواز» خوانند «فیروز» شاه فارس را اسیر نمود و ولیعهدش را یر غمل گرفت ودختر اورا درحرم خویش‌داخل نمود و باینصورت انتقام برادران کوشانی‌خودرا ازفارسی ها گرفت . بعد ازین واقعه هیاطله ها مملکت فارس‌را موقتهً اشغال نمودند واین استیلا تاجلوس «بلاش» شاه فارسی طول کشیده، ساسانی ها همیشه بدولت هیاطله باج وخراج میپرداختند وتحف وهدایا ارسال مینمودند و بدینصورت تااندازهٔ مملکت خود را از هجوم پادشاهان افغانستان حفظ می‌کردند ، رومی ها که دشمن فارس و ازجنگهای آنها بستوه بودند ؛ در دورهٔ شاهان هیاطلهٔ افغانستان نظر بمشغولیت و مغلوبیتیکه فارسی ها بمقابل افغانستان داشتند بکلی ازطرف آنها مامون ومصئون گردیدندحتی ازادای باج ونقودیکه‌بفارسی‌ها باایستی به پردازند انکار نمودند .

علی ای حال دولت هیاطله ها بعلت گرفتاری بجنگها چندان به ترقی تمدن وعلوم نه پرداختند ، حتی گویند آنها مدنیت قدیم افغانستان را برانداختند وعمرانات نفیسه را تخریب نمودند، ولی مضامین «هونستن» سیاح معروف چین میفهماند که دولت هیاطله در معابد خزینه ونفیس بودائی افغانستان و عمرانات او چندان خرابی و بی انتظامی اساسی وقصدی واردنکرده است، حفریات هدهٔ «مقدسه» و«کوهدامن» (کاپیسا) وآثار «بامیان» درچندسال پیش نیز مضمون های هونستن را تائید نمود ، اضافه چون تاریخ وآثار روشنی از هیاطله‌های افغانستان بدست نیست نمیتوان درین زمینه داخل توضیحاتی شد جز اینقدرکه اگر هیاطله ها در امحاوتخریب عمرانات ومدنیت وطن خود افغانستان سعی نکرده اند به ترقی و تمدن او نیز همت نورزیده ویا فرصتی نیافته اند .

در قرن شش مسیحی دولت هیطل را بعلاوهٔ فارسی ها یکدشمن قوی وتازه نفس دیگر مثل تورکها از ما ورای جیحون تهدید می نمود و هکذا در ماورای سند دشمنان جدیدی پیدا کردند ، عاقبت در نصف همان قرن «دیزابول‌خان» نامی ازخاقانهای تورك که قبلاً بواسطهٔ هجومهای متواتره قوای دولت هیطل را درصفحات بدخشان وقطغن ضعیف ساخته بود بیك حملهٔ قطعی اقدام کرده ودرنتیجه ولایت تخارستان را که درانعهدشامل «۲۷» علاقه بود مسخر ساخت. ازطرف دیگر حمله های پاد شاه (ما کد) نامی در هند کشمیر را ازتصرف عسا کر هیطل برآورد و بقایای هیاطله در ماورای سند مجبور بقبول دین هنود و اقامت دایمی درانسر زمین گردیدند ، بعض مؤرخین قسماً راجپوتهای حالیهٔ هند را از اخلاف همان هیطل ها میدانند ، حمله هـای محکم نوشیروان شاه فارس در سال ٥٦٥ مسیحی کار دولت هیطل را در افغانستان یکسره ساخت ، و چنانیکه تورکها سواحل راست نهر آمون را اشغال کرده بودند آنها سواحل چپ جیحون را متصرف شدند ، ازین بعد افغانستان قسماً تجزیه گردیده و قسماً بصورت ملوك الطوایفی مستقل شد ، چنانیکه در تخارستان (قطغن وبدخشان) نفوذ تورکها و درآریانه (هرات) باختر (بلخ) سیستان، تسلط ساسانی هاپهن گردید ووادیهای کابل‌وزابل (قندهار) وبلوچستان وگندهارای شرقی‌وشمالی (حوضه های پشاور ، سوات وغیره) در تحت امرای بومی مستقل گردیدند ، مشهور ترین این حکمداران محلی همان رتبیل‌ها یعنی شاهان حوضه های کابل و حکمداران قند هار است . هکذا بلوچستان ، پنجاب ، کشمیر ، مستقل شدند . و این مطلب تا قرون اولیهٔ اسلام طول کشید .

تورکها ؛ چینی ها :

اما تورکها قبایل بدوی ومالداری در ماوراءالنهر بوده وسواران آنها غالباً مصروف شکار وتاخت وتاز ممالك همجوار بودند ، اینها درماوراءالنهر از وقتیکه قوت یافتند در چند حصه منقسم گردیده وهر یك درتحت ادارهٔ خوانین خویش بسر میبردند وبعضاً خوانین هم در وقت لزوم از خاقان کل اطاعت میکرد، قسمت بزرگ تورکهاهمان جماعت معروف به «تورکان‌غربی» است که مرکزخان آنها درحوالی شمالی تاشکند حالیه بود وجماعت دیگر آنها تقریباً در سمرقند تمرکز داشتند ، رویهمرفته تورکها ازقرن پنج مسیحی در شمال افغانستان بلند آوازه شدند ویغما های وحشیانهٔ آنها درهمان قرن در ولایات تخارستان افغانی اسباب ضعف دولت هیاطله می گردید ، بالآخره خاقان آنها دیزا بول خان که معاصر نوشیروان فارسی بود در نصف قرن شش بافغانستان تاخته وبدخشان‌وقطغن را استیلا نمود متعاقباً فارسی ها ولایات شمال وغرب افغانستان‌را استیلا کردند ودولت هیطل بکلی منقرض گردید. بهرحال تسلط تورکها در تخارستان بسیار دوام نداشت وتا اندازهٔ باطاعت رؤسای هیطلی محلی قانع بودند ، «هونگ تسان» زوار چینی درهنگام مسافرت معروف خود در افغانستان وقتیکه به تخارستان رسیده بود میگوید (٦٣٠ مسیحی) حکمرانهای کوچك هیاطله موجود استند که خاقان تورك را اطاعت مینمایند . وازین صاف معلوم میشود هنوز اقتدار رؤسای محلی افغانستان محونشده وعالبین خارجی استقلال محلی آنها را احترام می کرده اند .

درقرن هفت مسیحی چینی ها متوجهٔ ممالك افغانستان وماورالنهرشدند وبطوریکه هونستن مذکورمیفهماند درحدود ۶۳۰ مسیحی نفوذ چینی‌ها به‌بدخشان و قطغن داخل شده بود ، بالآخره در همان قرن قشون چین تخارستان را از تورکها متصرف شده بخارا و ماوراءالنهررا اشغال کردند ، حتی بعضی گویند چینی ها قسماً افغانستان را از جیحون تارودبار سند مسخر نمودند ، ولی باآنچه میتوان اعتماد کرد اینست که چینی ها بعلاوهٔ بدخشان وقطغن ولایت بلورستان افغانی را درشرق شمال حالیه مملکت (نورستان وچترال) نیز اشغال نمودند باکل حال تسلط چینی ها درحصص مفتوحهٔ افغانستان مثل تسلط تورکها ناپایدار بود ودرهمان قرن هفت مسیحی دراثر شورش رؤسای محلی افغانستان که مقارن ظهور اسلام درآسیا بود، چینی ها ازافغانستان طردوتبعید شدند.

ساسانی ها :

ساسانی ها دولت معروفی در مملکت فارس بودند که از سال ۲۲۶ تا ۶۵۱ مسیحی چندین نفر حکومت داشته. و در ممالك همجوار فتوحاتی نیز نموده اند . نوشیروان یکی از پادشاهان این سلسله بود که در سال ۵۶۵ مسیحی ولایت بلخ وهرات وسیستان را از افغانستان مجزا و بمملکت فارس الحاق نمود ، تسلط ساسانی درولایات مفتوحهٔ افغانستان از قرن شش تا هفت مسیحی درمدت تقریباً ۷۶ سال طول کشید ، ولی درتمام اینمدت رؤسای محلی افغانستان دارای استقلال داخلی بوده وساسانی ها استقلال شان را محترم میداشتند ، و ازانجمله بود سلسلهٔ شاهان محلی غور افغانستان (منسوب بسلسلهٔ سوری های پشتانه) حتی ماهوی سوری یکی ازشاهان همین سلسله وحکمران «مرو» بود که آخرین شاه فارس « یزد گرد » را درمرو بکشت وحصص مفتوحهٔ ساسانی ها درافغانستان بکلی‌آزاد گردید ، ازین بعد است که دورهٔ دویمی درتاریخ افغانستان آغازمیشود .

اما زبان ، مذهب ، صنعت از قرن شش تا هفت مسیحی در افغانستان :

مدنیت مشهور افغانستان از دورهٔ باختریان آغاز نمود وازقرن اول‌مسیحی مخصوصاً صنایع مشعشع « گریکو بودیك» در افغانستان رو بعروج رفته وتاقرن پنج مسیحی عمر نمود ، حفریات علمی چند سال پیش در بامیان کوهدامن ، هده ، این مطلب را ظاهر نمود که آثار قیمتدار گریکو بود یك مکشوفه متعلق قرن اول تاپنج مسیحی است ، وبنوعیکه قبلاً متذکر شدیم هیاطله ها به‌تخریب این صنعت ومدنیت افغانستان سعی نورزیده اند ولی دراثر جنگهای داخلی وخارجی فرصت ترقی درمدت یکقرن از آنها مسلوب شده وخرابی های هم وارد مملکت گردید ، هجومهای تورکها وچینی ها برتنزل صنایع وتخریبات مدنی مملکت افزود ، ساسانی ها هم درمدنیت وصنایع حصص مفتوحهٔ افغانستان تاثیرات مهمی نداشتند چونکه اصلاً مدنیت ساسانی دارای جنبه‌های مصنوعی بوده وعلوم آنها منحصر میشد به تراجم یونانی ، هندی ، سامی ، کارهای ساختمانی در فارس توسط محبوسین «بیزانس» صورت میگرفت واز پهلوی اقتصاد هم نسبت بافغانستان ضعیف بودند چه وسیلهٔ تجارت‌آنها طلای بیزانس بود ودرتمام فارس شهر معموری مثل شهر های بلخ ومرو افغانستان وجود نداشت . بهر حال گویا تنزل مدنی وفنی افغانستان ازهمان قرن پنج شروع شده و در قرن هفت درنتیجه جنگهای مذهبی ومحارب خارجی ها بکمال رسید واین قضیه ازتحقیقاتی که راجع بمعابد واصنام بامیان شده بوضاحت آشکارگردیده است .

مذهب عمومی افغانستان درین دوره (قرن پنج تاهفت مسیحی) همان دیانت بودائی بوده و تا ظهور دیانت مقدسهٔ اسلام درمملکت باقی بود وضمناً بسیار کم مذهب نسطوری نصرانی درشهر های مرو و هرات افغانستان نیز نفوذ نمود وحتی معابدی برای پیروان این مذهب در آن بلاد آباد گردید . السنهٔ این دورهٔ افغانستان عبارت ازالسنهٔ مروجه عهدکوشانیان (قرن اول تاپنج مسیحی) بود، وبعلاوه السنهٔ وطنی چون تخاری ، دادیکی یا تاجکی ، باختری ، پشتو ، هروی ، زاولی ، سکزی ، باجوری ، بلوری ، بلوچی ، السنهٔ اجنبی یونانی و

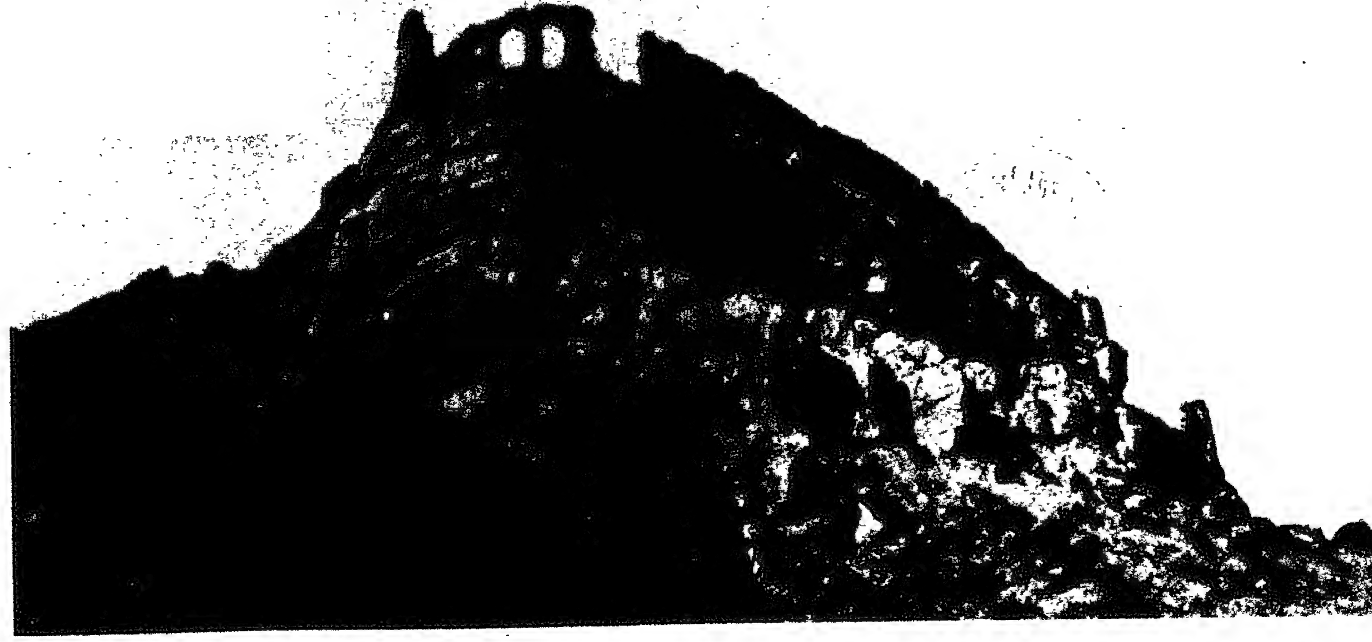


منظر عمومی خرابه های قلعهٔ ضحاک در بامیان



حصه مرکزی صحنه منقوشیکه قسمت فوقانی طاق بودا ۳۵ متری را مزین نموده است

بامیان



سمت جنوبی قلعهٔ ضحاک (بامیان)

هندی هم وجود داشت ، نفوذ تورکها و فارس ها لغات تورانی وساسانی (پهلوی) را نیز قسماً در السنهٔ وطنی افغانستان داخل نمود ، واین بود اوضاع افغانستان تا ظهور اسلام .

(دوره دوم)

از ظهور اسلام تاقرن حاضر

ازقرن اول تاهفت هجری = قرن ۷-۱۳ عیسوی:

محارب وتسلط مسلمین :

درعهد جناب خلیفهٔ اول رضی الله عنه مسلمین حیره را در عراق فتح کرده و تاخلیج فارس پیشرفتند ولی این پیشرفت را دوامی نبود، درعهدجناب خلیفهٔ ثانی رضی‌الله عنه ابوعبید ثقفی ومتعاقباً سایر رؤسای‌عرب فارس را مسخر نموده و در خراسان افغانستان قدم نهادند ، عبدالله عمر (رض) درسال ۲۳ هجری ولایت سیستان را از رؤسای وطنی انتزاع نمود . درعهد جناب خلیفهٔ ثالث رضی الله عنه آخرین شاه فارس «یزدجردشهریار» درمرو ازطرف «ماهوی» افغان سوری حکمران آنولایت کشته گردید وبلا فاصله مسلمین ولایات هرات و بلخ را کشادند اما شهر شهیر بلخ در مقاومتی که نشانداد خراب‌شد، درسال ۳۱ ه «احنف» بن‌قیس ولایت بدخشان وقطغن را کشود ودر ٤٤ ه ولایت قندهار فتح شد . درمرور این اوان قسمتی از ولایت غور غربی به مسلمین تسلیم شدند ولی ولایت کابل که مرکز یکدولت وطنی بود با مسلمین حربهای سختی مینمودند . در دورهٔ خلافت امویها واواخر قرن اول هجری ولایات سند و ملتان حتی ماوراءالنهر وکاشغر ازطرف مسلمین فتح گردید در ۱۰۷ ه «اسد» سردارعرب باغرچستان (هزاره جات حالیه) وبامیان جنگهای صعبی کرد و درهمین قرن بلوچستان بتصرف مسلمین رفت . اینحصص منتوحهٔ افغانستان اسماً تابع نایب‌الحکومهٔ عرب در خراسان بود ولی اهالی هنوز هوای آزادی درسر داشت و درین راه جنگهای متعددی بامسلمین نمودند ، جنگهای تخارستان بلخ، هرات، غور ، سیستان ، کابل ، از همین قبیل است . قایدین مشهور این محارب « ابرار» نام امیروطنی بلخ و «قارن» نامهراتی « رتبیل» های کابل وامرای سیستان بودند ، مقاومت های یکنیم قرنهٔ کابلی ها و ثبات غوریها وسیستانی ها در مقابل عرب قابل حیرت است . بالآخره مسلمین مجبور بشناختن استقلال داخلی رؤسای محلی افغانستان گردیده وفقط باخذ خراجی قناعت ورزیدند و از جملهٔ همان امرای مستقل داخلی است :- شاهان محلی غور (افغانهای سوری) پاد شاهان وطنی کابل (رتبیل ها) امرای محلی گردیز ، خانهای بلوچستان .

اما مسلمین را بسایر صفحات افغانستان دستی نبود ، ولایات چترال ونورستان ، سوات و باجور ، پاختیا (سمت جنوبی حالیه تاسند) هنوز مثل ولایت کابل تا خیبر در تحت ادارهٔ امرای وطنی بوده وبامذهب و السنهٔ قدیم خویش بسر میبردند ، چنانیکه کابل در عهد دولت صفاری افغانستان وپاختیا باسند ها رای شملی در دورهٔ سلاطین غزنوی قبول اسلام نمودند ، کشمیر در دورهٔ سلاطین غور و چترال در قرن ده هجری و نورستان در قرن گذشته اسلام اختیار کرد .

بهر حال از قرن دویم هجری اقتدار عرب را در افغانستان سستی فرا گرفت چه قاید معروف افغانستان ابومسلم «مروزی» خلافت مسلمین‌را از امویهابعباسی ها منتقل نموده وباینوسیله در دربارعباسیان نفوذ خراسانیان را داخل کرد ، هر چند خلیفه منصور بن سفاح ابو مسلم را بکشت ولی اقتدار خانواد معروف افغانستان (برامکهٔ بلخ) دردربار بغداد ازفقدان ابو مسلم تلافی مینمود، خاندان برمکی یکی از فامیلهای قدیم و ماقبل الاسلام بلخ ومتولی معبد «نوبهار» بوده ازان‌جمله «خالد»بن‌برمك مسلمان شده و باابومسلم راه کوفه گرفت، علم وفضل خالد

سبب شد تاساح اوو ابو وزارت خود برداشت، بعدازو«یحیی» پسرش و«فضل» و«جعفر» پسران یحیی درعهد هارون الرشید مراتب بلندی دردربار احراز کردند، اینها خراسانیان افغانستان را در تمدن اسلام وعرب دخل بزرگی دادند، ترقیات دربار و دولت هارون مرهون همت آنخاندان است ، کتب بسیاری بفرمودهٔ آنها از السنهٔ هند ، یونان ، فارس بزبان عرب آلووده شد . در عین زمان حادثهٔ دیگری در اثر حرکت یکی از رجال افغانستان رخداد که نتیجهٔ آن منجر بآزادی تام مملکت ازتسلط اعراب گردید، این حادثه عبارت بود از تقویتی که «طاهر فوشنجی» هراتی از مامون پسر خلیفه متوفای بغداد نمود، طاهر برله مامون نایب الحکومهٔ عربی خراسان (افغانستان) بر علیه امین خلیفهٔ جدید عرب عسکر ببغداد کشیده مرکز خلافت را بنام مامون ضبط و سر خلیفهٔ جدید را در خراسان تقدیم نمود ، در مقابل این خدمت بزرگ حکومت خراسان از حضور خلیفه مامون به طاهر مشهور (ذوالیمینین) داده شد، طاهر نیز بعد از چندی نام خلیفه را از خطبه افگنده و مستقلاً حکمران خراسان گردید ، این دروازهٔ اولی بود که در راه حریت افغانستان باز شد .

شاهان طاهری افغانستان :

شاهان طاهری فوشنج پنجنفر از سال ۲۰۵ تا ۲۴۹ هجری درخراسان حالیه و هرات و سیستان حکومت کرده از یکطرف بآبادی و عمرانات مملکت و ترقی زراعت همت ورزیدند ، و از طرفی در مقابل حکمرانی اعراب بولایات سائرهٔ افغانستان سدی شمرده میشدند . این اوضاع طاهریان برای تشکیلات مستقله حکومات محلی در حصص مختلفهٔ افغانستان مساعد خوبی بود ، چنانیکه در عهد آنها بعلاوهٔ حکومتهای محلی غور و کابل ، گردیز و بلوچستان ، چندین حکومت های مستقل محلی دیگر برخلاف تسلط اعراب در افغانستان متشکل گردید از قبیل سلسله‌های آل داؤد (شاهان محلی بلخ) گوز گانان‌خداة (شاهان محلی شبرغان ومیمنه) شارهای غرجستان (شاهان محلی هزاره جات حالیه) میران محلی بدخشان ، امرای محلی سند و ملتان ، اما حصص‌غیر مفتوحهٔ افغانستان از قبیل باختیاوگند هار ای شمالی ، کشمیر و بلورستان جداگانه تشکیلات مستقلهٔ محلی داشتند ، رویهمرفته در تاریخها ازین سلسله شاهان محلی افغانستان فقط اسمای چندی ذکر شده و مابقی مجهول است . اما اسمای شاهان طاهری اینست : ـ امیر طاهر بن حسن جلوس ۲۰۵ هجری ـ امیر طلحه بن طاهر ۲۰۷ ـ امیرعبد الله بن طاهر ۲۱۳ ـ طاهر بن عبد الله ۲۳۰ـ محمد بن‌طاهر ۲۴۸ـ ۲۴۹ هجری .

سلاطین صفاری افغانستان :

خانواده صفاری از سیستان افغانستان بوده و یعقوب موسس این سلسله در کار نامهای خود قصه های اسلاف سکزی خویش را بیاد داد ، این خاندان از سال ۲۵۳ تا ۲۹۱ ه در قسمتی از افغانستان حکومت داشته و حتی بر قسمتی از مملکت فارس تسلط جستند ، حدود سیاسی اینها در وقت عروج شامل ولایات ذیل بود: سیستان ، زابلستان ، کابلستان ، هرات ، بلخ ، تخارستان ، خراسان حالیه (در افغانستان) کرمان ، ایالت فارس ، طبرستان وامل ، خوزستان (در مملکت فارس) یکوقتی هم از دربار خلافت منشور شحنه گی دار الخلافهٔ عرب و حکومت ماوراء النهر بانها داده شد. معهذا سلاطین صفاری بتوحید اداری افغانستان موفق نشده و حصص شرقی افغانستان کمافی السابق در تحت ادارهٔ رؤسای محلی مستقل بودند ، بلکه حصص‌مفتوحه نیز فقط بادای باج مطیع شمرده میشدند. درعهد صفاریان دیانت اسلامیه درکابل منتشر گردیده ودرغالب حصص غربی افغانستان مخصوصاً سیستان عمرات ترقی زیاد نمود ، «ذرنج» پایتخت آنها بسی مشهور شد ، خزاین دولت معمور و عساکر منتظم گردید ، و زبان جدید افغانستان که از آمیزش لغات عرب بالهجه غربی مملکت بوجود رسیده بود نیز درین دوره ترقی کرده و برای مقابله بازبان سامی خارجی حاضر میشد .

بهر حال دولت صفاری در اواخر قرن سوم هجری جای خود را به برادران بلخی خویش (سامانیـان) گذاشتند . شاهان صفاری اینهاست : - یعقوب بن لیث ۲۵۳ هـ - عمر و بن لیث ۲۶۵ - طاهر بن محمد بن عمر ولیث ۲۸۷ - ۲۹۱ -

سلاطین سامانی افغانستان :

خاندان سامانی از بلخ بوده و «اسد» بن سامان ازآنخاندان باپسران خود در «مرو» بدربارمامون‌عباسی پیوست ، بعد ازآنکه مامون خلیفهٔ بغداد شد پسران اسد بحکومات خراسان مامور گردیدند ، در سال ۲۶۱ حکومت ماوراءالنهر به«نصر» نواسهٔ اسدداده‌شد واوسمرقندرا مرکز اختیارکرده بخارارا به«اسمعیل» برادرخودداد، اسمعیل بعد ازفوت برادر، خاندان صفاری را منقرض نموده و خودش مطابق منشور خلیفه رسماً سلطان افغانستان شمالی و غربی از بدخشان تاسیستان و ولایات جرجان ، طبرستان ، ری (مربوط بفارس) شناخته شد . سامانیان در حصص مفتوحهٔ افغانستان باستثنای « آل‌داؤد » بلخ دیگر شاهان محلی را مزاحمت ننمودند بلکه خاندان جدیدی هم بنام امرای «چغانی» در چغانیان بظهور رسید ، در دورهٔ سامانیان مدنیت و علوم اسلامی در افغانستان زنده گردیده و مؤلفین بزرگی در وطن پیداشد ، و زبان فارسی افغانستـان در عالم ادبیـات ترقی شایانی‌نموده تمام ماوراءالنهر وحتی قسمتی از فارس را زیر پر گرفت . مشهور ترین شعرای آندوره از بلخ ومرو بودند، بهترین تمدن دورهٔ سامانی ها مربوط به بخارا و سمرقند بود چونکه مرکز دولت افغانستان درانعهد بلاد مذکوره بوده و شهر های هرات و بلخ و مرو در درجهٔ دویم رسمیت داشت . علی ای حال سامانی‌ها تا اواخر قرن چهار هجری زندگی کرده و بعد ها جایشان را در ماوراءالنهر «ایلك خانیهٔ» تورکستان ودر افغانستان وفارس «سلاطین غزنوی» اشغال نمودند. امیر «نصر» بن احمد سامانی جلوس۲۶۱ هـ . امیراسمعیل بن احمد ۲۷۹- امیر«احمد» بن اسمعیل ۲۹۵ - امیر نصر ثانی بن‌احمد ۳۰۱ - امیر نوح اول بن نصر ۳۳۱ - امیر عبدالملك‌بن‌نوح ۳٤۳- امیرمنصور بن‌نوح ۳۵۰ - امیر نوح ثانی بن منصور ۳٦٦- امیرمنصورثانی بن‌نوح-۳۸۸- امیر عبدالملك ثـانی بن نوح ۳۸۹ -

سلاطین غزنوی افغانستان :

«الپتگین» از ملازمین تربیه‌شدهٔ در بار امیر «احمد» سامانی بوده و از طرف امیر نوح نائب الحکومه و قوماندان نظامی خراسان ودرنیشاپور تمرکز داشت، نامبرده کدورتی نسبت بسامانیان بهمرسانده و درسال ۳۵٦ ازنیشاپور بشهر غزنی کشیده بلافاصله طرح یکدولت مستقلی ریخت، بعد از الپتگین داماد او«سبکتگین» پاد شاه افغانستـان شده و او شاهان برهمنی مذهب کابل را که در فترر صفاریان جانشین رتبیل ها شده و ده نفر حکمرانی نموده بودند منقرض ساخت و چند بار با جیپال رزم داده و فتح نمود ، سبکتگین با خانمی از خانزادگان زابل (قندهار) از دواج کرد که ازو «محمود» زابلی بزرگترین شهنشاهان آسیا تولد شده و بعد از پدر به تخت افغانستـان جلوس نمود . سلطان محمود تمام افغانستان را تابع مرکز واحد دولت ساخته و شاهان محلی را از قبیل : - آل فریغون کوزکان (میمنه و شبرغان) شهریار خلف (از احفاد صفاریان و پاد شاه سیستان) آل سهراب (شاهان بلوچستان) آل شنسب (شاهان سوری غور) شارهای غرجستان (شاهان هزاره جات حالیه) امرای گردیز ، شاهان وطنی و بودائی پشاور ، خوارزمشاهیان قدیم ، شاهان لودی سند وملتان ، منقرض نمود. گویا محمود اولین پاد شاه افغانستان در دور اسلام است که بعد از سقوط دولت هیاطله های افغانستان (قرن ٦ قبل المیلاد) برتمام مملکت افغانستان از جیحون تا بحر عمان و از خوارزم و خراسان و سیستان تارود بـار سند قابض بوده است ، بعلاوه محمود بر قسمتی از فارس تا ری و هندوستان نیز مساط بوده دیانت اسلامیه و مدنیت و ادبیات و زبان افغانستان را در هند رواج داده است ، در عهد

محموداسلامیت در تمام افغانستان باستثنای (بعض حصص شرق شمالی) تعمیم یافت، شهرها و بنداب ها تعمیر، زراعت و تجارت توسیع ، علوم وفنون مترقی ، مدارس و مکاتب تاسیس گردید . مؤلفین بزرگی در این دوره از افغانستان نشأت کرده و ادبا و فضلای معروفی قدم بصحنهٔ تاریخ جهان گذاشتند .

اخلاف محمود فتوحات وسیعتری در هندوستان نموده و دولت آنها یکی از بزرگترین دولت های مجاهد و مدنیت پرور اسلام بحساب رفت . سلطنت غزنویها تا اواخر قرن شش طول کشید ولی در انجام ضعیف شدند، سلاجقه بر حصص خراسان وشمال افغانستان دست یافت، وغوریها سایر حصص مملکت را گرفته بقایای آنها را در ماورای سند راندند. سلاطین غزنوی: امیر البتگین جلوس ۳۵۶هـ - امیرسبکتگین۳۶۷- سلطان محمود بن سبکتگین ۳۸۷- مسعود بن محمود ۴۲۱ — امیر محمد بن محمود ۴۳۱ —مودود بن مسعود ۴۳۴— مسعود ثانی بن مودود۴۴۱- علی بن مسعود ۴۴۲ - عبد الرشید بن محمود ۴۴۳ - فرخزاد بن عبد الرشید ۴۴۴— ابراهیم بن مسعود ثانی ۴۵۰ — مسعود ثالث بن ابراهیم ۴۹۲ - شیرزاد بن مسعود ثالث ۵۰۸ — ارسلانشاه بن مسعود ثالث۵۰۹ - بهرامشاه بن مسعود ثالث ۵۱۲ - خسروشاه بن بهرام شاه ۵۴۴ - خسرو ملك بن خسرو شاه ۵۵۱ - ۵۹۸

سلاطین غوری افغانستان :

«خانوادهٔ غور» ازپشتانهای سوری وازشاهان محلی وقدیم ماقبل الاسلام غور بوده دردورهٔ غزنویه حکومت مستقله آنها سقوط نمود ولی هنوز بصفت حکام غزنوی درغور باقی بودند ، در اواخر دورهٔ غزنویه غوریها درتحت رایت «علاؤالدین حسن» یکی ازشهزادگان خود برعلیه دولت غزنی شوریده وبعد ازدوجنگ پایتخت را اشغال وسلطنت خود ها را اعلام نمودند و متعاقباً صفحات شمال افغانستان و خراسان را از خوارزمشاهیان که درفتور سلاطین غزنی مستقل شده بودند گرفتند ، دولت غوریه باخوارزمشاهیان جنگهای سختی کرده واز طرف دیگر کشمیر را عساکر آنها گذر کرد وبقیهٔ ملوك غزنی را درلاهور خاتمه دادند ، ازآن بعد نقشهٔ اسلاف غزنوی را در فتح هند تعقیب نموده بالآخره قسمت بزرگی ازحوضه های گنگارا مسخر نمودند ودهلی عوض لاهورمرکز «حکومت افغانی هند» قرار گرفت ، پایتخت عمدهٔ سلاطین غورشهر معروف «فیروزکوه» بوده و بلاد غزنی وبامیان مرکز دوم بن بشمار میرفتند ، بامیان مقر نائب الحکومه های غوری بود که تا بدخشان حکم میدادند وچون این نائب الحکومه هاچهار نفر (ملك فخرالدین مسعود ، ملك شمس الدین ، ملك بهاؤالدین سام ، ملك جلال الدین علی) ازخانوادهٔ شاهی غور بودند از طرف مورخین اسلام وافغان بنام ملوك هیاطله ذکر یافتند، بهرحال سلاطین غور بعلاوهٔ تنظیم عسکر وفتوحات بزرگ در راه نشر مدنیت وترقی علوم و ادبیات درافغانستان و نشر اسلام درهندوستان سعی بلیغ ورزیدند ، شهرهای فیروز کوه وهرات درعهد آنها از مشاهیر بلاد آسیا شمرده میشد. دراواخر دولت غوریه ضعیف وتجزیه شده غور وغزنی علیحده ، بامیان وتخارستان علیحده و هندوستان جدا گردید ودر تمام این قسمت ها خانواده های غور حکومت داشته ومملکت برای ملوك الطوایفی آماده میشد ، تا آنکه هجوم بزرگترین قوت های آنزمان آسیا یعنی محمد خوارزمشاه سرازیر گردیده وبنیاد دولت غوری را در افغانستان برانداخت :- علاؤالدین حسن جلوس ۵۴۳ - سیف الدین محمد بن علاؤالدین ۵۵۱ - غیاث الدین محمد بن سیف الدین ۵۵۸ - شهاب الدین پسر سیف الدین ۵۹۸ - محمود بن غیاث الدین ۶۰۲ بهاؤالدین سام بن محمود ۶۰۷ آتسز بن علاؤالدین ۶۰۷ - ۶۱۱ هجری .

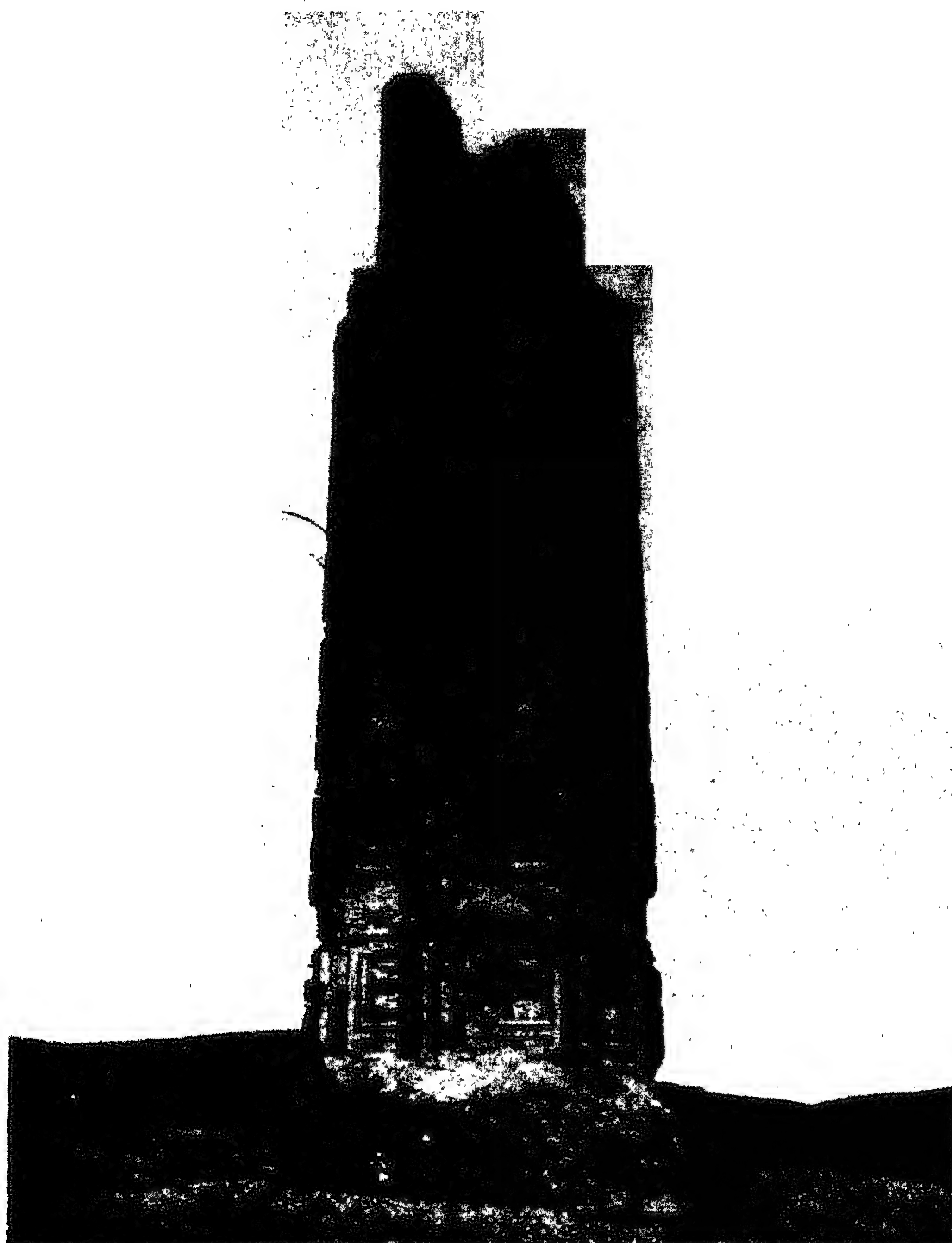
علی کل حال درین دوره یعنی ازقرن اول تا اوایل قرن هفت هجری درنتیجهٔ حوادث مذکوره دیانت بودائی و برهمنی ازمساحهٔ افغانستان رخت بربست وسوای اندکی ازمذهب قدیم آنهم مخلوط در نورستان وچترال، اثری نماند ، هکذا السنهٔ قدیم افغانستانی وهندی بالهجه های محلی از قبیل باختری ، تخاری ، هروی ، سکزی ، زابلی وغیرها بالتدریج نابودشد ، فقط السنه ولهجه های معدودی ازقبیل پشتو ، بلوچی ، سندی ، پنجابی، کشمیری



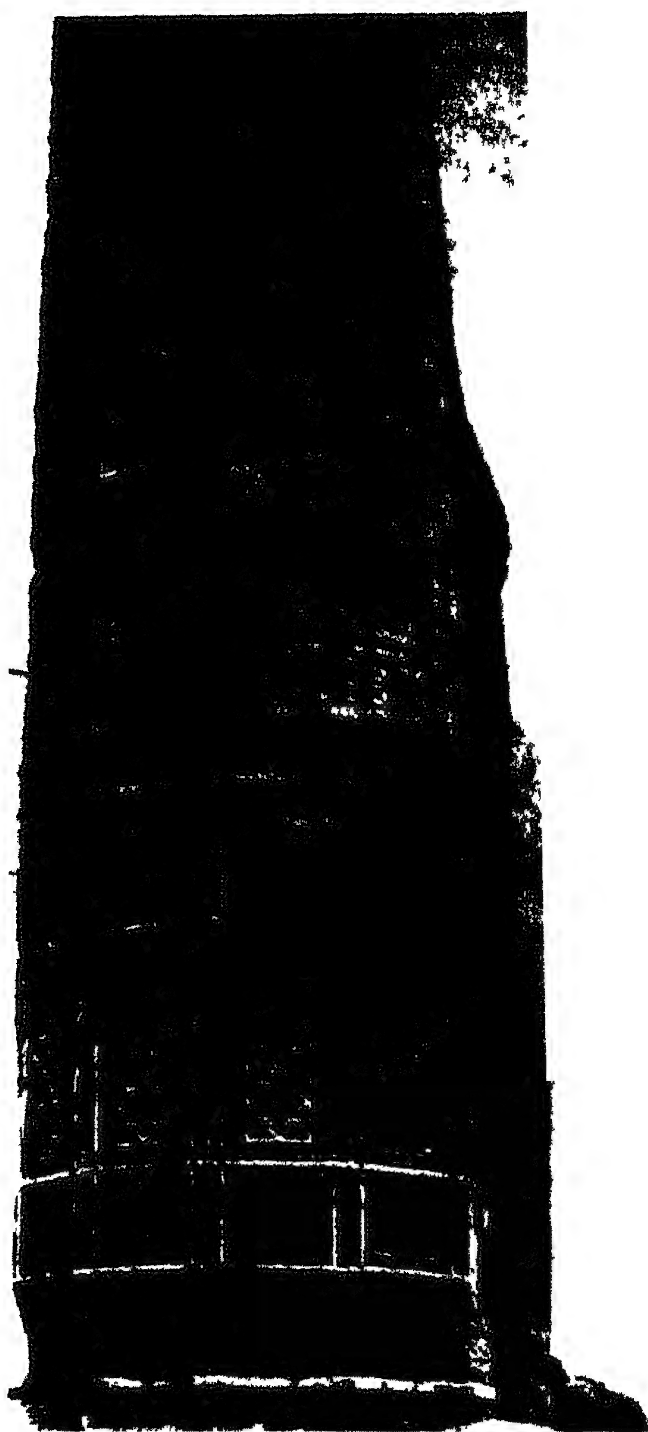
منظرهٔ خرابه‌زار قلعهٔ بست قندهار و رواق بزرگ جامع



داخل مقبرهٔ سلطان غیاث الدین غوری شهنشاه معروف افغان



« منار غزنین » از یادگار سلطان محمود زابلی شهنشاه معروف افغان

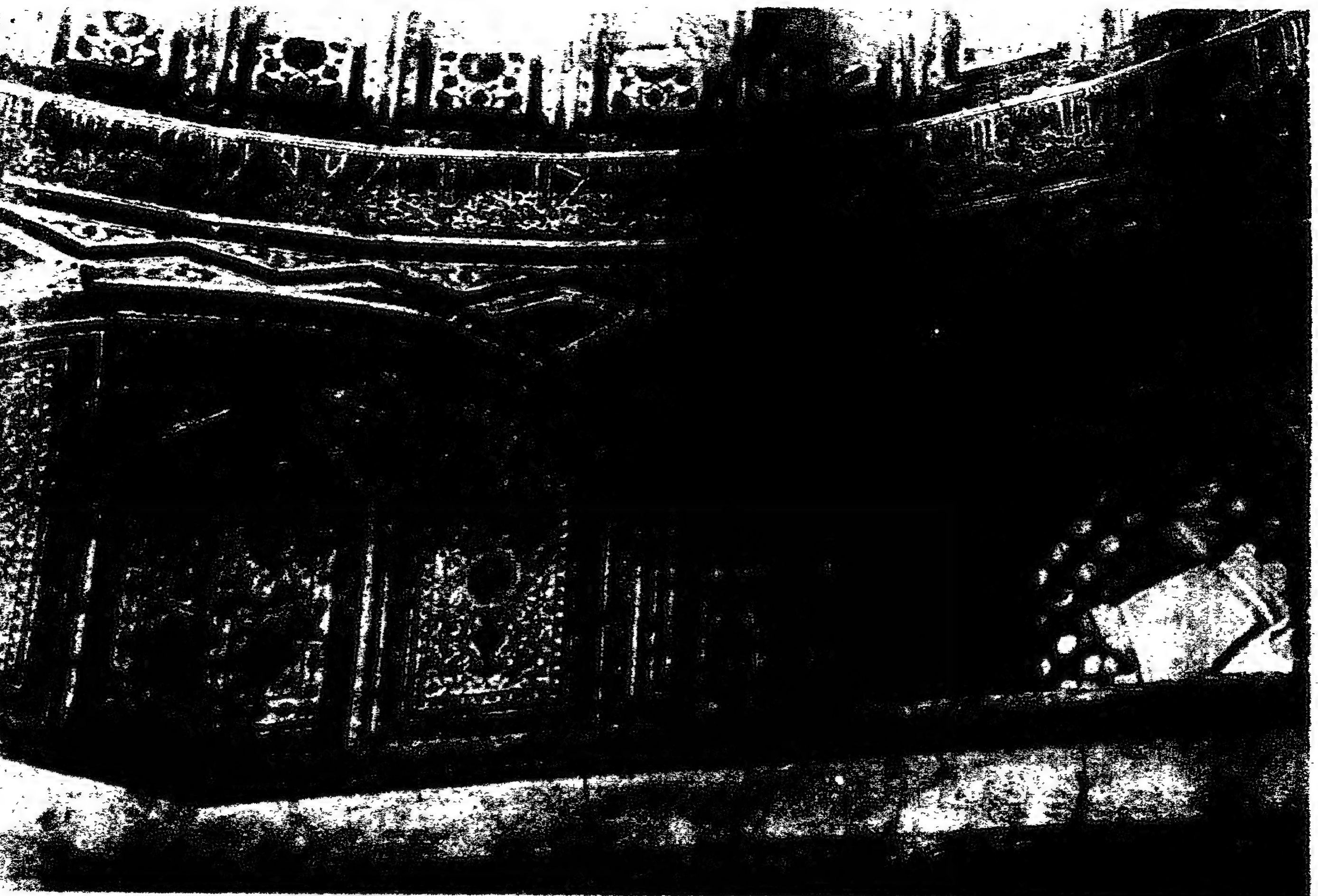


از منارهای منقش مصلای هرات

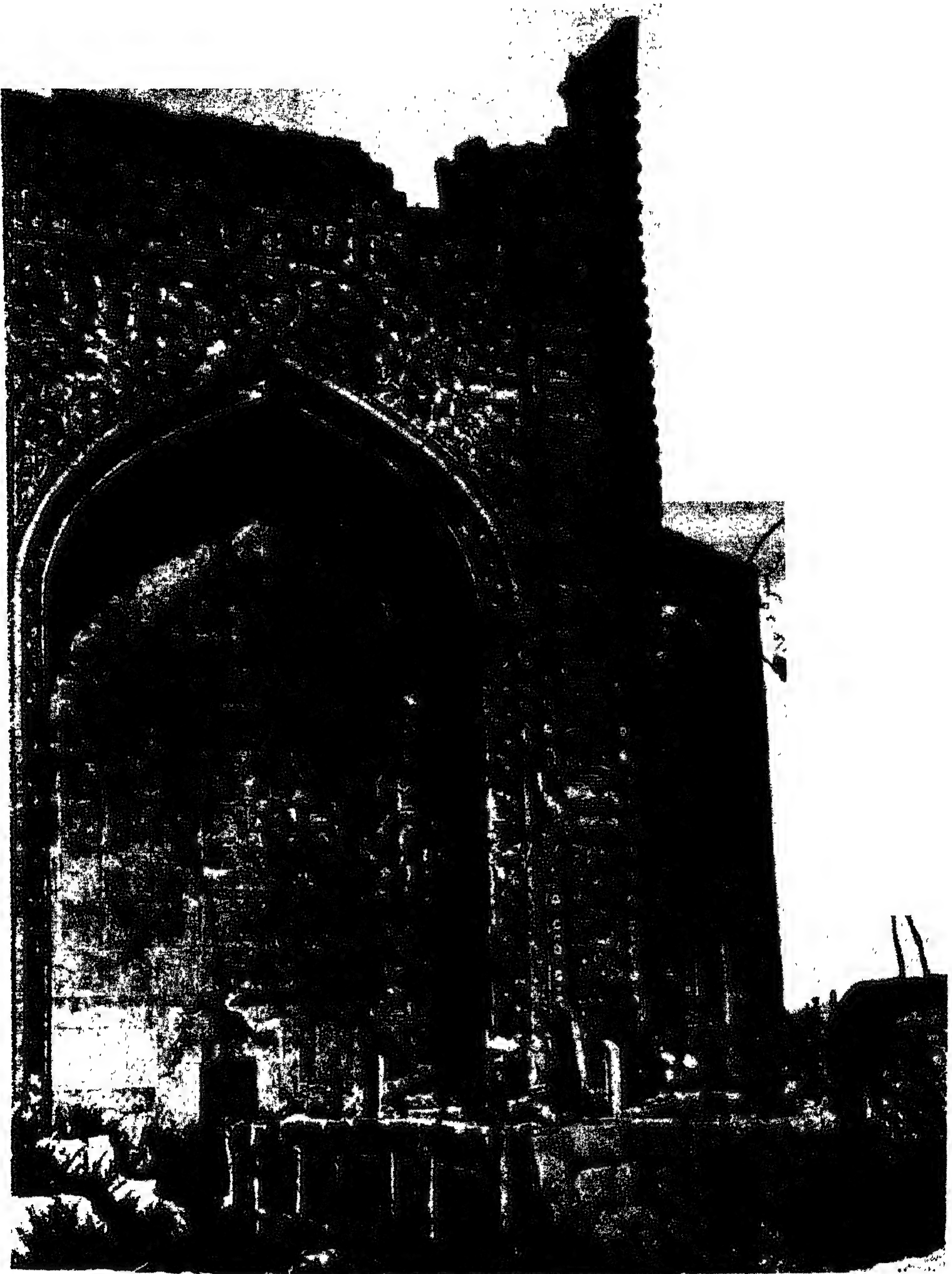




رواق مقبرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصاری



مقبرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمة الله تعالی علیه معروف به گنبد زرنگار هرات



ایوان مسجد خواجه محمد پارسا در بلخ

بلوری وچترالی وغیره درقسمت های شرق وجنوب افغانستان باقیماندند ، درعوض خط وزبان عرب درافغانستان رواج یافته وزبان مذکور علمی وتایکوقتی رسمی قرار گرفت ، همچنین از ترکیب لغات عرب بالهجه های قسمت غربی افغانستان زبان جدیدی پا بعرصهٔ شهود گذاشت که امروزه اورا «زبان فارسی» خوانند، در دورهٔ غزنویه دفاتر ازعربی بزبان جدید افغانستان منتقل گردیده ودرمرورزمان رسم الخط هم ازعربی به نستعلیق تحویل یافت . مدنیت قدیم افغانستان درین دوره درنتیجهٔ محارب مذهبی وذوق جدید بکلی معدوم شد وکتب وآثار علمی وفنی آن زمان ناپدید گردید ، صنایع ظریفه مخصوصاً نقاشی وحجاری روبانحطاط رفت ، در عوض مدنیت جدید اسلامی باشیوهٔ افغانستانی و علوم عربی مخصوصاً علوم ریاضی ، طبیعی ، هیئت ، نجوم ، طب وغیره باادبیات فارسی درافغانستان ترقی زیادی نمود. شهرها آباد ، اراضی مزروع ، تجارت وصنایع سایره با منسوجات ترقی کرد ، مدارس تعمیر وکتابها تالیف گردید ، بصدها نفر علما وحکما ، ادبا وفضلا در افغانستان پرورش یافت بحدیکه تاقرن ها نظیر آنها در آسیا موجود نشد و ازانجمله است : ـ حکیم ابو نصر فارابی ، شیخ الرئیس حکیم ابوعلی سینای بلخی ، علامه ابو ریحان برونی ، ابو معشر منجم بلخی ، حکیم ناصر خسرو بلخی ، امام اعظم کابلی ، امام احمد حنبل مروی ، مولوی جلال الدین معروف بلخی ، حکیم سنائی غزنوی ، خواجه عبد الله انصاری هروی ، امام محمد واحمد غزالی ، ابوالفتح بستی ، حکیم عمر خیام لوگری ، عبد الملك جوینی و امثالهم هکذا نویسندها و فضلائی در افغانستان ظهور نمود که تا هنوز نظیری در ادبیات فارسی ندارند از قبیل : ـ ابو شکور بلخی ، شهید بلخی ، فرخی سیستانی ، عسجدی ، عنصری ، ازرقی ، انوری ، حسن غزنوی ، حمیدالدین محمود بلخی ، رشید وطواط بلخی ، ابوالفضل حسن بیهقی وغیر هم .

ازقرن ۷ تا ۱۲ هجری = قرن ۱۳ ـ ۱۸ مسیحی :

هجوم خوارزمشاهیان در افغانستان :

در اوایل قرن هفت هجری رؤسای افغان در صحنهٔ هندوستان مشغول جهاد و جهانکشائی بوده افغانستان را بخانوادهٔ غور گذاشته بودند ، اینها بعد از فوت سلطان مشهور شهاب الدین دو چار فترت گردیده و از طرفی در نتیجهٔ هجوم های خوارزمشاهیان ضعیف شده میرفتند بالآخره در سال ۶۰۷ هـ علاؤالدین محمد خوارزمشاه اردو های غزنی وغور را درحدود خراسان شکسته وقسماً علاقه های افغانستان‌را فتح نمود ، متعاقباً درسال ۶۱۱ هـ داخل افغانستان شده وبعد ازسقوط سلطنت غوریه شهرغزنی را مسخر ساخت (خوارزمشاهیان اخلاف نوشتگین نامی ازغلامان ملکشاه سلجوقی بودند که او از طرف سلاجقه بحکومت خیوا مقرر شده وبعد ها درانجا اعلان استقلال کردند اینها هشت نفر از سال ۴۷۰ تا ۶۲۸ هـ حکمرانی کرده ودروقت عروج خود مملکت ماوراءالنهروقسماً فارس‌را دردست داشتند ودراواخر برقسمتی از افغانستان نیز مسلط شدند) هنوز خوارزمشاهیان در افغانستان نفسی باستراحت نکشیده بودند که بزرگترین دشمنان بشریت یعنی چنگیز آنهارا بفنا واضمحلال تهدید نمود ، تسلط کوتاه خوارزمشاهیان در افغانستان سوای خرابی های که مستلزم عسکر کشی ومحارب آنزمان بود تاثیر عمیق در افغانستان نکرده ، و سخت ترین ضربت او عبارت از همان تخریب بنیان دولت افغانستان شمرده میشد ، خوارزمشاه دولت افغانستان را که ممکن بود سد محکمی در برابر هجوم مغل گردد بر انداخت ، ولی خود نیز از اداره وتحکیم او عاجز آمده بعدازانکه از برابر دشمن مهیب خود فرار کرد ، مملکت بی اداره وسردار وفاقد تشکیلات دولتی و عسکری افغانستان را در برابرتقریباً یك ملیون دشمن دیوانه ووحشی بگذاشت. معهذا ملت دولت باخته وبیسر وسامان افغانستان درهجوم و محارب مغل باندازهٔ اظهار رشادت و دیانت پرستی نمودند که میتوان گفت نظیر آن در تاریخهای جهان کمتر است.

سیلاب مغول :

شخصیت چنگیز خان آنقدر ها در جهان روشن است که محتاج ایضاح نیست ، اما مغل ها تا قرن ده مسیحی بکلی در تاریخهای دنیا گمنام بودند، «عیسوغائی» نام سردار قسمتی از مغل های خانه بدوش صحرائی طایفهٔ خود را (در قرن ۱۲ مسیحی) از تسلط چینی ها آزاد نمود ، در آنوقت مغل ها بکشتن حیوانات ومحصول آنها زندگی کرده وبا برادران وحشی تورکی خود ها تجارت رمه ها وپوست حیوانات می‌نمودند ، عیسوغائی در سال ۱۱۷۵ مسیحی بمرد و رعایای خودرا که تقریباً بالغ برچهل هزار خیمه نشین در کنارهای دریای«ارتوك» میشد برای پسرخود«تموچین» نام گذاشت، تموچین‌همان‌چنگیزیست که بیست‌سال‌عمرخود رامصروف کشور کشائی بلکه تخریب مدنیت های جهان وامحای نسل بشر نمود ، چنگیز بعد ازمطیع ساختن همه مغلها وهمجواران خود قسمتی بزرگ از شمال مملکت چین‌را فتح نموده ، ومتعاقباً دولت «قراختائیان» یا کورخانان‌را بر انداخته شهرهای ختن ، کاشغر و یارکندرا اشغال و از دیگرطرف با حدود مملکت عظیم خوارزمشاه در تماس او فتاد . اردوهای چنگیز بچندین حصص منقسم بوده وازانجمله قسمتی به تسخیرچین مشغول وقسمت دیگر بفتح آذربایجان و جارجیا پرداخته داخل جنوب روسیه گردیدند ، قسمت سوم نیز مشغول فتح خوارزم وافغانستان مع خراسان گردیده سرتاسر این مملکت های متمدن و ثروتمند را بباد فنا دادند .

بهرحال چنگیز خان و اردوهای او بالذات درسال های ۱۶ - ۶۱۷ ه بافغانستان قدم گذاشته بعدازانکه ترمذرا خراب‌کرده بودند شهرهای‌بدخشان وطالقان، بلخ ، نصرت‌کوه (درمرغاب) مرو ، هرات ، بامیان ، غزنی ، سیستان ، وچندین شهرها و قصبات دیگر را بکلی خاکسترساختند ، چنگیز که در هرمملکت مثل چین ، خوارزم ، فارس وغیره بیك حمله فتوحات میکرد ، ازمقاومت تقریباً دوسالهٔ افغانستان و کشته شدن پسر وداماد خود وچندین شهزاده‌گان وهزارها نفر عسکر مغولی در جنگهای افغانستان ، حتی مقاومت شهر های کوچکی که چندین ماه دربرابر مغل نشان میداد ، سخت عصبانی شده و تمام قوت پر وحشت خودش را درتخریبات سرتاسر مملکت افغانستان تطبیق داد ، و لهذا تمام شهرها خراب ، بصدها هزار نفوس مقتول ، علوم وفنون برباد و ثروت عمومی تاراج گردید وبرای چندین قرن مملکت درحالت یك فقر عمومی ابقا شد ، علما وفضلا یا کشته یافرار گردیدند ، اخلاف درندهٔ چنگیز در تخریب افغانستان وخانه جنگی ها سلف خود را تعقیب نمودند چنانکه درعهد «ترماشرین» چغتائی غزنی دوباره خراب شد وتیموری که او را صاحبقران خوانند مکرراً بلاد نیم جان گرفتهٔ افغانستان را ازقبیل هرات ، اسفزار ، جلال آباد (درسیستان) فراه ، و غیر ها بسختی منهدم ساخت ، والحاصل ازان بعد است‌که تا امروزافغانستان هنوز به تلافی‌آنهمه ضایعات مادی ومعنوی دورهٔ مغل موفق نگردیده است .

چغتائیان :

پس‌ازمرگ چنگیز خاندان اوبچندحصه وسلطنت‌منقسم گردیده فرقهٔ «اغتائیه» درچین و خاندان «طولونی» درمغولستان و«هلاکویان» درفارس و«چغتائیان» درماوراءالنهر وافغانستان حکمران گشتند، اما خاندان‌چغتائی که درماوراءالنهر تمرکز داشتند بر افغانستان از بدخشان وبلخ تا کابل وغزنی وگاهی تارودبار سند هم حکومت می‌نمودند ، درعهد اینها خراسان بمغلهای فارس مربوط شد وسند و کشمیر از افغانستان مجزا گردیده پنجاب هم جزو حکومات افغانی هند قرار گرفت ، در دورهٔ چغتائیه تاریخ افغانستان بسی تاریك است جز اینقدر که غالب ولایات مثل سیستان ، پاختیا ، سوات ، بلورستان، بلوچستان، کشمیر وغیره بصفت ملوك الطوایفی بومی اداره می‌شدند، ومشهور ترین این ملوك همان خاندان « کارت سوری » در هرات (هشت نفر از سال ۶۴۳ تا ۷۹۱ هجری) وشاهان محلی سیستان و کشمیر است . درین دوره بدون بعض محاربات سرحدی بامغل های

فارس وبرخی تاخت وتازها درماوروای سند وبامنازعات داخلی پادشاه گردشی‌ها دیگرواقعات مهمی در افغانستان رخ نداده است . شاهان چغتائی اینهاستند :- چغتائی‌خان‌جلوس ٦٢٤ هـ - قراهلاکو٦٣٩- یسوع منگو ٦٤٥ قراهلاکو (مکرر) ٦٥٠- ارغان خاتون ٦٥٠ - الگو خان ٦٥٩ - مبار کشاه ٦٦٤ - براق خان ٦٦٤ — تکپائی خان ٦٦٨ - تغاتیمور ٦٧٠ - دعا خان ٦٧٢ - کنجوك خان ٧٠٦ - تالیکو ٧٠٨ - کبك خان ٧٠٩ یسون چغا٧٠٩ - کبك (مکرر) ٧١٨ - الچی گدائی ٧٢١ - دعاتیمور ٧٢١ - ترماشیرین ٧٢٢- سنجر ٧٣٠ جنگلی‌شی ٧٣٤ - بوزون ٧٣٥ - لیون تیمور ٧٣٩ - علی (اغتائی) ٧٤٠ - محمد ٧٤٣ - قازان ٧٤٤ دانشمندجه (اغتائی) ٧٤٧ - بیان قلی ٧٤٩ - ٧٦٠ هجری . بعد ازین تا ورود امیرتیمور کورگان انقلاب های داخلی دراینخاندان حکمفرما بود .

تیمور و تیموریان :

امیر تیمور لنگ از نسل چنگیز ویکی از اجداد او وزیر چغتای خان بود ، تیمور در حدود ٧٣٦ هـ تولد ودرسن رشد ازطرف تغاتیمور چغتائی حکومت کشکی یافت ، بعدها تیمور بوزارت سویور غاتمش منصوب گردیده بعد از چندی حکومت چغتائی را غصب نمود ، تیمور ازسال ٧٧١ تاهشت سال بفتح افغانستان پرداخته و بعدها بفتح فارس مشغول گردید و در ٨٠١ بهندوستان تاخته تا دهلی پیشرفت و حکومت افغانی را در هند متزلزل ساخت ، تیمور بعلاوهٔ ما وراء النهر و افغانستان و فارس بر بغداد قابض شد و در ٨٠٤ یلدرم سلطان عثمانی را در اناطول اسیر گرفت و بعد ها به‌تسخیر چین عزیمت نمود ولی موفق ناشده درمقام «اترار» درسال ٨٠٧ هجری بمرد .

تیمور درجنگهای افغانستان چندین بلاد معمور را برویهٔ سلف وحشی خود چنگیز خراب کرد و ملوك الطوائفی محلی را در افغانستان بر انداخت حتی یکباری ولایت دست نیافتنی شرق شمال افغانستان یعنی بلورستان را نیز گذر کرد ازان پس حکام تیموری برافغانستان مسلط شدند ، بعد از تیمور سمرقند و گاهی هرات افغانستان پایتخت اولاد تیمور قرار گرفت ، ولی عظمت گذشته عود نکرد ، در مغرب خاندان عثمانی و جلایرو در فارس سادات صفوی ترقی نمودند ، بعد ازفوت شاهرخ تیموری مملکت آنها تجزیه شد و در ماوراءالنهر حکومت ازبك های شیبانی پیشرفت زیاد کرد ، بحدیکه درقرن ده هجری شعبهٔ ازخاندان شیبانی سمرقند رافتح کرده وحکومت تیموریان را محدود به‌بخارا ساختند عاقبت بخارا نیز ازدست آنها برآمده و بکلی منقرض شدند. فقط درین میانه گورکانیان افغانستان بسر کرده گی بابرمیرزای مشهور بهندوستان تاخته و درانجا به تشکیل سلطنت بزرگی پرداختند ، بهرحال در دورهٔ تیموریان ، افغانستان تقریباً شکل ملوك الطوائفی اختیار کرد و درعهد شاهرخ پسر تیمور وحسین بایقرا خراسان و هرات از روی مدنیت وعمرانات ، ادبیات و نقاشی پیشرفت ، شعرا و مورخینی نیز در دورهٔ تیموریان درافغانستان بوجود رسیدند ، شاهان تیموری اینهاست :— امیرتیمور جلوس٧٨١- خلیل ٨٠٧ - شاهرخ (پایتخت هرات) ٨٠٧ - الغ بیك ٨٥٠ - عبد اللطیف ٨٥٣- عبد الله ٨٥٤ - ابو سعید ٨٥٥ - احمد ٨٧٢ - محمود ٨٩٩ - پادشاه گردشی از ٩٠٠ تا٩٠٦ هجری. اما ملوك فرعی تیموری در افغانستان اینهاست :- پیر محمد حاکم (بلخ) ٨٠٧ - ٨٠٩ - کیدو (بلخ ، قندهار، کابل) ٨٠٩ - ٨٢٠ - ابراهیم سلطان (بلخ) ٨١٧ - ٨١٢ - مسعود (کابل و غیره) ٨٣٠ - ٨٤٣ - سویور غاتمش (کابل قندهار) ٨٣١- ٨٣٠ - قراچهر (کابل) ٨٤٣ - بابر (خراسان)٨٥٤ - شاه محمود (خراسان) ٨٥٤ - ابو سعید (هرات ، بلخ ، خراسان) ٨٦٣ - ٨٧٣ - الغ بیك (کابل) ٨٦٥ - ٩٠٧ - ابوبکر (بدخشان) ٨٦٥ - ٨٨٤ - یادگارمحمد (خراسان) ٨٧٥- سلطان حسین بایقرا (هرات ، خراسان ، قندهار) ٨٧٨ - ٩١٢ - بابر میرزا (کابل‌وغیره) ٨٩٩ - ٩١١ هجری .

ازبك ها :

در اوایل قرن ده هجری قبایل ازبك در تحت رایت آخرین بها در خاندان چنگیزی «محمد شیبانی» نام در ماوراءالنهر کسب اقتدار نمود ، محمد شیبانی با گروه خود از سایبریا در ماوراءالنهر آمده بود و ازسال ۹۰۶ خاندان کورگانی را در ماوراءالنهر انداخته و به تشکیل سلطنت ازبکیه پرداخت ، اینخاندان ۱۲ نفر از سال ۹۰۶ تا ۱۰۰۷ هجری در ماوراءالنهر حکومت داشته و شاخهٔ از آنها در خیوا حکمرانی مینمودند، پایتخت عمدهٔ اینها سمرقند و گاهی بخارا بشمار میرفت ، اینخاندان گاهی هم بر ولایات مرو ، هرات ، خراسان ، بلخ، تخارستان یعنی حصص شمالی و غربی افغانستان مسلط میشدند ، در اوایل قرن یازده هجری خانوادهٔ دیگری بنام «خوانین استراخان» که از طرف روسها منقرض شده و بدربار شیبانیان بخارا پناه آورده بودند ، جای شیبانی هارا اشغال کردند و اینها (۱۳) نفر از ۱۰۰۷ تا ۱۱۶۷ هجری بربخا را و سمرقند حتی فرغانه و گاهی هم به بدخشان و بلخ حتی هرات و قندهار حکمرانی مینمودند ، رویهمرفته در دورهٔ ازبکیه ولایات تخارستان مع نفوذ امرای بومی بدخشان جز و حکومت آنها بوده و ولایات بلخ بین ازبك ها و صفویهای فارس و کورگانیان هند معرض کشمکش و گاهی مستقل شمرده میشد ، مشهور ترین حکمراتان ازبکی در بلخ ولیمحمد از سال ۱۰۰۷ ه و سبحان قلی (۱۰۳۸ ـ ۱۰۶۱) است . ولایت هرات مثل بلخ در تمام دورهٔ ازبکیه معروض کشا کش آنها و صفویها بوده بالآخره بصفویها مربوط شد ، اما در قرن (۱۱) تسلط ازبکان را در قندهار دوامی نبوده و بزودی از طرف شاه جهان مغل هندوستان طرد شدند ، در دورهٔ استیلای ازبك‌ها درولایات شمالی‌افغانستان سوای تاراج ها وتخریبات مدنی منافعی عاید مملکت نگردید ، و قسماً در بعض حصص شمالی نفوذ آنها تاظهور احمد شاه بابای ابدالی طول کشید .

صفویها :

«صفویها» یك‌خاندان سید وعربی نژادی بوده درمملکت فارس به تشکیل سلطنتی پرداختند ، اینها درتعداد یازده نفر از سال۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هجری باستثنای (۷) سال بران مملکت حکومت کرده و ضمناً بر ولایات غربی افغانستان از قبیل خراسان ، هرات، سیستان و قندهار نیز متصرف گردیده اند ؛ چنانیکه اسمعیل اول در ۹۱۵مرو را از ازبك‌ها گرفت و طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) مکرراً هرات را از ازبك ها مسترد نمود، در عهد عباس اول (۹۵۸ ـ ۱۰۳۸) ازبك ها از هرات گذشته بخراسان هم تاختند ، ولی طرد شدند ، همایون مغل هند در ۹۵۲ قندهار را بطهماسب اول گذاشته بود و باز بهند الحاق شد ولی از طرف عباس اول دوباره بفارس ضمیمه گردید ، بعد از کمی باز بهند الحاق شد ولی از عهد عباس ثانی (۱۰۵۲ ـ ۱۰۷۷) بکلی ضمیمهٔ فارس گردید ، هکذا در قرن دهم هجری صفویها ملوك محلی سیستان افغانستان را بر انداخته و آنولایت را متصرف شدند ، تسلط صفویها در ولایات مفتوحهٔ افغانستان تا ظهور دولت های ابدالی و هوتکی افغان در هرات و قندهار (قرن ۱۲ هجری) طول کشید . در طول اینمدت خرابی زیادی بولایات افغانستان در نتیجهٔ جنگهای صفویها با ازبکان و رؤسای محلی افغانستان وارد گردید و نفوس زیادی مخصوصاً در ولایت و شهر هرات بقتل رسید ، بعلاوه چون صفویها نسبت بمملکت افغانستان بیگانه بودند به ترقی مملکت اعتنائی نداشته و حکام آنها در تاراج ثروت ملی و اجرای مظالم دقیقه ئی فرو نگذاشتند .

کورگانیان هند :

چنانیکه گفتیم بابر مرزا از خانوادهٔ تیمور در قرن دهم (۹۳۲ه) از افغانستان بهندستان عسکر کشیده و سلاطین لودی افغان را منقرض نمود ولی برای اندك مدتی سلاطین سوری افغان تاج و تخت هندوستان را

از همایون پسر بابر مسترد نمودند ، عاقبت همایون بمدد فارسی ها هندوستان را اشغال و دولت افغانی را بکلی مستاصل نمود ، اولاد بابر درتعداد «۱۹» نفر از سال ۹۶۲ تا ۱۲۷٤ هجری برمملکت وسیع هندوستان حکومت نمودند وچون موسس این دولت درافغانستان پرورش یافته وبه آداب ورسوم افغانی ماتوس گردیده بود لهذا در هندوستان زبان و ادبیات و مدنیت افغانستانی را ترقی داده و به تعقیب سلاطین افغان در هند بتمدن آن مملکت غلو ورزیدند ، بابر در کابل تعمیراتی نموده وتدفین خود را در باغ مشهور « بابر» توصیه نمود ، شاه جهان نیز در کابل تعمیرات جنگی بکرد ، این سلسله تاظهور احمد شاه بابای ابدالی برولایات کابل ، کشمیر ، پنجاب ، سند و ملتان فرما نروا بوده وحکام آنها درحصص مذکوره تقرر داشتند ، ولی بعد ازعالمگیر و شاه جهان سایر شاهان کورگانی بولایات غربی سند توجهی نکرده ومحض باخذ خراجی قناعت مینمودند، افغانها هم در طول اینمدت در صفحات جلال آباد و پشاور تااتك بر علیه آنها دایماً مشغولی جنگ بوده و سر باطاعت نمیدادند . تسلط کورگانیان هند در حصص مفتوحهٔ افغانستان رویهمرفته چندان تاثیرات مهم مدنی وعلمی نداشت ومملکت سوای پرداختن مالیات عایدی نمود ، چونکه کانون تمدن و آبادی و پیشرفت علمی آنها در حوضه های گنگا بود .

والحاصل ایندورهٔ شش قرنهٔ تاریخ افغانستان ازهجوم مغل (قرن ۷ ه) تاظهور دولت ابدالی افغان (قرن ۱۲ ه) درنهایت نحوست عبور نمود بنوعیکه درطول اینمدت بسیار شهرهای معمور خراب وصد ها هزار نفوس مقتول وهزارها نفر فرار گردیده درعوض غالبین «زرد» درحصص شمالی ومرکزی افغانستان وارد ولی بمرور زمان خوشبختانه بالغت تورانی خود یکجا درنفوس و زبان افغانستان به تحلیل رفت ، کساد تجارت وتنزل صنایع باملوك الطوایفی وتشتت اجتماعی وفقر مالی وضعف معنوی درافغانستان مخصوص این دورهٔ شوم بود مدنیت مشعشع افغانستان بکلی تباه گردیده، مدارس باعلوم وفنون یکجا رخت بربست، بحدیکه درطول این قرون متوالی فقط معدودی ازرجال علم وادب درافغانستان پیدا شدند ازقبیل علامهٔ تفتازانی وجامی هروی و چند نفر دیگرفقط فن تاریخ نسبةً پیشرفته وچند نفر مورخینی درافغانستان بوجود رسیدند از قبیل میرخوند مشهور وحافظ ابرو وغیره. درین میانه چندی (دردورهٔ کورگانیان هرات) شعروادب ونقاشی افغانستان نیز رنگ و رونقی بخود حاصل نمود، اما جغرافیای مملکت بسیار پریشان گردید ، چنانیکه «خیوا» از همان ظهور چنگیزالی یومنا ازافغانستان مجزامانده، چه بعدازچنگیز به«جوجی» وباز بتوم «مطلا»رسیده وازظهور تیمور بماوراءالنهر مربوط شد ومتعاقباً شیبانی ها دولت مستقلی درانجا ساختند، نادر ترکمان برای یکسال اورا گرفت ولی مجدداً بتصرف ازبك ها رفت تاژنرال کافمان روسی در ۱۸۷۲ مسیحی آن ولایت را اشغال نمود . ولایت سند و کشمیر چندی ازافغانستان مجزا ومستقل شده آخراً بتصرف کورگانی های هند رفت ، بلوچستان جدا ومستقل گردید، گندهارای شمالی (حوضه های سوات و پشاور وغیره) درتحت ادارهٔ روسای بومی گاهی آزاد وگاهی محکوم چغتائی ها وکورکانی ها میگردید ، بلورستان تا آخر جدا ماند ، خراسان هم جزو فارس گردید .

ازقرن ۱۲تا۱٤هجری = قرن۱۸ـ ۲۰مسیحی:

شاهان هوتکی قندهار :

درقرن(۱۲)هجری افغانها در قندهار دست تسلط فارس را قطع کردند و درسال ۱۱۲۱ = ۱۷۰۹ مسیحی قایدمعروف افغان «میرویس» خان بن شاه عالم ، گرگین نام فارسی را با (۲۲) هزارعسکرآندولت قتل عام نمود، فارسی ها بجنگ پرداخته ودولت آنها خسرو خان نامی را با (۲۵) هزار عسکر دیگر بافغانستان سوق کرد ولی نتیجه همان محو قطعی فارسی ها بود ، میرویس خان حکومت ملیه را درقندهار استوارکرد واین شخص بزرگ و تاریخی درمدت حیات خود حکومت را فقط بصفت ریاست عمومی اداره کرده از قبول تاج

وتخت واسم پادشاهی انکار فرمود. بهرحال بعدازانکه میر ویس خان ازجهان بگذشت وجای او را برادرش «عبدالعزیزشاه» اشغال نمود، شهزاده «محمود» پسر میرویس عم خودرا از میان برداشته ودرجای پدر بنشست شهزاده محمود یکی ازبزرگترین رجال تاریخی افغانستان است واو در عنفوان جوانی بغرض اخذ انتقام دیرینه عسکر بفارس کشیده کرمان را مسخر کرد ، و باز در ۱۱۳۵ ه مجدداً به فارس تاخته و آن مملکت را قسماً باپایه تخت آن شهراصفهان فتح کرد وحسین خان صفوی شاه فارس را باسلسلهٔ اواز بیخ وبن برآورد ، ازین بعد تاسال ۱۱۴۲ هجری اصفهان پایه تخت قندهار وفارس قرار گرفت ، و بعدازشهریارمحمود کاکا زاده اش «شاه اشرف» دراصفهان جلوس نمود، اینها مملکت فارس‌را تامین نموده وازدشمنان بزرگ او (روس‌وتورك) جلوگیری نمودند چنانیکه درشمال فارس (در بند) مقابل عساکر پطر کبیر را گرفتند و درشمال غرب مکرراً اردوهای تورکان عثمانی را بشکستند ، تورکها آخراً مجبور بشناختن دولت افغانی در فارس شده و معاهده ئی هم بین طرفین عقد گردید . بد بختانه شاه اشرف وقتیکه در یکی از جنگها با نادر قلی ترکمان (نادر شاه افشار) مغلوب شده و برای ترتیب عسکر عازم افغانستان شد درنواح قندهار ازطرف رقبای خاندانی خود کشته شده وبدینصورت سلسلهٔ آنها منقرض وبرای تاخت وتاز نادر شاه زمینهٔ مساعدی فراهم گردید . تا ورود نادرشاه بقندهار (۱۱۴۵ ه) سلطان حسین هوتکی‌عمزادهٔ اشرف شاه پادشاه قندهار بود . دورهٔ کوتاه هوتکی‌ها درایقاض‌روح ملی افغانستان عامل بس بزرگی بشمارآمد اسمهای شاهان هوتکی اینست :ـ میرویس خان جلوس ۱۱۲۱هـ ـ عبد العزیزشاه ۱۱۳۰ شهنشاه‌محمود ۱۱۳۱ سلطان حسین ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۵ شاه اشرف (در فارس) ۱۱۳۸ ـ ۱۱۴۳ هجری .

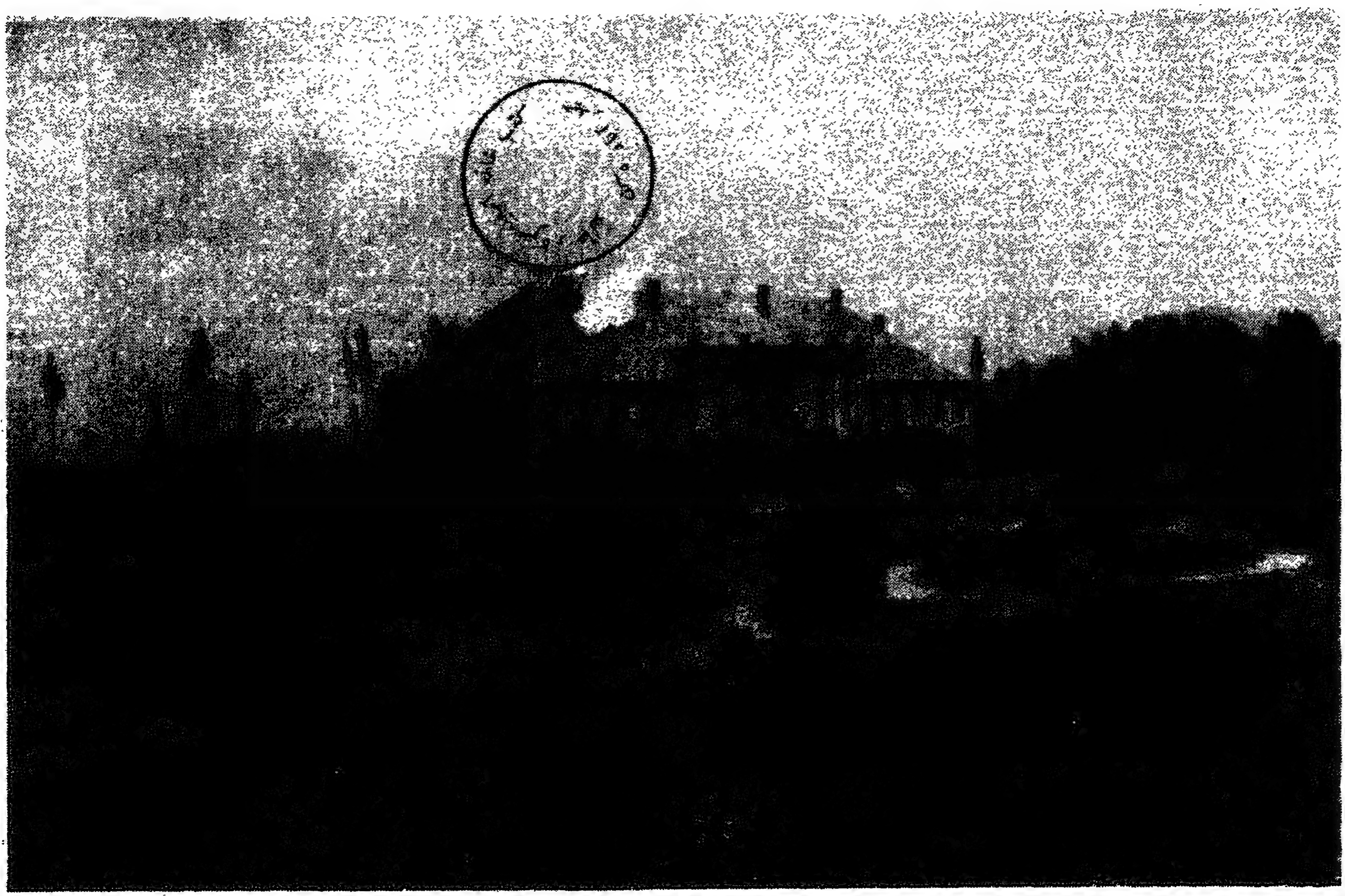
شاهان ابدالی هرات :

درهمان قرن(۱۲) هجری هنگامیکه افغانهای هوتکی درقندهار دست فارس را قطع میکردند، افغانهای ابدالی در ولایت هرات اعلان استقلال کرده و «آزادخان» سر کردهٔ ابدالی های هرات خراسان حالیـهٔ را معرض عسکر کشی های خویش قرارداد ، متعاقباً عبدالله خان ابدالی پسرحیات سلطان ، ریاست ملی را دردست گرفته وجعفرقلی حاکم فارسی هرات را با عساکر ساخلوی آندولت قتل عام نموده وخود بصفت پادشاه هرات زمام امور دردست گرفت ، متأسفانه بین این دوخاندان ابدالی وهوتکی هرات وقندهار نقاری بهمرسیده بجای آنکه متحد شوند بهم جنگ نمودند ودرنتیجه اسدخان پسر عبدالله خان بدست شهزاده محمود هوتکی در «دل‌آرام» فراه کشته گردید ، بهرحال عبدالله خان مکرراً عساکر اعزامی فارس را بشکست ، و بعد ازانکه شهزاده محمود فارس را متصرف شد، ابدالیان هرات بکلی آسوده شده مضافات (خاف)را بهرات‌الحاق کردند و چندین باربغرض فتح مشهدوخراسان تاختند ، اینها یك سلسله باپادشاه گردشی های بسیاری تا زمان ورود نادرشاه ترکمان بهرات (۱۱۴۴هـ) باقی بودند ، وبعد از انقراض آنهابدست‌نادر ، باز احمدشاه ابدالی یکی از منسوبین همین خاندان بود که طرح سلطنت قوی وملی در افغانستان ریخت ، بهرحال ابدالیان هرات درتاریخ هیجانهای ملی مقام مناسبی دارند . اسمای شاهان ابدالی هرات :ـ عبدالله خان بن حیات سلطان ابدالی جلوس ۱۱۲۹ هجری زمان خان بن دولت خان ابدالی ۱۱۳۲ ـ محمدخان ولد عبدالله خان ابدالی ۱۱۳۵ ـ ذوالفقار خان بن زمان خان ابدالی ۱۱۳۶ ـ الله یار خان بن عبد الله خان ابدالی ۱۱۳۸ ـ ذوالفقار خان (مکرر) ۱۱۴۲ ـ الله یار خان (مکرر) ۱۱۴۳ـ ۱۱۴۴ هجری .

دولت ابدالی افغانستان :

بعد ازانکه اشرف شاه افغان در قندهار کشته شد ، نادر شاه افشار که مرد جنگی وعالی همتی بود. رس را تامین نموده ، خواست از راه افغانستان عسکر بهندوستان کشد، لهذا در سال ۱۱۴۴ هجری وارد.

ازیادگارهای تاریخی اسلحه ویراق حربی معمول سابق
اهالی وطن



ازعمارات جدید(موزیم) کابل دارالامان

هرات شده دوچار جنگهای افغانها گردید ، بالآخره هرات را فتح نموده وبا افغانها مصالحه کرد وبعد افاغنهٔ ابدالی که باهوتکی ها مخالفت داشتند، بعد ازیکسال زحمت قندهار را از سلطان حسین هوتکی (۱۱۴۵هجری) منتزع نمود و ازانجا براه کابل عزیمت هندوستان کرد، نادرچون اصلاً فارسی نبود زیاده‌تر اعتماد اوبسرداران وعساکر افغان ودسته های نظامی تورك و ترکمان بود وبهمین قوت او باتحمل مشکلات تا دهلی پیشرفت ، ازان بعد نادر پادشاهی بود که نه افغانستان بلکه تورکهای عثمانی وروس ها راهم بجایشان نشاند ، نفوذ حکام نادر درحصص مفتوحهٔ افغانستان تازمان مرگ او (۱۱۶۰ هجری) طول کشید .

وقتیکه نادرشاه کشته شد احمدخان ابدالی (احمد شاه بابا) پسر زمان خان (پادشاه ابدالی هرات ۱۱۳۲ ـ ۱۱۳۵) باقطعات عسکری ابدالی در اردوی نادر بود واو بلافاصله عازم افغانستان شده در قندهار به تشکیل سلطنت افغانی پرداخت، احمدشاه‌درانی درعرصهٔ چند سال تمام حدود طبیعی افغانستان‌را از جیحون تادریای عمان وازفارس تارود بار سند (بدخشان وقطغن ، مزار ومیمنه ، مرو وهرات ، خراسان وسیستان بلوچستان ، سند ، پنجاب وکشمیر) داخل نقشهٔ سیاسی افغانستان نموده ودولتی قایم وقاهر بساخت ، تشکیلات عسکری وادارات دولتی وساختن راها وشهرها ازقبیل قندهار وتاشقرغان وغیره درعهد احمدشاه درانی منتظم گردید ، احمدشاه مکرراً بهندوستان و فارس و بخارا تاخته فتوحات محیرالعقولی نمود معهذا احمد شاه با آنکه درانعهد افغانستان یکی از بزرگترین دولتهای مقتدر آسیا بحساب میرفت ، اتحاد اسلام را همیشه نصب العین سیاسی خود داشته هندوستان‌را بعد ازفتح بشاهان گورکانی بخشید وبصدهاهزار «مراتهه» را که دشمنان اسلام ودهلی بودند معدوم نمود، ودربخارا بعد ازفتح مزاحمتی نه نموده فقط بگرفتن خرقهٔ حضرت رسول کریم قناعت ورزید ، هکذا درفارس باوجود غلبه وقدرت باستثنای خراسان که جزو قدیم افغانستان بود بگرفتن حدود او اقدام نه نمود . گویا دولت درانی افغانستان ازظهور مغل ببعد اولین دولت افغانی است که مجد و عظمت قدیم افغانستان را اعاده نموده ومملکت را از تجاوزات اجانب و ملوك الطوایفی هار هائی بخشید .

بعد ازسقوط «زمانشاه مشهور» نواسهٔ احمد شاه، خراسان از افغانستان بواسطهٔ عسکرکشی‌های« محمدخان قجر»شاه فارس منتزع شد ، و در پنجاب رنجیت سنگ نائب‌الحکومه زمان شاه اعلان استقلال کرد ، هکذا بلوچستان توسط خانهای‌محلی‌خود مستقل گردید . درهمین قرن (۱۹) بود که وادی‌کشك وقلعه‌مور از افغانستان مجزا و بتصرف خوانین خیوا رفت و بالآخره روسها (مرو) را در ۱۸۸۴ مسیحی اشغال نمودند . ازان بعد به تحریك«اجانب»خانه جنگی‌ها در افغانستان واقع شده ودرنتیجه، سلطنت ازخانوادهٔ سدوزائی به سرداران «بارکزائی» آنها تحویل‌یافت ، ومتعاقباً مداخلهٔ انگلیس ها درافغانستان باحرب اولین افغان و انگلیز رخداد ودرنتیجه مطابق معاهدات لاهور وقندهار (۱۸۳۸ مسیحی و ۱۸۳۹ مسیحی == ۱۲۵۴ قمری و ۱۲۵۵قمری) ولایات سند وملتان، کشمیر، پشاور، اتك ، دیره جات، از افغانستان جدا گردید . ولی شجاعت ووطن پرستی ملت افغان با کار نامه های قائدین ملی از قبیل نواب محمد زمانخان محمد زائی ، شجاع الدوله خان محمد زائی وزیر مشهور اکبر خان غازی محمد زائی ، سردار سلطان احمد خان محمد زائی ، سردار عثمانخان تگاوی، نائب امین‌الله خان لهوگردی ، محمد شاه خان بابکر خیل ، ملامومن غلجائی و امثالهم درین واقعه بطوریکه در تاریخها ضبط‌است اسباب افتخار ابدی افغانستان بشمار میرود. اسمای شاهان سدوزائی (درانی) : ـ احمدشاه بابا جلوس سال۱۱۶۱هجری ـ سلیمان شاه بن احمدشاه ۱۱۸۶ ـ تیمورشاه‌بن‌احمدشاه۱۱۸۶ ـ زمانشاه بن‌تیمورشاه ۱۲۰۷ ـ محمود شاه بن تیمور شاه ۱۲۱۶ ـ شه‌شجاع بن تیمور شاه ۱۲۱۹ ـ محمود شاه (مکرر) ۱۲۲۳ ـ ایوب شاه بن تیمور شاه ۱۲۳۳ ـ دورهٔ فتور ابدالی ها و تسلط برادران وزیر فتح خان بارکزائی ۱۲۳۳ ـ شه شجاع (مکرر) ۱۲۵۵ ـ فتح جنگ پسر شه شجاع ۱۲۵۸ ـ شاپور شاه پسر شه‌شجاع ۱۲۵۸هجری (درین میانه چندی در هرات شاخهٔ از ابدالی ها و الکوزائی ها و محمد زائی ها مسلط شدند و این ها

تا ۱۲۷۹ هجری عمر نمودند و بعد ها هرات از طرف عمال دولت محمد زائیه اداره می گردید .

دولت محمد زائیه افغانستان :

وقتیکه سلاطین درانی افغانستان‌رافتور فرا گرفت وشهزاده‌کامران‌پسرشاه‌محمود وزیرفتح‌خان‌بارکزائی‌را کور نمود برادران وزیر که در سر تا سر مملکت نفوذ داشتند برعایهٔ محمودشاه شوریده درسال۱۲۳۳هجری اورا بجانب‌هرات فرارساختند، و ازطرف‌دیگرف شه شجاع‌را بجانب شکار پور راندند ، رئیس برادران فتح خان سردار مشهور محمدعظیم خان بود، بتحریك محمد عظیم خان شاه ایوب پسر تیمور شاه از پادشاهی دست کشید. در ۱۲۳٤ شه محمود و کامران پسرش از هرات بکابل عسکر کشیدند ، ولی از برادران وزیر فتح خان شکست خورده هرات را مقر خود قرار دادند [ازین بعد تا سال ۱۲۷۹ هفت نفر ـ شه محمود (۱۲۳٤) شاه کامران (۱۲٤٤) وزیر یار محمدخان الکوزائی (۱۲۵٦) سعید محمد خان پسر وزیر مذکور (۱۲٦۷) شهزاده یوسف ابدالی (۱۲۷۲) سردار سلطان احمد خان محمد زائی (۱۲۷۳) شهنواز خان‌بن سلطان‌احمدخان (۱۲۷۹) درهرات پادشاهی کردند وجنگهای مشهور فارس وافغان بعمل آمد ، درتمام این جنگ‌ها فارسی‌ها مغلوب ودر حمله های خود نا کام ماندند ، درسال ۱۲۷۹ هرات ازطرف امیر دوست محمد خان ضبط گردید.] والحاصل برادران فتح خان (بزیر دستی‌سردار محمد عظیم خان وبعد ازو بماتحتی سردار شیر دل خان) باستثنای هرات وخراسان‌وپنجاب به تمام افغانستان مسلط شدند ، بعد ازفوت سردار شیردل‌خان درسال ۱۲٤۲ میرهای سند اعلان استقلال کردند و افغانستان شکل ملوك الطوایفی اختیار کرد ؛ مشهور ترین این ملوك بار کزائی سردار دوست محمد خان حاکم کابل و سردار پردل خان حاکم قندهار بشمار میرفت ، در دورهٔ اینها ولایات پشاور واتك وکشمیر از افغانستان مجزا شده وبتصرف رنجیت سنگ مهراج لاهور رفت (۱۲٤۳ ـ ۱۲٤٤) از سال ۱۲۵٤ برادران فتح خان ، سردار دوست محمد خان را برای توحید اداری افغا نستان بصفت پادشاه قبول‌نمودند، ولی‌یکسال‌بعد (۱۲۵۵) شه‌شجاع واردوی انگلیزداخل افغانستان شده‌وامیر جدید (دوست‌محمدخان) مغلوباً فرار بخا را گردید، و در۱۲۵٦ بانگلیز ها تسلیم وروانهٔ هند شد ، گویا دورهٔ اول‌برادران وزیرفتح‌خان درینجا خاتمه یافت .

اماشه شجاع وانگلیس بهمان تفصیلی که بهمه کس معلوم‌است‌درافغانستان معدوم‌شده ودرسال ۱۲۵۸قمری حتی کوچکترین آثار آنها برافتاد ، فقط‌تاثیر بزرگی که ازانها در مملکت باقی‌ماندهمان حکم عهد نامه‌های‌لاهور و قند هار (۱۲۵٤ ـ ۱۲۵۵هجری) منعقده بین انگلیز و شه شجاع ورنجیت سنگ بود ، مطابق اینمعاهده بعلاوه پنجاب تمام آن ولایاتی که در دورهٔ برادران وزیر فتح خان مثل سند ، پشاور ، اتك ، کشمیر از افغانستان جدا گردیده بود ، رسماً تجزیه شد .

پس از مغلوبیت انگلیس در افغانستان و کار نامه های پهلوان ملی وزیر اکبرخان غازی ، پادشاهی مملکت دو باره بامیر دوست محمد خان رسید ، ولی مطابق معاهدات جرود منعقده بین امیر دوست محمد خان و انگلیس ها (۱۲۵۸ ـ ۱۲۷۱ هجری) مواد معاهدات لاهور و قند هار و سلب استقلال سیاسی افغانستان از طرف امیر دوست محمد خان تصدیق وشناخته گردید . دربین سالهای ۲۸۵-۱۲۹٦ (سلطنت اعلیحضرت‌شیرعلیخان) مجدداً استقلال افغانستان اعلام و مدارس وعلوم و تمدن جدید در مملکت آغاز یافت ، ولی متعاقباً حرب دومین افغان و انگلیز (۱۲۹٦ ـ ۱۲۹۷) واقع شده و بعد از فوت شیر علیخان مطابق معاهدهٔ گندمك(منعقده بین امیر محمد یعقوبخان و انگلیز ۱۲۹٦ هجری) استقلال سیاسی افغانستان سلب و علاقهای شالکوت ، فوشنج تاجبال کوژك و علاقهٔ کرم تاجبال جاجی ودرهٔ خیبر و لندی کوتل از افغانستان مجزا ، وداخل‌حدودهند

انگلیسی گردید . (درین جهاد دویم ملی مبادا کار نامه های غازیان افغانی از قبیل جرنیل ملی محمد جانخان غازی وردك ، ملادین محمد مشك عالم اندری، سردار محمد ایوبخان وامثالهم فراموش ما گردد) در سال ۱۳۱۱ قمری مطابق معاهدات ذیورند (منعقده بین امیر عبد الرحمن خان و انگلیز) حدود شرق افغانستان و انگلیز معین ، و علاقه های سوات ، باجور ، چترال ، ارنوی ، وزیری ، داور ، چاکی و چمن از افغانستان رسماً مجزا ، و داخل حدود انگلیسی شناخته آمد. هکذا در همین عصر «پنجده» در دست روسها افتاد، در سال ۱۲۲۳ قمری مطابق معاهده منعقده بین امیر حبیب الله خان شهید و انگلیس (فارن سکرتری هند) مواد معاهدات دیورند تا ئید وتصدیق یافت ، وهم درین دوره (۱۳۱۹-۱۳۳۷) مدارس وعلوم جدیده با تعمیرات نو در افغانستان رواج گردید . در سال ۱۳۳۷ هجری (دورهٔ امانیه) افغانستان استقلال سیاسی خود را اعلام نموده ، و حرب سومین افغان و انگلیز واقع گردید ، و در نتیجه معاهدهٔ راولپندی ، استقلال افغانستان وصلح ملتین اعلان شد ، ازین بعد دور جدیدی درتاریخ افغانستان شروع میشود. (۱) درسال ۱۳٤۷ هجری اغتشاشات داخلی رخداده ، وبچهٔ سقو تخت وتاج سلطنتی را غصب نمود، در سال ۱۳٤۸ هجری اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی بر غاصبین مرتجع تاج وتخت افغانستان تغلب جسته (باصرار ملت) زمام سلطنت را در دست گرفت، ازین پس مجدداً مملکت در راه اصلاحات و تلافی مافات قدم می بردارد .

اسمای شاهان محمد زائی بقرار ذیل است :

اعلیحضرت	امیر دوست محمد خان	جلوس سال	۱۲۵۹	قمری هجری
»	شیر علی خان	»	۱۲۷۹	»
»	محمد افضل خان	»	۱۲۸۳	»
»	محمد اعظم خان	»	۱۲۸٤	»
»	شیرعلی‌خان (مکرر)	»	۱۲۸۵	»
»	محمد یعقوبخان	»	۱۲۹٦	»
»	عبد الرحمن خان	»	۱۲۹۷	»
»	حبیب الله خان	»	۱۳۱۹	»
»	امان الله خان	»	۱۳۳۷	»
اغتشاش‌وتسلط	حبیب‌الله بچهٔ سقو	»	۱۳٤۷	»
اعلیحضرت	محمد نادر شاه غازی	»	۱۳٤۸	»

(۱) — قوماندان فاتح این حرب بزرگ ملی و جهاد استقلال در محاذ سمت جنوبی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بودند که بیاد کار فتوحات شان درکابل منار استقلال برپا گردید .

اسامی حالیه و قدیمهٔ شهر ها ، ولایات ، مملکت افغانستان قدیم تا جائیکه بنظر رسید
در جدول ذیل ترتیب یافت (م . غبار)

نام حالیه	نام قدیم	ملاحظات
افغانستان (مملکت)	آریانا	یونانیان (اکسیمیا) وکاهی (ارا گواری) میگفتند. فارسی ها(آریاورتا) میخواندند . هندیها (باه لمکا) واعراب (خراسان) مینامیدند .
ای بك (شهر)	سمنگان	چینی ها(سی تین تسزیان) وعربها سمنجان نام نهادند .
ارگ هرات	قلعهٔ اختیارالدین	
اشکمش (علاقه)	وز والین	درحصهٔ قدغن حالیه واقع است .
بلخ (قلعهٔ قدیم)	هنداون	
بلوچستان (ولایت)	اوری شیا	یونانیان (گدروسیا) میخواندند .
پنجکوره (علاقه)	گواریس	
پنجشیر (علاقه)	پنجهر	
پنجاب (ولایت)	زت گوش	فارسی ها (ث ت گش) میخواندند .
تاشقرغان (شهر)	خلم	
جبل السراج (علاقه)	پروان	
جلال آباد (علاقه)	ننگ نهار	
جنوبی (ولایت)	پاختیا	یونانیان (پیکی بیکا) وهندوها (روه) مینامیدند . برای شناختن حدود اینولایت رجوع بشمارهٔ ۹ سال اول کابل شود .

نام حال	نام قدیم	ملاحظات
چترال (علاقه)	کتور ـ کاشکر	چینی ها (کاشکار) میگفتند .
خراسان (ولایت)	اپار تیا	یونانیان (پارتیا) و فارسی ها (پرتو) مینامیدند . و بقول هیرودت وتطبیق محققین فرنگی نام قدیم طایفهٔ افریدی پختانه هم (اپارتیا) بود.
خیوه (ولایت)	خوارزم	فارسی ها (خوارزمیش) میخواندند.
دولت آباد (شهر)	فاریاب	در ولایت مزار حالیه واقع است .
رستاق (شهر)	ولوالیز	عربها (و لوالج) ساختند . در علاقهٔ بدخشان واقع است .
زندجان (قصبه)	بوشنگ	عربها (فوشنج) میگفتند . در علاقهٔ هرات واقع ست .
سبزوار (شهر مخروبه)	اسپزار	عربها اسفزار گفتند .
سر پل (شهر)	انبار	در علاقهٔ مزار حالیه واقع است .
سند (ولایت)	اندوش	
سوات (علاقه)	سواتس	
شبرغان (شهر)	شبرگان	فارسی ها (سفید دز) میخواندند .
شلگر (علاقه)	هجویر	در حصص غزنی افتاده .
قدغن و بدخشان (ولایت)	تخار	فارسی ها (تخارستان) میگفتند
قندهار (ولایت)	زابل	یونانیان(ارا کوسیا) وفارسی ها (هرخواتیش) وبعد ها زابلستان میخواندند وعربها (الرخاج) و (الرحذ) میگفتند .

نام حال	نام قدیم	ملاحظات
قنداوه (شهر)	قندابیل	دربلوچستان واقع است .
کشکك (شهر مخروبه)	فیروزوند	درولایت حالیهٔ قندهار واقع است .
کوهدامن (علاقه)	کاپیسا	
کابل (شهر و علاقه)	وای کرت	
کشم (علاقه)	سکل کند	درعلاقهٔ بدخشان واقع است.
لغمان (علاقه)	لمپاکا	
مزار شریف (ولایت)	باخدی	یونانیان (باکتریان) وفارسی‌ها (باختریش) وهندیها (بالهیك‌دیس) و عربها (باختر) میگفتند و باکتریا و باختر در مورد عموم مملکت افغانستان نیزدرقدیم استعمال‌میشد .
مشرقی (ولایت)	گندارا	یونانیان و فارسیان باانداك تحریق گندهاره و گندار میگفتند، برای شناختن حدود این ولایت رجوع شود بشمارهٔ دهم سال اول کابل .
مرو و مرغاب (ولایت)	مرگیانا	اعراب (مرو الرود) نام نهادند .
میمنه و شبرغان (ولایت)	گوزگان	اعراب (جرزجان) میگفتند .
مزار (شهر)	ده خیر (قریه)	
غور و هزار جات (ولایت)	غرچ (و) غور	یونانیان (پاروپامسس) و فارسی ها واعراب (غرچستان) و غرشستان میگفتند .
فراه وچخانسور و سیستان (ولایت)	سکا ستیانا	یونانیها [درنگیانا] و فارسیها [ذرنك ـ نیمروز ـ سیستان] و اعراب (ذرنج وسجستان) میخواندند برای‌شناختن حدود او رجوع شود بشمارهٔ ۷ سال اول کابل .
تهرین (شهر)	لاچین	در علاقهٔ قدغن حالیه واقع است .

نام کنونی	نام قدیم	ملاحظات
نورستان و چترال (ولایت)	بولر (و) بلور	
وزیرستان (علاقه)	ویرسی	
هرات (ولایت)	آریه ـ آریانا	فارسی ها (هرای) و یونانیان آریانا میگفتند . (آریانا) در مورد عموم مملکت افغانستان نیز در قدیم اطلاق میگردید .
هدهٔ شریفه (شهر مخروبه)	نگار آرا	
یوسف زی (علاقه)	مندر	

شهرهاي مشهور و تاریخی افغانستان که بمرور دهور و حوادث جهان محو ونابود شده

تا جائیکه تاریخاً بنظر رسیده در جدول ذیل ترتیب یافت . (م. غبار)

نام شهرها	ملاحظات
آرتاگوان	در حدود شهر هرات حالیه واقع ویکی از قدیم ترین بلاد افغانستان در قرون قبل الاسلام بود .
آری گاؤن	دراراضی بین علاقهٔ کنر وپنجکوره ازطرف سکندر مقدونی بنا نهاده شده بود و از شهر های معمور افغانستان حساب می شد .
اسکندریه مرگیانه	در علاقهٔ مرغاب از طرف اسکندر بنا یافت و بعضا مستشرقین موضع آنرا مرو و چاق حالیه می شناسند .
الکزاندریه اراکوسیا	در حوالی شهر حالیهٔ قندهار از طرف اسکندر بنا شد و در دورهٔ قبل الاسلام از شهر های معروف افغانستان بود .
الکزاندریه قفقاز	درنواح علاقهٔ کوهداهن حالیه واقع وآباد کردهٔ سکندربوده وحالیا حتی موضع آن بی نشاناست .
آهنگران	در علاقهٔ غور واقع ویکی از خوبترین بلاد افغانستان دو دورهٔ اسلام شمرده میشد ، مغل آنرا خراب کرد .
انطاکیه	در حوالی شهر مرو قدیم واقع و ازقدیم ترین بلاد تاریخی افغانستان بود ، (انتیوخ سوتر) آن را در قرن سوم قبلالمیلاد بنا نهاد .
اسفزار	در علاقهٔ هرات واقع ویکی از شهر های معمور افغانستان در دور اسلام بحساب میرفت مغول او را تخریب نمود .
بگرام	در اراضی بین خیبر و شهرحالیهٔ پشاور واقع بوده ازشهر های قدیم افغانستان حساب میرفت .
بهلول	درعلاقهٔ یوسف زئی واقع وازشهر های نفیس قرون ماقبل الاسلام افغانستان شمرده میشد .
بامیان	یکی از مزین ومعرو فترین بلاد عجیبهٔ افغانستان تاظهور اسلام بود بعد ازتخریبات اعراب ازطرف مغل محو قطعی گردید .
بست	درساحل هلمند رود واقع ویکی ازشهر های متمدنهٔ افغانستان تاظهور مغل بحساب میرفت ، آثار او هنوز باقیست .
بوشنگ (فوشنج)	درموضع قریهٔ زنده جان حالیهٔ علاقهٔ هرات افتاده وتاظهور مغلها ازبلاد متوسطهٔ افغانستان بود.

نام شهرها	ملاحظات
بلخ (قدیم)	یکی از بهترین وقدیمترین بلاد افغانستان بوده تاهجوم اعراب از خوبترین شهر های آسیا شمرده میشد بعد ها چندین بار خراب شد .
بدخشان	درمحل شهر (فیض‌آباد) کنونی واقع وتاظهورمغل ازشهرهای معمورافغانستان بود، چنگیز اورا تخریب کرد .
بروقان	درجوار شهر (بلخ) قدیم دردورهٔ اعراب بنایافت ، بعدها درمحاربات خارجی منهدم گردید.
بالاحصار	شهر کوچك ومزینی بوده ازقرن ۱۸ تا ۱۹ پایه تخت افغانستان قرار گرفت ، درمحاربهٔ دوبین افغان وانگلیز منهدم گردید .
پرشور (فرسور)	یعنی شهر (پشاور) قدیم که ازقرون قبل‌الاسلام تاظهور اسلام ومحارب آن از تاریخی ترین بلاد افغانستان محسوب بود .
پشین	درعلاقهٔ (هزاره جات) حالیه واقع وتاظهور مغل از شهرهای مشهور افغانستان حساب میشد .
پشکلاویتی	درحدود چهار سدهٔ حالیهٔ پشاور واقع واز کهن ترین بلاد افغانستان بوده ،درهجوم اسکندر آبادان ومعمور بود .
پتاله	درعلاقهٔ سند افتاده ودرعهد سکندر بسی آبادان ومدتها ازبلاد معروف افغانستان حساب‌میشد .
پنجوای	در یك منزلی شهر حالیهٔ (قندهار) واقع و در دورهٔ اسلام تا ظهورمغل ازبلاد متوسطهٔ افغانستان شمرده میشد .
پیشاوران	درسیستان واقع وتاظهور مغل ها ازبلاد متوسطهٔ افغانستان بود .
تکین آباد	درمحل شهرحالیهٔ (قندهار) واقع و تا ظهور مغل از مشهور ترین بلاد افغانستان در ولایت زابل شمرده میشد .
تالقان(اول)	درجوار شهر حالیهٔ تالقان (قطغن)واقع وتاهجوم چنگیز ازمهمترین شهرهای افغانستان‌حساب می‌شد .
تالقان(دوم)	درعلاقهٔ مرغاب (هرات) واقع وتاهجوم چنگیز وتخریبات او شهر معموری بود .
تاق (طاق)	شهر کوچك ومستحکم نظامی بوده درنزدیکی شهر ذرنج (سیستان) واقع و تاظهور مغل معمور وآبادان بود .

نام شهرها	ملاحظات
تهته	شهر قدیم و تاریخی افغانستان در نواح سند بوده ، وحالیا قصبهٔ جای آنرا گرفته .
جوین	دردورهٔ اسلام ازشهر های متوسط افغانستان محسوب و درعلاقهٔ سیسان (فراه حالیه) واقع بود حالیا نشانی ندارد .
ذرنگک (ذرنج)	از قدیم و تاریخی ترین بلاد افغانستان و پایتخت ولایت سیستان بود در تخریبات مدهشهٔ مغول منهدم گردید .
ذرغون‌شهر	درعلاقهٔ لوکر حالیه واقع‌ودرقرون وسطی ازبلادمتوسط افغانستان محسوب‌بود حالیا حتی کوچکترین اثری ازو نمانده .
سمنگان (ایبك)	یکی ازبلاد تاریخی ونفیس افغانستان تاظهور و هجوم اعراب حساب میشد و حالیا قریهٔ ایبك جای آنرا گرفته .
سرخس (قدیم)	درطول تمام قرون وسطی ازبلاد مهم اقتصادی افغانستان بوده وبعد ها خراب وجای اورا سرخس کوچك جدید اشغال نمود .
ساطانیه (قامه)	شهر کوچك و مزینی بود در عهد مغل (شاهرخ) در جوار شهر مرو آباد شد و حالیا نشانی ندارد .
شورمین	در (هزاره جات) حالیه واقع وتاحمله‌های مغل از شهر های معروف افغانستان بود .
شائی(شاهی)	در جوار شهر ضحاك (بامیان) واقع و از شهر های معروف افغانستان در قرون وسطی بود .
شهرك	در علاقهٔ غور واقع وازبلاد مهمهٔ افغانستان در دورهٔ اسلام وبروایتی پایتخت سلاطین‌غور بود .
شیرین‌تگای	در علاقهٔ (میمنهٔ) حالیه واقع و تا ظهور مغل از بلاد معمورهٔ افغانستان بحساب میرفت.
ضحاك	درنزدیکی شهر (بامیان) قدیم اوفتاده و از شهر های تاریخی افغانستان حساب میشد .
غزنی (قدیم)	یکی از بهترین بلاد افغانستان بوده و تا ظهور دولت های غوری و مغلی معمور وآبادان بود .
غلغله	در مقابل اصنام بامیان واقع و از شهر های نفیس افغانستان بود مغل ها اورا منهدم ساختند .

نام شهر	ملاحظات
فاریاب	شهر مشهوری در افغانستان بوده و تا ظهور مغل معمور و آبادان بود حالیا قریهٔ دولت آباد در ولایت مزار جای آنرا گرفته .
فراه (قدیم)	در حوالی شهر حالیهٔ (فراه) واقع و از چهار قرن قبل المیلاد باینطرف معمور بود .
فیروز وند	در کشک حالیهٔ (قندهار) واقع و یکی از بلاد متوسطهٔ افغانستان بوده و حالیا اثری ازو نمانده .
فیروز کوه	درعلاقهٔ (غور) واقع و یکی از بلاد عمدهٔ افغانستان در عهد سلاطین غور بحساب میرفت .
قبصار	در علاقهٔ (میمنه) واقع و از بلاد متوسطهٔ افغانستان بوده و حالیا جای آنرا قریهٔ اشغال کرده.
قند هار (قدیم)	در نزدیکی شهر حالیهٔ (قندهار) واقع و تا هجوم نادرشاه ترکمان از بلاد مهمهٔ افغانستان بوده نادر او را تخریب نمود .
قصدار	در بلوچستان واقع و در قرون وسطی از شهر های عمدهٔ افغانستان بحساب میرفت .
قندز	در چند میلی خان آباد حالیهٔ (قطغن) واقع و از قرن ده تا نزدهٔ مسیحی از بلاد مشهورهٔ افغانستان شمرده میشد .
قره باغ	در علاقهٔ غور واقع و ازشهر های متوسط افغانستان در دور اسلام بحساب میرفت .
کاپیسی نگارا	در کوهدامن حالیه (سمت شمالی کابل) واقع ودردورهٔ قبل الاسلام یکی ازبلاد ظریفهٔ افغانستان محسوب بود .
کارتنه	در حدود بگرام (جبل السراج) اوفتاده و یکی از شهرهای تاریخی افغانستان بود ، اسکندر اینشهر را بنا نهاد .
کوهسان	درعلاقهٔ (هرات) واقع ودردورهٔ اسلام شهرمعروفی بوده حالیا سوای خرابه‌ها اثری ازو نمانده.
گردیز (قدیم)	در ولایت پاختیا (سمت جنوبی حالیه) واقع و در دور اسلام ازشهرهای معروف افغانستان بوده خرابه های آن باقیست .
نگار آرا (هده)	درنواح شهر (جلال آباد حالیه) واقع و از مزین و نفیسترین بلاد قدیمی افغانستان تا ظهور اسلام بود .

نام شهرها	ملاحظات
تعلیك (یوکراتیدیا)	مابین (بلخ وشبرغان) واقع و یکی از کهن ترین بلاد افغانستان قدیم بود ، یوگراتید شاه بلخ در قرن ۲ قبل‌المیلاد اورا بنا نهاده بود .
نیشاپور (قدیم)	یکی از معمور ترین بلاد افغانستان بحساب میرفت ، عشایر غز وبعد ها مغل آنرا تخریب کرد محارب قجر و ابدالی اورا سقوط داد .
نکائی	بین اراضی کابل و کوهدامن از طرف سکندر بناشد ویکی از شهرهای تاریخی قبل الاسلام افغانستان محسوب بود .
هرات(قدیم)	درجای شهر حالیهٔ هرات واقع و یکی از معروف و بزرگترین بلاد افغانستان بود ، مغل آنرا منهدم ساخت .
هزاراسب	پایتخت خوارزم (خیوه) و تاظهور و تخریبات مغل از بلاد مهمهٔ افغانستان حساب می شد .
مرو چاق	درمحل قریهٔ حالیهٔ مرو چاق درعلاقهٔ مرغاب واقع ویکی ازشهرهای قدیمی افغانستان محسوب بود.
مرو	در نزدیك قصبهٔ حالیهٔ مرو واقع و از بزرگ و متمدن ترین بلاد افغانستان شمرده می شد مغلها اورا منهدم ساختند .

بقلم جناب غلام جیلانیخان اعظمی
معاون انجمن ادبی

نظری بجغرافیای وطن

وضعیت طبیعی :

وطن عزیز افغانستان از حیث موقعیت طبیعی خود بعد از تبت از بلند ترین ممالك شرق بوده و در قلب آسیای مرکزی جا دارد زمین کابل که مرکز ادارهٔ مملکت است از سطح بحر (۶۴۰۰) فیت ارتفاع داشته وبلند ترین قله هـای کوهای وطن مثل : قله معروف (مستاغ اتا) Mustaq ata از کوهای شمال مشرق به (۲۴۴۰۰) فیت ارتفاع وقلهٔ (سرابند) و (سکارام) ازکوهای کوه سفید و سپین غر درحصه های داخلی و شرقی وطن به (۱۵۸۰۰) و (۱۵۶۰۰) فیت ارتفاع و قلهٔ فولادی ازسلسله کوه بابابه (۱۶۸۷۰) فیت میرسد.

از مشهور ترین سلسلهٔ کوه های وطنی اول سلسله هندو کش است که از سطح مرتفع پامیر بر آمده ولایات شمالی ومرکزی مملکت را ازهم متمایز می گرداند . این سلسله عموماً برفگیر ونهرها وتالاب هـای مختلفی در اطراف خود جاری داشته موجب استفاده هـای مهمی بمقصد سر سبزی و شادابی مملکت میشود آخراً بطرف غرب شمالی امتداد یافته در حدود کوهسان علاقهٔ سرحدی مملکت منقطع میشود ، حد اعظم ارتفاع این سلسله به بیست الی بیست ویك هزار (۲۰۰۰۰) الی (۲۱۰۰۰) فیت بالغ میگردد.

سپس سلسلهٔ کوه سفید در داخلهٔ خاك است که ازحدود شرقی کوه بابا پیداشده مستقیماً از حصهٔ وسطی بطرف مغرب مملکت امتداد میابد . سلسلهٔ سوم « اسپین غر » یاسفید کوه مشرقی است که بین عـلاقه جات مشرقی خاك موجوده ومحل سکنای افغانان سرحدی حایل میباشد .

رویهمرفته قسمت های مرکزی و شرقی مملکت دارای کوهستانات زیادی بوده وازین سلسله کوه هـای که مذکور شد شعب مختلفی بطرف مرکز امتداد یافته است که خود این کوها عموماً استحکامات قدرتی برای خاك وطن بوده ازنقطهٔ نظر عسکری اهمیت زیادی را دارا میباشد .

وطن‌عزیزدارای جلگه های سرسبز و وادی‌های‌زیادی بوده ازحیث موقعیت کوهستانات برفگیرمرکزی که‌منبع آب‌های تمام رودخانه های مملکت شمرده میشود میتواند غالب قسمت های اراضی‌را درموقع لزوم مشروب سازد.

رودخانه های‌معروف‌مملکت همانا اول رودخانهٔ آمواست که فعلاً بین‌افغانستان وبخارا حدفاصل قرارگرفته ومملکتین مساویانه ازآبهای این‌رودخانه استفاده‌مینمایندمنبع‌این‌رودخانه کوه های‌هندوکش وپامیربوده بعدازینکه‌ولایات‌خان‌آباد ومزاررا ازخاك ترکستان جدا میکند مجرای خودرا بطرف شمال‌تغییرداده بدریاچهٔ آرال علاقهٔ خوارزم میریزد .

۲ : رود خانهٔ هری‌رود است که از آب های کوچك ومختلفی درحدود دولت یارحصهٔ مرکزی مملکت پیداشده جلگهٔ هرات‌را مستقیماً عبور وآخراًدر حدود غرب‌شمالی ولایت منحرف شده بعلاقهٔ عشق آبادمیریزد این رود خانه خیلی فیاض وتمام آ بادی ومزروعات حصهٔ‌مرکزی هرات‌مرهون آبها وچشمه سارهای وی است.

۳ : رودخانهٔ هلمند است که از آب های هزاره جات حصهٔ مرکزی وطن پیداشده بطرف جنوب مغربی جریان می نماید وآ خراً در نقطهٔ مغرب خاك مستقیم شده بدریاچهٔ آمون هلمند میریزد ، در عـهـد سابق یعنی در حدود قرن ۵ و ۶ اسلام این رود خانه خیلی مورد استفاده در داخله خاك وطن بوده شهر معروف بست وعمرانات ومزروعات آن زمانه ها در ولایت زابلستان از وی مشروب ومعمور می گردید .

٤: رودخانهٔ کابل است که از کوه‌های غربی کابل وسرچشمه پیداشده ازوسط شهر گذشته بطرف مشرقی مملکت جریان مینماید، درحدود ولایت مشرقی دیگر رودخانه های داخلی باوی نیز ملحق شده عموماً دررودخانهٔ اتك داخل میشود.

باقی رود خانه های مختلف ومتعدد دیگری مثل رود مرغاب ، رود کشك، فرارود ، ادرسکن ، کوکچه و غیره نیز در ولایات مختلفه جاری است که غالب آنها در داخله مورد استفاده میباشند .

آب وهوای مملکت نظر بوضیعات قدرتی خاك که بعضی نقاط آن نهایت مرتفع وبعضی پست میباشد خیلی مختلف است یعنی در بعضی نقاط مثل ولایات مرکزی که کوهستانات زیادی دارد در زمستان خیلی سردی حکمفرما بوده و برف های مهمی می شود ودر تابستان هوا اعتدال داشته بالعکس در ولایات مشرق وجنوب غربی وبعضی حصه های شمال مملکت درزمستان هوا معتدل است ولی درتابستان حرارت زیادی پیدامیشود رویهمرفته درجهٔ برودت زمستان درسردترین نقاط از «١٢» درجه تحت الصفر و درتابستان از« ١٢٥» درجه فارهنهیت زیاده نمیشود .

از حیث بلندی وارتفاع ودوری از بحر هوای مملکت خشك ولی آفتاب آن درخشنده وسفید است آب های زلال خوش مزه ومعدنی در هر نقطهٔ وطن موجود وهوای آن برای غالب امراض مفید ثابت شده از نقطهٔ نظر حفظ الصحه خیلی مساعد و اهالی آن در کمال تندرستی و خوبی صحت میباشند .

آبشار های زیادی هم در اکثریه نقاط وطن موجود است که فعلاً ازانجمله کوچکترین آن مثل آبشار شمالی کابل ماشین های الکتریکی بقوه (٨) هزار اسپ را دایر ساخته است .

حدود و مساحت:

خاك وطن از جهات اربعهٔ خود محدود است غرباً بخاك فارس ، شمالاً به بخارا و صحرای تورکمان جنوباً به بلوچستان وشرقاً بحصهٔ شمال مغرب هندضمناً ازجهت شمالی شرقی بتورکستان چین نیزاتصال وهمسایگی دارد .

محل وقوع خاك از نقطهٔ نظر درجات الارض واقع است در بین (٢٩) درجه و (٣٠) دقیقه و (٣٨) درجه و (٣٥) دقیقه عرض شمالی و (٦٠) درجه و (٥٠) دقیقه (٧٤) درجه (٥٠) دقیقه طول مشرقی .

رقبهٔ تمام خاك هائیکه فعلاً تابع ادارهٔ سیاسیهٔ مملکت است بالغ میشود به (٦٧٠٠٠٠) میل مربع طول مملکت از غرب بشرق ششصد میل از شمال بجنوب عرضاً بالغ میشود به پنجصد میل و رویهمرفته مساحت سطحیهٔ تمام خاك مملکت محدود است به (٧٠٠) هزار کیلو متر مربع که ازخاك فرانسه چیزی بیشتر میباشد .

وضعیات اقتصادي و پیداوار:

وطن عزیز عموماً یك خاك مستعد و توانا ئیست که منبع همه گونه ثروت های قدرتی بوده از حیث اقتصادیات طبیعی به بسی ممالك دنیا مزیت دارد ؛ چه اولاً زراعت و فلاحت که حوائج ضروریهٔ انسانی است وطن عموماً دارای این حیثیت عالی بوده درهمه نقاطش امور فلاحتی وزراعتی جریان دارد خصوصاً درنقاطیکه باران های بموقع میشود زراعت للمی بمقدار های زیادی بوجود آمده اهالی را از کثرت غله بی نیاز میگرداند محصولات زراعتی اگر چه فعلاً مورد تجارت خارجی نبوده و بقدر رفع حوائج داخلهٔ مملکت معمولداشته میشود ولی اگر استعداد زراعتی ملك با مصارف داخلیه تطبیق داده شود افغانستان میتواند سالانه یکمقدار زیاد غلهٔ زاید از احتیاج را درممالك خارجه صادر نماید: - گندم سفید ، جو ، جودر ، جواری ، برنج ، نخود ، باقلی، ماش ، لوبیا ، پنبه ، شرشم ، تربك ، رشقه ، شبدر ، نیشکر ، لبلبو ، خربوزه ، تربوز ، و هر رقم سبزیجات ، سیب زمینی وغیره از محصولات زراعتی افغانستان است .

کذا اشجار میوه دار واشجار جنگل بمقصد تعمیر وفرنیچر درمملکت بکثرت پیدامیشود، مثلاً اشجار بلوط جوز، شیشم، زیتون، سفیددار، جلغوزه، ارچه، خار، وغیره حتی درخت اکاسیا زیتون دراکثر نقاط مملکت خیلی بسر میرسد.

نظر بآب وهوای مختلفهٔ وطن که ازجهت پستی ها وبلند یهای خاك طبعی بعضی نقاطش خیلی گرم و بعضی سرد است ازین رو محصولات نباتی ممالك گرم سیر وسرد سیر را میتوان ازان بعمل آورد . فواکه و اثمار خیلی شیرین ومطبوع درهر هرجای مملکت بوجود می آید خصوصاً انگور بسیار شیرین واعلی که تعداد اقسام آنرا درتمام مملکت بالغ بصد رقم میتوان پید انمود انار هر قسم ، سیب، گلابی ، شفتالو ، آلو ، قیسی ، قندك، به، انجیر ، لـکات ، پرتقال ، مته، سنتره ، لیمو ، توت ، گیلاس ، آلوبالو وغیره در هر گوشه وکنار مملکت بوجود می آید ولی میوه های ازقبیل لـکات و نارنج ، وسنتره ولیمو مخصوص نقاط گرم سیر مملکت است.

گلهای هرقسم وخوشبو و هرنوع نباتاتیکه از آنها میتوان عطریات نفیس وادویه جات شیمی را ترتیب داد عموماً درهر گوشه و کنار وطن موجود است . جنگلات مختلفی را میتوان در اکثر نقاط وطن مشاهده کرد ولی قسمت عمدهٔ جنگلات چوب‌های هررقم درعلاقه های جنوبی ومشرقی وطن بوده وجنگلات پسته و بادام خود رو که سالانه یکمقدار زیاد از محصولات آن بخارج صادر میشود مخصوص ولایات قطغن و هرات و دیگر نقاط شمالی وشمال مغرب مملکت میباشد .

حیوانات وحشی واهلی بیك تعداد زیاد در مملکت بوده یك قسمت عمده سرمایه اهالی را تامین مینمایند : مثلاً اقسام اشتران باری، اشتر دو کوهانه بادی، اسپ ، استر، مرکب ، گاو ، گاومیش غشگاو ، گوسفند قره قلی، گوسفند معمولی ، بز ، قوچ ، خرگوش ، آهو ، گورخر ، زرافه موجود بوده وضمناً ازقسم بعضی حیوانات ضاره مثل شیر ، پلنگ ، شغال ، روباه، خرس و غیر نیز دربعضی نقاط مملکت پیدامیشود .

اسپهای وطنی مخصوصاً درولایات شمالی وجنوب مملکت خیلی محکم ودوند واعلی بوجود می آید، گوسفندقره قلی که سالانه یکمقدارزیاد محصولات پوست برئی آنها درخارج صادرمیشودمحل پرورش شان عموماً ولایات شمال وشمال مغرب وطن است.

پت اعلی که غالباً درخود مملکت ازان به مصرف ساخت کرك وپتو وجراب و غیره میرسد درعلاقه جات قطعهٔ نوهرات ، نورستان مشرقی ، وعلاقه جات اسمار و بدخشان بعمل می آید .

معادن وطن یامهمترین سرمایه های که قدرت درخاك های ما ودیعه گذاشته خیلی زیاد وقابل تعریف است چه باوجودیکه تاهنوز اساساً بکشفیات آن مثل دنیای متمدنه آغاز ننموده ایم بازهم معدنیاتیکه در اثر اتفاقات قبلاً مکشوف گردیده یا درین سالها اصولاً از طرف وزارت اقتصادیات ما بکشف آن اقدام کرده شده در احصائیه یکمقدار معتنابه‌را نشان میدهد وازانجمله است: معدن یاقوت جکدلك، لاجورد بدخشان، طلای قندهار، نفت تیرپل هرات ، ذغال غوربند وکوهدامن ودیگر نقاط که معادن این شی کار آمد بکثرت در هرگوشهٔ وطن پیدا می شود ؛ کذا معدن آهن پغمان که دارای هشتادو دوفیصد آهن خالص که بقول کرست المانی بهترین معادن آهن دنیاست ومعدن جبل السراج وغیره جاها ومعادن مس که یکمقدار زیادآن درکوهستان جنوبی هرات وضمناً علاقهٔ میدان کابل مکشوف ومعلوم است که این معادن موخرالذکر یکمقدار بزرگ دارائی معادن مملکت‌را ظاهر میسازد . همچنان معادن چودن ، گوگرد ، ابرك ، زرنیخ ، طوتیا ، نمك ، نوشادر ، مرمر ، رخام ، سنگ کنان ، سرب وغیره که بلافاصله مکشوف وبعضی ازین معادن فعلاً طرف استناده هم میباشد .

رویهمرفته ملت عزیز نظر باستفاده از صنایع مختلفهٔ معموله جهان ازمواد طبیعی خود بیشتر متمتع شده خاصتاً موقعیت زراعتی و فلاحتی آن جزو اعظم مشغولیت های اهالی شمرده میشود لهذا نظر بوجود این سرمایه های قدرتی که باعث تامین معیشت عامه میشود غالباً تاهنوز اهالی دست بصنایع مختلفه و مشکلهٔ امروزهٔ جهان نزده ودرین مطلب جز بقدر ضرورت معاشرتی خود انهماك ندارند .

صنایع وحرفت:

صنایع نسج ، معماری ، نجاری ، آهنگری ، سنگتراشی ، و دیگر حرفت ها بقدر ضروریات زندگانی مرسوم و معمول درهمه نقاط وطن بوده درین اواخر ماشین های مختلف هم بمملکت وارد شده و در مطالب صنعتی باهالی کمك مینماید . ازانجمله است : ماشین های اسلحه سازی وترمیم اسلحه و سامان حربی ، باروت سازی ، چرمگری ، بوت دوزی ، قند سازی ، شیر سازی ، الکتریك، سمنت سازی ، شیشه سازی ، چوچه کشی ، قالین بافی ، نساجی ، گوگرد سازی ، یخ سازی ، وازقسم مطابع هر رقم مثل ، تیپو گرافی ، زینکوگراف رنگه ، آفسیت ، لیتوگرافی وغیره که در امور صنایع ومطبوعات مملکت کمك می نمایند .

اوضاع مدنی ووسایل مملکتی :

گرچه مملکت عزیز از حیث پیش آمد واقعات مدهشهٔ چندین ساله قبل ازقبیل مشغولیت ها بخانجنگی ها ومحاربات با خارجی ها نتوانست موقعی تامین کرده وبمصالح مدنی و امور ترقی داخله خاك خود متوجه شود وازین علل ودیگر بواعث معلومه چندین سال در حال تعطیل گذرانیده و از قوافل دنیای متمدن امروزه عقب افتاد ولی باوصف این نظر بطبایع ذاتی که این ملت عموماً علاقه مند بنظافت زندگی و قبول تمدن عصر استعدادی دارند فعلاًهم طرز معاشرت اهالی باهمان اسلوب مشرقیانه ولی پاکیزه و باقاعده بوده بتمدن شهری علاقه مند وحوائج زندگی خود شانرا بقدر دسترس باسباب و وسائل عصر تهیه وبلا فاصله تحویل میدهند .

معارف عصری فعلاً در همه نقاط مملکت جاری و بتعداد اشخاص صاحب سواد سالانه یکمقدار افزود شده میرود . علوم سابقه‌هم خیلی رواج داشته اهالی به تحصیل آن میل مفرطی دارند ، خطوط شوسه درهمهٔ نقاط مملکت و ولایات مختلفه کشیده شده و ازان نقاط در همه شهراه های عام سر حدی مقابل خاك های ممالك هم جوار امتداد یافته است که مسافرت را در داخلهٔ مملکت از یك نقطه بنقطه دیگر و همچنان از نقاط سرحدی خارج را بداخله بذریعهٔ موتر و دیگر عرابه جات سهل وآسان می نماید .

اموریستی درمملکت مرتب وحمل‌ونقل بذریعهٔ موتر وآیروپلان وسواران‌پستی بعمل می آید مخابرات درداخله بذریعهٔ تیلفون وتیلگراف بی‌سیم وهم سیمدار اجرا می شود .

رویهمرفته اوضاع مدنی مملکتی مدارج مقدماتی خودرا گاضرن بوده وبطرف ترقیات عصر مشی مینماید .

تشکیلات مملکت :

ازنقطهٔ‌نظر اداره افغانستان منقسم است‌به‌پنج ولایت والی‌نشین وچهار حکومت‌اعلی کادر رتبه‌ازایالت چیزی کمتر است وهم پنج حکومت کلان که‌از حکومت اعلی چیزی خوردتر است باین تفصیل :- ولایت کابل، هرات قندهار ، مزار شریف، خان آباد .

حکومات اعلی: میمنه فراه، جنوبی ، مشرقی .

حکومات کلان : شمالی ، غزنی، پشت رود ، هزاره‌جات ، اسمار .

در تحت ادارهٔ این حکام و ولات بزرگ دیگر حکومات جز که بعنوان حاکم درجهٔ اول ۲، ۳ و علاقه داری ها نامیده میشوند نیز میباشند .

مرکزمملکت شهر کابل است‌که دوایر مهمه وقصر پادشاهی درین‌شهر بوده وادارهٔ شهر واهالی متعلق‌بوالی .

کابل وریاست بلدیهٔ کابل میباشد . امور دفاعیهٔ وطن متعلق بوزارت حربیه وعساکر مملکت خوش برضا و در بعض مواقع بصورت قرعه اخذمیشود امنیت داخلی بقوهٔ پولیس پیاده وسوار ومتعلق بوزارت داخلهٔ مملکت است.

طرز حکومت پادشاهی ومشروطه وازطرف دومجلس بزرگ شورای ملی واعیان قوانین مملکتی و بودجه تصویب میشود.

اعضای مجلس شورای ملی برای سه سال و ازطرف ملت مستقیماً انتخاب میشوند اعضای مجلس اعیان مرکب ازفضلا و نجبای مملکت است که ازطرف دولت برای دائمی انتخاب میشوند .

ادارهٔ مملکت بواسطهٔ صدارت عظما و هیئت وزرای دولت است ، ترتیب وزارت خانها ازینقرار میباشد وزارت حربیه، خارجه، داخله، عدلیه، معارف،تجارت، مالیه،ومدیریت های مستقلهٔ طبیه،مخابرات ، تربیهٔ حیوانات.

امور دربار پادشاهی از طرف وزارت دربار و دارالتحریر شاهی و دوائر یاوری های پادشاهی اداره می شود .

مصارف بلدیه های شهر از طرف اهالی و دولت مشترکاً و مصارف معارف مملکت ، مطبوعات ، دوائر صنعتی و مؤسسات علمی و ادبی ، موزیم ها و غیره عموماً از طرف دولت پرداخته میشود .

تعلیم ابتدائی در مملکت جبری و امور عدالت خانها باساس شرع مطهر دینی و بعضی امور و مجاری سیاسی واموراث اداری همه بروفق نظامات مخصوصه وقوانین دولت اجرا می یابد .

اهمیت تجارتی وطن :

از نقطهٔ نظر تجارتی وطن عزیز دارای خیلی موقعیت عالی بوده واین حیثیت را در اعصار سابقه بخوبی ظاهر ساخته است، چه یکطرف موقعیت مرکزی آن بین همسایه های شرقی ودیگر سو نزدیکی طرق مواصلهٔ آن از جهات شمالی وشمال مغرب بخط آهن خارجه که اگر وسائل حمل ونقل مملکت مستعد شود میتواند مرکز مهمهٔ تجارت شرق و غرب واقع گردد ولی عجالتاً که از علت موانع راه ها و وسائل حمل ونقل نتوانسته بخوبی ازین موقعیت خود استفاده کندلهذا حاضراً با تجارت محدودی بسربرده و مناسبات تجارت افغانستان فعلاً درممالك خارجه مستقیماً درهند وروسیه وفارس وبلوچستان وضمناً در اروپا است وباین تازگی مملکت باجاپان هم داخل مقاولات تجارتی شده است .

امتعهٔ وارده در افغانستان از ممالك خارجه عموماً عبارت است از ماشین آلات ، قسماً اسلحه و تجهیزات نظامی ، قند،چای، ادویه جات طبی وشیمیائی ، کاغذ و بعضی اسباب لوکس ، نقره و غیره صادرات مملکتی بخارجه مشتمل است از : پنبه ، پشم ، میوه ، پت ، ابریشم ، قالین ، قالین چه ، پوست قره قلی ، پوست خام دیگر حیوانات ، میوه جات خشك بار و تازه ، زیره ، انگوزه ، ترنجبین ، شیر خشت ، پسته ، با دام چوب هر رقم ، روغن، بز غنج ، جلغوزه که عمده ترین این قسمت ها را میوه جات و پشم و پنبه و پوست وقالی تشکیل میدهد .

نمایند های تجارتی افغانستان در خارجه به نقاط لندن ، ماسکو ، هند و بخاراست .

مناسبات مملکت در خارجه :

سفرا و نماینده های دولتی از قسم سفرای کبیر ، وزرای مختار ، جنرال قونسل ها ، قونسل ها ویس قونسل های افغانی بدر بارهای : ماسکو ، طهران ، انقره ، لندن ، پاریس ، برلن ، روما ، مصر دهلی ، بمبئی ، کراچی ، مشهد ، تاشکند ، مرو ، سیستان ، تورکستان چین میباشد .

و بالمقابل نمایند های مما لك مذکوره در افغانستان بنقاط : کابل ، هرات ، مزار ، میمنه ، قندهار جلال آ باد میباشد .

در مجلس خلع السلاح عمومی افغانستان نماینده داشته و درپوستهٔ بین المللی داخل است وضعیت سیاسی آن با دول متحابه دوستانه وبطرز بیطرفیست .

مهمترین طرق تجارتی و مسافرتی مملکت در حصهٔ مغرب وطن عبارت از : کشك و قره تپه اسلام قلعه و ماروچاق است . در ولایت شمالی : پته کیسر ، بندر انخوی ، ینگی قلعه ، بندر حضرت امام ، و درحصهٔ مشرقی تور خم ، در علاقهٔ جنوبی پیوار و گومل، در قسمت جنوب غربی ، چمن است . مالیات در افغانستان از زمین مزروعی ومال مواشی وامتعهٔ تجارتیست که گویا عموماً از سه قسم تجاوز نمیکند .

تجارت آزاد و بجز مواد مضرهٔ که دیناً تجارت آن منع باشد دیگر تجار افغانی بهر نوع معاملات خارجی وداخلی وتشکیل کمپانی ها وشرکت ها آزاد میباشند . سرمایهٔ خارجی ها درافغانستان نیست وغالب شرکت ها بسرمایهٔ خود تجار افغانی دایر است .

خصوصیات مذهبی ، نژادی ، نفوس، زبان ، پادشاه:

دین رسمی ملت افغانستان دیانت مقدسهٔ اسلام و مذهب حنفی است که دیگر مذاهب جزئیه را نیز تحت تامین میگیرد، پاد شاه‌موجود افغانستان اعلیحضرت‌محمدنادرشاه غازی است‌که یکی از فرزندان نجیب و از افراد خانواده های بزرگ افغانستان میباشند و در سال ۱۳۰۸ بسلطنت افغانستان از طرف ملت در ازای خدمات متعدد وذیقیمتی انتخاب گردیده اند .

نفوس :

تعداد نفوس افغانستان عموماً زیاد است که یك قسمت معتنا به آن در سرحد وپنجاب وهند زیست میکنند همچنان عدهٔ بزرگی در سالیان متوالی بمملکت های بخارا ، فارس ، بلوچستان حتی افریقه ، امریکه جهة کار و پیشه های مخصوص رفته اند عجالتاً نفوسیکه در داخلهٔ ملك زندگانی داشته و تبعهٔ افغانی شناخته میشوند عبارت از (۱۲) ملیون نفر بوده عموماً شجاع، غیور، وطن پرست و دیندار میباشند .

نژاد ملت افغانستان آرین و مراکز قدیم شان عموماً بلخ ، هرات‌بوده سپس درجلگه ها و کوهستانات موجوده بمقصد زراعت و علف‌چر تقسیم و به قبایل چندی معروف شده اند که غالباً قبائل و اقوام داخلی باسم اوطان خود یاپدران قدیم خود معروف میباشند .

زبان های اساسی در افغانستان عموماً فارسی کوهستانی قدیم مملکت و زبان پشتو است که اصولاً این هردو زبان از یك منبع زبان آریانی مشتق شده و در لغات خیلی باهم نزدیك میباشند ولی در فروعات چندی اختلافات بین فارسی و افغانی موجود و هم خیلی جزئی لغات قدیمتر دیگر قبائل آریائی را نیز میتوان در بعضی نقاط مملکت مثل نورستانی ، و غیره پیدا نمود .

آثار قدیم و تاریخی که تمدن سابق‌افغانستان رانماینده گی میتواند در هر گوشه و کنار وطن موجوداست آثار مهمهٔ بلخ ، هده ، دیوار های فراز کوه های کابل ، بامیان ، غزنی ، بست ، هرات و غیره از مهمترین این آثار بحساب میروند ، همچنان آثار شهر های مهم و مدنی افغانستان مثل بست ، بلخ ، غزنی قدیم ، هده که در اثر حوادث خراب و منهدم گردیده یا بعضی شهر ها که مثل بالاحصار گردیز ، قلعهٔ هرات و غیره فی الجمله عرض موجودیت می نماید تمدن بزرگ و معمور گذشتهٔ وطن را تمثیل و نمایندگی می نمایند .

جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار محمد هاشم خان برادر کهتر اعلیحضرت همایون غازی و صدر اعظم دولت علیهٔ افغانستان .

والا حضرت موصوف در سال (۱۲۶۳ هجری شمسی) تولد شده و بعد از فراغت تحصیل در سال ۱۲۸۲ به منصب سر سراوسی و در سال ۱۲۹۶ بقوماندانی عمومی قوای هرات برتبه نائب سالاری و در ۱۲۹۸ به منصب نائب سالاری و حاکم اعلای سمت مشرقی و در ۱۳۰۰ بوکالت وزارت حربیه و در ۱۳۰۲ به سفارت ماسکو بالنوبه مقرر گردیده و وظایف خود را با جدیت ایفا نموده اند ، در انقلاب سال ۱۳۰۸ ریاست قوای ملی را در سمت مشرقی افغانستان اداره کرده و از بدو جلوس شاهانه به صفت صدر اعظم ، کابینه را تشکیل نموده و الی حال مصروف خدمات افغانستان میباشند ، ترقیات موجوده و امنیت مملکت و ادارهٔ کاع دوایر بفکر عالی و زحمت شباروزی شان صورت گرفته است .



ج.ع.ج والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم

تشکیلات مملکتی

دوایر داخلی صدارت عظمی

صدر اعظم :	جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت محمد هاشم خان .
مشاور اول :	عالیقدر صداقتمآب ذوالفقار خان .
مشاور دوم :	. . . .
مشاور سوم :	عالیقدر صداقتمآب سید احمد خان .
رئیس ضبط احوالات :	عالیقدر صداقتمآب محمد شاه خان .
مدیر شعبهٔ اول :	عالیقدر خلیل‌الله خان .
مدیر شعبهٔ دوم :	. . . .
مدیر شعبهٔ سوم :	عالیقدر عبدالله خان .
مدیر شعبهٔ عرایض :	صداقتمآب میر عبدالله خان .
سرکاتب قلم مخصوص :	صداقتمآب محمد نعیم خان .
سرکاتب محاسبه :	صداقتمآب خواجه ذکرالله خان .

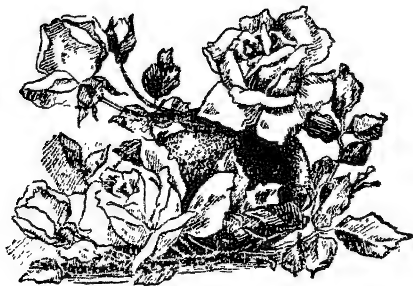


عالیقدر جلالتمآب المراعلی نشان والاحضرت شاه محمودخان غازي سپه سالار و وزیر حرب افغانستان

برادر کهتر اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی متولد در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی یکی از جنرال های معروف وطن در محاربهٔ استقلال بوده و در حکومات سابقه مصدر خدمات مختلف به مملکت گردیده اند از قبیل قوماندانی نظامی بدخشان وحکومت اعلای سمت مشرقی ومستشاری و زارت داخلهٔ افغانستان ، آخراً در محاربهٔ نجات وطن به معیت قائد بزرگ افغانستان تاجدار موجوده ، خدمات مهمی کرده برتبهٔ وزارت جلیلهٔ حربیه نایل و ازان به بعد که مستقیماً زمام ادارهٔ قشونی مملکت را بکف گرفتند ، چه در مورد تشکیلات و تنظیمات اردو های عسکری افغانستان چه در مسئلهٔ فرو نشانیدن آتش های شرارت و طغیان حوادث نا هنجار که مولودات انقلاب گذشتهٔ وطن بشمار بوده است از قبیل واقعهٔ شرارت مرتبهٔ دومین اشرار شمالی ، واقعهٔ ابراهیم بیگ شقی ، فتنهٔ دری خیل های جدران که هر کدام این واقعات خیلی مدهش و سنگین بوده و فقط به کفایت و کار دانی این ذات شجاع و دوستدار صمیمی مملکت با نهایت جدیت وکفایت شعاری شان خاتمه یافته ، و وطن در اثر شمشیر ذات عالی شان مشمول این همه امنیت کامله گردیده است .



ع ج ، ا ، ا والاحضرت وزیرصاحب حربیه سپه‌سالارغازی .



وزارت حربیه

وزیر حربیه و سپه سالار:	عالیقدر جلالتمآب المراعلی نشان والاحضرت شاه محمود خان غازی.
وکیل وزارت حربیه:	عالیقدر جلالتمآب والاحضرت شهزاده محمد ظاهر خان.
رئیس ارکان حربیه عمومیه:	عالیشان شجاعت همراه محمد عمر خان فرقه مشر ثانی.
وکیل ریاست ارکان حربیه عمومیه:	عالیشان شجاعت همراه محمد افضل خان فرقه مشر اول.
معاون ریاست ارکان حربیه عمومیه:	حمیت مند مصطفی خان غند مشر ثانی.
مدیر عمومی حرکات ریاست ارکان:	حمیت مند سراج الدین خان غند مشر ثانی.
آمر شعبه (ا) دائرهٔ حرکات:	شجاعتمند عبد الغفار خان کندک مشر.
آمر شعبهٔ ب دایرهٔ حرکات:	شجاعتمند محمد امین خان کندک مشر.
وکیل شعبهٔ ج دائرهٔ حرکات:	غیرتمند میر مظفر الدینخان تولیمشر.
مدیر عمومی تعلیم و تربیه:	حمیت مند سید محمد اکبر خان غند مشر ثانی.
آمر شعبه ا مدیریت تعلیم و تربیه:	شجاعتمند داد محمد خان کندک مشر.
آمر شعبه ب مدیریت تعلیم و تربیه:	شجاعتمند آقا محمد خان کندک مشر.
وکیل شعبه هوا بازي:	غیرتمند محمد شیرین خان تولیمشر.
آمر شعبه ترجمانی:	شجاعتمند محمد اکبر خان کندک مشر.
رئیس اردو و معین اول وزارت حربیه:	عالیشان شجاعت همراه احمد علیخان فرقه مشر اول.
مدیر عمومی مامورین:	حمیت مند میرزا عبد الخالق خان غند مشر ثانی.
مدیر اخذ عسکر:	حمیت مند حبیب الله خان غند مشر اول.
مدیر عمومی نقلیه:	حمیت مند محمد یعقوبخان غند مشر اول.



ع ، ع ، ش شیراحمد خان نائب سالار رئیس لوازم وزارت حربیه



ع ، ش محمد عمر خان فرقه مشر رئیس ارکان حربیه ونمایندهٔ افغانستان درمجلس خلع سلاح



ع،ش محمد افضل خان وکیل رئیس ارکان حربیه



ع ، ش احمدعلیخان فرقه مشر رئیس اردو



ع ، ش سید حسن خان فرقه مشررئیس ریاست حربیه

مدیر شعبه میخانیکی مدیریت نقلیه : شجاعت مند ذکریا خان کندکمشر .

مدیر شعبه حیوانات : شجاعت مند محمد حسن خان کندك مشر .

مدیر شعبه صحیه : شجاعت مند امیر محمد خان کندکمشر .

مدیر شعبه تعمیرات : حمیت مند میر اعظم شاه خان غند مشر ثانی .

وکیل ۲ ریاست حربیه : عالیشان شجاعت همراه سید حسن خان فرقه مشر ثانی .

آمر شعبه اسلحه ریاست حربیه : حمیت مند عبد القیوم خان غند مشر ثانی .

آمر شعبه جباخانه : حمیت مند سید غریب شاه خان غند مشر ثانی .

آمر شعبه آلات و ادوات فنیه : حمیت مند محمد اسلم خان غند مشر ثانی .

آمر شعبه تدقیق ومعاینه : حمیت مند محمد اکرم خان غند مشر ثانی .

آمر شعبه جباخانه : حمیت مند محمد عثمانخان غند مشر .

آمر شعبه میکزبن : حمیت مند عبد الرشید خان غند مشر .

یاور والا حضرت وزیر حربیه : حمیت مند غلام سعید خان غند مشر ثانی .

یاور والاحضرت وکیل وزیر حربیه : حمیت مند شیر محمد خان غند مشر اول .

رئیس عمومی لوازم : عالیشان عزت و شجاعت همراه شیر احمد خان نائب سالار .

معاون ریاست لوازم : حمیت مند حسین علیخان غند مشر ثانی .

مدیر محاسبه ریاست لوازم : شجاعت مند عبدالقیوم خان کندکمشر .

مدیر لوازم ریاست لوازم : شجاعت مند میرزا حبیب‌الله خان کندکمشر .

مدیر تحریرات وزارت حربیه : شجاعت مند میرزا محمد قاسم خان کندکمشر .

مدیر دائرهٔ خصوصی وزارت حربیه : شجاعت مند محمد یوسف خان کندکمشر .

مدیر استخبارات : شجاعت مند محمد عمر خان کندك مشر .

آمر شعبهٔ اول استخبارات : شجاعت مند عبدالباقی خان کندك مشر .



ع ، ع ، ش محمد غوث خان نائب سالار و قوماندان قول اردوی مرکزی

آمرشعبهٔ ۲ استخبارات: شجاعت مند محمد اياز خان كندك مشر .

آمر شعبهٔ ۳ استخبارات : شجاعت مند عبد الله خان كندك مشر .

رئيس محاكمات : حميت مند سيد عليخان غند مشر اول .

معاون رياست محاكمات : شجاعت مند گل علیخان كندك مشر .

رئيس انجمن اصلاح وترقی: عاليشان شجاعت همراه محمد عمرخان فرقه مشر اول .

مدير اوراق وزارت حربيه : شجاعت مند عبد الشكور خان كندك مشر .

مدير سپورت وكلوپ: شجاعت مند ظهرالدینخان كندك مشر .

رئيس فابريكه ها : عزت وشجاعت همراه سيد عبدالله خان نائب سالار .

معاون رياست فابريكه ها : حميت مند سيد جعفر خان غند مشر ثانی .

قوماندان فرقه توپچی : عاليشان شجاعت همراه عبدالقيوم خان فرقه مشر اول .

قوماندان مكتب حربيه : » » عليشاه خان فرقه مشر اول .

معاون قوماندان مكتب حربيه : حميت مند محمد عليخان غند مشر اول .

قوماندان طيارهٔ (قوهٔ هوائی) : » محمد احسانخان » »

رئيس قبايل - » سيد محمد حسين خان غند مشر ثانی .

معاون رياست قبايل : » شير باز خان غند مشر ثانی .

مدير تعليمگاه پياده : » محمد هاشم خان غند مشر اول .

مدير تعليمگاه سواری : » سلطان احمد خان غند مشر ثانی .

معاون » » شجاعت مند ذكريا خان كندك مشر .

قوماندان قول اوردو: عاليشان عزت وشجاعت همراه سرداراعلی محمدغوث خان نائب سالار.

قوماندان فرقه شاهی: عاليشان شجاعت همراه سردار اسدالله خان فرقه مشر اول .

معاون فرقه شاهی: » » » عبدالغنی خان فرقه مشر ثانی .

قوماندان فرقه اول قول اوردو : » » » غلام محمد خان فرقه مشر ثانی .

» » ۲ » » : » » » عبدالغنی خان » »

» ۳ » » : » » » نور محمد خان » »



قوماندانهای عسکری و روسای محترم وزارت حربیهٔ افغانستان
که در وسط صف والاحضرت سردار شاه محمود خان وزیر حربیه
و والاحضرت شهزاده محمد طاهر خان وکیل حربیه تشریف دارند

نائب سالارها و فرقه مشران عساکر کابل که در وسط صف والاحضرتین
وزیر صاحب حربیه و وکیل صاحب حربیه تشریف دارند

صف نشسته ازطرف راست به چپ

۱ — سرکی خان فرقه مشر احمد زائی
۲ — غلام نبي خان نائب سالار ناصری
۳ — سیداحمدخان نائب سالار هزاره
٤ — زرخان نائب سالار وزیری
٥ — سربلند خان نائب سالار جاجی
٦ — محمدنعیم خان نائب سالار بدخشی
۷ — والاحضرت وزیر صاحب حربیه
۸ — والاحضرت‌شهزاده وکیل وزارت جلیلهٔ حربیه
۹ — محمدعمرخان نائب سالار محمدزائی
۱۰ — زلمی خان نائب سالار منگلی
۱۱ — عبدالغنی خان نائب سالار محمد زائی
۱۲ — مهردل خان نائب سالار قندهاری
۱۳ — أصیل خان فرقه مشر منگلی
١٤ — محمد ابراهیم خان فرقه مشر احمد زائی

صف دوم استاده از راست به چپ

۱ — اصیل خان فرقه مشر وزیری
۲ — غلام نبي بیك فرقه مشر هزاره
۳ — خان محمد خان لوامشر کنری
٤ — سیدمحمد خان فرقه مشر اندری
٥ — نور احمدخان فرقه مشر هراتی
٦ — غلام نبي‌خان فرقه مشر هزاره درهٔ‌صوفی
۷ — محمد رمضان خان فرقه مشر مسعودی
۸ — محمد شاه خان فرقه مشر تره خیل
۹ — نور محمد خان فرقه مشر گردیزی
۱۰ — اعظم گل‌خان فرقه مشر طوطاخیل
۱۱ — محمدانور خان لوامشر بلوچ

صف سوم استاده ازراست به چپ

۱ — امین الله خان لوامشر هراتی
۲ — فضل احمد خان فرقه مشر فوفل زائی
۳ — داؤد شاه خان فرقه مشر تره خیل
٤ — میرخان فرقه مشر مسعودی
٥ — فتح محمد خان فرقه مشر هزاره



ع، ح، ش مرحوم عبدالوکیل خان نائب سالار که در راه امنیت وطن حیات
عزیز خود شانرا در محاربهٔ اشرار شمالی سال ۱۳۰۹ ایثار نموده وبتقدیر جان
باری وفدا کاری‌شان منار یادگاری از طرف ذات همایون محمد نادرشاه غازی‌در
سرك دارالامان بنام شان دوشرف بنا وتعمیر است

قوماندان عسکری غزنی :	عالیشان شجاعت همراه خان زمان خان فرقه مشر ثانی .
» » قندهار :	» » عبدالاحد خان » »
» » هرات :	» » محمد شعیب خان » »
» » مزار شریف :	» » عبدالغفورخان » »
وکیل قوماندان عسکری قطغن و بدخشان:	حمیت مند محمد علم خان غند مشر اول .
قوماندان عسکری فراه و چخانسور:	عالیشان عزت وشجاعت همراه محمد انور خان نائب سالار .
» » مشرقی :	عالیشان شجاعت همراه محمد داؤد خان فرقه مشر ثانی .
» » جنوبي :	» » پیر محمد خان فرقه مشر ثانی .
» »	» » عبدالرؤف خان فرقه مشر ثانی .
مدیر تعلیمگاه توپچي :	حمیت مند عبدالغفور خان غند مشر ثانی .

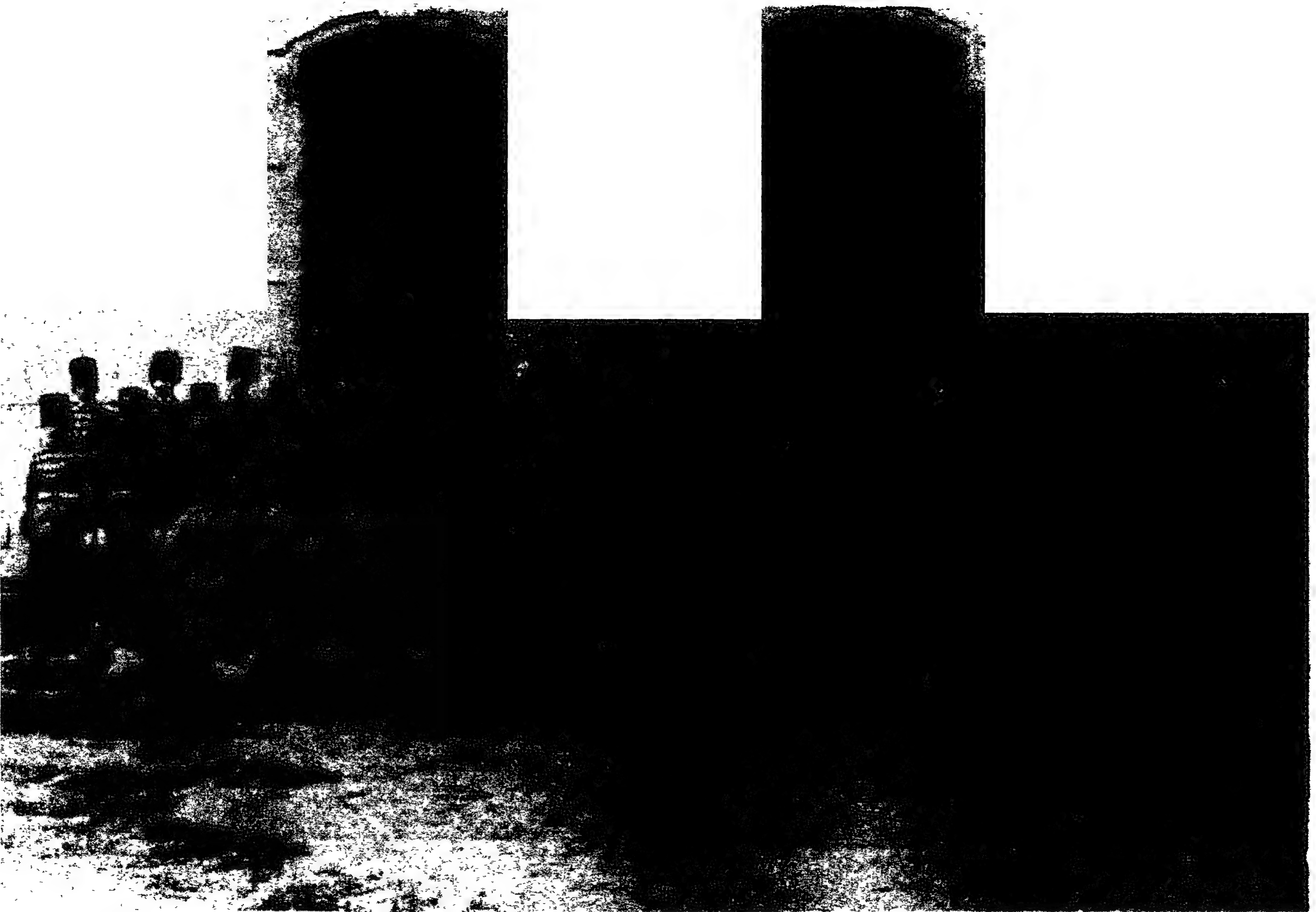


عالیقدر شجاعت مآب شهزاده اسد الله خان قوماندان فرقهٔ شاهی مرکز ، فرزند اعلیحضرت شهید امیر حبیب الله خان و همشیره زادهٔ اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی تولد در سال (۱۳۲۸ قمری) جناب شان از محصلین مکتب حبیبیه و مکتب عالیهٔ امانیهٔ کابل بوده بعد فراغ تحصیلات مکاتب مذکوره بمقصد تحصیل فنون عسکری شامل تعلیمگاه پیادهٔ عسکری مرکز شده درین فن نیز موفقیت حاصل و بگرفتن شهادت نامهٔ درجهٔ اول کامیاب گردیدند در سال ۱۳۰۸ شمسی سرسروس (یك قطعه از قشون خاصهٔ) حضور همایونی مقرر گردیدند و پس از اینکه مهارت و کفایت بسزا در این ماموریت از خود ابراز نموده توانستند برتبهٔ جلیلهٔ فرقه مشری و قوماندان عمومی فرقهٔ شاهی ارتقا یافته، فعلاً بهمین ماموریت خود مؤظف میباشند.

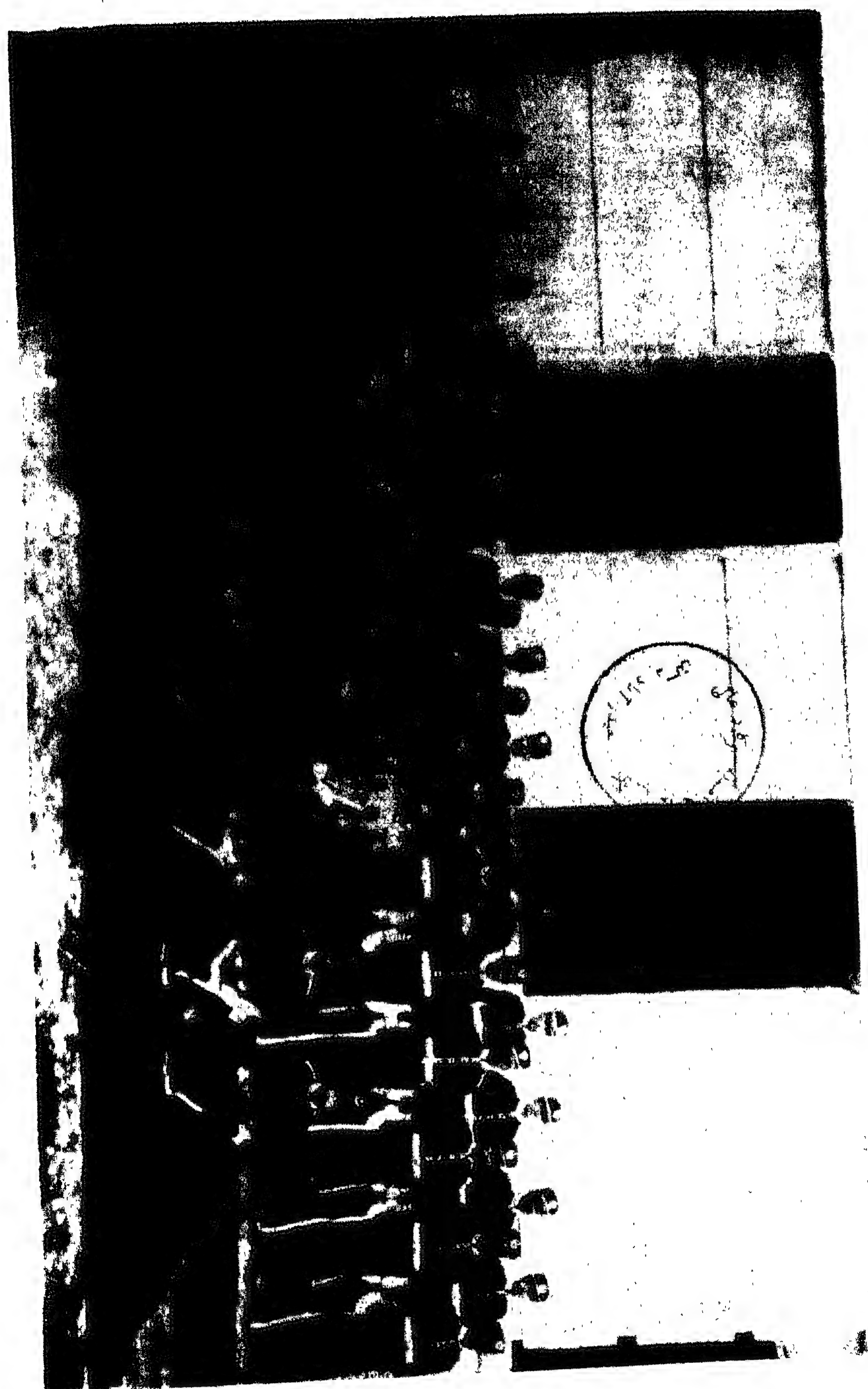


ع . ش سردار اسدالله خان فرقه مشر قوماندان فرقهٔ شاهی





یکعده از صنف سرروس ها متعلق بقشون شاهی





ع ، ج جناب فیض محمد خان وزیر خارجه که یکی از فارغ التحصیلان مکاتب مملکت و در ادوار گذشته بوزارت معارف، سفارات و نمایندگی های خارجه برای مملکت خود مصدر بسی خدمات مهمه عرفانی و سیاسی شده و درعصر حاضر نیز با تمام جدیت و مساعی متصدع امور وزارت خارجه میباشند .



ع ، ص آقای غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجه

وزارت جلیله خارجیه

وزیر امورخارجیه :	ع ، ج فیض محمد خان.
معین اول :	ع،ص غلام یحیی خان .
معین دوم :	ع ، ص محمد عثمانخان .
معین سوم :	ع، ص حبیب الله خان.
مدیر عمومی سیاسی :	. . . .
مدیرعمومی تشریفات و معاهدات:	ع ، عبدالصمد خان.
مدیر عمومی اداری :	ع، سلطان احمد خان .
مدیر عمومی اوراق :	ع ، عبدالغفار خان .
مدیر دول شرق :	ص، سید عبدالله خان .
مدیر دول غرب :	ص ، محمد هاشم خان .
مدیر مطبوعات :	ص ، عبدالعزیز خان .
مدیر شفر :	ص ، عبدالغفور خان .
مدیر مامورین :	ص ، محمد ابراهیم خان .
مدیر تابعیت و قونسلگری و ویزه:	ص ، عبد الجبار خان .
مدیر محاسبه :	ص ، حفیظ الله خان .
مدیر خارجهٔ قندهار :	ص، غلام فاروق خان.
مدیر خارجه مزار شریف :	ص ، سید مؤمن خان.



ع ، ص محمد عثمان خان معین دوم وزارت خارجه

مدیر خارجه هرات : ص، عبدالعزیز خان بسمل.

مدیر خارجه میمنه : ص ، عبد الواسع خان .

مدیر خارجه مشرقی : ص ، محمد اسماعیل خان .

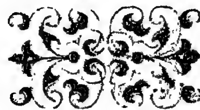
مدیر خارجه فراه : ص، آخندزاده غلام محمد خان.

مدیر خارجه جنوبی : ص ، محمد امین خان .

مامور خارجه قطغن و بدخشان: ص، میرعنایت الله خان .



ع ، ص حبیب الله خان طرزی معین سوم وزارت خارجه



عالیقدر جلالتمآب المر اعلی‌نشان والاحضرت شاه ولیخان درسال ۱۲۶۰ متولد شده و مراتب تعلیم و تربیهٔ شان با اعلیحضرت همایونی یکجا صورت گرفته است.

والا حضرت ممدوح درسال ۱۳۲٤ قمری بمنصب رکاب باشی ودر ایام جهاد استقلال برتبهٔ جنرالی بمعیت اعلیحضرت همایونی مصروف حرب شده ، بعداز تسخیر وزیر ستان وعودت ازسمت جنوبی بهمان رتبهٔ لوامشری بوده و بعد ازان دروزارت حربیه بحیث وکالت اجرای امور میفرمودند در سال ۱۲۹٦ الی ۱۳۰۳ به رتبهٔ نائب سالاری قوماندان قول اردوی مرکزی بودند، و در موقع حوادث جنوبی در سال ۱۳۰۳ خدمت بزرگی نموده و عسکر گردیز را باقوماندانهای آن وجمیع افسران از محاصره نجات دادند ، و درهمان سال رتبهٔ یاوری پادشاه را یافتند .



ع،ج،ا،ا سردار شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت در پاریس

در دوران انقلاب از فرانسه با ذات همایونی در سمت جنوبی تشریف آورده و در آنجا مظهر مجاهدات عالی گردیدند.

فتح کابل از مساعی جمیله ورشادتهای تاریخیهٔ این ذات فرزانه میباشد .

در اول جلوس شاهانه وکیل ذات همایونی بوده و بعد ازان به وزارت مختاری اعلیحضرت درلندن انتساب یافتند ، سپس بوزارت مختاری پاریس تعین شده و تاحال بایفای وظیفه‌درین ماموریت اخیر اشتغال دارند .

والا حضرت شاه ولیخان یکی از فرزندان رشید وبااخلاق و دانای این آب و خاک است که در مواقع مهمه از جانبازیهای رشیدانه و عزم خلل نا پذیر شان وطن از تهلکات مدهشه نجات یافته است واین ذات‌عالی دردل‌هرفرد ملت جای مخصوصی داشته و محبوبیت فوق العاده دارند.



سفرای کبار و وزرای مختار وجنرال قونسلها وقونسلهای اعلیحضرت درخارج

سفیر کبیر افغانستان درطهران:	ع ، ج شیر احمد خان .
سفیر کبیر افغانستان درانقره :	ع ، ج سلطان احمد خان .
سفیر کبیر افغانستان درماسکو :	ع ، ج عبدالحسین خان .
وزیر مختار افغانستان در برلین :	ع ، ج محمدعزیز خان .
وزیر مختار افغانستان در پاریس :	ع ، ج شاه ولیخان .
وزیرمختار افغانستان درلندن:	ع ، ج احمدعلیخان .
وزیر مختار افغانستان درروما :	ع ، ج محمد نعیم خان .
وزیر مختار افغانستان درمصر :	ع ، ج محمد صادق خان .
جنرال قونسل افغانستان درمشهد :	ع ، ص محمد صدیق خان .
جنرال قونسل افغانستان در تاشکند :	ع ، ص باز محمد خان .
جنرال قونسل افغانستان درهند :	ع ، ص عبدالرسول خان .
قونسل افغانستان درسیستان :	ع ، گل محمد خان .
قونسل افغانستان درکراچي :	ع ، یار محمد خان .
قونسل افغانستان دربمبئی :	ع ، صلاح‌الدین خان
قونسل افغانستان درمرو :	. . . . . .



واقعهٔ المناك

در موقعیکه ما سالنامهٔ کابل را از طبع خارج و شیرازه بندی داشتیم ، زمانیکه هنگام نشر سالنامه قریب و همه کس منتظر آن بودند و مخصوصاً ما که نظر بگراور فوتوهای خدام صادق و اولاد های صحیح افغانستان در این سالنامه بیشتر خورسند و علاقه مند بوده ومیخواستیم خاطر آن خدام و دوستداران وطن خود را که عملاً برای ترقی و سعادت افغانستان ما خدمت وایثار مینمایند به تذکاری خورسند ساخته و نسبت به آن ها اظهار قدر شناسی نمائیم در عین این آمال متأسفانه واقعهٔ شهادت والاحضرت سردار مغفور (محمد عزیز خان) وزیرمختارافغانستان مقیم برلین برادر بزرگ ذات همایون اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی را شنیدیم (تیلگراف بی‌سیم) خبر داد که بروزسه شنبه ۱۶ برج جوزا والاحضرت ممدوح دربرلین بدست سیدکمال‌نام جام‌شهادت نوشیده داعی اجل را لبیك و طائر روحش بآشیانهٔ جنت پرواز نمود .

ورود اینخبر نه تنهاما را متأثر و محزون‌نمود بلکه ملت‌قدرشناس افغانستان ازاین واقعه‌بقدری المناك وعصبانی گردیدند که میتوان گفت‌ازهیچیك حادثهٔ مشئومهٔ تاریخی باین اندازه متأثر وعصبانی نشده‌بودند چه این ملت نجیب وحساس دربرابر خدمات وجان بازی های مردانه و شریفانهٔ که اعلیحضرت غازی و خانوادهٔ نجیب شان برای افغانستان سال ها کرده و الآن هم مصروف فدا کاری میباشند البته نمی خواهند اقلاً خاری بکف پای شان اذیت نماید تا چه رسد باین جسارت ناقابل بخشایش و بایراد این خسارهٔ بزرگ !

این صدمهٔ بزرگ راما وسائر حساسین ملت ما نه تنها صدمهٔ می دانیم که به پیکر یکفردی از خانوادهٔ سلطنت افغانستان از دست یك خائن رذیل وارد شده ، بلکه صدمهٔ بود که تمام ملت افغانستان الم و درد آنرا احساس کرده است بهر حال ! ...

صورت جریانات تعزیه داری در مرکز وولایات و همدردی های صمیمانهٔ ملت را باحکومت متبوع شان وهمچنین اظهاریه های همدردانه و تلگرافات تعزیت وعرض تسلیت ازطرف شاهان ورؤسای جمهور ودیگرمقامات عالیه‌که بحضور اعلیحضرت غازی ووزارت خارجه واصل شده است عموماً جرائد داخله ازان ها بحثی نموده است، ما صرف درینجا از تأثرات قلبی خود متذکر شده وازعموم دوستان وقدر شناسان داخلی وخارجی که درین مصیبت باحکومت متبوع‌ما اظهار همدردی فرموده شکریه وامتنان می نمائیم . ..

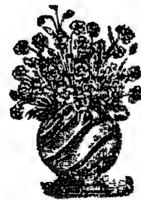
انجمن

عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار محمد عزیز خان برادر بزرگ ذات همایونی که در عصر اعلیحضرت شهید عهدهٔ وزارت خارجیه دولت را متکفل بوده و دران دوره بلیاقت و افتخار زیسته وایفای وظائف نموده اند ـ والاحضرت ممدوح در عصر حکومت امانی بحیثیت مستشار سفارت افغانی در پاریس و مفتش عمومی طلبهٔ افغانی در آنجا موظف بوده این ماموریت شان را خیلی بخوبی انجام داده بعد ازان الی اوائل شورش مملکت درمعیت اعلیحضرت غازی بجنوب فرانسه بسر می بردند .



ع،ج،والاحضرت سردار محمد عزیز خان وزیر مختار اعلیحضرت در برلن

در اوائل جلوس اعلیحضرت غازی بسفارت کبرای افغانی در ماسکو عز تقرر یافته الی آغاز سال جاری باین عهده موظف و مناسبات و امور راجعه بمعاملات همجواری و دوستی افغانستان را با حکومت شوروی با نهایت کفایت انجام دادند ـ آخراً در سال جاری بوزارت مختاری افغانستان در برلن منصوب و تا حال ذات والاحضرت شان باین ماموریت خود مشغول میباشند .

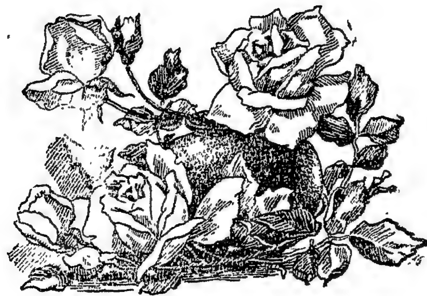


عالیقدر جلا لتمآب سردار محمد نعیم خان



ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر مختار اعلیحضرت در ایطالیا

فرزندوالاحضرت سردار محمدعزیزخان سفیرافغانی در برلن از طلاب فارغ التحصیل مکاتب حبیبیه و امانیهٔ کابل بوده بعد تحصیل در سال ۱۳۰۹ شامل وزارت خارجه شده بعد ابراز قابلیت بمدیریت عمومی سیاسی آن وزارت نائل شده و در سال ۱۳۱۱ به وزارت مختاری دولت علیهٔ افغانستان در روما تعین و اعزام گردیده اند .



وزارت داخله

وزیر داخله :	عالیقدر جلالتمآب المر اعلی نشان محمدگل خان .
معین اول :	عالیقدر صداقتمآب عبدالرشیدخان .
معین دوم :	. . . .
معین سوم :	عالیقدر صداقتمآب نیك محمد خان .
مدیر عمومی پولیس:	عالیقدر عبد الحکیم خان .
مدیر عمومی معابر :	عالیقدر سعد الدین خان .
مدیر مامورین :	صداقتمآب عبدالرحیم خان .
مدیر محاسبه :	صداقتمآب میرزابدرالدین خان .
مدیر اوراق :	صداقتمآب غلام نقشبند خان .
مدیر تحریرات :	صداقتمآب محمد حسن خان .
مهندس مدیریت معابر:	مستر تسیمهٔ آلمانی .



ع، ج ا ، ا نشان محمدگل‌خان وزیر داخله که ذات عالی یکی از تعلیمیافته‌های مکاتب عسکری افغانستان و در دورهٔ گذشته مصدر خدمات مهمهٔ عسکری وسیاسی‌در داخل و خارج مملکت برای وطن خود شده مخصوصاً درین دوره درخشنده خدمات ذیقیمتی را نسبت به فرو نشانیدن آتش شورش بمعیت ذات همایونی ودیگرخدمات‌را از قبیل ریاستهای‌تنظیمه در قندهار، مشرقی ،شمالی . و باقی ولایات ابراز نموده‌اند .



ع ، ص عبدالرشید خان معین اول وزارت داخله

ع ، ص نیک محمد خان معین سوم وزارت داخله که
جناب‌شان درموقع‌شورش‌اشرار‌درسمت مشرق‌خدمات
و مجاهدات زیادی ابراز نموده اند



وزارت عدلیه

وزیر عدلیه : . . . . . .

معین عدلیه : عالیقدرصداقت مآب فضل احمد خان .

رئیس تمیز : جناب فضایل مآب عبدالرب خان .

رئیس اصلاحیه : عالیقدر صداقت مآب امین‌الله خان .

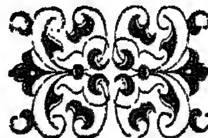
رئیس جمعیةالعلما : . . . . . .

کفیل رئیس جمعیةالعلما : جناب فضائل مآب ملابزرگ صاحب .

مدیر مامورین : صداقت‌مآب عبدالسلام خان .

مامور محاسبه : صداقت مآب محمد ناصر خان .

ع.ص جناب فضل احمد خان معین وزارت عدلیه



وزارت مالیه



ع ، ج محمد ایوب خان وزیر مالیه یکی از خدام صادق مملکت بوده در دورهٔ سابقه و حالیه خدمات ومساعی جمیله به مملکت خود نموده و می نمایند

وزیر مالیه :	عالیقدر جلالتمآب محمد ایوب خان .
معین اول، رئیس محاسبات :	عالیقدر صداقتمآب محمد حسین خان .
معین دوم ، رئیس اداری :	عالیقدر صداقتمآب میرزا غلام مجتبی خان .
مدیر عمومی تصفیهٔ محاسبات :	عالیقدر محمد اسلم خان .
مدیر بودجه :	صداقتمآب محمد انور خان .
مدیر مامورین :	صداقتمآب محمد افضل خان.
مدیر اوراق :	صداقتمآب محمد حسین خان.
مدیر معاش و مصرف مرکز وزارت:	صداقتمآب محمد هاشم خان.
مدیر تحریرات :	صداقتمآب محمد رضا خان .
مدیر واردات ریاست محاسبات :	صداقتمآب محمد عثمان خان .
مدیر معاش و مصرف کل ریاست محاسبات:	صداقتمآب محمد سرور خان.
مدیر تحصیلی و بقایای ریاست محاسبات:	صداقتمآب محمد حسین خان.
مدیر خزائن ریاست محاسبات :	صداقتمآب حاجی میرزا محمد عمر خان .



ع ، ص میرزا محمد حسین خان معین اول وزارت مالیه

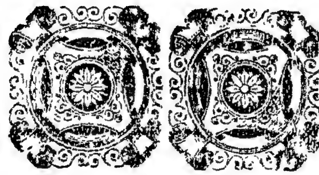


ع. ص میرزا غلام قادرخان رئیس ضرابخانه



ع. ص میرزا مجتبی خان معین دوم وزارت مالیه





ریاست عمومی مطابع


ع ، ص عبدالحمید خان رئیس عمومی مطابع

رئیس مطابع : عالیقدر صداقتمآب صرفی عبدالحمید خان .

معاون اول : عالیقدر سید محمد ایشان خان .

معاون دوم : « سید محمد رسول خان.

خطاط ریاست مطابع: صداقتمآب سید محمد داؤد خان .

مدیر زینکوگرافی « « محمد نوری خان .

مدیر محاسبه « « میر حسام الدین خان .

رسام « « عبد الغفور خان برشنا .

خزانه دار « « محمد سرور خان .

متخصص « موسیو اتو موزر .

ریاست ضرابخانه

رئیس ضرابخانه : عالیقدر صداقتمآب غلام قادر خان .

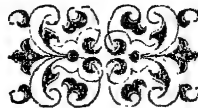
معاون ریاست ضرابخانه : صداقتمآب غلام رسول خان .

مدیر محاسبه ضرابخانه : صداقتمآب محمد سرور خان .

مامور تحلیل ضرابخانه : صداقتمآب عبد الوهاب خان .

« « « « نور الحق خان .

« « « « حکم چند .





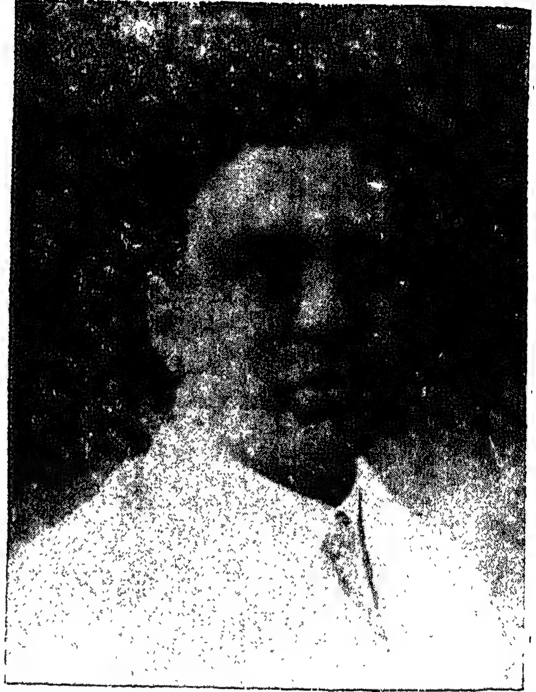
صداقتمآب ، محمد نوری افندی مدیر شعبهٔ زینکو گرافی مطبعهٔ عمومی کابل که در قسمت کار های زینکو گرافی این سالنامه مساعی بکار برده مخصوصاً فوتوی رنگهٔ ذات همایونی از آثار برجستهٔ شان بحساب میرود .



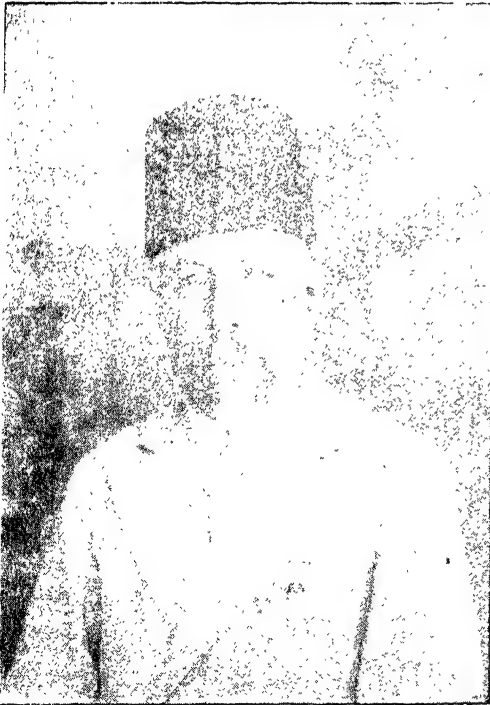
عالیقدر، سید محمد ایشان خان معاون اول ریاست عمومی مطابع خطاط ماهر کابل که نمونه های خطی شان سابقا درمجلات مرکز طبع و از مدتیست درشعبهٔ مطبوعات کابل با نهایت جدیت وفعالیت ابراز خدمت ومجاهدت میفرمایند.



صداقتمآب، عبدالغفور خان برشنا ددپلومه آلمان در رسامی،معلم صنایع نفیسهٔ کابل ومتخصص رسم درمطبعهٔ عمومی ورسام انجمن ادبی کابل .



جناب انور علیخان متعلم افغانی که‌در برلین تحصیل نموده
ودر کیمیا بدرجهٔ دکتوری دیپلوم حاصل داشته است .



صدا قتمآب عبدالغیاث خان مدیر تعمیرات
دولتی که یکی ازخدام صادق‌وطن خود اند

وزارت تجارت

وزیر تجارت :	عالیقدر جلالتمآب میرزا محمد خان .
معین اول :	عالیقدر صداقتمآب محمد حسین خان .
معین دوم :	عالیقدر صداقتمآب غلام غوث خان .
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه :	عالیقدر صداقتمآب غلام حیدر خان .
مدیر عمومی گمرکات :	عالیقدر عبدالقیوم خان .
مدیر عمومی زراعت :	عالیقدر محمد اکبر خان .
مدیر عمومی فابریکه ها :	عالیقدر محمد کریم خان .
رئیس شرکت اسهامی :	عالیقدر صداقتمآب فیض محمد خان .
رئیس تنویرات :	عالیقدر صداقتمآب اعظم خواجه خان .
رئیس جادهٔ شکاری :	عالیقدر صداقتمآب عبدالله خان .
مدیر مامورین :	صداقت مآب سید محمد سرور خان .
مدیر تحریرات :	صداقت مآب میر محمد ضیاء الدینخان .
مدیر دارالترجمه :	صداقتمآب عبدالمجید خان.
مدیر محاسبه:	صداقتمآب محمدعنایت الله خان.
مدیر اوراق :	صداقتمآب عبدالودودخان.
مدیر تجارت :	صداقتمآب غلام احمدخان.
مدیر مجلهٔ اقتصاد :	صداقتمآب محمد زمان خان تره کی .
مدیر حمل و نقل :	صداقتمآب محمود خان .
مدیر جادهٔ غوربند :	صداقتمآب احمد شاه خان.
مدیر محاسبهٔ ریاست تنویرات :	صداقتمآب محمدعمر خان.



ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت که جناب شان از خدام صادق و در امورات سیاسی سابقاً و در اموراقتصادی مملکت فعلاً ایراز خدمت میفرمایند



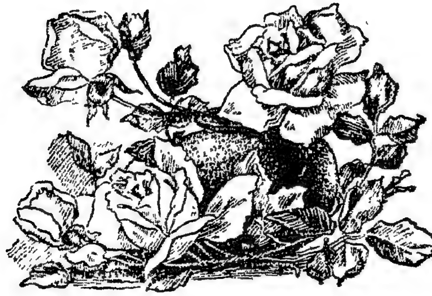
ع ، ص جناب محمد حسین خان معین اول

ع ، ص غلام‌غوث خان معین دوم وزارت تجارت

ع ، ص اعظم خواجه خان رئیس‌شرکت تنویرات

معاون شرکت اسهامی : صداقتمآب حبیب الله‌خان.
معاون‌شرکت اسهامی : صداقتمآب محمدیعقوب‌خان.
معاون ریاست جنگلات : صداقتمآب سیدمحمد خان.
کفیل مدیر برق : صداقتمآب کمال‌الدین خان.
مامور خزائن خارجی : صداقتمآب غلام رسول‌خان.
مامور احصائیهٔ زراعت : صداقتمآب محمدکبیر خان.
مامور املاك : صداقتمآب محمود خان.
متخصص معادن : صداقتمآب سید عبدالاحد خان .
متخصص زراعت : صداقتمآب نور محمد خان.
« « صداقتمآب محمدکریم خان.
انجنیر برق جبل السراج : صداقتمآب غلام محمدخان.
« « « صداقتمآب امیرالدین خان.
ترجمان دارالترجمهٔ وزارت : صداقتمآب عبدالله خان .
مامور برق قندهار : صداقتمآب فضل احمدخان.
انجنیر برق قندهار : مستر کر روزه .
مامور فابریکه نساجی : صداقتمآب عبدالغفورخان.
مامور فابریکه نجاری : صداقتمآب نظام‌الدین‌خان.
مامور فابریکه ترمیم موترها . صداقتمآب عبدالعزیزخان .
مامور فابریکه نجاری دارالامان : صداقتمآب حبیب الله خان.
مامورفابریکه نختابی جبل السراج : صداقتمآب امیر محمدخان .
معاون رئیس جادهٔ شکاری : صداقتمآب محمدطاهر خان .
« « « « محمدآصف خان .
مامور جادهٔ ایبك : صداقتمآب شمس‌الدینخان.
مامور جادهٔ غوری : صداقتمآب شاه ولی خان .
مامور معدن ذغال سنگ غوربند: صداقتمآب محمداسمعیل خان .
مامور ریاست تنویرات . صداقتمآب غلام علیخان .
مامور جنگلات نواحی کابل . صداقتمآب عبدالرزاق خان.

انجینیر ریاست تنویرات :	صداقتمآب محمد نعیم خان .
« « «	« غلام صفدر خان .
معاون انجنیر ریاست تنویرات :	صداقتمآب غلام علیخان .
مهندس جادهٔ شکاري :	صداقتمآب میراحمد خان .
« « «	مستر کیش .
مهندس جادهٔ غوربند :	صداقتمآب محمدایوب خان .
مهندس جادهٔ ایبك :	صداقتمآب محمدحسن خان .
سرکاتب محاسبه شرکتها :	صداقتمآب محمدحسن خان .



وزارت معارف



ع ، ج علی محمد خان وزیر معارف از فارغ‌التحصیلان مکاتب عالی داخله که در دورهٔ سابقه و حالیه مصدر خدمات خوب سیاسی و عرفانی برای وطن خود شده‌اند



ع ، ص‌جناب سید محمدقاسم خان معین‌وزارت‌معارف یکی ازفضلاو نویسندگان وطن‌که در موقع‌گذشته و حالیه مصدر خدمات عرفانی وقلمی‌برای وطن خود شده اند

وزیر :	عالیقدر جلالتمآب علی محمد خان .
معین :	عالیقدر صداقت مآب سید محمد قاسم‌خان .
معاون دایرهٔ تعلیم وتربیه :	عالیقدر صداقت مآب هاشم خان شائق .
عضو دایرهٔ تعلیم و تربیه :	صداقت مآب‌جمال الدین احمد خان .
عضو دایرهٔ تعلیم وتربیه :	صداقمآب‌زیدان‌بدران‌خان.
عضو دیرهٔ تعلیم وتربیه :	صداقتمآب شیخ محمد رضا خان .
مدیر تحریرات :	صداقمآب محمد قاسم‌خان.
مدیر مامورین :	صداقمآب عزیز الرحمن خان .
مفتش :	صداقمآب‌عبدالغفار خان.
مفتش :	صداقمآب‌محمدصدیقخان.
مدیر تنظیمات :	صداقمآب عبدالله خان .
مامور محاسبه :	صداقمآب محمد یونس خان .
مامور ضبط اوراق :	صداقمآب عبدالله خان.
مدیر موزه :	صداقمآب غلام محی‌الدینخان.
مدیر مکتب‌حبیبیه: «	محمد نبی خان .
« « امانیه: «	موسیو بوانی .

مدیر مکتب امانی:	« داکتر ایون .
« « دار لمعلمین :	« سید محمد فاروق خان .
« « استقلال وغازي:	« فتح محمد خان .
« « صنائع نفیسه :	« غلام محمد خان .

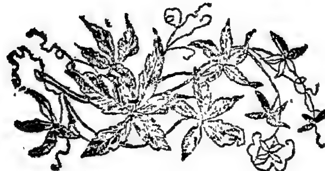


مدیریت مستقلهٔ طبیه



ج محمد اکبر خان مدیر مستقلهٔ طبیه

مدیر مستقل :	جلالتمآب محمد اکبر خان .
مامور محاسبه :	صداقتمآب میرزا محمد محسن خان .
سرمحرر مجموعهٔ صحیه :	صداقتمآب عبد الرشید خان لطیفی .
ترجمان :	صداقتمآب محمد اقبال خان .
«	« عبد الرشید خان .
مدیر شفاخانهٔ ملکی مرکز:	« عبد الغفار خان .
مدیرهٔ شفاخانهٔ مستورات:	« ( ) .
معاون مدیره «	« «



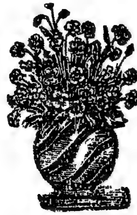
مدیریت مستقله پست و تلگراف و تیلفون



ج رحیم‌الله خان مدیر مستقلهٔ پست و تیلگراف، تیلفون

مدیر مستقل :	جلالتمآب رحیم الله خان.
مامور محاسبه و مامورین :	صداقتمآب میرمحمدحسن خان.
سر کاتب شعبهٔ پوسته :	صداقتمآب میرزا نیک محمد خان .
سرکاتب شعبهٔ تلگراف و تیلفون:	صداقتمآب میرزا سیدجانخان.
سر کاتب ارتباط خارجی :	صداقتمآب میرزا عبد المجید خان .
کاتب اول شعبهٔ اوراق :	صداقتمآب میرزا گل احمدخان.

متخصص :	موسیو بوناتس .
»	موسیو رنمارگک .
»	صداقتمآب محمد حسین خان .
»	صداقتمآب محمد کریم خان .
»	صداقتمآب عبدالمجید خان .
ترجمان آلمانی :	صداقتمآب غلام فاروق خان .
مامور حمل و نقل پوسته :	صداقتمآب غلام جیلانی خان .



تشکیلات ولایات

وحکومتی های علی

ولایت کابل

والی :	والاشان جلالتمآب محمد عمر خان .
مستوفی :	عالیقدر صداقتمآب سید حبیب خان .
قاضی مرافعه :	فضیلت مآب صالح محمد خان .
قوماندان کوتوالي :	حمیت مند طره باز خان .
قاضی ابتدائیه :	فضیلت مآب ملا احمد خان .
مدیر گمرك :	صداقتمآب غلام حیدر خان .
مدیر معارف :	. . . .
« مکتب زراعت:	محمد زمانخان (وکیل) .
« دارالعلوم عربیه:	قاری عبدالرسول خان .
رئیس خزانه :	عالیقدر نظر محمد خان .
مدیر زراعت :	. . . .
وکیل مخابرات :	صداقتماب غلام صفدر خان .
منتظم تلگراف بیسیم:	« علی گل خان .
منتظم تلگراف سیمدار:	صداقتمند محمد امانخان.
مامور معابر :	« جلال الدین خان .



والاشان جلالتمآب محمد عمر خان والی کابل



ع.ص سید حبیب‌خان مستوفی ولایت کابل



حمیت مندطره بازخان‌قوماندان‌کوتوالی کابل



والاشان جلالتمآب غلام فاروق خان نائب الحکومهٔ قندهار

ولایت قندهار

نائب الحکومه : والا شان جلالتمآب سردار اعلی غلام فاروق خان .

مستوفی : عالیقدر صداقتمآب عبدالله خان .

قاضی مرافعه : فضیلت مآب ملاغلام دستگیر خان .

قوماندان کوتوالی : حمیت مند محمد اکبر خان .

قاضی ابتدائیه : فضیلت مآب اخترمحمد خان .

مدیر گمرك : صداقتمآب ماهتاب الدینخان .

» معارف : صداقتمآب صالح محمدخان .

» خزانه : صداقتمآب سیف الدینخان .

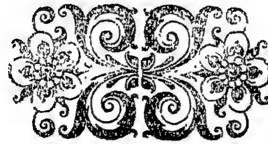
مامور زراعت : صداقتمند عزیزالله خان .

مخابرات : صداقتمآب احمد شاه خان .

منتظم تلگراف سیمدار : » محمد حسین خان .

مامور معابر : » محمد عمرخان .

مدیر طبیه : » عبدالرسول خان .





والاشان جلالتمآب عبدالرحیم خان نائب الحکومهٔ هرات

ولایت هرات

نائب الحکومه :	والاشان جلالتمآب عبدالرحیم خان .
مستوفی :	عالیقدر صداقتمآب عبدالوهاب خان .
قاضی مرافعه :	فضیلت مآب ملا محمد صدیق خان .
قوماندان کوتوالی :	حمیت مند حاجی محمد عظیم خان .
قاضی ابتدائیه :	فضیلت مآب احمد علیخان .
مدیر گمرک :	صداقتمآب غلام حیدر خان .
« معارف :	صداقتمآب محراب الدین خان .
« خزانه :	« عبدالوهاب خان .
« زراعت :	« خیرالدین خان .
« مخابرات :	« پاینده محمد خان .
منتظم تلگراف بیسیم :	صداقتمآب عبدالاحد خان .
مامور معابر :	« نوروز علیخان .
مامور طبیه :	« عبدالرحمن خان .





والاشان جلالتمآب عبدالجمیل خان وکیل نائب الحکومه مزار شریف

ولایت مزار شریف

نائب الحکومه :	والاشان جلالتمآب عبدالجمیل خان وکیل نائب الحکومه .
مستوفی :	عالیقدر صداقتمآب سید کمال خان .
قاضی مرافعه :	. . . .
قوماندان کوتوالی :	حمیت مند سید محمد امیر خان .
قاضی ابتدائیه :	. . . .
مدیر گمرک :	صداقتمآب نورالدین خان .
مدیر معارف :	« عبدالسلام خان .
مدیر خزانه :	. . . .
مدیر زراعت :	صداقتمآب محمد علیخان .
« مخابرات :	« محمد امانخان .
منتظم تلگراف بی‌سیم:	« غلام سرور خان .
مامور معابر :	. . . . . .
« طبیه :	« عبدالرحیم خان .



ولایت قطغن و بدخشان



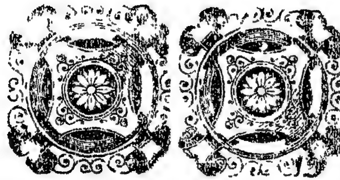
و ، ج شیرمحمد خان وکیل‌نائب‌الحکومهٔ ولایت‌قطغن، و بدخشان یکی از نجبای افغانی و سابقهٔ خوبی در خدمات عرفانی مملکت داشته مخصوصادرموقع‌شورش' وطن مسائی و مجهودات زیادی بمقابل اشرار نموده و بالآخره در ازای‌خدماتیکه صادقانه‌در امورعرفانی و مدنی میمنه در موقع حکومت اعلای‌خود ابراز نمودند به مکافات‌آنهمه‌خدمات‌وکالت‌نائب‌الحکومه‌گی قطغن‌را حاصل‌نموده اند . که ما شخصیت واحساسات وطن‌پرورانهٔ این‌خادم صمیمی‌مملکت‌را تقدیرمینمائیم.

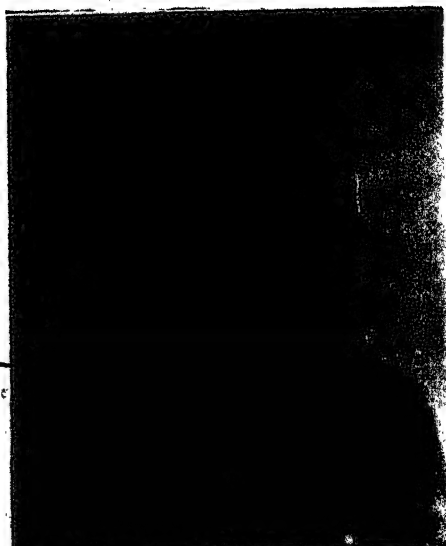
وکیل نائب‌الحکومه:		والاشان جلالتمآب شیر محمد خان وکیل نائب‌الحکومه .
مستوفی :		عالیقدر صداقتمآب قطب‌الدین خان .
قاضی مرافعه :		فضیلت مآب ملا عبدالعلیم خان .
قوماندان کوتوالی :		حمیت‌مند فقیر شاه خان .
قاضی ابتدائیه :		. . . . .
مدیر گمرك :		صداقتمآب محمد انور خان .
» معارف :	»	فدای احمد خان .
خزانه :	»	سکندرشاه خان .
» » زراعت :	»	سخی داد خان .
» مخابرات :	»	عبدالسلام خان .
مامور معابر :		. . . . .
» طبیه :	»	حبیب‌الله خان .



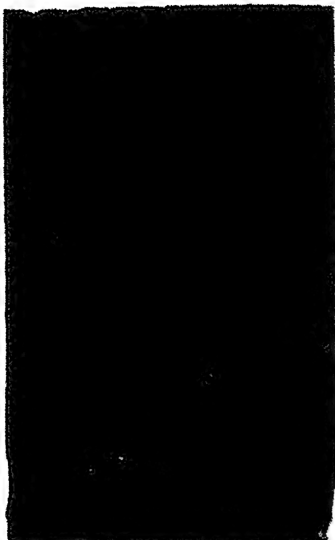
حکومت اعلای میمنه

حاکم اعلی:	عالیقدر عزت وصداقتمآب عبدالرزاق خان .
سررشته دار :	صداقتمآب محمد اسلم خان .
قاضی مرافعه :	فضلیت مآب ملا محمدیوسف خان .
قوماندان کوتوالی :	. . . .
قاضی ابتدائیه :	فضلیت مآب عبدالرسول خان .
مأمور گمرك :	صداقتمند فخرالدین خان .
مأمور معارف :	« عبدالواحد خان .
« خزانه :	« عبدالمجید خان .
« زراعت :	. . . .
وکیل مامور مخابرات :	« ابوالخیر خان .
مامور معابر :	. . . . .
مأمور طبیه :	. . . . .





ع، ع، ش محمد انور خان نائب سالار و حاکم اعلای فراه



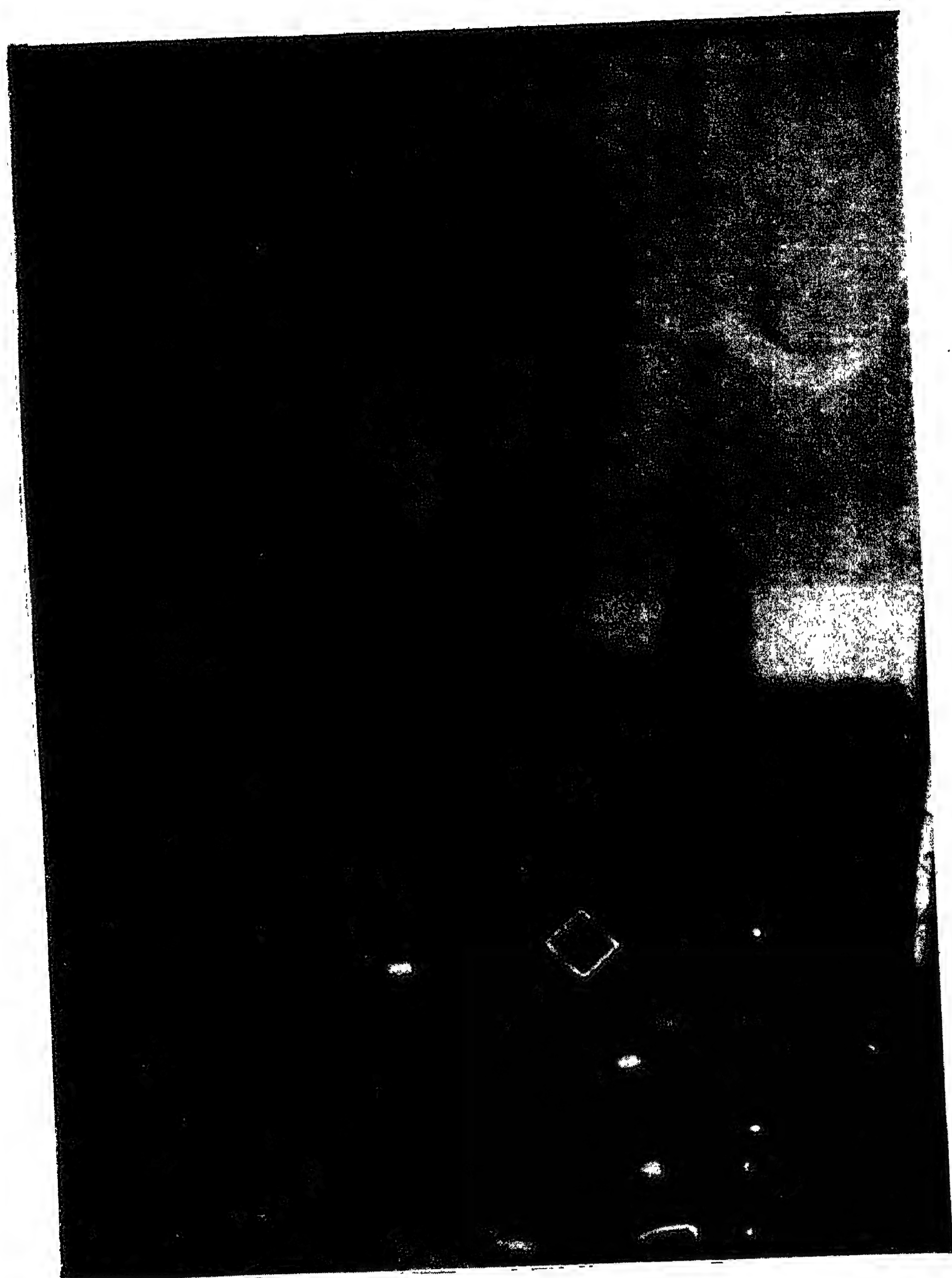
ع، ع، ص عبدالرزاق خان وکیل حاکم اعلای میمنه



ع، ع، ص محمد قاسمخان وکیل حاکم اعلای سمت مشرقی



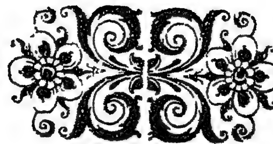
ع، ص نصرالله خان حاکم اعلای سمت جنوبی



ع ، ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر قوماندان
عساکر سمت مشرقی

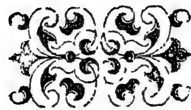
حکومت اعلای فراه و چخانسور

حاکم اعلی و وکیل قوماندان عسکري :	عالیشان عزت وشجاعت مآب محمد انور خان نائب سالار .
سررشته دار :	صداقتمآب نور محمد خان .
قاضی مرافعه :	فضلیت مآب عبداللطیف خان .
قوماندان کوتوالی :	حمیتمند غلام حیدر خان .
قاضی ابتدائیه :	صداقتمآب ملا احمد جانخان .
مامور گمرك :	صداقتمند غلام محی الدینخان .
« معارف :	« گل بدن خان (وکیل)
« خزانه دار :	« محمد امین خان .
« زراعت :	. . . . .
وکیل مامور مخابرات :	صداقتمند میرزا محمد نبی خان .
مامور معابر :	. . . . .
مامور طبیه :	. . . . .



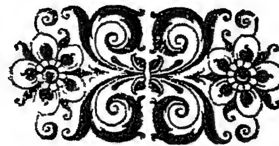
حکومت اعلای سمت مشرقی

حاکم اعلی :	عالیقدر عزت وصداقتمآب محمد قاسم خان (وکیل) .
سررشته دار اعلی :	صداقتمآب شیرمحمد خان .
قاضی مرافعه :	فضیلت مآب فیض محمدخان .
قوماندان کوتوالی :	شجاعت همراه محمدجانخان .
قاضی ابتدائیه :	فضیلت مآب ملا محمداسحق خان .
مأمور گمرك :	صداقتمند عبدالکریم خان .
« معارف :	« عبدالاحمد خان .
« خزانه :	« محمدجانخان .
« مخابرات :	« سید جلال خان .
« معابر :	« عبدالحق خان .
« طبیه :	« میرضیاء الحق خان .



حکومت اعلای سمت جنوبی

حاکم علی :	عالیقدر عزت وصداقتمآب نصرالله خان .
سررشته دار :	صداقتمآب عصمت‌الله خان .
قاضی مرافعه :	فضیلت مآب ملاعبدالجلیل خان .
قوماندان کوتوالی :	شجاعت همراه مدد خان .
قاضی ابتدائیه :	فضیلت مآب سیدکاظم خان .
مامور گمرك :	صداقتمند عبدالمجید خان .
مأمور معارف :	« عبدالصمد خان .
مأمور خزانه :	« جمال‌الدینخان .
مأمور زراعت :	« عبدالرحیم خان .
مأمور مخابرات :	« غلام علیخان .
مأمور معابر :	. . . . .
مأمور طبیه :	. . . . . .



تشکیلات دوائر ملی

ریاست شورا

هیئت رئیسه

رئیس شوري ملی :		عالیقدر جلالت مآب عبدالاحد خان .
معین	»	ع، ص عبدالحق خان .
منشی	»	ص، میرزاعبداللطیف خان.
سرکتابت مجلس :	» »	عطا محمد خان.
» پیشنهادوعرایض:	» »	عبدالباقی خان.
» محاسبه	» »	خان محمد خان.
» اوراق	» »	عبدالودودخان.





ع،ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی که دائما مصدرخدمات بزرگ شده و یکی از اشخاص موقر مملکت بشمار بوده و از جانب و کلا به ریاست شورای ملی انتخاب گردیده اند .

و کلاء

و کیل شهر کابل	عالیقدر جلالتمآب عبدالاحد خان .	مربوط ولایت کابل
	ص غلام محی الدینخان .	» »
و کیل غزنی .	» شهاب الدینخان .	» »
» شش کروهی کابل :	» حاجی سیف الدینخان .	» »
» وردك :	» عبدالقیوم خان .	» »
» میدان :	» عبدالرشید خان .	» »
» دایزنگی ودایکندي :	» سید غلام رضا خان .	» »
» سیغان وکهمرد :	» اتالیق خان .	» »

وکیل بامیان :	ص سید محمدحسن خان.	مربوط ولایت کابل
« چهاریکار :	« عبدالستار خان .	» »
« تکاب :	« محمد سرورخان .	» »
« نجراب :	« غلام حیدر خان .	» »
« ریزه کوهستان :	« عبد الرؤف خان .	» »
« پنجشیر :	« حاجی ایشان خان .	» »
« بهسود هزاره جات :	« میرمحمد علیخان .	» »
« سرخ وپارسا :	« محمد سرورخان .	» »
« غور بند :	« فقیر محمد خان .	» »
« جبل السراج :	« عبدالغفور خان .	» »
« کوهدامن :	« سید احمد خان .	» »
« جاغوري :	« نادر علیخان .	» »
« سربی :	« حبیب‌الله خان .	» »
« لهوگرد :	« محمد عمرخان .	» »
« یکاولنگ :	« سید شاه میرزا حسین خان .	» »
« کوچی دامانی غزنی :	« میرزا سیف‌الدینخان .	» »
« شهر قندهار :	« عبدالقیوم خان .	مربوط ولایت قندهار
« علاقه داري‌هاي مربوط مرکز :	« عبدالصمد خان .	» »
« کشك نخود :	« نظرمحمد خان .	» »
« قلات :	« محمد شریف خان .	» »
« گرم سیر :	« حاجی عبدالعزیز خان .	» »
« کدنی :	« محمد شاه خان .	» »
« دهراهود :	« بازمحمد خان .	» »
« دهله :	« حاجی محمد عثمان خان .	» »
« تهرین :	« داد محمدخان .	» »
« ترنك وجلدك :	« غلام دستگیر خان	» »

وکیل زمینداور:	ص عبدالرزاق خان .	مربوط ولایت قندهار
« ارغستان :	« احمد شاه خان .	» »
« کرشك :	« محمد فاضل خان .	» »
« کیزاب :	« حاجی میرحسین خان .	» »
« آجرستان :	« عبدالغنی خان .	» »
« ارزگان :	« محمد انبیا خان .	» »
« کوچی داماتی :	« خدای رحم خان .	» »
« شهرهرات :	« ع ، ص عبدالحق خان معین شوری .	مربوط ولایت هرات
« علاقه داری‌های مربوط مرکز :	ص حاجی غلام حیدر خان .	» »
« سبزوار :	« ملا شیرین خان .	» »
« غوریان :	« امین الله خان .	» »
« بالامرغاب:	« ملاحضرت نور خان .	» »
« اوبه:	« جلال الدینخان .	» »
« تولك وتگابستان :	« ملا سعیدمحمدخان .	» »
« چقچران :	« حاجی عبد القدوس خان .	» »
« غور:	« ملا عبد الوهاب خان .	» »
« شهرك :	« محمد خان .	» »
« قلعهٔ نو:	« بهرام خان.	» »
« شهر مزار شریف :	« عبد الکریم خان .	مربوط ولایت مزار شریف
« علاقه‌داري‌هاي مربوط مرکز :	« میرزا محمد قاسم خان .	» »
« سنگ چارك :	« ملا حیدر قل خان .	» »
« تاشقرغان :	« ملا محمد ناصر خان .	» »
« سرپل :	« محمد یوسف خان.	» »
« بلخ :	« محمد امین خان .	» »
« دولت آباد :	« ملا قربان بای خان .	» »
« شبرغان :	« قاری عبد الصمد خان .	» »

وکیل آقچه :	ص محمد شریف‌خان .	مربوط ولایت مزار شریف
« آیبك :	« میرزا محمد یعقوبخان .	« «
« درهٔ‌سوف :	« غلام علی خان .	« «
« شهر خان‌آباد :	« سلطان محمد خان .	مربوط‌ولایت‌قطغن وبدخشان
« علاقه داریهای‌مربوط‌مرکز :	« محمد کریم خان .	« «
« نهرین :	« حاجی محمد اکرم خان	« «
« حضرت امام :	« ملا شاه مردان قل خان .	« «
« اندراب :	« شاه سعید خان .	« «
« غوری :	« ملا علی محمد خان .	« «
« تالقان :	« ملا عبد الادل خان .	« «
« بدخشان :	« شاه عبد المجید خان .	« «
« رستاق :	« میرزا رحمت الله خان .	« «
« کشم ودرایم :	« شیرین بیگک خان .	« «
« جرم :	« میر عالم خان .	« «
« ینگی‌قلعه :	« محمد نبی خان .	« «
« چال واشکمش:	« میر فضل احمد خان .	« «
« درواز :	« شاه منصور خان .	« «
« واخان :	« محمد ضمیر خان .	« «
« شهر جلال آباد :	« عبد الحلیم خان .	مربوط حکومتی اعلای مشرقی
« سرخ رود :	« عبد الرسول خان .	« «
« مهمندره :	« عبد الله خان .	« «
« شنوار :	« میرزاده خان .	« «
« کامه :	« میا عبد الرحیم خان .	« «
« لغمان :	« عبد الله خان .	« «
« نورستان :	« شیر محمد خان .	« «
« خوگیانی :	« میرزا محمد خان .	« «

وکیل حصارك غلجائی :	ص دین محمد خان .	مربوط حکومت اعلای مشرق
« مرکز کنر :	« ملا عبد الخالق خان .	» »
« بر کنر :	« عبدالغفار خان .	» »
« درهٔ پیچ :	« عبدالحنانخان .	» »
« رودت :	« ملا میر گل خان .	» »
« کنر خاص :	« ملا محمد معظم خان .	» »
« کوچی ننگهاري :	« ماك عابدین خان .	» »
« گردیز :	« سید نادرشاه خان .	مربوط حکومت اعلای جنوبی
« زرمت:	« خیر محمد خان .	» »
« کتواز :	« محب‌الله خان .	» »
« ارگون :	« گل محمد خان .	» »
« خوست :	« صاحب جانخان .	» »
« »	« جان‌نور خان .	» »
» »	« سید نور شاه خان .	» »
« منگل :	« میر حسن خان .	» »
« جاجی :	« نیاز محمد خان .	» »
« چمکنی :	« وزیر محمد خان .	» »
« مرکز وعلاقه‌داری ها ء فراه:	« سلطان محمد خان .	مربوط حکومت اعلای فراه
» »	« محمدانور خان .	» »
« چخانسور :	« سید محمد خان .	» »
« مرکز میمنه:	« میرزا عزت‌الله خان .	مربوط حکومت اعلای میمنه
« علاقه داری های مربوط مرکز:	« محمد ابراهیم خان .	» »
« قیصار :	« میرزا قهرمان خان .	» »
« درراب وگرزیوان :	« حاجی سلیمانقل خان .	» »
« اندخوي :	« محمد یعقوب خان .	» »



وکلای محترم دورهٔ اول مجلس شورای ملی افغانستان



ع، ص عبدالحق خان معین شورا



ص، عبداللطیف منشی اول شورا



وکلای ولایت کابل



وکلای ولایت مزارشریف

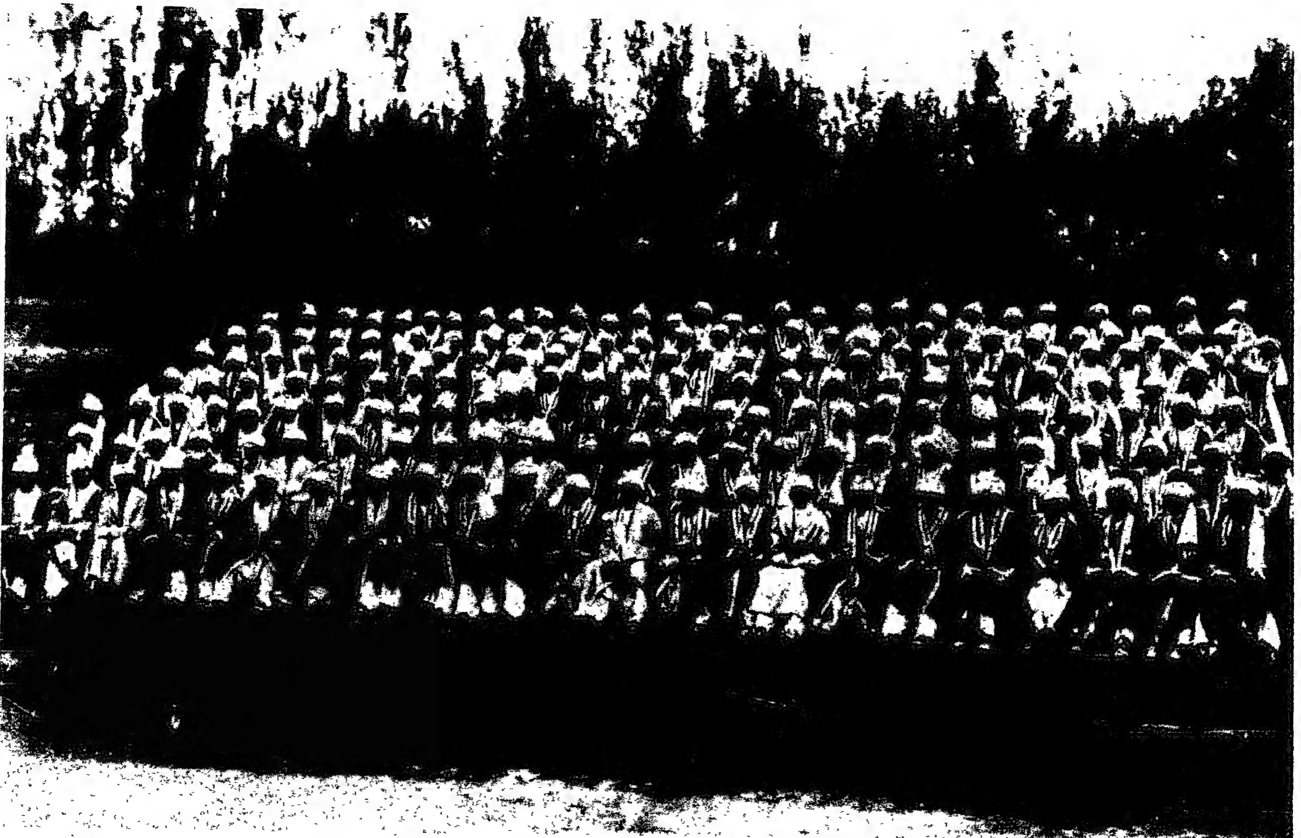




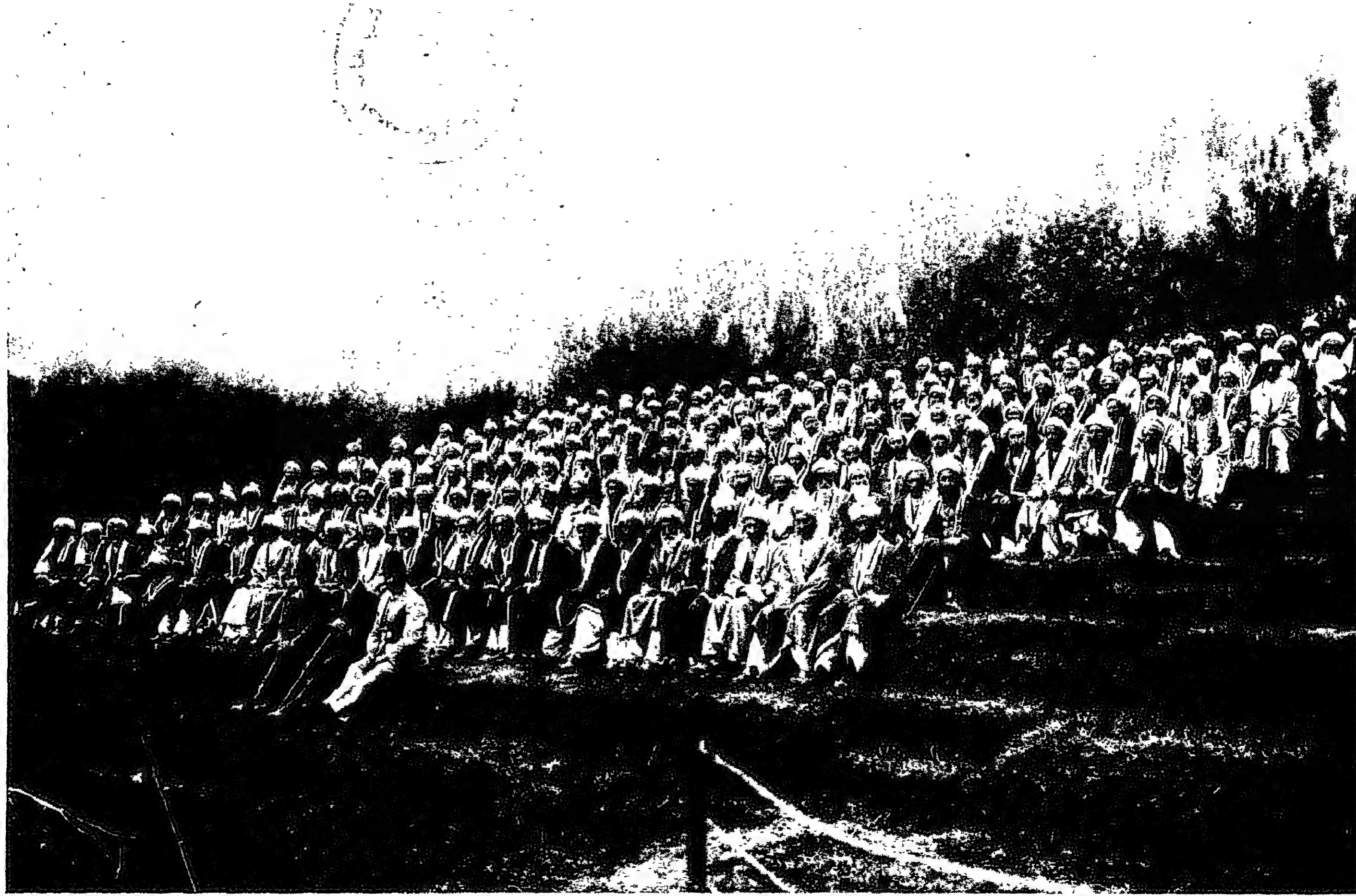
وکلاے سمت مشرقی



وکلاے سمت جنوبی



نماینده های ولایات و معززین قومی افغانستان در موقع شمولیت بجشن استقلال سال ۱۳۱۱ در کابل



کلان شوندگان و روحانیون عظام و باقی نماینده های ملت افغانستان که در جشن استقلال سال ۱۳۱۱ در کابل شامل شده بودند

مجلس اعیان



ع ، ج میرعطا محمدخان رئیس اعیان که ذات عالی شان یکی از فضلای عالیمقام و خدام صادق کشور خود میباشند .

رئیس : عالیقدر جلالتمآب میر عطا محمد خان .

معاون اول، وزئیس انجمن تحقیقیه : عالیقدر صداقتمآب حاجی محمد اکبر خان .

معاون‌دوم رئیس‌انجمن تدوین اصول : عالیقدر صداقتمآب عبدالرحیم خان .

رئیس دائرهٔ تمیز : فضائل همراه قاضی ملا عبدالله خان .

رکن مجلس : صداقتمآب سردار گل محمد خان .

» صداقتمآب حافظ عبد الغفار خان .

» صداقتمآب حاجی عطا محمد خان فرقه مشر توخی .

» صداقتمآب حاجی خیرمحمد خان‌فوفلزائی قندهاری .

» صداقتمآب عبدالحکیم خان بارکزائی .

» » سردار محمد سرور خان محمد زائی .

» » سلطانعلیخان بارکزائی .

» » معاذالله خان طرطاخیل .

» » شرف‌الدینخان جاجی .

» » حاجی محمد خان سلیمان خیل .

» » عبدالله خان جاغوری .

» » سید یاقوت شاه خان چرخی .

» » ملک رحمدل خان خوشی .

» » ایشان امان‌الدینخان رستاقی .

» » شاه‌محمودخان محمد زائی .

» » حاجی عبدالرحیم خان .

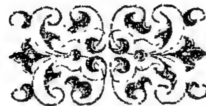
» » میرزا غلام معروف خان .

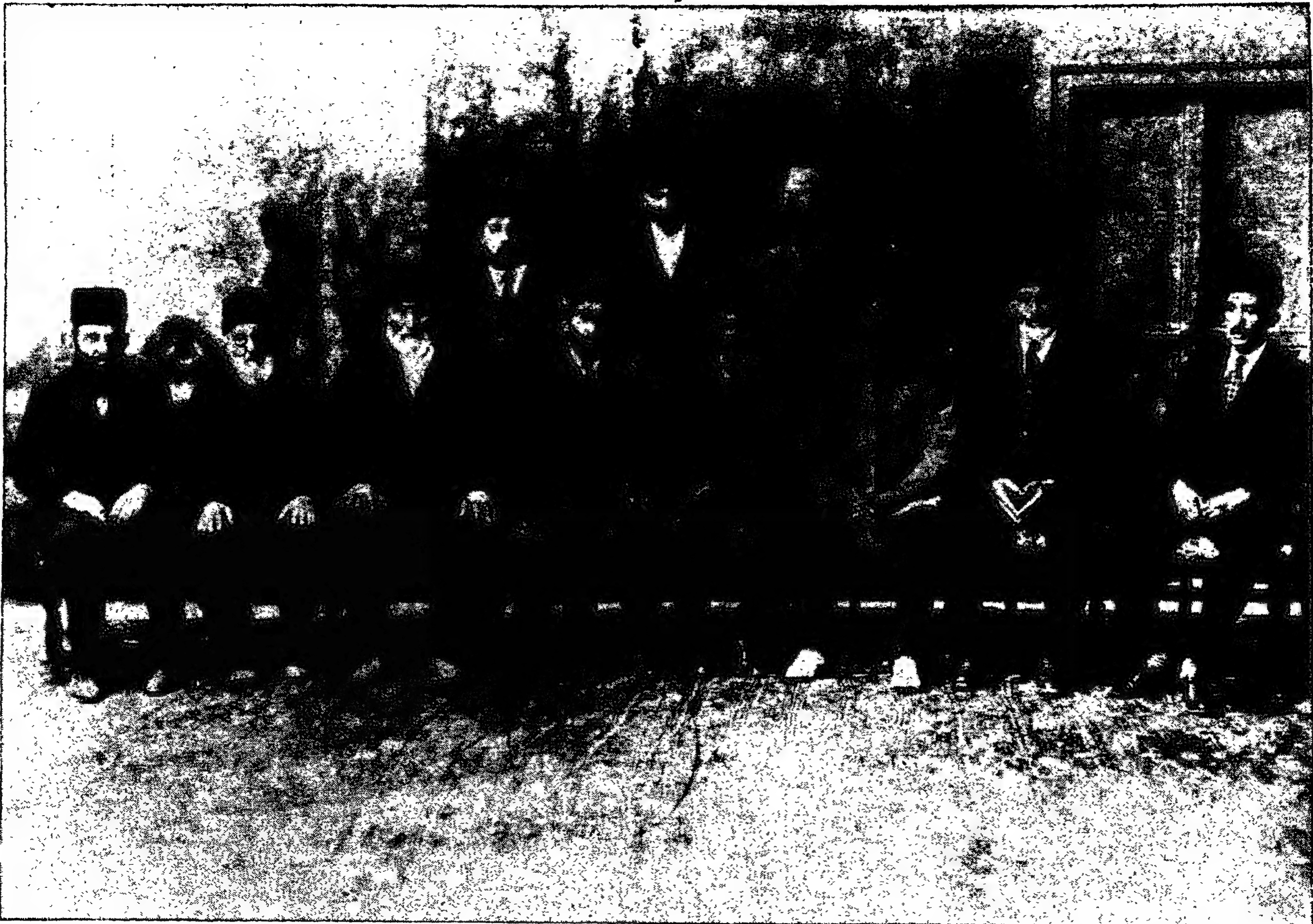
» » عبدالحمید خان محمد زائی .

» » خان آغا خان .

» » محمد مهدی خان .

رکن مجلس : صداقتمآب آخندزاده محمد رسول خان قندهاری .
» » عبدالصمد خان .
» » سیدعبدالحمید خان.
» » عبدالغفور خان احمد زائی .
» » حاجی عبدالحکیم خان توخی .
» » سید فیض‌الله خان کنری .
» » میرزا عبد اللطیف خان حکیم .
» » حاجی میرزا محمود خان .
» » محمدعمر خان محمد زائی .
» » امین‌الله خان محمد زائی .
» » عبدالستار خان کوهستانی .
» » راز محمد خان سلیمان خیل .
» » میر محمد علی خان .
» دوات پناه حکم‌چند .
دائرهٔ تحریرات : میرزا محمود خان سرکاتب .
سرکاتب محاسبه : میرزا محمد یوسف خان .
سرکاتب اوراق : میرزا محمد اکبر خان .





اعضای محترم مجلس عالی اعیان



اعضای محترم مجلس عالی أعیان



اعضای محترم مجلس عالی اعیان



اعضای محترم مجلس عالی اعیان



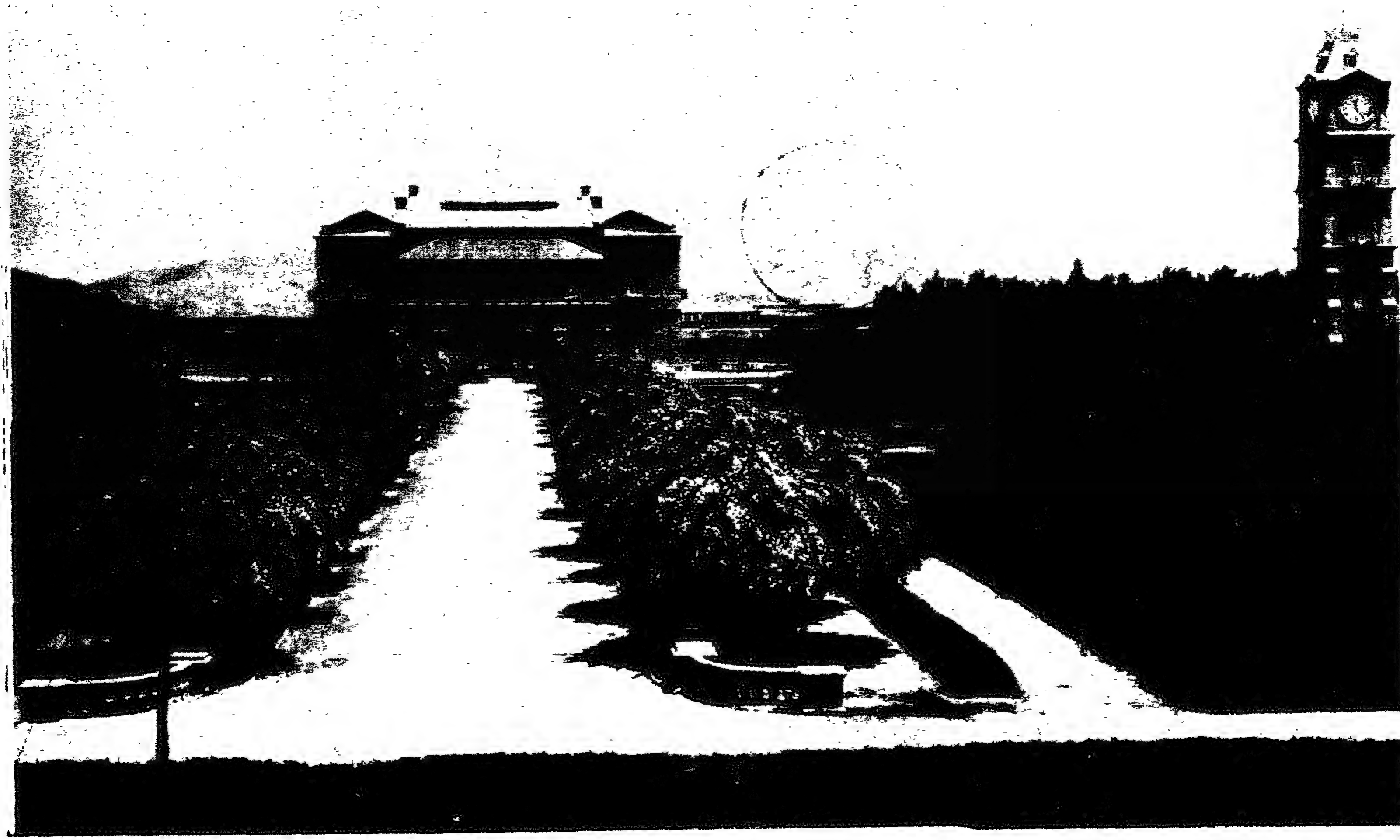
جناب حاجی محمد نواب خان مصاحب حضور شاهانه یکی از نجبا و معززین
قومی لهوگرد که نظر بلیاقت و فضائل شخصی و خدماتی را که در محاربهٔ نجات
وطن ایفا نموده اند بشرف مصاحبت حضور ملوکانه نائل میباشند



جناب صالح محمد خان سپه سالار سابق مصاحب حضور همایونی
یکی از نجبای مملکت که بپاداش سابقه خدمت صنف جلیل عسکری
شرف مصاحبت حضور ملوکانه را حاصل داشته اند



جناب محمد سرور خان مصاحب حضور همایونی یکی از خانواده های
معروف و از خدام سابقه که در معیت ذات ملوکانه موقع محاربهٔ نجات
وطن خدمت کرده و بپاداش آن شرف مصاحبت حضور ملوکانه را حاصل



کابل ، قصر شاهی «دلکشا»

ریاست بلدیهٔ کابل



و. ج گل احمد خان رئیس بلدیه

رئیس بلدیه : والاشان جلالتمآب گل احمد خان .

معاون : صداقتمآب سید جلال الدینخان .

مدیر تحریرات : صداقتمآب میرزا عبدالله خان .

مدیر محاسبه : صداقتمآب میرزا محمد ابراهیم خان .

مامور تحصیلی : صداقتمآب تاج محمد خان .

مامور خزانه : صداقتمآب محمد عثمان خان .

مهندس : مستر سایلوف .

« صداقتمآب تاج‌الدینخان .

ترجمان : صداقتمآب کمال‌الدینخان .

معمار باشی تعمیرات : صداقتمآب محمد نعیم خان .

سرکاتب اوراق : صداقتمآب میرزا عبدالواحد خان .

مفتی دائرهٔ تمیزی : صداقتمآب فتح محمد خان .

نجارباشی دائرهٔ تمیزي : صداقتمآب محمد زمانخان .

معمار باشی دایرهٔ تمیزي : صداقتمآب حبشو خان .

مامور تنظیمات : صداقتمآب عبدالرشید خان .

ناظم دارالایتام : صداقتمآب محمد ابراهیم خان .

مامور محاسبهٔ دارالایتام : صداقتمآب میرزا محمد سرور خان .

مامور مندوي : صداقتمآب عزیزالله خان .

مامور محروقات : صداقتمآب سید احمد خان .

مامور فواکه : صداقتمآب سلطان محمد خان .

عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار وپسرعم اعلحضرت همایونی که ذات‌عالی‌شان درعصر اعلیحضرت شهید درجملهٔ مصاحبین حضور و رسماً سرمیر اسپور یك دسته از قشون خاصهٔ دربار پادشاهی بوده موقعیت معززی در آنحکومت داشتند .

درعصر امانی بجملهٔ مصاحبین شاه منسلك بوده درزمانهٔ شورش‌وطن بمسافرت‌اروپا تشریف داشتند و پای تخت های بزرگ اروپا را سیاحت کرده کسب اطلاعات مفیده میفرمودند ، آخراً موقع‌تأسیس حکومت سنیهٔ نادر شاهی بوطن عودت فرموده نظر به شخصیت عالی‌واخلاق و اوضاع خیلی پسندیدهٔشان بوزارت دربار همایونی مقرر و تا حال این وظیفه را با نهایت خوبی و انتظام ایفا می نمایند .



عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار احمد شاه خان



تشکیلات دوائر حضور همایونی

وزارت دربار شاهی



عالیقدر صداقتمآب محمد حیدر خان معین دربار که یکی از نجبای مملکت و خدمات مهمه را در امورات مرجوعهٔ سابقه و حالیه با نهایت کفایت و لیاقت ابراز فرموده اند .

وزیر دربار :	عالیقدر جلالتمآب والاحضرت احمد شاه خان.
معین وزارت دربار :	عالیقدر صداقتمآب محمد حیدر خان .
مدیر محاسبه :	صداقتمآب عزیزالله خان .
مدیر تنظیمات و تشریفات :	« عبدالرحیم خان .
معاون اول «	« جمعه خان .
« دوم	« محمد اکرم خان اول .
« سوم	« محمد اکرم خان دوم .
مدیر نقلیه :	« میر اکبر خان .
مدیر خزانه :	« سراج الدین خان .
سرکاتب اوراق :	« محمد عظیم خان .



عالیقدر جلالتمآب محمد نوروزخان سر منشی حضور همایونی . جناب شان یکی از خدام صمیمی حکومت حاضره و از اشخاص لایق بوده در دورهٔ حکومت سابق زمانی در دستهٔ منشی های دار التحریر شاهی و اوقاتی بریاست یکی از شعبات امور دار الامان مصروفیت داشته در موقع شورش بتصد نجات مملکت در سمت جنوبی بمعیت ذات شاهانه شامل خدمت گردیدند .



عالیقدر جلالتمآب محمد نوروز خان سر منشی حضور همایونی

دران موقع که مملکت عزیز خیلی بخدمات ومساعی اولاد صادق خود محتاج بود جناب سرمنشی خدمات مهم و خیلی جدیانه را ابراز داده در موقع جلوس ذات همایونی بپاداش خدمت بمقام سرمنشی حضور شاهانه تعیین گردیدندوپس ازان به تنظیم وتشکیلات دار التحریر وخدمات حضور خیلی مساعی ومجهودات بکار برده تاحال باهمان عزم و ارادهٔ صمیمانه و فعالیت خسته گی نا پذیر مصروف این وظیفه میباشند .

دار التحریر شاهی

سرمنشی حضور همایونی:	عالیقدر جلالتمآب محمد نوروز خان .
مدیر شعبهٔ اول :	عالیقدر حافظ نور محمد خان .
مدیر شعبهٔ ۲ :	« عبدالاحد خان .
مدیر شعبهٔ ۳ :	« سراج الدینخان .
وکیل مدیریت شعبهٔ ٤ :	« غلام قادر خان .
سرمترجم انگلیسی :	« عبدالرشید خان .
مترجم فرانسه :	صاحبزاده احمد علی خان .
« عربی :	« سید مبشر خان طرازی .
« انگلیسی و اردو :	« محمد یعقوب خان .

عالیقدر جلالتمآب جناب الله نواز خان یاور اول حضور همایونی. جناب‌شان از خاندان‌های نجیب افغان‌های قدیم هند و یکی از فارغ التحصیلان مکاتب عالی پنجاب است جناب مشارالیه مدت مدیدی است که بخاك افغانستان مهاجرت اختیار نموده و این مملکت مقدس را وطن قرار داده اند .



ع ، ج جناب الله نواز خان یاور اول حضور همایونی

ودرموقع شورش وحرب استقلال‌وطن خدمات خوبی‌مثل دیگرخدام صحیح‌افغانستان انجام داده بسمت جنوبی‌شتافته وبمعیت ذات شاهانه‌شامل خدمات نهایت شانداری گردیده‌اند.

جناب شان در فتح کابل بمعیت والا حضرت وکیل شاهانه افتخار آنخدمت مهم را دارا بوده بعد جلوس ذات شاهانه برتبهٔ یاور اول حضور همایونی مقرر وتاامروز مصدر بسی خدمات ذیقیمت وبرجسته برای خاك وطن شده اند . جناب الله نواز خان یاور همایونی یکی از خدام با تربیه وفعال وصادق این دوره بشمار میروند .

دائرهٔ یاوری حضور شاهانه

یاور اول حضور همایونی :	عالیقدر جلالتمآب الله نواز خان .
مدیر اول :	صداقتمآب محمد یونس خان .
» ۲ :	» عبدالغیاث خان .
» ۳ :	» احمد علی خان .
» ٤ :	» عبدالکریم خان .
مامور تحریرات :	» محمد علیخان .
مامور خزانه :	» عبدالحسین خان .



ع ، ش ، سید شریف خان سر یاور حربی حضور همایونی اعلیحضرت غازی .

جناب شان یکی از نجبای مملکت و فارغ التحصیلان نمرهٔ اول مکتب حربیهٔ افغانستان است که در سال ۱۲۹۸ شمسی بعد فراغ تحصیلات وموفقیت بحاصل کردن شهادت نامهٔ درجهٔ اول کامیاب ودردورهٔ حکومت سابقه مرتباً درسایهٔ حسن لیاقت و کفایت وصداقت خویش بمدارج رفیعهٔ عسکری ترفیع یافته نشان دولت را حاصل کردند اخیراً نظر بابراز خدمات ومقابلات باپیش آمد انقلاب وبدبختی وطن که در موقع مختلفه ابراز نموده وآخرین صمیمیت و صداقت شانرا درموضوع بمعیت ذات همایون اعلیحضرت یگانه ناجی وطن، محمد نادر شاه غازی بمنصهٔ ظهور رسانیدند درازای لیاقت وصداقت شخصی وپاس آنهمه سابقهٔ خوب خود بمقام رفیعهٔ سریاوری حربی حضور ملوکانه افتخار یافته وتا این زمان متوالیاً در ابراز دیگر خدمات خوبی هم مساعی جمیله بکار میبرند .



ع،ش سید شریف خان سریاور حربی حضور اعلیحضرت غازی

دائرهٔ یاوری حربی ذات همایونی

سر یاور حربی :	عالیشان شجاعتمآب سید محمد شریف خان فرقه مشر اول .
معاون سر یاور :	« عبداللطیف خان فرقه مشر ثانی .
یاور :	« فیض محمد خان فرقه مشر ثانی .
یاور :	حمیت مند محمد صفر خان غند مشر اول .
یاور :	شجاعتمند عبدالله خان کند کمشر .
سر کاتب تحریرات :	صداقت همراه پاینده محمد خان .



یاوران حضور همایونی



ع، ش عبداللطیف خان فرقه مشر معاون سر یاور حربی



ع، ش فیض محمد خان فرقه مشر یاور همایونی پسر جناب
حاجی محمد نواب خان، مصاحب حضور.



ح، محمد صفر خان یاور حضور همایونی



ش، عبدالله خان یاور حضور همایونی پسر جناب
ببرک خان مرحوم



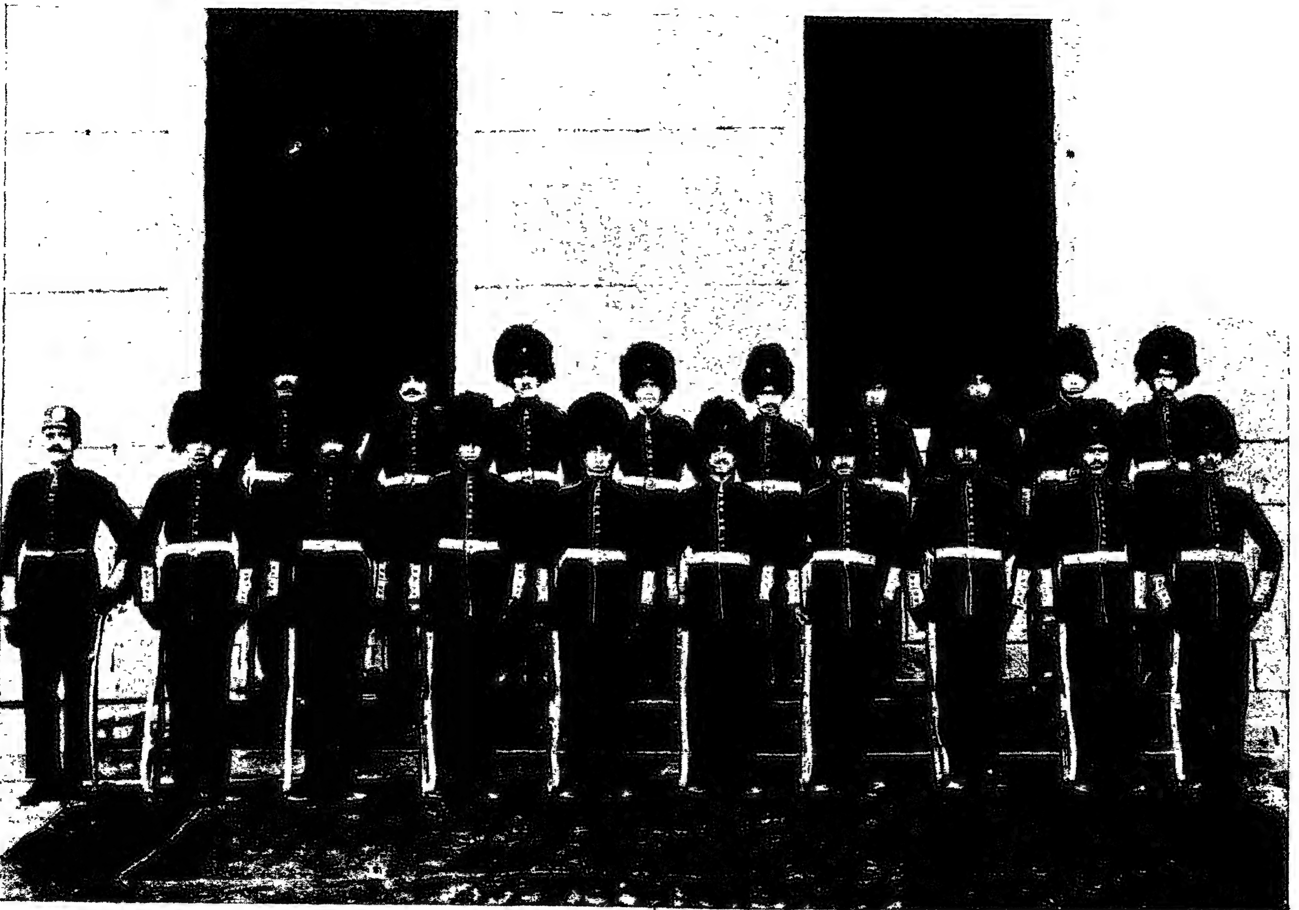
عالیقدر حافظ نور محمد خان مدیر شعبهٔ اول دار التحریر شاهی



عالیقدر عبدالاحد خان مدیر شعبهٔ ۲، دار التحریر شاهی



عالیقدر سراج الدین خان مدیر شعبهٔ ۳، دار التحریر شاهی



یك عده از صنف پیادهٔ فرقهٔ شاهی بلباس رسمی



از تعمیرات جدید مسجد قشلهٔ عسکری کابل



از صنف سوارهٔ فرقهٔ شاهی کابل



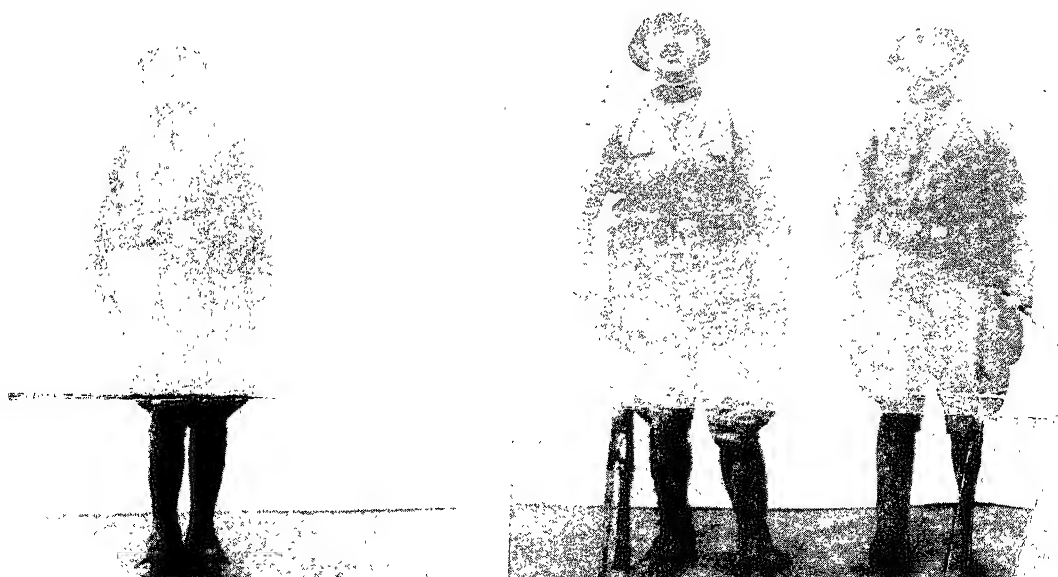
از صنف پیاده عساکر کابل بلباس جنگی

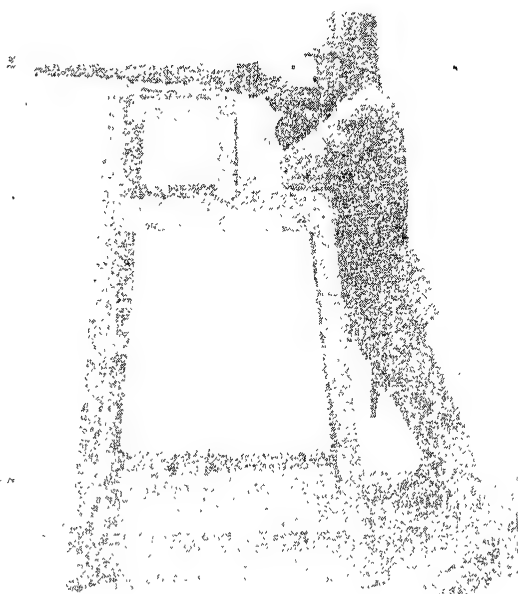


از صنف پیاده عساکر کابل بلباس جنگی



از صنف پیادهٔ فرقهٔ شاهی





از صنف پیادهٔ عسا کر کابل بوضع انداخت



ازصنف پیادهٔ عسا کر کابل بوضع انداخت



عالیشان شجاعت مآب عبدالغنی‌خان فرقه مشرمعاون قوماندان فرقهٔ شاهی و قلعه بیگی ارگ .

جناب شان یکی ازجوانان لایق مملکت وازخانزاده های معروف گردیز بوده وریاست قومی گردیز همیشه بفامیل محترم آنها متعلق بوده است .

آقای عبدالغنی خان دورهٔ حکومت سابقه موقع شورش جنوبی بحمایت حکومت خود خیلی جد یانه محاربات کرده وزخم های متعددی در راه خدمت بامنیت وطن دران معرکه برداشته اند حتی بپا داش آنخدمات، حکومت یك قسمت جنوبی و کند کمشری یك قطعهٔ عسکری را نایل شده و یکمقدار معاش شخصی را نیز بطور مکافات حاصل کردند .



عالیشان شجاعت مآب عبدالغنی‌خان فرقه مشر شاهی وقلعه بیگی ارگ

جناب قلعه بیگی درموقع شورش عمومی مملکت از بدو حال الی آخر باتمام افراد قومی خویش بدفاع اشرار جدیانه قیام ورزیده ومخصوصاً بتعیت ذات ملوکانه مجاهدات وخدمات صادقانه وبرجستهٔ را ابراز نمودند موقع جلوس ذات شاهانه بمکافات آنخدمات خوب خود برتبهٔ غند مشری و عهدهٔ قلعه بیگیت ارگ شاهی نایل گردیده سپس در مورد تنظیمات فرقهٔ شاهی وانتظام امور قلعه ودیگر خدمات متعلق بامور امنیت وطن خدمات برجسته کردند اخیراً برتبهٔ فرقه مشری ومعاونی فرقهٔ شاهی، ترفیع یافته بجانهٔ همین عهده واداره امور قلعه بیگیت ارگ موظف میباشند .

دائرهٔ قلعه بیگیت ارگ

قلعه بیگی و معاون قوماندان فرقهٔ شاهی :	عالیشان شجاعت مآب عبدالغنی خان فرقه مشر .
سرکاتب محاسبهٔ دائرهٔ قلعه :	صداقت مآب میرزا غلام علیخان .
کاتب تحریرات اول :	« محمد عمر خان.
کاتب ۲ تحریرت :	« رکن‌الدین خان .
کاتب ۳ :	« صلاح‌الدین خان.
کاتب ٤ :	. . . . . .
گدام دار :	خواجه عبدالرشید خان.
مامور توقیف :	سراج‌الدین خان.

عالیشان شجاعت مآب سردار علیشاه خان

قوماندان عمومی مکتب حربیه فرزند دویمین جناب سردار محمد سلیمانخان مرحوم .

در عصر اعلیحضرت شهید شامل مکاتب مقدماتی و سپس داخل مکتب حربیهٔ کابل بوده در عصر حکومت امانی بعد فراغ تحصیل و کامیابی بدواً در صنف قشون پیادهٔ مرکز بحثیت تولیمشر و پس ازان در اثر خدمات و ابراز قابلیت و لیاقت خویش الی رتبهٔ غند مشری اول ارتقا جسته مخصوصاً در هنگام شورش ، مقاومت خیلی عسکرانه در مقابل اشرار بکار برده و دچار خیلی زحمات و مرارت های شدید از طرف اشرار گردیده اند .

موقع جلوس ذات شاهانه چندی بعلت مرارت و جرحیکه در عین محاربهٔ نجات وطن بوجود شان رسیده بوده مصروف معالجه و آخراً بسمت معین وزارت حربیه مقرر و بحالتاً وظیفهٔ قوماندانی مکتب حربیه را عهده دار میباشند .



ع ، ش علیشاه خان فرقه مشر قوماندان مکتب حربیه

عالیشان عزت و شجاعتمآب سید عبدالله خان شاه جی

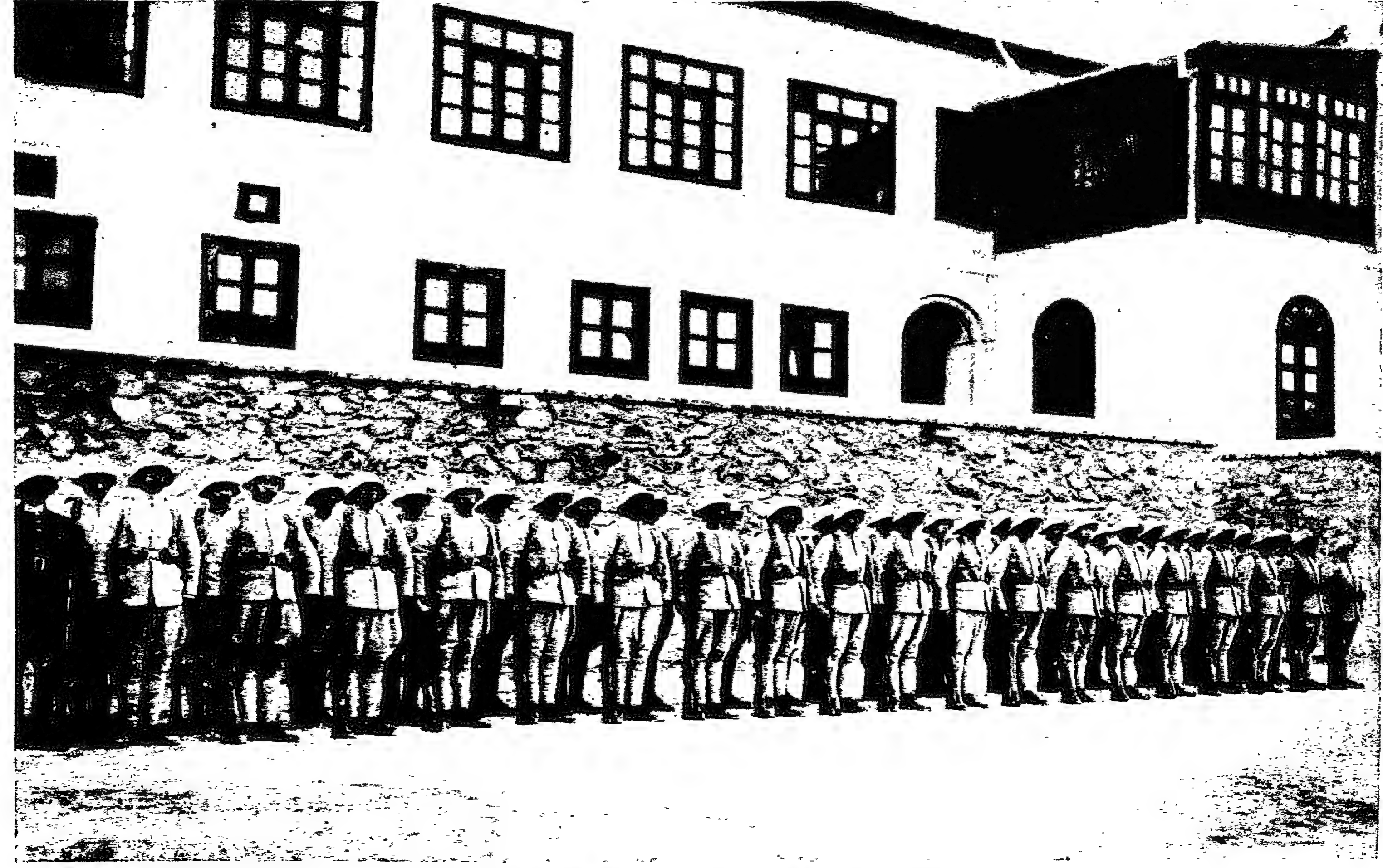
یکی از فارغ التحصیلان مکاتب عالی پنجاب و ازمدتیست در خاك افغانستان هجرت کرده تابعیت و توطن اختیار نموده اند در موقع شورش وطن مثل دیگر اولاد صحیح افغانستان ابراز صمیمت و جان فشانی بخاك وطن کرده درسمت جنوبی مجاهدات مهمه درمعیت اعلیحضرت غازی ابراز نموده اند .

جنابشان در موقع جلوس شاهانه در ازای آن خدمات برتبهٔ فرقه مشری افتخار حاصل کرده درشورش ثانی نظر بکفایت و خدمات ذیقیمت شان برتبهٔ نائب سالاری نایل گردیدند . بحالتاً با همین منصب، ریاست فابریکه های حربی را دارا بوده بخدمات مملکت میپردازند .

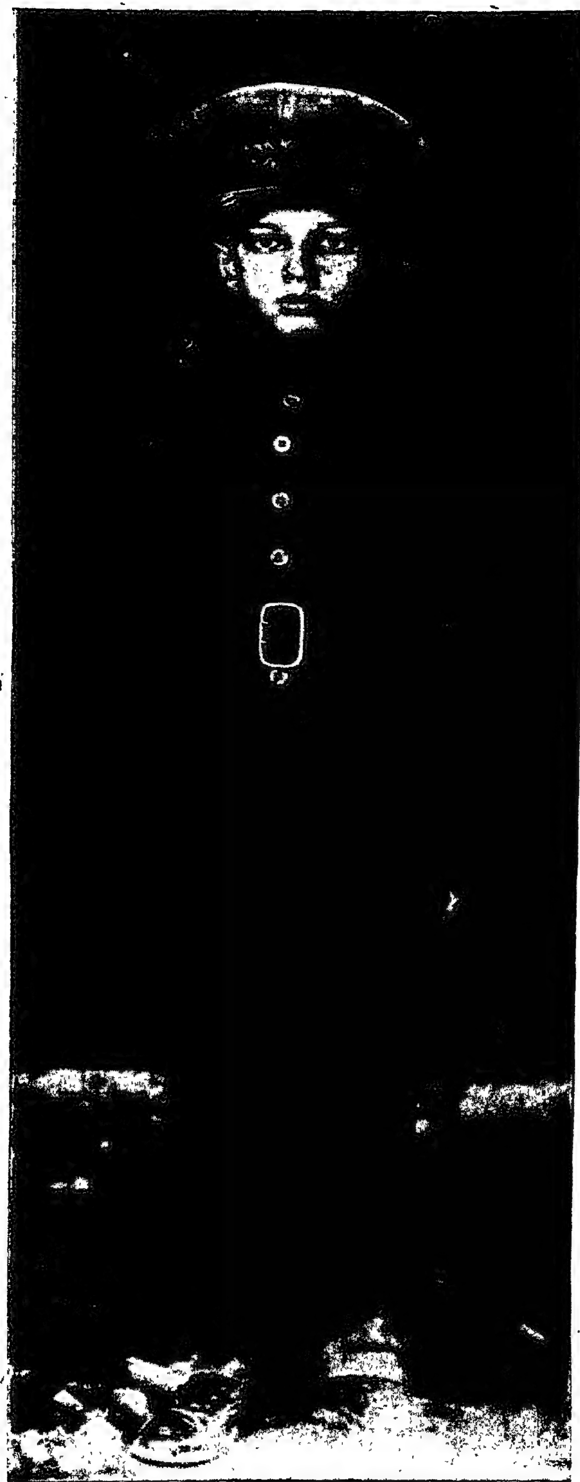
ع ، ع ، ش سید عبدالله خان شاه جی رئیس فابریکات حربی



یکعده از طلاب مکتب حربیهٔ کابل بفورم مکتب



یک قسمت از طلبای مکتب حربیهٔ کابل بفورم حربی



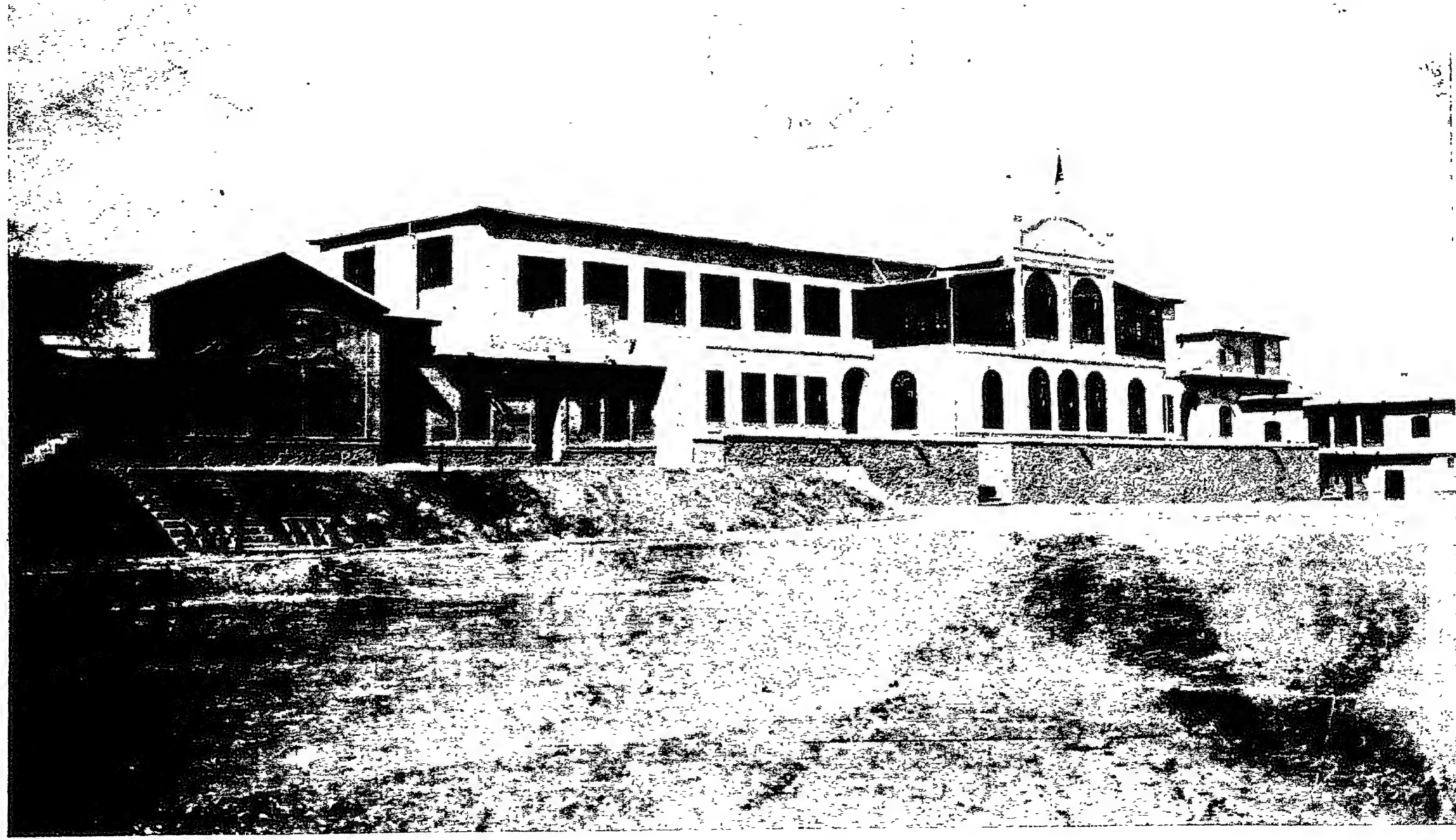
یکی از طلاب مکتب قبائل مربوط مکتب حربیهٔ کابل
که‌مکتب قبائل از مؤسسات جدید عصر همایونی نادرشاهی
ودرین تازه‌گی ها بنا یافته است



از مؤسسات جدیده عصر نادر شاهی محل رهایش و بسترهای خواب طلاب مکتب قبائل مربوط مکتب حربیه کابل



یك قسمت از توپخانهٔ سریع‌الآتش متعلق قول اوردوی مرکزی کابل در اثنای مانوره در جشن نجات وطن سال ۱۳۱۱



عمارت سابقهٔ مکتب حربیهٔ کابل واقع شهرآرا



ع، ش عبد الغنی خان فرقه مشر و معاون ثوماندان
و باقی غند مشران و کندکمشران فرقه ستاپی



ح محمد احسان خان قوماندان و باقی منصبداران صنف
هوابازی

اجراآت دوائر مملکتی



جنرال محمد احسان خان قوماندان طیاره که جنابشان از تعلیمیافته های افغانستان درخارجه و تخصص در فن هوا بازی حاصل کرده اند خدمات و مجاهدات قوماندان موصوف در مواقع مختلفه قابل وصفاست.

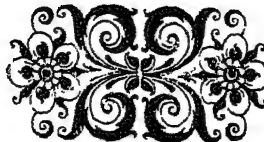
وزارت حربیه

وزارت حربیه در دورهٔ نادرشاهی در اثر فکر رسای افسر بالیاقت ونیرومند خود والاحضرت شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حربیه. در حالیکه بعد از انقلاب هیچ اساسی موجود نبود به تشکیلات و تأسیسات ذیل پرداخته است:

«تشکیلات صحیحهٔ اردو، تعلیم و تربیه، تدارك و احضار اسلحه و تجهیزات، تأسیس وانشای تهانه جات، انشای قشله های نظامی بصورت عصری در پیمارو، جمع آوری عموم صاحبمنصبان، ترتیب و تنظیم بودجه بیك مقیاس صحیح، اصول اخذعسکر بصورت اساسی تهیه وسایل نقلیه بطور عصری، ساختن شفاخانه های عسکری درمرکز وولایات، تنظیم فابریکه های حربی، ترمیم وبکارانداختن قوماندانی طیاره که در اثر انقلاب بیك احوال اسف اشتمالی برباد شده بود، تشکیل ریاست قبایل، تعلیمگاه های ضابطان: (پیاده، سواری، توپچی، جلب معلمین) تشکیل کندك مخابره، تشکیل سپورتها، افتتاح مکتب حربیه، تراجم کتب مفیدهٔ عسکری.»

هر یك ازین تشکیلات، وتأسیسات، عمرانات، ترمیمات، که والاحضرت سپه سالارغازی به آن توجه فرموده اند. برای ترقیات عالم عسکری افغانستان از حتمیات بوده است، ونظربکمی اوقات از اجراآت عمدهٔ وزارت حربیه بحساب میآید.

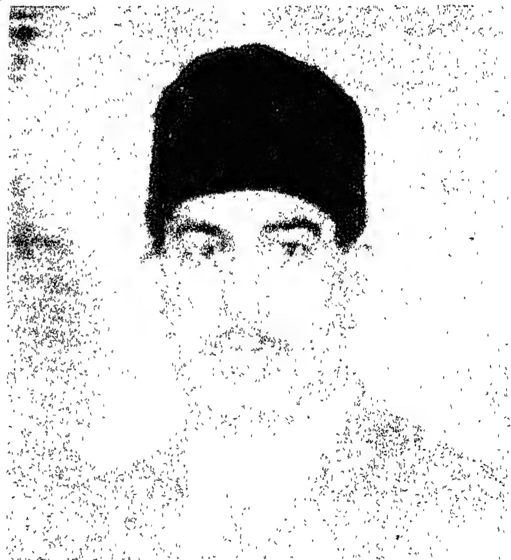
وزارت حربیه از توجه و زحمت کشیهای خستگی ناپذیر وزیر حربیهٔ دانا والاحضرت شاه محمود خان غازی دارای یك اردوی منظم که ازهمه جهت صاحب تعلیمات ولوازم عصری وروح عسکریت میباشد گردیده است.



وزارت امور خارجیه



ع، ج جناب شیر احمد خان سفیر کبیر افغانستان در طهران



ع، ج جناب عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانستان در ماسکو

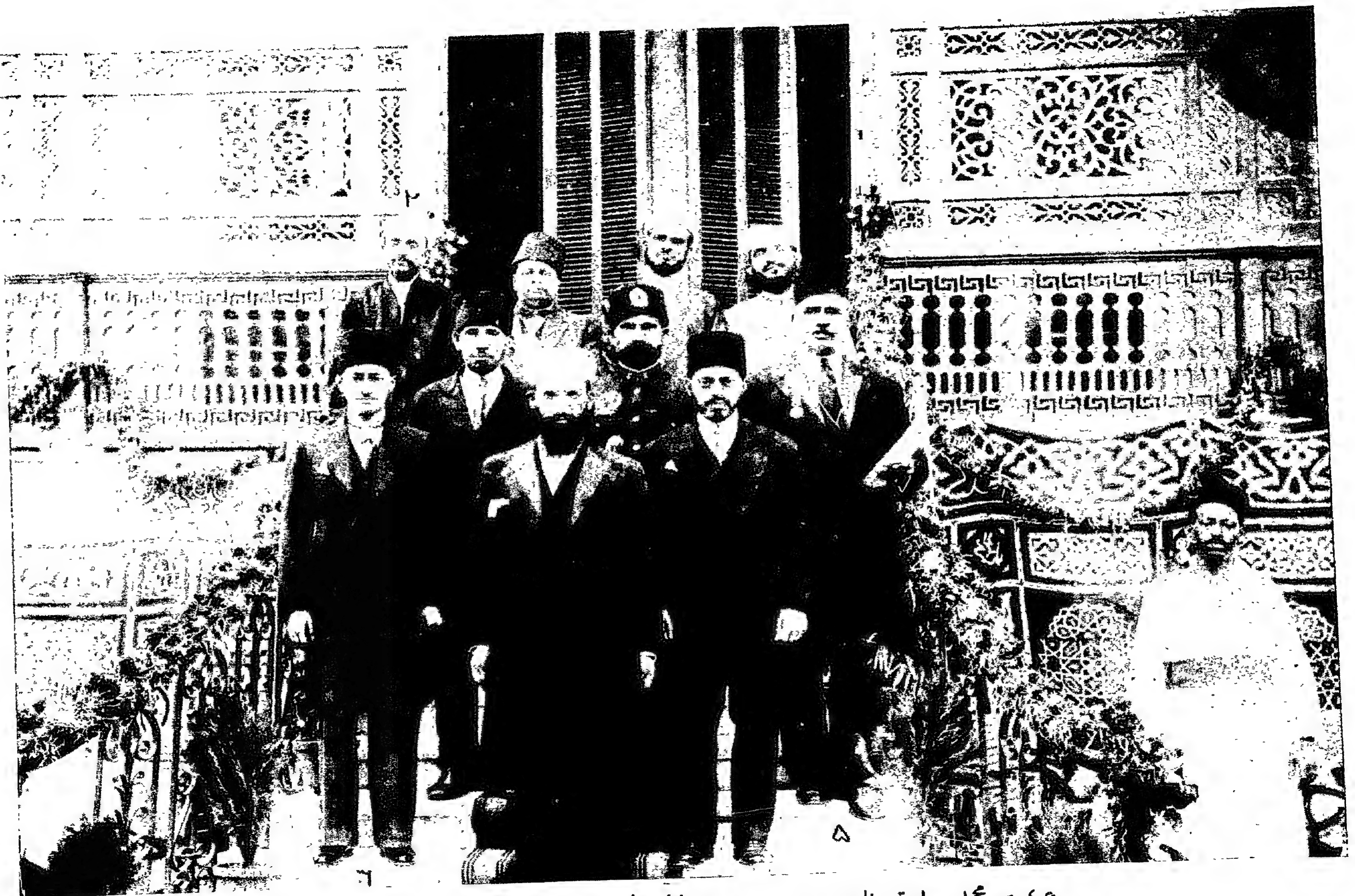
وزارت امور خارجیه دردورهٔ سلطنت نادر شاهی موفق به جلب دوستی و مناسبات صحیحهٔ دول متحابه گردیده و در ضمن دیگر امورات قرار داد هائی را که برای دولت افغانستان از هر حیث مفید است عقد نموده.

اجمال اجراآت وزارت خارجیه در عصر فرخندهٔ اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی قرار آتی است :

اول : تعرفه رسمی شخصیت معنوی افغانستان به دول متحابه ذریعه متحدالمآل تلگرافی از طرف جنرال شاه ولی خان فاتح کابل بتاریخ ۲۰ میزان ۱۳۰۸ ش به وزارت خارجیه دول متعاهد افغانستان .

دوم : تاسیس و تجدید روابط و مناسبات پس ازانقراض حکومت سابقه دربدو جلوس اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی با دول متعاهد افغانستان و تصدیق معاهدات عمومیه افغانستان در سنه ۱۳۰۸ .

سوم : عقد ، امضاء ، تصدیق ، تعاطی ، معاهدات : ـ سیاسی و مودت ، قرار داد ها ، موافقه ها ، مقاولات بادول متحابه موافقه قونسلوسی فیمابین افغانستان و ترکیه به عصر حکومت نادر شاهی تجدیداً تصدیق و به طی اجرا آورده شد .



ع، ج محمد صادق خان مجددی وزیر مختار باهیئت سفارت افغانی در قاهره

۱ — عقد و تعاطی معاهده مودت فیما بین افغانستان و جاپان توسط ع ، ج والاحضرت شاه ولی خان وزیر مختار لندن و سفیر کبیر جاپان در لندن بتاریخ ۱۹ نومبر ۱۹۳۰ مطابق ۲۷ عقرب ۱۳۰۹ .

۲ — امضا و تعاطی : قرداد راجع باعادهٔ مجرمین فیمابین افغانستان وایران توسط ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجیه افغانستان و ع ، ج خلعتبری سفیر کبیر سابق ایران در کابل بتاریخ ۲۵ جوزا سنه ۱۳۰۸



ع ، ج سردار سلطان احمد خان سفیر کبیر افغانستان در انقره

۳ — تعاطی معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان وفنلاند توسط ع ، ج والاحضرت سردار محمد عزیز خان سفیر کبیر ماسکو و ع ، ج وزیر خارجیه فنلاند ا چ - ژ - ژان پروکوپه در شهر السنکی .

۴ — عقد وامضاء معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان واستونی توسط ع ، ج والاحضرت سفیر کبیر ماسکو و ع ج آقای (یاآیان لاتیک) وزیر امور خارجه استونی در شهر تالین .

۵ — عقدوامضاء معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان ولیتوانی درشهر (کاونا) توسط ع ، ج والا حضرت سفیر کبیر ماسکو و ع ، ج (داکتر داواز اونیو) وزیر امور خارجیه لیتوانی .

۶ — عقد و امضاء موافقت کمیسران سرحدی افغانستان با ایران توسط ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجیه و ع ، ج آقای



عالیقدر جلالتمآب سردار احمد علیخان وزیر مختار افغانستان درلندن ، پسر جناب والاشان جلالتمآب سردار محمد سلیمان خان مرحوم سابق نائب الحکومه ولایات هرات وخان آباد .

درعصر اعلیحضرت شهید «سرخان اسپور» یکدسته ازقشون خاصه دربار ودرعصر امانی ازجمله مصاحبین سلطنت بودند. تحصیلات شان از بدو حال الی هنگام شمولیت در جمله مامورین دولتی در مکاتب داخلهٔ وطن صورت گرفته و بدرجه عالی فارغ التحصیل شده اند .

درعصر همایون اعلیحضرت غازی بدواً بوزارت مختاری افغانی در پاریس و پس از مرور یکسال وسه ماه مرور خدمت بوزارت مختاری لندن تبدیل شده عجالتاً درآن نقطه مصروف خدمات سیاسی وطن خود میباشند .



عالیقدر صداقتمآب عبدالرسول خان جنرال قونسل افغانستان در دهلی که یکی از فضلاء وطن ودارای قریحه عالی میباشند .

میرزا نصر الله خان خلعت بری سفیر کبیر سابق ایران در کابل .

۱ ـ عقد و امضا و تعاطی معاهده راجع به بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین افغانستان واتحاد جماهیر شوروی توسط ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجیه و ع ، ج لیوریند ستارک سفیر کبیر شوروی در کابل .

۲ ـ راجع به عقد معاهدهٔ مودت فیمابین افغانستان و حکومات:

آستریا ـ ناروی ـ سویدن ـ هالیند ـ دنمارک ، اعتماد نامهای صلاحیت عقد معاهده از حضور ملوکانه توسط وزارت امور خارجیه افغانستان بوزیر مختار براین اعطا گردیده تابدول موصوفه عقد معاهده نماید .

۳ ـ معاهدات مودت که در شرف انعقاد است :ـ

معاهدهٔ مودت با حکومت برازیل .

معاهده مودت باحکومت اسپین .

معاهده مودت باحکومت هنگری .

٤ ـ تعرف و تقرر نمایندگان سیاسی و قونسلوسی افغانستان بدول متحابه .

۵ ـ استرداد اراضی دوکالم .

٦ ـ تسویه و فیصله مسائل قرضه حکومت آلمان .

۷ ـ ابتیاع اسلحه وآلات حربیه از جرمنی و فرانسه .

۸ ـ فیصله مسائل خریداری فابریکات از جرمنی و جمع آوری اسلحه و آلات حربیه که در زمان انقلاب بخارج برده شده بود .

۹ ـ استخدام مهندسین و ماهرین فن برای وزارت حربیه ، داخلیه ، مالیه ، معارف ، تجارت ،

ریاست شورای ملی ، مدیریت مستقله طبیه،مدیریت مستقله پست و تلگراف ، رفقی سنا توریم ، گوگرد سازی، ریاست مطابع و صکوکات .

۱۰ ـ تشبث و داخل مذاکره شدن برای قرار داد پستی و تلگرافی بین حکومتین افغانستان واتحاد جماهیر شورائیه که قرارداد مذکور ازطرف مدیرمستقل پست افغانستان و نمایندگان پستی شوروی امضاء گردیده .

۱۱ ـ تشبث و داخل مذاکره شدن برای قرار داد پستی بین حکومت افغانستان و حکومت بریطانیا .

۱۲ ـ امضای معاهدهٔ مودت بین افغانستان و عراق بتاریخ ۲۰ دسمبر ۱۹۳۲ در طهران .

۱۳ ـ امضای معاهدهٔ مودت بین افغانستان و حجاز بتاریخ ۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۵۰ در مکهٔ معظمه .



عالیقدر صداقت‌مآب محمدصدیق‌خان جنرال قونسل افغانستان در مشهد مقدس



عالیقدر صداقت‌مآب بازمحمدخان جنرال قونسل افغانستان در تاشکند



وزارت داخله

وزارت داخله بتأسی فرمایشات اعلیحضرت همایونی غازی بکشیدن جادها در اطراف واکناف مملکت سعی بلیغی بکار برده ودر ایالات ومحالاتیکه جاده بسی ضرور بوده وازمدتها توجهی بآن نشده بود باصول خیلی صحیح جادها ساخته شده وبرای حمل و نقل اشیا و عبور ومرور اهالی تسهیلات فراهم گردیده است . شعبهٔ پولیس وزارت داخلیه نیز ترقیات شایانی کسب نموده واز هر حیث کار روائی پولیس قابل تمجید وتقدیر میباشد زیرا ادارهٔ پولیس بکشف بسی سرقتها واسرار موفق گردیده وخیلی اموال دولتی راکه در زمان انقلاب تلف شده بود با اموال رعیتی پیدا کرده وبمقاماتش سپرده ، بالخصوص بامور انضباطیهٔ شهر خدمات خوبی را انجام داده است . کذا در امور تقسیمات کشوریه تجدید نظر نموده ، بنقاطیکه علاقه داریهای جدید لازم مینمود تعیین وبعضی علاقه داریها راکه ازروی مناسبت وربط وضبط اداره باناحیه ها مغایر دیده میشدآنرا مجدداً ترتیب وتشکیل نموده است .

وزارت عدلیه

وزارت عدلیه در اثر خیالات خدا پرستانه وشریعت خواهانهٔ ذات همایونی برای اعلای کلمة الله و اجرای احکام نبوی کوشیده واحکام نافعه مطابق اوامر الهی نشر نموده است وبعضی کتب دینی را تشریح وترجمه کرده تشکیلات دوائر عدلیهٔ مرکز وولایات را مجدداً اجرا وتنظیم وقضاتی فاضل وپاک نفسی درولایات ومحالات تعین نموده وبه امور حقوق وجزائی مطابق بمقررات شرع انور رسیده گی کرده دعاوی اهالی را مرتباً فیصله و اجرا داشته است .

وزارت مالیه

وزارت مالیه در اثر نیات اعلیحضرت همایونی که خواهان آسایش و آرامش عموم طبقات ملت افغانستان میباشند اوراق باقیات سنوات ماضیه را حریق نموده ، و دربعضی ولایات ومحالات که مالیه بطور عادلانه وضع نشده بود مالیهٔ موزون تعیین کرده است ، وبمنابع دیگریکه از آن برای دولت ثروت حاصل میشود نیز توجه نموده وبتوسعهٔ آن کوشیده ودوائر وزارت‌را اصلاح وبعضی‌دائره‌های جدیدیکه لازم‌بوده‌است‌علاوه گردانیده ودر حصول باقیات ذمگی اهالی سعی مخصوصی ورزیده است .

کذا به تنظیم امور محاسبات عمومی و تشکیل وترتیب دوائر مالیاتی اعم از مرکز وولایات پرداخته بودجهٔ دخل وخرج مملکت را همه ساله با اندازه های صحیح ومناسب مقرون بمفاد مملکت ترتیب وتنظیم کرده بمجلس شورای ملی سپرده است .

زمینهائیکه‌قابل زراعت بوده و لامزروع مانده درباب مزروعی‌ساختن آن‌اقدامات ورزیده ، وقنوات خراب را ترمیم نموده است . و زمین های چمنی راکه قابل زراعت و بهزار ها جریب میشود ، بقیمت نازل ومناسب بفروش رسانیده وازین رهگذر بدولت وملت فائده عاید گردیده است .

و جریمهٔ وجه مالیات که بوقت آن تحویل نشده بود معاف نموده ، وبرای باقیدهان تسهیلات خوبی پیش نموده است .

هشت قطعه تصاویر ذیل نمونه ایست از کار های دستی طلبهٔ مکتب صنایع نفیسهٔ کابل



شعبهٔ رسامی



شعبهٔ رسامی



جناب غلام محمد خان پروفیسر رسام شهیر وطن مدیر مکتب صنائع نفیسهٔ کابل



ایس - ایم - دین معلم رسامی مکتب صنائع نفیسه



جناب عبدالعزیز خان رسام معلم رسامی مکتب صنائع نفیسهٔ کابل

طلبای افغانی که در اروپا تحصیلات خود را اکمال نموده و در شعبات مختلفه تخصص و دپلوم حاصل کرده اند



سید عبدالاحد خان متخصص معدن



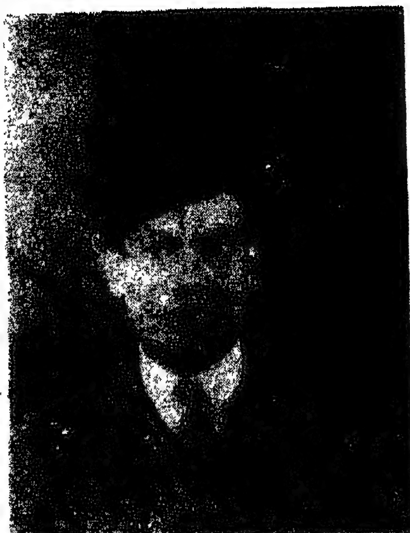
امرالدین خان انجنیر الکتریک



غلام محمد خان انجنیر برق



محمد حسین خان انجنیر رادیو الکتریک



محمد کریم خان متخصص تیلفون

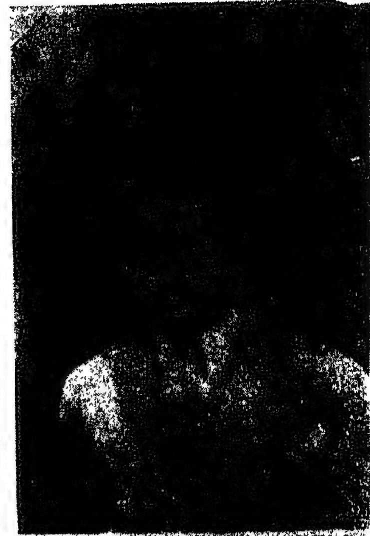


محمد سعید خان متخصص تلگراف





عبدالمجید خان متخصص تیلفون



نور محمد خان متخصص در دائرهٔ نسلگیری حیوانات



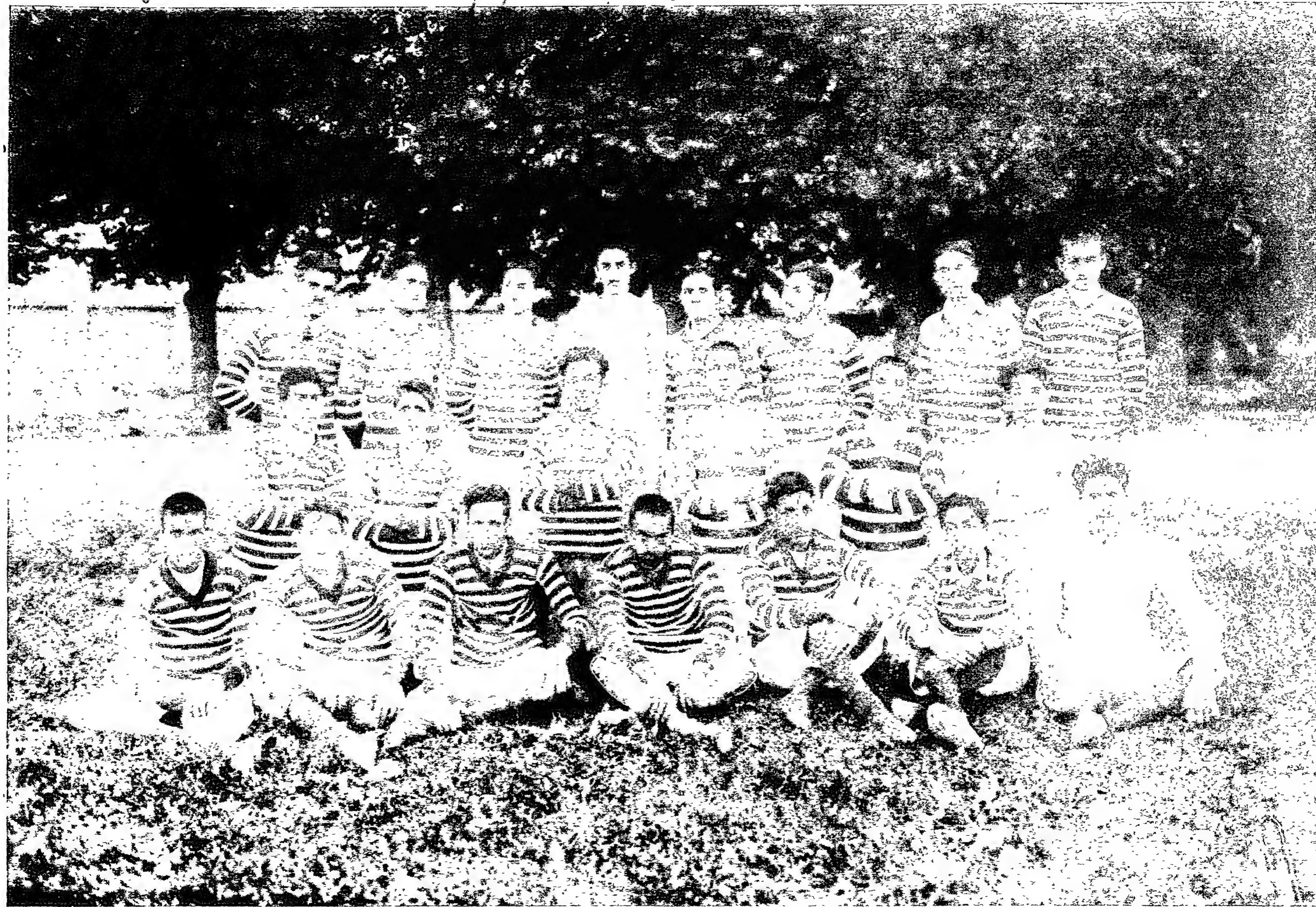
محمد نعیم خان انجنیر و میخانیک برق



محمد کریم خان متخصص زراعت



محمد یعقوب خان متخصص شرکت اسهامی



يكمده از محصلين نمره (١) (٢) (٣) صنوف أعدادى و رشدى مكتب اناثى صنايع نفيسه ، دارالمعلمين ، استقلال . بلباس سپورت .

وزارت تجارت

وزارت امور تجارت درعصر نادر شاهی ترقی زیادی درامور مربوط یافته و معادن جدیدی که هریك آن درحدذات خود دارای اهمیت است کشف نموده ومتخصصین ماهر نیز برای امتحان وتجربه ازخارج جلب نموده است وهم برای نگاهداشت جنگلات وتکثیر آن مساعی مخصوصه بخرچ داده ومنافع عمده ازان حاصل نموده ، هکذا درساختن بند ها وکشیدن نهر ها ومشروب ساختن زمین های لامزروع تجاویز مفیده تقدیم و به تعمیر وآبادی آن ها آغاز واقدام ورزیده است .

شعبات مهمهٔ که در وزارت تجارت تاسیس گردیده بقرار آتیست .

تاسیس شرکت اسهامی ـ تاسیس شعبهٔ نقلیه جهته تسهیلات مسافرت عمومیه وحمل ونقل سامان ولوازمات سلطنتی ، تاسیس شعبهٔ تعمیرات در خود وزارت تجارت ، تأسیس مأموریت خزائن خارجی ، تاسیس شعبهٔ احصائیه عمومی وترتیب واردات وصادرات مال التجارهٔ مملکتی ، ترتیب اتخاذ محصول نواقل موتر .

تاسیس و تشکیل مدیریت تجارت در مرکز وزارت ، تشکیل اطاق تجارتی (وظیفهٔ این اطاق اجمالاً مراقبت ودقت دراوضاع تجارتی مملکت واصلاح آن میباشد) ، وضع اصول توزیع جواز نامه تجارتی (که تجار داخله وخارجه درخاك افغانستان مکلف بداشتن آن میباشند) ، تاسیس و تشکیل ادارهٔ نمایندگی تجارتی افغانی درلندن وپشاور ، تاسیس و تشکیل یك شعبه تجارتی در مزار شریف ، فرستادن طلبه برای آموختن اصول شورت نمودن پوست قره قلی در لندن .

تاسیس وافتتاح فابریکه صابونسازی ، تاسیس فابریکه ترمیم موتر ، تیل کشی ، کانسروه ، جریان فابریکه سمنت سازی جلب واستخدام متخصصین برای دائر نمودن فابریکه سنگتراشی ، تکمه سازی ، نختابی وپنبه ریشی وپارچه بافی وفابریکه های قندهار ، بخاری ، رنگمالی ، خریداری فابریکه حفظ گوشت ، تاسیس کار گاه های بافت ، تاسیس کار خانهٔ خیاطی ، ساخت کارگاههای صنعتی بجهة محبوسین ، تبدیل کار گاهای دستکی باصول عصری ، تاسیس شعبهٔ حکاکی ، تاسیس فابریکهٔ جدید برق در گل باغ ، حفر ذخیرهٔ آب باصول فنی درجبل السراج بجهة فابریکه برق ، تاسیس فابریکه برق در قندهار و هرات .

وزارت معارف

دوائر داخله و زارت معارف و سامان ولوازم مکاتب وطن که دراثر شورش وارتجاع بکلی تباه واساس آن ازبین رفته و تمام کتب درسی و غیر درسی حریق آتش بیداد گردیده بود در اولین روزی که پادشاه معارف خواه ترقی پرور افغانیان بر تخت سلطنت جلوس فرمودند ، بمعارف وطن توجه و دران وقت که خزانه بکلی ازپول تهی بود بایکمقدار پول شخصی خود غمخواری بمعارف وطن نموده و تاکید کردند که ازهمه اولتر و زارت معارف را کشوده ، معلمین جلب و طلاب جمع آوری شوند .

بنابران نسبت بتوجهات ذات همایونی و زارت معارف مجدداً تشکیل یافت و موفق باحضار طلبهٔ مدارس گردید کتب درسی وغیره لوازم و سامان عرفانی را تهیه و معلمین فاضل را جلب کرده ، بالآخره مکاتب بصورت عصری و منظم دایر گردیده درنتیجهٔ مساعی این وزارت یك عده طلاب فارغ التحصیل گردید .

و درین تازگی یك شعبهٔ دارالفنون ازطرف ذات شاهانه افتتاح یافت .

دار الفنون در تاریخ افغانستان سابقه نداشته واولین دفعه در عصر اعلیحضرت نادر شاه غازی افتتاح و تاسیس یافته است تالیف و ترجه بعضی کتب مفیده ازشعبهٔ دارالتالیف این وزارت و تجدید نشرمجله شریفهٔ آئینهٔ عرفان از خدمات و زحمات قابل قدر این وزارت بشمار میرود .

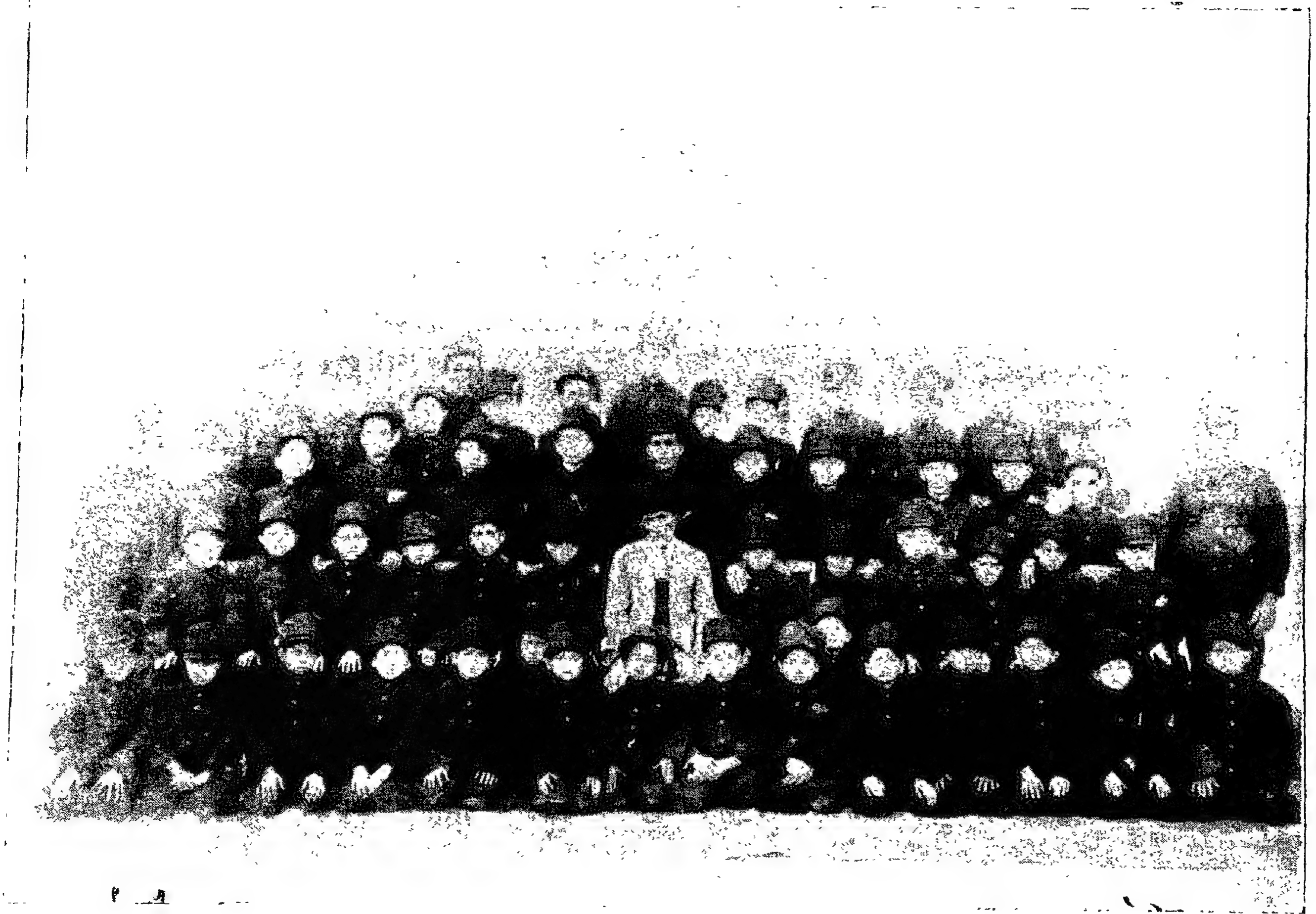
مدیریت مستقله طبیه

مدیریت مستقله طبیه در عصر نادرشاهی توسعه یافته و موسسات جدیدیکه بحال وطن نافع بود افتتاح نموده وبعضی نواقص را اصلاح و تکمیل کرده است از آنجمله « تاسیس مکتب طبی معاون دکتوری که فن دکتری را می آموزند و دورهٔ تحصیل شان دوسال بوده و اکنون بدورهٔ ثانی شامل گردیده اند گویا طلاب این مکتب پس از اکمال دورهٔ تعلیمی بصفت دوکتور حتی متخصص می برایند - مکتب کمپوندری: درین مکتب کمپوندر های موجوده شفاخانه همه روزه بعد ازفراغ کار رسمی خود بمعلمی کیمیا گر و کمپوندر ماهر خارجی اکمال تعلیم مینمایند، تحصیل این مکتب بقسم لیلی بوده تماماً حوائج لازمه ازقبیل خوراك وموبل ازطرف حکومت تهیه گردیده است .

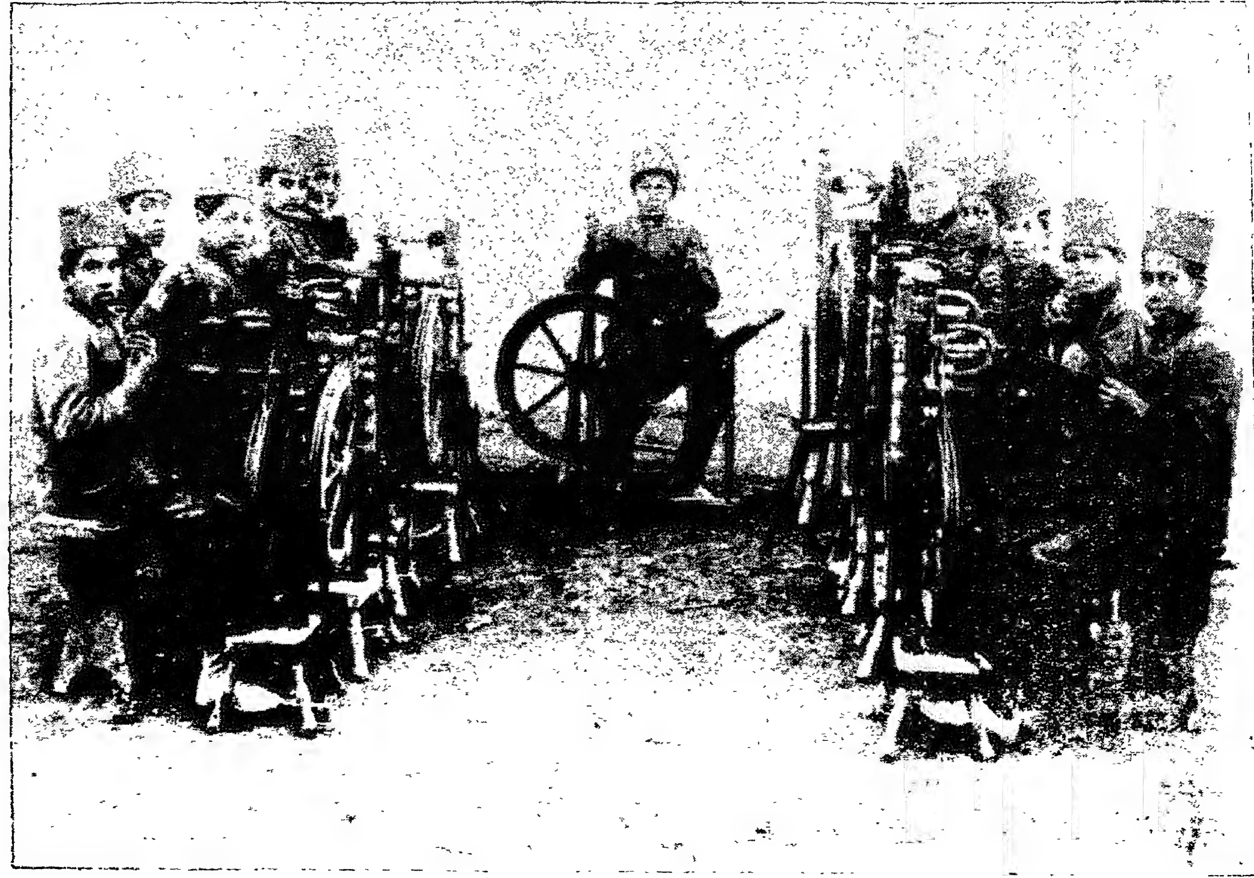
تاسیس مکتب پرستاری، تعلیم قابله ها - بشفاخانه مستورات ، دیسپانسر ها برای معاینه وتداوی مریضان، تحلیل و تجزیه و ترتیب ادویات ، استخدام دوکتورهای متخصص ، شفاخانه مجانین ، تاسیس صنف دوم مکتب طبی ، کذا مدیریت مستقلهٔ طبیه در نظر دارد شفاخانه را بصورت اساسی وعصری مجدداً بنا و تعمیر نماید و در محالات نیز شفاخانه ها تاسیس نموده و شفاخانهٔ سیار در تمام قصبات بفرستد و مکتب آبله کوبی نیز دائر نماید .

(مدیریت مستقله پوست، تلگراف و تلفون)

برای اینکه امور پسته باصول صحیحه درجریان افتد و کار تلگراف و تیلفون توسعه یابد . مدیریت پوسته، تلگراف و تیلفون از وزارت داخلیه منفك و باداره مستقل تحویل و تشکیل گردید ، این مدیریت که داخل اتحادیه بین‌المللی پسته و تلگراف بوده ازحقوق شمولیت خود استفاده کرده است . و برای تنظیم پوست و تلگراف متخصصین از خارج استخدام نموده ، و بادول همسایه داخل مذاکره شده و به عقد معاهدات پستی و تلگرافی موفق شده است ، در اکثر ولایات و حکومات و دوایر جدیده تیلفون تمدید و تلگراف سیم دار و بی سیم کشیده است ، درهمه ولایات فعلاً امور پوسته و تلگراف بصورت خوب در جریان‌است، تلگراف خانه و پوسته خانه های جدید ساخته شده و تکت های پستی خیلی زیبا و قشنگ بطرز جدید بطبع رسیده ، برای سرعت رسیدن پوسته ها بولایات و محالات اتوموبیل خریداری گردیده و بواسطه‌آن پوسته ها حمل ونقل میشود ، وتمام لین های تیلفون و تلگراف اصولی تمدید گردیده نواقص آن اصلاح شده میرود امور پسته هوائی از راه روسیه بذریعهٔ طیارات و پوسته هند بوسیلهٔ موتر وپوسته های ولایات داخله بواسطهٔ مستخدمین پستی دایر است مدیریت مستقله پوست ، تیلفون ، تلگراف در عصر نادرشاهی مانند دیگر دوایر دولتی ترقی یافته واصلاحات لازمه در آن بعمل آمده است .



از مؤسسات عصر نادر شاهی (یتیم خانهٔ نادری) کابل



اطفال یتیم که از طرف دولت تعلیم وتربیه میشوند

مجلس محترم شورای ملی

مجلس مقدس شورای ملی ازبدوتاسیس خود بلا فاصله به تدوین و تنظیم اصولنامه ها ، وتصویب و اصلاح لوائح وارده پرداخته و دربودجه مملکتی وارسی نموده است .

مجلس محترم شورای ملی وظایف خویش را بوجه نیکو انجام داده‌است که ازهیئت رئیسه ووکلای محترم ، دولت وملت کمال رضائیت دارند .

مجلس اعیان

گرچه دربدو جلوس ذات شاهانه مجلسی مرکب ازشرفا واعیان مملکت تشکیل یافت ودر امورات حکومت معاونت مینمودند ولی از آنجا که حکومت متبوع درنظر داشت شورای ملی را تاسیس و سپس مجلس رسمی اعیان را افتتاح بفرمایند لهذا شورای ملی چندی‌بعد باراده سنیه ملوکانه تاسیس یافته وبعد ازان مجلس‌اعیان که ازموسسات جدیدهٔ این عصر است بتوجه واراده سنیهٔ ملوکانه رسماً افتتاح گردید که مختصر شرح آن درموسسات عصر نادرشاهی ذکر یافته .

این‌مجلس مرکب از یکنفر رئیس و ۲ نفر معاون و فعلاً دارای (۳۸) نفر اعضا و بقدر لزوم منشی واجزا می باشد .

رئیس مجلس واعضا عموماً ازفضلا وا شراف و معززین لایق و محترم مملکتی است از بدو تاسیس خود این مجلس خیلی بجدیت بکارها آغاز کرده ودرحدود وظایف رسمیهٔ خود مصدرافادات وخدمات‌خوبی‌شده‌است .

ریاست بلدیه

تشکیلات ریاست بلدیه درعصر موجودهٔ نادر شاهی بقدر کافی توسعه یافته وبکار های سود مند عموماً بقرار ذیل پرداخته است :

ترمیم وتعمیر مساجد شریف،وزیارات متبرك،وتهیهٔ فرش وتنویر مساجد،کشیدن جاده ها وترمیم شوسه‌های سابقه شهر، تعمیر و ترمیم منازل اشخاص ناتوانی که دارائی نداشتند ، تعیین نرخ ارزاق و تهیهٔ آن وتقسیم آب بشهر بقدر ضرورت ، ساختن مارکیتها ، تعمیر عمارات شخصی موافق دستور دائرهٔ مهندسی بلدیه وساختن آن باصول عصری ، ومسدود نمودن زیر دکانی های مضرصحت،وتشکیل مدیریت احصائیه مولودات و وفیات ومنع تعمیرات جدیده در دامنه های جبال آسمائی وشیر دروازه ، ومعین نمودن کرایه گادیهای کرائی ونظافت جاده‌های بین شهر وفراخ نمودن بازار ها ومعاونت‌مساکین و سرپرستی دارالایتام .

شرکت تنویرات

این شرکت از مدتی ست درکابل تاسیس یافته و از طرف فابریکهٔ بزرگ الکتریک دولتی بآن امداد کرده میشود .

این موسسه‌ازسابق‌نواقصی داشته‌وبحال بی‌ترتیبی مانده وفاقد ادارهٔ فنی‌وغیره بود مثلا بنوقت‌شرکت‌تنویرات

بمدد و معاونت دولت رفع نواقص نموده ادارهٔ محاسبهٔ اصولی دائر و دائرهٔ فنی تشکیل و ماهرین فن استخدام کرده است . لین‌های عمومیه اصلاحات اساسی یافته و سامان ضروریه تکمیل شده است .

اندازهٔ مصرف الکتریك منازل سابق ازین درتحت سنجش نبوده ، برای معلوم شدن مصرف الکتریك در عموم‌منازل (میتر) نصب گردیده و درتمام استیشن های برق‌درشهرتیلفون‌نیزنصب شده تا از حادثات فوری جلوگیری بعمل آید .

گویا شرکت حاضرهٔ تنویرات با یك نظام مرتب وربط وضبط جدی امورتنویرات شهری را دایر کرده در حسن مجاری فابریك الکتریك جبل السراج از قبیل ساختن آب ذخیرهٔ کافی بمقصد کمك کردن بفابریکه درموسم زمستان و دیگر اصلاحات لازمهٔ آن ازطرف مهندسین این شرکت توجهات مهمی بعمل می‌آید .



متخصصین و مستخدمین خارجی که در افغانستان به شعبات مختلفه خدمت میکنند



هر گرمپه آلمانی مهندس بند ها و انهار



هر موزر آلمانی متخصص مطبعه



هر دیورغرستین آلمانی [illegible]



[illegible]



[illegible]



موسيو روزنادي « ايطالوى » انجنير



موسيو رنغارك « سويدى » متخصص بوسته

موسسات جدید عصر نادر شاهی

اعلیحضرت همایون غازی پس از نجات بخشیدن مملکت بسی موسسات مفیده را تشکیل داده اند که برای ترقی افغانستان هر کدام آن خیلی مفید ودر تاریخ این سر زمین حایز مقام عالی میباشد :

اول تشکیل صدارت عظما ست :

که بتاریخ ۲۲ عقرب ۱۳۰۸ ارادهٔ سنیهٔ شاهانه بتاسیس آن ظاهر گردیده و فرمانیکه راجع با آن اصدار یافته است مضمون آن قرار آتی است :

جناب عالیقدر جلالتمآب سردار اعلی محمد هاشم خان ! از آنجائیکه بلطف ومهربانی خداوند جل وعلاشانه افغانستان از انقلاب خانمانسوزی نجات یافت وملت غیور افغانستان مرا به پادشاهی خود انتخاب نمود ازین رو میخواهم افغانستان بعد امروز یک مملکت مترقی وباساس دین مقدس اسلام همیشه متین ومستحکم باشد وادارهٔ امور جهانبانی این مملکت از پیشتر بهتر اجراشود ومسئولیت اداری نزد ملك وملت نسبت باشخاص معین باشد وملت مسئولیت اشخاص را واضح بشناسد وبتوانیم اصلاحات امور را بآسانی وبدون اختلال عمومی حاصل کنیم لازم دیدم که موافق باصول دین مقدس اسلام ومطابق به عقل وتجربه که در دیگر ممالك متمدنه امروز اسباب سهولت را فراهم کرده صدر اعظم انتخاب وتعین کنم وصدر اعظم کابینهٔ خویش را تشکیل کرده بحضورم معرفی کند .

شما را که شخص بادیانت و در ملت خود بحسن اخلاق و فعالیت مشهور و معروف می بینم بصدر اعظمی اینوطن انتخاب نمودم لهذا بخدای قادر توانا توکل کرده کابینهٔ خود را تشکیل و بحضورم معرفی کنید .

دوم جمعیت العلما :

این موسسه از بیست نفر علمای متبحر پاك نفس جید القریحهٔ افغانی تشکیل یافته است مرام این جمعیت سنجش طرق صحیحه است ازبرای اعلای کلمةالله ومنشورات وموعظات حسنهٔ اسلامیه از برای رفع تعدیات وتجاوزات واطلاع از عقاید صحیحه وشیوع امر معروف ونهی عن المنکر، وتعیین درجات علمیهٔ علما وعدم مداخلهٔ نااهلان درساحت مقدس شرع انور نشر صحایف هفته وار ومجلهٔ ماهوار وترجمهٔ بعضی کتب مفیدهٔ دینی واخلاقی وتردید عقاید باطله وکشودن باب مراسلات باجمعیت العلمای مصر، شام، هند وبر بعضی کتب ومجلات اظهار رای کردن و در وحدت ملی کوشیدن، کذا در حفظ حقوق ملت ودولت توصیه نمودن ودر اطراف شجاعت، همت، صدق، خلوص، ثبات ، استقامت، خدمت خلق الله، رافت، شفقت، عدل ، احسان، استقلال فکری وغیره مقالات ترتیب دادن .

مرام نامهٔ جمعیت العلما در بدو جلوس شاهانه تدوین وتصویب گردیده ودر اول جوزا ۱۳۰۹ رسما این جمعیت افتتاح وآغاز بکار نموده است .

سوم مجلس عالی شورای محترم ملی :

مؤسسهٔ عالی مجلس شورای محترم ملی است که در تاریخ افغانستان این مؤسسهٔ بزرگ ملی سابقه ندارد ، به تاریخ ۱۸ سنبله ۱۳۰۹ شورای ملی تاسیس وبتاریخ ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ ذات همایونی رسماً مجلس شورای ملی را بدست حق پرست خویش افتتاح ویکی از بهترین عمارات دولتی را برای آن اختصاص فرمودند .

شورای محترم ملی دارای (۱۱۱) نفر نماینده گان ملت است وهیئت رئیسه ازخود نماینده گان انتخاب میشود.

اسامی هیئت رئیسه :

رئیس ع ، ج ، عبدالاحد خان ، معاون ع ، ص ، عبدالحق خان ، منشی ص ، میرزا عبد اللطیف خان.

چهارم : مجلس اعیان :

بانی ومؤسس این محفل عالی نیز ذات شوکتسمات اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی میباشد چه از حیث

وطن پروری وملت خواهی خویش که فراهم آوردن اسباب رفاه جامعه و بهبود امور مملکت را همیشه مطمع نظر ملوکانه میدارند دربرج میزان ۱۳۱۰ بتاسیس وتشکیل مجلس موصوفه عزم واراده فرموده رئیس واراکین مجلس ازاعیان واشراف مملکت که اشخاص بصیر و مامورین بزرگ صاحب تجربه سابقه بوده و سزاوار عضویت این محفل بودند تعیین گردیده و بتاریخ ۲۴ عقرب ذات همایونی در قصر دلکشاه این مجلس را رسماً افتتاح فرمودند .

پنجم مجلس اصلاح وترقی عسکری :

این مجلس درسال (۱۳۰۸) تشکیل گردیده و مرکب است از صاحبمنصبان باتعلیم وتربیه و باتجربه. این مجلس راجع به ترقیات عسکری افغانستان پیشنهادات نافعه و نظریات مفیده بوزارت حربیه هر وقت تقدیم میکنند ، وبعضی کتب مفیده عسکریرا نیز ترجمه وتالیف مینمایند .

ششم ریاست فیصلهٔ منازعات تجاریه :

اینموسسه درسال (۱۳۰۹) تشکیل گردیده رئیس واعضای آن از اشخاص تاجر وکارآگاه میباشند . درین موسسه هر گونه دعاوی تجارتی حل و فیصله میگردد ، وشعبات جدا گانه در ولایات مملکت نیز دارد .

هفتم شرکت اسهامی :

این اولین مؤسسه ایست که در افغانستان در عصر درخشنده اعلیحضرت همایونی تاجدار غازی قائد اعظم افغانستان در کابل دایر گردیده ، و تسهیلاتی به امور تجارتی و بروات معاملاتی بخشیده است .

هشتم دار لایتام :

دارالایتام بتاریخ ۲۲ ثور ۱۳۰۹ تاسیس یافته اطفال بی سر پرست ، درینجا تربیه و پرورش میشوند ، این مؤسسه دارای تمام لوازمات ضروریه برای اطفال یتیم است و بودجه مناسبی دارد این اطفال در مکتب صنایع نفیسه شامل تعلیم و تحصیل اند .

و برای مساکین شهری نیز مدد معاش منظور است که از طرف ریاست بلدیه به ایشان پرداخته میشود و هم درنظراست دارلمساکین علیحده تاسیس شود .

نهم : دارالمجانین:

در سال ۱۳۱۰ از طرف ذات شاهانه دارالمجانین تاسیس گردیده و دران تمام اسباب رفاه مجانین مهیا بوده وازطرف متخصصین معالجهٔ مجانین بعمل میآید .

۱۰ : انجمن ادبی هرات نیز از موسسه های این عصر فرخنده نادرشاهی است که درسال ۱۳۱۱ تشکیل گردیده مجلهٔ نیز ازین انجمن ماهوار نشر میگردد و صفحات آن بقسمت های تاریخی و ادبی مزین است .

۱۱ : انجمن ادبی قندهار نیز در سال ۱۳۱۱ تشکیل گردیده و موسوم به (جرگه گوتی دپشتو) میباشد مرام این انجمن نشر یك مجلهٔ علمی ، ادبی ، اجتماعی ، تاریخی در زبان افغانی و تدوین لغات افغانی و فراهم کردن کتب وترجمهٔ کتابهای درسی وتاسیس یك کتابخانهٔ افغانی میباشد .

هیئت انجمن ادبی کابل



عالیقدر میر غلام محمد خان غبار



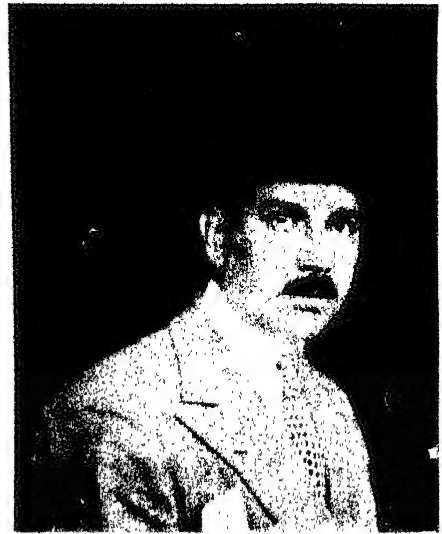
عالیقدر محمد کریم خان نزیهی



[illegible]



عالیقدر امین الله خان زمریالی



[illegible]



عالیقدر سرور خان گویا



صداقتمآب عبدالباقیخان لطیفی سرکاتب



صداقتمآب سید قاسم خان مترجم

۱۳ انجمن ادبی در کابل:

انجمن ادبی کابل درسال ۱۳۱۰ تاسیس شد!

مقصدازتاسیس این‌انجمن اصلاح وتوحید سبک‌ادبیات و اتخاذ اسلوب نگارش و روشن ساختن تاریخ مشاهیر رجال و مفاخر گذشته وطن است.

ضمنا برای تصحیح وتصدیق کتب مولفه یامترجمهٔ ادبی وتاریخی این انجمن در خور صلاحیت خود کمك و اظهار عقیده نموده و ازین راه بمطبوعات وطن عزیز خدمت می نماید.

علاوتاً مجلهٔ ماهواری بنام «مجله کابل» ازین انجمن نشر یافته نمونهٔ از وظائف و آمال قلبی این انجمن شمرده میشود.

انجمن‌ادبی ازبدو تأسیس‌تاحال بتالیف و ترتیب واصلاح بعضی کتب نافعه پرداخته وبمطبوعات وطن خدمتی کرده است.



عالیقدر صداقت مآب شهزاده احمدعلیخان درانی پسر ماما‌ی اعلیحضرت‌غازی مدیر انجمن‌ادبی‌کابل که جناب‌شان علوم‌عصری‌را درهند تحصیل کرده ودر السنهٔ ـ انگلیسی، فارسی دارای دیپلوم میباشند. پس ازتاسیس‌انجمن معزی‌الیه معاون وبعدازان بمدیریت انجمن‌تعیین گردیدند.

هیئت داخلی این انجمن قرار آتیست:

مدیر انجمن: عالیقدر صداقمآب شهزاده احمدعلیخان درانی.

معاون » عالیقدر غلام جیلانیخان اعظمی.

اعضا « میر غلام محمد خان غبار.

» « قاری عبدالله خان.

» « عبدالعلی خان مستغنی.

» « محمد کریم خان نزیهی.

» « سرورخان جویا.

» « سرور خان گویا.

» « حفیظ الله خان.

» « امین‌الله خان زمرلای.

مترجم فرانسه: صداقمآب سید قاسم خان.

سرکاتب تحریرات: « عبد الباقی خان لطیفی.



عالیقدر غلام جیلانی خان اعظمی معاون انجمن ادبی.

تاسیس فاکولته طبی

مملکت افغانستان یکی از تاریخی ترین ممالك آسیائی واز قرن های قدیمی منشاء و مظهر تمدن های متعددی بحساب رفته است معلوم است هر تمدن بر اساس علوم وفنون قایم بوده قیمت ووسعت این تمدنها نیز باندازهٔ حدود معارف آن متناسباً آشکار گردیده است افغانستان قدیم بعد ازانکه اولین نمونهٔ ادبیات خویش یعنی کتاب اوستا را در صحنهٔ مشرق تقریباً سه هزار سال پیشتر انتشار داده ودر دورهٔ یونا نیان تمدن باختری را بظهور آورده از آسیای وسطی بسط داد وقتی رسید که بزرگترین مکاتب صنایع مستظرفهٔ عالمرا درقلب خود گند هارا (ولایت کابل وجلال آباد وپشاور) ایجاد نمود واین همان دارالفنونی است که صنعت نفیس گریکو بودیك ازانجا در سرتاسر مشرق زمین انتشار می یافت وآوازهٔ این صنعت هنوز در گوشهای ملل متمدنهٔ جهان طنین انداز است بعد ازانکه تمدن‌قدیم افغانستان باقرن اولیهٔ‌مسیحی یکجا باختتام‌رسید ودین اسلام درصحنهٔ مملکت قدم‌نهاد باز ملت افغانستان یا پاکترین عناصر آریا بایجاد یك تمدن جدیداسلامی‌قدعلم نمودند ودرین راه زحمت ها کشیده بلاد وطن‌را مرکزعلوم وفنون قراردادند ازانجمله است دارالفنون‌های که درعلوم شرقیه عربیه دربلخ و هرات‌وغزنی یکی پی‌دیگری‌تاسیس گردید این‌دارالفنونهای افغانستان درآنعهد تاظهور بلیهٔ‌مغول یعنی‌قرن۱۳مسیحی مرجع‌محصلین آسیای‌میانه حساب میشد، درهنگامیکه مغل درسرتاسر قسمت های‌معمورهٔ آسیا حکومت مینمود باز میتوان اکادمی‌نگارستان‌هرات را درقرن‌پانزدهٔ مسیحی بمثابهٔ آخرین دارالفنون صنعتی‌آن‌زمان درافغانستان شمار کرد.

از قرن (۱۷) که علوم وفنون متنوعه تمدن جدیدی را درممالك غرب فراهم میکرد وبدبختانه ملل آسیا در گرداب غفلت ونفاق غوطه ور بودند وطن افغانستان نیز گرفتارانقلابات و محاربات عظیم وکشمکش های سیاسیات داخله وخارجه بوده دیگر موقعی نیافت تا قامت فراز کند وقدمی در راه این تمدن جدید بر دارد درقرن۱۸ مسیحی دولت شهنشاهی افغانستان هنوز مشغول جهانکشائی بوده که قرن نوز ده رسیده و سلطهٔ مغرب در ممالك جوار اوپهن گردید ازان بعد است که تا نیمقرن پیشتر دیگر افغانستان را جنگهای خارجه وداخله مجالی برای نشر علوم ومعارف نداد . در اوقات آخری اعلیحضرت شیر علیخان پادشاه افغانستان فرصتی جسته ودستی بتاسیس مکاتیب جدید ونشر مطبوعات یازید ولی این دولت مستعجل بود که درفرصت کمی از نظر ها پنهان ومملکت دو باره دو چار بحرانات سیاسیه وگرفتاریهای زایدالوصفی گردید .

از سال ۱۹۱۹ که دورهٔ جدیدی در تاریخ افغانستان آغاز میشود ملت افغانستان از همه بیشتر به نشر علوم ومعارف وتاسیس مدارس همت گماشته وتاجائیکه توانستند درین راه کوشش ورزیدند .

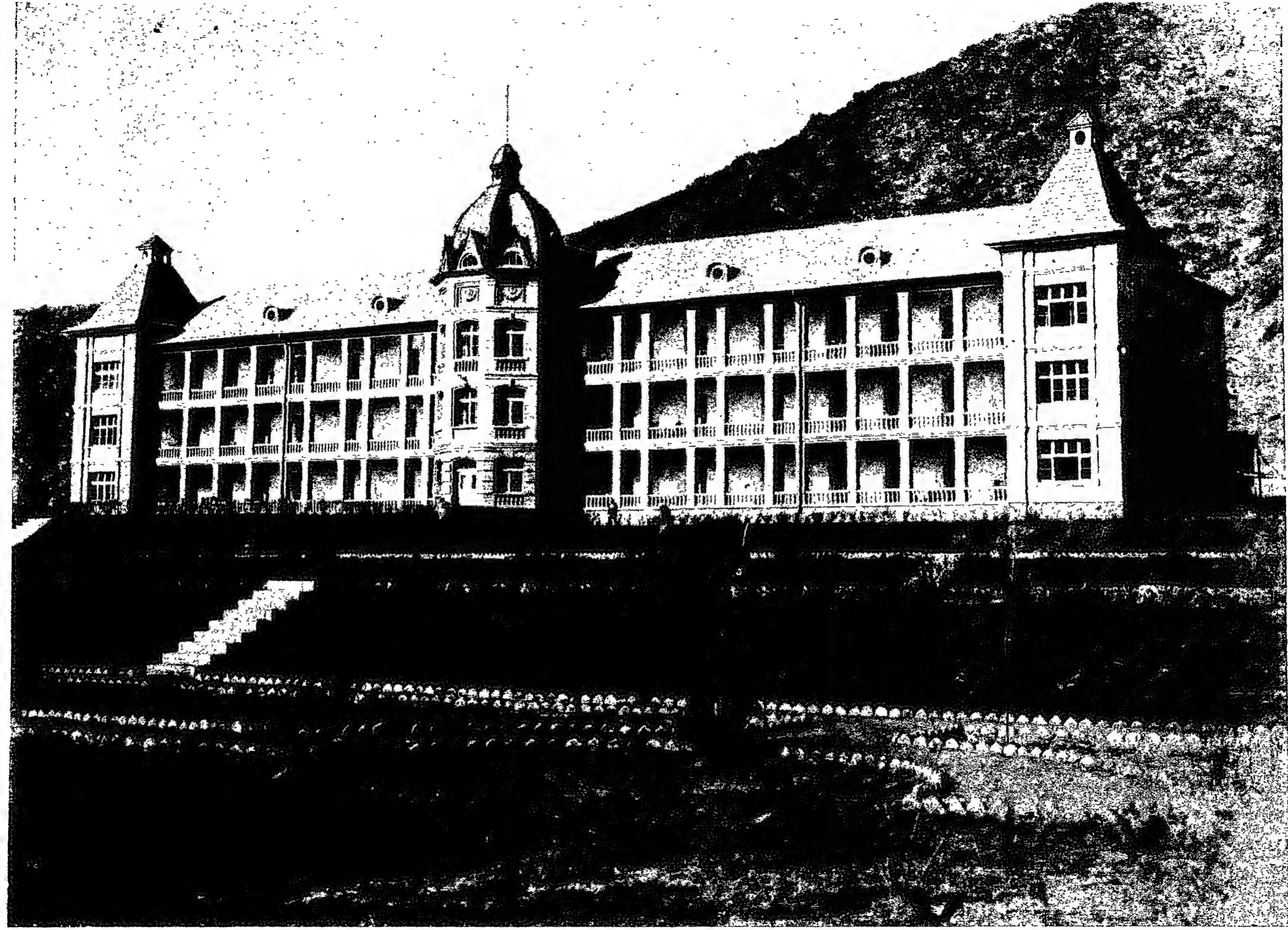
اما هنوز افغانستان خود را بمراحلی از داشتن بدارالفنون ملی دور ومحروم میدید ، خوشبختانه در اختتام اغتشاشات داخلی سال ۱۳۰۷ هجری وطلوع دولت درخشندهٔ نادری اینك می بینیم مقدمات تاسیس دارالفنونی درمملکت افغانستان تهیه شده وارادهٔ سنیهٔ شاهانه (۲۳ ـ حوت سال ۱۳۱۰) راجع به تخصیص عمارات دارالامان برای دارالفنون افغانستان ، در اول عقرب سال جاری از قوه بفعل آمده وافتتاح شعبهٔ ازدارالفنون بنام « فاکولتهٔ طبی » در قصر دلکشا رسماً بعمل‌رسید، افتتاح فاکولتهٔ طبی دارالفنون افغانستان یکی از آن کار های فوق‌العادهٔ تاریخی حکومت نادر شاهی است که نه تنها نسل حالیهٔ وطن بلکه تاریخ آیندهٔ مملکت نام آن را با شکران مؤجد تاجدار اودر ردیف بهترین واقعات قرن بیست افغانستان‌نقل وتذکار خواهدنمود .



یکعده از جملهٔ طلاب (فاکولتهٔ طبّی) یکی از شعبات دارالفنون

مؤسسهٔ جدید عصر نادرشاهی





از مؤسسات جدید عصر نادر شاهی « رفق سناتوریم »

رفقی سناتوریم

در جملهٔ دیگر شعبات عمرانی مملکت ، اعلیحضرت همایونی برای بهبود صحت ملت عزیز خویش بتاسیس وتعمیر یك سنا توریم عصری که دارای جدید ترین لوازم‌استراحت است اقدام فرموده وبرای این موسسه قطعه واراضی شخصی خویش واقع علی آباد را که در عوض جانبازیهای رشیدانهٔ خود در موقع حرب استقلال مکافات یافته بودند تخصیص داده اند ، این موضع یکی از مواضع خوش‌آب وهوای چهاردهی‌کابل و بریك سطح مرتفع واقع ودارای سه قنات میباشد که مساوی بآب پغمان است .

عمارت سناتوریم یکی از مقبول‌ترین عمارات عصرجدید درکابل بوده وبهترین موقعیت برای سناتوریم دارد پول تعمیر ومصارف آنرا ذات شا هانه از مبلغ شخصی خود اعطا فرموده اند .

این عمارت سه منزله بنا گردیده ، و برای شصت نفر مریض اسباب و لوازم راحتی مکمل دارد باغش خیلی قشنگ بنایافته و جاد های مقبولی دارد فوارهٔ بس موزون و مرغوب ، و چمن های زمردین و خیابانهای نظیف او بهجت خیز است .

این سنا توریم در افغانستان بهترین مؤسسه است که ازطرف اعلیحضرت محمدنادرشاه غازی برای گرفتاران امراض ساریه تاسیس گردیده است .

جاده های جدید عصر نادر شاهی

همه کس میداند که طرق و شوارع در مملکت باعث آبادی و از دیاد ثروت بوده و تسهیلاتی در امور حمل و نقل تجارتی وسوق‌الجیشی پیش میکنند و برای عابرین رفاه و آسایشی می‌بخشد ، چون حکومت دائما وترقی پرورما به تمام ترقیات این وطن توجه مخصوصی دارند ، ازانرو به شوارع و جاده های سهول‌العبور نیز توجه فرموده اند لهذا شوارعیکه درین دورهٔ سلطنت اعلیحضرت نادرشاهی در اطراف و اکناف مملکت کشیده شده باطرق سابقه که ترمیم و توسیع یافته است ذیلاً شرح داده میشود :

کابل :

۱ـ جادهٔ باغ علیمردان که یکی ازمعابر بزرگ شهر است باصول صحیح تعمیر ونخته کاری شده .

۲ ـ جادهٔ ارگ از حد پل باغ عمومی الی بازار ارگ جدید پخته کاری گردیده .

۳ ـ جادهٔ شهر آرا از چهار راهی ولایت کابل الی عقب دیوار منزل والاحضرت و کیل صاحب ترمیم و پخته کاری شده .

٤ ـ جادهٔ بین بازار جدید حد اندرابی باصول منظم پخته کاری و از جملهٔ جاده های جدیدیست که ساخته شده است .

٥ ـ جادهٔ گذرگاه بطور درست و خوب ترمیم و پخته کاری شده .

سمت شمالی :

الف جاده هائیکه جدید امتداد یافته :

۱ ـ از جادهٔ عمومی خط جدید الی شکردره حد سرای نورك ساخته شده .

۲ ـ » » » » » گلدره حدود ده نو .

۳ ـ » » » » » ده فرزه .

٤ ـ » » » » » از چهاریکار الی دولت شاهی .

۵ ـ از انتهای جادهٔ بگرام الی قلعهٔ سید هاشم .

۶ ـ از شوخ الی کوتل سولانك .

۷ ـ جادهٔ بوالغین از جوی نو آباد الی مرکز حکومتی محلی .

۸ ـ جادهٔ بزرگ شمالی پخته کاری شده .

سمت مشرقی :

۱ ـ جادهٔ مشرقی حدود بندر خورد کابل و کوتل بلونك که قبلاً باصول درست ساخته نشده و اسباب اتلاف یسی مسافرین میگردید ، کنون باصول صحیح ترمیم و جدید ساخته شد .

۲ ـ از حد بلول بطرف اشپان الی تنگی حصارك جادهٔ جدید ساخته شده .

۳ ـ از گندمك الی کندی خیل جادهٔ جدید آباد گردیده .

۴ ـ از دشت فتح آباد الی کجه به تله واز کجه بوزیری شوسهٔ جدید کشیده شده .

۵ ـ از هده الی تنگی آگام جدید ساخته شده .

۶ ـ از ثمر خیل الی مزینه و حصار شاهی جدید ساخته شده .

۷ ـ از مارکو به شنوار خط شوسهٔ جدید برده شده .

۸ از شیوه الی اسمار شوسهٔ جدید آباد گردیده .

۹ ـ جادهٔ مشرقی از طرف بتخاك نیز کار جاریست .

۱۰ ـ کار سرك تور خم نیز جاری است .

هزاره جات :

۱ ـ از بامیان الی یکه اولنگ جدید شوسهٔ کشیده شده .

۲ ـ از سرچشمه الی جوقول جدید جاده تعمیر گردیده .

جاده‌هائیکه جدید درلهو گرد کشیده شده :

۱ ـ از پل برکی برك الی قریهٔ برکی راجان و مرکز حکومتی .

۲ ـ از برکی راجان الی شاهمزار و چرخ .

۳ ـ از حصارك الی زر غون شهر .

۴ ـ از برکی راجان و چرخ و کوتل معروف خربیچك به خروار و بند زنه خان و از آنجا به غزنی جاده وصل میشود .

۵ ـ از جادهٔ لهو گرد جادهٔ جدید بطرف تنگی وردك ساخته شده که در حد شیخ آباد به جادهٔ بزرگ قند هار وصل گردیده است .

قندهار .

جادهٔ قندهار بطرف قلعهٔ جدید پخته کاری قرار فنی میشود .



ع ص عبد الرب خان رئیس تمیز وزارت
محترم عدلیه



ع ص امین الله خان رئیس محکمهٔ اصلاحیه
وزارت عدلیه



ع ص قاری عبد الرسول خان رئیس
دار العلوم عربیه



ع،ص محمد یوسف خان رئیس دایرهٔ تربیهٔ
حیوانات و نسل گیری



ع ص خواجه جانگل‌خان رئیس دایرهٔ
خصوصی حضور همایونی



ع ص غلام حیدرخان رئیس فیصلهٔ
منازعات تجارتی



مسابقهٔ (والی بال) بین طلاب وزارت حربیه و معارف



دستهٔ « فت بال » مكتب حربيه



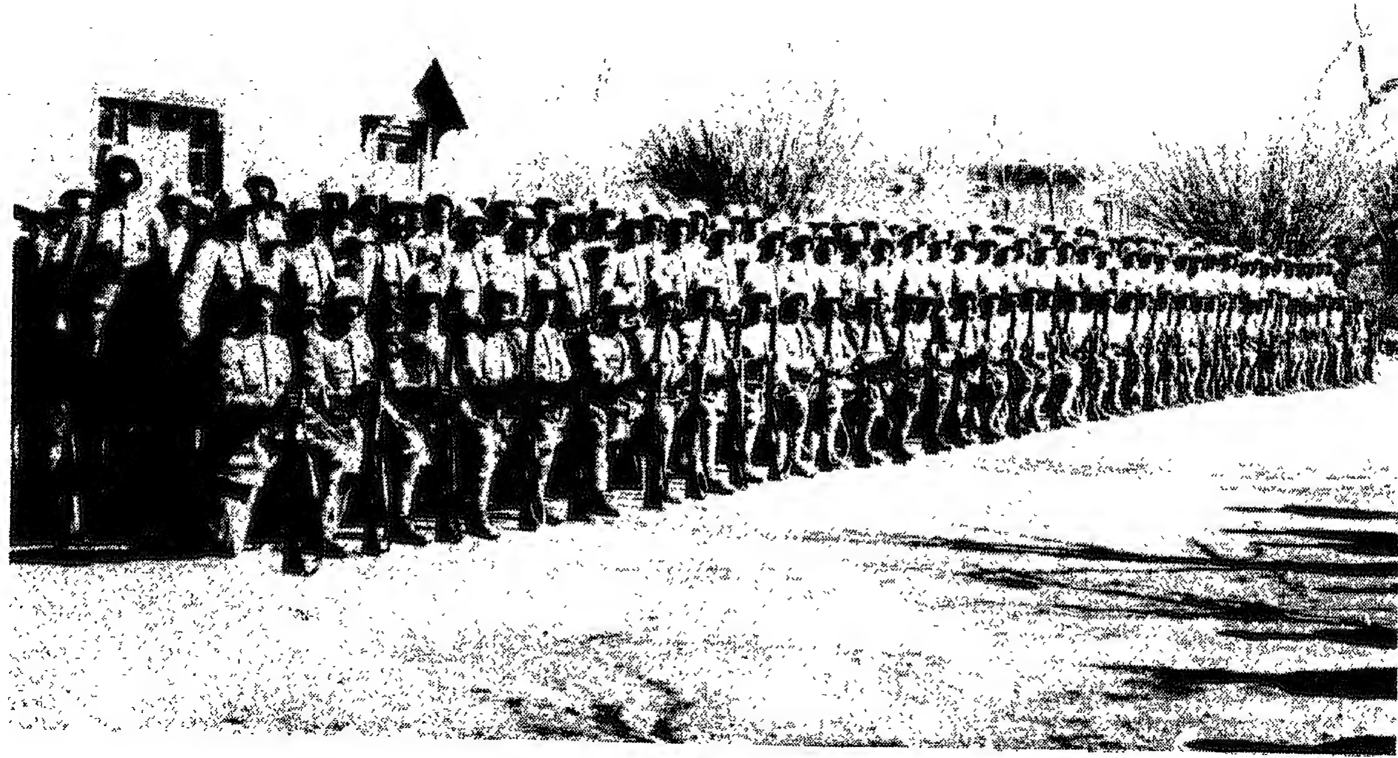
ازطیارات حربی خریداری جدید وزارت
جلیله حربیه



ازصنف توپچی عساکر کابل مقابل قشلهٔ توپچی



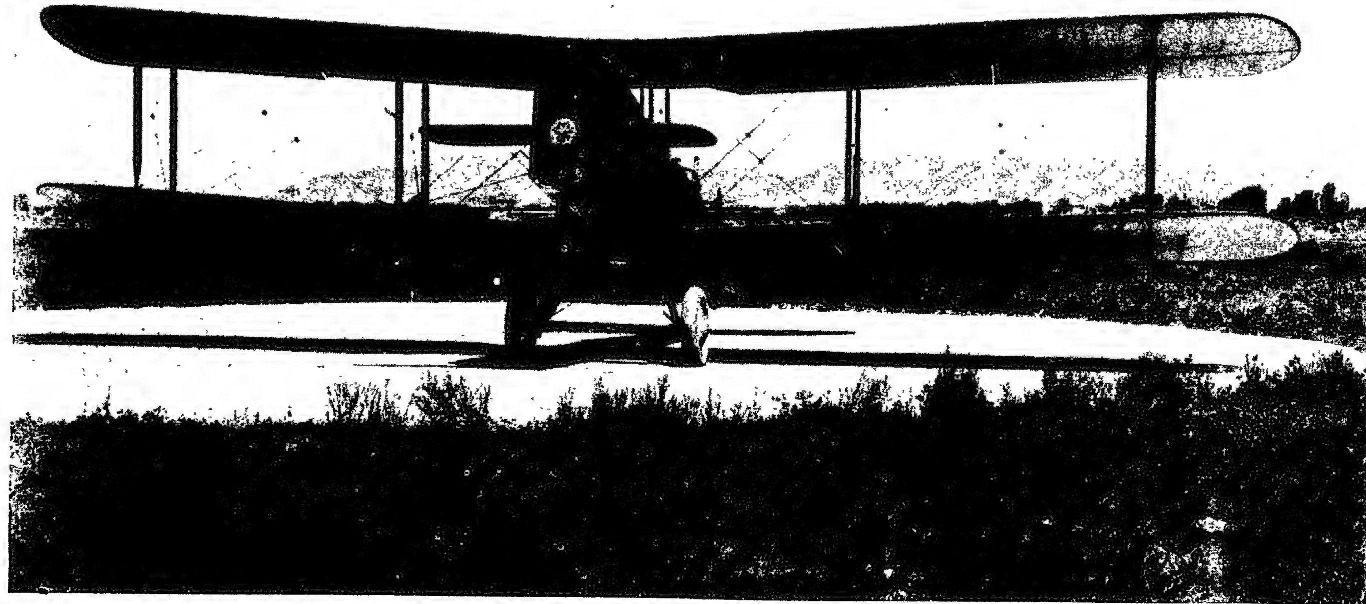
از موسسات عصر نادرشاهی قشله های جدید عسکری
در کابل



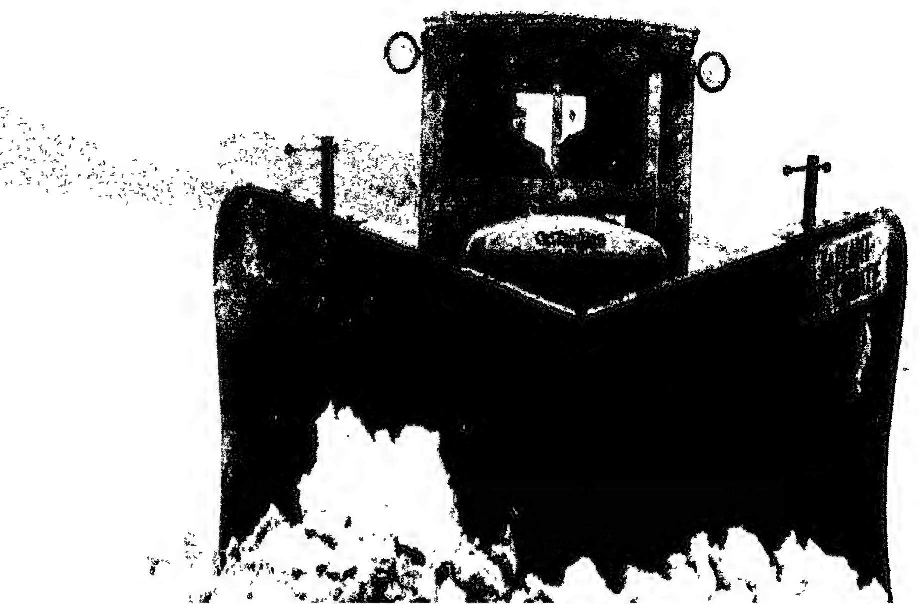
یکعده از صنف پیاده عساکر کابل بلباس جنگی



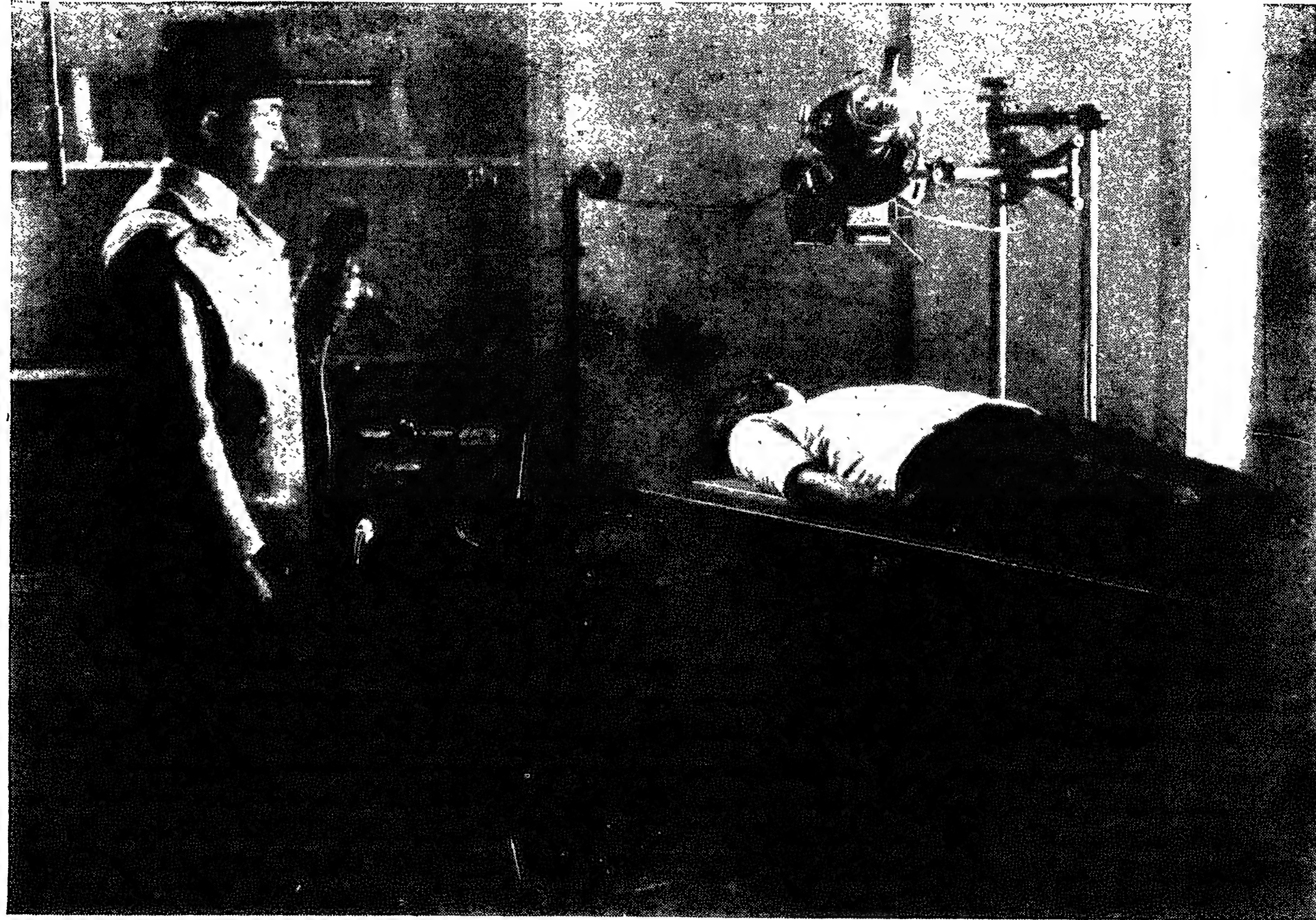
از طیارت یونکرس خریداری جدید وزارت حربیه



از طیارات حربی خریداری وزارت حربیه



از تراکتور های حربی که در سال ۱۳۱۱ وزارت حربیه بجلب و خرید یکعدهٔ آن موفق شده است



ماشین جدید اکسریز کابل که برای معاینهٔ امراض داخلی وهرگونه معالجات الکتریکی مساعد وهمه روزه برای عموم حاجت مندان حاضر است .

هرات :

جادهٔ جدید از هرات الی بالا مرغاب و از میمنه الی با لامرغاب و از میمنه بطرف مزار شریف الی حدود شبرغان احداث گردیده .

جادهٔ شکاری :

این جاده مخصوصاً اهمیت فوق العادهٔ دارد زیرا علاقه جات شمال هندوکش را با جنوب مربوط میسازد و یکی از کار های بزرگ عصر نادر شاهی است .

مزار و مضافات آن و علاقه قطغن و میمنه که ازحیث حاصل خیزی غله ومال‌مواشی از قبیل گوسفند، اسپ و اموال تجارتی مانند پنبه ، پوست ، پوست قره قلی ، پشم ، پسته و غیره خیلی توانگر است ولی سلسلهٔ جبال برف گیر و صعب المرور هندوکش در ایام زمستان وچندی از ماهای بهار مانع عبور و مرور عابرین و رسیدن اشیا و اموال ازانجا بسائر علاقه جات می شد ، و مشکلاتی در امور تجارت پیش میکرد ، و استفادهٔ لازمه بعمل نمی‌آمد لهذا حکومت متبوعهٔ ما به کشیدن این جاده امرفرموده است که بتوجهٔ مخصوص اعلیحضرت همایون تاجدار نامدار، جادهٔ شکاری در شرف اختتام است و بعد از اندك مدتی مانند سمت مشرقی قوافل تجارتی و موتر ها به خیلی آسانی ازین راه عبور و مرور خواهد نمود .

بر علاوهٔ جادهای قندهار ، هرات،میمنه ، مزار ، قطغن و بدخشان در سائر نواحی وطن عزیز جاده های نوین دیگری هم در شرف تاسیس است .

بندها و نهرها

درین عصر که تمام‌وسایل آبادی مملکت وترقی زراعت را دولت در نظر گرفته است ، برای کشیدن نهرها و ساختن بند ها و مشروب ساختن اراضی لامزروع توجه فرموده ، به ساختن بند ها و نهر هائیکه در ذیل ذکر میگردد اراده فرموده است .

درظرف این مدت قلیل بعضی ازین بند ها ونهرها عنقریب تمام میشود و مت ازان مستفید میگردد. و کارديگر بند ها و انهار در جریان بوده نظر بتوجه و مساعی اولیای امور بهمین نزدیکیها تمام میشود :

۱: درزنه خان‌غزنی برای آبیاری (۱۰۹۷۷) جریب زمین به ساختن (بندی) اقدام شده و پول کافی برای آبادی آن منظور گشته .

۲: در سرخاب لوگر نیز بندی ساخته میشود که (۹۰۰۰) جریب زمین ازان مشروب میگردد . و این بند اهمیت زیادی برای آبادی سرخ آب دارد نقشه و اندازهٔ مصارف این بند تماماً از طرف حکومت متبوع تدارك گشته و تاحدی آباد هم شده .

۳: بند خرواد (۳۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری میکند ، این بند نیز از یادگار های برجسته دوره نادرشاهی است .

٤: در قرغهٔ پغمان بندی زیر تعمیر است و ازان (۲۵۰۰۰) جریب زمین سرسبز میگردد ، این بند در بین پغمان و کابل درحدقرغه‌ساخته‌میشود و یکحصهٔ بزرگ از اراضی لامزروع را صالح الزراعت میگرداند

۵: بندسرده غزنین نیز یکی از کار های مهم عصرهمایون نادرشاهی بحساب میرود (۱۰۸۰۰۰) جریب زمین

در تحت آن قابل زراعت میگردد .

٦: بندسراج غزنین قابل آن دیده شده که (١٢٥) متر دیگر دیوار مذکور بلند شود زیرا بواسطۀ این ارتفاع (٤٥٠٠) جریب زمین تحت آبیاری می آید .

٧: نهر سراج جلال آباد که ١٤هزار جریب زمین در تحت آن آباد و آبیاری میشود ازسال ها خراب مانده در عصر اعلیحضرت همایونی یکمقدار پول مکفی برای آبادی و تکمیل آن منظور و مجدداً بکار افتاده حال در شرف اتمام است .

٨: برای رفاه مسافرین کاریز خیر آباد در علاقه هزار شریف ساخته شده .

٩:احداث یك نهر جدید در دکه : دکه سرحد مهم سمت شرقی افغانستان است دریای بزرگ کنر بدون آنکه زمین های بایر آنجارا مشروب کند از (دکه) عبور کرده بعمان میریزد اینك در عصر اصلاح پسند نادر شاهی نهر جدیدی که کلیه زمین های خشك و بایر آنجا را مشروب خواهد کرد از دریای مذکور جدا گردیده و کار آن در شرف اتمام است .

تاسیس کلوب ها

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی تمام شعب ترقی ملت را در نظر گرفته و وسایل تعالی ملت و مملکت را فراهم مینمایند وبهمین منظور برای حس تولید اتفاق و استحکام معاشرت اخلاقی وادبی و تربیۀ بدنی بتاسیس کلوب ها امر و ارادۀ سنیه شاهانۀ شان صادر گردیده و در عصر تاریخی نادر شاهی کلوب های ذیل که هر یك دارای مرام بسی عالی میباشد تاسیس یافته است :

١: کلوب وزارت حربیه ٢: کلوب وزارت خارجیه بنام (محفل ستور) ٣: کلوب وزارت معارف .

تاسیس کورسهای السنه خارجیه

برای مامورین دوائر دولتی وباقی ارباب ذوق که میل لسان خارجی دارند ، درسال حاضر کورسهای السنه ذیل بارادۀ دولت متبوعه ازطرف وزارت معارف مجانی تاسیس یافته یکعدۀ بزرگ افراد حساس وعلم دوست وطن داخل این کورسها شده ومشغول تحصیل اند :

١ کورس زبان پشتو .

٢ کورس زبان فارسی برای خارجیها که مستخدم دولت میباشند .

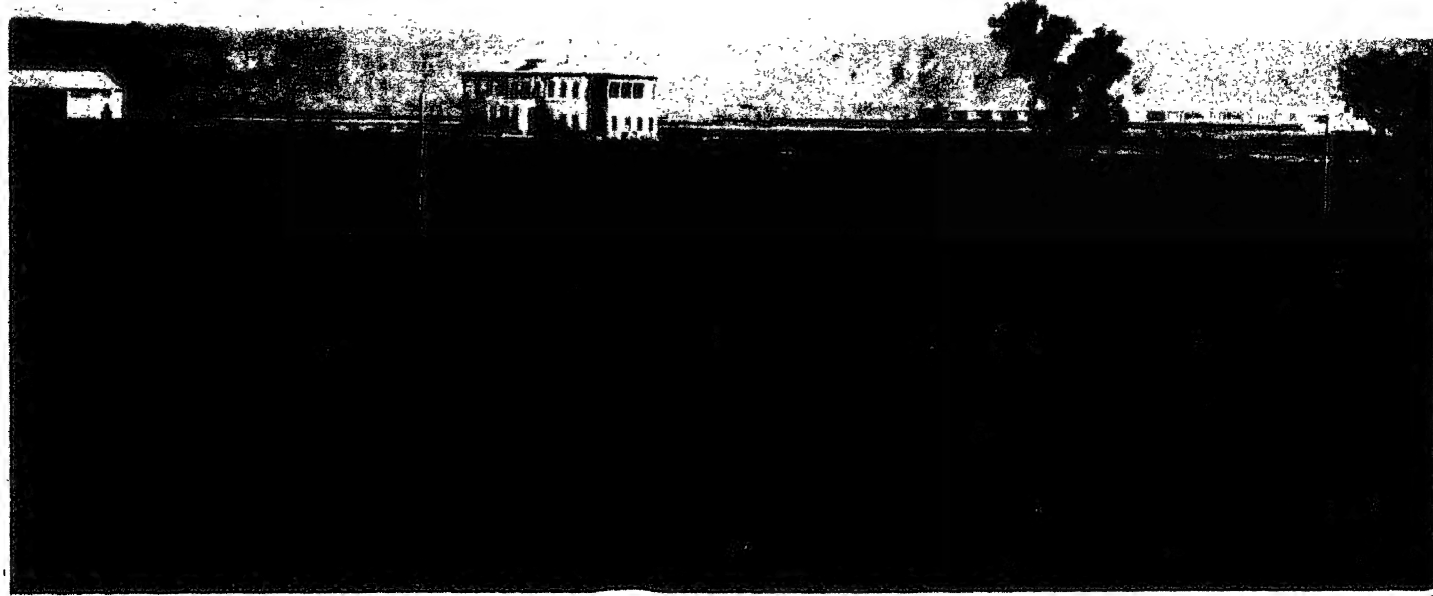
٣ کورس لسان آلمانی .

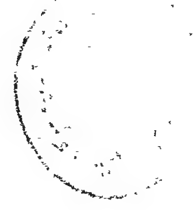
٤ کورس لسان فرانسوی .

٥ کورس لسان انگلیسی .



حضور اعلیحضرت همایونی موقع گذاشتن سنگ تهداب کلوپ عسکری

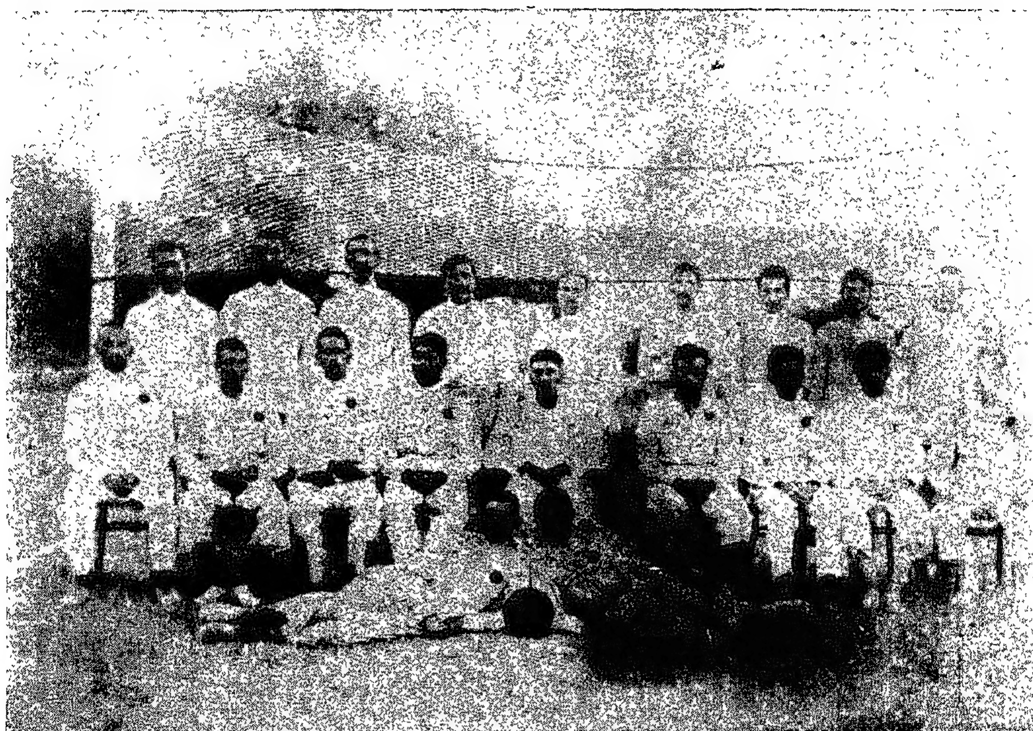




کلوپ عسکری بعد از اتمام تعمیر



از عمرانات جدیده عصر نادر شاهی بند خروار لهوگرد



(سپورت) فوت بال بین منصبداران ولایت مزار و میمنه



(سپورت) والی بال بین منصبداران ولایت مزار و میمنه

انجمن کشافان

یکی از موسسات مهم عرفانی که درینعصر درخشان نادری بروی کار آمده انجمن کشافان افغانستان است که بفرمان مبارک نمبر ۲۲۵۲ ذات همایونی تاسیس شده : مقاصد این انجمن این است که اطفال افغانستان را بدون تشخیص قوم و حیثیت امداد کند تا آنها بتوانند افراد صحیح وطن خود شده در عین زمان تابع فرائض خداوندی وشریعت نبوی (صلی الله علیه وسلم) بوده به ملت خود وفادار باشند ومفاد شخص خود را برای مفاد اجتماعی ایثار کنند ـ وازبدی افکار ـ وافعال سوء اجتناب ورزند .

روح این مسلك همانست که بچه ها به تعهد شخصی درتحصیل معاش خود اقتدار پیدا کنند وابداً منحصر برامداد دیگران نباشند برای قیام صحت خوب اقسام سپورتها بکنند :ـ درمملکت خود ، ماحس کرده میتوانیم که از کدام پهلو فکراً واخلاقاً ومن حیث صحت عمومی پست شده میرویم واگر بخواهیم بچه صورت میتوانیم این نقائص را دفع کنیم همان است که اسباب ترقیات ماضیه اسلامرا باطرز زندگانی موجوده تطبیق داده پروغرام صحیح تعلیم وتربیهٔ اسلامی ـ اخلاقی ـ مدنی را حسب ارشادات ذات ملوکانه درلباس کشافی وزارت جلیلهٔ معارف به افغانستان معرفی کرده ازطلاب مکاتب مرکز (کابل) یکعدهٔ متعلمین را برضا ورغبت خود جمع آوری نموده به لباس مخصوص کشافی بار اول بتاریخ ۲۳ میزان ۱۳۱۰ درجشن نجات وطن درمعرض نمائش گذاشت .

نظریهٔ وزارت معارف اینست که اساس اخلاق صحیح اسلامی ـ ایثار ـ حلم وصداقت را از ایام طفولیت به‌طرز تعلیم مخصوص درقلوب اطفال جای بدهد درینجا تذکار میکنیم قبل ازین که یکنفر داخل این مسلك میشود وعدهٔ آتی را میدهد :ـ

به‌شرف اسلامیت وانسانیت خود قسم میخورم : ـ

۱ متابعت فرائض خداوندی ـ شریعت غرای محمدی ـ احکام پادشاه وخدمت مملکت را میکنم .

۲ درهمه وقت به بنی نوع بشر امداد میکنم .

۳ متابعت اصولنامهٔ کشافی را مینمایم .

٤ اصولنامهٔ کشافی مشتمل برده مواد آتی است .

۱ شرف کشاف را اعتماد باید کرد (زیرا که کشاف همه وقت راست میگوید) .

۲ کشاف وفا دار پادشاه ومملکت خویش آمران ، والدین ، بالا دستان خود میباشد .

۳ فریضهٔ کشاف است که خودش مفید وبردیگران امداد برساند .

٤ کشاف رفیق همه کس وبرادرهر کشاف دیگر میباشد بدون لحاظ اینکه موخرالذکر چه حیثیت دارد .

٥ کشاف حلیم میباشد .

٦ کشاف برحیوانات مهربان میباشد .

۷ کشاف احکام مشروعه ، والدین ، دلگی مشر ومعلم خود را بدون عذر تعمیل میکند .

۸ کشاف در جمیع مصائب قوی دل و صابر میباشد یعنی مصیبت که به او می آید بکمال صبر آنرا برداشت میکند .

۹ کشاف مقتصد میباشد .

۱۰ کشاف در افکار، کلام وافعال خود پاك میباشد .

پس اگر بنظر دقیق تعلیم کشافی دیده شود معلوم میگردد که اصولنامهٔ کشافی مبنی بر اساس صحیح اسلامی واخلاقیست .

(راپورت مختصر یك ساله کشافی)

اولین دفعهٔ که این انجمن تاسیس شد تعداد طلاب شاملین تعلیم در آنوقت یکصدنفروبعد ازان در ۱۳۱۱ به سه‌صدنفر رسید درهمین سال شعبهٔ شیر بچه ها نیز افتتاح گردیده ریاست آن ازحضور والاحضرت کشاف اعلی (صدر اعظم صاحب) به سردار ذلمی خان خلف‌الرشید ع ، ج ، ا ، انشان وزیر صاحب حربیهٔ غازی تفویض شد . تعداد آن اکنون سی‌وشش نفر است .

بتاریخ ۱٤ میزان ع،ج،ا،ا نشان والاحضرت وزیر صاحب حربیهٔ غازی به قوماندانی اعلی کشافان افغانستان بموجب فرمان نمبر۳۳۳۹ مورخه ۱٤میزان ۱۳۱۱ والاحضرت کشاف اعلی مقرر گردیدند .

درین دورهٔ یکسالهٔ خود کشافان کابل درهر سه جشن های ملی، نجات‌وطن ۱۱- ۱۳۱۰ استقلال ۱۱) در رسم گذشت عسکری شمولیت ورزیدند ودر مانورهٔ عسکری ۱۳۱۱ وظائف ومواظبت فوری را بکمال جدیت وفعالیت ابراز نموده مورد تحسین گردیدند همچنان درجشن استقلال ۱۳۱۱ درصحن چمن حضوری نمائش مواظبت فوری اطفای نار، پلسازی، خیمه سازی وغیره را بکمال مهارت داده مورد رضامندی وتحسین اعلیحضرت غازی وجمیع ناظرین شدند .

نشان ابتدائی را تقریباً کل نفری حاصل کرده اند.

تشکیلات موجوده .

سرپرست والاحضرت شهزاده محمدظاهرخان .

کشاف اعلی ج،ع،ج والاحضرت محمدهاشم خان (صدر اعظم‌صاحب) .

قوماند اعلی ملی ع،ج ا،ا نشان والاحضرت شاه محمودخان وزیر صاحب حرب .

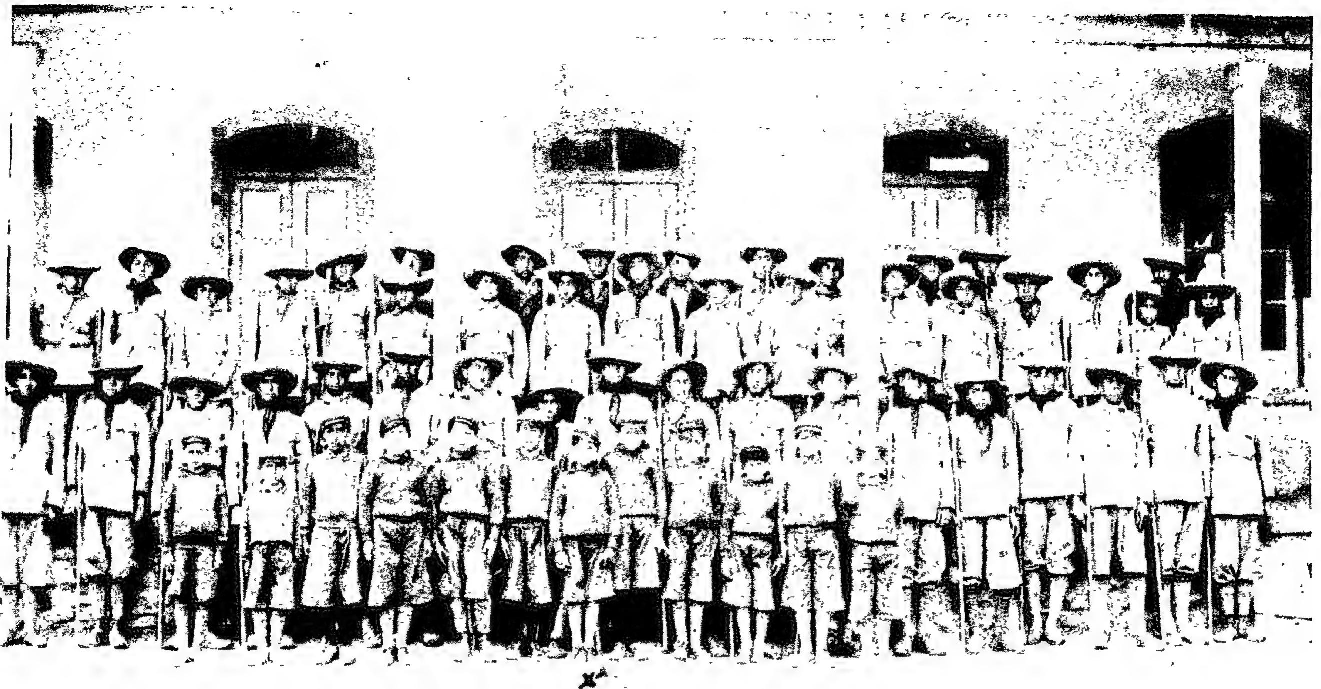
قوماندان بین‌المللی وکابل ع،ج، علی‌محمدخان وزیر صاحب معارف وکفیل وزارت خارجه .

رئیس شیربچه ها سردار ذلمی خان .

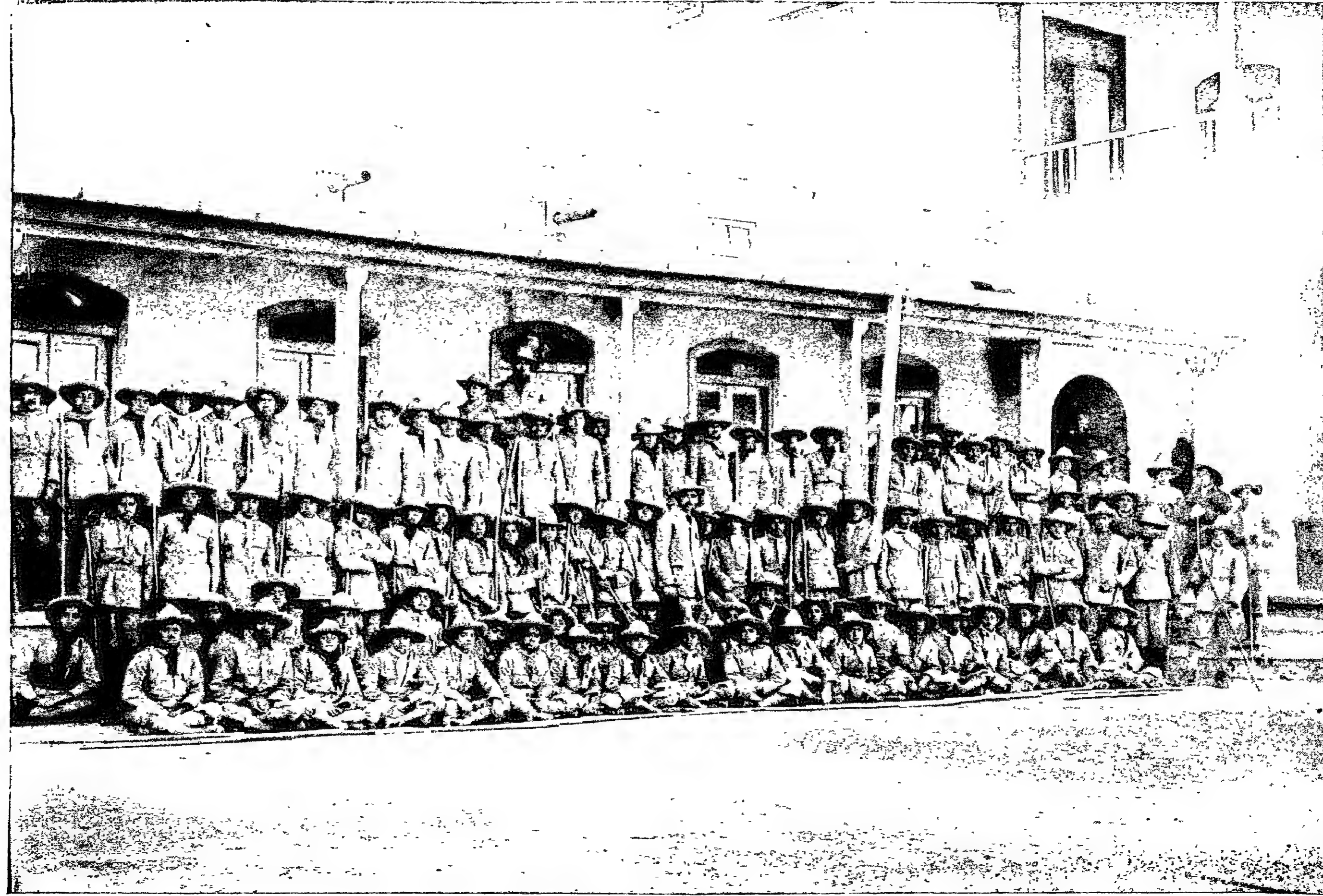
سکرتری تشکیلاتی انجمن محمد یعقوب خان .

بتاریخ اول جنوری ۱۹۳۲ انجمن کشافان رسماً از طرف انجمن بین المللی کشافان لندن شناخته شده در کومیته بین‌المللی شمولیت‌ورزیدند .

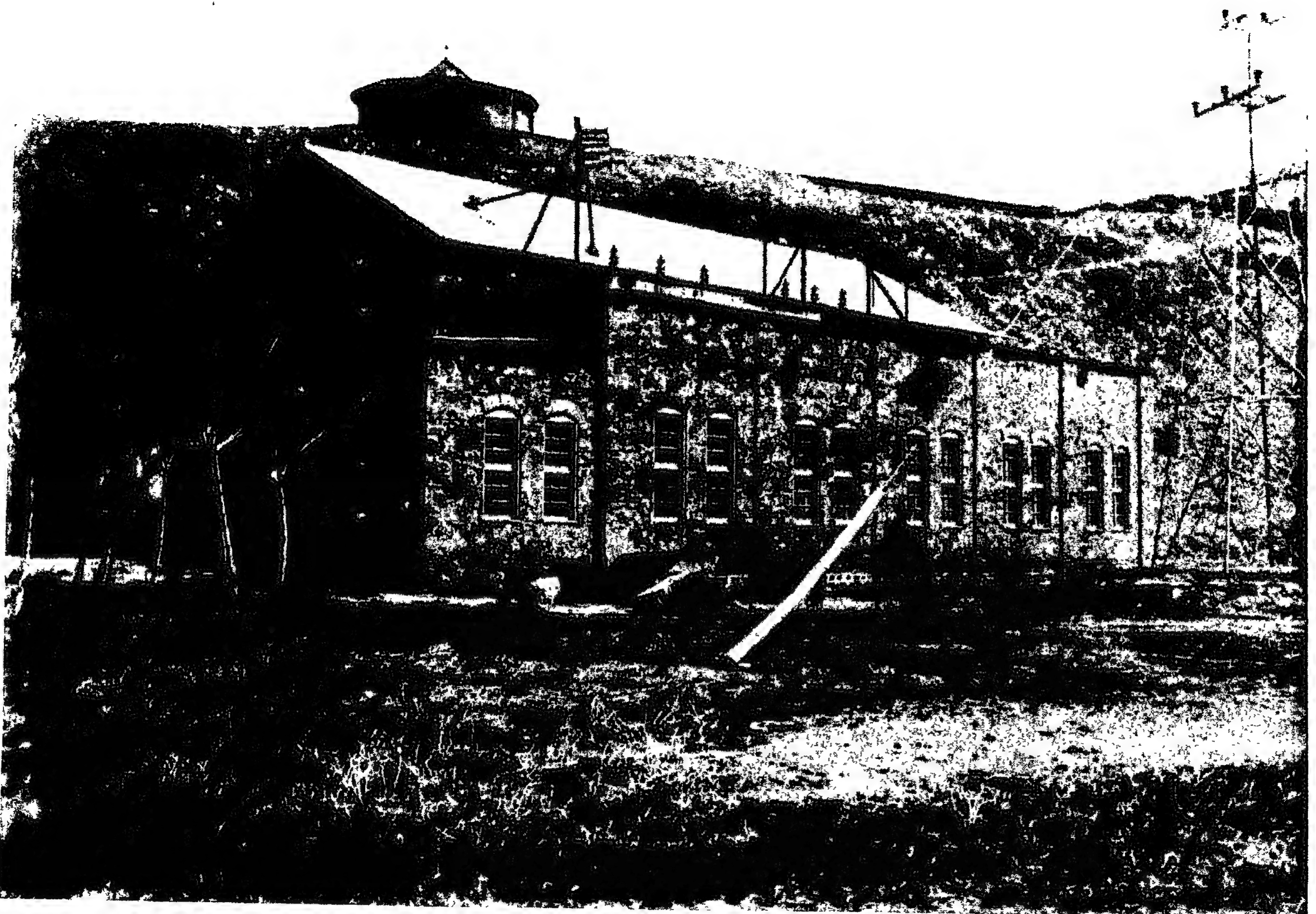




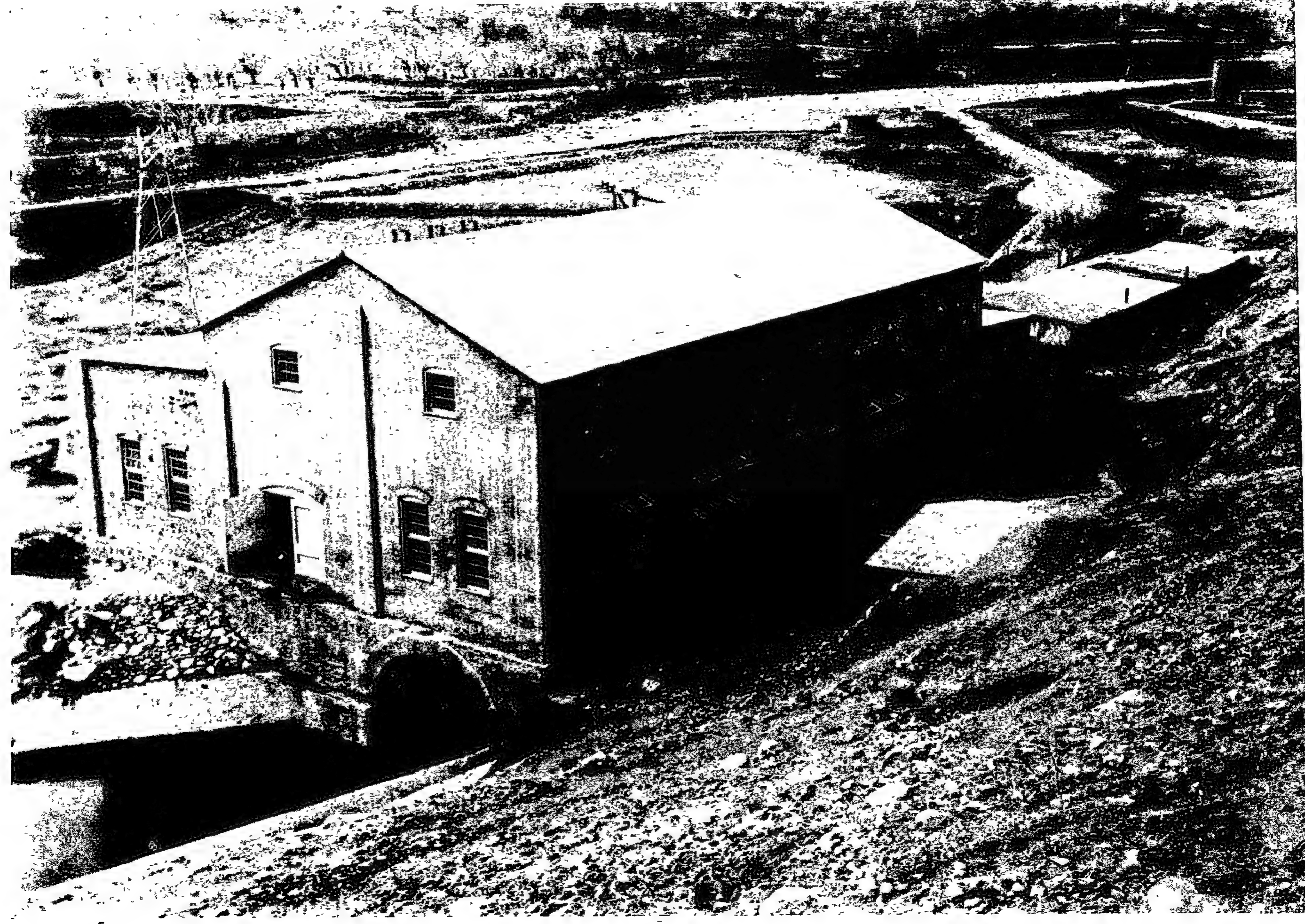
یکعده ازسکوت ها (کشافان) و شیربچه های کابل



یکعده از بای سکوت (کشافان) کابل



یک قسمت از فابریکهٔ برقی جبل‌السراج شمالی کابل



قسمت دوم برق خانهٔ جبل‌السراج شمالی کابل



يك قسمت عمارت وزارت جليلهٔ حربيه ومنظرهٔ حصهٔ جنوبى



وزارت حربیه فخری هاکی



داکتر نور محمد خان داکتر شفاخانهٔ عسکری



داکتر عبدالغنی شاه خان سرطبیب شفاخانهٔ عسکری



سپورت (جوجیدس) در مکتب حربیّه

مؤسسه های صنعتی که در عصر همایون نادرشاهی تأسیس یافته

۱ - **فابریکه صابون سازي:** در ماه دلو ۱۳۰۹ تاسیس و در ماه جوزا ۱۳۱۱ افتتاح گردیده دارای (۱۲) پایه ماشین سیستم جدید است که می تواند روزانه (۲۰۰۰) قالب صابون بسازد.

۲ - **فابریکه ترمیم موتر:** بتاریخ ۶ سنبله ۱۳۱۰ تاسیس و بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۱۱ افتتاح گردیده دارای (۱۸) پایه ماشین بوده هر نوع ترمیمات موتر را میتواند.

۳ - **فابریکه کانسروه:** (حفظ میوه وغیره) در ۱۵ سنبله ۱۳۱۱ تاسیس ودر ۱۰ اسد ۱۳۱۱ افتتاح گردیده (۱۰) پایه ماشین های جدید ویك عدد دیگ بخار دارد برای اقسام میوه وسبزیجات وانواع گوشت قتی میسازد.

٤ - **فابریکه تیل کشی:** در ٦ سنبله ۱۳۱۰ تاسیس و در ۱۰ حمل ۱۳۱۱ افتتاح گردیده دارای (۱۱) پایه ماشین میباشد و از اقسام دانه های نباتی روغن میکشد.

٥ - **فابریکه تکمه سازي:** در اول قوس ۱۳۰۹ بکار افتاده دارای (۱۲) پایه ماشین ویك عدد دیگ بخار است و از هر نوع مواد از قبیل شاخ استخوان هر قسم تکمه ساخته می تواند.

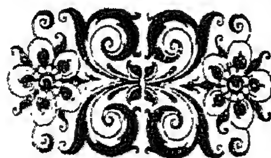
٦ - **فابریکه نجاري مرکز:** دراول قوس ۱۳۰۹ بکار آغاز نمود و در ۷ میزان ۱۳۱۱ عدهٔ ماشین ها زیاد گشته فعلاً (۲٥) پایه ماشین دارد اقسام موبل (چوکی ومیز وغیره) به کمال نفاست ومتانت درفابریکهٔ مذکور ساخته میشود.

۷ - **فابریکه جراب و بنیان بافي:** در قوس ۱۳۰۹ بکار آغاز نمود (۱٤۹) پایه ماشین جراب و (۱۰) پایه ماشین بنیان و (٦) پایه ماشین دوخت و نخ باز کردن و غیره موجود دارد از نخ و سند و پشم جراب ، بنیان ، مثلر ، جاکت های زنانه و غیره بافته می تواند.

۸ - **فابریکه نختابی وپارچه بافي:** در ۸ سنبله ۱۳۱۱ در جبل السراج تعیین یافته (۱٥) پایه ماشین پاك کردن و آماده ساختن پنبه و (۱۹) پایه ماشین نختابی و (۳) پایه ماشین بیلن و مشله و (٥۰) پایه ماشین بافت و (۱۰) پایه ماشین رنگ آمیزی و اتو و غیره دارد ، سان ، کشمیرهٔ نخی ، جوت ، جیم تسر نخی ، تکه های پیراهنی و غیره دران ساخته میشود.

۹ - **فابریکه پشم تابی وپشمینه بافي:** این فابریکه بقندهار تعیین یافته.

۱۰ - **فابریکه نجاري دارالامان:** این فابریکه دارای (۱۳) پایه ماشین نجاری میباشد که در ابتدا بذریعهٔ موتر های تیلی گردش داشته و در ۱٥ عقرب ۱۳۱۱ وسعت یافته وموتر برقی در ان نصب گردید.



اعطای نشان

ذواتیکه درازای خدمات ازحضور ملوکانه نایل نشان‌های دولت گردیده اند:

نشان	
المر اعلی :	ع،ج،سردار اعلی والاحضرت شاه ولیخان وزیرمختار افغانی متعینهٔ پاریس نسبت بفتح کابل .
» »	ع ، ج ا ، ا نشان والا حضرت شاه محمود خان سپه سالار و وزیر حرب نسبت بدفع غایلهٔ اشرار قطغنی .
» »	ع ، ج ، ا ، ا نشان محمد گل خان وزیر داخله و رئیس تنظیمیه مزار شریف نسبت بخدماتی که در حین انقلاب وریاست تنظیمیه مشرقی ، شمالی ، قندهار وغیره نموده اند .
سردار اعلی :	ع ، ع ، ش محمد غوث خان نائب سالار قول اردوی مرکزی نسبت بدفع غائلهٔ اشرار قطغنی .
» »	ع ، ج ، حکمت بیگ سفیر کبیر ترکیه مقیم کابل نسبت بحسن خدماتیکه در روابط دوستانه مملکتین ابراز فرموده اند .
» »	و ، ج ، س ، ا، محمد یعقوب‌خان مرحوم رئیس تنظیمه و والی سابق کابل نظر به خدماتیکه در دفع غایله شرارت اشرار قطغنی نموده بودند .
سردار عالی :	ع ، ش محمد افضل خان فرقه مشر اول وکیل ریاست ارکان حربیه نسبت بخدماتیکه در دفع غایله اشرار قطغنی نموده اند .
» »	ع ، ش احمدعلیخان رئیس اوردو نظر بخدماتیکه بدفع غایله اشرار قطغنی و ریاست تنظیمه مزار ابراز نموده اند .
» »	ع ، ع ، ش محمد عمر خان نائب سالار نسبت بدفع شرارت اشرار قطغنی .
استور درجه اول :	جناب عزتمند موسیو ریکس سرکاتب سفارت دولت شوروی مقیم کابل در ازای خدماتیکه نسبت بروابط دوستانه دولتین ابراز نموده اند .
» »	عزتمند داکتر فوشارد آلمانی نسبت بخدماتیکه بپرستاری مریضهای شهری نموده‌اند .
» »	و ، ج گل احمد خان رئیس بلدیه نسبت بخدماتیکه در دورهٔ وکالت نائب الحکومه گی و عضویت ریاست تنظیمه مزار شریف خدمات خوبی نموده اند .
» »	عالیقدر میجر فریزر شازدافر سفارت دولت برتانیا مقیم کابل نسبت بخدماتیکه برای حسن مناسبات دولتین نموده اند .
» »	ع ص محمد حسین خان معین وزارت مالیه نظر بحسن خدماتیکه بمعیت والاحضرت وزیر صاحب حربیه در ولایت خان آباد نموده اند .
استور درجه دوم :	ع ، ش عبدالله‌خان فرقه مشر اول در ازای دفع غایلهٔ اشرار قطغنی .
» »	ح ، محمد علم خان غند مشراول » » » »
» »	ع ، ش عبدالغفورخان فرقه مشر » » » »
» »	ع، ش نجان خان فرقه مشر اول : » » » »

درجه دوم استور : ع ، ش عطامحمد خان فرقه مشر اول در ازای خدمت دفع اشرار قطغنی .

» » ع، ش فیض‌محمدخان فرقه مشر ثانی » » » »

» » ع ، ش شاه بهرام خان » » » »

» » ع، ش رمضان‌خان مسعودی فرقه مشرملکی » » »

» » ع ، ص عبدالحکیم خان معاون حکومت کلان شمالی که در غایلهٔ اشرار کوهدامنی خدمت نموده اند .

» » ص عبدالمقیم خان منشی رئیس تنظیمیه شمالی که درغایلهٔ اشرار کوهدامنی خدمت نموده اند .

درجه سوم استور : ص میرزا گلشاه خان مامور استخبارات ریاست تنظیمیه شمالی که در غایلهٔ اشرار کوهدامنی خدمت نموده اند .

» » ف مولوی محمد قاسم خان عضو جمعة العلما نسبت بغایلهٔ اشرارقطغن .

» » ح گل میر خان غند مشر اول » » »

» » ح محمد جعفر خان غند مشر اول » » »

» » ح غلام حیدر خان غند مشر اول » » »

» » ح عبدالقیوم خان غند مشر اول » » »

» » ح احمد شاه خان غند مشر اول » » »

» » ح پیر محمد خان غند مشر اول که بمعیت رئیس تنظیمیه مزار خدمت نموده اند .

» » ح عبدالقیوم خان غند مشر- قوماندان عسکری میمنه » » »

» » ص میرزا محمد قاسم خان هزاری » » »

» » ص علی احمد خان » » »

» » ع سید عبدالله خان مدیر عمومی- شعبه شرق وزارت خارجه » » »

درجه ٤ استور : ص علی احمد خان ماموراسترداد که بمعیت رئیس تنظیمیه شمالی خدمت نموده اند .

معارف درجه اول : ع شیر محمد خان خان خروتی که در راه تعالی معارف خدمت نموده اند .

نشان معارف : ع محمد زمان خان مرحوم نسبت بترجمه کتاب تمدن عرب .

نشان صداقت : ص میرزا محمد جانخان شبلی نسبت بخدمات درمعیت رئیس تنظیمه شمالی

» » ص نور محمد خان کلانتر کابکان » » »

» » ص محمود خان فوفلزائی » » »

نشان خدمت : ح محمد ایاز خان غند مشر دکه نسبت بحسن ایفای وظائف و خدمات خود

نشان خدمت :	عزتمند داکتر محمد صالح خان هاشمی نسبت بحجاج افغانی درموقع تاسیس حاجی خانه خدمت نموده اند .
» »	نفری عسکری که بمقصد سرکوبی شمالی خدمات خوبی انجام داده‌اند دارای یك یك نشان خدمت گردیده اند .
» »	نفری اقوام جدرانی که در دفاع اشرار قطغنی خدمت نموده اند یك یك نشان خدمت از دولت متبوع خود حاصل داشته اند .
» »	برای تمام نفری عسکری که درولایات مزار و خان آباد در مقابل اشرار خدمت کرده اند دارای یك یك نشان خدمت شده اند .
» »	دوصد و بیست و یکنفر مامورین ملکی و خوانین وکلان شنوندگان و عمله ریاست تنظیمهٔ مزار و غیره اشخاصیکه درغایله قطغن وبدخشان مقابل اشرار خدمت نموده اند دارای یك یك نشان شده اند .



اسامی و انواع مکاتب در افغانستان

اسم مکاتب	نوع مکاتب	ملاحظات
فاکولته طبی	دارالفنون	یکی از شعبات دارالفنون که فعلاً تاسیس شده .
حبیبه	عالی	
امانیه	»	
امانی	»	
دارالمعلمین	خصوصی	
استقلال	متوسط	
صنائع	تخنیکی عالی	
زراعت	» متوسط	
دارالعلوم وحفاظ	عالی دینی	
نجم المدارس (سمت مشرقی)	متوسط »	
دارالحفاظ میمنه	» »	
» اندخوی	ابتدائی	
ابتدائی نمبر ۱ شهر	»	
» نمبر ۲ »	»	
شیوه کی	»	
ده خدایداد	»	
سرآسیا	»	
چهل ستون	»	

اسم مکاتب	نوع مکاتب	ملاحظات
ابتدائی مرکز (مزار شریف)	ابتدائی	
تاشقرغان	»	
آقچه	»	
ولایت هرات	۲ باب ابتدائی	
« قندهار	۲ » »	
« قطغن و بدخشان	—	
خان آباد	ابتدائی	
فیض آباد	»	
رستاق	»	
اندراب	»	
جلال آباد	»	
لغمان	»	
میمنه	»	
اندخوی	»	
شرین تگاب	»	
فراه	»	
گردیز سمت جنوبی	»	
غزنی	»	
دایزنگی	»	
چهاریکار	»	

طلابیکه درعصر اعلیحضرت نادرشاه غازی بخارج اعزام گردیده اند :

اسم	شعبهٔ تحصیل	محل تحصیل	تاریخ عزیمت	ملاحظات
عبدالظاهر خان	داکتری	نیویارك کلوم بیایونورستی امریکه	سنه ۱۳۱۰	
عبدالرحیم خان	میوه جات	کارنل یونورستی امریکه	»	
محمد طاهر خان	داکتری	نیویارك کلوم بیایونورستی امریکه	»	
محمد یوسف خان	معادن	» » »	»	
وحدت شاه خان	بند سازی	کارنل یونورستی امریکه	»	
حزیون خان	داکتری	لندن	»	
محمد امیرخان	معادن	نانسی فرانسه	۱۳۱۱	
عبدالقیوم خان	داکتری	شهردریانسون فرانسه	»	
عبدالشکور خان	معادن	نانسی فرانسه	»	
نجم الدین خان	دندان سازی	یونورستی کلومبیا امریکه	»	
محمدکبیر خان	بندسازی	کارنل یونورستی امریکه	»	
عبدالمجید خان	زراعت	» »	»	
اورنگ زیب خان	داکتری	لندن	»	
احمدولیخان	جدیدالشمول	فرانسه	»	
عبدالولی خان	»	»	»	
محمدکریم خان	تیلفون	ستاکهلم	۱۳۱۰	این دو نفر کامیاباً وارد وطن گردیده [illegible] مقرر شده اند
عبدالمجید خان	»	»	»	
غلام اعظم خان	پست	لندن	»	
حبیب الله خان	»	»	»	

مرد معمر در بغلان

میر باز خان قوم ملاخیل که ساکن قریهٔ کوکچنار بغلان میباشد باانیکه سنین عمرش به ۱۰۴ میرسد هنوز موی سر و ریشش سیاه و دندانهایش مکمل و براق و در قوای بدنی خود کامل بوده منازل بعیده را پیاده می پیماید و چنان تصور میشود که سنش متجاوز از چهل نخواهد بود .



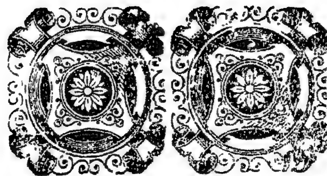
مرد معمر در بغلان علاقهٔ خان آباد موسوم بمیر باز خان

میر باز مذکور پدر ۳۳ اولاد گردیده که ازان جمله ۱۲ نفر فوت و ۲۱ نفر آنها حیات دارند .

پسر کلانش که دارای سن (۷۵) میباشد ازچشمها معیوب بوده باعصا راه میرود .

میر باز خان در سال گذشته با یکدختر جوان از دواج نموده است .

این مرد مدت ۳۶ سال در نظام اعلیحضرت شیرعلیخان واعلیحضرت عبدالرحمان خان و اعلیحضرت شهید ملازمت نموده و اکثر محاربات قرن ۱۹ وطن را از روی مشهودات خود حکایت مینماید .



جدول حرکت و مواصلت پوسته

پوسته نمونا در تمام پوسته خانه ها در هفته سه روز حرکت و مواصلت دارد . و پوسته هائیکه از پوسته خانهٔ مرکز باطراف و همچنین از اطراف بمرکز مواصلت میکند به تفصیل جدول ذیل است

ایام صدور پوسته: یکشنبه	سه شنبه	پنجشنبه	پوسته خانهٔ مبداء	پوسته خانهٔ مرجع	میعاد ایام مواصلت	ملاحظات
″	″	″	پوسته خانهٔ کابل	پوسته خانهٔ مزار شریف	۱۱ روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ تاشقرغان	از ۸ الی ۹ روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ ایبک	۷ روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ کهمرد	۶ روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ بامیان	۶ روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ خان آباد	از ۶ الی ۷ روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ چاریکار	از یک الی دو روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ پغمان	از یک الی دو روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ سروبی	از یک الی دو روز	
″	″	″	″ ″	″ ″ اندخوی	از ۲۱ الی ۲۲ روز	

جدول حرکت و مواصلت پوسته

پوسته عموماً در تمام پوسته خانه ها در هفته سه روز حرکت و مواصلت دارد . و پوسته هائیکه از پوسته خانهٔ مرکزیه باطراف و همچنین از اطراف بمرکز مواصلت میکند به تفصیل جدول ذیل است

ایام صدور پوسته			پوسته خانهٔ مبدأ	پوسته خانهٔ مرجع	میعاد ایام مواصلت	ملاحظات
یکشنبه	سه شنبه	پنجشنبه				
〃	〃	〃	پوسته خانهٔ کابل	پوسته خانهٔ قندهار	از ۷ الی ۸ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 فراه	از ۱۵ الی ۱۶ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 قلات	۷ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 غزنی	۴ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 ارزگان	از ۱۲ الی ۱۳ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 پشت رود	از ۱۲ الی ۱۳ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 وردک	۴ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 میدان	از ۳ الی ۴ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 تورخم و جلال آباد	از یک الی ۲ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 لهوگرد	۳ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 گردیز	۵ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 دایزنگی	از ۹ الی ۱۰ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 بهسود	از ۷ الی ۸ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 میمنه	از ۲۱ الی ۲۲ روز	
〃	〃	〃	〃 〃	〃 〃 هرات	از ۱۶ الی ۱۷ روز	

محصولات پستی ارسالی به خارج

نمبر	نوع مراسلات	اوزان ابتدائی گرام — از	اوزان ابتدائی گرام — الی	[illegible]	برای هر مزید اضافی گرام دیگر — از	برای هر مزید اضافی گرام دیگر — الی	[illegible]	[illegible]	تفصیلات حدود عرض و طول مراسله
۱	مکاتیب	۱ گرام	۲۰ گرام	۷۵ پول	۲۱ گرام	۴۰ گرام	۴۵ پول	۲ کیلوگرام	اقل طول پاکت ۶ سانتی متر عرض ۴ سانتی متر. انتها درجه طول و عرض از هر جانب پاکت ۴۵ سانتی متر. درصورت لوله ۷۵ سانتی متر طول ۱۰ سانتی متر قطر.
۲	پست کارتهای عادی	۱ قطعه	· ″	۴۵ ″	·	·	·	·	حداکثر عرض ۱۵ سانتی متر طول $10\frac{1}{2}$ سانتی متر حداقل عرض ۱۰ سانتی متر طول ۷ سانتی متر
۳	پست کارتهای جواب طلب	″	·	۹۰ ″	·	·	·	·	″ ″ ″ ″ ″ ″
۴	کاغذهای کاری	۱ گرام	۵۰ گرام	۷۵ ″	۵۱ گرام	۱۰۰ گرام	۱۵ پول	۲ کیلوگرام	طول و عرض از هر جانب پاکت ۴۵ سانتی متر حداکثر است درصورت لوله طول ۷۵ سانتی متر و قطر ۱۰ سانتی متر.
۵	مطبوعات و اخبارها و امثال آن	۱ ″	۵۰ ″	۱۵ ″	۵۱ ″	۱۰۰ ″	۱۵ پول	۲ کیلوگرام الی ۳ کیلوگرام	عرض و طول از هر جانب پاکت ۴۵ سانتی متر درصورت لوله ۷۵ سانتی متر طول ۱۰ سانتی متر قطر. درصورت قات شده { حداقل طول ۱۰ سانتی متر عرض ۷ سانتی متر حداکثر ″ ۱۵ ″ ″ ″ $10\frac{1}{2}$ ″ }
۶	نمونه های تجارتی	۱ ″	۵۰ ″	۳۰ ″	۵۱ ″	۱۰۰ ″	۱۵ ″	۵۰۰ گرام	حداکثر:- طول ۴۵ سانتی متر عرض ۲۰ سانتی متر ارتفاع ۱۰ سانتی متر
۷	انواع فوق که بر حسب رسید شوند ۱- یکطرفه ۲- جواب طلب	....	....	۷۵ پول ۱۵۰ پول	·	·	·	·	

محصولات پارسلهائیکه بداخل مملکت از یکجا بدیگر جا ارسال میشود ۱۳۱۱

نوع مراسله	وزن از	وزن الی	ذریعه حمل ونقل	ناحیه اول گروه از	اول گروه الی	اول محصول	دوم گروه از	دوم گروه الی	دوم محصول	سوم گروه از	سوم گروه الی	سوم محصول	چهارم گروه از	چهارم گروه الی	چهارم محصول	پنجم گروه از	پنجم گروه الی	پنجم محصول
پارسل	۵۰۰ گرام	۱ کیلوگرام	وسواری پیاده	۱	۲۵	۲ افغانی	۲۵	۵۰	۳ افغانی	۵۰	۱۵۰	۴ افغانی	۱۵۰	۲۵۰	۵ افغانی	۲۵۰	سرحد	۶ افغانی
″	۱۰۰۱ گرام	۲ کیلوگرام	″	″	″	۳ ″	″	″	۴ ″	″	″	۵ ″	″	″	۶ ″	″	″	۷ ″
″	۵۰۰ گرام	۱ کیلوگرام	موتر	″	″	۲ ″	″	″	۳ ″	″	″	۴ ″	″	″	۵ ″	″	″	۶ ″
″	۱ کیلوگرام	۲ ″	″	″	″	۳ ″	″	″	۴ ″	″	″	۵ ″	″	″	۶ ″	″	″	۷ ″
″	۲ ″	۳ ″	″	″	″	۴ ″	″	″	۵ ″	″	″	۶ ″	″	″	۷ ″	″	″	۸ ″
″	۳ ″	۴ ″	″	″	″	۵ ″	″	″	۶ ″	″	″	۷ ″	″	″	۸ ″	″	″	۹ ″
″	۴ ″	۵ ″	″	″	″	۶ ″	″	″	۷ ″	″	″	۸ ″	″	″	۹ ″	″	″	۱۰ ″
″	۵ ″	۶ ″	″	″	″	۷ ″	″	″	۸ ″	″	″	۹ ″	″	″	۱۰ ″	″	″	۱۱ ″
″	۶ ″	۷ ″	″	″	″	۸ ″	″	″	۹ ″	″	″	۱۰ ″	″	″	۱۱ ″	″	″	۱۲ ″
″	۷ ″	۸ ″	″	″	″	۹ ″	″	″	۱۰ ″	″	″	۱۱ ″	″	″	۱۲ ″	″	″	۱۳ ″
″	۸ ″	۹ ″	″	″	″	۱۰ ″	″	″	۱۱ ″	″	″	۱۲ ″	″	″	۱۳ ″	″	″	۱۴ ″
″	۹ ″	۱۰ ″	″	″	″	۱۱ ″	″	″	۱۲ ″	″	″	۱۳ ″	″	″	۱۴ ″	″	″	۱۵ ″
″	۱۰ ″	۱۱ ″	″	″	″	۱۲ ″	″	″	۱۳ ″	″	″	۱۴ ″	″	″	۱۵ ″	″	″	۱۶ ″
″	۱۱ ″	۱۲ ″	″	″	″	۱۳ ″	″	″	۱۴ ″	″	″	۱۵ ″	″	″	۱۶ ″	″	″	۱۷ ″
″	۱۲ ″	۱۳ ″	″	″	″	۱۴ ″	″	″	۱۵ ″	″	″	۱۶ ″	″	″	۱۷ ″	″	″	۱۸ ″
″	۱۳ ″	۱۴ ″	″	″	″	۱۵ ″	″	″	۱۶ ″	″	″	۱۷ ″	″	″	۱۸ ″	″	″	۱۹ ″
″	۱۴ ″	۱۵ ″	″	″	″	۱۶ ″	″	″	۱۷ ″	″	″	۱۸ ″	″	″	۱۹ ″	″	″	۲۰ ″
″	۱۵ ″	۱۶ ″	″	″	″	۱۷ ″	″	″	۱۸ ″	″	″	۱۹ ″	″	″	۲۰ ″	″	″	۲۱ ″
″	۱۶ ″	۱۷ ″	″	″	″	۱۸ ″	″	″	۱۹ ″	″	″	۲۰ ″	″	″	۲۱ ″	″	″	۲۲ ″
″	۱۷ ″	۱۸ ″	″	″	″	۱۹ ″	″	″	۲۰ ″	″	″	۲۱ ″	″	″	۲۲ ″	″	″	۲۳ ″
″	۱۸ ″	۱۹ ″	″	″	″	۲۰ ″	″	″	۲۱ ″	″	″	۲۲ ″	″	″	۲۳ ″	″	″	۲۴ ″
″	۱۹ ″	۲۰ ″	″	″	″	۲۱ ″	″	″	۲۲ ″	″	″	۲۳ ″	″	″	۲۴ ″	″	″	۲۵ ″

ملاحظات

درمحالاتیکه پوسته ذریعه موتر حمل ونقل میشود زیاده از دو کیلوگرام پارسلها پذیرفته نمیشود .

درمحالاتیکه پوسته ذریعه موتر حمل ونقل داده میشود پارسلها تا اندازه بیست کیلوگرام قبول وفرستاده میشود .

محصول پارسلات از روی بعد ومسافه را تعیین وتحصیل میشود تمام حصه خاک مملکت در پنج ناحیه تقسیم یافته است :-

ناحیه اول الی ۲۵ کروه
″ دوم ″ ۵۰ ″
″ سوم ″ ۱۵۰ ″
″ چهارم ″ ۲۵۰ ″
″ پنجم ″ نقطه سرحد

محصول پارسل ضروری سه چند محصول پارسلات معمولی اخذ میشود .

نرخنامهٔ محصولات تلگرافی برای تبادل داخلی افغانستان

شماره	نوع تلگرام	محصول فی کلمه	تشریحات	ملاحظات
محصولات اصلی				
۱	تلگرامات معمولی	۵۰ پول	در محصولات تلگرامات داخله بعد مسافت قید نیست	محصول از جمله ابتدائی تلگرام ده کلمه برای یک تلگرام معمولی از جمله ابتدائی فی صد کلمه است
۲	تلگرامات ضروری	۱۵۰ پول	〃 〃 〃 〃 〃 〃 〃 〃	〃 〃 〃 〃
۳	تلگرامات الماسک مستعجل	۲۵۰ پول	این نوع تلگرام قبل از همه تلگرامات حق مخابره دارد	〃
٤	تلگرامات اخباری	۲۵ پول		〃
٥	تلگرامات مکتوبی	٥ پول		〃
محصولات زوائد				
٦	رسید اخذ محصول	فی نسخه ٥ پول	این پنج پول صرف برای خریدن همان ورقهٔ رسید است که از دفتر بمرسل داده میشود	
۷	تلگرامات (لوکس) زینت‌دار که در فارم های مخصوص تحریر و بمرسل الیه تحویل داده میشوند	فی نسخه (علاوه بر محصول اصلی) یک افغانی	تلگرامات زینت‌دار آن تلگرامات میباشند که مرسل محصول یک افغانی برضای خود قبول نموده به مبدا تادیه نماید پس بقرار علامه مخصوصه قرار میداد که در اصل تلگرام تحریر میباشد دفتر مرجع تلگرام مذکور را روی فارم زینت‌دار تحریر و بمرسل الیه تحویل میدهد .	
۸	تلگرامات جواب طلب که مرسل جواب آنرا خواهش کرده محصول پیشکی میدهد .	محصول ده کلمه از همان نوع تلگرام را قبلاً مرسل به ادارهٔ مبدا تادیه میکند	اگر مرسل الیه خواهش مخابرهٔ بیشتر از ده کلمه را داشته باشد محصول تعداد الفاظ زائده مذکور را از خود مرسل الیه گرفته میشود .	
۹	تلگرامیکه رسید آن بذریعهٔ پوسته میرسد .	فی تلگرام ۳۰ پول	اگر مرسل بخواهد که رسید تلگرامش بذریعهٔ پوسته برسد علاوه از محصول مقرره فی تلگرام ۳۰ پول اخذ میگردد .	این سی پول محصول پستی فرستادن همان ورقهٔ رسید است که بذریعهٔ پوسته فرستاده میشود
۱۰	محصول پس گرفتن تلگرام قبل از مخابره شدن	فی تلگرام ۲۰ پول	اگر مرسل بخواهد تلگرام خود را قبل از شروع مخابره واپس بگیرد ۲۰ پول خواهد پرداخت .	اگر مخابره شده باشد حق پس گرفتن آنرا ندارد .
۱۱	محصول اخذ سواد تلگرام	الی (۱۵۰) لفظ یک افغانی و برای هر پنجاه لفظ اضافی ۲۰ پول دیگر		حق خواستن سواد تلگرام را صرف مرسل و مرسل الیه همان تلگرام دارد و بس
۱۲	محصول رساندن تلگرام از نقطه آخرین دفتر مرجع بذریعهٔ پوستهٔ آن نقاطیکه خط تلگراف موجود نیست	بطور حسب بری یک قبضه ۳۰ پول		دفتر پوست آخرین رسید تلگرام مذکور را که از مرسل الیه گرفته بدفتر خود محفوظ نگه میدارد .

۱۳	تلگرامات متحد المال که آدرس های مختلفهٔ آن در یکنسخه باشند	علاوه از محصول مقرره الی صد لفظ فی آدرس یک افغانی و برای هر پنجاه لفظ اضافی پنجاه پول دیگر محصول اضافه تر اخذ میشود		تعداد الفاظ تمامی آدرس های مذکور بوقت تعیین محصول مقرره حساب میشود .
۱٤	محصول تکرار تلگرام در صورت اشتباه	مرسل الیه محصول مقرره هر تعداد الفاظ را که تکرار آن را بخواهد می پردازد		تلگرامخانه های مرجع حسب تلگرام وظائفی محصولی تصحیح آن تلگرام را از دفتر مبداء خواسته اشتباه مرسل الیه را رفع میسازد .
۱۵	محصول مقابلهٔ تلگرام	ربع محصول آن تلگرام بقسم عادی اخذ میشود	مقصد از مقابله این است که یک تلگرام یک مرتبه از دفتر مبداء مخابره و لی بعد از ختم مخابرهٔ تلگرام ، دفتر مقابلهٔ آن تلگرام جهت رفع اشتباه و اطمینان واپس تکرار مینماید .	
۱٦	محصول عدم تعیین علامهٔ عقب فرستادن و تبدیل ادرس (ملاحظه شود در ستون تشریح)	محصول فقط در صورت تبدیل ادرس که به تلگرامخانه خبر داده شده باشد اخذ میشود و محصول کلمات ادرس به محصول تلگرام علاوه شده و از مرسل الیه گرفته میشود .	درصورتیکه علامهٔ مخصوصهٔ عقب فرستادن در یک تلگرام ذکر نشده باشد و یا مرسل الیه ادرس محل جدید خود را رسماً به تلگرامخانه معرفی نکرده باشد تلگرام مذکور مسترد میشود و اگر در تلگرام مذکور علامهٔ عقب فرستادن ذکر نشده باشد مگر مرسل الیه آدرس محل جدید خود را رسماً به تلگرامخانه معرفی کرده باشد درینصورت تلگرام مذکور به مرسل الیه رسانده میشود ولی کلمهٔ محل جدید آدرس مرسل الیه به تعداد الفاظ اصلی تلگرام اضافه نموده از مرسل الیه مذکور محصول اخذ میشود .	
۱۷	محصول عنوان مخفف	یک آدرس سالانه سی افغانی	اگر شخصی بخواهد عنوان مخفف خود را رجستر کرده باشد برای یکسال ۳۰ افغانی تأدیه خواهد نمود .	

۱۳۱۱

انواع مراسلات پستی و محصولات آن در داخل مملکت

نمبر	نوع مراسلات	موضع ارسال	اوزان ابتدائی گرام		اصل محصول ابتدائی	برای هر میزان اضافی گرام دیگر		محصول اضافه نسبت بمیزان ابتدائی	وزن انتهائی	ابعاد عرض وطول مراسلات	تفصیلات
			از	الی		از	الی				
۱	مکاتیب الف	درمنطقه بلدیه	۱ گرام	۵ گرام	۱۰ پول	۶ گرام	۱۰ گرام	۱۰ پول	۵۰۰ گرام	حداقل: طول ـ ۶ سانتی متر، عرض ـ ۴ " " ؛ حداکثر: ۴۵ سانتی متر از هر جانب	قراریکه از یک الی پنج گرام ۱۰ پول اخذ محصول میشود همچنان برای هر وزن پنج گرام ده ده پول محصول گرفته میشود که از وزن انتهائی پنجصد گرام ۱۰ افغانی محصول گرفته خواهد شد این مقررات اخذ محصول متعلق بمراسلات منطقه بلدیه است حدود منطقه بلدیه عبارت از سه کیلومتر مسافه است .
	ب	خارج از منطقه بلدیه	۱ گرام	۵ گرام	۱۵ پول	۶ گرام	۱۰ گرام	۱۵ پول	"	بصورت لوله حداکثر: طول ـ ۷۵ سانتی متر، قطر ـ ۱۰ " " ؛ ابعاد مکاتیب خارج از منطقه بلدیه نیز قرار تشریح فوق است که تفاوت ندارد	محصول مکاتیب خارج از منطقه بلدیه برای هر پنج گرام ۱۵ پول اخذ میشود که محصول پنجصد گرام وزن انتهائی آن باید ۱۵ افغانی گرفته شود .
۲	کارت مکتوبی الف	درمنطقه بلدیه	.	.	۱۰ پول	.	.	.	۵ گرام	حداقل: طول ـ ۱۰ سانتی متر، عرض ـ ۷ " "	کارت مکتوبی میزان ابتدائی ندارد میزان انتهائی آن پنج گرام است صرف محصول آن در منطقه بلدیه ده پول وخارج از منطقه بلدیه ۲۰ پول تعین گردیده .
	ب	خارج از منطقه بلدیه	.	.	۲۰ پول	.	.	.	"	حداکثر: طول ـ ۱۵ " "، عرض ـ ۱۰ ½ " "	

۳	پوست کارت	الف	منطقه بلدیه	.	.	۵ پول	.	.	.	۵ گرام	〃 〃 〃	〃 〃 〃 / 〃 〃 〃 / محصول درمنطقه بلدیه ۵ پول وخارج ازمنطقه بلدیه ۱۰ پول اخذ میشود .
		ب	خارج ازمنطقه بلدیه	.	.	۱۰ پول	.	.	.	〃	〃 〃 〃	
٤	پوست کارت جواب طلب	الف	درمنطقه بلدیه	.	.	۱۰ پول	.	.	.	.	ابعاد پوست کارت های جواب طلب مطابق نمبر ۲ فوق است که تفاوتی ندارد .	پوست کارت های جواب طلب دارای دو ورق میباشد که قیمت هر دو ورق درمنطقه بلدیه ۱۰ پول وخارج ازمنطقه بلدیه ۲۰ پول تعین گردیده ولی درهریک ازان که ورق مذکور درمنطقه بلدیه پنج پول وخارج ازمنطقه بلدیه ۱۰ پول تعین شده است .
		ب	خارج ازمنطقه بلدیه	.	.	۲۰ پول	.	.	.	.		
۵	اوراق کاره	الف	درمنطقه بلدیه	۱ گرام	۲۵۰ گرام	۳۰ پول	۲۵۱ گرام	۵۰۰ گرام	۳۰ پول	۵۰۰ گرام	حداقل } نظر بمعاهده بین المللی درنظر گرفته نشده	تعریف اوراق کاره- ۱- تحریرات واسناد یکه کاملاً بقلم تحریر یا بعضی حصه آن نقاشی شده وصفات خبرهای شخصی خصوصی را دارا نباشد ! ۲- کاغذات محکمه جات ازقبیل قباله خط ضمانت خط اقرارخط فیصله خط وغیره وغیره که یکاغذ نمبردار یا غیرنمبردار بوده باشد . ۳- اسناد وحسابیه ازقبیل شهریه صورت حسابات دفتری ها وغیره جداول دفترکه درآنها اجراآت تحریر شده باشد ولی اوراق صکوکات و براتهای خزانه ورسید های عوض ومعاوضه خزانه وحجت های نقدی وجنسی درجمله ارسالات قیمت دار شمرده میشود وازجمله کاغذ های کاره مستثنی است .
		ب	خارج ازمنطقه بلدیه	〃	〃	〃	〃	〃	〃	〃	حداکثر } ازهر جانب ۴۵ سانتیمتر / 〃 〃 〃 〃	

انواع مراسلات پستی و محصولات آن در داخل مملکت

نمره	نوع مراسلات	موضع ارسال	اوزان ابتدائی گرام: از	اوزان ابتدائی گرام: الی	اصل محصول ابتدائی	برای هر میزان اضافی گرام دیگر: از	برای هر میزان اضافی گرام دیگر: الی	محصول اضافه بمیزان	وزن انتهائی	ابعاد عرض و طول مراسلات	تفصیلات
	اوراق کا	.	.	.	.	.	.	.	.	. . . . .	٤ - مقاله های که برای شایع نمودن به دوائر جرائد مسعود میشود . ٥ - سواد تحریراتیکه برای طبع برای مطابع ارسال میشود . ٦ - سواد اصلی کتاب های ناول وغیره که بدست تحریر شده باشد . ٧ - کتابچه های عملیات طلاب مکاتیب . ٨ - اوراق و کتابچه های نوطه موسیقی که بدست تحریر شده باشند
	مطبوعات									حداقل ندارد	مطبوعات بشکل دیگر ارسالات میزان های اضافی تدریجی ندارد که نظر بمیزان ۵۰ گرامه متدرجاً اضافه شده میرود بقیاس اضافی میزان ترتیب ذیل محسوب میشود مثلاً از یک تا ۵۰ گرام ۱۰ پول از ۵۰ تا ۱۰۰ گرام ۲۰ پول از ۱۰۰ تا ۲۵۰ گرام ۳۰ پول از ۲۵۰ تا ۵۰۰ گرام چهل پول از ۵۰۰ الی یک کیلوگرام ۵۰ پول اخذ محصول میشود . وزن انتهائی مطبوعات اگر قابل انفصال باشد یعنی از هم جدا شده بتواند یک کیلوگرام مساوی یکهزار گرام است و هرگاه غیر قابل انفصال بوده باشد وزن انتهائی آن الی سه کیلوگرام است .
	الف	در منطقه بلدیه	۱ گرام	۵۰ گرام	۱۰ پول	۵۱ گرام	۱۰۰ گرام	۱۰ پول	۱ - الی ۳ کیلوگرام	حداکثر: ۴۵ سانتی متر از هر جانب	
						۱۰۱ "	۲۵۰ "	۱۰ "		قات شده در: طول ۷۵ سانتی متر	
						۲۵۱ "	۵۰۰ "	۱۰ "		صورت لوله: قطر ۱۰ " "	
	ب	اگر خارج از منطقه بلدیه باشد	"	"	"	۵۰۱ "	۱۰۰۰ "	۱۰ "			
			"	"	"	"	"	"			

٨	راجستری انواع فوق	〃	.	.							تمام مراسلات فوق الذکر اگر راجستری ساده شود صرف برای حق راجستری شدن علاوه بر اصل محصولات معمولی ارسالات مذکور ١٥ پول اخذ میشود واین اخذ محصول برای این است که ارسال مذکور بدفتر وکتاب های اداره مخابرات ثبت وقید میشود وطور محفوظانه بمرجعش ارسال میگردد .
	الف- یکطرفه	〃	.	.	١٥ پول	.	.	.	.	. . .	وهرگاه شخص مرسل رسید مرسل الیه را مطالبه کند باید قرار حصه ب علاوه از محصول معمولی و راجستری یکطرفه سی پول حق راجستری دوطرفه تحصیل شود بلحاظ اینکه یک پارچه رسید راجستری در پاکت مذکور از اداره مرسل
	ب- دوطرفه یعنی جواب طلب	〃	.	.	٣٠ 〃	.	.	.	.	. . .	نصب وبسمت مرسل الیه ارسال میشود صرف محصول همین پارچه بطور معمولی که تصور کنید ١٥ پول میشود وبالعکس وقتیکه رسید مرسل الیه در پارچه مذکور حاصل ودوباره بسمت مرسل فرستاده میشود محصول ارسال بازگشتی آن هم بطور معمولی ١٥ پول میشود پس معلوم شد که محصول همین پارچه رسید ٣٠ پول وحق ثبت دفتر مخابرات ١٥ پول میباشد که جمله ٤٥ پول مثلاً اگر یک مکتوب ٥ گرامه تحت عنوان راجستری جواب طلب بکدام ولایت داخله ارسال شود محصول معمولی آن ١٥ پول ومحصول راجستری شدن آن ٤٥ پول که جمله ٦٠ پول شود محصول گرفته خواهد شد علی هذا القیاس .
٩	محصول توزیع مراسلات ذریعه قاصد فوری	در منطقه ثلثه	.	.	٥٠ پول	.	.	.	.	. . .	
١٠	محصول صندوقچه های مقفل امانه				٢ قران	.	.	.	.	. . .	
١١	محصول ورقه های تحقیقیه [illegible]				٥٠ پول	.	.	.	.	. . .	

شوسه های معروف افغانستان

از کابل الی جلال آباد .
از جلال آباد الی طورخم .
از جلال آباد الی لغمان .
از کابل الی بامیان و از بامیان الی یکاولنگ .
از کابل الی قندهار .
از قندهار الی چمن .
از قندهار الی فراه و از فراه الی هرات و از هرات الی سرحد کشک و سرحد ایران و اسلام قلعه .
از هرات الی میمنه و از میمنه الی اندخوی و مزار شریف .
از هرات الی قلعهٔ نو مرغاب .
از کابل الی گردیز و از گردیز الی ارگون .

شوسه هائیکه از خط عمومی به بعضی قرا وقصبات ممتد گردیده

سمت شمالی :

از سرك عمومی الی شکردره حد سرای نورك .
از سرك عمومی الی گلدره حدود ده‌نو .
از سرك عمومی الی ده فرزه .
از چهاریکار الی دولتشاهی .
از منتهای سرك بگرام الی قلعهٔ سید هاشم .
از شوخی الی کوتل سولانك .
سرك بولغین از جوی نوآباد کاریزی الی مرکز حکومت محلی .

هزاره :

از سرچشمه الی جوقول بهسود .

لهوگرد :

از پل برکی برك الی برکی راجان و مرکز حکومتی .
از قریهٔ برکی راجان الی قریهٔ شاهمزار و چرخ .
از حد حصارك الی زرغون شهر .
از حد برکی برك براه تنگی وردگ الی شیخ‌آباد وردگ که بسرك عمومی قندهار وصل میشود .

سمت مشرقی :

از حد بلول بطرف اشپان الی تنگی حصارك .

از حد گندمك الی کندی خیل .

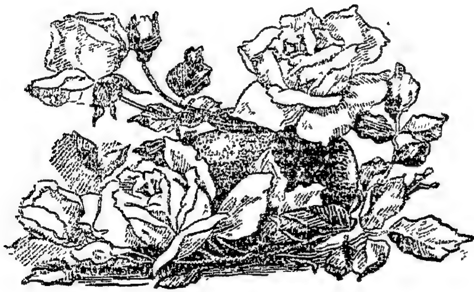
از دشت فتح آباد الی کجه و از کجه به تمله و هم به وزیری

از هده الی تنگی آگام وپچیر .

از ثمر خیل الی مزینه و سرشاهی .

از حد مارکو الی اسمار .

از شیوه الی اسمار .



شعرای معاصر کابل



شاعر شیرین کلام و شهیر کابل جناب قاری عبدالله خان
عضو انجمن ادبی



جناب عبدالعلی خان مستغنی شاعر شهیر کابل
عضو انجمن ادبی



آقای میر محمد علی خان آزاد شاعر کابلی



جناب صوفی عبدالحق خان «بیتاب» شاعر کابلی



آقای میر غلام حضرت خان شایق شاعر کابل



جناب قاضی میر محمد حسن خان منجم



جناب آخندزاده حبیب الله خان منجم کابل



جناب غلام محی‌الدین خان مدیر موزهٔ کابل



جناب عبداللطیف خان طبیب عضو مجلس اعیان



جناب شیخ محمد رضاخان عضو دائرهٔ تعلیم و تربیهٔ وزارت معارف



جناب عبدالقدوس خان طبیب کابل



موسیو ژوزف هاکن رئیس هیئت اعزامی حفریات فرانسه درافغانستان .

سال تولد (۱۸۸٦)

دکتور ادبیات دارالعلوم پاریس (۱۹۱٦)

مدیر موزه خانه های ملی (موزه گیمه) (۱۹۲۳)

پروفیسر مکتب « لوور » (۱۹۲۸)

مدیر مؤسسهٔ روابط علمی فرانسه وجاپان (۱۹۳۰)

عضو محفل مشاورهٔ انجمن آسیائی (۱۹۲۷)

رئیس هیئت اعزامی حفریات حکومت فرانسه درافغانستان (۱۹۲٤ ـ ۱۹۲۵)

(۱۹۲٤ ـ ۱۹۳۰) (۱۹۳۳)

نمایندهٔ وزارت معارف فرانسه درهیئت کاروان زرد آسیای مرکزی .

پرفیسر مذکور حایز نشان افتخاری فرانسه ونشان مهم (فرمان فرمائی خزانه مقدسهٔ جاپان) وعدد نشانهای دیگر میباشد .

کتبی که پروفیسر مذکور راجع به افغانستان نوشته قرار ذیل است :ـ

(۱) کتاب (آثار عتیقه بودائی بامیان) به همکاری موسیو ومدام گودار

(۲) کتاب(آثار عتیقه بودائی) که در۱۹۳۳ درتوکیو به طبع رسیده وخلاصه نتایج حفریات ۱۰ سالهٔ فرانسه ها درافغانستان میباشد .

(۳) کتاب (تجسسات جدید عتیقه شناسی بامیان) که درین روز ها بطبع رسیده .

(٤) رسالهٔ (هیکل تراشی ویونان وبودائی درکاپیسا)



الوازی انجنیر بند قرغه



دروما معاون انجنیر بند قرغه



جناب زیدان بدران عضو دائرهٔ تعلیم
وتربیهٔ دارالتالیف معارف



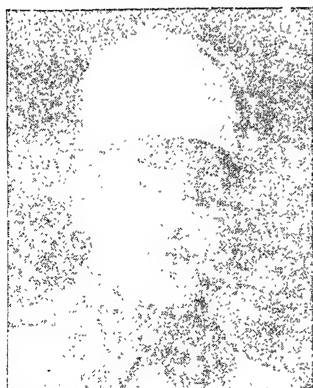
جناب محمد یعقوبخان کند کمشر افغانی
فارغ التحصیل مکاتب عسکری فرانسه



جناب احمدعلیخان مترجم فرانسه در
دارالتحریر شاهی. از فارغ التحصیلان
مکتب کابل



آقای عبدالصمد خان متعلم مکتب امانی



جناب میرغلام احمدخان ضابط افغانی
فارغ التحصیل مکاتب عسکری تورکیه



جناب میر غلام حامد خان ضابط فارغ التحصیل
درروسیه



جناب سکندر خان معلم دارالمعلمین



جناب نجیب الله خان معلم مکتب امانیه



جناب عبدالله خان افغان نویس



جناب محمد شریف خان فارغ التحصیل افغانستان
در برلن متحصص سقف پوشی



جناب رجب‌علیخان متعلم مکتب حبیبیه



جناب محمد زمانخان فارغ‌التحصیل افغانستان
در فرانسه



محمد صدیق خان انجنیر رادیوتلگراف



حافظ محمد اکبرخان (فارغ) کاتب انجمن ادبی

اصولنامه ها و ضمایم آن و لوائحیکه

در سنه ۱۳۱۱ تصویب و ترتیب شده

اصولنامه :

۱ : اصولنامهٔ تقاوی تجاریه .

۲ : » محصول مال مواشی .

۳ : » امور موتررانی و گادی رانی .

۴ : » اجرا آت معادن نمك .

۵ : » خزانه های دولت .

ضمایم :

۱ : ضمیهٔ اصولنامهٔ حاضری و رخصتی مامورین .

۲ : » » اساسی راجع بمنع ورود مسکوکات.

۳ : » » اساسی راجع به اینکه با تباع خارجه حق استملاك داده نشود.

۴ : » » اساسی راجع بمنع ازدواج مامورین خارجه و حربیه و محصلین افغانی در خارج .

انواع تشکیلات و وظائف دوائر دولتی که ترتیب یافته است :

۱ : لائحهٔ تشکیلات و وظائف وزارت حربیه .

۲ : » » » وزارت خارجه .

۳ : » » » » داخله .

۴ : » » » » عدلیه .

۵ : » » » » مالیه .

۶ : » » » » معارف .

۷ : » » » » تجارت .

۸ : » » » مدیریت مستقل طبیه

۹ : » » » » مستقل پست و تلگراف.

۱۰ : » » » » دوائر ولایات

۱۱ : » » » وظائف ریاست بلدیه .

مطبوعات وطن

کتبیکه درعصر همایون اعلیحضرت غازی ازطرف مولفین ومترجمین محترم تالیف و ترجمه شده‌قرار آتی‌است :

۱ : کتب کلاسیك که از شعبهٔ دارالتالیف وزارت معارف تالیف و ترجمه شده :

قواعداديه :	جناب‌قاری عبدالله خان،هاشم‌خان شایق، صلاح‌الدین‌خان	برای‌رشدیهٔ سوم	سنه ۱۳۰۸
»	» » »	» رشدیهٔ چهارم	»
کیمیا	عبدالستارخان	» »	۱۳۰۹
»	»	» »	»
تاریخ	محمد علی خان	» اعدادی دوم	»
فن تعلیم	محمدچراغ‌خان	مخصوص‌معلمین	»
اصول‌ارتقای‌تربیه	محمد ابراهیم خان	»	»
هندسه	نجف علیخان	»	»
اصول‌تدریس	میرغلام احمد خان	»	»
کتاب آتالا	محمدرضا خان	»	»
طریقهٔ‌استعمال‌پشم	نورالله خان	جهة مکتب صنایع	»
روحیات اطفال	محمد اسمعیل خان	» استفادهٔ معلمین	»
معرفة الارض	محمد زمان خان	» » مکتب	۱۳۱۰
هندسهٔ‌تحلیل	عبدالغفور خان و محمدطاهرخان	» » اعدادیهٔ سوم	»
فیزیك	عبدالستار خان	» » اعدادی	»
المنهج‌الجدید	قاری عبدالله‌خان (عضو انجمن ادبی)	» » معلمین	»
قانون‌نظام‌المدارس	محمد ابراهیم خان	» » »	»
تاریخ‌اعدادی‌سوم	سکندر خان	» اعدادی سوم	»
ادبیات	قاری عبدالله خان (عضو انجمن‌ادبی)	» » دوم	»
جغرافیا	محمد علی خان	» » سوم	»
گلهای پژمرده	جلال‌الدین‌خان طرزی	» ستفادهٔ عموم	»
صول‌زراعت‌افغانستان	میر غلام حامد خان	» استفادهٔ عموم	»
معرفة‌الارض	علی اختر خان	» اعدادی دوم	۱۳۱۱
قرائت فارسی	سرور خان گویا عضو انجمن ادبی	» ابتدئیه چهارم	»
فارسی	قاری‌عبدالله خان (عضو انجمن ادبی)	» ابتدائیهٔ سوم	»
دینیات	قاضی عبدالحق خان	» اعدادیهٔ‌دوم	»

۹ : ترجمه و تألیفیکه بوسیلهٔ دیگر محررین وطن بعمل آمده که اکثر آن طبع و بعضی در تحت طبع میباشد :

جلال الدین خوارزمشاه ترجمهٔ ع ، ص شاهزاده احمد علیخان درانی (مدیرانجمن ادبی)

گیتان جلی تاگور ترجمه « « « « « (« « «)

کتاب « اخلاق عسکري » تألیف آ قای غلام جیلانی خان اعظمی (معاون انجمن ادبی) .

کتاب « حقوق بین‌الملل » ترجمهٔ آ قای حبیب‌الله خان طرزی .

کتاب « مورها در هسپانیا یا اعراب در اندلس » ترجمهٔ آ قای حبیب‌الله‌خان طرزی .

کتاب « منتخبات بوستان» حضرت سعدی از نشرات انجمن ادبی کابل .

کتاب « آ ثار هرات » در ۳ جلد تألیف آ قای خلیل‌الله‌خان « خلیلی » .

جلد اول جغرافیای هرات ،جلد دوم تذکرهٔ مشاهیرشعرای‌هرات ، جلدسوم تذکرهٔشعرای معاصرین‌هرات.

کتاب « رسالهٔ مزارات هرات » باتعلیقات جدید آن مطبوع مطبع دانش هرات .

کتاب « اندرز و نصائح خواجه عبدالله انصاری » رحمةالله علیه چاپ مطبع دانش هرات .

کتاب « رهنمای فراه و چخانسور » تألیف آ قای ملامحمد یعقوب خان فراهی .

« ترجمهٔ تاریخ فتوحات اسلام » از آ ثار مطبوع هرات .

کتاب « سکینة الفضلا یابهار افغانی » تألیف ملاعبدالحکیم خان رستاقی .

کتاب «چراغ انجمن» تذکره ایست از مشاهیر ونوابغ علمی وادبی افغانستان تالیف عبد الحکیم خان رستاقی.

کتاب « آ ثار بودا در بامیان » ترجمهٔ آقای احمد علی خان ترجمان فرانسوی .

کتاب « الفاروق » ترجمهٔ علیا جناب مرحومه‌همشیرهٔاعلیحضرت‌غازی.

از دارا تا امان‌الله ترجمهٔ آ قای حبیب‌الله خان طرزی .

کتاب « دیوان احمد شاه بابا » .

کتاب تتمةالبیان فی امة الافغان مولفهٔ سید جمال‌الدین‌افغان ترجمهٔ محمد امین خان‌خوگیانی مدیر جریدهٔ‌انیس.

شرح فارسی شاطبی تالیف آ قای میر حبیب‌الله خان .

ناول تاریخی مادام سان ژی ترجمهٔ آ قای حبیب‌الله خان طرزی که در انیس بقسم پاورقی نشرشده است .

نظام‌منزلی ترجمهٔ غلام جیلانی خان جلالی مدیر تحریرات نائب الحکومه گی قطغن و بدخشان که در دورهٔ دوم اصلاح بقسم پاورقی نشر گردیده .

کتاب تمدن عرب ، تألیف موسیو لوبون ترجمهٔ مرحوم محمد زمانخان طرزی .

یك منظرهٔ عسکری ، نگارش آ قای سید شریف خان سرپاور حربی .

« علت پس ماندگی مسلمانان و پیش رفت اغیار » تألیف شکیب ارسلان مترجم آ قای محمد ابراهیم‌خان که در انیس بقسم پاورقی نشرشده است .

اکسیرالقلوب درفن روحیات و تصوف تالیف جناب «محمد» صاحب زادهٔ کاموی مشرقی .

« سنبیده » قاموس لغات افغانی تألیف آ قای ع ، ج ، محمد گل خان وزیر داخله .

کتاب لغات افغانی تألیف ع ، ص ، سید محمد قاسم خان معین معارف .

کتاب اجتماعی انواع‌الدول و حریت ملل تألیف مولانا منصور انصاری .

کتاب حکومت الهی یا دستور اساسی امامت امت تألیف مولانا منصور انصاری .

شذرات‌العربیه تالیف عبدالحکیم‌خان رستاقی .

رسالهٔ نگارش ونگارندگان تألیف استاد محمد کردعلی: ترجمه آقای سرور خان گویا عضو انجمن ادبی کابل

که در دورهٔ سال چهارم « انیس » مرتباً نشر شده است .

جلد اول نادر افغان تألیف برهان‌الدینخان کشککی .

بحران و نجات تالیف غلام محی‌الدینخان مؤسس وصاحب امتیاز انیس .

تردید شایعات باطله از طرف لوی جرگه .

فیصلهٔ دیوان عالی راجع بمحاکمهٔ مظنونین از طرف شورای ملی .



استرداد دو کالم

در موقعیکه حدود سرحدی افغانستان تعین میبافت (۱۳۱۲ هجری قمری ۱۸۹۵ میلادی) موضعیکه (دیوك عالم) یا (دوکالم) نام برده میشود ، تابه چند فرسخ بطرف شمال دریای کنر وجنوب (ارندو قول یا تهر ارنوی) خط سرحد برقله های کوه تعیین گردیده ، و دولتین آبریزهٔ کوه ها را برای ملکیت اراضی نزدیك خط استناد قرار دادند ، لیکن درینموضع (مینار) یانشانی قایم نکرده به همینقدر اکتفاشد ، ازانوقت تابه اخیر دورهٔ امان‌الله خان دوکالم درتصرف دولت افغانستان بود، اما درخصوص این موضع در زمان اعلیحضرت حبیب‌الله خان شهید بین دولتین افغانستان و برطانیا مذاکرات جریان داشته وتا اواخر سلطنت امان‌الله خان دوام کرد ونسبت باین مذاکرات مهتر چترال دو کالم را ازخود تصور کرده درزمانیکه افغانستان دچار انقلاب گردید مهتر چترال درعین انقلاب از فرصت استفاده کرده و (دوکالم) را استیلا ، و برتپهٔ دو کالم قلعهٔ عسکری تعمیر وبنا نمود .

زمانیکه اعلیحضرت همایون نادر شاه غازی پاد شاه باعزم ودانا وقائد باتدبیر وتوانایما به پادشاهی افغانستان ازطرف عموم طبقات ملت پذیرفته شدند ، ازین قضیه واقف شده وخیلی متاثر گردیدند ، لهذا بوزارت امور خارجیه امر شاهانه را صادر فرمودند که بادولت بریطانیا راجع به استرداد این موضع که از جملهٔ خاك های وطن است داخل مذاکره شوند .

دراثر هدایات مکملهٔ همایونی وزارت امور خارجیه موفق به موافقت دولت بریطانیا راجع به استرداد دوکالم شده ، وازطرف دولتین عالیتین افغانستان و بریطانیا برای دور وتسلیم دوکالم ذوات ذیل مامور وتعیین گردیدند.

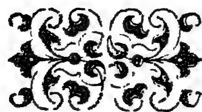
ازطرف دولت افغانستان : ع ، ص ، حبیب‌الله خان معین خارجیه رئیس . و ، ش ، سید حسین خان کـندکمشر عضو .

ازجانب دولت بریطانیا : کپطان ولیم رابرت هی پولتیکل ایجنت دیر صوات و چترار رئیس ، و نصیرالملك پسر بزرگ جناب مهتر چترال عضو دوم .

بتاریخ ۱۲ سرطان مطابق ۳ جولائی هردو هیئت دردو کالم اجتماع نموده هیئت دولت افغانستان بنام اعلیحضرت غازی دو کالم را تسلم شده و داخل خاك افغانستان نمودند .

اصلاً این تپهٔ مرتفع (دوکالم) واراضی مذکور مشتمل بر (۱۱۱) جریب انگلیسی بود ولی نسبت به تدبیر عاقلانهٔ زمامدار فهیم وخیر خواه افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی باندازهٔ (۱۸۱) جریب ویك جسوه تسلیم دولت افغانستان شده وهم باندازهٔ ۳۰ تا ٤٠ خانه وار مالکان سابقهٔ همین اراضی دو باره داخل جمعیت خاك وطن شده و در دوکالم مسکون گردیده اند .

قلعهٔ که مهتر چترال در دو کالم تعمیر نموده بود منهدم گردید ، ومسئلهٔ دوکالم که از سالها بین افغانستان ودولت بریطانیا متنازع فیه مانده و موجبات سوء تفاهم سرحدی را تولید کرده بود بعزم خلل ناپذیر و توجهات اعلیحضرت غازی ومنجی افغانیان برحسب مطلوب فیصله یافت .



ثروت های طبیعی افغانستان

معدن طلا :

این معدن بفاصلهٔ ۲ میل بطرف شمال شهر قندهار واقع است که در سال ۱۲۷۷ هجری کشف گردیده وچندین رگ اعلی واوسط دارد .

قرارمعلومات صحیح ، این معدن بشرط تهیه وتکمیل آلات معدن کنی وبکار انداختن آن بصورت اساسی وفنی برثروت وطن وسیلهٔ معتنائی خواهد شد .

علاوه برمعدن مذکور ذرات طلائی را از دریای کوکچه علاقهٔ بدخشان میتوان بدست آورد ، درجوی های لغمان نیز به مقدار کم ذرات طلا یافت میشود که در نتیجهٔ کاوش و تحقیقات علمی معلوم گردیده است دربعضی حصص دیگر افغانستان مخصوصاً (گیاوهٔ نجراب) هم معدن طلا وجود دارد .

معادن نقره :

درزمانهٔ قدیم نقره ازسروادی پنجشیر استخراج میگردید ، دربعضی حصه های هندوکش اسباب خام سیم بافراط یافت می شد ، سابقاً نمونهٔ آن از غوربند و کوه بند شوئی نیز بوزارت تجارت رسیده بود در دیگر حصص افغانستان مخصوصاً هزاره جات نیز معادن مهم نقره وجود دارد.

معادن آهن :

معدن بزرگ آهن در جبل السراج وپغمان موجوداست معدن آهن پغمان قسم بهترین آهن را داراست که ۷۵ فی صد آهن خالص دارد، در کوه کنجی باف ، کوت عشرو، دهن درهٔ شصت پنجشیر وکوه خاک، تپهٔ ده سبز و طرف شمال ده سرخ و منار چکری و موسهی لوگر و ارغندهٔ علیا و کوه خورد کابل ولولنج و دهن درهٔ پنجشیر و بخدره و درهٔ میاداد و دایمیرداد وردک و کوه سرخ منار و سیاه بینی و سیاه کوه. تنگ نواب جبار خان سرخ رود و کوه قلعهٔ خواجه صاحب و باجور و فرملی و کرم و جدران و دره های بامیان وارزگان و درهٔ صوف و قندهار وهرات و مزار شریف و غیره علاقه های افغانستان ترکیبات معدنی آن یافت شده و تا اکنون تقریباً (۵۰) قسم نمونهٔ آن از مواضع مختلفه بدایرهٔ عمومی معادن رسیده است .

معادن مس :

معادن مس در افغانستان بکثرت وجود دارد و نمونهٔ آن از علاقه های مختلف یافت شده است ، در کهنه خمار میدان به کوه چرغائی جمیع ترکیبات معدنی مهمهٔ مس موجوداست واین معدن دارای ذخیرهٔ بزرگ و اهمیت اقتصادی میباشد و هم معادن عمدهٔ آن در چهل ستون و چهار آسیا و سر آسیا وبخدره و منار چکری وسیاه بینی و گلندره و سرخ منار شیوکی وکری و کوتل خاواک و علاقهٔ تاواخ پنجشیر وارزگان و مقر و جلال آباد و قندهار و هرات و واصل آباد و غیره علاقه جات مختلفهٔ افغانستان کشف گردیده و تا حال تخمیناً (۵۸) قسم نمونهٔ معدنی آن بدائرهٔ معادن وزارت تجارت رسیده است .

معادن ذغال سنگ :

در موضع فرج گرد غوربند یک معدن بزرگ ذغال موجود است در سال گذشته بطور اساسی بکار افتیده و فعلاً با حتیاجات داخلی ما خدمت میکند ، معدن مهم و ذخیرهٔ بزرگ آن در تاله وبرفک و نهرین

و دوهٔ صرف مزار و تا شقرغان میباشد ، نمونه های آن از زرمت وغزنی و جدران و نمله وتیزین و غزگی علاقهٔ خورد کابل و کارندهٔ سرای خواجه و قریهٔ دانشمند و درهٔ کوت جلال آباد و موضع ده بالا و کهی شنوار و ارزگان و هرات و میمنه و غیره جاهای مختلفهٔ افغانستان بمدیریت عمومی معادن وزارت تجارت رسیده است ، دربعضی جاها مکمل ودر بعضی مواضع خام است وتاا کنون تقریباً (۲۵) معدن آن کشف گردیده است.

معادن ابرک :

ابرک تخته های بزرگ آن دارای اهمیت تجارتی بوده و در صنعت آلات برق از قبیل چای جوش و بخاری و دیگدان و غیره و در ساختن گوبای گراموفون و تیلگراف بی سیم و جهازات جنگی و تجارتی و در بعضی عملیات تجزیه خانه ها و غیره استعمال زیاد دارد ، معادن عمدهٔ آن در تنگک نواب جبار خان سرخ رود و کوه تمنبه و کوه نروچ درهٔ شصت پنجشیر و قریهٔ ساین درهٔ تپهٔ نجراب و قریهٔ پچی خیل درهٔ پچه غان نجراب و کوه تسوبی علاقهٔ جگدالک موجود است ، بعلاوه نمونه های ابرک قسم مسکوبت از موضع جاغین تسکانهٔ سنلی و تلعهٔ ترنجن دهن درهٔ شکر دره وموضع برج گل جان غوربند وکوتل خیر خانه و موضع کاشمند و اسلام درهٔ لغمان و غیره مواضع افغانستان بدائرهٔ معادن وزارت رسیده است در نتیجهٔ معلومات متیقنیم که معادن ابرک در جمیع نقاط افغانستان بکثرت یافت میشود .

معادن تیل خاک و بیتومن :

چشمه های مهم تیل خاک درتیرپل هرات موجود است معلومات بیتومن که شیست های روغن پترول دار (تفت سیاه) است و در مجاورت شعلهٔ آتش سوخته بوی قیرازان متصاعد میشود معدن بزرگ آن در سر پل ولایت مزار شریف یافت شده است .

معادن گوگرد :

گوگرد در افغانستان بکثرت یافت میشود در چین زائی علاقهٔ نرخ میدان و شیوکی و سیغان و قطغن و درهٔ صوف لغمان ومیمنه معادن عمدهٔ وجود دارد ، در هرات تکه های خورد آنرا از زمین میکنند ، طبقات بزرگ آن در هزاره‌جات و سرحد سیستان وافر است .

معادن سرب وجست وسرمه وغیره :

در افغانستان سرب بیشتر بصورت سلفاید به گالینت بفرمول (که ترکیبی است از سرب وگوگرد) یافت شده است که از کایهٔ ترکیبات معدنی سرب مهمتر وتقریباً (۸۶) در صد سرب دارد ، کلانترین ومهمترین معدن سرب در فرنجل (غوربند) واقع است واز زمان قدیم تاچند سال قبل چندین مراتبه بکار افتیده ولی کار انداختن آن طور اساسی وبصورت فنی نبوده است ، در نواحی هرات نیز معادن مهمهٔ سرب موجود ودر هزاره جات رگهای آن بسطح زمین نمایان است .

نمونهٔ آن از نجثیر وارزگان وبهسود وبامیان وکهمرد وشنوار نیز بدائرهٔ معادن رسیده است .

خاک جست: ازعلاقهٔ ژوب می برآید که صیقل گران آنرا مورد استعمال قرار میدهند ودر بلخاب نیز پیدا میشود . قلعی در علاقهٔ بدخشان یافت شده است .

سرمه: نزدیک از غنداب بشمال مغرب کلات غلزائی ودر تپه های وردک بشمال غزنی ودر وادی غوربند ودر علاقهٔ افریدی وغیره جاهای افغانستان یافت شده است ،

معدن نیکل: در موضع سر کوخ جدران کشف گردیده است .

معادن سنگ ریشه :

سنگ ریشه ویا پنبهٔ کوهی بمقدار زیاد یافت شده است و دارای اهمیت تجارتی میباشد ، این سنگ مانند پیالهٔ ابریشم از تارهای نازك تشکیل گردیده ودر ممالك متمدن دارای اهمیت بوده استعمال زیاد دارد ، از سنگ مذکور برای عملهٔ اطفائیه دریشی ودستکش وکلاه وغیره میسازند که در حین حریق میان آتش رفته اطفال واموال را بیرون نمایند وهم ازان دستمال ها درست میکنند که هر وقت چرك شود به آتش می اندازند تاچرکش سوخته وخودش پاك وصاف گردد معادن آن در غزنی وجدران والمره وعلاقهٔ خوگیانی وارغنده وکوه باکوان قلات وهزاره جات وشنواروکوه ازو جاجی ومنار وکوه شیر دروازهٔ کابل (زیر کاسه برج) وغیره مواضع مختلفهٔ افغانستان کشف گردیده است .

سنگ شاه مقصود :

معدن عمدهٔ سنگ شاه مقصود که ازان تسبیح ها واسباب سنگی وغیره می سازند در قندهار موجود بوده ودرتنگ غارو وغوربند نیزمعدن آن مکشوف ودردیگر حصص مختلفهٔ افغانستانهم امکان پیدایش دارد .

گرافیت :

گرافیت یك جنس ذغال سنگ ومشهور به سرب سیاه ودر ساخت قلمهای پنسل وخمیر کتالی ها وغیره استعمال زیاد دارد ، به مقدار زیاد یافت میشود مخصوصاً در شاهٔ کابل خورد علاقهٔ میدان وکوه قرغ چوکی ارغنده وکوه جوانمرد قصاب واستالف وچهاریکار وغیره جاها معادن عمدهٔ آن کشف گردیده است . جوهر باروت را نیز از گرافیت بدست می آورند .

آهك ، شوره ، چونه ، مرمر وغیره :

آهك درمیدان قندهار بکثرت موجود است ، شوره درجنوب مغرب افغانستان ودیگر جاها بمقدار زیاد پیدایش دارد ودر آب کاریز ها سرایت میکند ، چونه در غوربند ودرهٔ میادادو کوه قرغ ودهسبز ولوگر ودر نزدیکی قرغه ودر حدود بند غازی وغیره جاها بمقدار وافر یافت میشود ، معادن عمدهٔ سنگ مرمر درعلاقهٔ میدان وخواجه بغرا وهزارهٔ بغل در کره تنگی نجراب وکوه قرغ ورخام درمیمنه وقندهار وهزارهجات وجود دارد .

سنگ صابون را میتوان ازکوه تنگی نجراب وکوه سالنگ وموضع گیاوه وغزنی وجلال آباد وغیره جاها بدست آورد بالآخره سنگ کوارتز یا بلور طبقی از اکثر حصص افغانستان مخصوصاً شیوکی وغزنی ولولنج ودرهٔ نازبان وچهار آسیا وغیره جاها دستیاب میشود .

نمك ونیل توتیا ونوشادر وغیره :

نمك در اکثر حصص ولایات شمال (مزار وقطغن) ودرهٔ نمك آب غوربند بمقدار وافر یافت شده است در موضع شاتوت تنگی سیدان وعلاقهجات مختلفهٔ دیگری نیز بوجود آن میتوان پی برد .

نیل توتیا در کره زیارت میرسید مراد بلخاب وکوه جوانمرد قصاب ونوشادر در غوربند ومیمنه وزاك (زمج) و نوشادر از سر سیستان و مضافات آن استخراج میگردد ، خاك زمچدار (زمه یا پتکری)

از غوربند و لولنج و بلخاب و نمك میگنیشیا از غوربند و دیگر ترکیبات معدنی را میتوان از اکثر نقاط افغانستان بدست آورد .

جواهرات :

معادن جواهر در میان کابل وجلال آباد وبدخشان وهلمند وغیره جاهای افغانستان موجود است معدن یاقوت درجگدلك وکوه ارغنده ومقر ومیدان وسرکی خیل خوگیانی ونورستان ، وزمرد به وایگل درهٔ پیچ وجود دارد، لعل ولاجورد ، بدخشان را شهرهٔ آفاق ساخته است، یك معدن امی‌تست (یاقوت کبود یا یاقوت رمانی)جدیداً درقندهار کشف گردیده که درساخت نگینه‌ها وآلات زیور ، داوای قیمت وتقاست خوبی میباشد.

(طلا و ترکیبات معدنی)

ومعادن معروف آن

طلاء فلزیست مشهور به سلطان فلزات که انسان ها آنرا از زمان قدیم شناخته اند چنانکه در نتیجهٔ حفریات بعضی زیورات و آلات و ظروف طلائی را از (۳۵۰۰) سال قبل بدست آورده اند .

این فلز بتناسبت اینکه غیر قابل فساد است عموماً بطور خالص یافت میشود که مطابق قانون کرستلوگرافی (بلوریت) وغالباً در رگهای معدنی کوارتز (سنگ بلوریایخك) وجود دارد که بعضی اوقات در نتیجهٔ اثرات هواوآب قطعات کوارتز منهدم واز هم پاشیده بهریگ تبدیل میگردد واین ریگها دارای خاك طلاء میباشند که موسوم هستند به ریگهای طلائی هرگاه ریگ های مذکور درمحل جریانات آب واقع باشند آب آنهـا را در رودها ودریا چهها وبالآخره در بحرها نقل میدهد که میتوان ذرات طلا را از آب چنین دریا ها بوسیلهٔ عمل زرشوئی بدست آورد ومقدارطلاء در هزار کیلو گرام آب دریاهای زرخیز ۰٫۰۰۵ تا ۰٫۰۱۱ گرام وجوددارد.

علاوه بر اینکه طلاء بدون مواد خارجی یعنی بطور خالص در معادن یافت شده است بعضی ترکیبات معادنی آن بصورت سلفاید (ترکیب یك عنصر را با گوگرد سلفاید می نامند) نیز درقدرت وجود دارد .

وگاهی باترکیبات معدنی مس وسرب و نقره بمقدار خیلی کم مخلوط میباشد ؛ که ترکیبات کانی طلاء دار عبارت اند از: آیرن پیرمیت(مرکب آهن وگوگرد) وکاپرپریت مرکب مس وآهن ، گوگردو گلینت(مرکب سرب وگوگرد).

استخراج طلاء از مواد معدنی مذکوره وسایل مختلفه دارد
ملتفت بایدبود که طلاء بامادهٔ تیلوریم بصورت مخلوط نیز یافت میشود .

صفات طبیعی وکیمیاوی طلاء :- فلز طلاء هیچ وقت در مجاورت هوا فاسد نمیشود . رنگ آن زردوبعضی اقسام آن برنگ زرد مایل به سرخی دیده می شود . اگر آن برتختهٔ کاشی مالیده شود اثری ازان برنگ زرد درخشنده جلوه افروزی میکند ، جلای فلزی شدید دارد؛ قابلیت ورق‌ساختن وسیم ساختن این فلز از کلیه فلزات بیشتراست بطوریکه ورق‌طلاء را باندازهٔ نازك میتوان کرد که ضخامت بیست ورق آن باندازهٔ ضخامت یك ورق کاغذ گردد استقامت زیاد ندارد و بتناسبت نرمی در هیچ موردی مستعمل نیست زیرا که بزودی سائیده شده وازوزن آن کاسته میشود وبهمین جهت برای اینکه طلاء قابل سکه وساختن اسباب شده از سی تا چهل وپنج قسمت مس بان شامل میکنند تاسخت ومضبوط گردد (در ممالك غرب معیاراشیای طلائی ازینقرار است که ساختن سکهها در ۹۰۰ گرام طلاء ۱۰۰ گرام مس وبرای ساختن نشانها در۹۱۶ گرام طلاء ۷٤ گرام مس وبرای‌ساختن‌آلات زینت وزیوردر۹۲۰ گرام‌طلاء ۸۰ گرام مس‌ودرساختن‌ظروف‌با ۷۵۰ گرام‌طلا ۲۵۰ گرام‌مس مخلوط میکنند)درجهٔ سختی طلا از ۲٫۵ تا ۳ وزن مخصوصش ؛ ۱۹٫۵۷ ، ۱۹ بهمین جهت از مخلوط بودن فلز دیگر باآلات طلائی قلت وزن مغشوشی بودن آنرا ثابت میسازد و وزن مخصوص طلای مغشوش عبارت خواهد بود از۱۵ و ۱۵ تا ۱۹٫۳ ، فلز مذکوردرتحت اثرچکش پهن‌میگردد وبهمین صفت میتوان آنرا از ترکیبات معدنی همرنگ آن تمیز داد زیرا که‌دیگر مواد معدنی طلائی رنگ در تحت اثر چکش میده‌می شوند .

طلاء موصل حرارت و برق است در ۱۰٦٤ درجهٔ میزان الحرارت سانتی گرید ذوب می شود و در درجات بلند تر یعنی در حدود ۲۵۰۰ درجه سانتی گرید بصورت بخار مبدل خواهد شد ، اگر طلاء را بوسیلهٔ بلو پائپ (کج پفك) حرارت شدید رسانیده شود ذوب شده شکل مدور را

اختیار میکند ؛ با اکسیجن بلا واسطه ترکیب نمی شود ، هوای خشك یا مرطوب در هیچ درجهٔ حرارت در آن موثر نیست ، درسیاب حل میشود وازنتیجهٔ انحلال ملغمهٔ طلاء بدست می‌آید . که عرب آن را (عمل‌القوام) مینامند،هیچ تیزاب به‌تنهائی حتی بدرجات‌عالی حرارت نمی تواند که درطلاء تاثیر کند صرف مخلوط از یك حصه تیزاب شوره وسه حصه تیزاب نمك که موسوم به‌تیزاب ساطانی (تیزاب فاروقی) است طلاء را بسهولت حل می کند ومهمترین ملح مستعل طلاء را که عبارت از (گولد کلورائید) است تشکیل میدهد .

طلاء درآب کلورین نیز حل می‌شود ومحلول سی‌انائائیدهای پتاسیوم وسودیم‌را نیز طلاء حل می توان کرد.

موادمعدنی که‌مانند طلاء دارای‌رنگ‌زرد هستند عبارت اند ازکاپربریت Gu Fes2 وآیرن پریت Fes2 وبسموت وابرك زرد ، ولی مهمترین هدایت وشناخت طلاء این است که طلاء درتحت اثر چکش پهن و دیگر ترکیبات معدنی همرنگ آن درنتیجهٔ ضربت میده می شوند ، این خاصیت یکی از صفات ممایزهٔ طلا است .

طریق استخراج طلاء ، برای استخراج طلاء (ازسلفاید) مواد معدنی‌است سلفاید را درمجاورت جریان هوا حرارت میدهند درین صورت گوگرد آن سوخته و باآکسیجن (مولدالحیات) هوا آمیخته به صورت غاز سلفرودای اوکساید So2متصاعد میشود و درنتیجهٔ عمل طلاء رسوب می کند .

برای استخراج طلاء از قطعات (سنگ گوارتز) درمجاورت جریان آب تحت اثر خود سنگها را میده و خورد میکنند، جریان آب آنها را در سطح مؤرب که بلافاصله بعد از چکش ها قرار گرفته عبور میدهد. وذرات طلاء نسبت به‌سنگینی‌خود درمجاورت جدارها که بفاصله های‌متساوی برمحل جریان آب ساخته شده اند متوقف می گردد. درنتیجهٔ این عمل بعد از هرچند دقیقه مقداری سیاب بران میریزند تاطلاء را بصورت ملغمه جذب نموده نگاه دارد ، باقیمانده گل و لای را که اندکی دارای ذرات طلاء می باشند درآب کلورین داخل می کنند که درنتیجه (گولد کلوراید) بصورت محلول تولید خواهد شد .

برای استخراج طلاء از (ریگهای طلائی) نیز عمل بطریق فوق‌الذکر است زیرا درین مورد به‌چکش های جرثقیل احتیاج نمی افتد .

بالآخره برای بدست آوردن طلاء از سیاب ، همان عمل را که برای جدا کردن نمك از آب انجام داده می‌شود مجری میدادند یعنی ملغمه‌را دریك قسم قرع وانبیق تقطیر مینمایند ، سیاب درتحت اثرحرارت تبخیر شده در حصه های سرد ظرف بصورت تقطیر جمع میشود وطلاء در قرع باقی میماند که می توان سیاب آن را مجدداً بکار برد .

باید دانست طلائیکه بدینطرق دستیاب شده خالص نیست و معمولاً بامقدار مس وآهن ونقره وسرب وفلزات‌دیگر مخلوط‌است لهذا برای تصفیهٔ‌آن طلای غیرخالص را دردیگهای پلاتنی (طلای‌سفید) که دران تیزاب گوگرد باشدقرارداده‌تیزاب گوگرد را جوش میدهند درین حالت تیزاب گوگرد ماسوای طلاء و طلای سفید جمیع فلزات دیگر را حل کرده وبدین وسیله تصفیهٔ طلاء صورت میگیرد .

استخراج طلاء بواسطهٔ برق بسیار رواج یافته است معادن طلا دردنیا ازین قرار است :

(۱) افریقای جنوبی : ـ در اراضی جنوبی ترانسوال در سال ۱۳۰۳ هجری طلاء مخلوط با کوارتز وخاك رس یافت شد ، بعدها معادن مهم طلاء در تمام نقاط افریقای جنوبی کشف گردید ، چنانچه این نقطهٔ زرخیز در ابتدای قرن حاضر از حیث حاصلات طلاء مقام اول داشت در سنه ۱۳۳۲ تقریباً (۳۹۰۰۰۰)

کیلو گرام طلاء معادل قریب (٥٥٧١٤) سیر کابل (هفت کیلو گرام مساوی است با یك سیر کابل) از کلیه معادن این ناحیه بدست آمد ، اما بعد از جنگ عمومی تنزل کرده در سال ١٣٣٨ ھ از (٢٦٨٠٠٠) کیلو گرام زیاد تر استخراج نمیگردید .

(٢) ممالك متحدهٔ امریکا :— در سال ١٢٦٥ ھ در موضع کالیفورنیا خاك طلائی را بدست آوردند تا اینکه کالیفورنیا مدت زیاد در ممالك متحده از حیث دارائی طلاء درجهٔ اول‌را داشت ، بعد ها نقاط زر خیز دیگری کشف شده و از کالیفورنیا سبقت کرد و در سال ١٣٣٢ مقدار طلای ممالك متحدهٔ امریکا به (١٣٤٠٠٠) کیلو گرام رسیده بود اما بعد از جنگ عمومی از (٩٤٠٠٠) کیلو گرام تجاوز نمیکرد .

(٣) استرالیا :— معدن طلا را نئوساؤته و یلز و ویکتوریا در سال ١٢٦ ھ کشف کردند و با وجود مشکلات زیاد از قبیل فقدان وسایل حمل و نقل وعدم کفایت آب برای شست وشو وغیره به استخراج آن اقدام نمودند و فعلاً مقدار زیاد از قسمت استرالیای غربی بدست می‌آید .

زلاند جدید نیز از حیث دارائی معادن طلاء اهمیت دارد و در سال ١٣٣٨ مجموعاً از استرالیا در زمانهٔ جدید تقریباً (٤١٠٠٠) کیلو گرام طلاء استخرج شد .

(٤) مکسیکو : در سال ١٣٣٨ ھ متجاوز از (٢٨٠٠٠) کیلو گرام طلاء از معادن این مملکت بدست آورده اند و معادن آن در حال ترقی است .

(٥) کانادا :— وجود طلاء در سواحل اکثر رود خانه های کانادا ثابت است اما نقاط زرخیز مهم این مملکت دربین رود خانهٔ میکنیزی والاسکا وجود دارد در سال ١٣٣٨ ھ از معادن این مملکت مقدار (٢٤٠٠٠) کیلو گرام طلاء استخراج کرده اند .

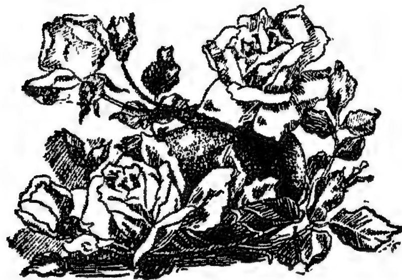
سیبیریا : بعد از سال ١٢٤٦ چون درنواحی یورال الطائی اقدام به‌عمل طلا شوئی نمودند طلاء این مملکت اهمیت پیدا کرد و پس از چند مدت در سیبیریای غربی و مرکزی مخصوصاً در مرسوبات زرخیز شعبات دریای آمو نیز به استخراج طلاء پرداختند تا اینکه در سال ١٣٣٢ ھ بیش از (٣٣٠٠٠) کیلو گرام طلاء ازسیبیریا حاصل کرده بودند ولی در سال ١٣٣٨ ھ طلای این قطعه به (١٢٠٠٠) کیلو گرام تنزل کرد .

دیگر از قطعات زرخیز دنیا افغانستان ، جاپان ،هندچینی و هنگری والمان ، دول امریکای جنوبی و هندوستان است .

در سال ١٣٣٨ ھ از کلیه معادن عالم مجموعاً (٥٤٥٠٠٠) کیلو گرام طلاء استخراج گردیده بود ، معدن طلای قندهار نسبت به سوابق در خشان خود خالی از اهمیت نمیباشد این معدن در سال ١٢٧٧ ھ کشف و در همان وقت و هم در سال ١٢٩١ ھ از طرف حکومت بتوسط انگریز ها بکار افتید بعد ها از سال ١٣٢٩ تا ١٣٣٦ ھ در عهد حکومت اعلیحضرت شهید بحفر و استخراج این معدن اقدام کرده شد ولی از باعث فقدان آلات واسباب کان کنی وغیره موفقیت حاصل نشد ، که حسب مطلوب ازان فائده گرفته میشد ، در عصر امانی ازسال ١٣٤٦ تا ١٣٤٧ ھ عبیدالله خان متخصص هندی در یازده نقطه ، معدن مذکور کار انداخته از کشف چندرگهای گرانبهای جدید حکومت را اطمینان داد ، ما بعد از چند ماه انقلاب خانمانسوز در افغانستان رویداد که این کشفیات و زحمات نیز بی نتیجه ماند ، یقین است که در این عصر مشعشع طلائی در نتیجهٔ توجهات مامورین فعال حکومت نادر شاهی این معدن قیمتی بعدازمعاینهٔ علمی و حفریات ابتدائی بطور

اساسی و فنی بکار افتیده ـ و ثروت وطن رو بازدیاد رفته ما را از احتیاج برهاند .

فعلاً زرشوئی دریای کرکچه بطور فنی تحت مراقبت وعملیات ابتدائی گرفته شده است وبرای پیشرفت این مقصد به تهیهٔ ماشین ها و سامان زرشوئی وغیره، دولت اقدامات اساسی نموده است .



خلاصهٔ تاریخ جرائد در افغانستان

جراید دراروپا قبل از قرن ۱۹ مانند امروز رونقی نداشته است، پیش ازقرن ۱۷ هروقتیکه نشرخبر مهمی را خیال میداشتند مطالب خودرا به‌صحیفه نگاشته بدیوار می‌چسپانیدند یابمقامات طوایف میفرستادند تامردم آنرا میخواندند.

افغانستان نیز که مدتها دچار کشمکشهای داخلی وخارجی بوده باوجود آن از ینگونه نشرات وآثار خالی نبوده اما متأسفانه آن آثار پامال مرکه جویان گردیده وامروز اثری ازان موجود نیست.

زمانیکه افغانستان تااندازهٔ سکون یافت دورهٔ سلطنت اعلحضرت شیر علیخان (۱۲۸۵ هجری قمری) بود ازین تاریخ به‌بعد افغانستان نشرات، وجریدهٔ مانند دیگر جراید دنیا داشته است که اسامی آنها بطور مختصر ذیلاً نگاشته میشود:

جریدهٔ شمس النهار:

عبارت از مجموعهٔ هفته واریست که در۱٦ صفحه به‌چاپ سنگی درسال ۱۲۹۰ قمری حاوی مقالات‌اجتماعی، اخلاق، خبرهای داخله وخارجه از بالاحصار کابل نشر می‌یافت.

سراج الاخبار افغانستان:

جریده ایست که درسال ٤ سلطنت اعلحضرت شهید فقط یك شمارهٔ آن به‌چاپ سنگی نشر شده و مدیر آن مولوی عبدالرؤف خان بوده است.

سراج الاخبار افغانیه:

یکی از جراید نامدار وباقدر وطن است که درسال ۱۲۹۰ شمسی تاریخ ۱٦ میزان به‌سر محرری فاضل شهیر محمود بیگ طرزی نشر گردیده است.

سراج الاطفال:

این جریده نیز درکابل بمدیریت فاضل محمود بیگ طرزی بتاریخ ۱۵ میزان ۱۲۹۷، به‌نشر آغاز نهاده ومضامین آن برای تنویر افکار اطفال بوده است.

امان افغان:

اولین شمارهٔ آن درکابل دراوائل حمل ۱۲۹۹ به‌سرمحرری جناب عبدالهادیخان شروع شده بعدازان آقای پاینده محمدخان وسپس آقای‌عبدالجبار خان، آنرانشر می‌نمودند، بعد ازان‌جناب فاضل دانشمند سیدمحمدقاسم‌خان سردبیرآن بوده ومدتی هم آقای غلام احمد خان مرحوم بوکالت سردبیر ایفای وظیفه مینمودند، بعد از آقای غلام احمدخان، غلام نبی خان جلالی آبادی‌بوکالت کار میکرد.

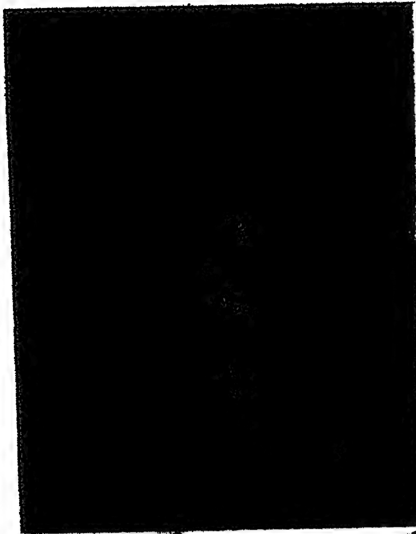
اتحادمشرقی:

مؤسس‌این جریده اعلیحضرت همایونی‌محمد نادرشاه غازی است که دران زمان رتبهٔ‌سپه‌سالاری (وزیرحربیه) داشتند شمارهٔ اول‌آن بتاریخ ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲۹۸ شمسی ازجلال‌آباد بمدیریت‌آقای‌برهان الدینخان

ارباب جرائد و مجلات معاصر وطن



جناب محی الدینخان انیس موسس و صاحب امتیاز
جریدهٔ انیس





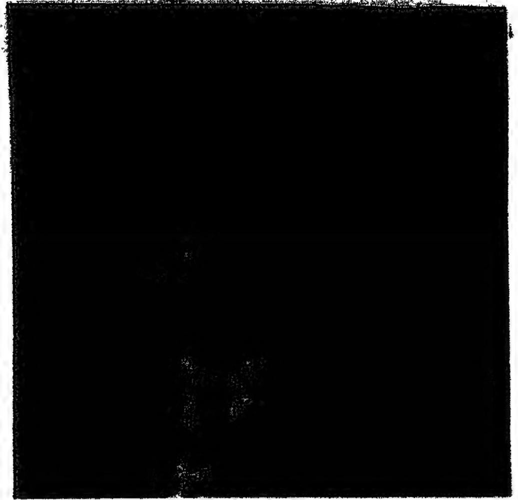
جناب مولوی برهان الدینخان کشککی مدیر جریدهٔ
فریدهٔ اصلاح



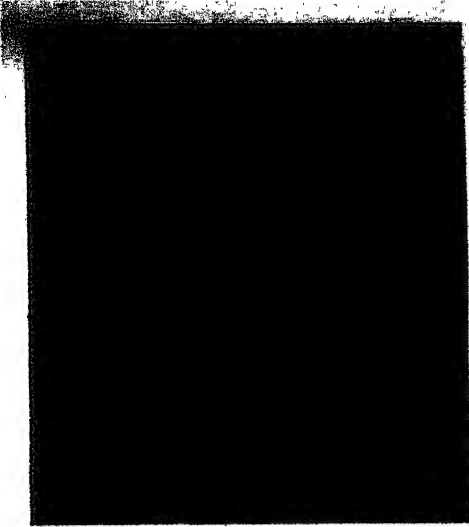
جناب محمد امین خان خوگیانی مدیر جریدهٔ [illegible]



جناب [illegible] خان [illegible] مدیر مجله
[illegible] معارف



جناب هاشم شایق مدیر مجلهٔ شریفهٔ آئینهٔ عرفان
معاون دارالتألیف



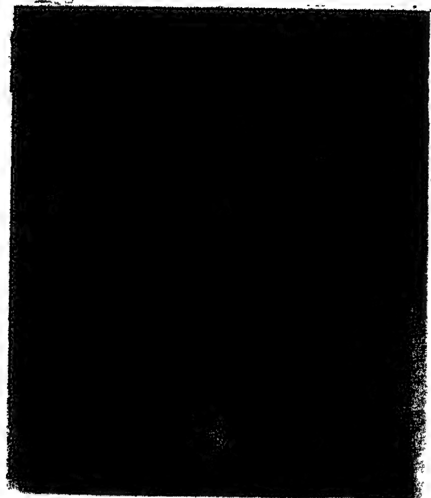
جناب محمد زمانخان ترکی مدیر مجلهٔ اقتصاد



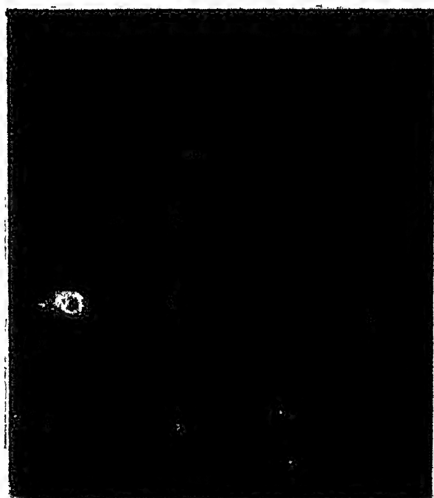
جناب رشید لطیفی مدیر مجلهٔ صحیه



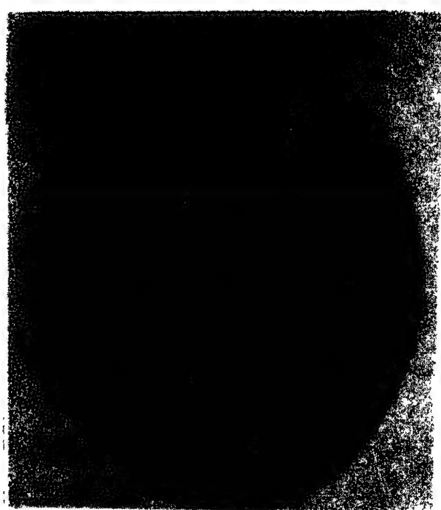
جناب میر غلام خان مدیر مجلهٔ شریفهٔ حی علی الفلاح



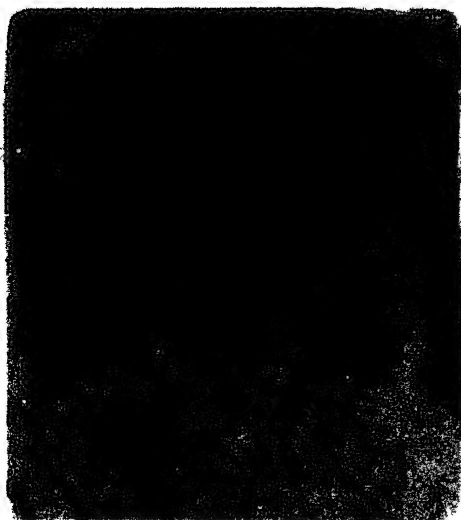
جناب عبدالصمدخان جاهد مدیر جریده بیدار



جناب شمس الدینخان قلعتگی مدیر جریدهٔ اتحاد مشرقی



جناب میر محمد عثمانخان سرمحرر جریدهٔ اتفاق اسلام هرات



جناب غلام جیلانی خان جلالی مدیر ونگارندهٔ دورهٔ سوم اتحاد خان آباد

معلمین معارف کابل



جناب فاضل مولوی جمال الدینخان عضو شعبهٔ دار التألیف معارف
که در قسمت معلومات خارجهٔ سالنامهٔ کابل امداد شایانی فرموده اند



جناب مولوی برکت علیخان سرمعلم ریاضی مکتب حبیبیه
که در تراجم بعضی قسمت ها بسالنامهٔ کابل کمک کرده اند



جناب مولوی محمد علیخان سرمعلم تاریخ وجغرافیا در مکتب حبیبیه
که در تراجم بعضی قسمت ها بسالنامهٔ کابل کمک نموده اند

کشککی نشر گردیده و بعد ازان محمد بشیر خان و عبدالجبار خان و محمد امین خان خوگیانی یکی بعد دیگر این جریده را نشر کرده اند نگارندهٔ فعلی آن شمس‌الدینخان قلعتگی است .

ستارهٔ افغان :

در اواسط سال ۱۲۹۹ به سر محرری میر غلام محمد خان غبار از جبل‌السراج نشر میگردید .

اتفاق‌اسلام :

شمارهٔ اول آن بتاریخ اول سنبله ۱۲۹۹ به نگرانی مرحوم ملا احمد خان و مدیریت عبدالله خان قانع از شهر هرات نشر شده‌بعد ازان عبدالکریم خان احراری و صلاح‌الدینخان سلجوقی این جریده را نشر کرده‌اند ویکبار هم اسم این جریده به (فریاد) تبدیل یافته است و سرورخان جویا نیز نگارندگی جریده رانموده‌واسم اولیهٔ آنرا (اتفاق اسلام) قبول نمود نگارندهٔ فعلی آن میر محمدعثمان‌الحسینی میباشد .

بیدار :

بنام اتحاد اسلام در سنه ۱۳۰۰ شمسی در مزار شریف شایع شده نگارندگان این جریده عبدالعزیز خان ، حافظ عبدالقیوم خان مرحوم میرزا ثاقب خان ، نور محمد خان ، محمد حنیفه خان غلام حسن خان غزنوی و نگارندهٔ فخری آن علی احمد خان منشی بوده است و بعد ازان به نگارندگی میر حیدر خان و عبدالصمد خان و عبدالرحیم خان نشر میگردید ، نگارندهٔ حاضر آن جاهد میباشد ، این جریده بنام (رهبر اسلام) نیز مدت کمی نشر یافته است .

طلوع افغان :

در شهرقندهار از اوایل سرطان ۱۳۰۰ به مدیری وسرمحرری مولوی صالح محمد خان نشرگردیده است بعد ازان عبدالعزیز خان مدیر آن بوده و چندی خواجه محمد خان بنام معاونی و مدت قلیلی سیدحسین خان کفالةً درغیاب‌مدیر وظیفهٔ نشررا ایفانموده اند، ومدت کمی هم تغیراسم یافه بنام(مؤیدالاسلام) نشر شده‌است مدیر فعلی‌آن عبدالحی‌خان است وا کنون جریدهٔ مذکور بزبان افغانی نشر میابد .

اتحاد :

این جریده نیز یکی از مؤسسه های اعلیحضرت همایون غازی است که اولاً بنام اصلاح درخان آباد قطغن نشر میگردید اولین شمارهٔ آن از مورخه ۲۹ داو ۱۳۰۰ و مدیرآن محمد بشیر خان میباشد ومدت قلیلی بنام (نهضت‌الحبیب)هم‌اشاعه‌میشد ، عبدالرزاق خان و محمد ابراهیم خان وبرهان الدین خان خوگیانی ومحمد یوسف خان یکی بعدازدیگر به نشراین جریده موظف بوده اند نگارندهٔ فخری فعلی‌آن غلام جیلانی خان جلالی است .

ارشاد النسوان:

مدیرهٔ این جریده (اسمارسمیه) و سر محررهٔ آن (روح افزا) از خانمهای افغان بوده ، شمارهٔ نخستین آن درکابل بتاریخ ۲۷ حوت ۱۲۹۹ شایع شده است .

افغان :

این روز نامه درکابل به مدیریت میرزا محمدجعفرخان قندهاری بتاریخ ۱٤سرطان ۱۲۹۹چندی نشر میشد .

الغازی :

این اخبار بسال ۱۲۹۸ درسمت جنوبی نشر میگردیدودر زمانیکه والاحضرت ع ، ج ، اعلیحضرت شاه محمود خان وزیرحربیهٔ حالیه درانسمت حاکم اعلی وسر افسر نظامی بودند تاسیس گردیده بود .

ابلاغ :

یکی از نشرات رایگان کابل بوده که درسال ۱۳۰۰ آغازبه‌نشرو وظیفه دارترتیب آن دراول میرزا محمداکبر خان وثانی سید محمدایشان خان خطاط بوده است .

اخبار حقیقت :

مدیرآن برهان الدینخان کشککی بوده درتاریخ ۲۲ اسد ۱۳۰۳ اولین شمارهٔ آن درکابل نشرگردیده است .

ثروت :

مدیر آن صلاح الدینخان سلجوقی‌بوده اولین شمارهٔ این جریده در کابل بتاریخ اول برج قوس ۱۳۰۳ نشر شده است .

انیس :

مؤسس و نگارنده این جریده در کابل محی‌الدین خان انیس است که بتاریخ ۱۵ ثور ۱۳۰۶ به نشرآن پرداخته است ، بنابعلت ناخوشی محی الدین خان چندی این جریده معطل و بعد باثر توجه اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی این جریده ملی دو باره حیات یافته و سرور خان جویا آنرا اداره و نشر نموده است ، سپس موظف نگارندگی آن محمدامین خان خوگیانی تااینوقت میباشد .

نسیم سحر :

در قوس ۱۳۰۶ در کابل تاسیس وسرمحررآن احمد راتب خان بوده است .

نوروز :

شمارهٔ اول آن درکابل به اول اسد ۱۳۰۷ به مدیری ع ، ج ، محمد نوروز خان سرمنشی حضور ذات همایونی و نگارندگی‌میرزا میر غلام خان از طبع خارج و نشر شده است .

جریدهٔ مکتب :

در سال ۱۳۰۸ در کابل تأسیس شده و نگارندهٔ آن جلال‌الدینخان‌طرزی بوده است .

اتحاد افغان :

این اخبار در زمان اغتشاش‌افغانستان درچمکنی‌درتحت‌اثر والاحضرت ع،ج ، ا،ا نشانشاه محمود خان وزیر حرب و نگارندگی یعقوب حسن خان در سال ۱۲۴۷ قمری نشر میشد .

اصلاح :

مؤسس این جریده ذات اعلیحضرت همایون محمد نادر شاه‌غازیست که اولاً در سمت جنوبی‌بتاریخ ۱۶ اسد ۱۳۰۸ شایع گردیده ، و بعد ازان در کابل بتاریخ ٤ عقرب ۱۳۰۸ بمدیریت و نگارش حسن سلیمی

نشر شده و بعد ازان محمد زمانخان ترکی معاون ادارهٔ اصلاح آنرا نشر نموده است سپس محمد امین خان خوگیانی مدیر و مؤظف به نشر این جریده گردیده است .

بعد از محمد امین خان خوگیانی برهان الدینخان کشککی به مدیریت آن متصوب شده و از تاریخ اول حمل ۱۳۱۱ هر روزه نشر و اشاعه میگردد .

دکورغم و غیرت اسلام :

این دو جریده در زمان انقلاب در مشرقی موقتاً تاسیس گردیده و نشر میبافت (دکورغم) در زمان والاحضرت صدراعظم صاحب بسمت مشرقی باهتمام ع ، ج محمد گل خان وزیر داخلیهٔ حاضره ونگارندگی ع ، ش سید حسن خان حال معین سوم وزارت حربیه شایع میگشت وغیرت اسلام در زمانیکه والی علی احمد خان درسمت مشرقی بود به اداره و نگارش عبدالحکیم خان نشر میشد .

الایمان :

درآوان اغتشاش از قریهٔ بابری سرخ رود متصل جلال آباد بنگرانی نیک محمدخان رئیس محلی ونگارندگی جناب مولوی محمد ابراهیم خان کاموی شایع میگردید شمارهٔ اول آن از تاریخ ذیقعدهٔ ۱۳۴۷ قمری میباشد .

حبیب الاسلام :

دراواخرماه رمضان «حوت» ۱۳۰۷ اولاً بمدیریت غلام محی الدینخان انیس پس ازان بمدیریت محمدحسین خان رئیس تدریسات وزارت معارف و ثالثاً به نگارندگی برهان الدینخان کشککی نشر میگردید .

معرف معارف :

تاریخ تاسیس این مجله اول سنبله ۱۲۹۸ شمسی است مدیرآن مجله در اول محمد حسین خان رئیس تدریسات وزارت معارف بوده است .

مجموعهٔ اردوی افغان :

این مجله در اول عقرب ۱۳۰۰ شمسی بنام مجموعهٔ عسکری بمدیریت عبداللطیف خان غند مشر نشر یافته است ، بعد ازان بمدیریت وسرمحرری آن ع ، ج محمد گل خان وزیر داخلیهٔ حاضره که دراوقت غندمشر بودند اشاعه میگردید ، سپس به مدیری عبدالحمید خان غند مشر و محمد عمر خان غند مشر (رئیس ارکان) و محمد یعقوب خان مدیر شعبهٔ ترجمه و محمد اکبر خان مدیر ترجمه نشر میشد ، اکنون از طرف یکعده جوانان فاضل نو تربیه شدگان نظامی افغانستان نشر و اشاعه میباید .

آئینهٔ عرفان :

بدواً در جوزای ۱۳۰۳ تاسیس شده ولی بنابر معاذیر چند معطل مانده ، پس از جلوس اعلیحضرت نادر شاه غازی دوباره از حمل ۱۳۱۰ باسطور در خشنده تری بمدیریت هاشم خان شایق به نشر خود دوام دارد .

مجموعۀ صحیه :

تاریخ تاسیس آن اول قوس ۱۳۰٦ است ، اما مدتی دچار عوایق گردیده ، تاریخ نشر ثانی آن ... جوزا ۱۳۱۰ و به مدیریت رشیدلطیفی تدوین و نشر میگردد .

پشتون ژغ :

مدیر مسئول آن فیض محمد خان ناصری است ولی یکعده از فضلای وطن مانند میرسید قاسم خان و عبدالهادیخان در نشر این مجله اشتراك داشتند ، اما متأسفانه این مجله بعد از انقلاب سمت مشرقی سقوط اختیار نمود .

حی علی الفلاح :

این مجلۀ شریفه اول جوزا ۱۳۰۹ تاسیس یافته سرمحرر آن محمد میر غلام خان است .

اقتصاد :

بتاریخ اول حمل ۱۳۱۰ تاسیس گردیده مدیر ونگارنده مسئول آن محمد زمانخان ترکی است .

کابل :

مجلۀ کابل در ۱۵ جوزای ۱۳۱۰ = ۵ جون ۱۹۳۱ از شهر کابل قدم در صحنۀ مطبوعات وطنی گذاشته وباقطع وحجم مناسب وزینکو گرافی های مطبوع ماهانه در ٦۰ صفحه (بدورۀ سال اول) و ۱۰۰ صفحه (بدورۀ سال دویم) نشر گردیده ، این مجلۀ که حاوی مضامین علمی ، ادبی ، اجتماعی ، تاریخی بوده ودر ردیف مطبوعات خوب افغانستان قراردارد از « انجمن ادبی کابل » اشاعه می‌یابد وهنوز مراحل دویم از عمر خویش را می پیماید .

هرات :

مجلۀ ادبی هرات ۱٦ حمل ۱۳۱۱ اولین شمارۀ خودرا شایع نموده واین مجله در تحت نظارت قاضی محمد صدیق خان انجام میابد .

پشتو :

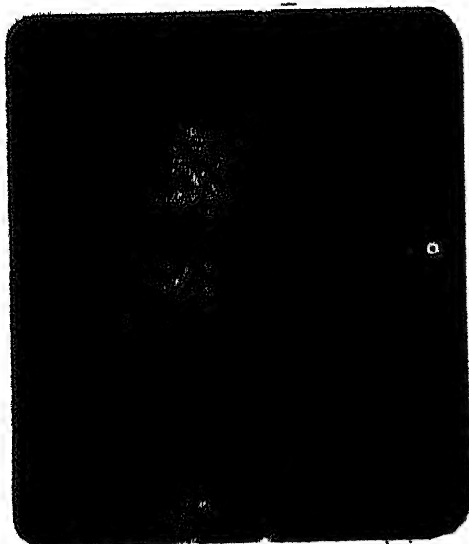
مجلۀ پشتو اولین شمارۀ خودرا بتاریخ ۱۵ جدی ۱۳۱۱ نشر نموده است . این مجله ماهواره در تحت نظر انجمن ادبی قندهار نشر میگردد .



سفرای کبار و وزرای مختار دول خارجه در کابل



عالیقدر جلالتمآب لیوند ستارک سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی



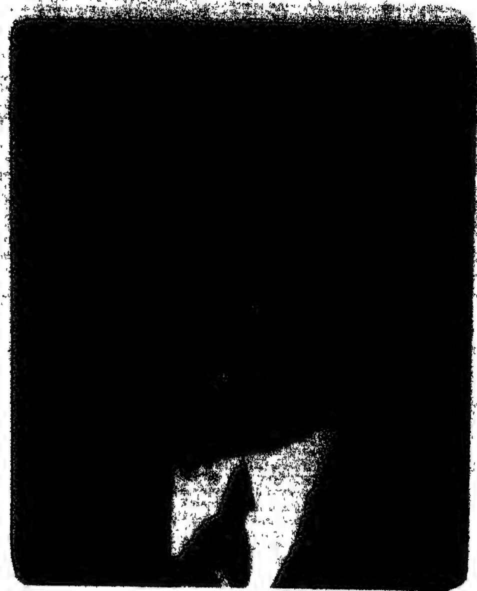
عالیقدر جلالتمآب آقای محمد تقی خان سفیر کبیر دولت علیهٔ ایران



عالیقدر جلالتمآب سر ریچارد میکانیکی وزیر مختار دولت بهیهٔ برتانیا



عالیقدر جلالتمآب ون جن رو کلاتی وزیر مختار دولت شاهی ایتالیا



عالیقدر جلالتمآب دکتر شوربل وزیر مختار دولت بهیهٔ آلمان



عالیقدر جلالتمآب جناب بودار وزیر مختار دولت بهیهٔ فرانسه



عالیقدر جلالتمآب جناب سعدالله فرید بیگ شارژدافر سفارت
کبرای دولت علیهٔ جمهوریهٔ تورکیا

«سفرای کبار و وزرای مختار دول خارجه در کابل»

سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورویه: ع، ج آقای لیوندستارك.

سفیر کبیر دولت علیه ایران: ع، ج آقای محمد تقی خان اسفندیاری.

وزیر مختار دولت بهیه بریطانیا: ع، ج آقای سر ریچارد میکانیکی.

وزیر مختار دولت شاهی ایطالیا: ع، ج آقای ون چن زو کلانتی.

وزیر مختار دولت بهیه المان: ع، ج آقای دکتور شور بل.

وزیر مختار دولت بهیه فرانسه: ع، ج آقای بودار.

شارژدافر سفارت کبرای دولت علیه جمهوریه ترکیه: عالیقدر آقای سعدالله فرید بیك.



تاریخچه شهر کابل

نام کابل، اسمی است که ازقرون قدیمه درصفحات جغرافیا وتاریخ آسیای کهن اخذمقام کرده است . این نام اطلاق بشهری میشد که غالباً مرکز تمدن وسلطنت پادشاهان با اقتداری بود . هرچند موقعیت سیاسیهٔ کابل درازمنهٔ قبل‌الاسلام چندان روشن وآشکارا نیست . با آن این قدر معلوم است که شهر کابل ازعصرهای زیادی حتی زمانهٔ اسکندر مقدونی درصحنهٔ حیات موجود فی‌الخارج بوده است . مورخین اسکندر از آن مکرر نام برده اند، وجغرافیای بطلیموس بقول شمس‌الدین سامی ـ از کابل بنام (کابوره) و (اورتوسپانه) تذکرداده است.

کابل از قدیم الایام معبر فاتحین و مهاجمین بزرگ و مختلف دنیا واقع بوده و نفوذ ملل متفرعهٔ هند چین ، یونان ، فارس ، مغول را گرفته وازیك بدیگر تحویل داده است .

چنانیکه نفوذ یونان ، عرب، فارس را ازین راه درهند ، ونفوذ هند ، چین را بفارس عزیمت داده است.

کابل نظر بموقعیت ومکان خویش ازابتدا مرکز تجارت دوبراعظم آسیا یعنی هندوستان وترکستان بوده است و بقول هیرودت مورخ یونان مال‌التجارهٔ کابل درتمام بازار های یونان وروم مشتری داشته است. ممکن است لاجورد افغانستان که منظور حضور فراعنهٔ سلسلهٔ دوازدهم مصر بوده و برای نقش و نگار قصور سلطنت بکار میرفت ، بعضاً از تجارتگاه کابل بکاروان ها سپرده میشد .

کابل درعهد یونانیان :

درحدود دونیم‌قرن قبل‌المیلاد یعنی بعد از اسکندر وعهد دولت های یونانی ـ باختر (بلخ) بالطبع مدنیت و اقتصاد کابل رو به ترقی و عروج رفت . زیرا مدنیت یونان از همین راه در مملکت هندستان وسیع انفاذ و ادخال میگردید .

بعد از آغاز قرن اول قبل‌المیلاد که دولت یونانیان بلخ بواسطهٔ حمله های میدیا از شمال و پارت ها ازغرب داخل دورهٔ انحطاط وانقراض گردید . دولت آنها درصفحات جنوب هندوکش استقرار یافت، پس به ترقیات ومدنیت کابل بیشتر افزود ، واین تمدن تابلادغزنی وبست (گرشك) وسیستان وسواحل سند امتداد یافت .

بعد ازتحقیق وحفریات مسیو فوشهٔ فرانسوی درافغانستان ، مسکوکات نقرئین و مسین (هرمایوس) آخرین پاد شاه یونانی کابل بدست آمده ، وبه دانهٔ آن در۱۹۲۸ مسیحی به موزهٔ نفسیهٔ کابل تحویل یافت. این پاد شاه درآغاز صدی اول بعدالمیلاد در شهر کابل سلطنت کرده است .

واقعاً نه تنها کابل بلکه مملکت افغانستان درعهد یونانیان درمنتهای عروج وترقی بوده است. مسیو فوشه میگوید شاهد این مطلب مسکوکات دی میترسن پاد شاهٔ یونانی بلخ درسال ۱۹۰ قبل‌المیلاد است . ازان به بعد مسکوکات یونانی افغانستان نشان میدهد که برخلاف اوایل حکمرانی یونانیان ، در یکروی سکه ها حروف یونانی ، و در روی دیگر آن حروف آریانه ثبت گردیده است . این حروف آریانه نه پهلوی ونه سانسکریت است . پس گفته میشود اگر نوشته جات تخت رستم فارس بانوشته جات کابل و جلال آباد مقایسه گردد معلوم میشود که نوشته هایذکورهٔ مسکوکات ازآن زبان آریانی است که بعلاقهٔ آریانه یعنی از کوهای هندوکش گرفته تاقرب و جوار پرسی پولیس رواج داشته است .

این مطلب بما میفهماند که یونانیان حکمدار نیز آهسته آهسته درتحت مؤثرات وعوامل مدنیت افغانستان گرفتار و آمیخته شده اند .

ازسیر یونانیان در افغانستان ، این قضیه مسلم میشود که شهر کابل درآن عهدها موجود بوده ، اماکی و ازطرف کیها اعمار شده، هنوز به نویسنده موضح و آشکارا نیست . تنها میتوان فهمید که کابل نام شهری قبل از ورود یونانیان درافغانستان وجود داشته است .

در یکی ازآثار آلمانی که اسم آن را فراموش کرده ام ، وقتی دیده بودم شهرکابل در ۷۲۰ قبل المیلاد از طرف پادشاه آثور سالماناساردویم بنا گردیده است .

کابل درعهد کوشانی :

کابل بعد از زوال یونانیان درافغانستان تاظهور اسلام ، مراحل مختلفی را در دوره های حکومات متعددهٔ طی کرده است، بعدازانقراض یونانیان سلسلهٔ بنام کوشان ازطایفهٔ تخارها (طخارستان= قطغن و بدخشان) ازشمال کابل نشأت کرده وقسمت عمدهٔ هندوستان رامسخر نمودند. این سلسلهٔ کوشانی خود هارا حامی دین بودا میدانستند ، ودر ترجمهٔ جغرافیای تاریخی فارس تالیف أستاد بارتولد مستشرق شهیرروسی شرحی دربن‌زمینه نگاشته آمده است . کابل تا قرن پنجم بعد المیلاد در تحت سلطنت کوشانی ها زندگی کرده است . مسکوکات (تا بیکی مالیك) پادشاه کوشانی کابل در قرن پنجم بعدالمیلاد ، در موزهٔ کابل موجود است .

در عهد سلاطین کوشانی برعلاوهٔ مدنیت وترقیات مادیه ، شهر کابل اهمیت یکنوع مرکزیت مذهبی را نیز پیدا کرد ، روابط مذهبیهٔ بلخ ، بامیان ، هده ، با مرکز کابل قایم گردید ، و این مرکزیت دران عهد خود بسی بر ترقیات کابل وجلال این شهر بیفزود .

کابل ویفاتله :

از قرن پنج بعدالمیلاد سلسلهٔ کوشانی- مثلیکه قبلاً طخار ها ازهندوستان طرد شده بودند - غالباً از بلاد جنوبی هندو کش نیز بجانب بلخ رانده شدند . در همانوقت از طایفهٔ تخار ها سلسلهٔ دیگری بنام یفاتله - که مؤرخین عرب آنها را هیاطله خوانند . عروج و در بلخ به تشکیل سلطنتی پرداختند .

یفاتله ها متعاقباً صفحات جنوب هندوکش را استیلا کردند ، وکابل تا نیمهٔ قرن ششم بعد المیلاد درزمرهٔ بلاد مشهورهٔ یفاتله ها امرار حیات مینمود . در نیمهٔ قرن شش تورکان با ساسانیان فارس متفقاً باستیصال دولت یفاتله پرداختند . بعد از انقراض یفاتله ، ترکان بر مملکت تخارستان که مشتمل بر ۲۷ ولایت بود تسلط یافتند ، واین تسلط تا ظهور اسلام طول کشید .

کابل وسلطنت هاي بومی :

در ونتیکه ترکان بر طخارستان مسلط شدند ، در کابل یك سلطنت بومی متشکل گردید ، عمراین سلطنت تا ظهور اسلام بلکه ظهور صفاریان سیستانی امتداد یافت . کابلشاهان یعنی پادشاهان کابل در حدود فتوحات مسلمین ملقب به رتبیل) بودند ، و دامنهٔ حکمرانی شان گاهی از جنوب شرق هندو کش گرفته تا جوار هند دامنه می کشید ، نام کابل هم چنانیکه یاقوت اشاره میکند اطلاق به ولایت کابل میشد که تا حدود هند تماس مینمود . در بعض از منهٔ معاصرین بومی پادشاهان کابل ، شاهان بومی بلخ مشهوربه آل داؤد وپادشاهان گردیز بودند . سلسلهٔ اول الذکر در عهد خلفای عباس و شاهان طاهری وصفاری حتی سامانی ها مشهور بودند بآل داؤد ، چه ابو داؤد محمد ابن احمد در اواخر قرن نهم در بلخ سلطنت داشته است . از پادشاهان گردیزیکنفر را باسم ابومنصور افلح ابن محمدابن خاقان ، صاحب زین‌الاخبار درمحاربهٔ یعقوب صفاری ذکرمیکند .

بهر حال از وقتیکه سلاطین بومی کابل به تشکیل سلطنت پرداختند تا زمان محاربات صفاریان سیستان هیچ یك ازفاتحین عرب بفتح حقیقی کابل وبلاد جنوب هندوکش کامیاب شده نتوانستند ، چنانیکه حجاج مشهور نیز درین زمینه ناکام ماند وصاحب طبری وهفت اقلیم بدان اشارتی می کنند تنها اعراب بگرفتن خراجی ازشاه کابل قناعت مینمودند . فقط یعقوب لیث بانی سلسلهٔ صفاریان در قرن نهم بعدالمیلاد توانست در نتیجهٔ محاربات سنگین زابلستان را لگد کوب ، وشارستان غزنی را تخریب ، ونوشار بلخ را باابنیهٔ آل داؤد متأسفانه هدم ، وهم پادشاهی کابل را بصورت قطعیه ضمیمهٔ ممالك اسلامی ساخت ، وهمین یعقوب بود که ازپادشاه گردیز خراج گرفت .

اما بعد سقوط سلسلهٔ صفار دو باره در شهر کابل سلطنت بومی متشکل وبرقرار گردید .

سپس از کوهستان مشرقی کابل یکقوم دیگری قوت یافت که مذهب بر همادا شتند سرکردهٔ آنها (کالاله) نامی بود که تاسیس یك سلسلهٔ شاهی جدیدیرا در کابل نمودند .

درزمان سلطنت این سلسلهٔ مذهب برهما درکابل رواج یافت پادشاه آخرین اینقوم موسوم به (جاپاپالا) ست .

کابل در سنه (۳۶٦ه ۹۷۷ م) داخل فتوحات سبکتگین شاه (۳٦٦ - ۳۸۷) غزنی شد ازان بعد اهمیت پای تختی کابل به شهر غزنی انتقال یافت .

در سنه ۵٤۷ علاؤالدین غوری غزنی را مستاصل گردانید کابل هم بدست غوریان درآمد، در سنه ٦۱۸ که چنگیز بغزنی رسید کابل هم بتصرف سپاه مغل درآمد.

در وقتیکه امیر تیمور کورگان بنای جهانگیری را گذاشته بود کابل در تحت ادارهٔ امیرحسین ابن صلای بن امیرقزغن بود . وچون امیر تیمور کورگان با امیر حسین قرابت دامادی داشت در اول باوی یکجا بکابل آمده و کابل را ازدست (پولاد بوقا واقبوقا) که اظهار بغاوت کرده بودند فتح نمود ونیز بعد ازانکه امیر تیمور امیر حسین را کشت خود پادشاه گردید کابل هم درتحت ادارهٔ او در آمده چندی امیر جاکو برلاس و چندی ابوسعید نامی را در آنجا گماشت .

بعد از فوت تیمور در ۸۰۷ ه میرزا پیرمحمد ابن میرزا جهانگیر بکابل پاد شاه گردید ، سیور غتمش که در کابل و زابل الی حدود هند والی بود در سنه ۸۳۰ وفات نمود رامیر شیخ علی مغل والی کابل شد .

بعدازان سلطنت بمیرزا ابوسعید بهادرخان شهید رسیده، میرزا الغ بیگ پسرش کابل را اداره مینمود درسنه ۹۰۷ مشار الیه در کابل فوت گردیده در اواخر سنه ۹۰۷ ه محمد مقیم نام پسر امیر ذوالنون کابل رامتصرف شد.

ظهیر الدین محمد بابر در آخر ربیع الثانی ۹۱۰ کابل را تسخیر نمود و تا سنه ۹۳۲ کابل ازطرف بابرشاه پای تخت جنوب هندو کش بود .

بتاریخ روز سه شنبه ۳ ربیع الاول ۱۱۵۱ ه نادر شاه ترکمان در هندکی (چهل ستون) وارد شد و کابل را گرفت .

چون در سنه ۱۱٦۰ اعلیحضرت احمد شاه درانی پاد شاه افغانستان گردید بواسطهٔ اینکه کابل تقریباً در وسط افغانستان واقع بود میخواست مرکز را درکابل نقل بدهد . چنانچه برای همین مطلب در سنه ۱۱٦٦ ه امر تعمیر یك دیوار بزرگ را در شهر کابل داده باهتمام سردار جانخان پوپلزائی سپهسالار سر انجام آنرا گماشت .



اعلیحضرت معظم غازی دراثنای ملاحظه ونهادن سنگ تهداب عمارت مکتب فنون حربیه در « بالاحصار »



در نمرهٔ (۲۲) مجلهٔ کابل، انجمن ادبی شرحی ازقدرشناسی و تقدیم تشکرات خود را بحضور اعلیحضرت غازی نسبت بتجدید تعمیر مقام تاریخی وطن(بالاحصارکابل) نگاشته و بملاحظهٔ قارئین‌محترم‌خود رسانیده بود ..

بروز دوشنبه (۱۷) ثورسال حاضر مراسم افتتاح تعمیرو گذاشتن سنگ تهداب آن بدست حقپرست همایونی صورت یافته بروزهای مابعد که برای تسطیح میدان بالاحصار عموم اعزه و اشراف ، مأمورین و اهالی کابل محض نشان دادن احساس ملی و علاقه داشتن به‌آبادی اینخاك تاریخی دران جا برای کار کردن حاضر شده بودند نخستین کار کردن از طرف خود ذات همایونی شروع گردیده‌بود .

اینك مابطور بشارت بأولادوطن که‌ازکابل‌دور وآنروزهای‌پرسرور را ندیده‌اند فوتوهای‌فوق‌را بملاحظهٔ‌شان‌میرسانیم .

و سردارجانخان این دیوار را چهارماه دور کابل اعمار نموده و باختتام رسانید ، یك ضلع دیوارمذکو
ازحد ماشینخانه اندرابی را دربرگرفته الی آخر گلستان سرای و ضلع دیگرحدسلاخخانهٔ خاص و بالای زیارت
بابه کیدانی را عبور نموده بهمین وضع از کدام حدی کج شده تادر وازهٔ لاهوری میرسید ، همچنین قسم
دیگر آن باپیچ و تاب بالای چند اول را عبور کرده در حدود ماشینخانه تمام میگردید ، و در و ازه های
این دیوار از اینقرار است :

در وازهٔ قندهاری ، در ده مزنگ .

در وازهٔ سفید ، در حد سلاخخانهٔ خاص .

در وازهٔ سردار جانخان ، در حد بابه کیدانی .

در وازهٔ پیت ، در حد و انتهای پشت مسجد عیدگاه .

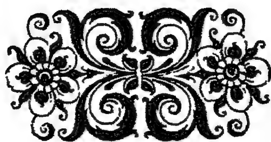
در وازهٔ گذرگاه ، لاهوری ، خافیا ، شاه سمند ها ، کبری ها ، قرت ها ،شیرازیها ، نیز دروازه‌های
این دیوار بود .

این دیوار بزرگ یازده مهره داشت وامروز یکحصهٔ آن که در یك گوشهٔ اندرابی داخل عمارت است
وتاحال مانده بعرض ۳ $\frac{1}{2}$ متر میباشد ، و یك گوشهٔ دیگر آن در مندئی خربوزه فروشی داخل خنقاه آنجا
تاهنوز است .

تاریخ حصار های کوه های کابل خوب معلوم نمیشود از کدام زمانه است بعضی میگویند از زمانه
رتبیل های کابل قبل از ظهور اسلام است و بعضی مینویسند بابر شاه حصار کوها را کشیده و جهانگیر
ترمیمی نموده است اما تپهٔ حصار کوها از زمان بابر و جهانگیر بسیار پیشتر بوده ولی این حصارها تازمان
تیمور شاه در هر دور ترمیم یافته و بعد ازان ترك شده است .

در عهد اعلیحضرت تیمور شاه افغان در سنه ۱۱۹۰ ه ۱۷۷۶ م رسماً کابل مرکز سلطنت قرارداده شد
و دوایر از قندهار بکابل انتقال یافت که تاحال بهمین صفت پایه تختی افغانستان برقرار است و روز بروز
در ترقی و عمرانات آن میفزاید . تنها درسال ۱۲۹۶ بسبب قتل کیوناری سنیر انگلیز بالا حصار آن که
اصل کابل شمرده میشد خراب گردید .

اما تاریخ خوود کابل و بگرام در پروان که میگویند کابل قدیم بوده هنوز روشن نشده است .



تاریخهای قابل دانستن از زمانه های قبل المیلاد الی امروز

نقل یهودیان ازفلسطین به بابل بواسطه بخت‌النصر :	۵۸٦ ق ، م
تولد بدها درهند :	۵۵۷ »
« کنفوسیوش درچین:	۵۵۱ »
جنگ ماراتن هافیا بین ایران ویونان :	٤۹۰ »
تولد هیرودت مورخ یونانی :	٤٤۸ »
جنگك اربیلا ـ اسکندر ودارای ۳ :	۳۳۱ »
قتل دارای سوم :	۳۳۰ »
سکندر درافغانستان :	۳۲۷ »
مرفوع شدن حضرت مسیح :	۳۰ میلادی
جلوس قسطنطین امپراطور :	۳۰٦ »
« خسرو اول نوشیروان :	۵۳۱ »
ولادت حضرت رسول اکرم :	۵۷۰ »
سال هجرت :	٦۲۲ »
رحلت حضرت رسول اکرم :	٦۳۰ »
جنگ یرموك ـ خالد ابن ولید وهرقل :	٦۳٤ »
فتح یوروشلم درزمان خلیفهٔ ثانی :	٦۳۸ »
فتح نهاوند بواسطهٔ نعمان ابن مقرن :	٦٤۱ »
ورود مسلمانان درهسپانیه :	۷۱۱ »
فتح اول هند واسطهٔ محمد ابن قاسم بعمر ۱۷ سالگی :	۷۱۳ »
جنگ تور فی‌مابین مسلمانان ومسیحیون عبدالرحمن و شارل‌مارتل:	۷۳۲ »

انقراض دولت اموی :	۷۵۰ میلادی
جلوس هارون‌الرشید :	۷۸٦ »
جلوس سلطان محمود غزنوی (زابلی) :	۹۹۷ »
فتح سومنات :	۱۰۲٦ »
وفات حکیم ابو علی سیناوی بلخی :	۱۰۳۷ »
جلوس سلطان صلاح‌الدین ایوبی :	۱۱٦۹ »
فتح بیت‌المقدس بواسطهٔ صلاح‌الدین :	۱۱۸۷ »
وفات ابن‌الرشد فیلسوف اسلامی در هسپانیه :	۱۱۹۸ »
تأسیس‌حکومت اسلامی درهند واسطهٔ قطب‌الدین افغان آیبك :	۱۲۰٦ »
حملهٔ چنگیز برعالم اسلام :	۱۲۱۸ »
انقراض دولت عباسی و خرابی بغداد به آشوب هلاکو خان :	۱۲۵۸ »
شروع سیاحت مارکو پولو :	۱۲۷۱ »
تاسیس سلطنت عثمانی در انقره :	۱۳۰۰ »
وفات تیمور کورکان :	۱٤۰۵ »
فتح قسطنطنیه بدست سلطان محمد ثانی :	۱٤۵۳ »
کولمبس درامریکه :	۱٤۹۲ »
انقراض دولت اسلامی در غرناطه .	» »
اعلان استقلال میرویس در قندهار :	۱۷۰۸ »
فتح ایران بواسطهٔ شاه محمود افغان ـ وانقراض دولت صفوی :	۱۷۲۲ »
واقعه دربند وشکست پطر اعظم ذریعهٔ سیدال خان افغانی :	۱۷۲٤ »
اولین معاهدهٔ دوستی ترك وافغان عهدشاه اشرف :	۱۷۲۷ »
جلوس اعلیحضرت احمد شاه بابای غازی :	۱۷٤۷ »

فتح احمدشاه بابا درپانی پت :	۱۷۶۱	میلادی
پای تخت شدن کابل :	۱۷۷۶	»
جنگ میوند :	۱۸۸۰	»
جنگ روس وژاپان :	۱۹۰۴- ۱۹۰۵	»
جنگ عمومی :	۱۹۱۴- ۱۹۱۸	»
حصول استقلال افغانستان :	۱۹۱۹	»
انقلاب درافغانستان :	۱۹۲۸ -۹	»
جلوس اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی ونجات وطن:	۱۹۲۹	»



وقایع مهمه دنیا

درسال ۱۳۱۱

' سال ۱۳۱۱ بآخر رسید ویکرشته مطالب مهمهٔ درصحنهٔ سیاست عالم زیر ورو گردید ، این مسائل خواه از اقوال تجاوز کرده و بساحهٔ عمل آمد یاتنها سیاسیون را ثانیه هـای سرگرم مجالسی ساخت بهر حال برای مطبوعات وجراید نیز مشغولیتی فراهم آورد ، غرض کسی که بخواهد گذارشات معتبرهٔ یکسالهٔ دنیـا را پیش خود اجمالی بسازد، بکمتر مهماتی بر میخورد که در ظرف یکسال اسـاس گرفته و انجام یافته باشد ، مثلاً بعضی مسائل معتنابهائی هستند که ازچندین سال پیشتر وازطرف اشخاصی پیش نهاد گردیده واساس گذاشته شده اما نتیجهٔ آن ذریعهٔ افراد دیگری و درین سال به تغییر زمان ومکان ظهور نموده وهمچنان مطالبی هستند که درین سال تازه بصحنهٔ سیاست دنیـا ظاهر شده و ممکن است خاتمهٔ آن درسال های بعد تری توسط عـوامل دیگری آشکار گردد .

در امتداد سال ۱۳۱۱ در ممالك بزرگ وکوچك جهان قضایای بسیاری از قبیل تغیرات وتبدلات طرز ومشی سیاسی حکومت‌ها، تمنیات وکشمکش‌های داخلی احزاب ملت‌ها، معاهدات دولی بادول دیگر مسافرت های سیاسی وغیره امور بسیاری رخ نموده که هیچکدام آنها در مقام خود خالی از اهمیتی نیستند . ولی متاسفانه بعلت ضیق وقت وازوم اختصار کلام ازاینکه تقدیم آن بانظار یك ملت وجامعه قابل اهمیت بوده است صرف نظر کرده وقناعت کردیم بچیدن چند نـکات مهمتری که ازنقطهٔ نظر عمومی مهمتر شناخته شده اند :

کانفرانس خلع سلاح :-

از زمرهٔ مهمترین واقعات که درین سال فضای دنیا را پرازولوله ساخته ودرساحهٔ مطبوعات عناوین بلند ومقام ارجمندی یافته موضوع خلع وتقلیل سلاح است این مسئله چون ازحیث لفظ ومعنی واجد صلح دنیا ومفاد بشریت تعبیر میشود عامهٔ اهل سواد عالم را بلااستثنای اقوام وطبقات بسوی درك مقصود ومفهوم آن بی اختیارانه میکشاند وازین جلب شدگان کمتر کسی خواهد بود که بمحض شنیدن ویا خواندن این کلمات فوراً یك امید آینده دردل خود ها احساس نکرده وزود باور نشوند مگر مدققین فهمیده اند که بهر اندازه عظمت نام و معنی آن ظاهر است دوچندان عملی شدنش مشکلاتی در پیش دارد .

چه ما نباید واقعهٔ امسالهٔ خلع سلاح را از صداهای امروزه شنیده به آن تازه گی بدهیم ویا از اقدامات جدیدش تلقی نمائیم همین موضوعات صلح وسـلاح است که توجه بعضی ازدول اروپا را از اواخر قرن ۱۹ بخود معطوف داشته وآنها را به قرار داد تاریخی ۱۸۸۷ وادار نمود که اخیراً کانفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹ بعد از جنگ جانشین اوست .

همین مسایل صلح پسندی است که نیکلای دوم قیصر روسیه را ۲۹ سال قبل برای معاهدات وقرارداد هائی بادول دیگر بر انگیخانده ودرعین زمان خودش را باژاپان دست وگریبان ساخت .

بالآخره همین صلح عام وخلع سلاح ملل است که بعد ازجنگ درظرف این چهارده پانزده بسال در هرجائی مانند پاریس، واشنگتن ، لندن، جینوا وغیره نقل محافل ونقل مجالس شده وآوازه های آن بنابرنوع پرستی وبشر خواهی اسباب سرگرمی ومشغولیت اهل دنیا را فراهم آورده .

اگرچه همیشه حدوث مصائب ونفاق اقوام مختلفهٔ عالم بوده که برای تاسیس ویااقدام بهانعقاد اینگونه محافل سبب گشته وآن ها را اهمیتی بخشوده اما این نکته را نیز بایستی اعتراف کنیم که این جنگ جهان سوز عمومی قویترین عاملی بود برای ملل وایجاد اتحادیه های دول وهمچنان بیجا نخواهد بود اگر اقدامات بعد جنگ را هم تااندازهٔ درین منکوره مهمتر وبمقصد قریبتر بخوانیم مخصوصاً بحرانهای یکی دوسال اخیرهٔ دنیا که آنهارا تائید کرد برای آینده های طولانی ازین قبیل پیشنهادات بسیار بعرصهٔ بشریت تقدیم و بیادگار خواهد گذاشت .

آخرین کانفرانسی که بنام تقلیل سلاح درجنوءاه فروری ۱۹۳۲ تاسیس شد گویا تاریخ آن یکماه و چند روزی از اوایل سال ۱۳۱۱ تقدم دارد اما مذاکرات وجریانات آن قسمت بیشترمطبوعات امساله رافرا گرفت . درین مرحله علاوه برکانفرانس هـای گذشته یکعدهٔ زیادتری بتقریب پنجاه تا شصت ممالك کوچك و بزرگ نماینده فرستاده‌اند وهم بعضی‌دول مانند افغانستان وشوروی و ایران وغیره که درین موضوع شمولیت نداشتند شامل‌شده اند، مباحث این کانفرانس هم تا اندازهٔ خالی از اهمیت نیست ولو اکثریه مذاکرات بگذشته ها ارتباطی داشته و بلکه از همان مسائل لاینحل مجالس قدیم بوده اند اما نظربه به تغیرات زمان و مقتضیات قوا وپیشرفتهای چندین ساله بعضی‌دول لهجه‌های مذاکرات درین مرتبه طوری تبدیل گردیده ودرخارج مذاکرات نظریات و عملیات جدید و متنوعی با آنها اضافه شده که طالبین اطلاعات صحیحه اصلاً در اسم و رسم کانفرانس دچار ترددی می شوند : آیا این کانفرانس تجدید سلاح است یاتقلیل سلاح و یاخلع سلاح ؟

بهرحال‌ما اگر بعقیده صلح جویان حقیقی خلع سلاح ویااقلاً تقلیل سلاح یادش کنیم دور لزنزاکت نخواهد بود کانفرانس خلع‌سلاح درظرف‌مدت همین‌سال چنددفعه تعطیل‌شده وباز مفتوح گشته وباترتیبات‌عمومی کمسیونهای خصوصی بری،بحری،هوائی نیز درآن‌تعین‌شده‌است تا هرکدامی به‌تخصص خود رسیدگی درامور وارده بنمایند.

دول مشمولین عموماً مرام کانفرانس را بانطق های ابتدائیه خویش بخوشوقتی تامی استقبال کرده وهریکی بنوبهٔ خود پیشنهاداتی داده وبیك صدا تقلیل سلاح والغاء بعضی تجهیزات مضره تعرضی وجنگ های شیمیائی وبمباردمان هوائی را خواستار شده وفقط لزوم قوای دفاعی ممالك خویش را جالب توجه کانفرانس قرار داده اند چنانچه به نطق ابیدائیه آقای عبدالحسین خان نمایندهٔ افغانی هم در کانفرانس به نسبت این مسایل اشاره رفته وقوای حربی افغانستان را تدافعی و برای وقایه امنیت داخلی خاطرنشان آن جمع گردانیده است .

گویا ندای خلع سلاح بدواً بلا استثنا از حنجرهٔ ضعفا واقو یابلند است تنها اختلافات نظری که اصل این مرام‌را درخاتمه دچار مشکلاتی مینماید ازطرف چند دولت های بزرگ ومشهوری است و آنچه درمطبوعات هم منتشر گردیده مذاکرات همان‌دول میباشند، متاسفانه ازدول کوچك کمتر اطلاعاتی بدست می‌رسد مگر درمواردی که عدهٔ ازان ممالك مصدق رای و پیرو یکی از دول بزرگ میگردند .

غرض از جلسات اولی که پیش ازتعطیل نیمهٔ مارچ سه پیشنهاد مهم مطرح مذاکره واقع شد مخالفت ها شروع والی آخر دوام ورزیدند مثلاً پیشنهادات اولی عبارت بود از الغاء سلاح تعرضی ، خلع سلاح نسبتی ، پلیس بین‌المللی .

الغاءسلاح بدواً ذریعهٔمسیوگراندی نمایندهٔایطالیا اظهار گردید، یعنی آنچه اسلحه‌رامعاهده ورسای‌اززمرهٔ توپ‌تانك‌طیاره وگاز وغیره برای آلمان ممنوع‌شناخته دیگران‌هم بایستی ازنگاه کردن آن ممانعت شوند واین‌پیشنهاد تقریباً ثلث نمایندگان را بااو متحد نشان داد اما درحین حال برخلاف نطق های ابتدائی مخالفت هائی هم از اطراف ظاهر آمد یعنی بعضی ها تفریق سلاح تعرضی وتدافعی را مشکل پنداشتند و برخی این معنی را بدون

تفتیش و اقدام عملی بین‌المللی برای نابود ساختن مؤسسات صنعتی آن عبث دانستند واز همه رنگین تر آنکه یکعده اظهار عقیده نمودند که بدون این سلاح جنگ بی نظم وباصول قدیم شده وفتح ناممکن میگردد !

نقشهٔ دومی و اسطهٔ لیتو نوف نمایندهٔ شوروی طرح‌شد که اگردولت ها دارای‌دوصد هزار فردعسکری باشند پنجاه در صد تقلیل و آنانکه بین دوصد هزار وسی‌هزار باشند کمتر تقلیل و سی هزار نفری بحال خود بماند واین نظریهٔ اولی اوست که بعدها تغییر مینماید یا آنهم چون دربین کوچك وبزرگ تفاوت های درستی قایل نشده بود چندان قابل قبول نگردید .

پیشنهاد سوم از نمایندهٔ فرانسه و ایراد کنندهٔ آن تاردیو بوده یعنی توسط پلیس بین‌المللی وگذاشتن قوای کافی اجرائیه بمجمع ملل ممکن است بعمل خلع‌سلاح امید وارشد. این نظریه فوق‌العاده جالب استغراب و تعجب عامهٔ نمایندگان شده ومایهٔ بسی مذاکرات گردید ولی چیزی نگذشت که در مذاکرات جلسات دیگر تقریباً در۲۰ جون نظریهٔ پلیس بین‌المللی‌را کابینهٔ جدید فرانسه ترك گفت .

بعد از ماه اول و دوم هم تا اواخر سال ۱۹۳۲ واوایل ۳۳ دراوقات جریان کانفرانس همینطور آنچه بیشتر در کانفرانس محل غور و تحقیق گشته پیشنهادات ویامسایل مربوطهٔ دول مشهور و بزرگ دنیاست که تعداد آنها از پنج شش دولتی مانند امریك ، انگلیس آلمان ، فرانسه ، شوروی ژاپون تجاوز نمی کند سایرین هرکدامی بیکی یاچندی دیگر ازین ها توافق نظر داشته است .

درمذاکرات ما بعد نظریات امریکا هم در روی زمینه تقلیل نسبتی با شورویها کمتر نزدیکی دارد بلکه امریکائی ها نظر به پیشنهاد هور رئیس جمهور که خود را بیشتر موسس کانفرانس و مؤید قویتر خلع سلاح میدانند طرفدار آنند که بعلاوه الغاء اساسی بعضی اجناس‌مانند جنگ‌شیمیائی‌تانك ها توپهای سنگین طیارات بم انداز که همه خراب و سرنگون گردند اصلاً از اصل قوای حربی عالم ثلث آن بنام دفاع ملی نگهداشته و از بقیه صرف نظر شود .

پیشنهادهای انگلیس ها با آنکه اکثرجنبه طرفداری خلع سلاح داشته ولی مذاکرات شان کمتر مشعر یك لهجهٔ فصیحی هستند مثلاً در موارد تمنای آلمانها همیشه بظاهر در خواست آلمان را خالی از استحقاق ندانسته ولی در مقابل فرانسه چون بعضی دول کوچك را طرفدار او دیده اند از تصدیق و احترام معاهده ورسای‌خودداری کرده نتوانسته اند فقط چیزی که از جانب آنها قابل اهمیت شناخته شود توجه نمایندگان آنها در ادامهٔ استقرارکانفرانس و تشویقات بسایر ملل در تقلیل نوعی از سلاح تدافعی و الغاء برخی از سلاح تعرضی است در اروپا. ژاپون ها کمتر به این مفکوره تمایل دارند بلکه با الغای تحت البحریها هیچ اظهار موافقتی نداشته و وجود قوای سنگین را هم اسباب دفاع ملی می شمارند .

واما مذاکراتی که‌درین کانفرانس بیشترازهمه‌جالب توجه وموردِاختلاف واقع می‌شود موضوع‌آلمان هاست، بزرگترین حریف آلمان درین مذکراة فرانسه واقع می شود و آلمان بعد ازانکه نظریات خویش را در اوایل با شدت و حدتی تساوی تسلیحات قرارداد، جریان کانفرانس را بنظر استخفاف دیده و بلکه از شمولیت نمایندگان خویش تامدتی استنکاف ورزید، آلمان ها مقر و مصر اند که تخفیف اسلحه و خلع سلاح باین مذاکره ها صورت گرفتنی نیست پس آنچه دیگران دارند ماهم باید داشته باشیم فرانسویها میگویند این ادعای آلمان مبنی بر تجدید سلاح آنها و در هم شکستن معاهده‌ورسای است و بس ، بلکه نظریهٔ آنها را که فرانسویها در جراید خود انتشار داده اند در ده مواد است که ازانجمله عده عسکر سه‌صد هزار نفری است باتوپهای بزرگ، تحت‌البحریها و غیره بالخاصه ۳۵ کارخانهٔ اسلحه سازی درین مقابل تشبثات آلمان از وسایل

متنوعی معلوم می شود که در صدد تکذیب دعاوی فرانسه است و تعقیب مفاد این جملات که در نطق صدر اعظم آلمان در جامعه مقارن اوایل سال هم گنجیده « هیچ کسی نمیتواند ملت آلمان را وادار نماید بیش ازین بحالهٔ فعلی که بحیثیت وشرافت و تامین او لکه وارد می نماید باقی بماند » اضافه برین آلمان ها در هر کجائی پیشنهادات فرانسه را نسبت به پلیس بین المللی و مسلح ساختن جامعهٔ ملل را به کامیابی فرانسه و سروری آنها یا محویت دول ضعیف تصریح میکنند .

بالآخره اصرار امریک، توجه انگلیس و اکثریت ملل یاجهد فرانسه، آلمان را هم که عدم شمولیت او اسباب ناکامی کانفرانس بلکه خطراتی تصور میشد بواسطهٔ انعقاد معاهدهٔ پنج گانه بطرف این کنفرانس کشیدند دول پنجگانه امضا کنندگان این قرارداد منعقدهٔ جنوء عبارت اند از امریکا ، انگلیس ، ایطالیا ، فرانسه ، آلمان. و مواد قرار داد حاوی این چهار مطلب است ، اولاً فرانسه و ایطالیا تصدیق می نمایند که اساس کانفرانس باید شناختن تساوی حقوق آلمان و ممالک خلع سلاح شده قرار گیرد این تساوی بشرطیکه تمام دول دنیا در تأمین باشند .

دوم : راجع بحضور داشتن آلمان ها درکانفرانس های آتی است سوم: شرط تعهدات فرانسه وآلمان و ایطالیا بادول دیگر که برای حل اختلافات متوصل بزور نشوند چهارم: توجه درمجله مقررات تقلیل‌آیندهٔ سلاح.

گویا پس ازین تاریخ هم جلساتی که دائر شده و مذاکراتی راکه کانفرانسهای ۱۹۳۳ نیز تعقیب نموده اند همان پروگرام لاینحل (هور) در فضای کانفرانس دوران دارد فقط کشمکش آلمان و فرانسه هم اخیراً با آن ضمیمه شده ، سوای این‌ها اقدامات عملی زائیدهٔ این مؤسسه بشمار نمیرود مگر برای فهمیدن نتایج قطعی آینده های طولانی تری را انتظار بکشیم ، یکی از مسایل مهمی که کانفرانس لازم داشت شمولیت آلمان بود و دیگری که فرانسه و طرفدارانش احتیاج شدیدی در آن احساس میکردندتامین صلح آینده از طرف‌آلمان، این هر دو تا حدی بظاهر حال صورت گرفته باز چیزی که در نظر حساسین دنیا برای صلح پیش بینی می‌شود غیر ازین هاست ، چنانچه یك نفر از ژورنالهای انگلیسی در مقالهٔ مبسوطی (که ترجمهٔ آن در جراید منتشر گردیده) پس از شرحی در اطراف این کانفرانس واغراض سیاسی دول مقتدر متذکر می‌سازد : « کانفرانس بجای آنکه جنگ را محدود و اسلحهٔ تعرضی غیر قابل تعبئی را منظور بندارد بهتر است تصمیمی برای محدود داشتن فاتح اتخاذ و استفاده از جنگ وغصب اراضی و مستملکات حتی غرامات را قانوناً غیر مجاز شمارند . »
بلی تا افکار فتوحات وهوس غالبیت در مغز اقویا باقی است تا دول بزرگ بکثرت قوای بری وبحری و هوائی خود شان مغرور بوده و در مقابل دیگران از اولویت و سیادت خویش گذشت نکنند، تا اختلافات نظر و باغراض سیاسی مانع تولید روح صمیمت واتحاد حقیقی است هیچ فکری نمیتواند صلح آینده را پیش بینی‌کرده و نا بودی جنگ را باچنین اقدامات تصور نماید خاتمه این کانفرانس هم مانند صلح ورسای خواهد شد که یك نویسندهٔ اروپائی پس از ختم معاهدهٔ کاوك وبریان در ۱۹۳۰ درتحت عنوان (جنگ های بعد ازصلح) مقالهٔ انتشار داده و تعداد جنگ های بعد از صلح ورسای را تا ۱۹۳۰ هجده جنگ شماریده و تفصیلات داده است ، چه در همین موقعیکه قضایای کانفرانس خلع سلاح را نوشته و مذاکرات صلح جویانهٔ ملل عالم را میخوانیم جراید موجوده یکجا ساختمان های آلات حربی آلمان و دول دیگر را ذکر میکنند دیگر جا حمل ونقل سلاح کثیره را ازایطالیا به هنگری و از انگلستان بجاپان می نویسند ، فقط وقت و فرصتی لازم است تاوقوعات سد صلح عمومی هنگام جریان یا بعد اختتام این کانفرانس نیز در رشته نگارش کشیده آید .



مجلس خلع السلاح عمومی که نمایندگان افغانستان جناب عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانستان مقیم ماسکو و آقای محمد عمرخان رئیس ارکان حربیه عمومیه نیز دران شامل بوده و از جاهائیکه به عکس نشان شده دیده می شوند

تجزیه منچوریا و طلب استقلال آن :

واقعهٔ دیگری که در ظرف سال ۱۳۱۱ از شرق اقصی بروز نموده و در ردیف مهمات امور دنیا قرار یافت تشکیلات جدید منچوریا یا منچو کو است ، قارئین محترم هرگاه ملتفت شده باشند در زمرهٔ اطلاعاتی که جراید در اوایل سال بمناسبت شرق اقصی انتشار داده بدواً قضیهٔ تجزیهٔ مانچوریا از چین و قرار گرفتن هانتك بریاست جمهور آن خطه و متعاقباً اقدامات جاپان برای شناختاندن استقلال منچوکو بوده که تماماً این قضایا در خاتمهٔ آخرین جنگ ۱۹۳۱ جاپان و چین رخ نموده .



هانك تن شاه جدید مانچوریا

اگر چه بظاهر استقلال برخی ملل از قضایای عادی وحقوق فطری است که در دنیا همیشه بنابر بعضی مقتضیات ملی و مملکتی اتفاق افتاده است ولی این واقعات منچوریا چون در اثر مداخلهٔ علنی جاپانی ها صورت گرفته و بر رغم رضائیت اکثریت ملت مانچوریا واقع گردیده اینست که بالطبع از هرزبان وقلمی در اطراف این مسائل گفتن ونوشتن تکرار میشود ، جمی عقیده دارند که تصرف منچوری بایستی ناشی از عداوتهای قدیم چین و جاپان باشد و جمع دیگر برآنند که این اصرار جاپان درطلب استقلال مانچوکو درحالیکه مبنی زیر استیلا ونفوذ خودشانست فقط برای سهولت انجام آرزو های سیاسی آیندهٔ توکیو خواهد بود .

بهر حال عداوت یااغراض سیاسی ، هرکدام باشد چنانچه دراوایل مقاله متذکر شده ایم این نوع مسایل از امور آنی نبوده و بی سابقه نیست چهوقتی گذشته های این دو حریف را مورد مطالعه قرار دهیم بدی عال اقتصادی و سیاسی مکشوف میگردد که باعث تولید عداوات و نقاصت هائی گردیده باشد .

مناقشه بین دولتین چین وجاپان تقریباً ازاواخر قرن ۱۹ بدینطرف شروع شده ومخصوصاً آغاز تجاوزات جاپانی بر علیه چین ازمحاربهٔ ۹۶ — ۱۸۹۵ است که ژاپان برای عظمت وسیادت خویش میخواست حصص از چین را در سواحل بحراصفر مالك گردد و تا اندازهٔ هم کامیاب گردید که شرح آن پر تفصیل است و درین‌مقاله نگنجد. جاپان بعد از ختم جنگ با روس ها و غلبهٔ که در نتیجه نصیب خودش گردید در تصرفات خرد افزوده وامتیازاتی چند را نیز در منچوریا دارا شد و همچنان بعد هر یك وقفه باز معاهدهٔ دیگری روی کار آورده ومنافع خودش با مضا میرسانید ، چنانچه در حین جنگ عمومی (۱۹۱۵) باغتنام موقع پیشنهادی موسوم به (۲۱ خواهش) را از چین تمنای تصدیق نمود که گویا بعقیدهٔ اغلب سیاسیون قبول این تعهدات برای چین اسارت کامل آن را ایجاب میکرد و جاپان در قبولاندن این پیشنهاد بحدی مصر بوده که شمولیت او را در زمرهٔ متحدین جنگ عمومی نیز از همین رهگذر پنداشته اند و او چینائی ها قبول این تعهدات را بزرگترین مصائب ملی دانسته و با وجود ضعف و ناتوانی نسبتی آنقدر خود هرچه بذرایع بعضی با یکوت

های اموال جاپانی که یك حرب اقتصادی گفته شود از قبول آن مخالفت میکردند کمتر چاره پذیر میشد تا بالآخر کانفرانس ۱۹۲۱ - ۲۲ واشنگتن و تهدیدات امریك و انگلیس تسهیلاتی برای چینی ها فراهم آورده وجاپان را از اقدامات تجاوزی ممانعت کردند . بترتیب معموله مدت این تسهیلات هم برای دایمی باچینی ها وفانکرده تا آنکه واقعهٔ شب ۱۸ ستمبر ۱۹۳۱ به آرامیٔ دولتین خاتمه داده قوای جاپانی بغتةً بنام انتقام قتل کپطان (نا کامورا) مأمور تفتیش خط آهن و یا جلوگیری از خرابی های آیندهٔ راه آهن منچوری مربوط بجاپان ، در چهاونی بزرگ ما کدن (پی تاین) حمله برده یك عدهٔ بیست هزار نفری را خلع سلاح کردند و صبح آن شهر ما کدن اشغال و هم نیوچون را ذریعهٔ یك جهاز جنگی بتصرف آوردند یعنی در ظرف ۱۲ ساعت تمام نقاط مهمهٔ سوق‌الجیشی مانچوریا بدست ژاپونی ها افتاد ، بدون آنکه کمترین دفاعی از طرف مقابل دیده شود اگرچه اخیراً جنگ شعله ور شده و طرفین باستعمال سلاح پرداختند ولی چین از اوایل بامید عدالت پسندی واقتدار جامعهٔ ملل فریب بزرگی خورده و بنهایت ساده گی قوای حربی و مناطق مهمهٔ خود را بعسا کر جاپان تسلیم کردند، باصطلاح خودرا دست بسته بدست دشمن سپردند غافل ازانکه ژاپان این مراتبه تنها بتوسعه اقتصادی خویش در چین قانع نبوده و اراده دارد بوسعت نفوذ سیاسی خود بپردازد ، فقط اقدامات چین پس ازان تسلیم فاحش عده های کثیر در مقابل تعداد قلیل عسا کر جاپان ، در بدو حال در خارج عبارت بود از در سال را پورتهائی بجامعهٔ ملل و در داخل همان بایکوت های ضد اموال ژاپانی و بس که قوای متجاسر ابداً بیاد داشت های واردهٔ مجمع ملل و دول دیگر وقعی نگذاشت و بلکه کمسیونی را که بریاست (لتن) مرکب از نماینده های دول امریك، فرانسه، ایطالیا، آلمان، انگلیس و غیره برای تحقیق اوضاع دولتین در دسامبر ۱۹۳۱ معین کردند همانست که تا کنون‌را پورت های موهوم آن مطرح بحث انجمن ۱۹ گانه است درقضایای موجودهٔ مانچوکو ، چیزی که بسیار قابل توجه و اهمیت شناخته می‌شود طول مدت مذا کرات و تحقیقات است که در امتداد این زمان حصص مفتوحه بفراغتی تامه زیر سلطهٔ جاپانی مانده ومنچوریا بکلی مستعد تجزیه گردید دراثر همین‌علت بود که درفروری ۱۹۳۲ رؤسای منچوریا، خاربین، کیرن وموکدن درموکدن اجتماعاتی کرده ودرصدد اعلان استقلال منچوری برآمدند وهمچنان درماه مارچ همان سنه(حمل ۱۳۱۱) مراسم معرفی هانگ تن (۱) امپراطور خورد سال سابق چین بریاست جمهور مانچوریا در چانك چن پایتخت جدید بحضور نماینده های بزرگ عسکری وسیاسی وغیره مانند (هانچو) جنرال وقوماندان قوای جاپانی در منچوری و (کنت یوشی وا) وزیر خارجهٔ سابق ژاپان بعمل آمد .

متعاقباً درستمبر همان سنه که بامیزان ۱۳۱۱ مطابقت داشته باشدجاپان معاهداتی باحکومت جدید در میان آورده هم خوددرسمیت اورا شناخته وهم بطرزی درپی آن برامد تا دیگران اورا برسمیت بشناسند .

تجزیهٔ منچوری به نسبت این اقدامات جاپان نه تنها تاثیرات شدیدی درمجامع ملی چین ایجاد کرد بلکه رسمیت مانچو کو مورد تردیدات و اعتراضات فوق‌العاده در نزد سیاسیون امریکا و اروپا واقع گردید که تا کنون مسئلهٔ رسمیت آن معوق مانده و موجب تشبثات عدیدهٔ سیاسی طرفین وصلح طلبان جنبهٔ ثالث شده ومی شود ، تشبثات چینی ها گرچه بطور معتاد بعضی پروپاگند های ضد جاپانی وتقدیم نوتهها درمجمع ملل وبعضی جاهای دیگر

(۱) هانك تن یاهنری پو ویاپوئی اسما و القاب همین پادشاه جدید منچوکو است که ازیادگارهای خاندان سلطنت دو نیم صدساله مانچورها بوده ودر ۱۹۱۱ باخورد سالی‌خود یعنی درپنج سالگی برتمام‌مملکت وسبعهٔ‌چین حکمرانی داشت واز ۱۹۱۱ بهبعد بواسطهٔ انقلابات داخلی مخلوع و آواره گشت در ۱۹۲۶ چندی شغل صرافی داشت بعد در شانگهای بعتیقه فروسی اقدام ورزید اخیراً در چانك چون که حالا بنام سنك كنك معروف شده اقامت می نمود .

مانند لندن، واشنگتن، پاریس ، رم میباشند مع هذا از تحریکات مختصر حربی نیز دریغ نمی کند وبهمرفته وضعیت چین رنگ یك انقلاب مظلومیت را گرفته وباثبات ومتانت توام است .

امریکا طوری برسمیت مانچوکو مخالف شد که حتی‌دران موقع‌از اظهار این جمله هم‌خود داری‌نتوانست: «هرگونه اقدامات رسمی که از طرف قونسل ژنرال امریکا درخاربین بعمل آید دلیل برین نخواهد بود که حتی بطور غیر مستقیم هم دولت منچوری برسمیت شناخته شده باشد » دولت شوروی گذشته از سکوت درقبول رسمیت مانچوکوبه نسبت مفاد خویش هراسان شده‌اظهار بلاخطار نمود که‌بموجب معاهدات‌پکن و ماکدن راه آهن‌شرق چین متعلق بروسیه و تحت مدیریت طرفین میباشد .

غرض اظهار عمومی منافی تأمین یا تائید رسمیت استقلال مانچوکو بوده بلکه مجمع ملل مسائل را بموجب اظهارات دولتین و راپورت های (لتن) در کمیتهٔ ۱۹ گانه تحت مذاکره گرفت، مقاصدچین همان دادخواهی است که ژاپان را متعرض بر تمامیت حاکمیت و اراضی ملی خودش میداند واین مضمون بسیار تکرار شده ولی جاپانی ها بآن گوش نداده و اعمال‌تجاوزی خود را در زیر تمنیات ملی و آزادی خواهی منچوریها پنهان میکنند در عین حال اینقدر میگویند دولت ژاپان مسئول امنیت شرق اقصی میباشد و بهمین لحاظ قیام عسکر جاپانی در منچوریا بمعاهدهٔ قید آمده و همچنانکه مانچوکو ضامن حفظ منافع جاپان است ژاپان هم مجبور است از هیچ نوع اقدامی راجع‌بامنیت مانچوکو دریغ‌ندارد وبتائید مقال ژاپان این نکتهٔ اخیر یعنی لفظ امنیت که مجمع ملل‌باید حاضر قبول رسمیت مانچوکو شوند‌در داخل منچوریا نیز عده های تقریباً ده هزارنفری بر انگیختانده شده که صدای امنیت منچوریا را بتاکید رسمیت استقلال آن ذریعهٔ تلگرامات بگوش مجمع برساند از طرف دیگر به پالیسی دیگری در داخل منچوریا مخالفین بتعداد کثیر وبنام های مختلف یعنی مخل امن وآسایش از بین برداشته میشوند ، علاوهً درکمیتهٔ ۱۹ گانه مخالفت اولین نماینده های جاپان برعدم شمولیت امریکا و شوروی است ولی مجمع همین تمنارا هم بشرط قبول شدن سائر تجاویز حاضر اجرا شد ، مگر در ساحت تصدیق جاپان پذیرفته نشد تالزوم کمیتهٔ کوچك بامید کامیابی بریاست نمایندهٔ آلمان و اعضائی از نمایندگان فرانسه، ایطالیا، هسپانیه، انگلستان ، سویدن ، یوگسلاویه، بلجیم، سویتزرلیند منعقد گردید .

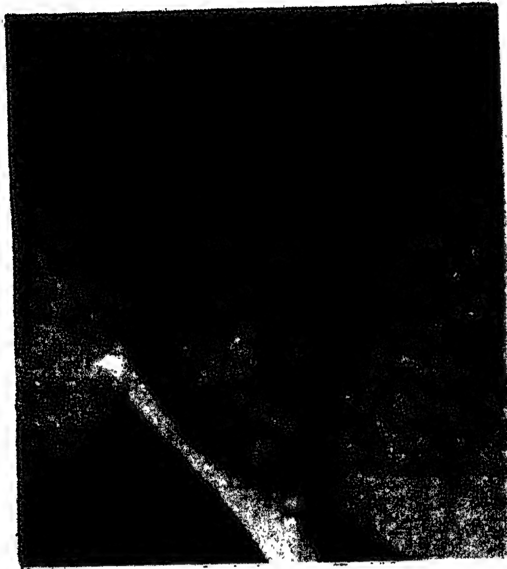
این کمیته هم پس از غور و تحقیقات لازمه تسویداتی حاضر ساخته و اظهار نظریه کرده اند که انجمن ۱۹ گانه این تسویدات را بنظر مخالفت ندیده ونباید رسمیت مانچوریا را به این رژیم موجوده اعتراف نمایند .

علی ای حال از طرفی مذاکرات آخری نا معلوم است و ازطرفی هم جاپان ها چون موقع را غنیمت دانسته روسها را مشغول تنظیمات جدید داخلی و تکمیل قوای نظامی ، و امریك را مستغرق اصلاح بیکاریها وبحرانهای اقتصادی می‌بینند خودش صحنهٔ چین را معرض تاخت وتاز قرارداده و از اقدامات خویش در جیهول و جیفنگك بچینی ها می داناند که اوتنها بخطهٔ میخوریا قانع نیست، بااینهادرحل قضایا ونتیجهٔ آیندهٔ اوباین زودی وآسانی امیدواری نیست جاپانی ها وقتی زحمات بسیار ومصارف گزاف‌چندین سالهٔ خویش رامدنظر گرفته وهم به نسبت اقتدار موجوده کامیابی های اقتصادی وسیاسی آینده را ازحیث تصاحب این چنین یك خطهٔ حاصل خیز و نقطهٔ مهم سوق‌الجیشی پیش‌خود جلوه میدهند محال‌است بسهولیت ازنفوذخود درمنچوری صرف نظرنمایند در مقابل گرچه هرکدام از دول اروپائی که در چین منافعی دارند بمنچوریا علاقه مندند ولی بیشتر امریك ازجهة رقابت

وسیادت ، روسیه ازپهلوی منافع وچین ازواسطهٔ که هستی خودرا برسراین مطلب خواهد گذاشت ۳ حریف قوی پنجه میباشند که سد راه اوشده بلکه بالای این طعمه با ژاپان دست وگریبان خواهند شد. دربن‌میانه تنها انگلیس اگرمدد کاری خودش را باژاپان دوام هم بدهدباز اسباب پیشرفت او نشده واصرار ژاپان علاوه براینکه شعلهٔ جنگ آیندهٔ دنیارا دامن بزند بکامیابی حقیقی ژاپانی ها تمام نخواهد شد.

آلمان وتمنیات او :

دولت آلمان گرچه از بعضی جهات در اغلب مواقع سطوت و تجمل اوهم از زمرهٔ مقتدرین دول درجهٔ دوم دنیا بحساب رفته ودر اولویت آن ترددی موجود بوده ، ولی بسا امتیازات و خصوصیاتی ازان دیده شده و میشود که مطامین نا گزیرند وضعیات آنرا قابل اهمیت قرار داده وبلکه به نسبت تغیرات زمان محور مهمترین وقایع دنیا بشمار آرند.



هرهتلر رئیس الوزرای آلمان

دول قویه و معظمهٔ دنیا نظربه زبردستی که از آلمان درحین جنگ عمومی دیده‌بودند درختم جنگ اورا برای حفظ ماتقدم وبنام اطمینان آیندهٔ دنیا از خطرات مدهشهٔ جنگجوئی و جهانگیری طوری به زنجیر هـای اسارت مقید ساخته ، از اقتداراتش کاستند و بارگران غراماتی را بردوش اوگذاشتند که برای ابدی قدراست نتوانسته وبایستی از صفحهٔ هستی محو و نابود گردد ولی اطلاعات اخیره باثبات رسانید که آلمن علاوه براتکه در زیر فشار مصائب ترك هستی نگفت، روح زندهٔ آن نیز دوباره بوضع جوانتری تجدید شد ، وبواسطهٔ تشکیل پارتی های سیاسی ونیم نظامی ملی ودیپلوماسی موشکافانهٔ خود باقد راست و قدمهای فراخ درصحنهٔ سیاست عام متقابل رقبای ظاهری وباطنی عرض اندام نمود ، وبرویهٔ تازه تری بسوی مقصود روان گردید.

درظرف همین سالی که ماوقایع مهمهٔ آنرا گرد می‌آوریم بزرگترین مسائل که از محیط آلمان بفضای عالم تراوش یافته عدم پرداخت غرامات وطلب تساوی سلاح است ، گویا ملت آلمان پس ازچهارده پانزده سال بعد از هزیمت تدابی در اثر استقامت و پافشاری یا مجاهدات فوق العاده استعداد آن را بهم رسانید که شکست وریخت ظاهری ومعنوی خودش را ترمیم ومالك یك حکومت غیور و فداکار مثل حکومت‌هتلر گردیده سلاسل معاهدهٔ ورسای را پاره کرده برای یکبار بل تکرار صدای انکار تادیهٔ غرامات وتساوی سلاح را از حنجرهٔ قوی بایك لحن آزادانه اصرار آمیز درمجامع مهمهٔ دنیا اظهارنماید. کسانی که وضعیت آلمان را بعد از جنگ درنظر گرفته و بااقتدار موجوده اش تطبیقاتی دهند میدانند که این اقدامات امر سهلی نیست چنانچه تحمیلات و مصایب هم که پس ازجنگ عمومی و معاهدهٔ ورسای برین ملت واقع گشته خالی ازمشقات ومهماتی نبوده ،

بهر حال نخستین موضوع نوشتن ما درین مبحث مسائل غرامات جنگ است ویقیناً این مسئله هرچه رودتر شن ترش بتائید قول ما اهمیت اوضاع آلمان را خوبتر ظاهر خواهد ساخت .

غرامات جنگ تاکنون بمیزان ابتدائی خود باقی نمانده ودرهرسالی تبدلاتی دیده بلکه دراوائل تعیین مقدار آن نظریات مخالفی بوده مثلاً بدواً در ۱۹۱۹ بحساب فرانسه کلیه مبلغ غرامات را بالغ بر ۲۰۰ ملیارد دلار نوشته اند، وبه نظریهٔ امریکا ۲۵ ملیارد دولار، تاآنکه تعیین یک میزان حقیقی ومعتدلتری که بکلی اسباب انکار آلمانها نشده وقابل برداشت آنها باشد بکمیسیون غرامات محول شد وازکمیسیون دراوایل سال ۱۹۲۱ جمله مبلغ پرداختی آلمان بیک صد وسی ودوملیارد مارك طلا بانفع صد پنج معین گردید .

قرار قول اکثر جرائد چون در ۱۹۲۲ و ۲۳ فشار غرامات سبب تجزیهٔ رن وتسلیم آن بفرانسه گردید امریك و انگلیس یك اندازه از اظهار تأثر خود داری نتوانسته و تجدید نظر این قرار داد را هم خواهش نمودند ، تا وجه پرداخت غرامات بحساب صحیح تری با قدرت و توانائی آلمان توافقی داشته باشد ، اثر این کفتکوپلان داویس را روی کار آورد و در ۱۹۲٤ مورد قبولی متفقین گردید ، این نقشه هم بواسطهٔ که اقساط اوایل او سهل و اواخرش مشکلتر شده میرفت چندان همدردی با آلمان کرده نتوانست بلکه آن دولت را به سایر قروض خارجی نیز مبتلا گردانید .

متعاقباً در ۱۹۲۹ پلان یونك تشکیل و مواد مرتبهٔ آن در ۱۹۳۰ بتصویب رسید و این نقشه قروض را بدو قسمت تعیین کرده بودیکی مربوط باقساط سالیانه و دیگری غیر مشروط که بهیچ موردی ممکن نباشد تابع استمهال بشود و این ترتیب هم بنوبهٔ خود در اقساط اخیراً اضافه تر میگردید .

غرض در ظرف این اوقات بهر پایهٔ که متفقین در اول مرحله تشدد داشتند بعد تر ملایم تر شده و به ترتیبات متنوع سهل تری مانند سهولت ابتدائیه قرار داد داویس اقساط طولانی تر یونك ، فکر تجارت به پول غرامات و تاسیس بانك بین‌الملل طالب غرامات گردیدند، بالآخر گذشته ازاینها سر تشویق را پیش گرفته و بزرگترین مایهٔ تشویق تخلیهٔ رن را در ۱۹۳۰ قرار دادند ، اما بحران های مهم عمومی دنیا که درین یکی دو سال اخیر شروع شد و کسر فاحشی هم در بودجهٔ آلمان رخداد آلمان ها را علاوه بر سر تکانی از پرداخت غرامات و اصرار در استمهال به بعضی افکار وتحریکات ملی و سیاسی نیز متوجه گردانید ، چنانچه اتحادیهٔ گمرکی (۱۹۳۱) بین آلمان و اطریش نتایج همان تحریکات بود که آلمانها بهانهٔ چاره های اقتصادی گرفته و مجامع فرانسه بنام اتحاد سیاسی آلمان و همجوار های او تعبیر کرده و بجدی مخالفت کردند تا مساعی آلمانها دران زمینه عقیم ماند .

مقارن این اوقات در اواخر جون ۱۹۳۱ در اثر مذاکرات برونگ صدر اعظم آلمان و وزیر خارجهٔ آن ، هور رئیس جمهور امریکا پیشنهاد یکساله مهلت نمود و چون این مهلت هم بهبودی اوضاع آلمان را تأمین نه نمود در جنوری ۱۹۳۲ صدراعظم آلمان صریحاً اظهارداشت که دولت آلمان پس از اتمام مدت مهلت هم دیگر توان تحمل غرامات راندارد و همین پیشنهاد متعاقباً دراپریل همان سنه از طرف وزیرمالیهٔ آلمان تائیدو تقویت گردید، تااخیراً در ۷ جولائی ۱۹۳۲ که مصادف است با ۱۷ سرطان ۱۳۱۱ مسئلهٔ غرامات درکانفرانس لوزان بترتیب دیگری خاتمه یافت، یعنی در زمرهٔ پنجفقره قطعنامه های که دران کانفرانس بامضای دول مشمولین مجلس مذکور رسیده یکی

قطعنامه مربوط بعدم پرداخت غرامات است و نتیجه چنان ظاهر شد که آلمان بوسیلهٔ بروات و قبوضیکه مجموع آن ۳۰۰۰ ملیون مارك باشد مبلغی پرداخت خواهد نمود ولی نه در۳سال اول ودول طلبکار درقسمت مصارف این وجه اختیار دارند که بموقع مقتضی باتصمیماتی که در لوزان بنام ترمیمات اقتصادی اتخاذ گردیده اقدامات لازمه بعمل آرند .

اگرچه متأسفانه در امتداد مدت ۱۲ ساله یعنی از ۱۹۱۹ تاسال ۱۹۳۱ میزان صحیح مجموع پرداختی آلمان طوریکه قناعت نویسنده را حاصل کند معین نشده چرا که نشرات جراید داخله و خارجه جائی میزان پرداخت کلیه غرامات را ٤٥۷۸ ملیون مارك نوشته اند و جائی ۳۰۰۰ ملیون دلار ؛ بهر تقدیر هر چه باشد ولی مسائلیکه برای تادیهٔ دیون ویا هنگام پرداخت، آلمان هارا دچار سختی ها و فلاکت های اقتصادی نمود یکی قروض سنگینی است که از خارجه برای اصلاح وضعیت اقتصادی خویش گرفتند، میگویند در بین‌سالهای ۱۹۲٤ و ۱۹۳۰ در حدود هفت ملیارد دلار سرمایه های خارجی داخل مملکت آلمان گردید .

موضوع دیگری که این دولت را درپرداخت غرامات ناتوان ساخته و ازقوای‌طبیعی اوکاست تجزیه وانتقال بعضی حصص و مستعمراتی آن خطه بقیمومیت متفقین بود که کلاً متجاوز از ده ملیون مربع اراضی بیشتر حصص مستعمراتی در افریقا و قسمتی دراقیانوس کبیر بوده قسمت های معادن : آهن ، سرب ، روی ، ذغال در اثر جدا شدن الزاس لورن، تقسیم سلزی علیاء، تولیه وتفویض موقت حوضهٔ ذغال راین یاسار بفرانسه و غیره از دست آلمان ها رفت ، محصولات فلاحتی در صد (۱۵) بدولت لهستان منتقل گردید همچنان بعضی مفاد تجارتی با مستعمرات دور از آلمانها ماند بالخاصه تجارت بحریه و امتیازات آن در چین سیام مراکش و غیره منسوخ شد اینها همه خسارات اقتصادی است که برای آلمان ها زائیدهٔ جنگ مانده و در وقت عسرت مزید فشار گردید. ازقضیهٔ غرامات که بگذاریم تحدید سلاح وتقلیلاتی که درنظام وارد آمد هم بنوبهٔ خودش خالی ازمصائب ملی وشکست سیاسی نبوده مثلاً حدمعین عدهٔ عساکر بصد هزار نفر ، منع گرفتن نظام اجباری و نگهداشت عسکر احتیاطی ، محرومیت اسلحهٔ سنگین از قبیل تانك ها ، توپخانهٔ سنگین ، گاز ، هوا پیمائی جنگی وغیره که شرح وبست آنرا درینجا اگر بنویسیم تکرار خواهدبود ودرقسمت کانفرانس‌خلع‌سلاح تفصیلاتی داده شده فقط آنچه قابل ذکر است اقدام و اصرار رسمی آلمان درطلب تساوی سلاح میباشد بعد از فراغت مسئلهٔ غرامات که درختم کانفرانس لوزان تااندازهٔ افاقه و تسهیلاتی بهاحوال آلمان‌ها فراهم آمد شروع مذاکره بمجامع دنیا وآغاز قلم فرسائی درجرائد بهنسبت نوتهٔ جرمنی بفرانسه وبعد در امریك و انگلستان از نیمهٔ سال ۱۳۱۱ به‌بعد است (ستمبر ۱۹۳۲) چنانچه نطق فون پاپین صدراعظم آلمان که بوسیلهٔ بی سیم ایراد گردید مؤید آنست : سیستم غرامات گذشته سپری شده و ضمناً بانظر تحسین باید اظهارات سابق جنرال سچلیشر را تکرار کرد دایر براینکه بی‌عدالتی که دروضعیت کنونی تسلیحات وجوددارد برای آلمان غیرقابل‌تحمل است.

بااینها آلمان ازطرف دول ذی علاقه دربن موضوع چندان جواب فصیح ومقصدنزدیك نشنید چرا که دول طرف مقابل گاه بخموشی گذرانیدند و گاه به‌مظنهٔ مشورهٔ نمایندگان خلع سلاح حواله نمودند، حقیقةً جواب این سؤال آلمان را ازمذاکرات کانفرانس خلع‌سلاح خوبتر میتوان‌فهمید. برگردیم به‌قضایای اخیری که‌درآلمان رخداده واینهم درسیاست عالم خالی ازتاثیری نیست، موفقیت هتلر بریاست وزرائی مملکت‌آلمان چنانچه پیشتر گفتیم باموضوعات غرامات و طلب تساوی تسلیحات ارتباط تامه دارد بلکه اگر نظری بسوابق حزبی آلمان و تمنیات قدیم‌تر حزب‌نازی بیفگنیم آن دو موضوع اولی را نشأت یافتهٔ همین مقصد متأخراذکر خواهیم یافت .

هتلر سر دستهٔ حزب نازی یا ملیون سوسیالست است، مرامنامهٔ حزب هتلر که تقریباً ۶- ۷ ماه پیشتردر جرائد وطنی هم انتشار یافته مرکب‌از ۲۵ ماده و مقاصد مهم آن عبارت اند از تساوی حقوق آلمان ، استرداد آراضی متصرفهٔ سابق او ، الغای معاهدات اسارت آلمان ، مبارزه با منافع خارجی و طرد اتباع خارجه از وطن، رواج قشون‌اجباری بالآخره ایجاد روح وطن پرستی و غیره چیزهائیکه به بزرگواری آلمان تعبیر شود .

در عالم سیاست کمتر فکری کامیابی هتلر را برتبهٔ ریاست وزرائی در کابینهٔ آلمان حدس میزد علاوه بر مجامع سیاسی مخالفین خارجی این دولت احزاب ، سیاسی داخلی هم از کوچك و بزرگ مخالف و رقیب او شناخته میشدند حتی شخص رئیس جمهور در اوائل به هتلرنظریات نیکی نداشته مع هذا هتلر تمام این موانعات را بجهد خستگی نا پذیر خویش و قوای طرفداری نازیها از پیش راهٔ ترقیات برداشته و بعزم دیرینهٔ خود فایق آمد .

فشار های نا قابل برداشت بعد از جنگ و وضعیات اخیرهٔ آلمان مقتضی همین سیاست شد که برخلاف رویهٔ معتدلانه اوائل برای تخویف حریفان و جلب.توجه آنها در تسهیلات آیندهٔ خویش از سیاست های احزاب تندرو بیشتر کار بگیرند .

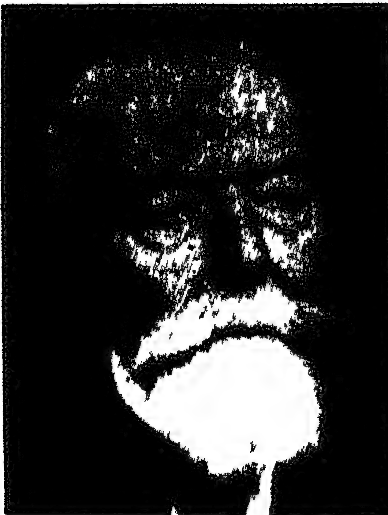
انتخاب هتلر بریاست وزرائی آلمان دول ذی علاقه و یا هم چشمان آن را بسیار بهیجان آورد، آنها تنها بروی کار آوردن این کابینه را از زمرهٔ تند رویهای آلمان حساب نمی کنند بلکه از آغاز کابینهٔ فون پاپین تغیر بارزی در سیاست آلمان دیده و عقیده دارند کابینه های چند سال پیشتر آلمان معتدل و زمامداران متکی بحزب سوسیال د موکرات بوده و بمناسبات هر موقعی تمنیات خود را با لحن ملایمی ظاهر میساخته گویا مصادر امور رضا نداشتند اختلافات وتنفر جدیدی بروز کند کابینهٔ فون‌پاپین وبعدازان کابینهٔ فون‌سچلیشر در حالیکه هم وزارت حرب و بحریه را داشته و هم ریاست کل قوای اجرائیهٔ مملکت را دارا شد تغیر کلی در اوضاع داد ، در صورتیکه فون پاپین و فون سچلیشر در حالت بحران های مالی و سیاسی آلمان تندروی داشتند کابینهٔ هتلر که ازنقطهٔ نظر جریانات اخیره ومرام قدیمهٔ حزب او بمراتبی باید شدید تر باشد آنهم در اوقاتیکه وضعیت سیاسی ومالی آنها روبه بهبودی است وبار سنگین غرامات هم با آنها آزاری نمیرساند شاید بیشتر اسباب نارضائیت اطراف مخالف را فراهم نماید .

درین تراکم اطلاعات خارجی و واقعات داخلی آلمان چیزی که متفحص را بر اوضاع و خیم آینده متوجه میسازد اینست که مخالفین ومخوفین موجوده که سردستهٔ آن فرانسه ولهستان و بعد انگلیس است عاجز خواهند بود از فراهم آوردن اتحاد قوا و اعداد ممالکی مانند متفقین قبل از جنگ ، تا بتوانند با آن ذریعه باز آلهٔ تهدیدی برای آلمان حاضر آورده و از خطرات آینده جلوگیری نمایند ، چه حوادث داخلی آلمان در ۶ - ۷ ماه اخیر سال ۱۳۱۱ از قبیل شور و غوغای احزاب مختلف ، مخصوصاً نمایشات جم غفیری متجاوز از یك لك نفر کلاه فولادی ها در حضور ولیعهد سابق آلمان ، توازن حزب نازی وسوسیالست در انتخابات که نتیجهٔ آن تغیرات کابینه ها و تعلیم اجباری در مملکت وتزریق فکرالغاء معاهده ورسای در روح طلاب مدارس، بالآخره جریان ساختمان آلات وادوات حرب وبسااعمال دیگری که ازنظر دنیا پوشیده است همه تعقیب مفکوره‌هائیست که بایستی اساس جمهوریت را متزلزل ساخته و جامعهٔ آلمان را بسوی امپراطوری و مطلقیت سوق بدهد وقتی که اعادهٔ وضعیت قدیم و یا انجام آرزو های آتیهٔ آلمان از تصور به صحنهٔ عمل و ثبوت رسیدنی باشد اکثر

ملل دنیا بالخاصه مخالفین آلمان ناگزیر خواهند شد از ترس انتقام زره پوشیده وامکان نخواهد داشت بوضعیت ساده و آرام موجودهٔ خود ها قانع بمانند .

مقتولین راه سیاست :

از جملهٔ واقعات قتل و قتالی که درظرف سال ۱۳۱۱ بدنیا اتفاق افتاده مهمتر آن که جالب توجه سیاسیون گشته کشته شدن (پول دومر) رئیس جمهور فرانسه و (انیوکا) رئیس الوزراء جاپان است و این هردو قضیه همینطوریکه در تفاوت چند روز قلیلی پیش و پس اتفاق افتاده چندان بعید نیست اگر درمعنی هم بیك زمینهٔ سیاسی اشتراك داشته باشد، متأسفانه جراید هم به تعقیب نظریات دوایر سیاسی منسوبهٔ فرانسه و جاپان طوری که شایستهٔ مقام آنها باشد کنجکاوی واظهار نظریه ننموده اند مسیو دومر در۶ می ۱۹۳۲ (۱۷ ثور ۱۳۱۱) هنگامیکه در نمایش سالیانهٔ کتب از اطاق به اطاق دیگر میرفت از طرف گور گولف روسی (که درنژاد سفید وسرخ بودن اواشتباکی است) هدف چند فیر تفنگچه گرفته شده مجروح و در۷ می بشفاخانه پدرود حیات گفت. دولت فرانسه و مصادر کلیه امور آن تنها باستنطاق قاتل واعدام آن اکتفا ورزیده و در اقدامات دیگری علی الظاهر متشبث نگردیدند .

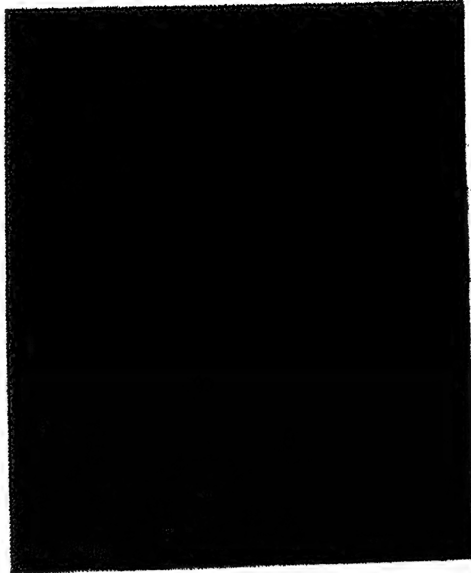


رئیس مقتول فرانسه پل دومر

آنچه در استنطاق گور گولف از اقرار خودش ظاهر شده اینست که اومخاصمت شخصی بارئیس جمهور نداشته و اقدام برین نتیجه را اثر فکر مستقیم خودش گفته و بلکه برای دانستن ملت فرانسه صریحاً اظهار نموده که فکرش مقتضی آن بود تا نه تنها روسیه بل تمام عالم بخصوص آلمان و فرانسه را ازجنگ نجات داده وبرعلیه آدم کشی مبارزهٔ کرده باشد اخیراً اگرچه ازطرف زن دومر نزد رئیس جدید جمهور فرانسه درخواست عفو او هم گردید اما مشار الیه شخصاً تقاضای عفو نکرده و آرزو داشت مانند سربازی تیر باران گردد .

بهر حال نظر شخصیت دومر قتل او در داخل وخارج فرانسه قسمت های بسیارممالك وملل راتحت تاثیرآورد.

انیوکا رئیس الوزرای جاپان در روز ۲۶ ثور۱۳۱۱درحین ملاقات اوبا شخصی .به اقامت گاه رسمی اش بچند فیر تفنگچه مجروح و شب بیست و هفتم فوت نمود ولی قتل مذکور تنها نبوده و بدستهٔ ۱۸ نفری که همه لباس های عسکری در بر داشتند برو حمله نمودند و همچنان چندین نفر دیگر که حصص اقامت گاه رسمی او بودند با شخص ملاقات کننده مجروح گردیدند و هم شام روزمذکور پنج مرتبه حدثهٔ



رئیس الوزرای مقتول جاپان انیو کا

بم اندازی از جانب اشخاص مجهولی بوقوع آمد که همه ملبس بلباس عسکری بری و بحری بودند ، از جملهٔ نفری فیر کننده پنج نفر که خود را تسلیم پولیس نمودند بلو کمشرهای نظامی و ۱۳ نفر دیگر ازشا گردان مکتب حربیه شناخته شدند ، اخیراً درنتیجهٔ تحقیقاتی اساس این اقدام ازطرف ملکی ها ظاهر گردیده وهم بعضی جرائد بهپارتی کمونستی نسبت میدهند ولی نتیجهٔ روشنی که حاوی اثرات آن در سیاست خارجه وداخلهٔ ژاپونیها باشدچندان بدست نیامدمعهذاچون قضایا در هنگام کشمکش های چین و جاپان بوقوع رسیده و شخصیت انیو کا نیز در محیط جاپان حایز اهمیتی بوده است بی شبهه توطئه قتل او دور از تحریکات چینی و مداخلهٔ دول ذی نفع در چین شناخته نخواهد شد .

مناقشه ایران وانگلیس درسرنفت :

تیره گیهای مختصری که درین سه چار ماه اخیر سال بسیاست دو دولت متحد مشرقی و مغربی واقع شده وسبب خرابی یابرهم زدن یك روابط حسنه وبسیار پایداری گردیده ویاخواهد گردید، مسایل الغای امتیاز کمپانی نفت انگلوپرشین میباشد ازطرف ایران،چون بظاهر حال اسم ورسمی از الغای یك امتیاز یا طرف شدن یك دولت بایك کمپانی داخلی درمیان است شاید خوانندگان مهمترین وقایع دنیا در نظر اول آن را چندان قابل اعتنا واعتباری ندانند اماوقتی دقیق شده وبکنه مطلب رسیدند میدانند نفط جنوب اگر درنظر ایرانی ها بزرگترین سرمایه وموجودیت طبیعی ایران بحساب رفته ، کمپانی انگلوپرشیا نیز که ذریعهٔ ایصال این منافع بدولت انگلیس شناخته شده درجای خود بلندتر ازین قدر ومنزلت را درنزد انگلیس ها خواهد داشت.چه مفادنفت در دستگاه حربی انگلیس روح وهستی قوائی قرار یافته که بهمان قوا انگلیس ها تازنده وسیادت بحری خود شانرا دردنیا میخواهند



جناب داور وزیرعدلیه و نمایندهٔ ایران در مجمع ملل قسمت وتصفیهٔ نفت

ثابت کنند درینجا گذشته ازاینکه اصل نفت را که موضوع مذاکره شده قابل اهمیت پنداریم آنچه ازین هم مهمتر بشمار می آید اقدام فداکارانهٔ ملتی ازملل مشرق است که برای احیای حقوق خویش باوضعیتی فوق التصور مقابل یکی از دول استعماری معظمهٔ اروپائی حاضر مبارزه شده ومقاومت می نماید .

اگرچه آغاز مناقشهٔ دولتین راجع بالغای کمپانی انگلوپرشین بطور رسمی وعلنی از اوائل ماه قوس ۱۳۱۱ میباشد ولی جرائد ایران ازاوایل سال یعنی از ماه جوزا باینطرف مباحثی در اطراف عواید نفت وقلت پرداخت سهمیهٔ ایران از طرف این کمپانی در عالم مطبوعات افتتاح کرده و از هرقلمی بوضع واسلوبی جداگانه مطالبی می نوشتند اما لهجه های اوائل بسیارملایم بوده وبرضد حدت وشدت کنونی است که ازطرفین تعاطی میشود .

مبداء اعطای این امتیاز نفت از سال ۱۳۱۹ قمری یا ۱۹۰۱ مسیحی است که دولت ایران در دورهٔ سلطنت مظفرالدین شاه مناطق نفت خیز جنوب ایران را در ازای ۲۰ هزار پوند نقد و ۲۰ هزار اسهام بموعد ۶۰ سال بمسیو دارسی استریائی وا گذار گردید ، و از ۱۳۲۲ قمری که دارسی امتیاز خود را بیك شرکت انگلیسی دارای ششصد هزار پوند سرمایه فروخت تا سال ۱۳۲۷ شرکت های دیگری روی کار آمده ، مداخلهٔ انگلیس دران قویتر شده و تعداد سرمایه هم افزونی گرفت تا شرکت انگلوپرشین با سرمایهٔ چهار ملیون و دو صد هزار پوند قایم شد و همچنان مساحهٔ مناطق نفت خیز هم از یك میل مربع به پنجصد هزار میل مربع توسعه یافت درحالیکه اصلاً مساحت سطحیهٔ ایران را ۶۲۸ هزار مربع میل می نویسند گویا قسمت بیشتر اراضی ایران در زیراستیلاو نفوذ این امتیاز می آمد و همین حالت تا انقضای شصت سال بایستی دوام ورزد .

با اینها سهم دولت ایران پس از وضع مصارفات شرکت از عوائد خالص صدی ۱۶ معین شده بود که دولت کنونی ایرانی اخیراً این مبلغ را علاوه بر مصارفات بودجهٔ عمومی بطور ذخیره نگهمیداشت ، تا برای بهبودی وموازنهٔ اقتصادیات ازان کار بگیرد ولی در ۱۹۳۲ آنچه بابت محصولات سال (۱۹۳۱) سهمیهٔ ایران را شرکت مذکور معین نموده دارای یك تنزل فاحشی است در صورتیکه دولت ایران بابت سهمیهٔ خویش از محصولات ۱۹۳۰ یکملیون و ـ ۳۰۰ هزار پوند از شرکت اخذ نمود درین اواخر بابت ۱۹۳۱ ، کمپانی انگلوپرشین سه صد وشش هزار وششصد وهفتاد ودوپوند تقریباً چهار برابر کمتر ازسال پیشتر حق السهم ایران را معین گردانید .

دولت ایران که فقط از بدو سلطنت شاه پهلوی بدینطرف برای بر انداختن بعضی امتیاز های سنگین و استقلال شکن مانند الغای کاپیتولیسیون از ایران ، فسخ امتیاز بانك انگلیسی ، منع بعضی امتیازات ریلوی انگلیس در دزداب و غیره مقتدر گشته و بشجاعتی تام در پاره کردن اوراق بوسیده و مضرهٔ ایران اقدام می ورزد ، از مدتی کمپانی انگلوپرشین را نیز منافی مفاد و مصالح ملی و مملکتی دانسته و در صدد بودند قوه و مرقی بدست آورده وسیلهٔ بیابند تا این امتیاز را نیز ملغی و منسوخ نمایند ، چون وضعیت چند سال پیشتر آنها مقتضی چنین ادعائی نبود مسئله را مسکوت عنه گذاشته بودند درین اواخر که از طرفی تغیر وترقیاتی درطرز ادارهٔ دولتی و اقتدار ملی و سیاسی آنها رخ نمودواز طرفی هم این حرکت کمپانی صدمهٔ باقتصادیات مملکتی و شئونات اداری آن وارد آورد زعمای امور ایران را سخت متغیر و متأثر ساخته بر ان وا داشت تا این قلت پرداخت را علی الظاهر وسیله گرفته و در الغای امتیاز کمپانی مذکور اقدام نمایند ، همان بود که از تاریخ پنجم

آذر (قوس ۱۳۱۱) اعلامیهٔ در الغای امتیاز نامهٔ دارسی باص شاه پهلوی از وزارت مالیهٔ ایران بنام کمپانی انگلوپرشین صادر گردیده وبلکه درخاتمهٔ آن متذکر شدند: «نظر با آنکه دولت ایران قصدی جز تأمین منافع مملکت ندارد اگر کمپانی نفت انگلیس و ایران بر خلاف گذشته حاضر شود منافع مملکت را مطابق نظر دولت ایران بروفق عدالت و انصاف تأمین نماید دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی بآن کمپانی اصولاً امتناع نخواهدداشت. »

متقارن این اوقات در اطراف این موضوع باب مکاتبه از سفارت انگلیس در ایران با وزارت خارجهٔ آندولت کشوده شده مکاتیب و یادداشتهائی فی مابین مبادله گردید ، از آخرین مکتوب ۱۷ آذر (قوس) سفارت بریطانیا ظاهر است که تمنیات آندولت در روی این سه اساس قرار میگیرد : یعنی انگلیس ها در مرحلهٔ اول الغاء قرارداد یکطرفه را خلاف قانون بین الملل دانسته تصدیق نکرده خود را مجبور می دانند برای حفظ منافع اتباع خویش موضوع راموردا قدام قرار بدهند در مرحلهٔ دوم اخطار آنکه اگر در ظرف یکهفته یعنی تا ۲۴ آذر الغاء امتیاز را ایران حاضر نشود مسترد نماید انگلیس بداوری بین المللی لاهه مراجعه خواهد نمود .

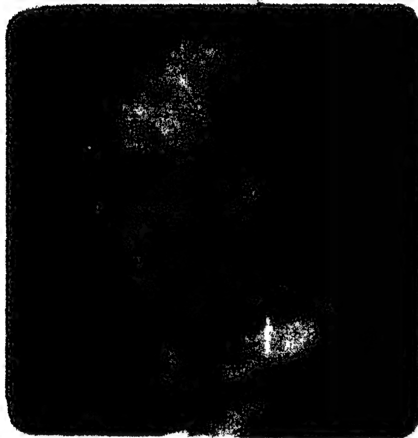
در مرحلهٔ سوم ایرانیها را مسئول تمام خسارات شرکت درحال وآینده شمرده اند .

دولت ایران علاوه بر آنکه موضوعات سه گانه را جوابهای تردید آمیزی گفته اصلاً معاملات شرکت را ازوقایع داخله دانسته ومداخلهٔ انگلیس هارادرین امر بیجامیداند وعقیده دارند که بایستی شرکت برای حل قضیه نمایندهٔ درطهران فرستاده وقرارجدیدی بگذارند، اگرچه انگلیسها قبل از شنیدن جواب ایران ودرحین مذاکره ذریعهٔ مطبوعات خویش ازانچه لازمهٔ تهدید هم بود دریغ نکرده و تخویف ایران از گراوزرهای مهیبی که در خلیج فارس وسواحل هند منتظر امر داشتند تذکری دادند ولی ثبات ایرانیها ومخصوصاً اشارهٔ جریدهٔ شفق باینکه : (دروضعیت حاضره گلولهٔ اولی که از یکطرف بطرف دیگر فیر کرده شود جنگ عالمگیر را دعوت میکند) بهامید واری انگلیس از راه اقدام مسلحانه خاتمه داد .

مقصد ، ایران نه به استرداد الغای کمپانی رضاداد ونه مسئولیت خسارات را پذیرفت بلکه بداوری بین المللی لاهه هم حق رسیده گی درین امور را قایل نشد تاآنکه این قضیه بهتوافق نظر دولتین بشورای ملل درژنو حواله گردید ومذاکرات مذکوره درحضور نماینده گان دولتین که از طرف ایران آقایان داور وزیر عدلیه وعلاً وزیر مختار سابق ایران درپاریس واز طرف انگلستان وزیر امور خارجه و مشاور عالی قانون آنوزارت بودند مطرح گشت ، تفصیلات غالباً همان مقولاتیست که دریاد داشت ها تذکر داده شده اضافه بر آن انگلیس اصرار دارد : ازطرف شرکت قصوری واقع نشده وحتی درظرف این مدت سی سال متجاوز از (۱۱) ملیون پوند بایران پرداخته وآینده هم بایست تا ۱۹۶۱ که میعاد اصلی انقضای شرکت است مداومت ورزد ، ایران برعکس،نظر بمنافع کثیرهٔ انگلستان ازحق طبیعی خود این مبلغ راشیٔ ناچیز پنداشته واظهار دارند که شرکت هیچ وقتی ایران را حق مداخله در رسیده گی امورمحاسبه نداده ونمی دهد و همیشه بمخارجات گزاف خساراتی بمنافع ایران وارد می‌آورد بالآخره بهیچ صورت باین قرار داد رضایت نداده ومیگویند از گذشته ها هم این قرار داد بفشار برایران تحمیل شده وفعلاً هم موافق مصالح دولت وملت ما نیست ،



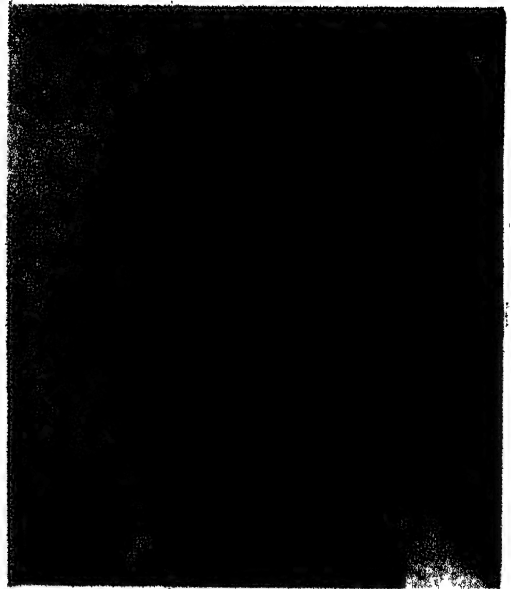
ریمزی مکڈانلڈ صدر اعظم برطانیہ
حزب لیبر



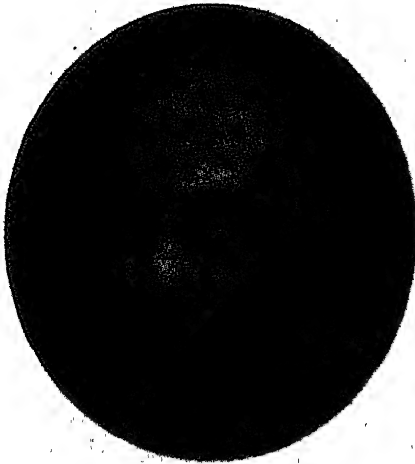
سر جان سائمن وزیر خارجہ
حزب لبرا



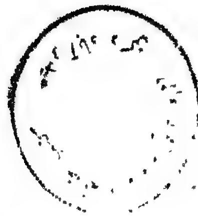
سر سیموئل ہور وزیر ہند
حزب کنزرویٹو

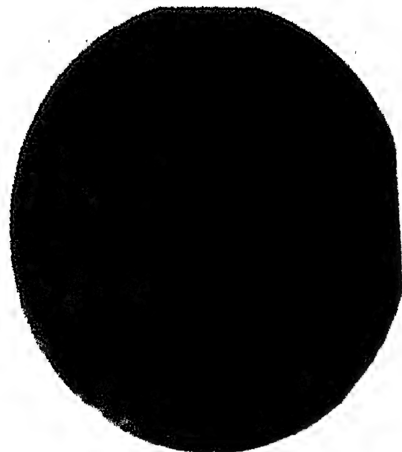


موهن داس کرم چند گاندهی
نمایندهٔ حزب کانگریس



سر تیج بهادر سپرو
نمایندهٔ حزب لبرل فیدریشن

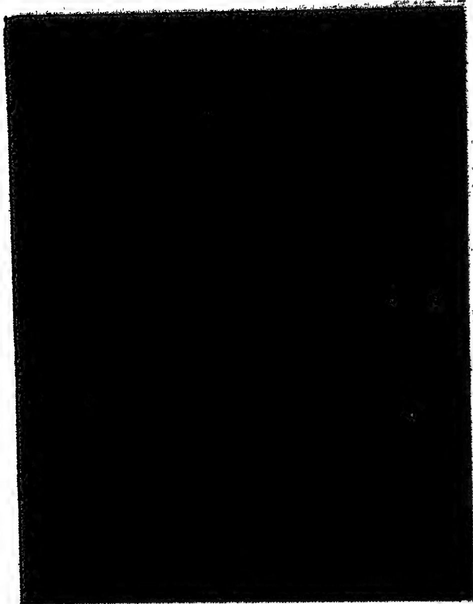




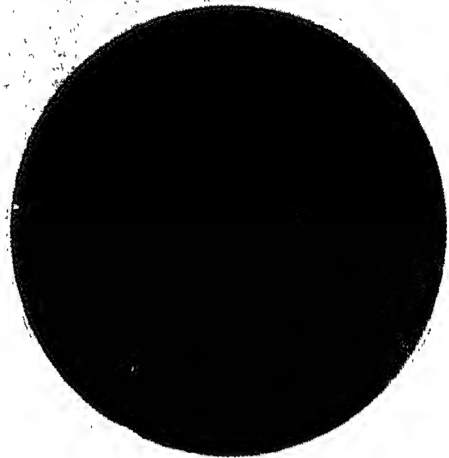
سروجنی نیدو
نمایندهٔ نسوان



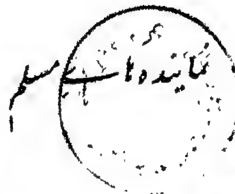
پندت مدن موهن مالویه
نمایندهٔ حزب هندو مهاسبها



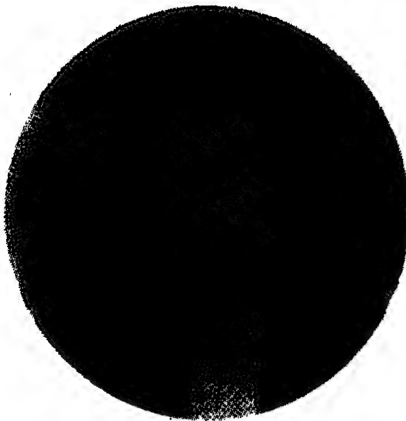
والاحضرت سر آغاخان



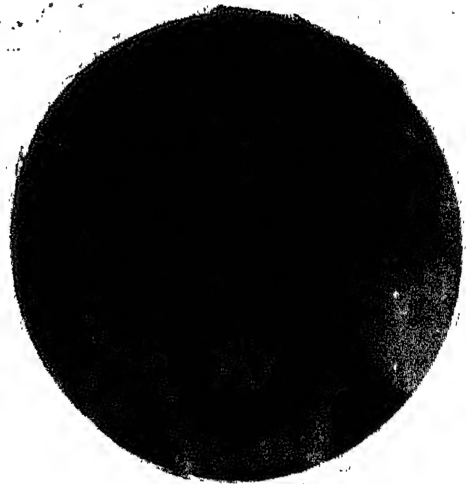
سر محمد اقبال صاحب



نمایندهٔ های مسلم



داکتر امبیدکر
نمایندهٔ اچهوت غیر قابل لمس



سر فیروز سیتهنا
نمایندهٔ فارسی های هند



اطلاعاتی که اخیراً از مطبوعات گرفته شده گویا در اوائل فروری ۱۹۳۳ (۱۳ـ ۱۵دلو) اطمینان رئیس وشورای بین‌المللی بحل و تصفیهٔ قضیهٔ مذکوره بوده همچنان قرار هائیرا که از نقطهٔ نظر موافقت دولتین برای آینده پیش بینی شده بدینقرار منتشر داشته اند :

۱ — موضوع مشاجره را تاجلسهٔ که درماه می ۱۹۳۲ انعقاد شود مسکوت عنه بگذارند ۲ ـ شرکت باحکومت ایران شامل مذاکره‌شده ومواد‌قانونی‌را پوشیده نگه خواهند داشت ۳ ـ نظریات نیزمخفی‌خواهد بود که اگر به‌نتیجهٔ منتج نشد باردیگر تقدیم مجلس ودرآنوقت هرکدام‌ازنمایندگان‌مجلس باآزادی ازحقوق خویش دفاع خواهند نمود ٤ — ادامهٔ عمل شرکت انگلو پرشین است بموجب تلگرام ۱۹ ستمبر ۱۹۳۲ حکومت ایران الی هنگامیکه نتیجهٔ قطعی از مذاکرات بدست آید .

بهرتقدیر اگرچه نتیجهٔ قطعی وخاتمهٔ مقصود به‌آتیه‌موکول گردیده‌اما ملایمت های‌موجودهٔ انگلستان‌وپافشاری های ایران درین جریان معاملات ومذاکرات تااندزهٔ مطالب راتصریح داشته وباین پایه مطالعین را مجاز خواهد دانست که رجحانیت مطلوب را یك حدی بطرف ایران پیش بینی کنندچه‌ازطرفی رویهٔ انگلیس‌ها ظاهرساخت که آندولت بواسطهٔ که ایران‌را درعالم سیاست درمقابل‌خود تنها نمی‌بیند ازاستعمال‌قوای مسلحانه خودداری‌نموده به‌تدابیر دیگری‌خواهندپرداخت وازطرف دیگر آنچه مقدمات‌آرزوهای ایران بود رو به‌تأمین میرود یعنی برعلاوهٔ آنکه تصفیهٔ مناقشه ازداوری بین‌المللی لاهه منصرف‌شده وبه‌شواری ملل‌تولیه گردید ودرشوراء مداخله انگلیس به‌امور شرکت محق و رسمی شناخته نیامده درعوض حضور یك نمایندهٔ شرکت برای مذاکره درطهران رئیس شرکت‌حق وزیر امور خارجهٔ انگلیس تصمیم به‌آمدن بطهران گرفتنداینها همه وسائلی هستند که جنبهٔ ایرانی‌را قوی نشان میدهد فقط چیزی که در این میانه برداشتن اساس کمپانی انگلوپرشین را بتصور نمی آرد، دلچسپی وعلاقه مندی فوق‌العادهٔ انگلیس ها است که هم ازین جریان وقایع بنظر می رسد ، پس بجرئت میتوان گفت اگر کمپانی مذکور بکلی ازمیان نرود امتیاز دارسی بیقین ملغی شده و امتیاز جدیدی روی‌کار خواهد آمد که نسبت صد ۱۶ سهمیهٔ موجودهٔ ایران یکمیزان بلند تری برای آنمملکت در آینده قایل‌شده و ازهمه حیث بنفع ایرانی ختم عمل یابد .

هند و کانفرانس میز مدور :

ملت کثیرالتعداد هند با آنکه از حیث وسعت اراضی و دیگر مزایای عدیدهٔ طبیعی بهرهٔ کافی داشته و مستعد همه نوع تعالی و ترقی هستند از مدتی بدینطرف فقط عدم استقلال ملك و ملت خود را فاقد شئوناتی دانسته اند که بتوانند در ردیف ملل حیهٔ دنیا یا مقابل کوچکترین ممالك و ملل مستقل شرق قرار گیرند .

احساس این مسئلهٔ مهم بطور حتم در اولین مرتبهٔ که عملی بشود بایستی مناقشهٔ بزرگی را بین هندیها و انگلیس بوقوع آرد چنانچه از عرصهٔ تقریباً پنجاه سال است آزادی خواهی هندیها بدواً بصورت یك مناقشهٔ خفیفی ظاهر گردید و بتدریج قوت گرفته تا این دوسه سال اخیر که فوق‌العاده کسب تشدد ورزیده است .

انگلیس‌ها تا کنون منکر آزادی هند نشده بلکه اعطای استقلال هندیها را بالتدریج قائل و بمرور زمانه های طولانی حواله میدهند چنانچه وایسرای هند در ضمن اعلان انعقاد اولین کانفرانس صریحاً بیان نمود « حصول درجهٔ دومینیون مقصود غائی طبیعی اصلاحات دستور اساسی هند میباشد » امانظربمطبوعات انگلیسی چیزی که هندیها را از قطع این رشته های طولانی مواعید و زود رسیدن بمقصود ناکام گذاشته اختلافات فرقی وحزبی است که آنهارا دورازاختلاط واتحاد مانده.

انگلیس ها بسال ۱۹۰۹ در هند برطانوی مجلس مقننهٔ با اختیارات محدود انعقاد و بتعقیب آن پس از ده سال در ۱۹۱۹ قانون اساسی جدیدی از پارلمان لندن تصویب نمودند یعنی در هر مرحله و اقدامی ظاهر ساختند که ادارهٔ حکومت هند بصورت قانونی انجام میگردد و آنها هم بمرور در صدد ایفای وعدهٔ خویش هستند تا در اثر آن به ۱۹۲۱ دستور موجوده بنام دی آرکی (۱) شروع گردید ، چون در قانون اساسی ۱۹۱۹ تذکر یافته بود که بعد ده سال در دستور اساسی هند دوباره عطف نظر خواهد شد یکی دوسالی پیشتر از بسر رسیدن این میعاد یعنی در ۱۹۲۷ رئیس الوزرای انگلیس تقرر هیئت تفتیشیه را مرکب از ۷ نفر سیاسیون بریطانیا در پارلمان بتصویب رسانید گویا همین هیئت بود که بنام رئیس آن به سائمن کمیشن معروف گردید بهر صورت تقرر هیئت ودوره های مسافرت های آنها درهند ومذاکرات ایشان با نماینده های مرکز و صوبه جات هندی تقریباً دوسه سالی وقت گرفت تا در اواسط ۱۹۳۰ نتایج مقررات کمیسیون مذکور شایع گردید ، ولی بواسطهٔ که هیچ حزب سیاسی وهیچ مجلس ملی هند بقبول آن رضاندادند لذا کانفرانس میز مدور بزرگترین چارهٔ اقناع آنها سنجیده شده وازجانب انگلیس ها پذیرفته گردید و تا کنون ۳ کانفرانس است که به این اسم و رسم در لندن منعقد گردیده و مطالب آزادی هند مورد مذاکرات قرار می یابد .

اولین کانفرانس که مشتمل از نمایندگان حکومات برطانیه و هند واهالی ولایات و حکومات توابان و راجه گان هندی بود به ۱۲ نومبر ۱۹۳۰ در لندن انعقاد یافت ، اما گاندی وحزب کانگرس که ازین وسیله امیدوار به کامیابی نبودند نه تنها شمولیت نورزیدند بلکه به تحریکات Civil disobedience سول دلس اوبی دینس عدم اطاعت قوانین کشوری هم شروع کردند .

ازانجا که کانفرانس اولی بمذاکرات ابتدائی واعلامیه های چندی اختتام گرفته و ناتمام ماند بعدازیك معاهدهٔ بین گاندی و لارد ارون وایسرای هند دراواخر ۱۹۳۱ کانفرانس دومی روی کار آمد درین مرتبه گاندهی هم شمولیت ورزید اگرچه مسائل اقلیت ها که انگلیز ها مدافعه میکردند آنهم باستثنای سك ها تا (۱۱۶) ملیون اهالی بهم متحد شده واصول اتحادیه های ریاسات وولایات برای تسهیل ارتباط ریاسات و مرکز که درجملهٔ لوازم مصوبه های کانفراس بود قبول گردید ولی کلیه مطالب آزادی موافق مرام استقلال طلبان هند خاتمه نیافت انگلیز ها عدم موفقیت همین کانفرانس را به عدم اتفاق اهالی هند (یا بعبارت دیگر عدم اتفاق اقلیت ها استناد میدهند) طرف مقابل یعنی گاندهی می گفت که انتخاب اعضای میز مدور یکطرفه و بدست حکومت بوده وحکومت کسانی را که نامزد کرده نمایندهٔ هندوستان نیستند لهذا فدا کاریهای مابی نتیجه میماند تاآنکه گاندهی درمراجعت خویش پس از ختم کانفرانس دوم همان شورشهای عدم اطاعت ومنازعات قدیم را مجدداً بین اهالی هند تحریك نمود ودر ٤ جنوری ۱۹۳۲ محبوس گردید ، بلکه متعاقباً کانگرسی ها و احرار دیگری هم که از پیروان وطرفداران فکر گاندهی بودند بمسائلی متشبث گردیدند تایکی بعددیگری تسلیم محابس شدند، شخص گاندهی در محبس هم فارغ ازین خیال نمی بود چنانچه در اگست ۱۹۳۲ که رئیس الوزراء انگلیس فیصلهٔ خود را راجع به اقلیت ها اعلان نمود (یعنی برای افرادیکه هنودهم آنها را قابل لمس نمی دانند مانند مسلمین وهنود حوزه

(۱) حکومت دوگانه است یعنی بموجب قانون اساسی هند در مرکز و ولایات مجالس مقننه و منتخبه موجوداست ودر ولایات امور اداری بدو شعبه منقسم است قیام امن و اجرای قانون و پلیس و بعضی امور دیگر در قبضه انگلیس هاست وبقیه مانند تجارت وغیره امور بلدی و فواید عامه مربوط وزراء هندی است .

های انتخاب جداگانه تعیین بشود) گاندهی تجزیهٔ آن قوم را از هنود باعث افتراق وتشتت قوی دانسته و تصمیم گرفت اگر تجزیه شودرها عملی بشود روزهٔ طولانی گرفته و بوسیلهٔ فاقه گی انتحار خواهد نمود بالآخره گاندهی تااندازهٔ فایق المرام گردید و نمایندگان شودرها با هندو ها اتفاق کردند واو نیز ترك فاقه گفت. غرض چون برای تصفیهٔ مسایل باقیماندهٔ کانفرانس های گذشته باز یکرشته مذاکراتی لازم بود لذا انگلیس ها کانفرانس سومرا دراکتوبر ۱۹۳۲ مصادف باعقرب۱۳۱۱منعقد ساخته وآنچه از نتایج آن بانظریهٔ حکومت انگلیس دراواخر حوت همان سال بنام کاغذ سفید انتشار یافته قرار آتی است :

مجالس مقننه :

در مرکز هند تقنینیه دارای دو مجلس [(۱) اسمبلی (۲) کونسل آف ستت] ودرصوبه جات دارای یك مجلس [کونسل] میباشد باستثنای ولایات بنگال ، آگره واوده وبهار که دومجلس خواهند داشت .

تازمانیکه نصف ریاست ها (از قرار نفوس وعدهٔ مبعوثین) شامل اتحاد نگردند مواد قانون اساسی راجع بمرکز وضع وبمعرض اجرا آورده نخواهد شد، بنابران حکومت های طرز توصوبه ها قبل از تغیرات حکومت مرکزی بعرصهٔ وجود خواهند آمد اما حکومت برطانیه اصرار داردکه ترتیبات اساسی جدیدهٔ صوبجات طوری اجرا نشوندکه تأسیس اتحاد هند بصورت احتمالی بماند .

دوائر مرکزي :

برای مشوره ومعاونت گورنر جنرال هند یك هیئت وزراء مسئول جهت ادارهٔ امور معین خواهد گردید باستثنای امور مدافعه ، خارجه وامور مربوطهٔ دین مسیحی که درین ۳ مسایل آخرالذکر ۳ نفر مشیر های غیر مسئول به اختیار خود گورنر جنرال تعیین وتقرر خواهد یافت وگورنر جنرال دراغلب امور از قبیل قیام امن توازن مالی ، مفاد اقلیت ها ، حقوق ریاست حکومات هندی ، حقوق مامورین و امتیازات تجارتی که منافی مسئولیت خودش باشد میتواند رعایت وزرا را نه نماید .

تقنینیهٔ مرکزي :

مجالس مقننهٔ مرکزی بدوتفریق منقسم است : سفلی وعلیا ، مجلس علیا برای ۷ سال و سفلی تا ۵ سال دوام خواهند ورزید مجلس سفلی دارای ۳۷۵ عضو خواهد بود که ۲۵۰ نفر ازطرف مجالس ولایات و۱۲۵ دیگر از ریاست حکومات هندی انتخاب خواهند گردید . مجلس علیا مرکب از (۲۶۰) اعضا باید باشد که ۱۰۰ نفر آن ازحکومات نوابان وراجه گان منصوب خواهند شد بقیه ازاهالی هند برطانوی که قرار قانون اساسی موجوده حق رای دارند انتخاب خواهند شد درصورت اختلاف مجلس گورنرجنرال مختار است که اجلاس مشترکه را برای تصفیه منعقد نماید .

مجالس ولایات :

اختیارات گورنر ها در مجالس مقننهٔ ولایات شبه اختیارات گورنر جنرال در مجالس مرکزی بوده ودر صورت منحل شدن مجالس و یا وقوع کدام حادثهٔ غیر قانونی در مجالس مرکزی و ولایات اختیارات مطلقهٔ

گورنر جنرال و گورنر ها حکمفرما خواهد بود ولی درقوانین مصوبهٔ مجالس مرکزی و ولایتی هرگاه ضدیتی اتفاق بیفتد قانون مرکز واجب الاجرا شناخته خواهد شد و در ریاست ها همان قانون معتبر است که قناعت قانونی رؤسای حکومات را حاصل کرده باشد .

محصولات و عوائد شخصی Incom tax فی ما بین حکومت مرکزی و حکومات ولایات بیك نسبتی که درآینده معین شود تقسیم خواهد شد اما درچند سال اول حکومت مرکزی اختیاردارد که برای توازن بودجهٔ خود ازحصهٔ صوبه ها مبالغ خطیری اتخاذ کند .

بانك احتیاطی :

قبل ازانکه هیئت وزراء مرکزی بوجود آید بایستی دراثر تصویب مجلس مرکزی هند یك بانك احتیاطی تاسیس یابد که عاری از مداخلهٔ سیاسی باشد ولی بواسطهٔ که این تأسیس براوضاع اقتصادی عالم منحصربوده و از قواء اختیارات برطانیا خارج میباشد ممکن است همه شرایط باتیماندهٔ اتحاد هند بجا آید وبانك قایم نشود درین صورت حکومت برطانیه متعهد میشود که یك کانفرانس از نمایندگان هندی منعقد نماید تا این مسئله نیز حل و فصل گردد .

عدلیه :

یك محکمهٔ اتحادیه « فید رال » دردهلی تأسیس شود که برای تصفیهٔ منازعات تشکیل اساسی و قرار داد های فی‌مابین اتحاد هند واجزای آن وفی مابین صوبه‌ها وریاست ها صلاحیت داشته باشد .

یك محکمهٔ مرافعهٔ عالی برای هند برطانوی قایم شود که حتی شورای شاهانهٔ انگلستان (پریوی کونسل) هم درمرافعه بدون استیذان محکمهٔ مذکور حق سماعت نخواهد داشت .

محکمه های صوبه هاهم بحال خود مانده ودوام خواهند ورزید .

وزیر هند :

بعد اجرای قانون اساسی هند مجلس شورای وزیر هند (اند یا کونسل) ملغی شناخته میشود اما بوزیر هند اجازه داده خواهد شد که شش ویااقلاً ۳ نفر مشیر برای خود نگهدارد مشروط برانکه دو نفر آنها کم از کم ده سال درهند دورهٔ خدمت رسمی خودرااز طرف حکومت برطانیا طی کرده باشند ، اگرچه استفاده ازمشورهٔ مجموعی یاانفرادی آنها بسته بمیل وزیر است ولی تاوقتیکه مراقبت احدی از مامورین هند بوزیر هند تعلق دارد مجبور است مسائل وقواعد متعلقهٔ مأمورین را بموافقت مشیران خود فیصله نماید .

مامورین :

مجالس انتخاب مامورین درمرکز وصوبه‌ها تعین خواهدشد، مجلس مرکزی راوزیر هند وباقی را گورنرها مقرر خواهند نمود که صلاحیت وشرایط استخدام مامورین را معین نمایند .

تاپنج سال آینده تقرربعضی ازمأمورین عالی ملکی (اندین سول سروس) وپلیس(اندین پولیس سروس)

وشعبه ریلوی باختیار وزیر هند خواهد بود اما بعداز انقضای آنمدت راجع به تفویض این مسایل بحکومت هند یك هیئت تفتیشیه مقرر خواهد شد .

عراق :

آنچه درظرف سال ۱۳۱۱ از ملت ومملکت عراق در عالم سیاست ظاهر شده ، دردنیا دور از اهمیت و نزد بهی خواهان شرق خالی از مسرتی نیست .

عراق از تاریخ ۱۹۱۷ که دراثر پیشقدمی های قشون انگلیسی درجنگ عمومی ازعثمانی مجزا گردیده وقرار معاهدهٔ ورسای تحت نگرانی بین‌الملل بغرض اداره با نگلیس ها سپرده شد ، انگلیس ها آن را در ردیف مستملکات خویش قرار داده وبافراغت خاطر دراداره و عمرانش پرداختند ، طوری که نزد سیا سیون معروف ، و مطبوعات عالم نیز ها ره موضوع عراق راه‌ورد بحث قرار داده اند ، گویا انگلیس ها در اوائل تصرف درین خاك از وجه نزدیکی عراق و هند و دیگر مناسبات سیاسی مائل بودند این خطه را همچنانکه چندی زیر ادارهٔ هند بوده بهتر خواهد بودا گربکلی‌وبرای همه‌یشضمیمه امپراطوری انگلستان بماند اماشورش های اهالی بغدادو موصل مخصوصاً بدویهای اعراب و کرد که بر علیه فرمان روائی‌انگلیس‌درعراق ظاهر گردید(یابعقیده‌ونظریه مطبوعاتا نگلیسی عایدات عراق مصارف‌آنرا تکفیه نکرده و بربودجهٔ انگلستان فشاری تحمیل می کرد) سبب‌شد تا عراق‌بصورت‌یك‌دولت جدا گانه‌تحت ادارهٔ یکنفر پادشاه ، وقیمومیت‌انگلیس ها تأسیس شود .



اعلیحضرت فیصل شاه عراق

چنانچه در جولائی ۱۹۲۱ که جلسه از طرف وزراء عراق انعقاد یافت‌شاه‌فیصل پسر حسین‌شریف‌سابق مکه بپاد شاهی عراق انتخاب و در اکتوبر ۱۹۲۲ حکومت مشروطه در عراق قائم گردید در نومبر همان سنه معاهده برای استحکام روابط عراق وانگلیس نیز منعقد و باآنکه مواد این معاهده طرف نارضائیت اکثریت ملیت عراق معروف بود در اثر مجاهدت واصرار کابینه به اپریل ۱۹۲۳ معاهدهٔ مذکور به نماینده های عراق قبولانیده شد .

اگرچه بعد ازین تاریخ حکومت عراق صورت یك دولت شاهی را بخود گرفته ومعاهدهٔ مذکور نیز برای بیست سال بایستی روابط حسنهٔ طرفین را تحفظ مینمود ولی‌رضائیت عامه چون مراعات‌نشده بود نهضت های ملی برای استحصال‌استقلال‌حقیقی‌ادامه‌ورزیده و درهر زمانی انگلیس هارا متوجه‌اهمیت موضوع میساخت‌تا آنهابرای اسکات و طنیون عراق متوسل بمعاهدات جدیدی شوند این بود که در سنواة ۱۹۲٤ - و ۲٥ و ۲۷ و ۳۰

بتکرار نظر بوضعیت زمان‌تغیراتی در معاهده راه یافت بلکه معاهدات نوینی جانشین مقررات سابقه میگردید .

آخرین معاهده که باستقلال حقیقی عراقیها نزدیکتر دیده میشد مقرات معاهدهٔ ۱۹۳۰ بوده و درین مراتیه دخول عراق در جمعیت ملل که یکی از مطالب محبوب عراق بنظر میخورد نیز تائید شده بود چنانچه انگلیس ها درین سنه راپورت مفصلی راجع بترقیات ۱۳ سالهٔ عراق از ۱۹۱۷ تا ۳۰ تهیهٔ و بمجمع ملل تقدیم دادند .

مقصد ، دراثر مجاهدات ملت عراق ومقررات دولتین در ۱ کتوبر ۱۹۳۲ که مصادف بمیزان ۱۳۱۱ باشد دولت عراق بشمولیت جامعهٔ ملل موفقیت یافته و درین سال به بسی آمال دیرینهٔ خویش نایل گردیدند ، مثلاً معاهدات سنگین استقلال شکن را تاحدی بمنافع ملی خویش تغیر داده و ترمیم کردند ، و حتی کاپیتولاسیون بعضی‌دول را مانند: فرانسه،سوید،یونان ، اطریش ، اسپانیا ، پرتقال ، هالیند ، رومانی، بلژیك و غیره را ملغی نمودند . روابط اتحادیه بابرخی دول قائم کردند و ازانجمله است معاهدهٔ مودتی که بتاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۲ (۲۸ قوس ۱۳۱۱) فی مابین افغانستان و عراق صورت انعقاد یافت .

دارالعلوم اسلامی در هسپانیه :

حکومت جمهور هسپانیه در ماه اکتوبر ۱۹۳۲ مطابق میزان و عقرب ۱۳۱۱ موفق بتأسیس دارالعلومی در هسپانیه گردیده اند که جرایدبعضی محل تأسیس آن را مادرید و برخی غرناطه نوشته اند ، این دارالعلوم برای تدریس و تحقیق علوم عربیه تاسیس یافته و بر شش شعبه ها مشتمل است .

شعبهٔ اول : فلسفه ، دینیات ، تاریخ علوم عربیه .

« ۲ : تاریخ عرب ، و حکومت های عربیه .

« ۳ : فقه ، قانون و نظامات و مؤسسات اسلامی .

« ٤ : ادبیات ولسان عربی .

« ٥ : آثار عتیقهٔ اهل عرب .

« ٦ : السنه و مسائل مراکش .

هر یکی از شعب فوق تحت نظارت یکی از مستشرقین فاضل هسپانیه دائر شده و مدیریت آن به پرفیسور آسین هسپانوی تعلق گرفته است .

نسبت به نشرات اغلب‌جرائد عمومی ، سیاسیون اروپا این اقدام‌را از بیداریهای اسلام درین اعصار اخیره دانسته و فوق‌العاده بنظر تشویش دیده اند مخصوصاً از برخی مجامع فرانسه و ایطالیا چنین اشاراتی ظهور نموده که یعنی این دارالعلوم شاید مراکز تحریکات اسلامی در اروپا واقع شده علاوتاً این گونه مؤسسات بعالم اسلام موقع خوهد داد تا بر علیه اروپا تفوق یابند ، معهذا چون مملکت هسپانیه مدفن شوکت علمی اندلس اسلامی میباشد یقین واثق است بتأسیس این مؤسسهٔ نافعه آثار مدنی محوشدهٔ اسلامی دوباره تجدید زندگی نماید .

پلان پنجسالهٔ روسیه:

مملکت شوروی روسیه دراثر تلفات بسیار وخسارات بی‌شماد حرب عمومی بحدی متضرر گشت که وضعیت عمومی حیاتی آن بلد و اهالی نزدیك بسقوط و تباهی گردید ، چنانچه مطبوعات موجودهٔ شوروی نیز مقرانّد که از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱ اغتشاشات داخلی، مداخلات خارجی ، قحط سالی ، و وبا نه تنها حالت رفاه گذشته را ازمیان برده بودند بلکه برای ترقیات آینده نیز موانعی تولید مینمودند مخصوصاً در سنوات ۲۱ ـ ۱۹۲۰ صنایع مسدود وزراعت طوری تنزل کرد تااهالی دچار قحط شدند وعلاوةً ذرایع حمل ونقل هم از بواعث خرابی راه آهن و قلت محروقات بسکتهٔ شدیدی مبتلا گردید فقط از سال ۱۹۲۲ بدینطرف که روسیه موقع یافت به‌ترمیم وضعیت گذشته وترقیات آیندهٔ خویش ترتیباتی بگیرد زعمای شوروی باجاهدات خستگی نا پذیری مشغول اقدامات چاره جوئی شده و برای ترقی اقتصادیات آن مملکت (قرار نشریات‌خود شان) نقشه های منظمی را تعقیب کردند .

وازانجمله است پلان پنجسالهٔ که درنومبر ۱۹۳۲ (قوس ۱۳۱۱) درمملکت شوروی به تکمیل رسید ، این پلان اگرچه در اول اکتوبر ۱۹۲۸ آغاز شده وی بایست به ستمبر ۱۹۳۳ خاتمه یابد ولی بواسطهٔ که اغلب مقاصد مهمهٔ آن پیش از اختتام میعاد صورت گرفت لذا در اخیر پلان پنجسال را چهار سال نامیدند مثلاً درجداول پلان در زراعت یکمقصد بزرگ آنها قانع ساختن زارعین بود براینکه دهاقین زراعت منفردانه را ترك گفته تا اخیر ۱۹۳۳ درصد ۲۵ داخل در زراعت اشتراکی شوند درنتیجه دولت شوری احساس کردند که پیش ازبسر رسیدن میعاد معینه یعنی تا اخیر ۱۹۳۱ درصد ۶۰ آنها زمین های خصوصی خود را بصورت دهقان خانه های اجتماعی تبدیل دادند همچنان درشعبهٔ صنعتی بامقایسهٔ بحران های عالمگیر یك عده کارخانجات صنایع مختلفه بجای سال ۱۹۳۳ در سال ۳۱ به تکمیل رسید وقس علی هذا در دیگر منظورات اشتراکی پلان که بیشتر از پنجسال درمحل اجرا آمده .

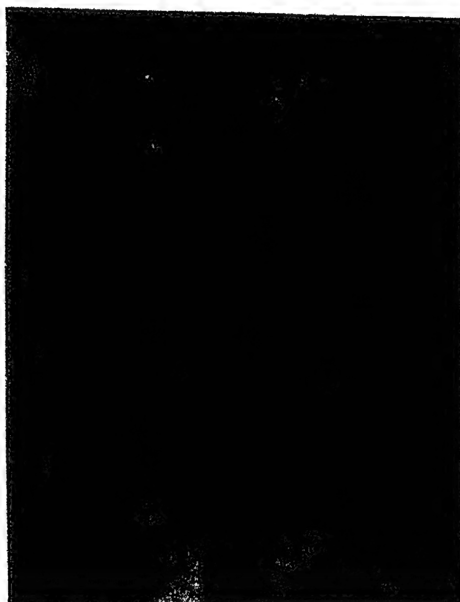
گویا بعقیدهٔ مطبوعات آن‌مملکت واضعین این‌پلان تنها نمیخواستند کلیه مقاصد انتظامات شوروی را درمدت پنجسال حاصل‌نمایند بل اراده داشتند قدم اولینی بسوی سرمنزل ترقیات عالیه و رفاهیت تامه حیات عامه اهالی روسیه‌برداشته بدواً دولت‌شوروی را بدرجات‌اقتصادی وتخنیکی ممالک‌مترقی دنیاهم قطار گردانند و در مرحلهٔ ثانی یك دولت اشتراکی تعمیر کرده باشند .

غرض ازاوایل ۱۹۳۳ (اواخر ۱۳۱۱) دولت شوروی پلان پنجسالهٔ ثانوی را ترتیب کرده و اراده نمودند بمعرض اجرا گذارند اگرچه در دورهٔ پلان چهار سالهٔ گذشته به‌بسی مرام های اشتراکی و صناعتی و زراعتی نایل آمده اند،باآن نقشهٔ پنجسالهٔ ثانوی آنها نیز دارای همان اساس های سوابق است بل تا جائیکه ازراپورت های منتشرهٔ علمای ریاضی وپروفیسر های‌موظف ترتیبات‌پلان مذکور استفهام میشود قسمت های عمدهٔ مقررات پلان ثانوی آنها از طریق منابع معدنی ، توسعهٔ زراعت ماشینی ، استفاده از اراضی بایر ،

تربیهٔ مواشی به‌اصول‌عصری ، تزئید باغات میوه ومزارع چراگاه، تأسیس کارخانجات جدید درمقاماتیکه ازانجا مواد خام بیشتر بدست آید (مخصوصاً درقسمت های شرق) ترقی مؤسسات و قوای برقی،بسط تجارت و وسایل حمل ونقل وغیره اموری است که ترقی اقتصادی و تزئید قرای عایداتی آن مملکت را تامین نماید .

رئیس جمهور جدید امریکا
وسوء قصد بر آن

سرزمین امریکا باوجود آنکه درعالم یکی از نقاط ثروتمندی ،معروف بوده و هم ازلحاظ آنکه این قطعهٔخاک ازقطعات دیگر دنیا کناره‌تر افتاده ونسبتاً ملت ومملکت آن از عالیترین مزایای مدنیت متمتع‌اند می بایست باکمال آسوده‌گی وعدم تشویش مراحل ترقیات مادی ومعنوی را پیموده وازانواع لذائذ حیاتی بهره بر دارند ، مع هذا وقتی گذارشات سال ۱۳۱۱ آن مملکت زیر نظر گرفته شود برخلاف تصور آنچه در حصص عقب افتاده و پاماندهٔ دنیا دیده شده از آنجا بیشتر عرض وجود مینماید .



مستر روزلت رئیس جمهور امریکا

از اوائل امسال بعضی اغتشاش ها و انقلابات بل محاربات داخلی فی‌مابین دول متحدهٔ امریکا اتفاق افتاده مانند محاربه های بولیویا و پراگوئی ، پرو و کلومبیا و یا انقلاب ها و اغتشاشات چلی ، برازیل و و نیزویلا و غیره که برخی واقعات عمدهٔ آن تاکنون هم فیصله نشده و در مجمع ملل تحت مذاکره و تحقیق است .

همچنان بحران اقتصادی در سر تاسر این سال امریکا را تحت فشار گرفته و بحدی این مسئله مهم است که سر دستهٔ مصائب آن ملت قرار یافته حتی مطلعین، اکثر واقعات مدهشه راازقبیل اختلال های سیاسی ناکامی های رئیس جمهور قدیم و حزب او ، تنزل فلاحت ، تقلیل پول ، تولید بیکاری و بالآخره مشکلات رئیس جمهور جدید را که در توازن بودجه و غیره امور اداری و اصلاحات آتیه متحمل بشود ناشی ازهمین موضوع شناخته اند .

در انتخابات اخیره که حزب جمهوری خواهان شکست خورده و قادربه تجدید انتخاب مسترهور نگردیدند مستر « روزلت » حاکم ایالت نیورك، در اثر کثرت آراء عمومی بمقام ریاست جمهور نایل آمد ، چونمشارالیه ازروسای پارتی دمکرات بود لذارژیم سیاسی امریکا نیز تغیر یافته وزمام اقتدار مملکت دردست طبقهٔ جدیدی یعنی دموکراتها سپرده شد .

مستر روزلت قرار است از ٤ مارچ (١٤ حوت ١٣١١) بر مسند رسمی ریاست جمهور جا گرفته و بکار آغاز نماید طوریکه جراید خارجه اطلاع میدهند : رئیس جمهور جدید ازاوائل آوان انتخاب خود تاتاریخ آغاز کار در مسائلی که هور با او میخواست تعاطی فکر نموده و آنهارا در محل اجرا گذارد نخواست اظهار نظریه نماید ، ازین رو مسائل مهمهٔ چهار گانهٔ را که کنگرهٔ امریکا مورد مذاکره داشتند موقوف به اقدام شخص روزلت ماند تا خود او طوریکه مقتضی بداند حل و فصل کند ، مسائل مذکوره عبارت اند از قروض جنگ (که این موضوع در اواخر ١٩٣٢ نیز چندین مراتبه مورد مذاکره وتعقیبات قرار گرفت ولی باعدم مهلت بدول مقروض بدون ازموافقت و یکقسمت پرداختیهای انگلستان ازاطراف دیگرچندان ثمری عائد امریکا نشد) مساعدت بزارعین ، الغاء قانون منع مسکرات و مسائل تنظیم بودجه با فکر صرفه جوئی و ایجاد منابع عایدات جدید ، حالا معلوم شود نقشه های رئیس جمهور جدید در پیشبرد این موضوعات چسان از قوه بفعل خواهد آمد ، چه در بین دمکراتها هم اتحاد آراء موجود نیست .

بهر حال حادثهٔ دیگری هم که در سیاست امریکا خالی از تاثیری نخواهد بود سوء قصدی است به رئیس جمهور جدید ، در ١٥ فروری (٢٦ دلو) قبل ازانکه « روزلت » رسماً برمسند ریاست جمهور قرار بگیرد در حالیکه او بمقام « میامی » مشغول نطق بود از طرف یکنفر ایطالوی موسوم بهزنگارا هدف چند فیرتفنگچه واقع شد ولی گلوله بشخص رئیس جمهور اصابت نکرده و رئیس بلدیه شیکاگو (انتون سرمك) را سخت مجروح ساخت قاتل که در ابتدا از طرف محکمهٔ قضائی محکوم به بیست سال حبس گردیده بود اخیراً بواسطهٔ وفات رئیس بلدیه اعدام شد .

اگرچه از استنطاق ، زنگارا که در دوائر قضائی مکشوف گردید قاتل از جملهٔ عملهٔ کشتی سازی بوده و چون اخیراً بیکار مانده است ارادةً برای آنکه چرا از طرف حکومت جهة رفع بیکاری اقدامی نمی شود ، درصدد قتل رئیس جمهور برآمده ولی بعضی ها عقیده دارند که زنگارا در جمعیت کمونیستی بوده و این حرکت او ناشی از تحریکات کمونیستی است چنانچه بعد از حدوث این قضیه چندین نفراز روسای کمونیستی در امریکا نیز توقیف گردیدند .

(سرور جویا)

اختراعات مهمه در سال ۱۳۱۱

کوچکترین طیارهٔ دنیا

مستر تاثی لر که یکی از انجنیر های معروف ارجنتائن است ، اخیراً طیارهٔ اختراع کرده که از روی حجم و ثقل کوچکترین طیاره های عالم بشمار میرود و ماشین آن دارای ۷۵ اسپ قوه میباشد .

اختراع طیارهٔ جدید

موسیو کورسیس مهندس فرانسوی سفینهٔ هوائی جدیدی اختراع کرده که اسم آن استراتوفر میباشد و در هر ثانیه ده متر طی کرده به ارتفاع ۱۵ هزار متر بلند میشود .

بنزین مصنوعی

داکتر لند مدیر قسمت شیمیاوی دارالفنون مینوتا (امریکا) از (هیدر و کاربون) بزیر فشار الفاء (در رادیوم) یك نوع بنزین تیار کرده که در ساختمان و صفات مثل بنزین معدنی است .

ماشین جدید برای حفر زمین

یك نفر انجنیر المانی ماشینی اختراع کرده که شبیه به رول جاده سازی میباشد و زمین را به اندازهٔ ۸ × ۶ بیك حرکت ، می شگافد و تهداب احداث می نماید .

دروازه هائیکه خود بخود باز می شود

دریك هوتل امریکه دروازه هائی ساخته اند که بمجرد نزدیك شدن انسان خود بخود باز می شود . این دروازه از اثر شعاع برقی مخفی بسته میشود و موقعیکه شخص به آن نزدیك گردد چون جسم او میان شعاع مذکور و فنر های دروازه حائل میگردد ، قوهٔ شعاع برقی از بالای فنر ها دور شده ، دروازه باز میشود و بمجرد داخل شدن شخصی دو باره شعاع به فنر ها متوجه گشته در خود بخود بسته میشود .

اختراع یك ماشین عجیب

مستر ایستر که یکی از مخترعین مشهور امریکاست ، ماشینی اختراع نموده که میتواند از فاصلهٔ یك هزار میل جمیع موانع وعوائق را که در راه او باشد محو و شهر ها را تباه نماید و اشخاصیکه در بین آن مصروف کار اند ، از هر گونه صدمه محفوظ بمانند .

ساختمان این ماشین مشتمل بر پانزده هزار یونت برق و هر یونت عبارت از دو صد خریطهٔ مملو ازگازهای مختنق و آتش گیر است که منجمد ترین اشیاء را آب مینماید از قرار معلوم عملیات این ماشین در هوا بوده وظیفهٔ انتشار گاز را به حد انتها میرساند .

محصلین جدید افغانستان که درعصر همایونی بخارج اعزام شده اند:













[illegible] خان فارغ التحصیل ۱۳۱۱ مکتب امانیه حال در پاریس



محمد یوسف خان فارغ التحصیل ۱۳۱۰ مکتب [illegible]



عبدالمجید خان فارغ التحصیل ۱۳۱۰ مکتب حبیبیه [illegible]



[illegible] خان فارغ التحصیل ۱۳۱۱ مکتب حبیبیه حال در المانیه



[illegible] شاه خان فارغ التحصیل ۱۳۱۰ مکتب حبیبیه حال در المانیه

مخترع مذکور به کابینهٔ وزراء امریکا اظهار کرده که تا قسم یاد نکنند که اسرار این اختراع را پنهان می دارند ، اسرار مذکور را نخواهم گفت .

اختراع موتر جدید در فرانسه

موسیو استپ مهندس فرانسوی موتری اختراع کرده که ۳۷۵ میل راه را در یك ساعت طی میتواند . این موتر سه ماشین رقم جوپیتر دارای ۸۰۰ اسپ قوه دارد و علاوه برین یك ماشین دیگری بقوهٔ ۶۰ اسپ دران تعبیه شده که در موقع ضرورت به ماشین های قبل الذکر کمك مینماید .

بوره وقند از چوب

مدتی بود دکتور های جرمنی مصروف تهیهٔ بوره و قند از چوب بودند که اخیراً به این نظریه موفق و یك فابریکهٔ جدیدی برای ساختن آن در جرمنی تاسیس شده است بورهٔ که از این فابریکه حاصل می شود بسیار طرف توجه جرمنی ها واقع و تعمیم آن در سائر تجارتخانه های بوره و قند تشویشی تولید خواهد کرد .

برای محافظت میوه

یکی از تجار کالیفورنیای امریکا به تجربه رسانیده که اگر کاغذهائیکه میوه در بین آن پیچیده میشود درمحلول یکی ازاملاح (کوسیور) مس گذاشته شود ، میوه را مدتی از گندیدن وفاسد شدن محافظت خواهد کرد .

مادهٔ محترقه بجای نفت

علما اخیراً متیقن شده اند که مادهٔ مستحصله ازنیشکر واشجار صاحب نموی سریع بقسم نفت قابل احتراق شده میتواند این ماده درتجربه کامیاب شده است واگرتقطیر شود قابل سوختن وگداختن میگردد و نیز مواد نشویه وقندی دیگری‌هم پیدا کرده اند که دراثر تخمیرمادهٔ الکلی قابل احتراق ازآن خارج میشود .

تیلفون مخصوص وسری

خیلی اشخاص هستند که میل دارند در موقعیکه باتیلفون صحبت میکنند سائرین اسباب زحمت شان نشود یاآنکه می خواهند صحبت شان را دیگری نشنود برای این مقصود آلهٔ اختراع شده که بدهانهٔ گوش تیلفون وصل نموده صدا بقدری تخفیف می یابد که‌بگوش اشخاص مجاور بمنزلهٔ زمزمهٔ خفیفی می نماید اما طرفین‌تیلفون کننده و مستمع بخوبی مکالمهٔ همدیگر را می شنوند .

میزان درجهٔ صوت

موسیو سیلری مدیر دارالفنون‌صنائع درپاریس اخیراً دستگاهی برای میزان درجهٔ‌صوت وشدت آن‌اختراع کرده است دستگاهی که مشار الیه اختراع نموده برای شناسائی اصواتی که از کار خانه جات مختلفه در خیابانها وفضای شهر منتشر است بکار می خورد .

دواختراع مهم

یکی عبارت از گلوله ئیست که از ۱٦ کیلومتر فاصله تختهٔ فولادی را که ۳۳ میلیمتر ضخامت داشته باشد سوراخ کرده میتواند ، این گلوله پس ازطی مسافت مذکور قوهٔ فرورفتن را بعمق ۱٦میلیمتر خواهد داشت .

اختراع دیگر عبارت از یك میتر الیوز سبکی میباشد که وزن آن قدری از تفنگچه های جدید انگلیسی بیشتر واز میترالیوز های مستعمله خیلی کمتر بوده دریك دقیقه از ٤۰۰ الی ٤٥۰ فیر خواهد نمود .

عکاسی درهوابارنگهای ملون

یکی از فنونیکه امروز مورد توجه اهل فن است عکاسی است ودرین اواخر ترقیات قابل توجهی درین فن پیدا شده :

مسیو شمپل فرانسوی در ۱۹۲۷ شروع بهتجربیاتی نموده که درحین سیردرهوا عکس های رنگه بردارد. اینك این تجربیات تکمیل و برداشتن عکس های رنگه درهوا جزویکی از قسمت های عملی فن عکاسی شده است .

هادی طیارات

یکی ازاهالی کالیفورنیا (امریکه) یك ماشین اتومانیك برای هدایت ورهنمونی طیارات شبگرد تهیه نموده که محتاج نیست دست دیگری آن را بکار بیندازد بلکه بواسطهٔ ساعت مقناطیسی که در جوف آن تعبیه شده عملیات میکند و چراغ دستگاه راسَیم ساعت قبل از غروب هرروز روشن وهنگام طلوع صبح خاموش میسازد، چراغ مذکور یك ماه کامل مرتباً کار کرده و در اخیرماه کوك میشود .

قلب مصنوعی

یکی از علمای طبیعی انگلیس موسوم به « داکتر گب » یك قلب مصنوعی اختراع نموده است که ذریعهٔ آن میتواند در جسم جانوران خون را به جریان بیاورد این قلب از برنج ساخته شده و تجربه گردیده است با آن امتحان مزید در اطراف آن جریان دارد .

این قلب کیمیاوی برای اطبا و طلاب در تعقیب و سراغ دورهٔ خون وترسیم وضعیت آن و معلومات مختلفه بسیار مفید ثابت خواهد شد .

اختراع یك طالب العلم بنگال

« مستر بام جی داس » طالب‌العلم تحقیقات کالج کیمیاوی یك طریقهٔ جدیدی برای فلم گویا اختراع نموده است که این اختراع محتاج به لوازم ماشین های سابقه نیست امید است که در اثر مساعی و تحقیقات علمی این طالب العلم جوان ، در آتیهٔ قریبی فلم های گویا به نازل ترین قیمتی میسر شود .

این اختراع فی‌الحال مراتب امتحان و تجربه را طی نموده است .

تیلفون سه نمره در یك وقت

اخیراً یکی از امریکائیها دستگاهی از تیلفون جدید اختراع نموده که ممکن است با سه نمره در یك آن بواسطهٔ دستگاه مزبور حرف زد بدون اینکه اصطکاکی بین هر یك از نمره ها پیدا بشود و این اختراع را (تیلفون سه نمره) اسم گذاشته اند .

طلا و غذای مصنوعی

بطوریکه اغلب عقیده دارند عنقریب بعضی از اطعمه را با ترکیبات مصنوعی و شیمیاوی از مواد غیر عضوی ساخته و قیمت آن بمراتب از غذا های طبیعی ارزان تر تمام خواهد شد .

بعضی از اشخاص قند مصنوعی را تعقیب کرده نمونهٔ از آن بدست آورده و تا حدی موفقیت پیدا نموده اند ولی چیزیکه هست هنوز نتوانسته اند آنرا داخل بازار کرده و با قند طبیعی داخل رقابت نمایند ، این خبر ازچند سال قبل در بارهٔ طلای مصنوعی وساختن آن از جیوه بی قیمت هم انتشار یافته اگرچه خبرصحیح است و لیکن قیمت طلاء قیمتی پسیکولوژی بوده و از اینکه وسیله از برای مبادلات است زیادتی پیدا نمی نماید چیزیکه هست بعضی از فلزات مانند قلعی و غیره گاهی در میزان استخراجی آن نقصان فاحشی پیدا شده و از میزانی که کارخانجات آنرا لازم دارند تقلیل پیدا میکند و باین وصفتهیهٔ مواد مصنوعی‌بجای آنها بیمورد نیست.

معالجه ذریعهٔ موسیقی

یك دکتور « الی نوئس » عقیده دارد که ذریعهٔ موسیقی علاج امراض ، کمر ، سل ، سرفهٔ سیاه‌رامیتوان بدرستی نمود بنابرین نظریه دکتور مذکور می‌خواهد طرز موجودهٔ معالجه را ترك نموده مرضا را بطریق موسیقی معالجه وتداوی نماید زیرا او متیقن است که موسیقی نه تنها برای قوای دماغی مفید است بلکه برای سائر نواقص طبیعی دارای اهمیت میباشد .

ونیز پیشگوئی میکند که چندی نخواهد گذشت معالجین موجوده طرز فعلی علاج را ترك داده بطرز موسیقی عمل خواهند نمود ودرنسخ ادویه مثلیکه اکنون اسم ومقدار ادویه نوشته می‌شود ، دران صوت وآهنگ ونوته های متنوعهٔ موسیقی ورقص وسرور و غیره را تحریر خواهند نمود .

ریل ژیپلین

آخرین وسیلهٔ که از حیث اهمیت درحمل و نقل شوروی افزود گردیده ریل ژیپلین است و تجویز نموده اند تا ذریعهٔ این ماشین جدید بلاد بزرگ روسیه را بهم وصل نمایند .

مخترع آن مدعی است که سرعت سیراین اختراع فی ساعت ۲۳۵ میل است ، صفاتیکه ریل ژیپلین را از سائر وسائل نقلیه ممتاز مینماید اینست که بخط آهن منفرد نیز میتواندطی مسافه بنمایدودارای دوبلو پلر (ماشین

سوقیه) است که یکی آن درقسمت پیشروی ودیگری درعقب فیوس لیج واقع است که روی هم رفته شکل آن را شبیه بهژیپلین مینماید اراده دارند که ریل ژیپلین را بهآلهٔ گیروسکوب (آلهٔ عراده نمائیکهبهموتر یاسائر ماشین های اتوماتیکی جهة تسویهٔ توازن نصب می شود) مجهز نمایند تا از جستن آن جلو گیری نماید قسمت درونیآن منقسم بدوحصه است فوقانی وتحتانی که حصهٔ بالا برای مسافرین وحصهٔزیرین جهتباربرداری وآلات رادیو وغیره تخصیص یافته .

اختراع جدید

یك نفر تیونسی معروف به (السید ابراهیم ابن عباد) درپاریس یك آلهٔ اختراع کرده که ذریعهٔ آن میتوان دروقت افتادن طیاره مسافرین وطیاره را به احتیاط برزمین فرود آورد ، اسم این آله به نام مخترع مذکور « ابن‌عباد » موسوم ووزیر پروازفرانسه یك مبلغ کثیریرا جهة خریداری امتیاز این آله به مخترع آن تقدیم نموده است .

درتاریخ این بار اولی است کهتیونسی ها بهچنین یك اختراع فوق‌العادهٔ موفق شده‌اند .

قدم زدن درفضا

یکی از اهالی رومانیه که فعلاً در لندن اقامت دارد ماشینی اختراع نموده است که بواسطهٔ آن میتوان در فضا تا حد اندازهٔ مطلوب قدم زد اما تا حال از فرود آمدن برزمین اطمینانی حاصل نشده که آیا میتواند ازخطر جلوگیری کردیانه؟ این مخترع مستر سمسی وهمان شخصی استکه درمحافل اهل فنبسبب اختراع باتری خشك وچندین آلات دیگر و تغیرات مهمی که درگراموفون رادیو داده است شهرت خوبی دارد .

نمایندهٔ دیلی اکسپرس مخترع مذکوررا درهوتل وکتوریه ملاقات وعلت اوضاع شگفت آمیزش را استفسار نمودهاستمسترسمسیجواب داده: میبینم که درشهرپرنفوسلندنمردمچقدربزحمتاز بازار ها وکوچههایپرنفوس میگذرند و بسیاری زیر پای دیگر پامال می شوند اگر درین وقت یك ماشینی موجود باشد که این نفریرا بالای شهر در فضا از یك مقام بدیگر مقام ببرد از تمام زحمات نجات خواهند یافت .

نماینده استفسار نمود که آیا ممکن است یك شخصی بدون طیاره و بالون از راه فضا از « کیرنك کراس» به « فلیت ستریت » « محلات لندن » رسیده بتواند ؟ مستر سمسی گفت بلی منمیتوانم شمارابذریعهٔ یك ماشین که آن را درسینهٔ شما بسته ودکه را فشار دهم ازکیرنگ کراس تافلیت ستریت برسانم وشماحسب دلخواه بهر اندازه ارتفاعی که بخواهید رفته میتوانید .

نمایندهٔ مذکور ازین جواب خیلی متعجب شد،مخترع گفت تعجب مکن زیرا وائرلیس نسبت باین امر تعجب آورترست ، که شمامیتوانیدذریعهٔ آن ازلندنتااسترالیا حرف بزنیدماشینمننودفیصدکامیاب ودهفیصددیگرآن نیز عنقریتکامیاب خواهد شد .

اگر چه فعلاً نیز میتوانیم ذریعهٔ این ماشین تاحدی که بخواهیم درفضا سیاحت بنمائیم اما چیزی دیگری که فکر مرانخود متوجه نموده اینست که این ماشین درعودت مساعدت نمی نماید، عنقریب دریك ده خاموشی که در جوار پارس است رفته بکار خود ادامه خواهم داد.

گیلاسی که نمی شکند

در بازار پاریس گیلاسی به معرض فروش گذاشته شده است که شکل آن عیناً مثل گیلاس های شیشه ئی عادی و بیك شلنگ فروخته می شود فرقی که این گیلاس باسائر گیلاس ها دارد اینست که این گیلاس قطعاً نمی شکند.

طیاره برای پیمودن بالاترین درجهٔ هوا

اخیراً درپاریس طیارهٔ مخصوصی اختراع نموده و آنرا بطیارهٔ (جبرش) موسوم داشته اند این طیاره بدین جهت تهیه شده که بالاترین درجهٔ هوا را بتوانند باآن به پیایند، وضع ساختمان طیارهٔ مزبور ازیك نوع فلزی درست شده که ابداً هوا درآن نفود نمی نماید وبالاترین درجهٔ سیر طیاره را می توان بااین طیاره درظرف چهل دقیقه و ۲۵ ثانیه طی نموده .

معالجهٔ حیوانات با رادیو

تاکنون درتاریخ طبابت سابقه نداشته که اشعهٔ ایکس (رادیو) را برای تحقیقات احوال حیوانات استعمال نمایند وفقط استعمال اشعهٔ مزبور منحصر بانسان بود ولیکن اخیراً درشهر سیدنهٔ استرالیا در صدداینکاربرامده وبرای تشخیص اسپ های نجیب ازغیر آن اشعهٔ ایکس را بکار میبرند ونیز امراض حیوانات را بواسطهٔ اشعهٔ ایکس تشخیص داده و در معالجهٔ آن اقدام مینمایند .

طیارهٔ جنگی جدید

دولت فرانسه اخیراً ساختمان طیارهٔ عجیبی را انجام داده وآن را جز و قوای جوی نظامی خود قرار داده است این طیاره حامل دو هزار وپنجصد کیلوگرام گلوله و سه مترالیوز است و میتواند بسرعت پرواز نماید طول این طیاره بیست ویکنیم متر وامتداد جانی آن ۳۸ متر ودارای چهارموتر بقوهٔ دو هزار چهار صد اسپ می باشد .

مریض خانهٔ که باآفتاب دور میزند

آنچه معروف است در مریض خانه ها مرضا را باتخت خواب روز ها از جائی بجای دیگر نقل میدهند تا ازاشعهٔ آفتاب بقدر کفایت استفاده کنند ، بطوریکه ثابت شده اشعهٔ آفتاب در نسج بدن بی اندازه مساعد بوده وقوای آن را تجدید مینماید ونیز بعد ازمرض قوای بدن را برمیگرداند اخیراً درفرانسه مریض خانهٔ بطرز جدید ساخته اند که در منطقهٔ کوهستانی بلند بوده و دارای هوای صاف و سالم است چیز تازهٔ که درین

مریضخانه است اینست که مریضخانهٔ مزبور بشکل طاحونهٔ هوائی بناشد و اطاق های مرضا در دو بال این طاحونه قرار گرفته ودر برابر آفتاب واقع شده ودوبال حرکت کرده مرضا را در برابر آفتاب وا میدارد.

تانك فضائی

در امریکه یك تانکی ساخته شده که علاوه بر رفتار در زمین غیر مسطح میتواند که پرواز هم کند این تانك چون دارای عراده های رابری است میتواند بر سطح زمین ۱۰۰ میل فی ساعت رفتار نماید .

اختراع جدید

در لندن یك ماشین قلبه اختراع شده است که بدون معاونت انسان خود بخود کار میکند چون کار را به اتمام میرساند خودش ایستاده میشود و نسبت به کار یك انسان و دو گاو دوازده صد مرتبه بیشتر کار میکند .

ماهرین فن زراعت خیال میکنند که ازین اختراع چون کار زیاد گرفته و حاصلات زیادی فراهم می شود ممکن است که قیمت اجناس تنزل کند .

ماشین نصب شیشه های بزرگ

حمل و نصب شیشه بواسطهٔ خطر شکستن کار مشکلی است و مخصوصاً نصب شیشه های قد نما (ویترین) درمغازه های خیلی بزرگ ، کار مشکل و پر خرجی است مسیو دباکر نام مهندس ماشینی اختراع کرده که بوسیلهٔ آن میتوان شیشه های بزرگ را که تا سه خروار وزن داشته باشد بلند کند و در قاب مخصوص نصب نماید .

ماشین مذکور دارای دسته ایست که سر آن دارای یك صفحهٔ فلزی است که با جست پوشیده شده ، وسط دسته و صفحهٔ فلزی سوراخی است که با ماشین مخصوصی که دارای یك مخزن و یك میزان الهوامیباشد مربوط است برای بلند کردن شیشه با آئینه دسته را بآن میگذارند و بوسیلهٔ ماشین هوا را از سوراخ دسته استخراج مینمایند دسته بشیشه محکم می چسپد و آنرا بلند کرده در مکان مطلوب جا میدهد ، این ماشین کاری را که ده عمله در چند ساعت باید بکنند در ده دقیقه بکمك دو نفر انجام میدهد .

تلسکوب عجیب

در رصد خانهٔ (برکنس) که تابع مؤسسهٔ اوهایوویزلیان امریکا است تلسکوب عجیبی ساخته شده که از تمام تلسکوب های دنیا ممتاز است ؛ این تلسکوب دارای شیشه ایست که قطر آن به ۲۹ گره میرسد (درآنجا تلسکوبهای دیگری که شیشهٔ آنها بزرگتر است موجود خواهد بود .) تلسکوب مزبور مخصوص از شیشه ساخته شده و برای رصد گیری استعمال میشود وزن این شیشه در حدود ۳۷۹۰ رطل است و وزن تمام

لولهٔ تلسکوب ۱۷ هزار رطل خواهد بود ، شیشهٔ تلسکوب مربوط بسیم مقناطیسی خیلی دقیق است (کرونومتر) که با افلاك حرکت می نماید بطوریکه تلسکوب دائماً باافلاك گردش خواهد کرد شخص راصدمیتواند ستاره های خیلی کوچك را که صد وبیست بار کوچك‌تر ازستاره های مرئی است با این تلسکوب مشاهده نموده در اطراف آن تحقیقات نماید .

معالجه با رادیو

درکانادا شخصی موسوم به داکتر ایف‌ایس متخصص معالجه که طریقهٔ جدیدی برای علاج دریافت نموده و از سه سال باین طرف در پیش برد نظریهٔ خود کار میکرد اخیراً موفق گردیده است تا مریض ها را که به فاصلهٔ ۱۵۰۰ و ۲۰۰۰ میل دور باشند بدون دیدن ذریعهٔ رادیو علاج کند .

اطفای آتش بدون آب

« کارپوریشن آف وبرد کار » یك انجن اطفائیه اختراع کرده است که بدون معاونت آب آتش رامنطفی می نماید این انجن از دارائی بکت (لوله های آهنینیکه آب از آن عبور می کند) عاری است اگرچه مثل انجن های سابق آبی لوله های که بکار اطفائیه مستعمل می شود دارد مگر هیچ نوعی از مایعات از لولهٔ مذکور خارج نمیشود با این هم به نسبت انجن آبی در اطفای آتش مفید ثابت شده است که در اندك وقت آتش را منطفی مینماید .

حقیقت آن اینست که عمل این آله ذریعهٔ گاز است چه هر کس می فهمد که گاز کاربون ایسد به نسبت هوا خیلی ثقیل است و میتواند بزودی آتش را منطفی نماید .

این ماشین که دارای شش سلندر است در حصص تحتانی خود ذخیرهٔ کاربون ایسد را بصورت مائع موجود دارد وقتیکه دکمهٔ مخصوص آن فشار داده شود از دهن لولهٔ اطفائیه گاز کاربون ایسد بصورت غیر مرئی خروج و بهر جائیکه میرسد فوراً آتش را منطفی مینماید .

نقصی که انجن اطفائیهٔ آبی دارد اینست که بعد از اطفای آتش فرش های نفیس و اثاث البیت ذی قیمت همان عمارت محروق را خراب مینماید ولی این انجن گاز دار ازین نقص هم مبرا بوده در اطفای آتش بیشتر خدمت میکند .

اختراع کاغذ دافع آتش

دکتوره‌ایجن گریوش‌جرمنی‌یك‌نوع کاغذی اختراع‌نموده که آتش رادفع میکند این کاغذکه ازتجارب مقدماتی کامیاب برامده برای پوش دادن سقف و دیوار ها بطور حفظ ماتقدم حریق نهایت سودمند است و از طرف بسااشخاصیکه تعمیر مینمایند مورد استعمال واقع شده چنانچه سقف وبام قلعهٔ برلین را نیز بهمین کاغذ پوشانیده اند ، باین کاغذ چنان موادی استعمال شده است که از آتش مدافعه مینماید چه وقتیکه آتش نزدیك

کاغذ میرسد بسبب حرارت آتش از موادیکه بر کاغذ استعمال شده است دود پیدا شده آتش را خاموش میکند .

داکتر مذکور در اثنای امتحان در یك اطاق از بالا تا پائین یك نل مخصوص فلزی تیار و آنرا در بین اطاق مثل دودکش معلق نمود حصص پائین آن را بذریعهٔ آن کاغذ مسدود و در قسمت فوقانی مشعلی را مشتعل کرد وقتیکه گرمی مشعل بذریعهٔ نل بکاغذ رسید فوراً دودی ازان متصاعد و مشعل را گل کرد .

کاغذی که نمی سوزد

یکنفر آلمانی موسوم به (باول براونی) کاغذی ساخته که نمی سوزد این اوراق بشکل کاغذ های معمولی بوده و تمام خصایص کاغذی را داراست و برای اوراق اسکناس ونوت بانك و اوراق بهادارو وثایق مهمه صلاحیت دارد . مخترع کاغذ مزبور علاوه برین تاکنون پنجاه اختراع از خود نموده که هر کدام آنها در دفاتر مخترعات آلمان ثبت است .

اختراع خیمهٔ دافع گاز مختنق

علاوه بر آلاتی که جهت دفاع از گاز زهر دار اختراع شده مورد استعمال بود اخیراً درفرانسه خیمهٔ اختراع نموده اند که در اثنای انتشار گاز ۵ ، ٦ نفر داخل آن خیمه شده بواسطهٔ اینکه دران هوا نفوذ کرده نمیتواند از صدمهٔ گاز محفوظ میمانند .

درین خیمه هوا جهة تنفس انسان بقدر کافی نگهداشته میشود .

اختراع چرم جدید

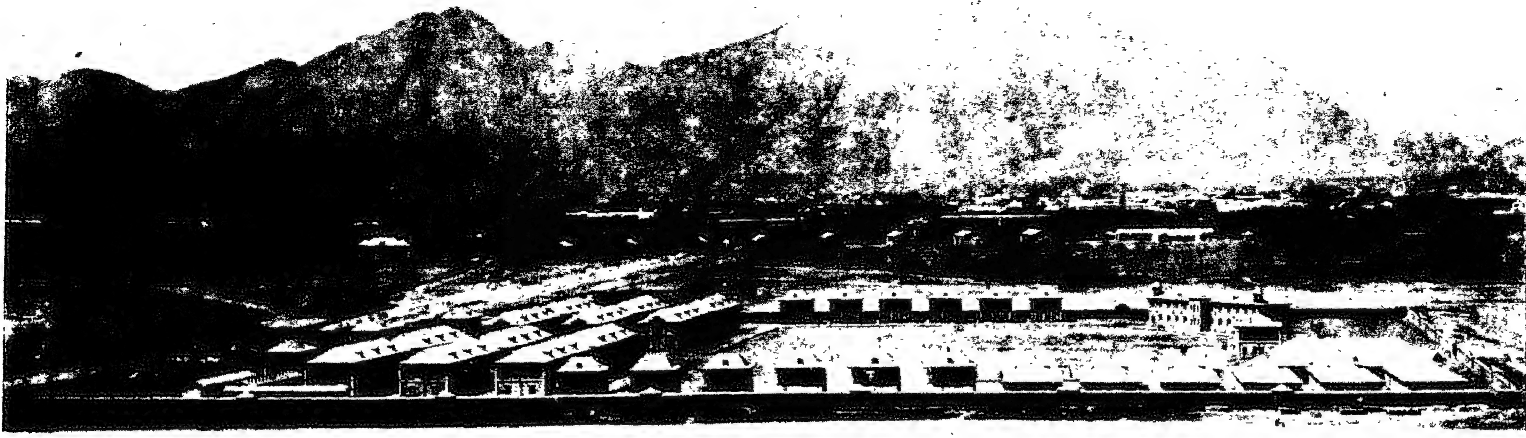
در (زیکو سلا ویه) یکی از کار خانه ها تجربه نموده است که میتوان تختهٔ چوب را بواسطهٔ عمل کیمیاوی مثل چرم نرم نمود مؤسسهٔ موصوف ادعا می نماید عنقریب تل بوت ها و تمام حصص بوت نیماق ازین چرم جدیدی که ازچوب بعمل میآید ساخته خواهد شد .

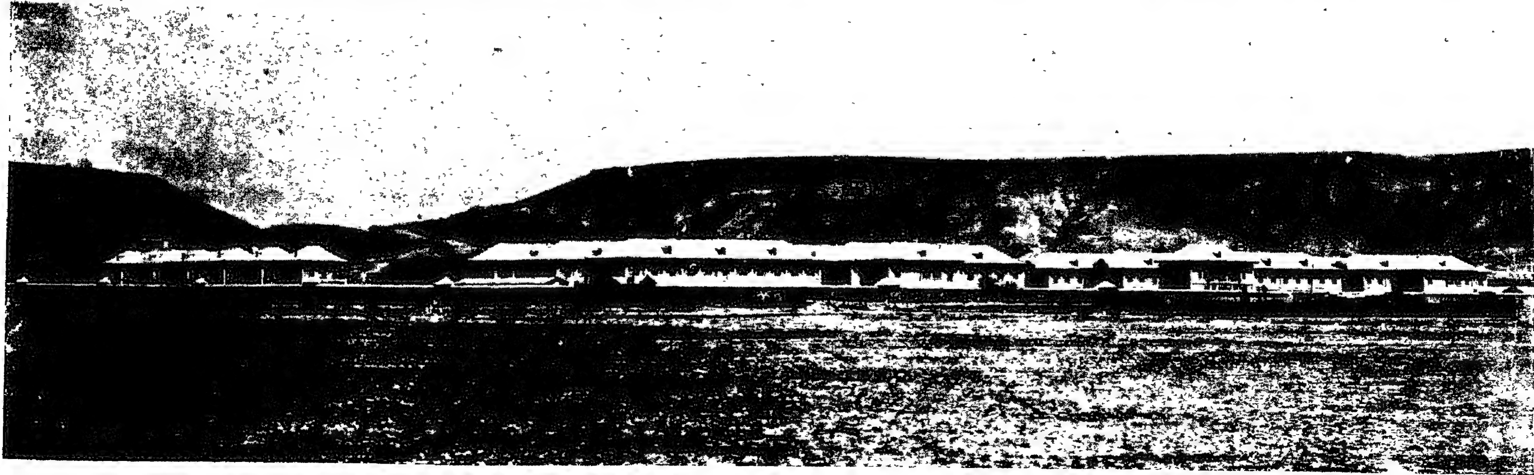
برای تقویت صدا

اخیراً « انتوان ویرتی » طبیب دندان در ویانا دستگاهی کوچك برق ساخته است که باندازهٔ حجم قطی کبریت معمولی است واین دستگاه را روی هر نوع آلات و ادوات موسیقی سوار نموده و صدای آنها را چندین بار اضافه مینماید ، این دستگاه مخصوصاً در مجالس و محافل موسیقی صلاحیت تام را دارا خواهد بود .



اعلیحضرت همایونی مرقع ملاحظهٔ رسم گذشت عساکر کاپی





ازعمرانات عصر نادر شاهی قشله های عسکری در شیر پور

ذات همایون اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی موقع ملاحظهٔ عساکر
کابل در رسم گذشت جشن استقلال سال ۱۳۱۱

مختصر جغرافیای عالم

ابی سینیا

این مملکت که اسم دیگر آن حبشه است برای ما مسلمانان اهمیت تاریخی دارد ، زیرا قبل ازهجرت حضرت رسول اکرم (ص) بعضی از مسلمانان از ظلم وتعدی قریش نزد پادشاه حبشه ملقب به (نجاشی) پناه بردند. ابی‌سینیا کوه های‌سرسبز دارد و وادیهای آن حاصلخیز است. قهوه ـ تیف (قسمی ازحبوب است) جو- باقلا- جوار- گندم وکمی پنبه ازحاصلات آن است.



نجاشی — هیلی سلاسی اول
HILE SILASSIE I

معدنیات آن عبارت است از آهن ـ زغال سنگ ـ مس ـ گوگرد ـ نمک- پوتاس، میگویند که درین نزدیکی ها پلاتینم هم درانمملکت کشف شده است ـ در افریقه تنها همین یك ملکی است که از اسارت اروپائی برکنار مانده است ـ شهنشاه ابی‌سینیا (هیلی‌سیلاسی) نامدارد وشاهی‌است‌ترقیخواه، درمملکت خود برده فروشی رامنع کرده وبرای رعایای خودمکاتب جاری نموده است- رقبه‌خاك آن ۹۰۸،۰۰۰ مربع کیلو متر و نفوس از ۱۰ الی ۱۱ملیون تخمین شده است پای تخت آن (عدیس ابابه) است .

ارجنتائین

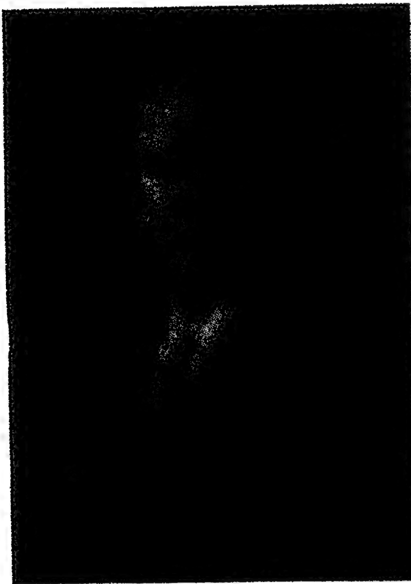
سابق بنام لاپلاتا (یعنی‌دریای‌نقره) موسوم‌بود،وحال‌جمهوریتی است درامریکهٔ جنوبی ـ این مملکت زراعتی است: گندم ، جواری، الفالفا ، زغر ، پنبه ، جو ، تنباکو از محصولات مهم آنست ، تعلیم ابتدائی مفت و

جبری است. این مملکت مشتمل است بر چهارده علاقه هرعلاقه بدرجهٔ اتم آزادی داخلی داشته ومختار است که حکام خود را منتخب کند و قوانین خود را وضع نماید ـ علاوه بران دهعلاقهٔ آن بطوریست که رئیس جمهور برای آنها حکام را انتخاب میکند ، باید صدر جمهور مذهباً رومن کاتولیك بوده و درخود ارجنتائین پیدا شده باشد ،رئیس جمهور برای شش سال منتخب میشود وباز باردوم منتخب شده نمیتواند، پارلمان رامجلس ملی مینامند وبر دو اطاق مشتمل است یکی (سنا) و دیگری اطاق نمایندگان ، سنا برای ۹ سال منتخب میشود ، ثلث اعضاء بعد ازهر سه سال انتخاب میشوند ، عده اعضاء سنا ۳۰ میباشد اطاق پائینتر ۱۵۸ عضو دارد ، اعضاء برای میعاد چهارسال انتخاب میگردد ونصف اعضاء بعد ازهر دوسال تبدیل میشود ـ رای دادن مطابق قانون جبری است . مساحت آن ۲،۹۸۷،۰۰۰ مربع کیلومتر، نفوس ۱۱،۱۴۴،۱۹۲ پای تخت آن (بونوس آیرز) مستقیماً تحت حکومت مرکزی است .

آستریا

چندی قبل یکی از قوی ترین دول اوروپا شمرده می شد و زیاده از ۵۹ ملیون نفوس داشت ، حال کمتر از هفت ملیون نفوس دارد منجملهٔ آن تقریباً ۲ ملیون در شهر ویانه سکونت دارند، بعد ازانعقاد صلح بتاریخ ۱۲ نومبر ۱۹۱۸ جمهوریت اختیار کرده است .

استریا مملکتی است متحده که عبارت است از ۹ علاقه ، اختیارات اتحاد آن بسیار وسیع میباشد و محکمهٔ دارد که جمله دعاوی علاقه های مذکور دران انفصال می یابد.



رئیس جمهور — ولهم مکلاس
WILHELM MIKLAS

پارلمان حکومت عبارت است از دو اطاق ـ بندرزات یعنی (اطاق بالا) مرکب از پنجاه عضو ونیشنلرات (یعنی اطاق پائین) مرکب از ۱۶۵ عضو است ، اعضای آن به آرای عموم برای چهار سال منتخب میشوند ، هردو اطاق یکجا باتفاق رئیس را برای چهار سال منتخب می کنند رئیس مذکور میتواند دو دفعه منتخب شود. اطاق بالا هیچ اختیار ساختن قانون را ندارد تنها مثل مشیر اطاق پائین کار می کند البتهٔ حق دارد که جمله مواد را برای نظر ثانی پس بفرستد .

بموجب قانون اساسی عقاید ومذهب آزاد است ، تعلیم ابتدائی جبری است، جمله امتیازات خصوصی منسوخ گردیده، عملاً هرمتنفس آستریا موید وفاق واتحاد باجرمنی است زیرا خیال می کنند برای حل مسئله اقتصادی همین یك طریق است وبس ـ لیکن قرار معاهده ورسای وفیصله مجلس اقوام اتحاد باجرمنی ممنوع است ، زراعت

حکومت مستقله را پیدا کنند آزاد خواهند شد ، فعلاً یك نفر حاکم از طرف ریاستهای متحدهٔ امریکه درآنجا مقرر است ، پارلمان دارای دو اطاق است سنا ۲٤ واطاق سفلی ۹٤عضودارد، ناریال- قند - تنبا کو - برنج - سندمانیلا - چوب وطلا ازصادرات مهمه آنجا میباشد .

تعلیم ابتدائی دوزبان انگلیسی‌ومجانی است،مساحت آن ۲۹٦,۷۲۰مربع کیلومتر ونفوس آن ۱۲,٦۰٤,۱۰۰- ازان جمله ٤٤۳,۰۳۷ مسلم اند و مورو نامیده میشود ، مرکز حکومت شهر مانیلا دارای ۳۲٤,٥۲۲ نفوس است .

البانیه

مملکت خوردیست زراعتی در جزیره نمای بلقان ، منابع مهم آن جنگلات ، و ثروت قلیل دیگر آن معادن میباشد ولی هیچیك آن بکار انداخته نشده ، چرا که تسهیلات حمل ونقل‌وجود ندارد، بعد از یك مدت شورش و اغتشاش احمد زوغو را صدر جمهور البانیه در ۱۹۲٥ اعلان نمودند ، ۳ سال بعد مملکت به شاهی رجوع نموده طرز حکومت ترمیم یافت واحمد زوغو را بادشاه ساختند ، پارلمان مشتمل است بر٥۹ عضو - تعلیم ابتدائی مفت وجبری است ، مساحت البانیه ۵۷۱ ، ۲۷ مربع کیلومتر ، نفوس آن ۱,۰۰۳,۰٦۸ منجمله ٥٨٤,٦۷٥ مسلمان میباشند ، پای تخت تیرانه و شهر های مهم دیگر آن دورازو ، سقوطری ، البسن ، والونه است .



شاه - احمدزوغو اول (سکندر بیگ ثالث)

البانیه تنها مملکتیست در اروپا که پادشاه آن مسلمان است .

آیسلاند

جزیرهٔ ایست در بحر منجمد شمالی ، اگرچه از سنهٔ ۱۹۱٨ بصفت مملکت مستقله شناخته شده است ولی شاهٔ آن شاه دنمارك و حکومت آن بهشاه و پارلمان مربوط است - پارلمان ٤۲ عضو دارد که ۳٦ آن برای چهار سال ازطرف علاقه داری‌ها وباقی آن ازجانب کل ملت برای هشت‌سال انتخاب میشود - جمله اهالی مردوزن که مقروض ومشهور به بداخلاقی نباشدحق رای‌دارند - ٤۲ عضو پارلمان دو مجلس را تشکیل میدهد ۱٤ نفر مجلس علیا را و ۲٨ نفر مجلس سفلی را .

تعلیم ابتدائی جبری‌است. ماهی- حیوانات- چربو- پشم وپوست صادرات مهمهٔ آن است، مساحت ۱۰۲,٨٤٦- مربع کیلو متر و نفوس ۱۰٨,٦٤٤ است ، دارالسلطنهٔ آن ریاك یاویك دارای ۲٨,۱٨۲ نفوس میباشد .

ایران

مساحت ایران (۱,٦٤٥,۰۰۰) مربع کیلو متر ، نفوس آن ده ملیون تخمین شده که باین ترتیب میباشد : ـ

کوچی وبادیه نشین (۳,۰۰۰,۰۰۰) ملیون ، عرب (۲٦۰۰۰۰) تورك (۷۲۰۰۰) کرد (٦۰۷ ۵۰۰) بلوچ (۲۰۰,۷۰۰) لر (۲۳٤,۰۰۰) یهودی (٤۰,۰۰۰) ارمنی (۵۰,۰۰۰) و باقی ازنسل ایرانی میباشد که ازان (۱۰,۰۰۰) فارسی زرتشتی است .



شاه ـ رضا شاه پهلوی

علاوه بهارمنی های فوق یکعده از دیگر نصاری هم‌جزو نفوس آنخاك میباشد؛ نفت ، ادویه ، میوه برنج ، گندم وغیره از پیدا وار آن است .

خدمت نظامی درایران امروزه اجباریست، قالین باقی از صنایع معروفه آنملك ودیگر صنایعرا جدیداً نیز تربیه میکنند. درسال ۱۹۲۵ مطابق ۳۱ اکتوبر پارلمان ایران (احمد شاه)آخرین‌خانوادهٔ قاجار را خلع و به ۱۳دسمبر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی‌را بسلطنت خود پذیرفتند ـ ۱۵ دسمبر پاد شاه حلف نمود که مشروط وحکومت ملی رامحافظت خواهد نمود .

بنابران بروز دوم ـسلطنت شاه حاضره اعلان وبرتخت‌حکمرانی جلوس فرمود .

مجلس شورای ایران دارای (۱۳٦) عضو وبرای سه‌سال انتخاب میشوند .

دولت ایران از بدو جلوس شاه حاضر تا حال همه گونه امتیازات و معاهدات مضرهٔ سابقهٔ خارجه را که قبول کرده بودند منسوخ نموده است .

ایطالیا

سلطنتی است در یورپ جنوبی،مساحت آن ۲۸۶,۶۱۰ مربع کیلومتر ونفوس آن (۴۱,۲۲۰,۴۳۴) نفر است ۰ زراعت پیشه مهم اهالی است، ایطالیه ۲۵ دارالعلوم دارد ، تعلیم ابتدائی درایطالیا جبری است.

فرقهٔ فاشیست در ایطالیا از اکتوبر سنه ۱۹۲۲ بر سر کار و صاحب اختیار گردیده است،رئیس حزب فاشیست با هزارها نفر پیروان خود که لباس سیاه فاشیستی داشتند در روما هجوم نموده پادشاه را مجبور کرده حکومت‌را بدست گرفت، سپس درعرصهٔ کمی بر پارلمان نافذشده دکتاتور گشت،حزب‌فاشیست‌رژیم‌پادشاهی را تائید میکند ولی‌نمایندگی‌حکومت هیچ‌عقیده ندارد وجملهٔ مباحثات‌را به محکمه های خصوصی مراجعت میدهد دیگر احزاب باستثنای فاشیست خلاف قانون اعلان شده اند،جراید مخالف ممنوع گشته و یاآنها به‌جراید فاشیستی انتقال یافته اند، رئیس‌حزب فاشیستی‌مسولینی است که مرام فاشیستی را در ایطالیه در موقع اجرا آورده است مسولینی و رفقای مهاجم او در روما اعضای دائمی مجلس کبیر فاشیست میباشند ، مجلس کبیر مذکور حاوی اجرای امور حکومت ایطالیا است،فاشیستی‌ها درباب اصلاح اخلاق سعی خصوصی دارند،(روما)پایتخت‌مملکت دارای ۹۹۹,۰۶۴ نفوس است (ونیس) یکی ازشهرهای مقبول وبافضای ایطالی است،(میلان)دارای‌یك ملیون نفوس ویکی ازمهمترین مراکز ریل دراوروپا است ، کوه های آتش فشان و سویوس‌و اتنا اکثراً مشتعل بوده و باعث خسارهٔ عمومی میگردند .



شاه — وکتور ایمانیول ثالث
VICTOR EMANUEL III

مساحه و نفوس ایطالیه و مستملکات آن

براعظم	ملك	مساحه- مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
اوروپا	ایطالیا	۲۶۰ ۶۳۱	۳۶ ۲۷۵ ۹۰۲	شاهی
	سسلی	۲۵ ۷۴۰	۳ ۹۷۲ ۳۷۹	مستقیماً
	ساردینیا	۲۴ ۱۱۹	۹۷۲ ۱۵۳	»
	مجموع	۳۱۰ ۴۹۰	۴۱ ۲۲۰ ۴۳۴	

مساحه و نفوس ایطالیه و مستملکات آن

براعظم	ملك	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
آسیا	جزائر ایجین	۲ ۰۳۱	۹۷ ٤۳۰	مستعمره
افریقه	ایرطریا	۱۱۸ ٦٥۲	٥۱۰ ۰۰۰	»
	سومال‌ایطالوی	٤۹۲ ۸۰۲	۹۰۰ ۰۰۰	»
	طرابلس	۸۷٥ ۳۷۲	٥۷۲ ۷۰۰	»
	قیروان	۹۳٦ ۲۷۲	۲۲٥ ۰۰۰	»
	مجموع	۲ ٤۲۳ ۱۱۹	۲ ۲۰۷ ۷۰۰	
	مجموع کل	۲ ۷۳٥ ٦۱۹	۷۹ ۸۰۱ ٤٦٦	

طرابلس و قیروان :

این مملکت افریقائی بساحل مدیترانه بغرب مصر واقع است ، سابقاً یکی از ولایات عثمانیه بود در سنه ۱۹۱۲ ع ایطالیه آنرا اشغال نمود ـ اکثر خاك آن ریگ زار است ولی‌بسیار نقاط زرخیز دارد خصوصاً حصهٔ ساحلی آن نهایت حاصل خیز است و خرما و زیتون ونارنج شیرین و مالتا و بادام وتوت و چنار و صنوبر و ارچه و مغیلان و انجیر و انگور و دیگر فواکه و تمباکو و حنا ، شتر و خر و قاطر و اسپ تجارت عمدهٔ‌آن‌است،نمك وقالین،قماش پشمی‌و سگرت بمقدار زیاد ساخته‌می‌شود، مساحهٔ آن ۱,۹۱۱,٦٤٤ مربع کیلومتر و تعداد نفوس ۷۰۰ , ۸۳۹ تخمین شده است که ازان جمله ۰۰۰ ، ۷۷۷ مسلم اند .

طرابلس غرب مرکز حکومت بساحل واقع و دارای ٦۰,۰۰۰ نفوس است، بنغزی شهر حاکم نشین قیروان ۷۹٤ , ۳۳ نفوس دارد .

ایکوادور

مملکتی است در امریکه جنوبی،مذهب رسمی ندارد و هرکس هر مذهب را که بخواهد اختیار کرده میتواند، این مملکت در معدنیات بسیار متمول است معادن طلا و نقره و نفت وگوگرد و جنگلهای وسیع دارد،قریباً یك خمس ککاؤ کل‌دنیا ازایکویدور بدست‌می‌آید،رئیس جمهور برای موعد چهار سال راساً بواسطهٔ آرای عموم منتخب میشود،این مملکت دارای دو مجلس‌است: مجلس اعیان دارای ۳۲ عضو برای چهار سال و اعضای مجلس وکلاء ۳٦ نفر برای میعاد ۲ سال منتخب می شوند، هر با سواد از زن و مرد حق رای دارد،رقبه ۷۱٤,۸٦۰ مربع کیلو متر، نفوس۲,٥۰۰,۰۰۰ مرکز حکومت(کیتو)است که بربلندی ۹۳٥۰ فیت واقع شده و خط استوا از نزدیك آن میگذرد .

برازیل

قریباً نصف امریکه جنوبی‌را دربر میگیرد و ازحیث بزرگی مساحت چهارم مملکت دنیا محسوب شده است لیکن نفوس آن فقط ۴۰,۲۷۲,۶۵۰ است،اگرچه در منابع قدرتی یکی از متمول ترین ممالك دنیا است ولی آن ثروتها هنوز بدرستی ترقی نیافته است ، قطعات بزرگی هنوز غیر مکشوف است ، مقدار زیاد قهوهٔ دنیا از برازیل می‌آید درزراعت پیداوار نیشکر در دنیا بدرجهٔ چهارم است ـ کاشت پنبه را حکومت بسیار تشویق میکند تنباکو ورابر فراوان پیدامیشود ـ حکومت بهرگونه صنعت امداد و کمك میرساند،اقوام مختلفهٔ که درین مملکت آباد شده اند اینقدر زیاد است که‌برازیل را محل اختلاط بنی نوع انسان گفته میتوانیم ـ اینجا حبشی ها اطالوی ها ، جرمنی‌ها ، فرانسوی ها ، سکندی نیویها ، بلغارها ، ترك‌ها ، عربها ، جاپانی‌ها ، پولندیها ، و هسپانویها و غیره آباد شده اند .

برازیل دولت متحده است ـ ۲۰ ریاست آن حکومت صیح ، آزادیٔ تام‌داخلی دارد ـ پارلمان ازمجلس‌سنا و اطاق نمایندگان مرکب است ، از اعضای مجلس عالی سنا ۶۳نفربآرای اهالی برای ۹ سال منتخب و ثلث آنها بعد از هر سه سال تبدیل میشوند ـ مجلس سفلی ۲۱۲ عضو دارد که برای سه سال منتخب میشوند رئیس‌جمهور بآرای اهالی برای‌چهار سال منتخب میشود ـ مجلس سزای اعدام‌را منسوخ قرار داده الادر نظام ، خدمت عسکری جبری ـ تعلیم ابتدائی مجانی است مگر جبری نیست ،در بعضی شهر های آن در سال ۱۹۳۰ انقلاب برپاشده بود ، قریباً ۴۰۰ آبشار درمملکت جریان دارد، آبشار های بزرگ ایگو آسو از عجائبات قدرتی عالم شمرده‌میشود،مساحت ۸,۵۵۰,۰۰۰ مربع کیلومتر مرکز رایودی جنیرو،رئیس جمهور آن دکتور گیتولیو وار گاس در ۳ نومبر ۱۹۳۰ منتخب گشته .

برطانیه

برطانیه حکومت مشروطه دارد ـ پادشاهی بوراثت میرسد، پاد شاه شخصی‌میشود که پیر ومذهب پروتستانت باشد ، تا زمانیکه پاد شاه اولاد ذکور داردبه زن سلطنت نمیرسد ، جمیع قوانین تصویب شده برای منظوری بحضور پاد شاه تقدیم میشود ، شاه حالیه جارج پنجم است ، که به ۶ می ۱۹۱۰ ، برتخت نشست .

پارلمان بلند ترین قوهٔ مقننهٔ برطانیه است ـ وهروقت بخواهد موادتشکیل اساسی راتبدیل کرده می‌تواند .

پارلمان عبارت است ازدواطاق ، دارالامرا ودارالعوام ، دارالامراء مرکب است از :ـ

۱ امراء موروثی .

۲ منتخبین پادشاه .

۳ منصبداران بزرگ عدلیه .

۴ پروتستانت .

۵ امراء منتخبه .

عدهٔ دار الامراء (۷٤۳) نفر است ، زن حق شمولیت ندارد .

اعضاء دارالعوام (٦۱۵) نفر و به آرای عموم منتخب میشوند .

در ۱۹۲۸ پارلمان به زنهائیکه سن شان بزرگتر از ۲۱ سال میباشد حق رای بخشیده است .

در دارالعوام چندین رسوم قدیمه هنوز باقیست ـ مثلاً قبل از شروع کار اسقف دعا میخوانند ، روبروی رئیس مجلس گرزی برمیز میباشد بطوری که همه اعضا آنرا دیده می توانند این عصا چوبی است که تماماً بورق طلائی مرصع و یك تاج طلائی برسر آن نصب است که مراد ازنشان وفا داری میباشد .



شاه و امپراطور — جارج خامس
GEORGE V

اختیارات اداری بدست هیئت وزراء است که بحضور پادشاه وپارلمان مسئول میباشند ، صدر اعظم از حضور شاه انتخاب میشود ، باقی وزرا بمشورهٔ صدر اعظم از حضور پاد شاه مقرر میگردد .

تعلیم ابتدائی مفت واجباری است،برطانیه دارای (۱٦) دارالعلوم است که مشهور ترین آنها آکسفورد، وکیمبرج میباشد ، برای خرابی صحت بیمه اجباری است ، وبرای اشخاص مسن تقاعد وبرای بیکا ران مخارج روزانه ازطرف دولت داده میشود .

مساحت (۲٤۵,٤۵۰) مربع کیلو متر وتعداد نفوس آن (٤٤,۲۰۰,۰۰۰) نفر است .

لندن پای تخت و بزرگ ترین شهور عالم میباشد نفوس شهر مذکور (۸,۲۰۲,۸۱۸) نفر و شهر بزرگ دوم برطانیه گلاسکو دارای (۱,۰۸۸,٤۱۷) نفر میباشد .

مقبوضات امپراطوری بریطانیا

براعظم	اسم ممالك	مساحه مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
اوروپا	بریطانیا و آیرلیند شمالی	۲٤۵ ٤۵۰	٤٤ ۲۰۰ ۰۰۰	شاهی
	آیرلیند	۸٤ ۳۹٤	۲ ۹۷۲ ۰۰۰	ایالت آزاد
	جبل الطارق	۵	۲۱ ۰۰۰	مستعمره
	مالتا	۳۱٦	۲۲۵ ۰۰۰	»
مجموع		۳۳۰ ۱٦۵	٤۷ ٤۱۸ ۰۰۰	

امپراطوری بریطانیا

براعظم	اسم ممالك	مساحه مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
آسیا	عدن و غیره	٤٠ ٠٠٠	٥٥ ٠٠٠	تابع بمبئی
	بحرین	٥٥٠	١٢٠ ٠٠٠	خلیفه تحت حمایت
	برنیو- برونی - سراواك	٢٢٠ ٠٠٠	٧٧ ١٠٦ ٠٠٠	سلاطین تحت حمایت
	سراندیب	٦٦ ٠٠٠	٥ ٣٠٨ ٠٠٠	مستعمره
	هانك كانگ	١ ٠٥٠	٣٩١ ٠٠٠	»
	هند بریطانوی	٢ ٨٣٠ ٠٠٠	٢٤٦ ٠٥٥ ٠٠٠	امپراطوری
	هند ریاستی	١ ٨٤٠ ٠٠٠	٧١ ٩٣٩ ٠٠٠	نوابان و راجا های تحت حمایه
	ستریت ستلمنتس	٤ ١٠٠	١ ١١٤ ٠٠٠	مستعمره
	ملایا	٧١ ٠٠٠	٢ ٩٢١ ٠٠٠	سلاطین تحت حمایه
	قبرس	٩ ٣١٥	٣٤٨ ٠٠٠	مستعمره
	فلسطین	٢٣ ٠٠٠	٩٤٨ ٠٠٠	وکالت مجلس اقوام
مجموع		٥ ٢٠٥ ٠١٥	٣٣٣ ٨٥٤ ٠٠٠	
افریقه	کینیا	٦٤٠ ٠٠٠	٣ ٠٤٩ ٠٠٠	مستعمره
	یوگندا	٢٩٠ ٠٠٠	٣ ٥١٤ ٠٠٠	تحت حمایه
	زنجبار	٢ ٦٠٠	٢١٧ ٠٠٠	سلطان تحت حمایه
	جزیرهٔ ماریشس وغیره	٢ ١٠٠	٤١٥ ٠٠٠	مستعمره
	نیا سالینڈ	١٠٠ ٠٠٠	١ ٣٩٥ ٠٠٠	تحت حمایه
	جزیرهٔ سینٹ هلینا وغیره	٣٠٠	٤ ٠٠٠	مستعمره
	جزائر شایلز	٤٠٠	٢٨ ٠٠٠	»
	سومال	١٨٠ ٠٠٠	٣٤٥ ٠٠٠	»
	باسوتولینڈ	٣٠ ٠٠٠	٤٩٨ ٠٠٠	»
	بیچو آنالینڈ	٧١٠ ٠٠٠	١٥٣ ٠٠٠	»
	رودیشیای جنوبی	١ ١٤٠ ٠٠٠	١ ١٠٩ ٠٠٠	»
	و » شمالی		١ ٣٤٠ ٠٠٠	»
	سوازی لینڈ	١٧ ٠٠٠	١١٣ ٠٠٠	»

امپراطوری بریطانیا

براعظم	اسم ممالك	مساحه مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
افریقه	اتحاد افریقهٔ جنوبی	۱ ۲۳۰ ۰۰۰	۷ ۲۳۶ ۰۰۰	دومینیون
	نایجریا	۸۷۰ ۰۰۰	۱۹ ۷۳۲ ۰۰۰	مستعمره
	گامبیا	۱۴ ۰۰۰	۲۰۰ ۰۰۰	»
	ساحل طلا	۲۱۰ ۰۰۰	۳ ۱۲۱ ۰۰۰	»
	سیرالیون و غیره	۸۰ ۰۰۰	۱ ۵۴۱ ۰۰۰	»
	سودان مصری وبرطانوی	۲ ۵۵۰ ۰۰۰	۵ ۶۰۶ ۰۰۰	مشترکاً تحت حمایهٔ انگلیس و مصر
	تانگانیاکا	۹۴۰ ۰۰۰	۴ ۸۵۹ ۰۰۰	مستعمره
	افریقه جنوب مغربی	۸۳۵ ۰۰۰	۲۷۵ ۰۰۰	وکالت جمعیت اقوام
	کیمرون	۳۴۰ ۰۰۰	۷۰۰ ۰۰۰	»
	توگولیند	۴۲ ۰۰۰	۲۷۵ ۰۰۰	»
	مجموع	۱۰ ۲۲۳ ۴۰۰	۵۰ ۷۰۴ ۰۰۰	
امریکه	برموداس	۵۰	۲۸ ۰۰۰	مستعمره
	کانادا	۹ ۶۶۰ ۰۰۰	۹ ۹۳۴ ۰۰۰	دومینیون
	جزائر فاکلیند	۱۴ ۶۰۰	۲ ۰۰۰	مستعمره
	گیانای بریطانوی	۲۳۰ ۰۰۰	۳۱۲ ۰۰۰	»
	هاندوراس بریطانوی	۲۲ ۳۵۰	۵۱ ۰۰۰	»
	نیوفاوندلیند	۱۱۰ ۰۰۰	۲۷۲ ۰۰۰	»
	لابرادور	۳۱۰ ۰۰۰		»
	بهاماس	۱۱ ۴۰۰	۶۲ ۰۰۰	»
	باربادوس	۴۳۰	۱۷۲ ۰۰۰	»
	جمیکا و غیره	۱۱ ۵۰۰	۱ ۰۲۲ ۰۰۰	»
	جزائر لی‌ورد	۱ ۸۵۰	۱۲۵ ۰۰۰	»
	تری‌نیداد و توباگو	۴ ۸۰۰	۴۱۳ ۰۰۰	»
	جزائر وندورد	۱ ۳۷۰	۱۶۳ ۰۰۰	»
	مجموع	۱۰ ۳۷۸ ۳۵۰	۱۱ ۱۴۲ ۰۰۰	

امپراطوری بریطانیا

براعظم	اسم ممالک	مساحه مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
اوقیانوسیه	آستریلیا	۷ ۷۱۰ ۰۰۰	۵ ٤۳٦ ۰۰۰	دومینیون
	پاپوآ	۲۳۰ ۰۰۰	۲۷۷ ۰۰۰	مستعمره
	نیوزی لیند	۲۷۰ ۰۰۰	۱ ۵۱۳ ۰۰۰	دومینیون
	فیجی	۱۹ ۰۰۰	۱۸۲ ۰۰۰	مستعمره
	جزائر بحرالکاهل	٤۲ ۰۰۰	۲٦۵ ۰۰۰	»
	نیوگنی	۲٤۰ ۰۰۰	٤۰۵ ۰۰۰	وکالت جمعیت اقوام
	ساموای غربی	۲ ٦۰۰	٤۵ ۰۰۰	»
	نارو	۲٦	۳ ۰۰۰	»
مجموع		۸ ۵۱۳ ٦۲٦	۷ ۷۹۵ ۰۰۰	
مجموع کل		۳٤ ۵۵۰ ۵۵٦	٤٤۹ ۸۹۰ ۰۰۰	

اتحاد افریقهٔ جنوبی :

اتحاد افریقهٔ جنوبی مشتمل بر کیپ کالونی ، نتال ، ترانسوال ، ایالت آزاد اورنج است ، حاکم اعلای آن ازطرف شاه انگلستان تعین میشود ، ولی بموجب تشکیلات اساسی پارلمان اتحاد افریقهٔ جنوبی اختیار تام دارد ، وپارلمان مرکب از دومجلس است یکی مجلس علیا که دارای ٤۰ عضومیباشد، ۸ نفر ازآنجمله برای مدت العمر مقرر ومابقی برای ده سال انتخاب میشود . دوم مجلس سفلی ۱٤۸ عضو دارد وبرای پنجسال انتخاب میگردند قوانینی را که هریك ازین ایالات متحده وضع میکنند، قبل از اجراء رؤساء اتحاد باید آنرا تصویب نمایند .

مساحت ۰۰۰ , ۲۳۰ , ۱ مربع کیلومتر ونفوس ۲۵۸ , ۲۳٦ , ۷ نفر است . که ازین جمله ۱٦٦ , ۸۲۷ , ۱ اروپائی الاصل، و ۷۳۱ , ۱٦۵ هندوستانی و ۸۱۳ , ٤,٦۹۷ بومی وباقی ۵٤۸ , ۵٤۵ از اقوام دیگر است .

پیشه های مهم اهالی زراعت وکان کنی است، ومعادن عبارت از معادن طلا، الماس، زغال سنگ ، مس ، قلعی میباشد .

پریتوریا ، مرکز حکومت ، وکیپ تاون محل پارلمان است .

آستریلیا :

مستعمرهٔ برطانوی است،درابتداء خیال میکردند که این قطعه چندان مفید نیست بنابران آن را مقرمجرمین قرار داده بودند، بالآخره مهاجرین آزاد درین مملکت آباد شده و مملکت شروع بترقی نمود ، بتاریخ اول‌جنوری ۱۹۰۱ دولت متحدهٔ استریلیا بوجود آمد ـ دولت متحده عبارتست از مستعمرهٔ اصلی نیوساؤته ویلز وکتوریا ، کوئینزلیند ـاستراليای‌جنوبی‌استریلیای‌مغربی‌وتسمانیه ـ گورنرجنرال ویك‌کابینهٔ متحده امور حکومتی را اجرای کنند، پارلمان‌مرکب‌ازدو اطاق‌میباشدسناواطاق‌نمایندگان ـ اعضای سنا مساویانه ازهرشش علاقه منتخب میشود و عبارت است از ۳٦ عضو یعنی ٦ عضو ازهر علاقه بدون لحاظ نفوس برای موعد شش سال منتخب میشوند واعضای آن بقرار تناسب آبادی از هرعلاقه می آیند باید هرعلاقه اقلاً پنج نماینده انتخاب کنند، فعلاً دارای۸٦ عضو است وعموم اهالی حق‌رای دارد. طرزحکومت چنان‌است‌که کل حقوق اجرائیه بخود علاقه ها داده شده و مرکز اختیاراتی ندارد هر علاقه پارلمان از خود دارد درنیوساؤته ویلز اعضای اطاق علیا را حکومت برطانیه تاحیات شان منتخب می کند اما در علاقه های دیگر اهالی اعضا را انتخاب می کنند ـ برای اشخاص مسن (زن ویامرد) بالاتر از ٦٥ سال حکومت فی هفتهٔ پانزده شلنگ تقاعد مقرر میکند ـ کور ها نیز حق تقاعدرا دارند، برای کثرت اولاد هم از طرف حکومت پول داده میشود ـ تعلیم ابتدائی جبری است استریلیا بالعموم‌مملکتی است زراعتی، گوسفند برای‌اخذ پشم به تعداد خیلی زیاد پرورش داده میشود ـ گندم و اجناس دیگر ، چوب و لبنیات بخارج فرستاده میشود . معدنیات عبارت است آزطلا ، نقره ، سرب ، مس، قلعی، رقبه ۲,۹۷۱,۰۰۰مربع کیلومتر، نفوس ٦,٥۰۰,۵۳٦نفر و (کان بیرا) مرکز حکومت است.

(مملکت آزاد)آیرلند :

آیرلند بعد از کشمکشهای زیاد در سنه ۱۹۲۲ آزادی داخلی حاصل کرد .

مستر دی‌ولیرارئیس هیئت وزرای آیرلند میخواهد حقوق باقیماندهٔ برطانیه نیز از آنجا رفع ، و آیرلند که بدوحصه شمالی و جنوبی تقسیم شده است یکی شود ، و حلف وفا داری لغو گردد .

پارلمان آیرلند دو اطاق دارد ، یکی اطاق وکلا و دیگری سنا ، اطاق وکلای ملت دارای ۱۵۳ عضو است‌که برای پنجسال منتخب میشوند ، و مجلس عالی سنا دارای ٦۰ عضو میباشد . عموم اهالی که سن شان متجاوز از ۲۰ سال است حق رای دارند .

زراعت پیشهٔ مهم اهالی‌ست، دبلن پای تخت آیرلند دارای ٤۰٥,۱۲٦ نفوس میباشد . مساحت آیرلند ۸٤,۳۹٤ مربع کیلومتر و نفوس‌آن ۲,۹۷۲,۰۰۰ نفر است .

بحرین :

مجمع‌الجزائریست در خلیج فارس، حکمران آن خلیفه عیسی ابن خلیفه علی میباشد که در سنه ۱۸٦۹ بر سر حکومت آمد از سبب کبرسن پسرش شیخ حامد بن عیسی‌الخلیفه وکالت می نماید، مساحت ٥٥۰ مربع کیلومترو تعداد نفوس۱,۲۰۰,۰۰۰میباشد، مرکب های سفید بسیار اعلی‌درآنجا تربیه می شود اکثر تجارت نجداز بحرین وارد و صادر میگردد، بحرین تحت حمایهٔ برطانیه میباشد .

برونی :

این مملکت اسلامی در جزیرهٔ بورنیو تحت حمایت برطانیه میباشد، رابر و ساکودانه پیداوار مهم نباتی آن‌جا است معادن تیل خاك نیز دارد . مساحت آن ۶,۵۰۰ مربع کیلومتر و تعداد نفوس آن ۳۰,۱۶۲ نفر تخمین شده است . مذهب اهالی اسلام و عنوان حکمران سلطان است .

زنجبار :

زنجبار چند جزیره درساحل افریقه وتحت حمایهٔ دولت بریطانیاست . مساحت آن ۲,۶۰۰ مربع کیلو متر ونفوس آن ۲۳۵,۴۳۸ است .

حاصلات زنجبار قرنفل وناریال است وقرنفل آن در تمام دنیا میرود شهر زنجبار ۴۵,۲۷۶ نفوس دارد وبزرگترین‌شهریست‌درافریقهٔ مشرقی . تعلیم ابتدائی مفت وبرای مسلمین اجباری ست .

سلطان زنجبار سید خلیفه ابن هاروب به ۹ دسمبر ۱۹۱۱ برتخت جلوس نمود .

فلسطین :

فلسطین ارض مقدس اسلام و مسیحین و یهود است‌که آنرا حکومت انگلیس اداره می‌کند ، در انتخاب هیئت مقننه جمله ذکور بالغ فلسطین حق رای د رند. انگلیسی ، عربی وعبرانی زبانهای رسمی قرار داده شده وملت یهودی در باب معاملات داخلی ، مذهبی ، اخلاق وملی آزادی داشته و بر پیروان خود بعضی محصولات گذاشته میتواند ، یك مجلس عالی دیگر برای مسلمانان است که معاملات مسلمانان را وارسی مینماید ، رقبهٔ فلسطین ۲۳,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس‌آن ۱۰۳۵,۱۵۴ که ازان جمله ۷۵۹,۹۵۲ مسلمان و۱۷۵,۰۰۶ یهود و۹۰۶۰۷عیسوی و۹۵۸۹ نفرادیان مختلفه دارند، چادرنشینان ۱۰۳,۰۰۰نفر علاوه بران‌میباشند، بیت‌المقدس مرکز آن است ، و بنادر مهم آن یافه ، حیفه ، عکه میباشد .

کویت :

یك ریاست عربی است‌که بکنار خلیج فارس از عراق عرب تا به نجد ممتد و تحت حمایهٔ حکومت برطانوی است پایه تخت آن کویت بندریست مهم بر خلیج فارس ـ اسپ ، پشم ، خرما و مروارید پیدا وار آن است و بخارج میرود ، مساحت ۵,۱۵۰ مربع کیلومتر ، نفوس ۵۰,۰۰۰ حکمران آن سلطان احمد ابن جابرالصباح است که در ۲۳ فروری ۱۹۲۱ بر تخت نشست .

کانادا :

اولین مستعمرهٔ برطانوی است که آزادی داخلی را نایل شده است،حاکم اعلای‌آنرا حکومت برطانوی به اتفاق حکومت کانادا مقرر مینماید ـ پارلمان مرکب است از دو اطاق: مجلس عالی سنا و اطاق عوام ـ مجلس عالی دارای ۹۶ عضو که‌آن را حاکم اعلی (گورنر جنرل) تا آخر عمر منتخب می‌کنند، اعضای اطاق عوام ۲۴۵ برای پنج سال‌منتخب میشوند ، هر علاقه دارای اختیارات زیاد است مگر اختیارات مهمه دیگر بدست اداره مرکزی میباشد ـ هر علاقه حاکم دارد که او را حکومت کانادا مقرر می کند حکام با حکومت برطانیه راساً

هیچ تعلق ندارد کانادا در اضلاع متحدهٔ امریکه وبرطانیه وفرانسه جاپان سفرای جداگانه تعین نموده است.

نفوس کانادا اکثراً مرکب است از انگلیس ها و فرانسوی‌ها مگر بدون این دوقوم آبادی های بزرگ دیگر اقوام یوروپی نیز در آنجاست انگلیسی وفرانسوی زبان های رسمی میباشند هردو زبان درپارلمان مروج است،قوانین و اعلانات در هر دو زبان شایع میشود ، کانادا بالعموم مملکتی است زراعتی ، گندم و حبوبات لبنیات ، میوه و مال مواشی بکثرت دران پیدا میشود ـ من حیث پیداوار گندم کانادا در دنیا درجهٔ دوم را حائزاست. تجارت بزرگ‌پوست‌سمورنیز دارد،صنایع‌بسیار ترقی کرده است ، کانادا قریباً سه صد هزارموتر سالانه‌تهیه می‌کند و فابریکه موتر شورلت که به لحاظ‌کثرت استعمال درتمام دنیا درجهٔ دوم را دارا است درین‌جا میباشد .

حاصلات مهمهٔ آن عبارت است از طلا ـ نقره ـ نکل ـ مس ـ سرب ـ جست ـ ذغال سنگ ـ سنگ ریشه تفت ـ نمک ـ سمینت .

کانادا دارای آبشار های بزرگ است و بزرگ ترین آبشار های عالم (نیاگارا) در کانادا است. مساحت کانادا ۹,٦٦۰,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس آن ۱۰,۳۷٤,۱۹٦ ـ مرکز حکومت (اتاوا) دارای ۱۲٤,۹۸۸ نفوس میباشد (مجلس امتیازات اقتصادی امپراطوری برطانیه در آنجا در سال ۱۹۳۲ انعقاد یافت) .

ماوراي يوردان :

جمعیت اقوام این‌مملکت را بعد ازجنگ عمومی تحت اختیار برطانیه گذاشت، سابقاً جزو سلطنت عثمانی بود. بتاریخ ۲۰ فروری ۱۹۲۸ قانون اساسی نفاذ یافت واستقلال داخلی مملکت اعلان گردید ومجلس مقننه تشکیل‌شد. عسکر ومراودات خارجه بدست برطانیه است .

تاحال حدود آن تعیین نشده است،عدهٔ نفوس (۲٦۰,۰۰۰) نفر تخمین میشود که تقریباً همه عربی نژاد ومسلمان اند،امیر آن عبدالله ابن حسین برادر فیصل شاه عراق است .

ملایا :

نه ریاست اسلامی ذیل در جزیره‌نمای ملایا واقع و تحت حمایهٔ برطانیه میباشد .

اسم ریاست		مساحه‌مربع کیلومتر	نفوس	رئیس
ریاست‌های متحدهٔ‌ملایا	سیلانگور	۸ ۲۰۰	٤۰۱ ۰۰۹	سلطان علاء الدین سلیمان شاه ابن‌المرحوم راجا مودا موسی
«	نگری سمبیلان	٦ ٦۰۰	۱۷۸ ۷٦٤	محمدابن‌المرحوم انطه ینگ‌وی پرتوان بیسار
«	پاهانگ	۳۵ ۸۰۰	۱٤٦ ۰٦٤	المعتصم بالله السلطان عبد الله ابن‌المرحوم‌السلطان احمدالمعظم‌شاه

	اسم ریاست	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	رئیس
ریاست های متحدهٔ ملایا	پیراك	۲۰ ۲۵۰	۵۹۹ ۰۵۵	پادوکا سری سلطان اسکندر شاه ابن ادریس .
جوهور		۱۵ ۰۰۰	۳۴۳ ۰۶۳	سلطان ابراهیم
کیده		۹ ۴۵۰	۴۲۹ ۶۴۵	سلطان عبدالحمید حلیم شاه ابن المرحوم سلطان احمد تاج الدین مکرم شاه
پرلیس		۸۲۰	۴۹ ۲۹۷	راجه سید علوی
کیلانتان		۱۴ ۸۵۰	۳۶۲ ۶۲۲	سلطان اسمعیل
ترنگانو		۱۴ ۳۰۰	۱۷۹ ۶۶۴	سلطان بدر العالم شاه

اکثر اهالی این ریاست‌ها مسلمان است ـ ناریل ـ مرچ سیاه ـ نیشکر ـ رابر ـ چوب ساگوان ـ چرم ـ تیل خاك ـ قلعی ـ طلا ـ قند ـ سیگار وسگرت از صادرات عمدهٔ این ریاست‌ها میباشد .

نیوزیلاند :

این جزایر را برطانیه در سنه ۱۸۴۰ استعمار نمود و در سنه ۱۸۵۲ نیوزیلاند آزادی داخلی حاصل کرده ، ودر ۱۹۰۷ نام مستعمره به دومینیون تبدیل شد .

مساحت نیوز یلاند ۰۰۰ ۲۷۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۰۷۰ ۴۴۳ ۱ میباشد و ازین عده تعداد بومیان ۸۵۰ ۶۸ است ، زراعت پیشهٔ مهم اهالی است .

ولنگتن مرکز دارای ۰۰۰ ۱۴۳ نفوس است .

تعلیم ابتدائی مفت واجباری ست ، خدمت نظامی نیز قانوناً جبری است اما عملاً خوش برضا میباشد ، نیوزیلاند قوهٔ بحری وهوائی نیز دارد .

پارلمان نیوزیلاند دارای دواطاق است ، یکی مجلس واضع قانون ودیگری اطاق نمایندگان . مجلس واضع قانون ۳۵ عضو دارد که برای هفت سال انتخاب میشوند ، و اطاق نمایندگان ۸۰ نفر عضو دارد که بموجب آرای عمومی برای ۳ سال منتخب میگردند .

از سال ۱۸۹۳ برای زنان نیز حق رای داده شده .

هندوستان :

مساحت هند وستان ۴،۷۱۰۰۰۰ مربع کیلومتر ، منجمله ۶۱ فیصد آن هند برطانوی و باقی ۳۹ فیصد ریاستهای هندی است . نفوس هند ۳۵۲،۹۸۶،۸۷۶ است که خمس نفوس دنیا میباشد . هند برطانوی دارای ۲۷۱،۷۴۹،۳۱۲ و ریاستهای هندی دارای ۸۱،۲۳۷،۵۶۴ نفوس است .

۳۷ شهر زیاده از ۱۰۰،۰۰۰ نفر نفوس دارد . تعداد قریه ها ۶۸۵،۶۶۵ است. زیاده از ۷۲فیصد اهالی بزراعت وتربیهٔ مواشی مشغول اند و اضافه از ۳۳ ملیون درصنایع مختلفه مصروف میباشند .

بعد از انقراض حکومت مغلیه هند بتصرف انگلیس آمد و پادشاه برطانیه در سنه ۱۸۵۸ لقب امپراطور هند را اختیار کرد.

حکومت هند برطانوی را گورنرجزال ومجلس اداری که دارای ۷ عضو میباشد درتحت نظارت وزیر هند برطانیه اجرا میکند . وازجمله ۷ عضو مجلس اداری دوعضو هندی وباقی انگلیز است .

قوۀ مقننه بدومجلس منقسم است . یکی مجلس عالی که دارای ٦۰ عضو است و۳۳ عضو آن برای پنجسال انتخاب میشود ، دیگر مجلس مقننه است که دارای ۱٤۵ عضو میباشد و ۱۰٤ نفر آن برای ۳ سال منتخب میشود وباقی از طرف گورنرجال تعین میگردد . هند برطانوی درپانزده ولایت تقسیم یافته:

(۱)مدراس ۲)بمبئی وسند(۳)بنگال(٤)آگره واوده(۵)پنجاب(٦)برما(۷)بهار واوریسه(۸) صوبۀ متوسطه وبرار(۹)آسام (۱۰) فرنیتر(۱۱)بلوچستان(۱۲)اجمیر (۱۳) کورگ(۱٤)دهلی(۱۵)جزائر اندمان ونکوبار .

درده ولایت اول مجالس مقننه میباشد وبعض امور اداری از قبیل معارف،صحیه ، فواید عامه ، زراعت ، بلدیه و غیره بوزرای هندی که نزد مجلس مسئول میباشند مفوض گردیده است .

اکثر اهالی سنده وبنگال وپنجاب وفرنیتر وبلوچستان وریاست کشمیر مسلمان است .

گندم ، برنج ، شرشم ، پنبه ، سند ، پوست ، چای قهوه ، افیون ، تیل حات منگانیز از صادرات مهم هند است .

تعداد السنۀ هند بصدهاست که معروفترین و تعداد نفوسیکه بآن زبانها تکلم میکنند ذیلاً ذکر میشود :

زبان هندوستانی : ۲۵۰ ملیون نفوس باین زبان تکلم میکند ، علاوه بر انگلیسی ، زبان هندوستانی زبان رسمی مملکت است و اکثر جراید ورسایل باین زبان نشر میگردد . این زبان دونوع رسم الخط دارد:

یکی خط نستعلیق فارسی ، دوم خط دیوناگری که از چپ بطرف راست تحریر میشود .

زبان بنگالی : بدرجۀ دوم است ۵۰ ملیون نفر باین زبان تکلم میکند .

زبان تلیگو : یکی از السنۀ قدیم دکن میباشد و قریباً ۲۵ ملیون نفر بآن متکلم اند .

زبان پنجابی : باین زبان نیز قریباً ۲۵ ملیون حرف میزند .

بزبان های ذیل از ده الی ۲۰ ملیون حرف میزند .

مرهتی ، تامل ، راجستانی ، کناری ، اوریه ، گجراتی .

از ۵ الی ده ملیون بزبان های : برمی ، ملایالم تکلم میکند .

از یك الی ۵ ملیون زبان شان قرار آتی است :

افغانی (پشتو) ، خرواری ، سندی ، بهلی ، آسامی ، پهالی ، گندی ، کشمیری .

مرکز هند دهلی ست ، اما درتابستان دوایر به شمله نقل میکند ، دهلی درسنه ۱۹۱۲ ع مرکز هند قرارداده شد ، قبل ازان مرکز هند کلکته بود .

ماسوای هند برطانوی ۵٦۰ ریاست های هندی است که خورد ترین آنها برچند قریه مشتمل است وکلان ترین «حیدرآباد دکن» ۲۱۰،۰۰۰ مربع کیلو متر مساحه واضافه ازچهارده ملیون نفوس دارد ـ ریاست

رامهمه: حیدرآباد دکن ـ کشمیر ـ میسور ـ قلات ـ بروده ـ گوالیار ـ اندور ـ اودیپور ـ حودپور ـ بیکانیر ـ کولهاپور ـ بهوپال ـ تراونکور ـ جیپور است و حکمرانان ریاست‌های ذیل مسلم اند :

اسم ریاست	رئیس	مساحت مربع کیلومتر	تعداد نفوس
امب	نواب		
بهاولپور	نواب صادق محمد خان خامس	۳۹ ۰۰۰	۷۸۱ ۱۹۱
بهوپال	نواب محمد حمیدالله خان آفریدی	۱۷ ۹٤۰	٦۹۲ ٤٤۸
پالن پور	دیوان مها خان طالع محمد خان یوسف‌زائی	٤ ٥۸۰	۲٤۳ ۹۱۲
پهلیرا	خان		
تونك	نواب حافظ محمد سعادت علیخان سالار زائی	٦ ۸۲۰	۲۸۷ ۸۹۸
جاورا	نواب محمد افتخار علیخان تاجك خیل	۱ ٥٦۰	۸٥ ۷۸۸
جنجیره	نواب سیدی محمد خان	۸٤۰	۸۷ ٥۳٤
جونا گدھ	نواب مهابت خان ثالث	۸ ٦۷۰	٤٦٥ ٤۹۳
چترال	مهتر شجاع‌الملك	۱۱ ۷۰۰	۸۰ ۰۰۰
حیدرآباد دکن	میرعثمان علیخان نظام‌الملك آصف جاه سادس	۲۱۰ ۰۰۰	۱٤ ۳۹٥ ٤۹۳
خیرپور	میرعلی نواز خان طالپور	۱٥ ۹۰۰	۱۹۳ ۱٥۲
دیر	نواب عبدالمجید خان یوسف زائی	۱۳ ۰۰۰	۸۰ ۰۰۰
رادهن پور	نواب جلال‌الدین خان	۲ ۹۹۰	
رامپور	نواب سید رضاعلیخان توری	۲ ۳۰۰	٤٥۳ ٦۰۷
ساچین	نواب سید محمد حیدر محمد یعقوب خان	۱۲۷	۱۹ ۹۷۷
ساوانور	نواب عبدالمجید خان	۱۸۰	۱٦ ۸۳۰
قلات	بیگلر بیگی میراعظم خان والی	۱٦٤ ٥۰۰	۳۷۹ ۰۰۰
کمبی	نواب میرزا حسین یاور خان	۹۰۰	۷۱ ۷۱٥
لس بیلا	جام میرغلام محمد خان	۱۸ ٥۰۰	٥۰ ٦۹٦
لوهارو	نواب	٥۷۰	۲۰ ٦۱٤
مالیر کوتله	نواب احمد علیخان غزنوی	٤۳٥	۸۰ ۳۲۲

برودە :

این ریاست در گجرات (بمبئی) واقع و از سنه ۱۷۷۲ تحت حمایهٔ برطانیه است . مجلس مقننه آن ۲۷ عضو دارد که ده نفر آن از طرف اهالی منتخب وباقی از طرف رئیس مقرر میشود . تعلیم در برودە بسیار ترقی کرده چنانچه ۲,۷٤۲ مکتب خورد وکلان دارد .

لقب رئیس آن (فرزند خاص دولت انگلیشیه مهاراجه گیکوار سینا خاص خیل شمشیر بهادر) است . مساحهٔ برودە ۲۰,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس آن(۲,۱۲٦,٥۲۲) نفر ومرکزشهر برودەاستکه ۹۱,۱۷۸ نفوس دارد .٠

حیدرآباد دکن :

حیدر آباداز بزرگترین‌و آباد ترین ریاست های هندی است که بەقلب هندجنوبی واقع میباشد در سنه ۱۷۲٤ میرقمرالدین علی چنقلیچ خان نظام‌الملك بهادر که از طرف سلاطین مغلیه والی دکن بود اعلان استقلال کرد .

کمپنی های تجارتی فرانسه و انگلیس در قرن هژدم در جنوب هند تحت حمایهٔ این ریاست بودند و چون دولت برطانیه رفته رفته تمام هند و علاقه جات چار طرف آن را تصرف کرد ، مناسبات ریاست حیدر آباد دکن و انگلیس عملاً بالعکس گردید . اگرچه رسماً حلیف برطانیه شناخته میشود .

در هند تنها همین ریاست است که فوج از خود استخدام میتواند و فعلاً ۲۰,۰۰۰ عسکرداشته و علاوه بران سکه،پوسته ، تیلگراف و ریل از خود دارد ویونیورستی بنام جامعهٔ عثمانیه تأسیس کرده که دران تمام علوم و فنون بزبان اردو تدریس میشود . اکثر اهالی دکن هندو و شغل آنها زراعت است پنبه ، زغر، برنج از محصولات و پارچه های نخی و سمنت سازی از صنایع مهم آن دیار است . مساحهٔ آن ۲۱۰,۰۰۰ مربع کیلومتر وعدهٔ نفوس ۱٤,۳۹٥,٤۹۳ نفراست، مالیات آن سالانه بیشتر از ۸ ملیون روپیهٔ سکهٔ عثمانی میباشد ـ لقب فرمان روای حیدر آباد نظام‌الملك آصف جاه است .

راجپوتانه :

راجپوتانه ازبیست ریاست تشکیل یافته که نزدهٔ آن از زمانهای قدیم قبل‌الاسلام و یکی ازان اسلامی است که چندی قبل بآن ضمیمه گردیده است .

کلانترین این ریاستها (جودهپور) یا (مارواړ) است که ۹۱,۰۰۰ مربع‌کیلومتر وسعت دارد .

اما در تاریخ هندوستان (اودی پور) یا (میواړ) بلحاظ قدامت اهمیت مخصوصی دارد و رئیس آن نیز نزد اهل هنود مقدس و از نجیب ترین خانواده های هنود است .

مساحت تمام راجپوتانه ۳۳۰,۰۰۰ مربع کیلومتر است .

قلات (بلوچستان) :

این ریاست تحت حمایهٔ بریطانیه ودرجنوب افغانستان واقع است . یك علاقهٔ آن که عبارت است از شهر ومضافات کویته (شالکوت) به‌حکومت هند اجاره داده شده . باقی حصص آن تحت ادارهٔ خان بلوچ میباشد. اکثر اراضی آن ریگستان وبیابان است درسنهٔ ۱۹۲۶ طریق اسارت (برده‌فروشی) دربلوچستان موقوف گردید.

مساحت بلوچستان (۱٦٤,۵۰۰) مربع کیلو متر وعدهٔ نفوس (۳۲۸,۲۸۱) نفر میباشد که عموماً مسلم وزبان شان بلوچی، بروهی وپشتو است. لقب رئیس (بیگ لربیگی والی وخان) میباشد . مرکز ریاست شهر قلات است .

کشمیر:

یکی از قشنگ ترین کشور های عالم واز بهترین مناظر خوش آب وهوای دنیا محسوب میشود، واز زمان های قدیم تاحال شعرای هردیار درمدح آن داد نکته سنجی داده اند، کشمیر به قسمت شرق افغانستان اتصال دارد ، انگلیس درسنه ۱۸٤٦ کشمیر را دربدل یك مقدار پول بدست مهاراجه گلاب سنگه سپرد .

موقعیت جغرافیائی مملکت، کوهی ووادی های شاداب وقشنگ آن ازعجایب عالم محسوب است.

محصولات وصنایع مهم آن زعفران ، ابریشم وشال کشمیری وغیره میباشد . ساکنین آن بصنایع ظریفه خیلی مائل ودران یدطولی دارند مساحهٔ آن ۲۲۰,۰۰۰ مربع کیلو متر وعدهٔ نفوس آن ۳,۳۳۰,۵۱۸ است که اکثر آن مسلمان میباشد.

حکمران آن سکهه ولقب رسمی او (سری مهاراجه ادی راج) میباشد .

گوالیار :

این ریاست که در مرکز هند واقع است در ایام اختلال سلطنت مغلیه در سنه ۱۷۰۰ تأسیس یافته و در سنه ۱۷۸۲ تحت حمایهٔ برطانیه در آمد انهار و ذرائع آب رسانی گوالیار خیلی مترقی است مساحهٔ آن ٦۸,۵۰۰ مربع کیلومتر وعدهٔ نفوس ۳,۵۲۳,۰۷۰ نفر و مرکز شهر گوالیار (لشکر) است .

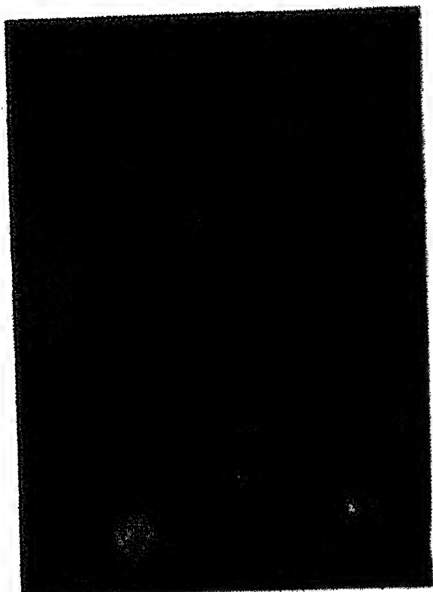
لقب رئیس (مهاراجه سندیا عالیجاه بهادر) میباشد .

میسور :

یکی از ریاست های باثروت وبجنوب هند واقع است ، ریاست میسور در قرن پانزدهم عیسوی تأسیس یافت ودرقرن هژدهم حیدرعلی راجهٔ آن را معزول نموده و خود بجایش نشست واین پدر و پسر ناموش سلطان صلاح الدین تیپو به‌توسیع حدود وآبادی این ناحیه کوشش های زیاد نموده اند ، در سنه ۱۷۹۹ سلطان صلاح الدین درمقابلهٔ انگلیس‌ها شهید گردیده ریاست مذکور دوباره به راجه های سابق تعلق گرفت ، منابع ثروتی آن از قبیل معادن طلا وغیره بوده وزراعت مهم آن قهوه وصندل وآبنوس میباشد. درسال دونیم ملیون کلدار بنام خراج میسور عاید خزانهٔ انگلیس میشود ، مساحهٔ آن ۸۰,۰۰۰ مربع کیلو متر است وعدهٔ نفوس آن ٦,٤۲۳,۱۸۹ بوده، قسمت بزرگ آنرا طایفهٔ هندو تشکیل میدهد لقب رسمی حکمران آن مهاراجه است.

بلجیم

نظر باندازهٔ خاك خود پر نفوس ترین مملکتی در عالم است که دارای ۲۶۶ نفر فی مربع کیلو متر میباشد ـ ساکنین آن بدو گروه مهم تقسیم اند: فلیمش ها و والون ها ـ فرانسوی و فلیمشی زبان های رسمی مملکت است، انتها پسندان فلیمشی برای حصهٔ فلیمشی آزادی داخلی میخواهند ـ کاتولیك مذهب اکثر اهالی است عقاید مذهبی تماماً آزاد است. بلجیم چهار دار العلوم دارد که دوی آن یونیورستی دولتی است .



شاه ـ البرت اول
ALBERT I

پارلمان بلجیم مشتمل است بر مجلس سنا واطاق نمایندگان ـ سنا ۱۵۳ عضو و اطاق نمایندگان عبارت است از ۱۸۷ عضو . هیئت های انتخابیه ۹۳ عضو سنا را انتخاب می کنند و چهل عضو دیگر را مجالس ولایات منتخب می کنند و ۲۰ عضو را خود سنا انتخاب مینماید ، تمام شهزادگان که عمر شان متجاوز از ۱۸ است اعضاء سنا میباشند اما تاعمر ۲۵ حق بحث را ندارند. ذکور بعمر ۲۱ سالگی بالعموم حق انتخاب دارند از طبقهٔ نسوان بیوه گان مقتولین نظامی جنگ عمومی (بشرطیکه نکاح ثانی نکرده باشند) و در صورت نبودن بیوه ، مادران مقتولین (بشرطیکه آنها هم بیوه باشند) و زنهائیکه در جنگ عمومی اسیر دشمن بودند تماماً حق رای دارند . انتخاب اطاق سفلی به آرای کل اهالی مملکت بر اصول تناسب آبادی بعمل می آید ، بعض اهالی ممتاز و معروف اعضای اعزازی اطاق علیا میباشند.

برای مزدوران انشورنس (بیمهٔ حیات) جبری است ، صنعت شیشه ، نساجی ، قند سازی ، فیته بلجیم خیلی مشهور است . در نساجی پنبه نیز خیلی ترقی کرده است .

مساحت آن ۳۰,٤٤۳ مربع کیلومتر ، نفوس ۸,۰۹۲,۰۰٤ پای تخت برسلز دارای ۸۳۹,۵۸۱ نفوس است ، پادشاه البرت ـ در سنه ۱۹۰۹ بر تخت نشست .

مساحه و نفوس بلجیم و مستملکات آن

براعظم	ملك	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
اوروپا	بلجیم	۳۰ ٤٤۳	۸ ۰۹۲ ۰۰٤	شاهی
افریقه	کانگو	۲ ۳٦٥ ۸۰۰	۸ ۸۲۸ ٦۰۱	مستعمره
	روانده یوراندی	۵۰ ۰۰۰		وکالت جمعیت اقوام
مجموع کل		۲ ۸۹٦ ۲٤۳	۱٦ ۹۲۰ ٦۰۵	

کانگوی بلجیمی:

مستعمرهٔ بلجیمی است در افریقه ، مساحت آن ۲،۳۶۵،۸۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۸۸۲۸۶۰۱ است که ازانجمله بلجیمی ۱۷٤۳۲ و اوروپائی های دیگر ۷۶۳۷ و بقیه بومیان است ، معادن آن : مس ، الماس ، طلاء ، قلعی ، ریدیم ، آهن ، سنگ ذغال است . تجارت عاج آن اهمیت زیاد دارد . خرما نیز فراوان است و از حیث پنبه ـ رابر ، ککاو ، ناریال بسیار با ثروت است ، مرکز آن لیو پولدویل است .

بلغاریا

یکی‌ازسلطنت های خورد یوروپ است‌که دارای۶ملیون نفوس میباشد، مرکزآن صوفیه ۲۱۳۱۶۲ نفوس دارد ، دو ثلث اهالی آن‌در زراعت مشغول میباشند صنایع‌دربلغاریاچندان ترقی نیافته است . صادرات آن تنباکو،جواری ، گندم ، چرم‌خام،جو ،تیل‌خاك،وعطر گلاب میباشد؛ تعلیم ابتدائی‌مجانی وجبری‌است. مرکز آن دارای‌یك یونیورستی‌است. اختیارات‌قانون‌وضع‌به‌یك اطاق واحد مربوط است ـ نام‌اطاق سوبرانی است که دارای ۲۲۷ عضو میباشد و اعضاءآن برای مدت چهار سال بقرار آرای عموم منتخب میشوند ، سن عضو لایق‌انتخاب از ۳۰ سال بزرگتر میباشد . بقرار معاهدهٔ ورسای ، بلغاریا ازسواحل بحیرهٔ ایجیان مشمول مقدونیه محروم گردید ـ اما بقرار معاهدهٔ که بایونان‌درسنه۱۹۲٤ نموده است‌برای بلغاریه اجازه داده شده که زیر مراقبت و نگرانی انجمن اقوام از راه بحیرهٔ ایجیان تجارت کرده میتواند ـ



زار — بورس ثالث
BORIS III

اما بلغاریا باین قانع و مطمئن نیست و چشم بر مقدونیه دوخته است ، بعض بلغاریان زندگی خود را درین راه وقف کرده اند و برای حصول این علاقه برای فدا کردن خود را آماده‌ساخته اند گویا این علاقه برای شان زمینی است موعود، مساحت بلغاریا ۱۱۰۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس آن ۶۰۰۰۶۰۰، حکمران زاربورس سوم،ولیعهد وارث تخت وتاج شهزاده سائیرل‌برادر حکمران‌است. حکومت موجوده به۱۳ جولائی ۱۸۷۸ بعد از معاهدهٔ برلن بوجود آمده .

بوتان

این مملکت کوهی درحصهٔ شرقی کوهستان هالیه واقع است ، مراودات خارجهٔ آن تعلق به برطانیه دارد ودرمعاملات داخلی کاملاً آزاد است ، اهالی آن بودائی میباشد ، مشك وبرنج ولاك وموم وشهد وابریشم وفیل و اسپ وچاوری و شمشیر ، صادرات عمدهٔ آن ملك است ، مساحه ۱۸۰۰۰ مربع کیلومتر وتعداد نفوس ۳۰۰۰۰۰ تخمین شده است . پوناکهی مرکز حکومت است وحکمران حالیه مها راجا جکمی وانگ چوك است .

بولیویا

مملکتی است درمرکز امریکهٔ جنوبی که هیچ بندرندارد ، ایالت چاکو که رقبهٔ آن ۲۵۰۰۰۰ مربع کیلومتر است دربین بولیویا و پاراگوی متنازعفیه است . ۵۰ فیصد اهالی بولیویا بومی میباشند . پیشه های مهم اهالی آن ، دهقانی مال چرانی وکان کنی است ، رئیس جمهور بآرای کل اهالی برای چهار سال منتخب میشود ، پارلمان مرکب است از سنا که دارای ۱۶ عضو میباشد ، این اعضاء برای موعد شش سال منتخب و ثلث آنها بعد از هر دو سال تجدید میشود . درپارلمان یك اطاق نماینده گان نیز است که عدهٔ آنها ۷۰ نفر و برای چهار سال منتخب ونصف آنها بعد ازهردو سال تجدید میشوند ، ذکور صاحب سواد بالاتر از ۲۱ سال که دارای معاش معلوم اند حق رای دارند . بعد از انقلاب داکتر دانیال سلامانکا به ۱۰ مارچ ۱۹۳۱ رئیس منتخب شد . مساحت ۱۵۶۸,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس ۲۹۷۴۹۰۴ ـ مرکز رسمی آن (سوکر) دارای ۳۴۵۷۷ نفوس ومرکز حقیقی (لاپاز) دارای ـ ۱۴۶۹۳۰ نفوس میباشد .

پاراگوی

جمهوریتی است در امریکهٔ جنوبی ، رئیس جمهور آن برای مدت چهار سال وهیئت شوری که مرکب از ۲۰ نفر است برای شش سال انتخاب و ثلث آنها هر دو سال بعد تجدید میگردد ، و یك مجلس نماینده گان که مرکب از ۴۰ نفر اعضا است برای چهار سال منتخب و نصف اعضاء بعد از هر دو سال تبدیل میشود . تعلیم ابتدائی مجانی وجبری است ، صادرات آن تنباکو ، نیشکر ، برنج و جواری میباشد ـ مساحت ۲۵۳,۰۰۰ مربع کیلومتر ـ و نفوس ۸۲۱۵۶۴ ، مرکز آن آسنشن است :

پاناما

جمهوریتی است در امریکهٔ وسطی ومساحت آن ۸۰,۱۰۳ مربع کیلومتر و نفوس ۴۶۷۴۵۹ میباشد قهوه ، ناریال ، کیله پیداوار آنجاست ، زبان اهالی هسپانوی است ، ازطرف عموم ملت بکثرت آرا یك نفر رئیس جمهور برای موعد چهار سال انتخاب میشود ، مجلس نماینده گان دارای ۴۶ عضو برای چهار سال انتخاب میگردد ، تعلیم ابتدائی مجانی و جبری است ، قشون ندارد .

پیرو

پیرو در سنه ۱۸۲۱ از سلطنت هسپانیه جدا گردیده استقلال و جمهوریت خود را اعلان کرد ، رئیس جمهور برای پنج سال منتخب می شود ، مجلس مالك اختیارات قانونی است و مشتمل است بر مجلس عالی : که دارای ۳۵ نفر اعضا میباشد و اطاق نماینده گان ۱۱۰ عضو دارد . خدمت عسکری و تعلیم ابتدائی جبری است ، مملکت از حیث معدنیات تمول زیاد دارد ، پیرو دارای ۸۰ فیصد مقدار وانادیوم Vanadium دنیاست ، مساحت ۱,۴۳۴,۰۰۰ مربع کیلومتر ـ نفوس ۶۱۴۷۰۰۰ مرکز آن لیما است .

پرتگال

بعد از انقلاب سنه ۱۹۱۰ جمهوری شده و شاه مانول دوم خلع گردید ، تشکیلات اساسی آن مرکب است از یك مجلس ملی دارای ۱٦٤ عضو که بکثرت رای عموم برای سه سال انتخاب میشود و اطاق عالی دارای ۷۱ عضو که مجالس بلدیه آنها را منتخب می کنند ، نصف اعضای مجلس عالی بعد از هر سه سال تبدیل میشود. هردو اطاق رئیس جمهور را برای موعد چهار سال انتخاب می نماید ، تعلیم ابتدائی و خدمت عسکری جبری است .

قریباً یك ثلث زمین بذر میشود ، باغستان انگور بکثرت است ، شراب ، روغن زیتون ومیوه و کارك بافراط پیدا میشود، شراب سازی صنعت مهم مملکت است ، مساحت پرتگال ۹۱,۰۰۰ مربع کیلو متر و نفوس ٦,٦٥٤,٨١٥- سلطنت استعماری پرتگال ۲۱,۲٦,۰۰۰ مربع کیلو متر مساحت دارد و نفوس مستعمرات ۷,۷۸۳,۱۱۵ است . در ۱۹۱٤ آزادی جزئی داخلی برای هر مستعمرهٔ پرتگالی داده شده که برای نظم مملکت واقتصاد قانونهای خودرا وضع کنند.



رئیس جمهور — اې . او . دی فراگوسا کارمونا
A. O. DE FRAGOSA CARMONA

مرکز حکومت شهر لزبن یکی از بنادر مهم جنوب غربی اوروپا و خیلی قشنگ است. نفوس ۳۹۰,۵۹٤ میباشد .

مساحه و نفوس پرتگال و مستملکات آن

براعظم	ملك	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
اوروپا	پرتگال	۹۱ ۰۰۰	٦ ۱۹۰ ۹۹۹	جمهوری
جزائر آتلانتیك	جزائر آزو	۲ ٤۰۰	۲۵۳ ۵۹٦	مستقیماً
»	مدیرا	۸۱۰	۲۱۰ ۲۲۰	»
	مجموع	۳ ۲۱۰	٤٦۳ ۸۱٦	

مساحه و نفوس پرتگال و مستملکات آن

بر اعظم	ملک	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
آسیا :	هند	۳ ۸۰۰	۵۷۶ ٤۲٦	مستقیماً
	تیمور	۱۹ ۰۰۰	٤۵۱ ٦۰٤	»
	مکاؤ (چین)	۱۰	۱۵۷ ۱۷۵	»
	مجموع	۲۲ ۸۱۰	۱۷۹ ۲۰۵	
افریقه :	جزائر راس ورد	٤ ۲۰۰	۱۵۰ ۱٦۰	»
	گنی	٤۰ ۰۰۰	۳٤۳ ۹٦۱	»
	جزائر پرنسپ و غیره	۸۰۰	۵۹ ۰۵۵	»
	انگولا	۱ ۲٦۰ ۰۰۰	۲ ۵۲۱ ۹۵٦	»
	موزمبیق	۷٦۰ ۰۰۰	۳ ۵۲۸ ۷۷۸	»
	مجموع	۲ ۱۰۰ ۰۰۰	٦ ٦۰۳ ۹۱۰	
	مجموع کل	۲ ۲۱۷ ۰۲۰	۱٤ ٤۳۷ ۹۳۰	

پولیند

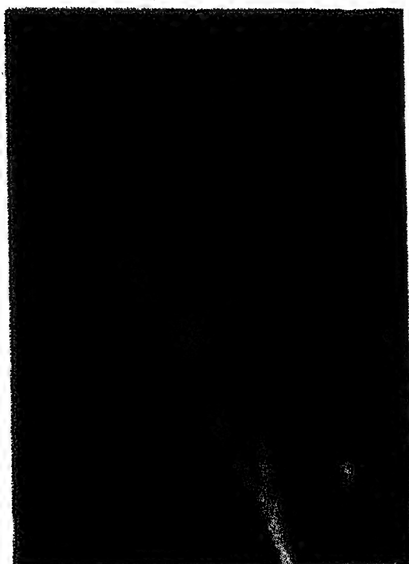
جمهوریتی است در یوروپ ، دارای مساحت ۳۸٦,۰۰۰ مربع کیلومتر و ۳۱,۹۲۷,۷۷۳ نفوس، هفتاد فیصد سکنهٔ آن پولندیها میباشند ، بقیه مرکب اند از جرمن ها ، یوکرانی ها و یهودیها ، تشکیل اساسی عبارت است از دومجلس یکی سنا که ۱۱۱ عضو دارد، دوم مجلس وکلا که دارای ٤٤٤ اعضامیباشد. رئیس جمهور برای موعد هفت سال انتخاب می شود، حکومت پولیند برای رفع جهالت و بی سوادی ملت کوشش انتهائی خودرا بمصرف میرساند ، تعلیم ابتدائی مجانی و جبری است ، وارسا مرکز آن ست. برای پیرها و مسکین ها شفاخانه های رایگان و جهة غربا در تمام مملکت دارالمساکین است .



رئیس جمهور — اگناسی موسیکی
IGNACI MOSCICKI

ترکیه

در ترکیه به ۱۹ اکتوبر سنه ۱۹۲۳ جمهوریت اعلان وغازی مصطفی کمال پاشا رئیس جمهور آن انتخاب شده است .



رئیس جمهور — غازی مصطفی کمال پاشا

در سنه ۱۹۲۸ خط لاتین را قبول و رائج نمودند، اکثر سکنهٔ ترکیه مسلمان وعدهٔهم نصاری و یهودی میباشد.

پارلمان ترکیه موسوم به مجلس کبیر ملی است ۳۱۶ عضو دارد که برای چهارسال منتخب میشوند، رئیس جمهور نیز برای چهار سال انتخاب میگردد، غازی مصطفی کمال پاشا بار سوم به ٤ می سنه ۱۹۳۱ منتخب شده است . زراعت پیشهٔ مهم اهالی است ، حاصلات ترکیه تمباکو که قریباً بکل بازار های دنیا فرستاده میشود ، پنبه ، حبوبات ، صمغ ها و میوه های متنوعه است ، ترکیه معادن با ثروت دارد ، انقره مرکز حکومت ترکیه است ، مساحت ترکیه ۳۵۰ , ۷۷۲ مربع کیلومتر ، نفوس ۱۲,٦۰۷,٦۰۱ میباشد .

جاپان

مملکتی است خورد اما یکی ازدول بزرگ و مقتدر دنیا بشمار می آید . درثروت قدرتی تمول زیاد دارد، ذغال‌سنگ‌را از مانچوریاحاصل‌وپنبه وپشم‌را ازخارج خریداری‌میکنند ، ماشین های آن ازیوروپ آورده میشود، بااینهمه بواسطهٔ سعی حیرت انگیز خود مملکت بزرگ صنعتی شده است ، چنانچه در این ایام جاپانی ها در تجارت باجماهیر متحدهٔ امریکه وانگلستان مقابلهٔ شدیدی دارد .

سلطنت جاپان باعلاقه های ملحقهٔ آن ٦۷۸,۵۰۰مربع کیلومترمساحت‌دارد،نفوس جاپان ٦٤,٤٤۷,۷۲٤و از کل‌حکومت مجموعاً ۹۱,۷۹۲,٦۳۹میباشد،جاپانی‌هائیکه‌بخارج سکونت‌دارند ۷٦۲,۵٦۹نفراست.تعلیم ابتدائی جبری است ، جاپان ۵ دارالعلوم شاهی و ۳۲ تعلیمگاه دیگرکه با دارالعلوم ها مساوی میباشد دارد .

مملکت‌جاپان کوهستانی است، زلزله اکثردرانجا واقع‌میشود؛ زیاده‌ازششم‌حصهٔ رقبهٔ آن قابل‌زراعت نیست. جاپان دارای بندرگاهای نفیس بوده یك دولت شهنشاهی است، شهنشاه آن قاید اعلای عسکر وبحریه میباشد.



امپراطور — هیروهیتو
HIROHITO

شخص پادشاه حق اعلان جنگ ، صلح، بستن عهد نامه ها را دارد . پارلمان ژاپان مشتمل است بردو اطاق : یکی اطاق اعیان که ٤۰٤ عضو دارد ، دوم اطاق وکلا که دارای ٤٦٤ عضو است برای چهار سال منتخب میشوند ، تمام مرد ها بزرگتر از ۲۵ سال آزادی رای دارند و امتیازات جایداد و تیول و غیره بر طرف شده است ، عقاید مذهبی آزاد وخدمت عسکری عمومی و جبری است. توکیو مرکز ژاپان دارای ۲,۰۷۰,۹۱۳ نفوس است. شهر توکیو و یوکوهاما در ۱۹۲۳ از آتش و زلزله تباه ولی باز بصورت شهر های بزرگ تعمیر گردیده است. حکمران مملکت میکادو هیروهیتو، به ۲۵ دسمبر سنه ۱۹۲٦ بر تخت نشست .

مساحه و نفوس ژاپان و مستملکات آن

براعظم	نام ملک	مساحهٔ مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
آسیا	ژاپان	۳۸۰ ۰۰۰	٦٤ ٤٥۰ ۰۰۵	امپراطوری
	کوریا	۲۲۰ ۰۰۰	۲۱ ۰۵۷ ۹٦۹	مستقیماً
	کرافوتو	۳٦ ۰۰۰	۲۹۵ ۱۸۷	مستعمره
	فورموسا	۳٦ ۰۰	٤ ۵۹۲ ۵۳۷	«
	کوانگ تونگ	۳ ٤۰۰	۱ ۳۲۸ ۰۱۱	«
مجموع		٦۷۵ ٤۰۰	۹۰ ۳۲٦ ۰۷۱	
اوقیانوسیه	جزایر متفرقه	۳ ۱۳۰	٦۹ ٦۲۷	وکالت جمعیت اقوام
	مجموع کل	٦۷۸ ۵۰۰	۹۰ ۳۹۵ ٦۹۸	

جرمنی

درنومبر ۱۹۱۸ بعد از خلع امپراطور ویلهلم ثانی اعلان جمهوریت کرده مجلس نمایندگان ملی در برلن عنان حکومت را در دست گرفت، حکمرانان ایالات متحده بعضی برطرف گردیدند وبعضی خودرا خلع وپارلمان امپراطوری را منحل و برای انعقاد یك مجلس ملی ترتیبات گرفت ، تمام جرمنی ها از زن ومرد که سن شان متجاوز از ۲۰ سال بود ، در جنوری ۱۹۱۹عیسوی ۴۲۳ اعضای مجلس ملی را انتخاب کردند .

مجلس ملی بار اول در ٤ فبروری ۱۹۱۹ در مقام (وائی مر) انعقاد یافت و در ۱۱ فروری نخستین رئیس جمهور جرمنی فرائید ریش ایبرت انتخاب گردید و تا ۲۸ فبروری ۱۹۲۵ یعنی روز مرگش رئیس جمهور بود .

مارشال فون هندن بورگ رئیس دوم در۲٦ اپریل ۱۹۲۵ منتخب گردیده و در ۱۲ مئی ۱۹۲۵ شروع بکار نمود و در ۱۰ اپریل ۱۹۳۲ باردوم انتخاب گردید .

حق انتخاب رئیس را تمام اهالی جرمنی زن و مرد متجاوز از عمر ۲۰ دارند ، روز انتخاب رئیس رخصتی و تعطیل عمومی می باشد ، رئیس برای هفت سال انتخاب میگردد ، تشکیلات اساسی جمهوریت در ۳۱ جولائی ۱۹۱۹ بواسطهٔ مجلس ملی در وائی مر ترتیب یافت و در ۱۱ اگست ۱۹۱۹ اجرا گردید ، بقرار قانون اساسی دولت جرمنی جمهوری قرار یافت و قوهٔ حکومت ماخوذ از ملت است ، و برای نمایندگی ایالات مجلس دیگر موسوم به رایشرات ترتیب یافت، برای تمام قوانین تصویب این مجلس حتمی است و بعد ازان به مجلس ریشتاك تقدیم میشود، اما ریشتاك به اکثریت دوثلث‌هرقانونی را که بخواهد بدون تصویب رایشرات منظورنموده میتواند.



رئیس جمهور — مارشل پال فون بینیکندورف اند فون هندنبورگ
PAUL VON BENECKENDORFF UND VON HINDENBURG

بموجب قانون اساسی تمام اهالی جرمنی بدون لحاظ نسب و مذهب حقوق مساوی ، و آزادی مذهب و نطق و انعقاد مجالس دارند ، اعضای مجلس وضع قوانین (ریشتاك) بواسطهٔ رای عموم ملت بقرار تناسب نفوس برای ٤ سال انتخاب میگردند ، ٦۰ هزار نفر حق انتخاب یك نماینده دارند . تعداد تمام نمایندگان رایشرات ٦٦ استکه ازپروس ۲٦، باویریا ۱۱، سکسنی ۸، ورتم برگ٤ ، بیدن ۳ ، تورنگیا ۲، هس۲، هامبورگ۲ و از ایالات دیگر یك یك نماینده انتخاب میشود. رایشتاك در ۱۹۳۰ دارای ۵۷۷ عضو بود .

جرمنی ملکیست صنعتی زیاده از ٤۰ فی صد اهالی به صنعت مصروف میباشند ، جمله اشخاصیکه نفقه پیدا کرده میتوانند حق دارند وقتیکه از باعث مرض و یا کدام حادثه ، و یا قبل ازوقت ضعف وپیری بیکار گردند از حکومت امداد مالی حاصل کنند ، بیمه جبریست .

برلن مرکز جرمنی دارای ۴۰،۲۴۲،۲۸۶ نفوس میباشد وشهرهای مهم دیگر آن اینست : دریسدن، مرکزآن سیکسونی شهریست قشنگ ونفیس ، میونیخ‌شهریست فرح بخش ، هیمبرگ شهریست مقبول و خوشنما لیپزیك شهریست مملو از کتب .

مساحت جرمنی ۴۷۴،۰۰۰ مربع کیلومتر ، ونفوس ۶۳،۱۸۰،۶۱۹ میباشد.

سار :

بقرارمعاهدهٔ ورسای طاس سار از جرمنی منقرض گشته‌وبه جمیعت اقوام سپرده شده است، یك هیئت که مرکب از پنج نفر است آنجا حکمرانی می‌کند ، مساحت ۱،۹۲۱ مربع کیلومتر ونفوس ۷۷۰،۰۳۰ و در سنه ۱۹۳۵ به اهالی اختیار داده خواهد شد که بقرار خواهش خود به هر مملکتی که میخواهند ملحق شوند سار از حیث ثروت های طبیعی توانگر است .

چکوسلوواکیه

جمهوریتی است در اروپای مرکزی و مرکب است از چهار علاقهٔ سابق استریائی : بوهیمیا ـ موراویا و یك قسمت سلیشیا و سلوواکیا ، در حدود آن ۶ ملت مسکون و آباد است ، که نفوس مجموعی آنها ۱۴،۷۲۶،۱۵۸ است که ازان جمله چکوسلواك ۸،۷۶۰،۹۳۷ جرمن ۳،۱۲۳،۵۶۸ ـ مجارستانی ۷۴۵،۴۳۱ روتنیین ۴۶۱،۸۴۹ ـ پولندی ۷۵،۸۵۳ یهود ۱۸۰،۸۵۵ و باقی اقوام دیگر اند . از حیث زراعت مملکت مذکور بسیار باثروت است ، دهقانی دران خیلی ترقی کرده است و اجناس خوراکه به‌مقدار فراوان بخارج فرستاده میشود، ثروت معدنی نیز زیاد دارد از قبیل ذغال سنگ ، آهن ، مس، طلا ، نقره ، نمك.در صنایع نیز ترقیات زیاد نموده خصوصاً در شیشه سازی ، نساجی ، کاغذ سازی و ادویهٔ کیمیاوی و نجاری . صادرات بزرگ چکوسلواکیا : قند ، پشم، فولاد ، اسباب شیشه و چینی ، بوت و فرنیچر میباشد . در ایام حرب عمومی این مملکت اعلان استقلال نمود ، پارلمان این مملکت مرکب است از مجلس وکلا که دارای ۳۰۰ عضو وبرای‌شش سال منتخب میگردد، وسنا دارای ۱۵۰ عضو برای ۸ سال منتخب میشود مجلس متفقاً برای موعد ۷ سال رئیس جمهور را منتخب میکند ، رئیس سر کرده فوج میباشد و اختیار دارد که به اتفاق پارلمان اعلان جنگ نماید ، پارلمان نمایندهٔ هفده حزب است دو جزء آن از اقلیت المانها میباشد .



رئیس جمهور — تامس گاریگو ماسارك
THOMAS GARRIGUE NASARYK

حکومت به مذهب و نطق آزادی مکمل داده است ، تعلیم جبری‌است و به‌تربیهٔ بدنی توجه زیاد کرده میشود ، مساحت آن ۱۴۲،۰۰۰ مربع کیلومتر، نفوس آن ۱۴،۷۲۶،۱۵۸، مرکز پراگ، دارای ۸۴۸،۰۸۱ نفوس است .

چلی

جمهوریتی است در امریکهٔ جنوبی ، منابع وسیع معدنی دارد و من‌حیث پیداوار مس در دنیا درجهٔ دوم راحایز است، کانهای بزرگ از قبیل آهن و ذغال سنگ دارد. کود (ناثیتریت آف سودا) را تمام ممالک دنیا از چلی خریداری میکند . رئیس جمهور به کثرت آرای عموم برای شش سال منتخب میشود ، مجلس سنای چلی مشتمل است از ٤٥ عضو برای هشت سال، انتخاب آنها بعد از ٤ سال تبدیل میگردد. مجلس نمایندگان عبارت از ۱۳۲ عضو است . به آرای دوثلث اعضاء وبه تصویب رئیس جمهور مواد قانونی منظوری میابد . تعلیم ابتدائی مجانی وجبری است ، شهریان سالم وتندرست همه مجبورندکه در قشون ملی خدمت کنند ، مرکز جمهوریت سنتیاگو دارای ٦٩٦,۲۳۱ نفوس است ، مساحت چلی ۷٥۰,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس ٤,۲۸۷,٤٤٥ رئیس جمهور آن جوان استیبان مانیترو میباشد .

چین

مملکتی است بسیار وسیع قریباً مساوی کل یوروپ، تمدن آن بسیار قدیم است . چین از سال های دراز متحمل فشار های زیاد داخلی و خارج گردیده و بعضی علاقه جات و منابع ثروتی آن را اجانب منقرض نموده است .

چین به ۱۲ فروری سنه ۱۹۱۲ جمهوریه شد ، سن یات سین که سر کردهٔ جمهوریت خواهان بود خاندان مانچو را بر انداخت . انقلاب پسندان طرز حکومت را بطور ذیل اختیار کردند ، یك رئیس ویك نایب رئیس ویك وزارت اجرائیه ویك پارلمان مرکب از سنا و اطاق وکلاء . سن یات سین را رئیس موقتی مقرر کردند اولین پارلمان در قلعهٔ قدیم مانچو ها در بین دیوار های پیکنگ اجلاس خود را منعقد نمود . پیش ازانقلاب مسئلهٔ رسم لخط به ترقی معارف و تنویر افکار حائل بود، لیکن بعد از انقلاب از باعث رهنمائی دانشمندانهٔ داکتر سن یات سین حروف تهجی چینی ایجاد شده و تعلیم ترقی نمود . چین ذخائر وسیع وبزرگ ذغال سنگ دارد، تیل خاك هم در آنجا فراوان است .

چین من حیث پیداوار پنبه درجهٔ سوم را دردنیا حائز است. چین دریازده ولایت منقسم است وحکومت این علاقه ها به حکام ملکی وعسکری تفویض شده، لیکن درجهٔ حکام عسکری بلند وعملاً مختار کل قوت حکومتی میباشد . حکام علاقه ها به نزد حکومت مرکزی نانکن مسئول وذمه وار میباشند .

حکومت مرکزی دردست کواومین تنگ یعنی جمعیت ملی است که معتقد نظریه داکترسن یات سین میباشد رئیس موجوده لین سین نام دارد که در ۲۷ دسمبر ۱۹۳۱ منتخب شده .

تعداد نفوس ومساحت چین قرار آتیست : ـ

نام ملك	مساحهٔ مربع کیلومتر	تعداد نفوس
چین خاص	۳ ۸۷۰ ۰۰۰	۴۵۸ ۷۷۹ ۷۱۴
مانچوریا(اعلان استقلال نمود)	۹۴۰ ۰۰۰	۲۴ ۰۴۰ ۸۱۹
ترکستان چینی	۱ ۴۳۰ ۰۰۰	۲ ۶۸۸ ۳۰۵
تبت	۲ ۱۱۰ ۰۰۰	۲ ۰۰۰ ۰۰۰
منگولیا	۲ ۷۹۰ ۰۰۰	۱ ۸۰۰ ۰۰۰
مجموع	۱۱ ۱۴۰ ۰۰۰	۴۸۹ ۳۰۸ ۸۳۸

از جون سال ۱۹۳۱ تشکیلات چین تغیر یافته ومرکز حکومت را درنانکن قراردادند، یك نفرنائب رئیس از ۱۲ الی۱۶مشیر وپنج مجالس ذیل (انتظامیه، مقننه ، عدلیه، امتحان واداره) روی کارآوردند، تخمیناً پنجاه ملیون اهالی چین مسلم باقی بودائی وکنفوشسی وغیره است .

بلدهٔ بین المللی شانگهای:

شهر بین‌المللی است برساحل چین ، چهار ده دولت درنجا حقوق‌مساوی دارد، ادارهٔ شانگهای‌را مجلس بلدیه مینماید، عدهٔ نفوس ۱,۰۰۷,۸۶۸ میباشد کهازانجمله ۹۷۱,۳۹۷ چینیو باقی‌تجارممالك‌خارجه‌میباشند. نزدیك شانگهای شهر شانگهای چینی است که ۱,۶۶۶,۵۷۹ نفوس دارد . در شهر بین المللی ۵۰۰۰ پلیس اروپائی وهندی وجاپانی برای حفظ امنیت مامور ، و در بندرگاه آن جهاز های جنگی چهارده دولت خارجه لنگر انداز است . اکثر تجارت چین وسطی از شانگهای می‌گذرد . چای ، پوست ، ابریشم ، پنبه ، ذغال ، حبوبات ، فلزات‌از صادرات شانگهای است .

شهرآزاد دانزیك

دانزیك بقرارعهدنامهٔورسای مستقل گردیده است، تابرای پولیند بندری‌رامهیاسازد. دانزیك‌شهریست‌آزاد تحت‌ادارهٔ مجلس اقوام . حکومت دارای دومجلس است: یکی سنا که دارای‌ده عضو ویك رئیس ویك نفر معاون می باشد که برای مدت غیر معین انتخاب میگردند ، ومجلس دیگر فولك شتاگ نام که دارای ۷۲ عضو وبرای‌چهارسال‌منتخب‌میشود. هرزن‌ومرد بیست ساله‌حق‌رای دارد. تعلیم‌رایگان‌وجبری است، ۹۵ فیصد اهالی‌جرمن هستند وزبان رسمی هم جرمنی است، روابط‌خارجه بدست ادارهٔ جمعیت اقوام وگمرك‌بدست حکومت پولینداست. رقبه ۱۸۵۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۴۰۷,۵۱۷ میباشد .

دنمارك

مملکتی است ازفلاحین ، قریباً ۹۰ فیصد دهقانها صاحب زمین میباشند ، درتعلیم و تربیه ترقی زیاد کرده وسائل‌حمل ونقل آن بطریق بهترین تکمیل یافته، برای اشخاص پیر تقاعد داده میشود . عسکر بصورت ملیشیای ملی است،هرمرد صحیح وسالم مجبور بهخدمت عسکری است حتی کشیش ها هم مستثنی نیستند. دنمارك حکومت مشروطه دارد، پادشاه و پارلمان متحداً اختیارات قانونی را مالك اند. پارلمان دارای‌دو مجلس: یکی دارالعوام ودیگری سنا میباشد ، اول‌الذکر ۱٤۹ عضودارد وبرای چهار سال ومؤخرالذکر ۷٦ عضو دارد وبرای۸ سال انتخاب می‌شود، مرد وزن‌ه ۲سالهحق رأی دارند. مساحت ٤۲,۹۳۱مربع کیلومتر، نفوس ۳,۵۵۰,٦۵٦،مرکز کوپن هیگن دارای۷۷,۱٦۸ نفوس است. حکمران دنمارك شاه کرسچین دهم به ۱٤مئی۱۹۱۲ برتخت نشست.

مساحه ونفوس دنمارك ومستملکات آن

براعظم	ملك	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	طرزحکومت
اروپا	دنمارك	٤۲ ۹۳۱	۳ ۵۵۰ ٦۵٦	شاهی
امریکه	گرین لیند	۹۰ ۰۰۰	۱٦ ٦۳۰	مستعمره
	مجموع	۱۳۲ ۹۳۱	۳ ۵٦۷ ۲۸٦	
اروپا	آیس لیند	۱۰۲ ۸٤٦	۱۰۸ ٦٤٤	مملکت مستقل است اما دنمارك و ایسلاند یك پادشاه دارد

دومه نیکا

جمهوریهٔ دومه نیکا در دوثلث شرقی جزیرهٔ هائیتی واقع است ، پارلمان آن بردو مجلس مشتمل است: مجلس عالی دارای ۱۲ عضو وسفلی ۲۷ عضو دارد . اعضا برای مدت چهار سال منتخب میگردد . رئیس جمهور ووالی هرعلاقه را جمله اهالی مستقیماً انتخاب مینمایند . اهالی از نسل مختلط هسپانوی وحبشی و بومی میباشد واکثر از آنها زراعت پیشه اند . ککو و شکر وشیره و قند ونیشکر و جواری ازصادرات مهمهٔ دومه نیکا است. معادن طلا ومس وآهن، نقره وپلاتینم ونمك وتیل‌خاك نیز وجود دارد. تعلیم ابتدائی جبری ومجانی‌است .

مساحه ٤۹,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس ۱,۲۰۰,۰۰۰ تخمین شده است .

مرکز آن سانتو دومینگو را درسنهٔ ۱٤۹٦ برادر کولمبوس بنا کرده است و اکنون ۱٤٦,٤٤٦ نفوس دارد .

رومانیه



شاه — کارول ثانی
CAROL II

سلطنتی است در بلقان ، در نتیجهٔ جنگ عمومی مملکت آن قریباً دوچند وسعت یافته است ، زمین آن نهایت حاصلخیز است . معادن آن عبارت از آهن ، مس ، سرب و تیل خاك است . پارلمان رومانیه دارای دو مجلس است ، مجلس عالی ۱۷۰ عضو و اطاق نمایندگان ۳۸۷ عضو دارد . مرد و زن حق رأی دارند . کل حقوق خصوصی و انحصارات منسوخ شده ، تعلیم ابتدائی مجانی و جبری است . بخارست مرکز آنست : مساحت ۳۰٤,۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس ۱۸,۰۲۵,۰۳۷ میباشد .

روسیه

بتاریخ ۱۲ مارچ سنه ۱۹۱۷ درروس انقلابی برپاشده زاررا خلع نمودند و حکومت موقتی قائم گردید ، انقلاب دیگری درماه اکتوبر بپا شده حکومت موقتی رابرطرف نموده ولینن زمام حکومت را دردست گرفت .

درتابستان ۱۹۱۸ شورای کل مملکت خط مشی حکومت جدید را اعلان نمود ، و روس اتحاد جماهیر شورائیهٔ اشتراکیه قرار داده شد . بقرار قانون اختیارات حکومت بحزب کمونست تعلق دارد و بواسطهٔ نمایندگان آنها اجرا میشود .

جمهوریت سوویتی کار کردن را فرض هر فردملت و وطندار می پندارد ، اشخاصیکه کار می کنند حق رأی دارند . ملکیت شخصی منسوخ شده وجمله جنگل ها و خزائن واملاك ملکیت ملی اعلان شده است .

اختیارات انتهائی دردست شوارای کل اتحاد جماهیر شورائیه میباشد که سالی ۲ دفعه اجتماع مینمایند ومجلس عاملهٔ مرکزی را انتخاب می کنند، مجلس مرکزی سالی ۳ بارمنعقد میشود ومشتمل است بر دو مجلس: یکی مجلس اتحاد دارای ٤۷۲ عضو و مجلس دیگردارای ۱۳۸ عضو .

جمله افراد بزرگتر از هجده سال حق رأی دارند، باستثنای روحانیون و اشخاصیکه به نفع شخصی خود کار می کنند . هرفرد حق دارد برای کشت وکار زمین بگیرد ، اماصورت قبضهٔ زمین مثل اجاره داری است . منابع

قدرتی را خود حکومت بکار می اندازد .

ادارهٔ اتحاد سیاسی برای متحد ساختن مساعی انقلابیٔ جمهوریت های شوروی خلاف انقلابیان سیاسی و اقتصادی و خلاف قطاع الطریق و اینکه کار روائی های جرائد محلی را رهنمونی کند تشکیل داده شده است .

مجلس شورائیه پروگرام دوم پنجساله را برای ترقی اقتصادی در اتحاد سوویتی منظور نموده است ، جمهوریت های سوویتی ۷ میباشد ، منجمله جمهوریت ماورایٔ قفقاز در سه جمهوریت دیگر تقسیم است ، نفوس روس سوویتی ۱۴۷،۰۱۳،۶۰۰ میباشند ، و نفوس مملکت هر سال ۳ و نیم ملیون افزوده میشود .

ماسکو مرکز حکومت روس دارای ۲ و نیم ملیون نفوس است .



رئیس کومیتهٔ اداری مرکزی ــ ایم ــ آئی ــ کالینن
M. I. KALININ

مساحه و نفوس اتحاد جماهیر شورویهٔ روسیه

براعظم	ممالک	مساحه مربع کیلومتر	نفوس
اوروپا	روسیه	۲۱ ۳۵۲ ۵۷۲	۱۰۰ ۸۵۷ ۹۸۵
	روس سفید	۱۲۶ ۷۹۰	۴ ۹۸۳ ۸۸۴
	توکرین	۴۵۱ ۷۳۱	۲۹ ۰۲۰ ۳۰۴
	مولداویا	۸ ۲۸۸	۶۱۳ ۹۰۰
	مجموع	۲۱ ۹۳۸ ۳۸۱	۴۵ ۴۷۶ ۰۷۳
آسیا	قفقاز	۱۸۵ ۵۲۷	۵ ۸۵۰ ۶۹۲
	اوزبکستان	۱۷۶ ۱۰۰	۴ ۴۴۲ ۷۹۵
	تاجکستان	۱۴۵ ۱۰۰	۸۲۷ ۴۰۰
	ترکمنستان	۴۹۱ ۲۱۶	۱ ۰۳۰ ۵۴۹
	علاقهٔ شرق اقصی	۸ ۲۸۸	۱ ۵۹۳ ۴۰۰
	یارکوتسک	۲ ۳۳۳ ۵۰۰	۳۰۸ ۴۰۰
	بوریات منگول	۴ ۰۲۳ ۳۰۰	۵۷۵ ۰۰۰
	سائبیریای غربی	۱ ۳۰۴ ۷۰۰	۸ ۷۶۷ ۲۰۰
	سائبیریای شرقی	۳ ۱۷۹ ۴۰۰	۲ ۵۶۸ ۴۰۰
	مجموع	۱۱ ۸۴۷ ۲۳۱	۱۱۵ ۹۶۳ ۸۳۶
	مجموع کل	۳۳ ۷۸۶ ۶۱۲	۱۶۱ ۴۳۹ ۹۰۹

ازبکستان :

جمهوریت شوروی ازبکستان در سنهٔ ۱۹۲٤ از ممالك بخارا و خوارزم وترکستان روسی تأسیس یافته و بطرف شمال افغانستان واقع است .

اکثر اهالی ازبك وزبان آنها ترکی چغتائی و مذهب شان اهل سنت است ، در زراعت وجوه کشی مهارت کامل دارند ، حاصلات مهمهٔ آن پنبه ، فواکه ، پشم و ابریشم است ، کارخانه های پنبه و منابع تیل خاك وذغال نیز دارد، تعلیم ابتدائی در ازبکستان جبری است .

مساحهٔ ازبکستان ۱۷٦,۱۰۰ مربع کیلومتر وتعداد نفوس آن ٤,٦٨٥,٤٠٠ و مرکز آن تاشکنددارای ٤٠٢,٠٥٠ نفر میباشد .

تاجکستان :

جمهوریت شوروی تاجکستان در سنهٔ ۱۹۲۹ از ممالك قدیم بخارا وترکستان روسی تأسیس یافته و بشمال افغانستان واقع است ، دریای جیحون مابین افغانستان وتاجکستان حد فاصل میباشد .

اهالی از نژاد آرین ومذهب شان اهل‌سنت وزبان‌آنهافارسی است ، اکثر اهالی به زراعت وگله چرانی مشغول اند . طلا ، تیل خاك ، سنگ ذغال اندك پیدا میشود . پنبه، اسپ، پوست قره قلی وپشم صادرات تاجکستان است .

مساحهٔ تاجکستان ١٤٥,١٠٠ مربع کیلو متر ، وتعداد اهالی ۱,۱۷٤,۱۰۰ میباشد .

مرکز تاجکستان ستالین آباد (دوشنبه) دارای ۳۷۰ و ۱٤۸ نفوس است .

پرواز طیاره ازکابل به ترمذ که یکی از شهر های سرحدی آنست بعمل میآید .

ترکمنستان :

جمهوریهٔ شوروی ترکمنستان در سنه ۱۹۲٦ از بعض حصص ترکستان روسی وبخارا وخیوا تشکیل یافته وبطرف شمال مغرب افغانستان پیوسته است ، اهالی آن اکثر ترکمان، درمذهب اهل سنت اند،شغل آنها گله ورمه چرانی وزراعت است .

پنبه ، پشم،قره‌قلی وقالین محصولات عمدهٔ آن ولایت است ، مساحه ٤٩١,٢١٩ مربع‌کیلومتر، تعدادنفوس ۱,۱۳۷,۰۰۰ ومرکز شهر عشق آباد میباشد .

قفقاز :

جماهیر ثلاثهٔ قفقاز مابین کوه قاف ، بحرسیاه ، بحر خزر بحدود شمالی ایران واقع و در سه جمهوریه : آذربایجان ،ارمنستان و گرجستان منقسم است، مساحهٔ آن ۱۸٥,٥٢٧ مربع‌کیلومتر ونفوس آن ٦,٤٢٦,٧٠٠ نفر میباشد که ازان جمله ثلث اهالی مسلمانند .

۱ — آذربایجان :

جمهوریهٔ خوردیست در آسیا در سنه ۱۹۲۱ در اتحاد سوویتی شامل شده است. از حیث معادن بسیار یا ثروت و تیل خاک پیداوار مهم آن است، محصول سالیانهٔ آن ۴,۶۶۸,۰۰۰ پوند می باشد . ماهیگیری در آذربایجان نیز اهمیت دارد. رقبه ۸۴,۶۷۹ مربع کیلومتر، نفوس ۲,۳۱۳,۱۷۲ است که ازان جمله ۷۵ فیصد مسلمان است مرکز باکو (بادکوبه) دارای ۴۶,۰۰۰ نفوس میباشد .

۲ — ارمنستان :

جمهوریهٔ سوویتی است مابین آسیای صغیر و گرجستان و آذربایجان و ایران : زمین آن زرخیز است ، حبوب مختلفه، پنبه ، برنج ، تمباکو وغیره ازمحصولات آنست .مملکت منابع معدنی نیز زیاد دارد. از قوهٔ آبشارها در حصول برق بسیار استفاده میکنند . مساحت ۳۰,۹۴۸ مربع کیلومتر و نفوس ۱,۰۳۲,۷۰۰ - مرکز حکومت (ایروان) است .

۳ — گرجستان :

بتاریخ ۲۶ مئی ۱۹۱۸ استقلال خود را اعلان نمود وتا آخرماه جنوری ۱۹۲۱ از طرف حزب منشویك اداره میشد . در فروری ۱۹۲۱ تحت ادارهٔ بلشویك ها درآمد.مساحهٔ آن ۶۹,۹۰۰ مربع کیلومتر و مرکز حکومت گرجستان و مرکز جماهیر ثلاثهٔ قفقاز شهر تفلیس است .

سالویدور

جمهوریتی است در امریکهٔ وسطی ، قهوه درین مملکت به کثرت یافت میشود ، معادن زیاد دارد اما بکار انداخته نشده .

رئیس جمهور آن برای چهار سال منتخب میشود . سالویدور دارای یك مجلس که ۴۲ عضو دارد میباشد و اعضای آن بآرای عمومی زن و مرد انتخاب میگردد . مساحت ۲۱,۰۰۰ مربع کیلومتر ، نفوس ۱,۴۳۷,۶۱۱ مرکز حکومت سان سالویدور است .

سان مارینو

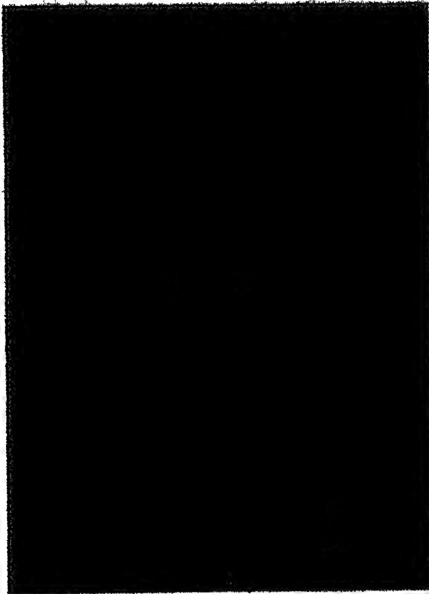
جمهوریهٔ خوردیست در یوروپ ، رقبهٔ آن ۶۰ مربع کیلو متر ونفوس ۱۳,۱۱۳ میباشد(بنای سان مارینو را یك معمار ماهر در قرن چهاردهم نهاده است) یك مجلس که دارای شصت عضو است مملکت را اداره میکند .

شراب ، پنیر ، حبوبات ، زیتون پیداوار آنجاست، اهالی به تربیهٔ مواشی اهمیت زیاد میدهند .

سویدن

سلطنتیست در اوروپای شمالی ، غدیر ها و دریاها جنگل های وسیع و معادن بسیار دارد از قبیل معادن آهن ، سرب ، جست ، گوگرد ، سنگ مرمر .

تعلیم ابتدائی مجانی و جبری است، حکومت آن مشروطه است ، مجلس واضع قانون مرکب از دو اطاق است: یکی دارای ۱۵۰ عضو و دیگری دارای ۲۳۰ عضو ، هر زن و مرد ۲٤ ساله حق رأی دارد ، مساحت ٤٤۸,۲۷۸ مربع کیلومتر ، نفوس ٦,۱٤۱,۵۷۱ ، مرکز ستاك هالم است .



شاه — گستاف خامس
GUSTAV V

سویتزرلیند

ملك خوردیست دراوروپا ، سکنهٔ سویتزرلیند اقوام مختلفه است . اکثر اهالی زبان المانی دارند ، ولی در بعض حصص دیگر مردم بزبان فرانسوی و ایطالوی هم حرف میزنند ، مذاهب مختلفه در اهالی شیوع دارد .

سویتزرلیند یك حکومت اتحادی است که از ۲۵ کینتون (علاقه) تشکیل یافته ، و هر کینتون اختیارات وسیع محلی دارد ، تمام کینتون ها بیك مرکز مربوطند ، پارلمان اختیار وضع قانون را دارد ، و مشتمل است بر دو اطاق: یکی مجلس حکومتی و دیگری مجلس ملی ، اعضای مجلس متحده برای چهار سال و رئیس اتحاد هر سال انتخاب میشود ، پارلمان یك رئیس دیوان نیز منتخب میکند لیکن رئیس مذکور عضو مجلس اتحادی نمی باشد . تعلیم جبری است .

سویتزرلیند شیر منجمد وانواع چاکولیت بمقدار زیاد میسازد . در ساعت سازی شهرت زیادی حاصل کرده . مملکت کوهی است ، قله های آلپ دائماً از برف و یخچالها مستور میباشد و هر سال عدهٔ زیادی از سیاحین در آنجا میروند مساحت ٤۱,۲۹۸ مربع کیلومتر ، نفوس ٤,۰٦٦,٤۰۰ - برن مرکز حکومت آن است . ادارهٔ جمعیت اقوام در جنوا که یکی از شهر های بزرگ و قشنگ سویتزرلیند است میباشد .

سیام



شاه — پراج آدی پوك
PRAJADIPOK

ما بین برما و هند چینی فرانسوی واقع میباشد مساحت آن ۵۰۰،۰۰۰ مربع کیلو متر و نفوس ۱۱،۵۰۶،۲۰۷ حکومت مشروطه دارد ـ علاوه بر پارلمان ، یك مجلس خاندان شاهی دارد که فعلاً عبارت از پنج شهزاده است و این مجلس پادشاه را از تجارب و آرای صائب دانشمندان مملکت متمتع می سازد ، حکمران حالیهٔ آن شاه پراجه دهی پوك است .

سیام دارای جنگل ها است وچوب ساگوان از صادرات مهم آن است ، پیداوار مهم دیگر سیام برنج است ، منابع معدنی آن عبارت است از ذغال سنگ ، آهن ، منگانیز ، سرمه ، سیماب . مذهب عموم مردم بده است ، زیاده از ۱۶،۰۰۰ دیر و ۱۳۲،۹۶۷ نفر راهب دارد .

بنکاك مرکز مملکت ، شهری است عصری که باغهای عمومی و مقبول دارد .

عراق (بین النهرین)

مملکتی است که تازه آزاد و داخل جمعیت اقوام گردیده است ، برطانیه در علاقهٔ عراق برای قوهٔ هوائی خود موقف ها دارد ، جرائد ومطبوعات عرب این عمل را خلاف معنی صحیح استقلال دانسته مخالفت شدید میمایند . زمین عراق منتها درجه حاصلخیز است . گندم ، جو ، برنج و غیره حاصلات آنجاست و چشمه های تیل خاك آن بسیار است مساحت ۳۷۰،۰۰۰ مربع کیلو متر و نفوس ۲،۸۴۹،۲۸۲ و مرکز بغداد ، دارای ۲۵۰،۰۰۰ نفوس میباشد . شاه آن فیصل بن حسین است .



شاه — فیصل بن حسین بن علی

عرب

جزیره نمائی است بجنوب غرب ایشیا ، این جزیره نمای بزرگ بجز ازعلاقهٔ یمن وعمان که هردو زرخیز میباشد عبارت است از ریگستان های بزرگ ، مراتع و صحراهای غیر مزروع در بعضی از صحاری آن نخلستان میباشد. نفوس آن ۷ملیون تخمین شده،این مملکت بچندین ریاست که همه عربی است تقسیم یافته است. سعودیهٔ عربیه ، کویت ، عمان ، اثیر ویمن ،حضرموت وچندین قبایلی دیگر . یگانه آرزوی جوانان عرب بترقی وعروج سیاسی وفکری تمام عربستان است وشاید بواسطهٔ تعاون وظفر وسائل بدست آرند .

هرگاه اتحاد چندین ریاست عرب بعمل آید البته وفاق تمامی عرب ممکن خواهدشد .

عرب سعودیه

درسابق بنام دولتین حجاز ونجد معروف بود ، دربن سال بنام الدولة العربیهالسعودیه اعلان گشته ، طرز حکومت شاهی است .

حجاز:

حجاز وطن حضرت پیغمبرما صلی الله علیه وسلم است ، مکهٔ معظمه مولد آنحضرت (ص) و مدینهٔ منوره دارالهجرت او صلی الله علیه وسلم از علاقهٔ حجاز بشمار میرود ، تجارت مهم حجاز مروارید ، قهوه و قالین است .

رقبه ۲،۶۰۰،۰۰۰ مربع کیلومتر ، نفوس ۱،۰۰۰،۰۰۰ میباشد ، جده بندر مهم آنمملکت است ، عموماً حجاج افغانی از بندر جده بشرف حج بیت الله مشرف می شوند . ینبوع بندر مدینهٔ منوره میباشد حجاز در سنه ۱۹۲۶ بحوزهٔ تصرف شاه نجد در آمد .

مرکز حکومت مکهٔ معظمه ، دارای ۸۵،۰۰۰ نفوس میباشد .



شاه – عبد العزیز ابن عبدالرحمن الفیصل السعود

نجد:

نجد جزو دیگر دولت سعودیه دروسط جزیره نمای عرب واقع است و اکثر اهالی آن بدوی اند .

خرماه ،گندم ، جو،میوه ،پوست ، روغن زرد، عباءشتر ، اسپ تازی ، خر وگوسفند ، محصولات این مملکت است ، مرکز حکومت ریاض میباشد .

حدود و نفوس نجد تا حال تعین نشده است شاه عبدالعزیز ابن عبدالرحمن الفیصل السعود میباشد .

عمان

مملکت آزاد است درجنوب مشرق جزیره نمای عرب ، تجارت خرما و ماهی گیری وملاحی شغل اهالی میباشد . شتر عمان شهرت دارد ، خرما ، حلوای مسقطی، انار، نارنج وماهی‌صادرات عمدهٔ این مملکت است . مساحهٔ آن ۲۱۲,۰۰۰ مربع کیلومتر و تعداد نفوس ۵۰۰,۰۰۰ تخمین شده است سلطان حالیه سید تیمور بن فیصل میباشد . مرکز شهر مسقط ۲۰,۰۰۰ نفوس دارد .

فرانسه

بعد از برطرفی ناپولیون سوم در۴ستمبر ۱۸۷۰ فرانسه جمهوریت خود را اعلان نمود ، و این جمهوریت بواسطهٔ قانون‌اساسی ۱۶جولائی ۱۸۷۵ تحکیم یافت ، بعد ازان در سالهای ۱۸۷۹، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ دران بعضی تعدیلات نموده شد ، که بقرار آن قوهٔ وضع قوانین مربوط به مجلس نمایندگان و سنا است و قوهٔ اجرائیه در دست رئیس جمهور و وزرا میباشد .



رئیس جمهور ـ البرت لوبرن
ALBERT LEBRUN

رئیس برای مدت ۷ سال بواسطهٔ مجلس سنا و اطاق نمایندگان به اکثریت آرا درمجلس‌مشترکه انتخاب میشود ، وظیفهٔ او اجرا آت قوانین تصویب شدهٔ هر دو مجلس بوده و از بین اعضای هر دو مجلس وزرا را تعین میکند، اما بعضی اوقات می‌تواند که وزرا را از خارج این اطاق نیز انتخاب نماید . رئیس جمهور با دول معاهدات کرده می تواند ، اما قرار داد هائیکه در مساحت فرانسه یا مستعمرات فرانسوی ذی دخل باشد باید مجلس وضع قانون آن را تصویب نماید، بدون اجازهٔ هر دو مجلس اعلان جنگ نموده نمی تواند . در هر امر علاوه بر امضای رئیس امضای یکی از وزرا حتمی است . و به تصویب مجلس سنا ، اطاق نمایندگان منحل شده می تواند .

اطاق نمایندگان برای چهار سال بواسطهٔ آرای عمومی ذکور ۲۱ ساله و بیشتر ازان، بشرطیکه عسکر نباشد وکم از کم مدت ۶ ماه در خاک فرانسه زندگانی کرده باشد، انتخاب میشود . کمترین عمر عضو اطاق نمایندگان را ۲۵ تعین نموده اند ، اعضای این مجلس ۶۱۲ نفر است :

تعداد عضو مجلس سنا ۳۱۴ نفر است ، اعضای سنا برای میعاد ۹ سال از طرف اهالیکه عمر شان چهل یا متجاوز ازچهل است انتخاب وبعد ازهر سه سال یک ثلث آن تبدیل میگردد ، شهزادگان خانواد های معزول حق شمولیت درین مجالس ندارند .

تعلیم ابتدائی مفت و جبری است، فرانس ۱۷ دارالعلوم دارد . بیمهٔ حیات، مرض وتعطیل اعضابقرار قانون فرانسه اجباریست .

سیاحت فرانسه برای مردم خیلی دلچسپی دارد و هر سال ملیونها سیاحین به فرانس بغرض سیر وتفریح می آیند. فرانس یك ربع مقدار طلای دنیارا داراست .

پاریس مرکز فرانس ۲,۸۹۱,۰۲۰ نفوس دارد .

فرانس مانند برطانیه یك دولتیست استعماری ، علاقهٔ یوروپی فرانس ۵۵۰,۹۲۶ مربع کیلومتر وسعت دارد اما مستعمرات فرانس قریباً ۱۳ ملیون مربع کیلومتر خارج یوروپ در افریقه ، آسیا ، امریکه و اوقیانوسیه واقع است ، نفوس خود فرانس ۴۱,۸۳۴,۹۲۳ و نفوس ، مجموعی کل مستعمرات تخمیناً شصت ملیون میباشد .

در فرانس هیچ امتیاز رنگ وقوم نیست،در پارلمان وکلای سیاه که از مقبوضات فرانسوی انتخاب میشوند ، با نمایندگان سفید مساویانه حق و امتیاز دارند .

مساحه ونفوس فرانس و مستملکات آن

براعظم	ملك	مساحه مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
اوروپا	فرانس وکارسیکا	۵۵۰ ۹۲۰	۴۱ ۸۳۴ ۹۲۳	جمهوری
	اندورا	۴۵۲	۵ ۲۳۱	تحت حمایه
	مجموع	۵۵۱ ۳۷۲	۴۱ ۸۴۰ ۱۵۴	
آسیا	هندفرانسوی	۵۱۰	۲۸۶ ۴۱۰	مستعمره
	انام	۱۶۰ ۰۰۰	۴ ۸۲۰ ۰۰۰	»
	کمبودیه	۱۸۰ ۰۰۰	۲ ۶۰۲ ۹۱۴	»
	کوچن چینی	۵۷ ۰۰۰	۴ ۳۹۲ ۸۸۶	»
	تانکنگ	۱۲۰ ۰۰۰	۸ ۱۸۲ ۹۶۲	»
	لاوس	۲۹۰ ۰۰۰	۱ ۰۰۰ ۰۰۰	»
	کوانگ چو	۱ ۰۰۰	۲۰۰ ۰۰۰	»
	سوریه	۱۵۵ ۰۰۰	۲ ۸۳۱ ۶۲۲	وکالت جمعیت اقوام
	مجموع	۷۶۳ ۵۱۰	۲۶ ۱۱۶ ۷۹۴	
افریقه	الجزائر	۵۷۵ ۲۹۰	۶ ۵۵۳ ۴۵۱	مستقیماً مربوط فرانسه
	تونس	۱۶۷ ۴۰۰	۲ ۱۵۹ ۷۰۸	تحت حمایه

مساحه و نفوس فرانس و مستملکات آن

براعظم	ملک	مساحه مربع کیلومتر	تعداد نفوس	طرز حکومت
	سینیگال	۱۹۰ ۰۰۰	۱ ۵۸۴ ۲۷۳	مستعمره
	صحرای اعظم	۲ ۳۹۰ ۰۰۰		»
	سودان فرانسوی	۹۹۶ ۰۰۰	۲ ۸۵۵ ۶۵۸	»
	وولته	۳۸۹ ۰۰۰	۳ ۰۰۰ ۲۴۳	»
	گنی	۲۴۰ ۰۰۰	۲ ۲۲۰ ۴۶۴	»
	ساحل عاج	۳۳۰ ۰۰۰	۱ ۸۸۶ ۱۶۶	»
	دهومی	۹۷ ۰۰۰	۱ ۰۸۰ ۴۴۷	تحت حمایه
	موری تانیا	۸۹۰ ۰۰۰	۳۲۲ ۷۳۷	مستعمره
	نائیجر	۲ ۱۷۰ ۰۰۰	۱ ۴۹۰ ۱۵۳	»
	افریقهٔ استوائی	۲ ۹۷۰ ۰۰۰	۳ ۱۲۷ ۷۰۷	»
	کیمرون	۴۵۰ ۰۰۰	۱ ۸۷۸ ۶۸۳	وکالت جمعیت اقوام
	توگو	۴۵ ۰۰۰	۷۳۰ ۰۲۷	»
	ری یونین وغیره	۷ ۹۰۰	۱۸۶ ۶۳۷	مستعمره
	مدغاسکر و مایوت	۵۸۵ ۰۰۰	۳ ۵۰۲ ۰۳۷	»
	ساحل سومال	۲۱ ۰۰۰	۸۵ ۷۷۸	»
مجموع		۱۱ ۵۱۳ ۵۹۰	۳۲ ۶۶۴ ۴۶۹	
امریکه	سان پیر وغیره	۲۵۰	۳ ۵۸۴	مستعمره
	گوادالوپ	۱ ۷۸۰	۲۴۳ ۲۹۳	»
	مارتینیک	۹۹۰	۲۳۴ ۶۹۵	»
	گیانا	۸۸ ۰۰۰	۴۷ ۳۴۱	»
مجموع		۹۱ ۰۲۰	۵۲۸ ۸۶۳	
اوقیانوسیه	نیوکیلید ونیاوغیره	۱۷ ۰۰۰	۵۱ ۸۱۶	مستعمره
	تاثیتی وغیره	۵ ۰۰۰	۳۵ ۹۰۰	»
مجموع		۲۲ ۰۰۰	۸۷ ۷۱۶	
مجموع کل		۱۳ ۱۴۱ ۴۹۰	۱۰۱ ۳۱۴ ۱۵۴	

افریقهٔ غربی فرانسوی و صحرای اعظم :

این خطهٔ بزرگ از مستعمرات فرانس و بر ۹ علاقهٔ ذیل مشتمل است :

(۱) سینگال (۲) گنی فرانسوی (۳) ساحل عاج (٤) دهومی (٥) سودان فرانسوی (٦) وولتهٔ فوقانی (۷) ماری‌تانیا (۸) نائیجر (۹) داقار، مساحهٔ مجموعی آن ۳,۷٥۰,۰۰۰ مربع کیلومتر وتعداد نفوس آن ۱۳,٥٤۱,٦۱۱ است که‌ازان‌جمله ۱۳,٥۲٦,۲۱۲ بومی‌وازجملهٔ بومیان‌تقریباً ۳,٥۰۰,۰۰۰ مسلم‌اند. ودرین خطه دین اسلام روز بروز روبه ترقی است . شغل اهالی زراعت است .میوه ، ناریال ، پنبه ، تیل ،چوب، رابر و ککو صادرات عمدهٔ این دیار است .

الجزائر :

مستعمرهٔ فرانسوی است در افریقه ، میدانها و وادیهای خیلی حاصل خیز دارد که بساحل مدیترانه قریب میباشند . من حیث معدنیات بسیار باثروت است .

زراعت پیشهٔ مهم اهالی است. از الجزایر مقدار زیاد غله و ماکولات‌بفرانس‌فرستاده میشود. یك‌حاکم اعلای فرانسوی بمعاونت دومجلس مشیران امور را اجرا مینماید .

مساحه ٥۷٥,۲۹۰ مربع کیلومتر،نفوس ٦,٥٥۳,٤٥۱ که‌ازان‌جمله ٥,٦۳۲,٦٦۳ مسلم میباشند. مرکزشهر الجزائر ۲٥۷,۱۲۲ نفوس دارد .

اندورا :

جمهوریتی است در قلب کوهستان پرینه مابین فرانس وهسپانیا که ازشش ونیم صدسال قبل تاحال‌استقلال داخلی وجمهوریت خودرا حفظ نموده است . ادارهٔ حکومت را مجلسی که‌دارای ۲٤ عضواست مینماید و اعضای این مجلس برای مدت چهار سال انتخاب میشود .

سندیك یعنی رئیس ازطرف مجلس مذکور منتخب میشود . اندورا تحت حمایهٔ مشترکهٔ رئیس جمهور فرانس واسقف هسپانوی ارگل است و مبلغ ٤٦۰ پسیتا به‌اسقف و ۹٦۰ فرانك به‌فرانس سالیانه بطور خراج تأدیه مینماید . مساحهٔ آن ٤٥۲ مربع کیلو متر ، نفوس ٥,۲۳۱ است . ارتفاع خاك آن بهیچ جا از دو هزار متر کمتر نیست .

تونس :

مملکتی‌است درشمال افریقه‌که‌تاسنه ۱۸۸۱ ع یکی از ممالك عثمانیه بود ، بعد ازان تحت‌الحمایهٔ فرانس شد. رئیس آن « بیك » لقب دارد ، ولی اختیارات حکومت بدست مامور عمومی فرانس است ، که بمعاونت هشت نفر وزرای فرانسوی و سه نفر وزرای تونسی مملکت را اداره مینماید. زراعت شغل اکثر اهالی است . غله وحبوبات و میوه وانگور وشراب و پوست وحیوانات وسنگ مرمر وماهی‌صادرات مهمهٔ تونس است . مساحه تخمیناً ۱٦۷,٤۰۰ مربع کیلومتر و نفوس ۲,٤۱۰,٦۹۲ میباشد که ازان جمله ۲,۱٥۹,۱٥۱ مسلم اند .

سوریه :

سابقاً مقبوضهٔ ترکیه بوده درسنه ۱۹۲۰ بواسطهٔ معاهدهٔ سیوریس بفرانس تعلق گرفت . فرانسه قبول نمود که درمدت سه سال باتفاق حکام بومی قانون اساسی وضع نماید ، تا مملکت ترقی کرده اهلیت استقلال پیدا نماید ، بنابران مجلس ملی برای ساختن تشکیلات اساسی تشکیل شده قانون تجویز کردند که سوریه آزاد قرار داده شود و رئیس سوریه اختیار نافذ نمودن قانون عسکری و حق بستن معاهدات باممالک خارجه داشته باشد ولی فرانس این مواد را رد نموده ، در سنه ۱۹۳۰ بقرار قانون جدیدی سوریه را درچند حصه تقسیم نمود :

(۱) جمهوریهٔ شام ـ مرکز حکومت دمشق (یا شام الشریف) رئیس آن برای پنجسال و مجلس که دارای ۶۹ عضو است برای چهار سال انتخاب میشود . رئیس جمهور حالیه جمیل بیك ایلچی . تعداد نفوس (۱,۶۹۶,۶۳۸) است .

(۲) جمهوریهٔ لبنان ـ مرکز حکومت بیروت است رئیس جمهور موسیو چارلس دباس وعدهٔ اهالی ۸۶۲,۶۱۸ میباشد .

(۳) ولایت لتاکیه است که مرکز حکومت آن شهر لتاکیه وتعداد اهالی آن ۶۷۶,۹۲۰ میباشد .

(٤) ولایت (جبل دروز) که مرکز آن السویدیه ونفوس آن ۵۱,۷۸۰ است .

مساحهٔ سوریه ۱۵۶,۰۰۰ مربع کیلومتر تخمین میشود . اکثر اهالی عربی النسل ۱,۵۱٤,۷۵۵ مسلم و ۵۰۵,٤۱۹ مسیحی وبه زراعت وفلاحت مشغول اند . لبنیات وترکاری ومیوهٔ تر وخشك ، قماش ابریشمی ونخی ، روغن زیتون عمدهٔ محصولات آنجا است ، عربی وفرانسوی زبان های رسمی است .

فنلند

فنلند از سال ۱۸۰۹ ع بطور گراند دوچی مستقل ضمیمه ایمپراطوری روسیه بود ، در سال ۱۹۱۷ اعلان استقلال تامه نمود .

حکومت آن جمهوریست و رئیس جمهور برای موعد شش سال به آرای عموم ملك انتخاب میشود .

قوهٔ مقننه بدست مجلس وکلا که دارای ۲۰۰ اعضاست میباشد و این اعضا به تناسب عدهٔ اهالی از طرف ۱۶ حوضهٔ انتخابی برای ۳ سال تعیین میشوند ، در حوضه های انتخابی بعد از هرده سال نظر به کمی و زیادی نفرس تبدلات بعمل میآید . ذکور و اناث که سن شان بالغ بر ۲٤ باشد حق رای دارند ، و فنلند اولین مملکتی است که برای طبقهٔ اناث حق رأی داده است .

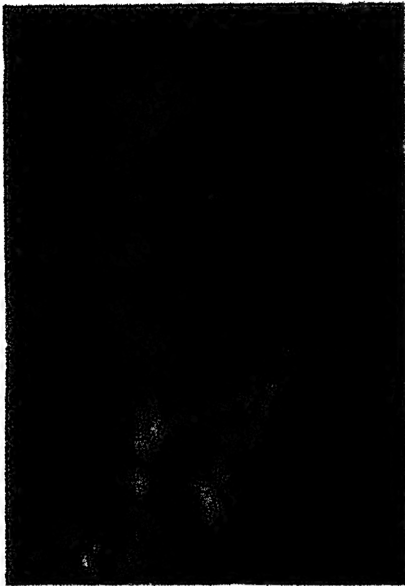
در فنلند بههشت زبان تکلم میشود امازبانهای رسمی فنلندی وسویدنی ست . تعلیم ابتدائی جبری ومجانی است ، فنلند سه یونیورستی دارد .

خدمت عسکری برای هر فرد از عمر ۱۷ الی ۵۲ جبری قرار داده شده .

زراعت وحفظ جنگل پیشهٔ مهم اهالی ست ، صنایع آن عبارت ازآلات آهنی ، منسوجات ، کاغذ سازی ، چرمگری ، ادویهٔ کیمیاوی میباشد .

مساحت ۳۹۰,۰۰۰ مربع کیلومتر ، نفوس ۳,۶۵۸,۱۲۵ نفر است . مرکز هلسنکی (هلسنگفورس) دارای ۲٤۱,۱۱۵ نفوس میباشد . در فنلند ۳۰۷ نفر مسلمان سکونت دارد .

کوسته ریکا



رئیس جمهور– گونزالیز پونگالیز ویکولز
CLETO GONZALEZ VIQUEZ

جمهوریت خوردی ایست در امریکهٔ وسطی ، تعلیم ابتدائی رایگان وجبری است ، اختیارات مقننه بدست مجلسی چیکه دارای (۴۳) اعضا است میباشد ، و اعضای این مجلس برای موعد چهار سال منتخب و نصف آن بعد از هردو سال تجدید میشود . رئیس جمهور برای چهار سال منتخب میگردد .

قهوه ، کیله ، کاکو ، از صادرات مهم آن است . منابع معدنی آن : طلا ، نقره ، زمچ ، سیمایب ، گوگرد و مس میباشد .

رقبه ۵۹,۵۷۰ مربع کیلومتر، نفوس ۴۷۱,۵۲۵ مرکز حکومت سان جوز است .

کولمبیا

دراصریکهٔ جنوبی است ، یوغ اسارت هسپانیه را درسنه ۱۸۱۹ انداخته جمهریهٔ متحده بوجود آمد ، پارلمان آن مشتمل است بر : سنا که ۵۸ عضو دارد و برای چهار سال منتخب میشود . واطاق وکلاء که ۱۳۱ نفر اعضا دارد وبرای دوسال بآرای عموم منتخب میشود ، رئیس جمهور برای چهار سال انتخاب میگردد . تعلیم ابتدائی رایگان است اما جبری نیست و خدمت عسکری برای یکنیم سال جبری است .

قهوهٔ کولمبیاخیلی اعلی است ، ازحیث معادن طلا ، زمرد ، نقره ، پلاتینم ، مس ، آهن ، سرب و ذغال سنگ باثروت است ، جنگلهای وسیع نیز دارد .

زبان اهالی مملکت هسپانوی است . مساحت ۱,۱۴۸,۴۰۰ مربع کیلومتر ، تعداد نفوس ۷,۸۵۱,۰۰۰ است . مرکز بوگوتا دارای ۲۳۵,۴۲۱ نفوس میباشد .

کیوبا

جزیره ایست درآنتیل متصل ساحل امریکه که درسنه ۱۸۹۸ بواسطهٔ معاونت ایالات متحدهٔ امریکه از اسارت هسپانیه نجات یافت ، ولی بعدازان تامدت سه سال بتصرف ایالات متحده بود وسپس جمهوریهٔ آزاد گردید .



گراردو ماچادو ای مورالیز
GERARDO MACHADO Y MORALES

رئیس جمهور کیوبا برای موعد شش سال منتخب میشود، اما دوباره حق انتخاب ندارد . مجلس سنا ۳۶ عضو دارد، که برای موعد نه سال و مجلس سفلی دارای ۱۲۶ نماینده و برای موعد شش سال انتخاب میشوند . جمله مرد وزن که عمر شان متجاوز از ۲۱ سال است حق رای دارند .

قند، تنباکو، ککاو، میوه، صادرات مهم آن است . صادرات قند آن در عالم بدرجهٔ اول وصادرات سگرت و سیگار درجهٔ دوم دارد . تعلیم ابتدائی و رشدی جبری است علاوه از مکاتب محلی ۷۰ معلم سیار برای تعلیم و تدریس مامور است .

مساحت کیوبا ۱۶۶,۰۰۰ مربع کیلو متر نفوس آن ۳,۶۳۸,۱۷۴ - مرکز حکومت (هوانه) دارای ۵۸۹,۰۷۹ نفوس میباشد .

گواتی مالا

جمهوریهٔ ایست در امریکهٔ وسطی، وقبه ۱۰۹,۷۲۴ مربع کیلومتر، نفوس ۲,۰۰۴,۹۰۰ دارد . پارلمان دارای دومجلس است: یکی مجلس ملی که اعضای آن برای موعد چهار سال انتخاب میشود ودیگری مجلس حکومتی که ۷ عضو دارد وازان جمله ۳ نفررا اهالی وباقی را رئیس جمهور انتخاب میکند. رئیس جمهور برای شش سال انتخاب میگردد. تعلیم ابتدائی مجانی وجبری وزبان مملکت هسپانوی است . هرزن ومرد حق رأی دارد، صادرات مهم آن قهوه است ـ مرکز حکومت (گو آتیمالا) نام دارد که دارای ۱۶۵,۹۲۸ نفوس است .

لائبیریا

در قرن ۱۷ و ۱۸ عیسوی حبشی ها را اوروپائیان بجبر از افریقه به امریکا برده به امریکائیان میفروختند ، و امریکائیان بالای حبشی ها کار می نمودند ، در ابتدای قرن ۱۹ امریکائیان تمام حبشی ها را از اسارت آزاد ساختند ، و جمیت های خیر خواهان بشر امریکه به بعضی از حبشی های مذکور معاونت نموده و آنها را واپس درافریقهٔ غربی فرستاده و در آنجا مقامی را که لائبیریا نام دارد آ باد نمودند ، و جمهوریت مستقل و آزاد در سال (۱۸۴۷) اعلان و تشکیل گردید که حکومت آن بطرز اضلاع متحدهٔ امریکه و رئیس آن برای چهار سال انتخاب میشود ، و پارلمان آن دو اطاق: عالی و وکلا دارد . زبان رسمی مملکت انگلیسی. رابر و پنبه و ککاو پیداوار آنجاست . مساحت ۹۵,۴۰۰ مربع کیلومتر ، نفوس ۱,۶۰۰,۰۰۰ که ازان جمله ۱۲,۰۰۰ نفر از نسل غلامان آزاد شده میباشد . و باقی بومی و عدهٔ زیاد آن مسلم اند . مونروویا مرکز لائبیریا ۱۰,۰۰۰ نفوس دارد .

لاتویا



رئیس جمهور — البرت کیوایسس
ALBERT KVIESIS

در ۱۷ نومبر سنه ۱۹۱۷ اعلان استقلال نموده و از امپراطوری روسیه مجزا گردید .

مملکت مذکور زراعتی و زمین برای زراعت از طرف حکومت به زارعین داده می شود . جایداد اشخاص ضبط شده . لاتویا از حیث کاو بها و مجالس خیلی مشهور است . تعلیم ابتدائی مفت و جبری است . بواسطهٔ تیاتر ها نیز تعلیم داده می شود ، مجلس واضع قانون آن موسوم به سائیماست که (۱۰۰) عضو دارد واین اعضا بقرار تناسب عده به آرای عموم برای سه سال منتخب میشوند ، و رئیس جمهور به کثرت آرا برای سه سال از طرف این مجالس انتخاب میگردد .

مساحت ۶۵،۷۹۰ مربع کیلومتر ونفوس ۱،۹۰۰،۰۴۵ و ریگا مرکز آن دارای ۳۷۷،۹۱۷ نفوس میباشد .

لیتوانیا



رئیس جمهور — اینتاناس سمیتونا
ANTANAS SMETONA

به فروری ۱۹۱۸ از روسیه مجزا گردیده استقلال خود را اعلان نموده جمهوریت آزاد گشت . جمله اهالی مطابق قانون حقوق مساوی دارد. هیچ خطاب و رتبه در لیتوانیا نیست . مجلس واضع قانون آن موسوم به سیماس است که اعضای آن به آرای عموم برای پنج سال و رئیس جمهور از طرف ملت برای هفت سال انتخاب میگردد . خدمت عسکری جبری است . زراعت و تربیهٔ جنگلات پیشه های مهم اهالی است، رقبه ۵۵،۶۷۰ مربع کیلومتر، نفوس ۲،۳۶۷،۰۷۲ و مرکز (کوونو) دارای ۱۱۳،۰۰۰ نفوس میباشد .

لکسیمبرگ

علاقهٔ خوردیست در اوروپا که رقبهٔ آن ۲,۶۰۰ مربع کیلومتر ، و نفوس آن ۲۹۹,۷۸۲ میباشد - تعلیم ابتدائی مفت و جبری است. پارلمان آن مرکب است از اطاق عالی که ۱۵ عضو دارد واطاق سفلی که دارای ۵٤ اعضا میباشد ، و اعضای آن به آرای عموم اهالی برای ٦ سال منتخب شده نصف آن بعد هر سه سال تجدید میگردد . در لکسمبرگ معدن آهن وذغال وجود دارد .

حکمران (گراندوچس شارلوت) است که به۹جنوری ۱۹۱۹ برتخت نشست. مرکزلکسمبرگ دارای ۵۳,۷۹۱ نفوس میباشد .



گراندوچس (رئیسه اعظمه) — شارلت
CHORLOTTE

لیختن ستائین

علاقهٔ خوردیست در وسط اوروپا که ۱۵۹ مربع کیلومتر مساحه دارد ویکی از قدیمترین خاندان یوروپی دران جا حکمرانی میکنند ، عدهٔ اهالی ۱۰,۲۱۳ تخمین شده . پارلمان آن ۱۵ اعضا دارد . زبان اهالی جرمنی وسکهٔ سویتزرلیند رائج است .سکنه آن اکثر زراعت پیشه هستند ، مواشی در این ملك بسیار خوب تربیه میشود. وادوز مرکز آن است و حکمران پرنس فرانس اول است . لیختن ستائین هیچ عسکر ندارد .

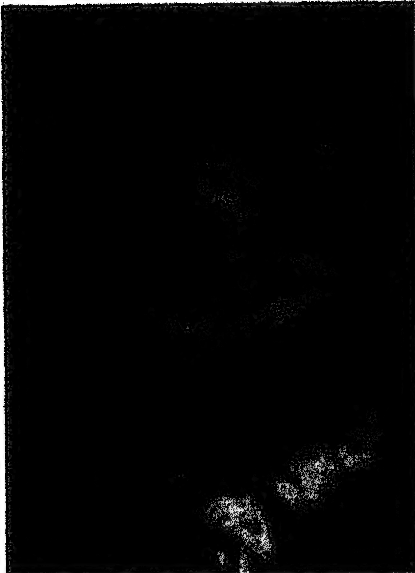
مراکش (مغرب اقصی)

برسواحل بحیرهٔ روم وبحر اوقیانوس واقع وهوای معتدل وصحت بخش دارد. (طنجه) مقام مشهورآن است. عدهٔ زیاد اهالی بومیان بربراست که در کوه هاسکونت دارند ، باقی عرب. واجداد اینهاست که اندلس را فتح کرده بودند، ساکنین اینجا بعضی زراعت میکنند وعدهٔ چادرنشین میباشند . قالین ، اسباب چرمی ، کلاه ، اسباب پشمی وابریشمی صنایع مهم مملکت است . فرانس مراودهٔ خارجهٔ سلطان مراکش را وکالت میکنند . مملکت مراکش درسه منطقه تقسیم شده است : منطقهٔ فرانسوی، منطقهٔ هسپانوی ، منطقهٔ بین المللی طنجه، مرکز فیض ۱۰۷,۸٤۳ نفوس دارد ، رقبه ۵۹۸,۶۰۰ مربع کیلو متر است :

تحت الحمایهٔ فرانس ۵۷۰,۰۰۰ مربع کیلومتر ، منطقهٔ هسپانوی ۲۸۰۰۰ مربع کیلومتر ، منطقهٔ بین المللی طنجه ۶۰۰ مربع کیلومتر. نفوس منطقهٔ فرانسوی ۵,۰۰۰,۰۰۰ منطقهٔ هسپانوی ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر، منطقهٔ طنجه ۵۳,۰۰۰ میباشد .

مصر

مصر قبل از ۱۹۱۴ جزو امپراطوری ترکیه حساب میشد ، در ۱۸ دسمبر ۱۹۱۴ حکومت برطانیه آنرا تحت الحمایهٔ خود قرار داد و به ۹ دسمبر عباس حلمی خدیو را عزل نمودند وحسین کامل که از خانوادهٔ محمدعلی پاشا بود به لقب سلطان بعوض او تعیین شد ، در ۱۹۱۷ سلطان حسین در گذشت و برادرش به سلطنت رسید، در ۲۸ فروری ۱۹۲۲ تحت الحمایگی انگلیس درمصر منسوخ شد .



شاه ــ فواد اول

فؤاد اول (احمد فواد بن خدیو اسمعیل پاشا) در ۹ اکتوبر ۱۹۱۷ بعد از برادرش به سلطنت رسید و در ۱۵ مارچ ۱۹۲۲ عنوان شاه را اختیار کرد ، بقرار قانون اساسی معاش سالانهٔ او ۱۵۰,۰۰۰ پوند مصری است . و از فامیل او ۱۱۱,۵۱۳ پوند است. ولیعهد شهزاده فرخ میباشد که در ۱۱ فروری ۱۹۲۰ تولد شده . سلطنت در خانوادهٔ محمد علی پاشا موروثی است . قرار فرمان شاهانه ۱۳ اپریل ۱۹۲۲ سلسلهٔ وراثت قرار ذیل است : بعد از شاه پسر بزرگ او ، و در صورت فوت پسر ، پسر متوفی (یعنی نواسهٔ او) سلطنت کند . شرط است که پادشاه و پدر و مادرش مذهب اسلام داشته باشند .

و اگر شاه اولاد ذکور نداشته باشد حق وراثت به برادر ها بقرار سن میرسد و اگر پسر و برادر نیز نباشد حق وراثت مربوط به کاکا است. بقرار تشکیلات (۲۲) اکتوبر ۱۹۳۰ مصر مملکت شاهئ موروثی قرار یافت که ادارهٔ حکومت آن بواسطهٔ نمایندگان ملی اجرا یابد . تمام مصری ها ازهر نژاد و مذهب به مقابل قانون حقوق مساوی دارند . تعلیم ابتدائی برای مرد و زن حتمی و رایگان است، قانون بدون تصویب پارلمان و منظوری شاه قابل اجرا نیست. انشاء قوانین مالیه مخصوص به ذات شاه است. پارلمان مصر : مشتمل بر یك سنا و یك مجلس نمایندگان بوده و سنا مشتمل بر ۱۰۰ عضو که ۶۰ نفر از طرف شاه و باقی از طرف عموم ملت برای مدت ده سال مقرر میشود و نصف اعضای پارلمان بعد از میعاد پنج سال تبدیل میشوند رئیس سنا را خود شاه انتخاب می کند، مجلس نمایندگان مشتمل بر ۱۵۰ عضو است که برای مدت ۵ سال بآرای ملت منتخب میگردد . اسلام مذهب رسمی وعربی لسان رسمی است. قاهره مرکز حکومت است. شاه درمعاملات اوقاف و مسائل مذهبی تحت شریعت اسلامی اختیارات کامل دارد و پارلمان دران حق مداخلت ندارد .

اهالی مصر ۶۲ فیصد در زراعت مشغول اند، صنایع مهم مصر دباغت « چرم گری » وسیمنت سازی میباشد صادرات مهمهٔ آن پنبه، برنج و قند است . رقبهٔ مصر ۹۹۴,۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس ۱۴,۲۱۷,۸۶۴ مرکز حکومت قاهره است .

سودان مصری برطانوي:

از عرض بلد ۲۲ شمالی از حدود مصر شروع شده طرف جنوب تا یوگندا امتداد یافته است ، مساحت سودان ۲۵۵,۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۵,۶۰۳,۸۴۸ تخمین شده است ، پیدا وار سودان صمغ عربی و عاج است ، نمك و خرما و پوست از صادرات مهم آنجاست و پنبه نیز بذر میشود .

مصر سودان را جزءلاینفك خود میداند . اما برطانیه آنرا بمصر نمیگذارد ، حاکم سودان را شاهٔ مصر بتصویب حکومت برطانیه مقرر میکند و حکمران بمعاونت مجلس اداری کار مینماید . مرکز آن خرطوم دارای ۵۰,۴۶۳ نفوس است .

مکسیکو



رئیس جمهور — اورتیز روبیو
ORTIZ RUBIO

اتحاد جماهیر است در امریکهٔ شمالی که بچند علاقه تقسیم یافته که هر علاقه آزادی داخلی ومجلس واضع قانون دارد . پارلمان متحده مرکب است از اطاق وکلاء که دارای ۱۸۵ عضو میباشد و مجلس عالی که ۵۸ عضو دارد ، تمام اعضا برای دو سال بقرار آرای عموم منتخب میشوند ، رئیس جمهور نیز بکثرت آرای عموم اهالی برای ۶ سال منتخب میشود. تعلیم ابتدائی مفت وجبری است وتعلیم مذهبی درپروگرام مکاتب رسمی نیست . در مکسیکو حکم اعدام از اول جنوری سنه ۱۹۳۰ باستثنای افراد عسکری منسوخ شده است . خدمت عسکری جبری است. هیچ جمعیت دینی درحدود این مملکت استملاك نمیتواند . زراعت و تربیهٔ مواشی پیشهٔ مهم اهالی ومملکت خیلی متمول است ، تیل خاك بفراوانی پیدا میشود،رقبه ۱,۹۸۹,۰۰۰ مربع کیلومتر، نفوس ۱۶,۴۰۴,۰۳۰ شهر مکسیکو مرکز آنست که دارای ۹۶۰,۹۰۵ نفوس میباشد .

مونا کو

علاقهٔ خوردیست بساحل مدیترانه ،کهمساحهٔ آن یکنیم مربع کیلومتر و دارای ۲۴,۹۲۷ نفوس میباشد مداخل آن از اجارهٔ قمار خانهٔ که به مونتی کارلو میباشد حاصل میگردد . قریباً ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر سالانه درمونتی کارلو برای قمار می آیند . شرکت اجارهٔ قمار خانه تخمیناً پنج ملیون افغانی سالانه برای حکومت موناکو تادیه میکند ،اهالی مملکت هیچ مالیه یامحصول بحکومت نمی دهند بلکه ازپول اجارهٔ قمار خانه تنخواه می گیرند .

ناروی

سلطنتی است در شمال اوروپا که از سنه ۱۴۵۰ الی سنه ۱۸۱۴ بادنمارك و از ان بعدتا سنه ۱۹۰۵ باسویدن متحد بود ، باتفاق طرفین این اتحاد بتاریخ ۲۶ ـ اکتوبر سنه ۱۹۰۵ لغو گردیده به آرای عموم اهالی ، شهزاده کارل پسردوم شاه دنمارك بطور شاه ناروی منتخب شده نام هاکون سابع اختیار کرد .



شاه — هاکون سابع
HAAKON VII

ناروی حکومت مشروطه دارد قوهٔ مقننه بدست مجلس ملی (ستارتنگ) که دارای ۱۵۰ عضو است میباشد واعضا برای سه سال باین شرط انتخاب میشوند که قبل از انتخاب بهسن سی رسیده و اقلاً ده سال درخاك ناروی سکونت داشته باشد. همه ذکور و اناث که عمر شان از ۲۳ سال کمتر نبوده و اقلا پنج سال در ناروی بسر برده باشند حق رأی دارند ، مجلس ملی به ابتدای دورهٔ سه سالهٔ خود در دوحصه منقسم گردیده یك ربع اعضای مجلس علیا و باقی اطاق سفلی را تشکیل میدهد . وزرا در مجلس حق حضور دارند ، اما رأی داده نمیتوانند . قوهٔ اداری و قیادت قشون وتقرر مامورین بدست شاه است. ناروی مملکت کوهستانی است واهالی آن نهایت بلندقامت وقوی البنیه و درملاحی وماهیگیری دارای مهارت تامه میباشند، زراعت ، تربیهٔ جنگل ، ماهی گیری و جهاز رانی پیشه‌های مهم شان است. تعلیم ابتدائی و خدمت نظام جبری است .

ماهی، چوب، سنگ، آهن، پوست وکاغذ محصولات عمدهٔ ناروی است. ناروی چون بسیارنزدیك قطب شمالی واقع است درتابستان دربعض حصص مملکت آفتاب هیچ غروب نمی‌شود، بنابران آنراه ملك آفتاب نیم‌شب » نامیده اند ودربهار سیاحان به‌تعداد زیاد سیر وتماشا باین دیار میروند، خلیج‌های بسیارقشنگ دارد، کلانترین ومهیبترین گرداب بحری عالم نزدیك ساحل ناروی واقع است، مساحه ۳۲۳,۶۰۰ مربع کیلومتر ، نفوس ۲,۸۰۹,۵۶۴ مرکز شهر (اوسلو) دارای ۲۴۹,۶۸۸ نفوس است ، که قبل از سنه ۱۹۲۵ بنام (کرستیانا) معروف بود .

مساحه و نفوس ناروی و مستملکات آن

بر اعظم	ملك	مساحه مربع کیلو متر	نفوس	طرز حکومت
اوروپا	ناروی	۳۲۲ ۸۱۰	۲ ۸۰۹ ۰۰٤	شاهی
	جزیرهٔ جان مئین .	۷۹۰	۱۰	
	جزیرهٔ سپتز برجن	۶۳,۱۰۰	۵۵۰	
	مجموع	۳۸۶,۷۰۰	۲,۸۰۹,۵۶٤	
بحراطلانتك	جزایر بودمی	غیر معلوم	غیرمسکون	مستعمره
	مجموع کل	۳۸۶,۷۰۰	۲,۸۰۹,۵۶٤	

نکاراگوا

جمهورتی است درامریکهٔ وسطی پارلمان آن مرکب از دواطاق است : یکی سناکه دارای ۲۴ عضواست وبرای موعد شش سال منتخب میشود و دیگر اطاق وکلا است که ۴۳ عضو دارد وبرای چهار سال انتخاب میشود ، زن ومرددرانتخاب مساویانه حق رأی دارند . رئیس جمهور برای چهار سال منتخب میشود .

این مملکت جنگل های قیمت داردارد . صادرات آن : قهوه ، قند ، چوب وکیله است . ماناگوا مرکز حکومت است . نکاراگوا ۹ دارالعلوم دارد ، رقبه ۱۵۶,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس ۷۵۰۰۰۰ میباشد .

نیپال

سلطنت آزادی است درکوه های‌همالیه، رقبه ۱۴۰,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس ۵,۶۰۰,۰۰۰ تخمین‌شده است . اهالی آن علی‌العموم هندو وبودائی میباشد . پاد شاه را مهاراج ادهیراجه مینامند ، واختیارات حقیقی ملك بدست وزیر موروثی است که مهاراجه لقب دارد. کهتمندومرکز آن ازسرحد هندوستان ۱۲۰ کیلومترمسافه دارد. نیپال از حیث معادن با ثروت است .

نیدرلاندز . (هولیند)

سلطنتی است در شمال غرب یوروپ . شراب سازی و تصفیهٔ قند صنایع مهم آن است . از حیث صنعت تراش الماس وتربیهٔ گلهامشهور است .

بموجب قانون اساسی سلطنت ارثی و حکومت مشروطه است .

پارلمان مشتمل است بردومجلس: مجلس‌اول‌دارای ۵۰ عضوبرای موعد ۶ سال‌منتخب ونصف اعضای آن بعد از هر سه سال تجدید میشود ، مجلس دوم دارای ۱۰۰ اعضاست که بآرای عموم برای چهار سال منتخب میشوند ، پاد شاه اعضای یك مجلس دولتی را که ۱۴ عضو دارد منتخب میکند ، که ازان جمله یکی صدراعظم‌میباشدودرباب‌جملهٔ معاملات‌قانونی وبعض‌امور اجرائیه ازان‌ها استشاره میشود .



ملکه — وهلمینا
WILHELMINA

خدمت‌عسکری‌قسماً جبری‌وقسماً اختیاری‌است ، هر فردمابین‌عمر ۱۹ و ۴۰ سال خدمت‌عسکری‌راانجام‌میدهد . عقاید و مذهب قانوناً آزاد ، تعلیم ازعمر ۶ الی ۱۳ جبری است .

اکثر خاك این مملکت ازسطح بحر پست تراست وبرساحل بحر سد های عریض برای جلوگیری آب تعمیر یافته است . کاغذ ولبنیات و قماش از صادرات عمدهٔ این ملك است : زراعت ، ماهی گیری وجهاز رانی پیشه های اکثر اهالی است .

رقبهٔ هالند ۳٤,۱۸٦ مربع کیلومتر، نفوس ۷,۹۲۰,۳۸۸، مرکز اداره امستردم، محل حکومت هیگ، حکمران ملکه ولهلمینه درسنه ۱۸۹۰ به عمر ده سالگی وارث تخت شده و در ۱۸۹۸ زمام حکومت را بدست گرفت.

مساحه و نفوس نیدرلاندز و مستملکات آن

براعظم	اسم ممالك	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
اوروپا	نیدرلاندز	۳٤ ۱۸۲	۷ ۹۲۰ ۳۸۸	شاهی
آسیا				
(جزایر شرق الهند)				
	جاوا و مدورا	۱۳۲ ۰۰۰	٤۱ ۷۱۹ ٥۲٤	مستعمره
	بورنیو	٥٥۰ ۰۰۰	۲ ۱۹٤ ٥۳۳	»
	سوماترا	٤۱٥ ۰۰۰	۷ ۰٦۰ ۷۹۹	»
	نیوگنی	۳۸۰ ۰۰۰	۲۱۰ ۰۰۰	»
	سیلیبیس	۱۲۰ ۰۰۰	۲ ۸۷۷ ۳۳٥	»
	ترنیت	٦۰ ۰۰۰	٤۹۲ ۹۷۳	»
	امبوئینا	٥۸ ۰۰۰	٤۰۰ ۰٥۷	»
	منادو	٥۷ ۰۰۰	۱ ۱۳۹ ۲٥۱	»
	تمور	٤٦ ۰۰۰	۱ ٦٥٦ ٦۳٦	»
	ریاولنگ	٤۲ ۰۰۰	۲۹۸ ۳۲۹	»
	بانگکا	۱۲ ۰۰۰	۲۰۳ ٤۳۳	»
	بالی و لمبوك	۱۱ ۰۰۰	۱ ۸۰۲ ۱٤٦	»
	بلیتون	٤ ۸۰۰	۷۳ ٤۰۹	»
	مجموع	۱ ۸۸۷ ۸۰۰	٦۰ ۷۳۱ ۰۲٥	
امریکه	سوری نام	۱۲۹ ۰۰۰	۱٥۳ ۲۹۱	»
	جزائر کوراکاؤ	۱ ۱۳۰	۷٦ ۲۹۹	»
	مجموع	۱۳۰ ۱۳۰	۲۲۹ ٥۹۰	
	مجموع کل	۲۰ ۰٥۲ ۱۱۲	٦۸ ۸۸۱ ۰۰۳	

جزائر شرق الهند نیدرلاندی:

مشتمل بر چهار جزیرهٔ بزرگ جاوا، سماترا، بورینو و سیلیبیس، مجمع الجزائر ملاکا، تمور، و چند جزایر خورد دیگر که همه باثروت وسر سبز است میباشد.

جزایر شرق الهند جنگلهای وسیع که دارای چوب های قابل تعمیر است دارد، قند ورابر ومصالح دیگ صادرات مهمهٔ آن است وازحیث معادن توانگر بوده وتیل خاك بسیار دارد.

۹۹ فیصد کنین دنیا، پیداوار جاوا ست. اهالی بالعموم مسلمانند. مساحت ۱,۸۸۷,۸۰۰ مربع کیلومتر، نفوس ٦۰,۷۳۱,۰۲٥ نفر است.

واتیکان



پاپ — پیوس یازدهم
PIUS XI

یك حصه است از شهر روما (پای تخت ایطالیه) که‌مقر « پاپ » اعظم پیشوای‌مذهب رومن کاتولیك میباشد.بتاریخ ۱۱ فروری ۱۹۲۹ بطور دولت مستقل شناخته شد .

امور عدلیه ،مقننه . واجرائیه بدست اسقف اعلی یعنی خود پاپ اعظم میباشد .

منطقهٔ حکمرانی پاپ « شهر واتیکان » تکت پوسته ، مسکوکات ، ریل ، رادیو ، پولیس ، عسکر ، یونیورستی از خود داشته و « پاپ » در اکثر ممالك خارجه سفرا هم از طرف خود تعیین میکند .

یك موقف ریل در سال ۱۹۳۰ در واتیکان ساخته شده است . مساحهٔ شهر واتیکان یعنی مملکت مستقلهٔ « پاپ » اعظم عبارت از ٤٤ هکتار زمین مساوی کمتر از نیم مربع کیلومتر و نفوس آن ٦٣٩ نفر میباشد این دولت مستقله بلحاظ مساحه خوردترین ممالك عالم بحساب میرود .

ونزویلا

این جماهیر متحده در امریکهٔ جنوبی واقع و از بیست ریاست های که آزادی داخلی دارند و یك ضلع مرکزی و دوعلاقه مرکب است ، مساحت آن ۹٤۲,۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس ۳,۰۲٦,۸۷۸ ، پارلمان متحده‌مرکب است: از مجلس سنا که ٤۰ عضو دارد و مجلس وکلاء که دارای ۷۷ اعضا میباشد و اعضای هر دو مجلس برای موعد سه سال انتخاب ، و رئیس برای مدت هفت سال منتخب میشود . زراعت و تربیهٔ مواشی پیشه های مهم اهالی میباشد . کاراکاس مرکز حکومت آن است .

هاندوراس

جمهوریتی است در امریکهٔ وسطی رقبهٔ آن ۱۱٥,۰۰۰ مربع کیلو متر و نفوس آن ۸٥۹,۷٦۱ میباشد از حیث معادن بسیار باثروت است ، رئیس جمهور بقرار رأی کل ملت برای موعد چهار سال تعیین می‌یابد ، پارلمان یك‌اطاق و ٤۳ عضو دارد که اعضای آن برای چهار سال انتخاب میشود، حکومت در اسلاح معاشرتی توجهٔ خصوصی دارد ، مرکز جمهوریت (تیگوسی گالپا) میباشد که ٤۰,۰٤۹ نفوس دارد .

هایتی

جمهوریهٔ خوردیست در جزایر غرب الهند امریکه که اکثر اهالی آن حبشی میباشد ، فرانسوی زبان رسمی مملکت است . در ۱۹۱۵ اغتشاشی برپا شده و عساکر ریاستهای متحدهٔ امریکه در آنجا امنیت قائم نمود وبقرار معاهدهٔ که‌درهمین‌سال باهایتی عقدشدبعضی کار های رفاهٔ عمومی تحت نگرانی افسران ریاست های‌متحده گذاشته شد . در ۱۹۳۱ مامورین ملکی امریکائی برطرف شد ولی مالیات و پولیس هنوز در دست امریکه میباشد. مساحت هایتی ۲۹,۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۲,۳۰۰,۵۰۰ میباشد .

معادن طلا و نقره و غیره دارد ولی بکار انداخته نشده . پیداوار مهم قهوه و ککو است، مرکز پورت آپرنس ، دارای ۷۹,۷۹۷ نفوس میباشد .

هسپانیه

این مملکت درجنوب غرب اوروپا واقع ودرتاریخ اسلام بنام اندلس مشهور است. در رمضان ۹۲ هـ = ۷۱۱ع، هسپانیه را طارق بن زیاد فتح نمود و تا ربیع‌الاول ۸۹۷ هـ = ۱۴۹۲ع بدست‌اسلام ومنبع علم و فضل و مرکز صنعت و حرفت بود ، در ۱۰۱۶ هـ = ۱۶۱۰ ع مسلمانان باقی مانده که تحت اسارت مسیحیین زندگانی می کردند ازین خاک بدر شدند،اما آثار اسلام در هسپانیه تا حال سیاحان عالم را بحیرت می‌اندازد .



رئیس جمهور — نی سی تو الکلا زامورا
NICETO ALCALA ZAMORA

در اپریل ۱۹۳۱ جمهوریت در هسپانیه رسماً اعلان شد .

قوهٔ مقننه بدست پارلمان است که ۴۷۰ عضو دارد و اعضای آن برای چهار سال بآرای عموم اهالی که سن شان از ۲۳ سال زیاد باشد منتخب می گردند ، رئیس جمهور را پارلمان و یك عدهٔ نمایندگان اهالی برای شش سال انتخاب می نمایند . غله ، قند ، شراب ، چوب ، سنگ ، آهن و سیماب از صادرات مهمهٔ هسپانیه است .

مساحه ۵۰۴,۵۰۰ مربع کیلومتر و نفوس ۲۳,۹۴۰,۱۵۲ مرکز شهر میدرد ، دارای ۸۳۴,۱۰۳ نفر است .

مساحه و نفوس هسپانیه و مستملکات آن

براعظم	ملك	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	طرز حکومت
اوروپا	هسپانیه	۵۰۴ ۵۰۰	۲۲ ۹٤۰ ۱۵۲	جمهوری
افریقه	رايودي اورو	۲۶۰ ۰۰۰	٤۹۵	مستعمره
	افنی	۲،۵ ۰۰	۲۰ ۰۰۰	»
	گنیۂ هسپانوی	۲۷ ۰۰۰	۱٤۰ ۰۰۰	»
	فرنندوپو، وغیره	۲ ۱۰۰	۲۳ ۸٤۶	»
	مراکش هسپانوی	۲۸ ۰۰۰	۶۰۰ ۰۰۰	»
مجموع		۲۹۹ ۶۰۰	۷۸٤ ۳٤۱	
مجموع کل		۸۰٤ ۱۰۰	۲۳ ۷۲٤ ٤۹۳	

هنگری (مجارستان)

طرز حکومت شاهی است، اگرچه شاه ندارد وظائف شاه را وکیل پادشاه انجام میدهد بتاریخ ۱۷ نومبر ۱۹۱۸ در مملکت جمهوریت اعلان شده ولی دو سال بعد به سلطنت رجوع نمودند. پارلمان مرکب است: از اطاق نمایندگان و اطاق عالی، قسمتی از اعضای آن منتخب و قسمتی مقرر میشود. زنهائیکه بزرگتر از ۳۰ سال و زنهائیکه سه اولاد داشته باشند ویا آزادانه معیشت خود را پیدا کنند وزن هائیکه تعلیم یافته اند حق رأی دارند.

حسب معاهدهٔ ورسای مساحت هنگری زیاد از هفتاد فیصد، وعدهٔ اهالی آن قریباً ۶۰ فیصد کم گردیده فعلاً مساحهٔ آن ۹۵,۵۰۰ مربع کیلومتر، نفوس ۸,۶۸۳,۷٤۰ میباشد.



نائب السلطنت — نکولاس هورتهی دی ناگی بانیا
NICHOLAS HORTHY DE NAGYBANYA

بوداپست مرکز آن یکی ازمقبول ترین شهرهای عالم است. ازاهالی ۹۰ فیصد مجارها وقریباً ۷ فیصد جرمن ها است. حس وطن دوستی در هنگری بسیار قوی است، ایام اعیاد برای ملت، شوکت گذشته را بیاد میدهد وتوسیع مجارستان عقیدهٔ شان است.

یمن

مملکتیست در عرب به ساحل شرقی بحر احمر ، مساحهٔ آن ۱۴۸,۰۰۰ مربع کیلومتر ونفوس آن تخمیناً ۳۰۰,۰۰۰ میباشد، اکثر مملکت کوهی است، زمین آن زرخیز است وزراعت پیشهٔ اکثر اهالی است ، قهوهٔ یمن بهترین قهوه هاست. گندم ، جو، جواری ، قهوه وپوست ازیمن بخارج صادرمیشود. حکومت بدست امام یحیی حمیدالدین زیدی میباشد . شیخ سبا و حاکم نجران که از فرقهٔ اسماعیلیه میباشد و بنام داعی معروف است باجگذار وی اند . مرکز آن صنعا دارای ۲۵,۰۰۰ نفوس است .

یوروگوی

خورد ترین جمهوریت درامریکهٔ جنوبی است. مساحت آن ۱۸۷,۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۹۰۳۰۸۳ مملکت زراعتی ودارای مراتع تربیهٔ مواشی است . اهالی دارای آزادی عقاید مذهبی میباشد ،تعلیم ابتدائی جبری ومجانی است ، مکاتب وشفاخانه بکثرت دارد . حکم اعدام در ۱۹۰۷ منسوخ شده است، رئیس جمهور را پارلمان برای مدت چهار سال انتخاب می کند ، پارلمان مرکب است: ازمجلس عالی که ۱۹ نفر اعضا دارد مجلس وکلا که دارای ۱۲٤ عضو میباشد. مرکز حکومت آن مانتی ویدیو میباشد.

یوگوسلاویا

سلطنت جدیدی است دربلقان که زیاده از ۹۵ فیصد اهالی آن درزراعت مصروف هستند، معادن آن عبارت است ازذغال سنگ، آهن، وسرمه .

مساحت ۲٤۸,٦٦۵ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۳,۹۳۰,۹۱۸ ، که ۹,۷۳۷,۰۰۰ نفر سلاو ، ۵۰۰,۰۰۰ نفر جرمن و ٤۹۰,۰۰۰ مجار میباشند . تعلیم ابتدائی مجانی و جبری است .

پادشاه الگزاندر اول به ۱٦ اگست سنه ۱۹۲۱ برتخت نشست ودرسال مذکور خطهٔ حکومت را منسوخ و پارلمان را موقوف نموده کابنیه تشکیل کرد که به شخص او مسئول باشد ، مرکز بلگرید است .



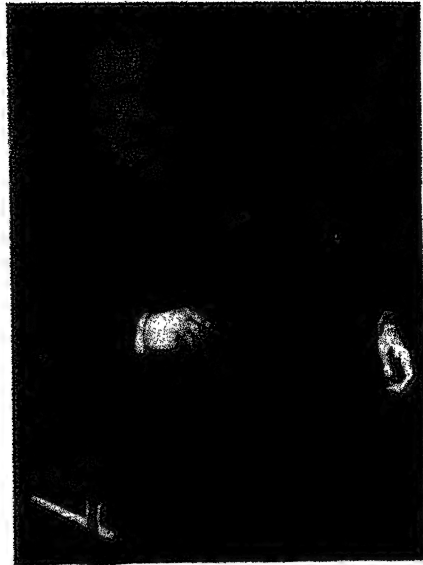
شاه — الگزاندر اول
ALEXANDER I

یونان

به ۱۳ اپریل سنه ۱۹۲٤ جمهوریت شده، پارلمان مرکب است: از سنا که دارای ۱۲۰ عضو واطاق وکلا که ۲۵۰ عضو دارد، اعضای مجلس سنا برای نه سال و اعضای اطاق وکلا برای چهار سال و رئیس جمهور برای پنج سال انتخاب میشود .

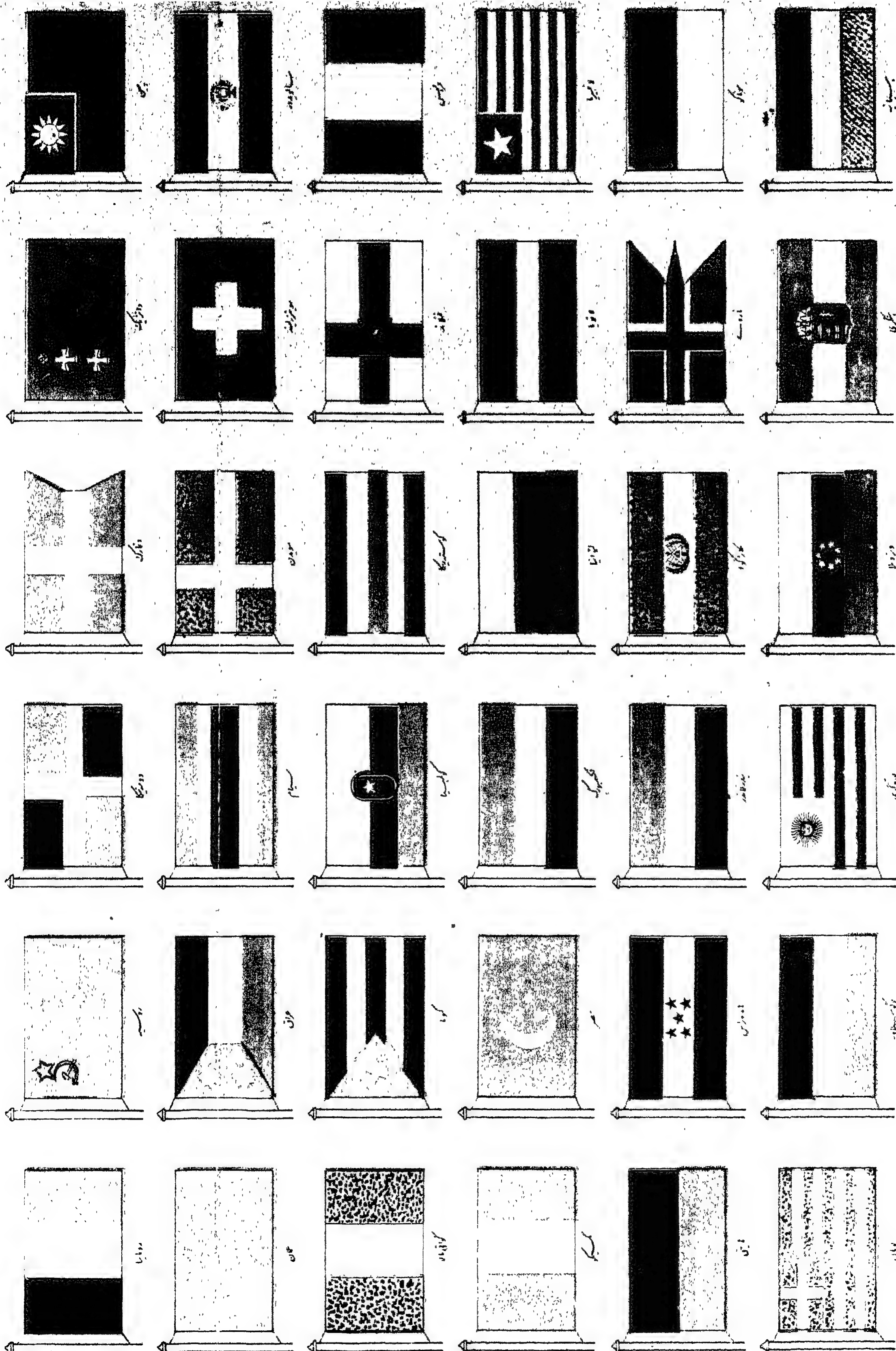
اهالی زیاده از فیصد پنجاه درزراعت مصروف میباشند . خدمت عسکری اجباری و تعلیم ابتدائی رایگان وجبری است .

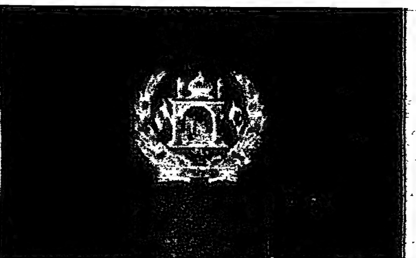
رقبه ۱۳۰,۱۹۹ مربع کیلو متر ، نفوس ٦,۲۰٤,٦۸٤ مرکز حکومت آتنه ٤٥۲,۹۱۲ نفوس دارد .

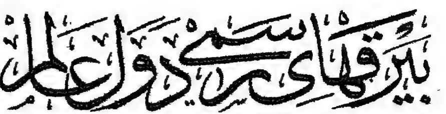


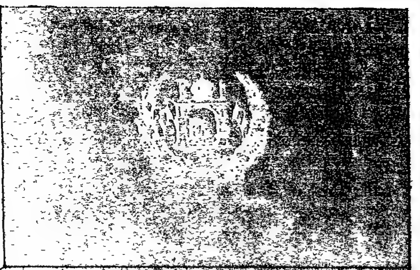
رئیس جمهور — الکزندر زایمس
ALEXANDER ZAIMIS

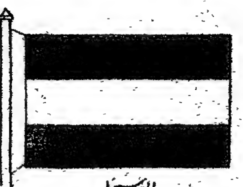


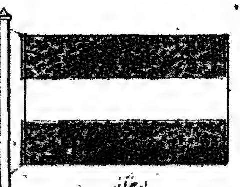


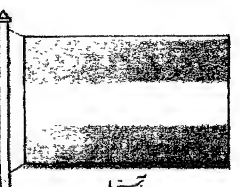

بیرق ملی افغانستان

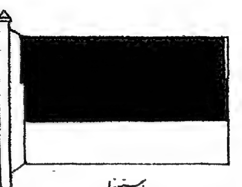


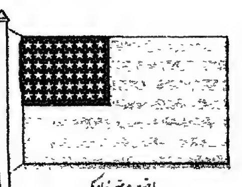

بیرق شاهی افغانستان

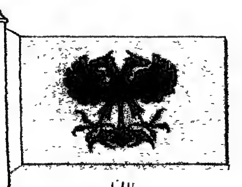

ابی سینیا


ارجنتاین


آستریا

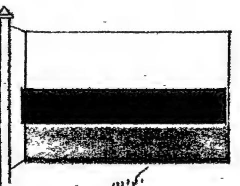

استونیا


اضلاع متحدهٔ امریکا

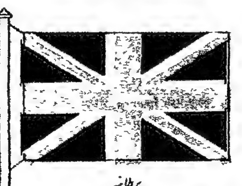

البانیا

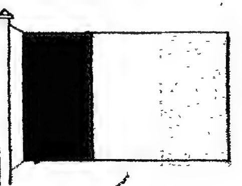

ایران

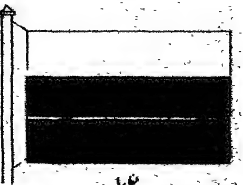

ایطالیه

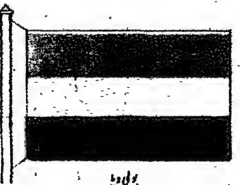

اکوادور

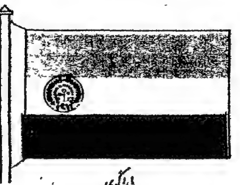

برازیل

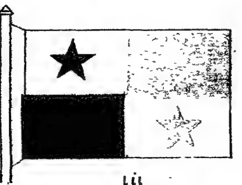

برطانیه

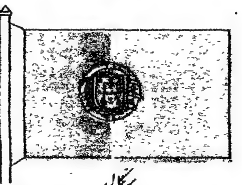

بلجیم

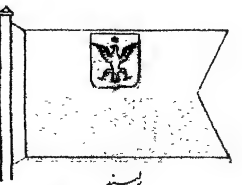

بلغاریا

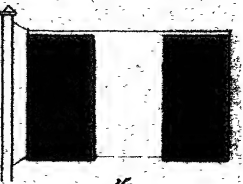

بولیویا

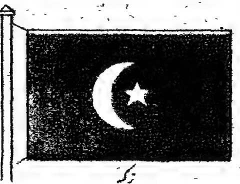

پاراگوی


پاناما

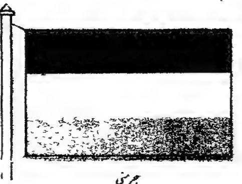

پرتگال

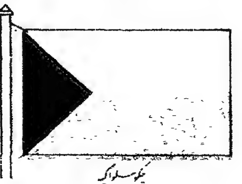

پولیند

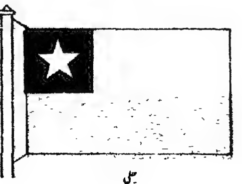

پیرو


ترکیه


جاپان


جرمنی


چکوسلواکیه


چلی

جمعیت اقوام

جمعیت اقوام مجلسی است که بموجب معاهدهٔ (ورسای) از طرف دول بتاریخ ۱۰ جنوری ۱۹۲۰ تأسیس یافته و دول شامله دران باهم تعهد کرده اند که در صورت وقوع مخاصمه بین اعضا یا بین اعضای مذکور و دولیکه عضویت جمعیت را ندارند ، دول عضو جمعیت از ۳ الی ۹ ماه صبر کنند ، تا جمعیت ثالثی از اقوام مسئله متنازع‌فیها را حل وفصل کند بعد ها اگر موضوع مذبور منصفانه انجام نمی‌یافت حق خواهند داشت که بمیل خود کار کنند وجنگ نمایند ، بموجب میثاق جمعیت‌اقوام هر دولتی که کاری منافی این عمل کند نسبت بدیگر دول خارج قانون شناخته خواهد شد و از جملهٔ حقوق که بواسطهٔ مقررات جمعیت اقوام در خصوص داخلین آن بر قرار شده محروم میگردد، ودول دیگر علایق سیاسی واقتصادی را با آندولت قطع میکنند .
اعضای جمعیت ملل‌متعهد شده اندکه تا حد ممکن از مسائل اقتصادی واجتماعی و خدمات بشری و مزدور کاری با یکدیگر معاونت نمایند .

زبان های رسمی جمعیت‌فرانسوی وانگلیسی و مقر آن شهر جینوا درمملکت سویتزرلیند انتخاب شده‌است.

دول ذیل در جمعیت اقوام عضویت‌دارند :

اسم	تاریخ شمولیت	سهم مخارج
ابی‌سینیا	۲۸ ستمبر ۱۹۲۳	۲ حصه
اتحادافریقهٔ‌جنوبی	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	۱۵ »
ارجنتائن	۱۸ جولائی ۱۹۱۹	۲۹ »
آستریا	۱۶ دسمبر ۱۹۲۰	۸ »
آسترالیا	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	۲۷ »
استونیا	۲۲ ستمبر ۱۹۲۱	۳ »
البانیه	۱۶ دسمبر ۱۹۲۰	۱ »
ایران	۲۱ نومبر ۱۹۱۹	٥ »
آیرلیند	۱۰ ستمبر ۱۹۲۳	۱۰ »
ایطالیا	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	٦۰ »
برطانیا	۱۰ جنوری »	۱۰٥ »
بلجیم	۱۰ جنوری »	۱۸ »
بلغاریه	۱٦ ستمبر »	٥ »
بولیویا	۱۰ جنوری »	٤ »
پارا گوی	۲٦ دسمبر ۱۹۱۹	۱ »
پاناما	۹ جنوری ۱۹۲۰	۱ »

اسم	تاریخ شمولیت	سهم مخارج
پرتگال	۸ اپریل ۱۹۲۰	٦ حصه
پولیند	۱۰ جنوری »	۳۲ »
پیرو	۱۰ جنوری »	۹ »
ترکیه	۱۹۳۲	
جاپان	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	٦۰ »
جرمنی	۸ ستمبر ۱۹۲٦	۷۹ »
چکوسلواکیا	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	۲۹ »
چلی	٤ نومبر ۱۹۱۹	۱٤ »
چین	۱٦ جولائی ۱۹۲۰	٤٦ »
دنمارك	۸ مارچ ۱۹۲۰	۱۲ »
دومه‌نیکا	۲۹ ستمبر ۱۹۲٤	۱ »
رومانیا	۸ اپریل ۱۹۲۰	۲۲ »
سالویدور	۱۰ مارچ ۱۹۲٤	۱ »
سویترزلند	۸ » ۱۹۲۰	۱۸ »
سویدن	۹ مارچ ۱۹۲۰	۱۸ »
سیام	۱۰ جنوری »	۹ »
عراق	۱۹۳۲	
فرانس	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	۷۹ »
فنلاند	۱٦ دسمبر »	۱۰ »
کانادا	۱۰ جنوری »	۳۵ »
کولمبیا	۱٦ فروری ۱۹۲۰	٦ »
کیوبا	۸ مارچ »	۹ »
گواتی مالا	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	۱ »
لاییبریا	۳۰ جون ۱۹۲۰	۱ »
لاتویا	۲۲ ستمبر ۱۹۲۱	۳ »
لیتوانیا	۲۲ » »	٤ »
لکسومبرگی	۱٦ دسمبر ۱۹۲۰	۱ »
مکسیکو	۱۲ ستمبر ۱۹۳۱	؟
ناروی	۵ مارچ ۱۹۲۰	۹ »
ندرلاندز	۹ مارچ »	۲۳ »
نکاراگوا	۳ نومبر »	۱ »

اسم	تاریخ شمولیت	سهم مخارج
نیوزیلاند	۱۰ جنوری ۱۹۲۰	۱۰ حصه
ونزویلا	۳ مارچ »	۵ »
هایتی	۳۰ جون »	۱ »
هاندوراس	۳ نومبر »	۱ »
هسپانیه	۱۰ جنوری »	۴۰ »
هند	۱۰جنوری »	۵٦ »
هنگری	۱۸ ستمبر ۱۹۲۲	۸ »
یوروگوی	۱۰ جنوری۱۹۲۰	۷ »
یوگوسلاویا	۱۰ فروری »	۲۰ »
یونان	۳۰ مارچ »	۷ »

وظایف جمعیت اقوام بواسطه دوائر ذیل انجام میشود:

۱ — : هیئت اداری .
۲ — : مجلس عمومی .
۳ — : دارالانشا .
٤ — : مؤسسهٔ بین المللی کار گری .
۵ — : محکمهٔ دائمی عدالت (داوری) بین المللی .

هیئت اداری :

دارای ۱٤عضو است پنج ازان: برطانیه فرانسه، ایطالیا ، جاپان، جرمنی دائمی میباشند و ۹ عضو دیگر برای سه سال انتخاب میشوند، از جملهٔ ۹ دولت منتخبه ، سه دولت در هر سال بر طرف شده و در عوض سه دولت دیگر انتخاب میگردد، اینهیئت هر سال در سومین دوشنبه ماه جنوری ودومین دو شنبه ماه مئی وقبل وبعد ازاجلاس مجلس عمومی درماه ستمبر انعقاد می یابد، اگرکدام دولتی بمجلس مذکور شمولیت نداشته باشد و مذاکرهٔ دربارهٔ آن جریان یابد نمایندهٔ آن میتواند موقتاً شامل شود، ودول خارج مجمع درموقعی که مجلس دربارهٔ آنها مذاکره نماید آنها به شمولیت دعوت میشوند .

مجلس عمومی:

مجلس عمومی به اولین دوشنبه ستمبرهر سال درجینوا افتتاح میپابد، هردولتی که درجمعیت اقوام شامل است حق دارد که یك هیئت مرکب ازسه وکیل وسه کفیل جهت نمایندگی خود بفرستند. اماهیئت هردولت فقط یك رای دارد. رئیس هر دوره را خود مجلس انتخاب مینماید . مجلس کمیته های ذیل را ترتیب میدهد که از طرف هر دولتی یك نماینده درانجا شمولیت میورزد :

۱ — : عدلیه .
۲ — : ترتیبات تخنیکی .

۳ — : خلع اسلحه (افغانستان بهکمیسیون خلع‌شمولیت کرده است) .
٤ — : بودجه ومامورین .
٥ — : مسائل اجتماعیه .
٦ — : مسائل سیاسی و قبول اعضای جدید .

دارالانشا :

جمعیت اقوام در جینوا یك دفتر مستقل دارد و رئیس آن بنام سکرتر جنرال (منشی عمومی) یاد میشود و چهارنفر معاون دارد ، مامورین این‌دفتر از تبعهٔ دولی که در مجمع عضویت دارند و اضلاع متحدهٔ امریکه اگرچه عضو مجمع نیست انتخاب میگردد .

مؤسسهٔ کار گری :

مقصد این مؤسسه اجرای عدل و انصاف است راجع به کار گران هر مملکت تامطابق قوانین اجتماعی وعدل وانصاف دربارهٔ آنها رفتار شود « زیرا ملتی که برای کاریگران خود مطابق عدل و انصاف و مروت رفتارنکنند برای ترقی حالات کاریگران در دول دیگرهم موانع پیش میکنند» : دولیکه درجمعیت‌اقوام عضویت دارند اعضای این مؤسسه بوده وسالانه مجلس تشکیل میدهند ودران مجلس امور مربوطه‌را حسب درخواست کارگران دول مختلفه ، زیر بحث می آورند و مقررات کانفرانس را به دول بطور سفارش اطلاع میدهند تا در بارهٔ کاریگران مطابق قوانین اساسی خود داخل قانون نمایند اگر دولتی سفارش را قبول نکنند مختار است . این مؤسسه دفتر علیحده دارد .

دیوان دائمی داوري بین‌المللی :

درشهر هیگ مرکز ندرلاندز دائر است ۱۵ عضو دارد که ازطرف هیئت اداری ومجلس‌عمومی جمعیت اقوام برای ۹ سال تقرر مییابند .

مؤسسات دیگر جمعیت اقوام :

علاوه برشعبات فوق جمعیت ملل مؤسسات ذیل را قائم و دائر کرده است :

۱ — دوایرتخنیکی :

الف — اقتصادی ومالی .
ب صحیه .
ج ترانزیت .

۲ — کمیسیون هاي مشورتی :

الف — کمیسیون عسا کر بری، بحری، هوائی .
ب — کمسیون تخفیف اسلحه .
ج : « قیمومیت .
و : « منع افیون .
ه : « اجتماعیات .

۳ ـ مؤسسات عرفانی بین‌المللی :

الف : مؤسسهٔ تعاون عرفانی (پاریس) .

ب : مؤسسهٔ حقوق شخصیه (روما) .

ج : مؤسسهٔ سینما های عرفانی بین‌المللی (روما) .

٤ ــ تشکیلات اداری :

الف : کمیسیون حکومت سار .

ب : حاکم اعلای دانزیگ .

جمعیت اقوام ادارهٔ قطعات وسیعی را که سابقاً تحت حکومت جرمنی و ترکیه بود سررشته میکند ازان جمله است شهر دانزیگ وعلاقهٔ سار که دراروپا واقع وازطرف کمیسیونهای بین‌المللی اداره میشود ـ باقی که‌درآسیا وافریقه و اوقیانوسیه واقع و تحت قیمومیت اعضا میباشد قرار ذیل است :

الف : ولایات سابقهٔ ترکیه .

۱ ــ عراق وفلسطین: به برطانیه تفویض یافت تا صلاحیت استقلال پیدا نماید (بموجب بین‌نامه عراق‌آزادی حاصل نموده) .

۲ ــ سوریه ولبنان: بفرانس ، تاوقتیکه قابلیت استقلال پیدا نماید .

ب : مستعمرات سابقهٔ جرمنی :

۱ ــ توگو: قسمتی به برطانیه وقسمتی به فرانسه .

۲ ــ کمرون : « » » » .

۳ ــ افریقهٔ شرقی : قسمتی به‌برطانیه و قسمتی به بلجیم .

ج : مستعمرات سابقهٔ جرمنی که برای اداره به علاقه های دول دیگر الحاق یافته :

۱ ــ جزیرهٔ ساموآ :	به نیوزیلاند .
۲ ــ جزایر نارو :	به برطانیه .
۳ ــ دیگر جزایر بحرالکاهل جنوبی :	به استرالیا .
٤ ــ جزایر بحرالکاهل شمالی :	به جاپان .
۵ ــ افریقهٔ جنوب غربی :	به‌اتحاد افریقهٔ جنوبی .

ازطرف جمعیت اقوام برای تفتیش ممالك فوق درصورت لزوم‌تهیه دیده میشود، دولیکه مستعمرات‌مذکوررا اداره مینمایند مجبور اند هر سال را پور به جمعیت اقوام بدهند .

دوائر بین‌المللی

شروع تأسیس مجالس بین‌المللی را میتوان از یك قرن پیشتر سراغ نمود،چه در ۱۸۲۳ بار اول ، مجالس علمی منعقد گردیده نمایندگان دول مختلفه دران دعوت شدند . فرانسه ، انگلستان و اضلاع متحدهٔ امریکه نیز آنرا تعقیب نموده و ازینجهة تأسیس و دوام چنین مجالس را ضرور دیدند . و مجالس بین‌المللی رسمی و غیر رسمی برای مسائل زراعت ، تجارت ، و صنعت ، و سایل نقلیات و مخابرات ، عمله ، طب ، حفظ الصحه اقتصادیات ، مالیه ، حقوق و اداره ، فن ، علوم ، مذهب، اخلاقیات، سپورت ، سیاحت، لسان ، خلع اسلحه و غیره در جاهای مناسب تأسیس شد .

در ۱۹۰۹ ازین قبیل مجالس بعدهٔ سه صد و در نومبر ۱۹۱۲ تعداد آن به ۵۱۰ رسید، اما جنگ عمومی باین مجالس صدمهٔ بزرگ رسانیده عدهٔ زیاد آن سقوط نمود ، و بعد از جنگ عمومی جمعیت اقوام (لیك آف نیشنز) مرکز مجالس بین‌المللی مقرر گردید .

اما بعد ازاین، مجالسی که مربوط به جمعیت اقوام است درسال ۱۹۲۶ صرف ۴۰۰ بوده که ازان ۱۵۷ بعد ازجنگ عمومی و ۸ دراثنای جنگ نو تأسیس گردیده، یعنی ازمجالس سال ۱۹۱۲ تنها ۲۳۴ باقیمانده.

تقسیم جغرافیائی چنین مجالس خالی از دلچسپی نیست :

سویتزرلیند :	۸۳	نِدرلاندز :	۴۰	آستریا :	۶
فرانسه :	۷۴	اضلاع متحدهٔ امریکه :	۲۲	دنمارك :	۶
برطانیه :	۶۳	جرمنی :	۱۹	سویدن :	۴
بلجیم :	۶۰	ایطالیه :	۸	ممالك دیگر :	۱۵

دوائر بین‌المللی که بقرار مواد عهد نامه هاي دول تأسیس یافته قرار ذیل است :

اسامی	سال تأسیس	موقع
هیئت مشوره برای حفاظت مناظر طبیعی	۱۹۱۳	باسل
ادارهٔ مرکزی بین‌المللی برای تجارت مشروبات غیرمشروع درافریقه	۱۹۱۹	برسلز
ادارهٔ مرکزی برای نقلیهٔ راه آهن بین‌المللی	۱۸۹۳	برن
ادارهٔ بین‌المللی برای نشر محصولات گمرکی	۱۸۹۰	برسلز
ادارهٔ بین‌المللی احصائیهٔ تجارتی	۱۹۱۳	برسلز
« « اتحاد پوستهٔ امریکائی	۱۹۱۲	مونت ویدیو
« « « تلگرافی	۱۸۶۸	برن
« « « پوستهٔ عمومی	۱۸۷۴	برن
« « « اوزان و مقیاسات	۱۸۷۵	پاریس
« « « امریکهٔ وسطی	۱۹۰۸	گواتی مالا
هیئت بین‌المللی برای هوا پیمائی	۱۹۱۲	پاریس

اسامی	سال تأسیس	موقع
هیئت بین‌المللی برای نظر ثانی تسمیهٔ نوزولوژی	۱۹۰۰	مرکز معین ندارد
مجلس بین‌المللی برای تشویق تعدیل فنی راه آهن	۱۸۸۲	برن
« « برای مطالعهٔ ابپی زوایتیك	۱۹۲۰	پاریس
دائرهٔ تبادلهٔ بین‌الملل	۱۸۸۶	برسلز
ادارهٔ بین‌المللی مائیات	۱۹۱۹	موناکو
« « زراعت	۱۹۰۵	روما
کمسیون « محبوس خانها	۱۸۸۰	گروتن‌گن
ادارهٔ صحیهٔ بین‌المللی	۱۹۰۷	پاریس
ادارهٔ اتحاد بین‌المللی امریکائی برای حفاظت علامات تجارتی	۱۹۱۷	راهاوانی
محکمهٔ داوری بین المللی	۱۸۹۹	هیگ
ادارهٔ متحدهٔ بین‌المللی برای حفاظت حق طبع وایجاد و اختراع	۱۸۸۵	برن

دوائر ذیل غیر رسمی است اما اهمیت مخصوصی دارد :

اتحاد بین‌المللی تجارت ، (امستردم) .

انجمن بین‌المللی مزدوری وامور اجتماعی (زیوریچ) .

مجلس کامونستی بین‌المللی، (ماسکو) .

اتحادپارلمانی، (جینوا) .

محفل امن‌بین‌المللی، (جینوا).

مجلس بین‌المللی امن و آزادی ، (برن) .

انجمن بین‌المللی صلح (ویانا) .

انجمن بین‌المللی مخالفین حرب، (لندن) .

انجمن بین‌المللی زنها برای امن و حریت .

مجلس بین‌المللی دهاقین وزارعین، (ماسکو) .

انجمن اتحاد بین‌المللی نامه نگاران ، (پاریس).

انجمن اتحاد بین‌المللی ملازمین ملکی ، (هیگ) .

اطاق بین‌المللی تعلیم ، (جینوا) .

دارالعلوم بین‌المللی موسوم (به وشوابهارتی ، موسسهٔ تیگور شاعر (دهون پور ،) .

مکتب عالی بین‌المللی عوام ، (السینور) .

انجمن ملازمت طلاب، (جینوا) .

انجمن اتحاد طلاب ،(جینوا).

مکتب مطالعهٔ حقوق بین‌المللی، (جینوا) .

اطاق بین‌المللی برای فلمهای تعلیمی ، (باسل) .

مجلس بین المللی زنها ، (لندن) .

انجمن اتحاد بین‌المللی زنها برای مساوات حقوق‌مدنی ، (لندن) .

انجمن اتحاد بین‌المللی داراعوام زنها ، (لندن) .

انجمن بین‌المللی برای تعلیم اخلاقی ، (پاریس) .

مجلس بین‌المللی برای حفاظت بومیان وطن ، (جینوا) .

مجلس عالم برای اصلاح صنفی (برلن) .

مجلس بین‌المللی برای مفاهمهٔ اقتصادی ، (جینوا) .

مجلس بین‌المللی کفایت شعاری ، (میلان) .

انجمن بین‌المللی‌برای ترقی آزادی تجارت ، (لندن) .

انجمن بین‌المللی فن زراعت ، (هالیند) .

اطاق بین‌المللی تجارت .

انجمن عالم برای تعلیم بالغها ، (لندن) .

کانفرانس زنهای ایشیائی (مجلس اول در لاهور در سنه ۱۹۳۰ منعقد شده بود)

اکادمی سویدن : (ستاك هالم) هر سال جائزه نوبل میدهد .

موتمر اسلامی ، (یورشلیم ، بیت المقدس) .

انجمن مصالحت عیسوی بین‌المللی ، (لندن) .

اتحاد زنهای‌عالم برای وفاق بین‌المللی ، (جینوا) .

مجلس امریکائی برای منع حرب ، (شکاگو) .

اتحاد بین‌المللی تنظیم رادیو ، (جینوا) .

مجلس بین‌المللی علم هیئت ، (کیمبرج).

انجمن اتحاد مؤلفین و مصنفین ، (پاریس) .

مجلس تحقیق بین‌المللی ، (برسلز) .

مجلس خلاف امپریالیزم وبرای آزادی قومی ، (پیرس) .

کلوب بین المللی .

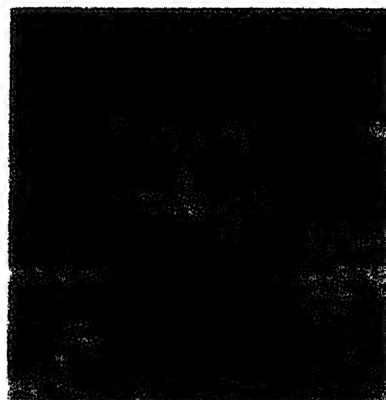
انجمن اتحاد بحرالکاهل ، (هونولولو ، در جزائر هاوائی) .

انجمن اتحاد افریقه ، (نیویارك) .

اتحاد معلمین عالم ، (اتاوا) .

اتحاد بین‌المللی تعلیم جدید ، (واشنگتن) .

(از جملهٔ هوابازان جوانیکه در راه وظیفه فدا شده اند)



غیرتمند خواجه محسن خان پلوت کامیاب افغانی



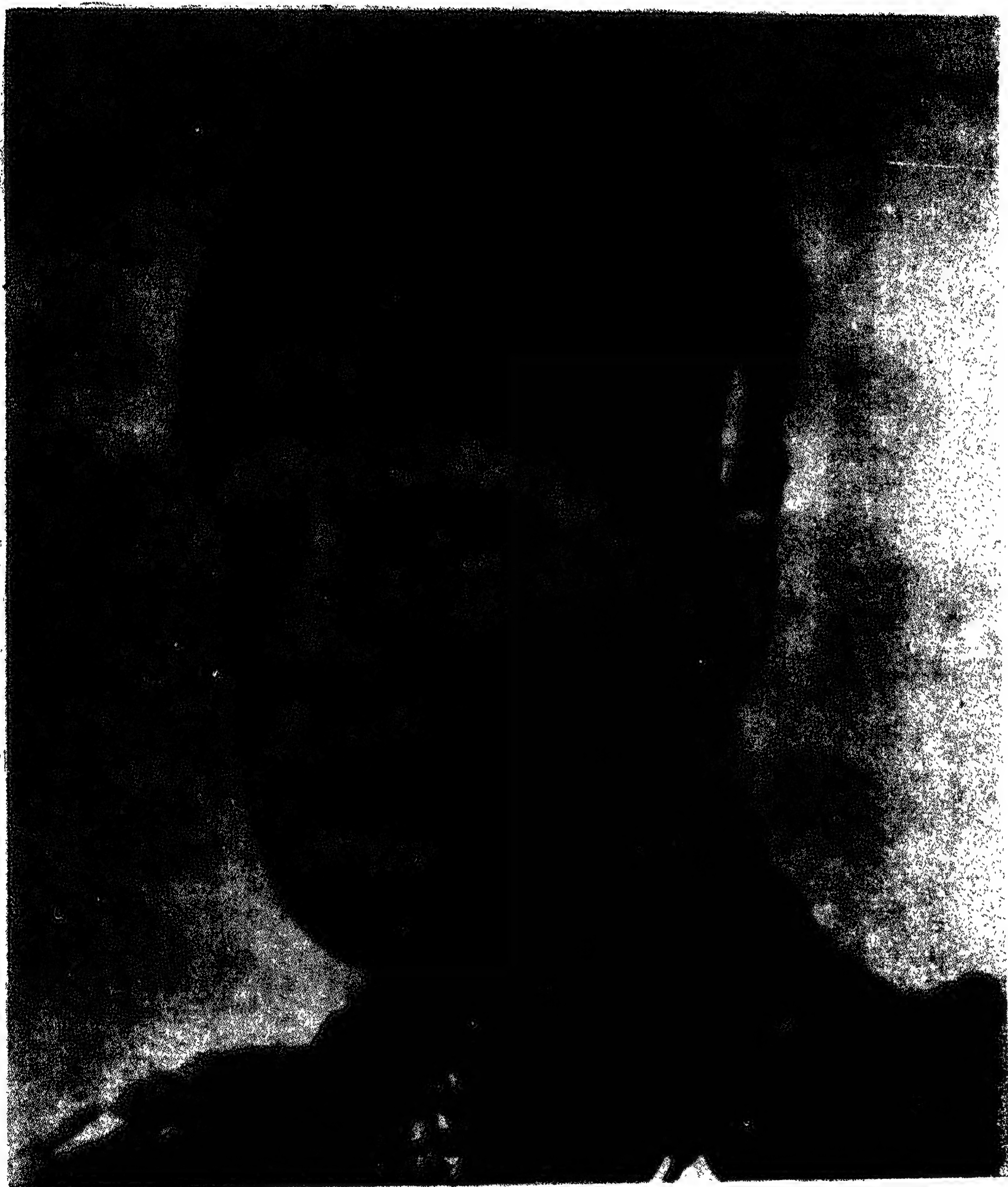
غیرتمند شاه جهان خان پلوت کامیاب افغانی



عبدالقدس خان مرحوم متعلم هوابازی که در سال گذشته پدرود حیات نموده



محمد غوث خان متعلم هوابازی که در سال گذشته مرحوم شده است



قاید بزرگ فاشستی در روما جناب موسولینی که در سال ۱۹۲۲ زمام مملکت ایطالیا را بکف مقتدر خود گرفته
و تاحال با نهایت کفایت و لیاقت ابراز خدمات خوبی بوطن خود نموده است
ترقیات و پیشرفت های کنونی مملکت ایطالیا مرهون لیاقت و کاردانی این شخص بزرگ میباشد .

حکمرانان دنیا

اسم مملکت	عنوان حکمران	اسم حکمران	تاریخ تولد	تاریخ جلوس
افغانستان	شاه	اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی	۹ اپریل ۱۸۸۳	۱۶ اکتوبر ۱۹۲۹
ابی سینیا	امپراطور	هیلی سلاسی اول	۱۷ جولائی ۱۸۹۱	۳ اپریل ۱۹۳۰
ارجنتائن	رئیس جمهور	دون آگوستین جستو		۱۶ فروری ۱۹۳۲
آستریا	»	ویلهلم میکلاس	۱۵ اکتوبر ۱۸۷۲	۵ دسمبر ۱۹۲۸ ۱۹ اکتوبر ۱۹۳۱
استونیا	»	تی مانت		۲۱ فروری ۱۹۳۲
اضلاع متحدهٔ امریکه	»	فرنکلن دی روز ونت		٤ مارچ ۱۹۳۳
البانیا	شاه	زوغو اول	۸ اکتوبر ۱۸۹۵	یکم ستمبر ۱۹۲۸
آیسلیند	»	کرستیان دهم شاه دنمارك	۲۶ ستمبر ۱۸۷۰	۱٤ می ۱۹۱۲
ایران	شهنشاه	رضاشاه پهلوی		۱۳ دسمبر ۱۹۲۵
ایطالیه	شاه	ویتوریو ایمانویل سوم	۱۱ نومبر ۱۸۶۹	۲۹ جولائی ۱۹۰۰
ایکوادور	رئیس جمهور	نپ تالی بونی فاز		اول ستمبر ۱۹۳۳
برازیل	رئیس جمهور	گیتولیو وار گاس		۳ نومبر ۱۹۳۰
برطانیه	شاه و امپراطور	جارج پنجم	۳ جون ۱۸۶۵	۶ مئی ۱۹۱۰
بلجیم	شاه	البرت	۸ اپریل ۱۸۷۵	۱۷ دسمبر ۱۹۰۹
بلغاریا	زار	بورس ثالث	۳۰ جنوری ۱۸۹٤	۳ اکتوبر ۱۹۱۸
بوتان	مهاراجه	جیك می وانگ چوت		۲۱ اگست ۱۹۲۶
بولیویا	رئیس جمهور	دانیال ساله مانکا		۱۰ مارچ ۱۹۳۱
پاراگوی	»	ایمی لیانو گونزالیز ناویرو		۲۵ اکتوبر ۱۹۳۱
پاناما	»	ریکاردو الفارو		۱۵ جنوری ۱۹۳۱
پرتگال	»	انتونیو اوسکر دی فرا گوسو کارمونا		۲۵ مارچ ۱۹۲۸
پولیند	»	اگناسی موسکی کی	اول دسمبر ۱۸۶۷	۱ جون ۱۹۲۶
پیرو	»	لوئیس ایم سانچز کرو		۱۱ اکتوبر ۱۹۳۱

اسم مملکت	عنوان حکمران	اسم حکمران	تاریخ تولد	تاریخ جلوس
تبت	دلائی لاما			
ترکیه	رئیس جمهور	غازی مصطفی کمال پاشا	۱۸۸۱	۲۹ اکتوبر ۱۹۲۳ ۱ نومبر ۱۰۲۷ ٤ مئی ۱۹۳۱
تونس	بیگ (تحت حمایه)	سیدی احمد بی	۱۸٦۲	۱۰ جولائی ۱۹۱۹
جاپان	امپراطور	هیرو هیتو	۲۹ اپریل ۱۹۰۱	۲۵ دسمبر ۱۹۲٦
جرمنی	رئیس جمهور	پال فون هندن برگ	اول اکتوبر ۱۸٤۷	۱۲ مئی ۱۹۲۵ ۱۰ اپریل ۱۹۳۲
چکوسلواکیا	»	توماس گارتی گوما ساریك	۱۸۵۰	۲۸ مئی ۱۹۲۰ ۲۷ مئی ۱۹۲۷
چلی	»	یوان استیبان مون تیرو		٤ دسمبر ۱۹۳۱
چین	»	این سین		۲۷ دسمبر ۱۹۳۱
حجاز و نجد (عرب سعودیه)	ملك	عبدالعزیز ابن عبدالرحمن الفیصل السعود		۸ جنوری ۱۹۲٦
دانزیگ	مأمور عالی	کونت مان گراوینا		۲۲ ستمبر ۱۹۲۸
دنمارك	شاه	کرسچن دهم	۲٦ ستمبر ۱۸۷۰	۱٤ مئی ۱۹۱۲
دومه‌نیکا	رئیس جمهور	رفائیل لیونی داس تروجیلو مولینا		۱٦ اگست ۱۹۳۰
رومانیا	شاه	کارول دوم	۱٦ اکتوبر ۱۸۹۳	۷ جون ۱۹۳۰
روسیه	رئیس جمهور	کالینین		
زنجبار	سلطان (تحت حمایه)	سید خلیفه بن هارب	۱۸۷۹	۹ دسمبر ۱۹۱۱
سالویدور	رئیس جمهور	ماکسی میلیا نومارتی نز		٤ دسمبر ۱۹۳۱
سان مارینو	کپتان	دو رئیس برای معیاد شش ماه مقرر میگردند		
سویدن	شاه	گستاف پنجم	۱٦ جون ۱۸۵۸	۸ دسمبر ۱۹۰۷
سوترزلیند	رئیس جمهور	گیوسیپ موتا	(برای یکسال)	۱۹۳۲
سیام	شاه	پراج آدی پوك	۸ نومبر ۱۸۹۳	۲٦ نومبر ۱۹۲۵

اسم مملکت	عنوان حکمران	اسم حکمران	تاریخ تولد	تاریخ جلوس
عراق	ملك	فیصل بن حسین	۱۸۸۷	۲۳ اگست ۱۹۲۱
عمان	سلطان وامام	تیمور بن فیصل	۱۸۸۶	۱۵ اکتوبر ۱۹۱۳
فرانسه	رئیس جمهور	البرت لوبرن		می ۱۹۳۲
فن لیند	رئیس جمهور	دکتور پہرای وبند سوین هوف وود	۱۸۶۱	۱۶ فروری ۱۹۳۱
کوستوریکا	»	دون کیلتو گونزالیزویکوئیز		۸ مئی ۱۹۲۸
کولومبیا	»	انریك اولایا هریرا		۷ اگست ۱۹۳۰
کویت	شیخ (تحت حمایه)	احمد ابن جابر الصباح	۱۸۸۵	۲۳ فروری ۱۹۲۱
کیوبا	رئیس جمهور	گرار دو ماچادو ای موریلیس		۲۰ مئی ۱۹۲۹
گواتی مالا	»	جارج اوبی کو		۱۴ فروری ۱۹۳۱
لاییبریا	»	ادون بارکلی		۱۹۳۲
لاتویا	»	البرت کوائی سس		۹ اپریل ۱۹۳۰
لتوانیا	»	انتاناس سمیتونا		۱۹۳۲
لوکسمبرگ	گراند دوچس	شارلوت	۲۳ جنوری ۱۸۹۶	۹ جنوری ۱۹۱۹
لیخ تن ستاین	پرنس	فرانسس اول	۲۸ اگست ۱۸۵۳	۱۱ فروری ۱۹۲۹
مراکش	سلطان	سیدی محمد بن مولائی یوسف		۱۸ نومبر ۱۹۲۷
مصر	شاه	احمد فواد اول	۲۶ مارچ ۱۸۶۸	۹ اکتوبر ۱۹۱۷
مکسیکو	رئیس جمهور	پاسکوآل اورتز روبیو		۵ فروری ۱۹۳۰
موناکو	پرنس	لوئی دوم	۱۲ جولائی ۱۸۷۰	۲۶ جون ۱۹۲۲
منچوریا (منچوکو)	رئیس جمهور (چیه چنك)	هنری پو		۹ مارچ ۱۹۳۲
منگولیا	بوگدوخان			
ناروی	شاه	هاکون هفتم	۳ اگست ۱۸۷۲	۱۸ نومبر ۱۹۰۵
نکاراگوا	رئیس جمهور	دون جوزی ماریہ مونکادا		اول جنوری ۱۹۲۹
نیپال	مهاراجه ایدرج	تری بہوبن بیر بکرم جنگ بہادر شاه بہادر شمشیر جنگ	۳۰ جون ۱۹۰۶	۱۱ دسمبر ۱۹۱۱

اسم مملکت	عنوان حکمران	اسم حکمران	تاریخ تولد	تاریخ جلوس
ندر لیند	ملکه	ولیهلمیناهیلنیا پالین ماریا	۳۱ اگست ۱۸۸۰	۲۳ نومبر ۱۸۹۰
واتیکان	پاپ	پائیس یازد هم	۳۱ مئی ۱۸۵۷	۶ فروری ۱۹۲۲
وینزویلا	رئیس جمهور	یوان وین‌سینت گومیز		۱۹ جون ۱۹۳۱
هایتی	رئیس جمهور	ستینیو وین‌سینت		۱۸ نومبر ۱۹۳۰
هندوراس	«	وین‌سنت میجیا کولیندریس		اول فروری ۱۹۲۹
هسپانیه	«	نسی‌توالکاله‌زاموراای‌توراریس	۶ جولائی ۱۸۷۷	۱۰ دسمبر ۱۹۳۱
هنگری	وکیل‌شاه	نکولاس‌هورتی‌دوناگی بانیا		اول مارچ ۱۹۲۰
یمن	امام	امام‌یحیی زیدی		
یوروگوی	رئیس جمهور	گبرائیل‌تیرا		۱ مارچ ۱۹۳۱
یوگوسلاویا	شاه	الگزاندر اول	۱۷ دسمبر ۱۸۸۸	۱۶ اگست ۱۹۲۱
یونان	رئیس جمهور	الگزاندرزائی‌مس		۱۴ دسمبر ۱۹۲۹



بعضی از حکمرانان ریاستهای هند

اسم ریاست	عنوان حکمران	اسم حکمران	سال تولد	سال جلوس
الور	مهاراجا	جی سنگه	۱۸۸۲	۱۸۹۲
اندور	مهاراج ادی راجا	یشونت راو هولکر	۱۹۰۸	۱۹۲۶
اودیپور	مهارانا	بهوپال سنگه	۱۸۸٤	۱۹۳۰
اورچا	مهاراجا	ویر سنگه	؟	۱۹۳۰
ایدر	مهاراجه	همت سنگه دولت سنگه	۱۸۹۹	۱۹۳۱
بانسواره	مهاراول	پرتهی سنگه	۱۸۸۸	۱۹۱٤
برووده	مهاراجه	سیاجی راؤ گیکوار	۱۸۶۳	۱۸۷۵
بستار	رانی	پروفلا کماری دیو	؟	؟
بنارس	مهاراجه	آدتیا ناراین سنگه	۱۸۷٤	۱۹۳۱
بنگاناپال	نواب	میرعلی فضلی علی خان	؟	؟
بوندی	مهاراؤ	ایشوری سنگه	۱۸۹۳	۱۹۲۷
بهاوانگر	مهاراجا	کرشنا کمار سنگه	؟	۱۹۱۹
بهاول پور	نواب	صادق محمد خان عباسی	۱۹۰٤	۱۹۰۷
بهرت پور	مهاراجه	برجندر سنگه	۱۹۱۸	۱۹۲۹
بهوپال	نواب	حاجی حمیدالله خان	؟	؟
بیکانیر	مهاراج ادی راجا	گنگا سنگه	۱۸۸۰	۱۸۸۷
پالن پور	نواب	مهاخان طالع محمد خان	؟	؟
پتیاله	مهاراجه	بهوپندر سنگه	۱۸۹۱	۱۹۰۰
پدوکوتای	راجا	راجا گوپاتودی مال	؟	؟
پرتاب گره	مهاراوت	رام سنگه	۱۹۰۸	۱۹۲۹
تراونکور	مهاراجه	راما ورما	۱۹۱۲	۱۹۲٤
تری پوره	»	مانکیا بیر بکرم سنگه	۱۹۰۸	۱۹۲۳
تونك	نواب	حافظ محمد سعادت علیخان	؟	۱۹۳۰
تهری	راجه	نرندرا سنگه	۱۸۹۸	۱۹۱۳
جهالاوار	مهاراج رانا	راجندر سنگه	۱۹۰۰	۱۹۲۹
جاورا	نواب	محمد افتخار علیخان	۱۸۸۳	؟

اسم ریاست	عنوان حکمران	اسم حکمران	سال تولد	سال جلوس
جنجیره	نواب	سیدی محمد خان	۱۹۱٤	۱۹۲۲
جوده پور	مهاراج ادی راجا	امید سنگه	۱۹۰۳	۱۹۱۸
جوناگده	نواب	مهابت خان ثالث	۱۹۰۰	۱۹۱۱
جیپور	مهاراج آادی راجا	مان سنگه	۱۹۱۱	۱۹۲۲
جیسلمیر	مهاراول	جواهر سنگه	؟	؟
جیند	مهاراجه	رنبیر سنگه	۱۸۷۹	۱۸۸۷
چترال	مهتر	شجاع الملك	؟	؟
چمبه	راجه	رام سنگه	۱۸۹۰	۱۹۱۹
حیدرآباد دکن	نظام	عثمان علی خان	۱۸۸۳	۱۹۱۱
خیرپور	میر	علی نواز خان طالپور	۱۸۸٤	۱۹۲۱
دتیا	مهاراجا	گوبند سنها	۱۸۸٦	۱۹۰۷
درنگدرا	»	گنیشام سنگه	؟	؟
دنگرپور	مهاراول	لکشمن سنگه	۱۹۰۸	۱۹۱۸
دهار	مهاراجا	انند راو	؟	۱۹۲٦
دهولپور	مهاراج رانا	اودی بان سنگه	۱۸۹۳	۱۹۱۱
رادن پور	نواب	جلال الدین	؟	؟
رام پور	»	سید محمد رضا علیخان	۱۹۰٦	۱۹۳۰
رتلام	مهاراجه	سجن سنگه	۱۸۸۰	۱۹۹۸
ریوا	»	گلاب سنگه	۱۹۰۳	۱۹۱۸
ساچین	نواب	سیدی محمد حیدر محمد یعقوب خان	؟	؟
سرمور	مهاراجه	امر پرکاش	۱۸۸۸	۱۹۱۱
سروهی	مهاراؤ	سروپ رام سنگه	؟	؟
سکم	مهراجه	تاشی نامیگال	۱۸۹۳	۱۹۱٤
ساوانور	نواب	عبدالمجید خان	؟	؟
فریدکوت	راجه	هراندر سنگه	۱۹۱۵	۱۹۱۹
قلات	بیگلر بیگی	میر اعظم جان	؟	۱۹۳۲
کارولی	مهاراجا	بهوم پال دیو	؟	۱۹۳۱

اسم ریاست	عنوان حکمران	اسم حکمران	سال تولد	سال جلوس
کپورتهله	مهاراجه	جگجیت سنگه	۱۸۷۲	۱۸۷۷
کچه	مهاراو	خنگرجی	۱۸٦٦	۱۸۷٦
کشمیر وجمون	مهاراج ادیراجه	هری سنگه	۱۸۹۵	۱۹۲۵
کش گده	مهاراجا	یگ نارائن سنگه	۱۸۹٦	۱۹۲٦
کمبی	نواب	میرزا حسین یاور خان		۱۹۱۵
کوته	مهاراؤ	امید سنگه	۱۸۷۳	۱۸۹٦
کوچ بهار	مهاراجه	جگدپندرانارائن بهوپ	۱۹۱۵	۱۹۲۲
کوچین	»	راما ورما	۱۸۵۸	۱۹۱٤
کولها پور	»	راجا رام چهترتاپتی	۱۸۹۷	۱۹۲۲
گوالیار	»	جارج جواجی راؤسندیا	۱۹۱٦	۱۹۲٤
گوندل	مهاراجا	بهگوت سنگه	؟	؟
لس بیلا	جام	میرغلام محمد خان	۱۸۹۵	۱۹۲۱
مانی پور	مهاراجه	چوراچند سنگه	۱۸۸۵	۱۸۹۱
مالیر کوتله	نواب	احمد علیخان	۱۸۸۱	۱۹۰۸
مندی	راجه	جوگندر سنگه		۱۹۲۵
میسور	مهاراجه	کرشنا راجا وادیار	۱۸۸٤	۱۸۹۵
نابه	مهاراجه	پرتپ سنگه ملوندرا	۱۹۱۹	۱۹۲۸
نوانگر	جام	رنجیت سنگه	۱۸۷۲	۱۹۱۷



تعداد مسلمانان عالم

آسیا

کشور	تعداد
افغانستان	١١ ٥٠٠ ٠٠٠
ایران	٩ ٢٠٠ ٠٠٠
ترکیه	١٣ ٢٧٠ ٠٠٠
چین	٥٠ ٠٠٠ ٠٠٠
عراق	٢ ٦٤١ ٠٠٠
عرب	٧ ٠٠٠ ٠٠٠
بحرین	١٢٠ ٠٠٠
سیلون	٣٠٣ ٠٠٠
قبرس	٦٤ ٠٠٠
فلسطین	٧٦٠ ٠٠٠
ملایا	٣ ٧٢٣ ٠٠٠
هند	٨٠ ٠٠٠ ٠٠٠
سوریه و لبنان	١ ٥١٥ ٠٠٠
هندچینی	٨٠١ ٠٠٠
ازبکستان	٤ ١٠٠ ٠٠٠
تاجکستان	١٧٠ ٠٠٠
ترکمنستان	١ ٠١٥ ٠٠٠
قفقاز	٢ ١٢٦ ٠٠٠
مجموع	**١٨٨ ٣٠٨ ٠٠٠**

افریقه

کشور	تعداد
ابی‌سینیا	٣ ٠٠٠ ٠٠٠
مصر	١٢ ٩٦٩ ٠٠٠
لائبریا	٥ ٠٠٠ ٠٠٠
افریقهٔ شرقی برطانوی	٦ ٥٧٤ ٠٠٠
« غربی «	٥ ٠٠٠ ٠٠٠
زنجبار	٢٣٥ ٠٠٠
سودان مصری	٦ ٠٠٠ ٠٠٠
نیجریا	٤ ٩٥٠ ٠٠٠
افریقهٔ غربی فرانسوی	٢ ٠٠٠ ٠٠٠
« وسطی «	١ ٥٠٠ ٠٠٠
الجزایر	٥ ٦٢٣ ٠٠٠
تونس	٢ ١٥٠ ٠٠٠
سنگال	٨٠٠ ٠٠٠
سودان فرانسوی	١٢٥ ٠٠٠
سومال	٨٦ ٠٠٠
مراکش فرانسوی	٤ ٢٣٠ ٠٠٠
« هسپانوی	٩٥٠ ٠٠٠
باقی مستعمرات «	١٨٤ ٠٠٠
ارطریه	٥٠٠ ٠٠٠

اوروپا

البانیا	٦٨٨ ٠٠٠
بلغاریا	٧٨٩ ٠٠٠
روسیهٔ اروپائی	١٠ ٥٢٩ ٠٠٠
رومانیه	٤٤ ٠٠٠
هانگری (مجارستان)	٥٣ ٠٠٠
یوگوسلاویا	١ ٣٦٣ ٠٠٠
یونان	٧٣ ٠٠٠
دیگر ممالك اروپائی	٥٠ ٠٠٠
مجموع	١٣ ٥٨٩ ٠٠٠

امریکه

تخمیناً	٥٠ ٠٠٠

افریقه

سومال ایطالیائی	٩٠٠ ٠٠٠
طرابلس	٥٥٠ ٠٠٠
قیروان	٢٢٥ ٠٠٠
مستعمرات پرتگال	١ ٢٠٠ ٠٠٠
باقی ممالك افریقائی	١ ٠٠٠ ٠٠٠
مجموع	٦٥ ٧٦١ ٠٠٠

اوقیانوسیه

مستعمرات امریکه	٤٤٣ ٠٠٠
» برطانیه	٤٠٠ ٠٠٠
» هولاند	٤٥ ٠٠٠ ٠٠٠
مجموع	٤٥ ٨٤٣ ٠٠٠

مجموع کل	٣١٣ ٥٥١ ٠٠٠

عساکر دول

اسم مملکت	تعداد		رقم استخدام
افغانستان	۷۰ ۰۰۰	عسکر تحت السلاح	خوش برضا وجبری برای ۲ سال.
	۹ ۵٦۰	پولیس سوار وپیاده	
ارجنتائن	۳۰۰ ۰۰۰		جبری برای یکسال
ابی سینیا	۱۰۰ ۰۰۰		
	۳۰۰ ۰۰۰	(احتیاطی)	
آستریا	۲۲ ۸۷۸		خوش برضا
استونیا	۱۳ ۵۳۵		جبری برای یك سال
	۷٦ ٤٦۵	(احتیاطی)	» »
اضلاع متحدهٔ امریکه	۱۳۸ ۸۱۷		خوش برضا
» »	۱۷٦ ۰۰۰	(احتیاطی)	خوش برضا
» »	۱۲۰ ۵۵۰	صاحب منصبان	
البانیه	۱۱ ٤۵۰		جبری
»	۳ ۱۳۱	(یندارمه)	جبری
ایران	٤۰ ۰۰۰	(عسکر)	جبری
»	۸ ۰۰۰	(امنیه)	
ایطالیه	۳۹۲ ۰۰۰		جبری برای ۱۸ ماه
	۳٦۹ ۰۰۰	(احتیاطی)	» »
ایکوادور	۵ ٤٦۰		
برازیل	۱۲۰ ۰۰۰		جبری برای ۹ سال
برطانیه	۱۹۹ ۷۸۸	(نظام)	خوش برضا
	۱۳۵ ۸۵۰	(احتیاطی)	»
بلجیم	٦۵ ۰۰۰		جبری برای ۱٤ ماه
	۵۳۵ ۰۰۰	(احتیاطی)	»
بلغاریا	۲۰ ۰۰۰		خوش برضا
	۱۰ ۰۰۰	(احتیاطی)	خوش برضا
بولیویا	۳ ۵۷۷		دائمی
	٤ ۵۰۰		بقرار قرعه برای دو سال.

اسم مملکت	تعداد	طرز استخدام
پاراگوی	۳ ۹۱۵	
پیرو	۸ ۱۳۸	جبری
	۸ ۰۰۰ (پولیس)	»
پرتگال	۵۵ ۳۷٦	جبری برای ٤ سال
	۱۰ ٦٦۸ (مستعمراتی)	» »
پولیند	۲٤٦ ۸۹۰	جبری برای ۲ سال
	۹۳٦ ۰۰۰ (احتیاطی)	» »
ترکیه	۱٤۰ ۰۰۰	جبری، پیاده ۱۸ ماه، باقی برای ۲ سال
چکوسلواکیا	۱۳۸ ۷۸۸	جبری برای ۱٤ ماه
چلی	۲۲ ۳۸۰	جبری برای ۱۸ ماه
چین	۱ ۳۰۰ ۰۰۰	جبری
جرمنی	۱۰۰ ۰۰۰	خوش برضا
جاپان	۱۹۷ ۸۸۳	جبری برای دو سال
	۷۸ ۷٦٤ (احتیاطی اول)	» »
دانمارک	۱٤ ۱۳٦	جبری
دومینیکا	۲ ۲۳۹	
روسیه	۵٦۲ ۰۰۰	جبری برای دو سال
رومانیه	۲٤۰ ۵۰۱	جبری برای دوسال
سویتزرلیند	٤٦ ۲۰۰	جبری برای سه ماه درسال اول و ۱۱ روز سالانه بعد ازان
سیام	٤ ۸۰۰ (دائمی)	جبری دوسال و بعد ازان دوماه سالانه برای ۷ سال و یکماه سالانه تا مدت العمر.
	۲۰ ۰۰۰ (احتیاطی)	
سالویدور	۳ ۰۰۰	جبری
سویدن	۲٤ ۷۳۰	جبری برای دوسال
	۱۹۵ ۰۰۰ (احتیاطی)	جبری
فرانسه	۳٤۰ ٦۳۷	جبری برای یک سال
	۲۳۷ ۳٦۳ (مستعمراتی)	
فن لیند	۳۲ ۲۸۵	جبری
	۱۰۰ ۰۰۰ (احتیاطی)	

اسم مملکت	تعداد		طرز استخدام
کوستاریکا	۴۸۵	(دائمی)	جبری
	۱۵۰ر۰۰۰	(احتیاطی)	»
کیوبا	۱۲ ۶۶۹		
کولمبیا	۸ ۴۹۹		جبری برای یك‌ونیم سال
	۵۰ ۰۰۰	(احتیاطی)	
گواتی‌ماله	۶ ۷۹۱		جبری برای یك سال
لای بیریا	۷۰۰		جبری
لاتویا	۲۰ ۰۰۰		جبری برای ۱۵ ماه
لتوانیا	۱۶ ۸۳۹	(دایمی)	جبری برای یکنیم‌سال
	۵۲ ۰۰۰	(احتیاطی)	»
مراکش	۶۱ ۲۶۴		فرانسوی
	۱۲ ۵۰۰	عسکر	
مصر	۱ ۱۴۰	رسالهٔ شاهی	جبری برای ۵ سال
	۹ ۹۸۲	عسکرانگلیس	
مکسیکو	۵۵ ۲۶۰		جبری
نیپال	۴۵ ۰۰۰		
ندرلیندز	۱۷ ۸۶۱		جبری‌برای یکسال
نکارگوا	۲۰ ۰۰۰		
ناروی	۵ ۷۳۱		جبری برای سه ماه
ونیزویلا	۱۰ ۰۰۰		جبری برای ۲ سال
هاندوراس	۲ ۵۹۷		» »
هایتی	۳ ۰۴۷		
هسپانیه	۱۶۷ ۰۰۰		جبری برای‌دوسال
	۷۵ ۰۰۰	(مستعمراتی)	
هند	۱۶۸ ۶۶۰	(هندی)	
	۵۹ ۷۷۳	(انگلیس)	
هنگری	۳۴ ۷۵۵		
	۷ ۰۰۰	(احتیاطی)	
یوروگوی	۴۱ ۸۶۸	(دائمی)	خوش برضا
	۱۰۰،۰۰۰	(ملی)	جبری
یوگوسلاویا	۱۹۱ ۱۸۹		جبری
یونان	۸۲ ۹۷۵		جبری برای یکسال

بحریه دول معظمه در ابتدای سنه ۱۳۱۱ ش

انواع جهاز	برطانیه	اضلاع متحدهٔ امریکه	جاپان	فرانس	ایطالیه	روسیه	جرمنی
جهاز جنگی	۱۲	۱٥	۱۰	۹	٤	۳	٤
کروزر جنگی	۳	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
کروزر	٥۲	۱۹	۲۷	۱۹	۱۷	٤	٦
کروزر نقب انداز	۱	۰۰	٤	۳	۰۰	۲	۰۰
جهازات زره پوش- ساحلی .	۳	۱	۸	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
جهازات طیاره بردار	۸	۳	۳	۱	۱	۰۰	۰۰
تباه کن کلان	۱٦	۰۰	۰۰	۱۳	۲۰	۰۰	۰۰
تباه کن	۱۳٤	۲٥۱	۱۱۰	٦۱	٦٦	۱۷	۱٦
کشتی تورپیدو	۰۰	۰۰	۰۰	٤	۳۳	۰۰	۱۰
تحت البحر	٥۲	۸۱	٦۷	٦٥	٤٦	۱٦	۰۰
کشتی نهری	۳٤	۰۰	۰۰	۸	۲۲	٤	۰۰
کشتی موتری برای مدافعهٔ ساحلی .	۰۰	۰۰	۰۰	۳	٤۰	۰۰	۰۰
گن بوت	۰۰	۱۲	٤	٤٤	٦	۰۰	۳
گن بوت پهن	۱۷	۸	۱۰	۱۰	۲	۰۰	۰۰
جهاز نقب پاك کن	۳۲	٤۳	۱۰	۲٦	٤۸	٦	۲۹

بحریهٔ تحت تعمیر

انواع جهاز	برطانیه	اضلاع متحدهٔ امریکه	جاپان	فرانس	ایطالیه	روسیه	جرمنی
جهاز جنگی	..	..	..	..	..	..	۲
کروزر جنگی	..	..	..	..	..	..	..
کروزر	۷	۲	٦	٤	۹	معلوم نیست	..
کروزر نقب انداز	..	..	۱	۱	..	..	..
جهازات زره پوش ساحلی .	..	..	..	..	..	..	..
جهازات طیاره بردار	..	۱	۱	۱	..	..	..
تباه کن کلان	۳	..	..	۱۸	..	..	..
تباه کن	۲۰	۵	۸	..	۱۱	..	..
کشتی تورپیدو	..	..	۲	..	..	..	..
تحت البحر	۱۰	۳	۵	٤۵	۲۹	..	..
کشتی نهری	۹	..	..	۷	..	..	..
کشتی موتر برای مدافعهٔ ساحلی .	..	..	..	۱۰	۳	..	..
گن بوت	..	..	..	۸	..	..	۱
گن بوت پهن	۱	..	..	..	..	..	..
جهاز نقب پاك کن	..	..	۲	..	..	..	..

مسکوکات عالم

مملکت	سکهٔ اساسی				فروعات
	اسم	فلز	وزن (گرام)	عیار	
افغانستان	افغانی	نقره	۱۰	۰٬۹۰۰	= ۱۰۰ پول
ابی‌سینیا	دالر	نقره	۲۸٬۰۷۵	۰٬۸۳۵	= ۱۶ قرش = ۳۲ پیسه
ارجنتاین	پیسو	طلا	۱٬۶۱۲۹	۰٬۹۰۰	= ۱۰۰ سنتوو
آستریا	شلنگ (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۲۱۱۷۲۰۸۶	خالص	= ۱۰۰ گوشچن
استونیا	کرون (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۴۰۳۲۲۶	خالص	= ۱۰۰ سنت
اضلاع‌متحدهٔ	دالر	طلا	۱٬۶۷۱۸	۰٬۹۰۰	= ۱۰۰ سنت
امریکه	»	نقره	۲۶٬۷۳۰	۰٬۹۰۰	»
البانیا	فرانك آری (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۳۲۲۵۸	۰٬۹۰۰	= ۵ لك
اندورا	مسکوکات فرانسه مستعمل است				
آیسلیند	کرونا	نقره	مثل دنمارك		
ایران	ریال (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۳۶۶۱۱	خالص	= ۱۰۰ دینار
	»	نقره	۴٬۵	خالص	»
ایطالیه	لیرا (ضرب نمیشود	طلا	۰٬۰۷۹۱۹۱	خالص	= ۱۰۰ سنتسمو
ایکوادور	سوکر (ضرب نمشیود)	طلا	۰٬۳۰۰۹۳۳	خالص	= ۱۰۰ سنتوو
برازیل	کروازایرو	طلا	۲٬۰	۰٬۹۹۰	= ۱۰۰ سنتوو
برطانیه	پوند	طلا	۷٬۸۹۹۰۵	۰٬۹۱۶۶۶	= ۲۰ شلنگ = ۲۴۰ پنی
بلجیم	بلجا (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۲۰۹۲۱	خالص	= ۱۰۰ سانتیم
بلغاریا	لیوا (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۲۰۱۰۹	خالص	= ۱۰۰ ستونتکی
بولیویا	بولیویانو (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۵۴۹۱۷	خالص	= ۱۰۰ سنتوو
پاراگوی	پیسو (ضرب نمیشود)	طلا	۱٬۶۱۲۹	۰٬۹۰۰	= ۱۰۰ سنتوو
پاناما	بالبوا	نقره	۲۶٬۷۳۰	۰٬۹۰۰	= ۱۰۰ سنت
پیرو	سول (ضرب نمیشود)	طلا	۴٬۲۱۱۶۴	خالص	= ۱۰۰ سنت
پرتگال	ایسکودو (ضرب نمیشود)	طلا	۰٬۰۷۹۳	۰٬۹۰۰	= ۱۰۰ سنتوو

مملکت	سکهٔ اساسی — اسم	فلز	وزن (گرام)	عیار	فروعات
پولیند	زلوتی	طلا	٫١٣٥	خالص	= ١٠٠ گروز
ترکیه	پیاستر	طلا			= ٤٠ پاره
جاپان	ین	طلا	٫٧٥	خالص	= ١٠٠ سن = ١٠٠٠ رن
جرمنی	رایش مارك	طلا	٫٣٥٨٤٢٣	خالص	= ١٠٠ رایش فنك
چکوسلواکیه	کورونا	طلا	٫٠٤٤٥٨	خالص	= ١٠٠ هالیرو
چلی	پیسو (ضرب نمیشود)	طلا	٫١٨٣٠٥٧	خالص	= ١٠٠ سنتووو
چین	تیل	نقره	غیر معین		= ١٠٠ کاپر = ١٠٠٠ کیش
	دالر	نقره	٢٦٫٣	٫٩٠٠	
عربیة السعودیه حجاز و نجد	ریال	نقره	٢٤٫٠٥٥	٫٨٣٠	= ١١ قرش
حیدرآباد دکن	روپیهٔ آصفیه	نقره	١٢٫٥	٫٩١٧	= ١٦ آنه
دانزیگ	گلدن (ضرب نمیشود)	طلا	٫٢٩٢٨٩١٢	خالص	= ١٠٠ فنك
دنمارك	کرون (ضرب نمیشود)	طلا	٫٤٠٣٢٢٦	خالص	= ١٠٠ اور
دومهنیکا	دالر	مسکوکات اضلاع متحدهٔ امریکه مستعمل است			= ١٠٠ سنت
روسیه	چروانس (ضرب نمیشود)	طلا	٧٫٧٤٢٣٤	خالص	= ١٠ روبل ---- ١٠٠٠ کپیك
رومانیا	لیو (ضرب نمیشود)	طلا	٫٠١	٫٩٠٠	= ١٠٠ بانی
سالوادور	کولن	طلا	٫٨٣٦	٫٩٠٠	= ١٠٠ سنتووو
سان مارنیو	مسکوکات ایطالیه مستعمل است				
سویتزرلیند	فرانك	طلا	٫٢٩٠٣٢٢٥	خالص	= ١٠٠ سانتیم
سویدن	کورونا	طلا	٫٤٤٨	٫٩٠٠	= ١٠٠ اور
سیام	باهت	نقره	١٥	٫٩٠٠	= ١٠٠ ستنگ
عراق	دنیار	طلا	٧٫٣٢٢٤	خالص	= ١٠٠٠ فول
عمان	بیسه	مس	٦	—	
فنلیند	مارکا (ضرب نمیشود)	طلا	٫٠٤٢١٠٥٣	٫٩٠٠	= ١٠٠ پنی

مملکت	سکهٔ اساسی — اسم	فلز	وزن (گرام)	عیار	فروعات
فرانس	فرانك	طلا	٫٠٦٥٥	٫٩٠٠	= ١٠٠ سانتیم
کوستاریکا	کولن	طلا	٫٧٧٨	٫٩٠٠	= ١٠٠ سانتی‌مو
کولمبیا	پیسو	طلا	١٫٥٧٩٨١	٫٩١٦٦٦	= ١٠٠ سنتووو
کیوبا	پیسو	طلا	١٫٥٠٤٦	خالص	= ١٠٠ سنت
گواتی مالا	کویتزل	طلا	١٫٦٧١٨	٫٩٠٠	= ١٠٠ سنت
لائبیریا	مسکوکات برطانیه و اضلاع‌متحدهٔ‌امریکه رایج است				
لیختن ستاین	مسکوکات سویترزلیند مستعمل است				
لاتویا	لات (ضرب نمی شود)	طلا	٫٢٩٠٣	خالص	= ١٠٠ سانتیم
لتوانیا	لتاس (ضرب نمیشود)	طلا	٫١٥٠٤٦٢	خالص	= ١٠٠ سنتا
لکسمبرگ	فرانك	طلا	٫٠٤١٨٤٢	خالص	= ١٠٠ سانتیم
مراکش	مسکوکات فرانس وهسپانیه مروج است				
مصر	لیرهٔ مصری	طلا	٨٫٥	٫٨٧٥	= ١٠٠ قرش = ١٠٠٠ عشر القرش .
مکسیکو	پیسو (ضرب نمیشود)	طلا	٫٧٥	خالص	= ١٠٠ سنتووو
ملایا	دالر	نقره			= ١٠٠ سنت
موناکو	مسکوکات فرانس مروج است				=
ناروی	کرون	طلا	٫٤[illegible]٨	٫٩٠٠	= ١٠٠ اوز
نیدرلاندز	فلورن / گلدن	طلا / نقره	٫٦٧٢ / ١٠	٫٩٠٠ / ٫٩٤٥	= ١٠٠ سنت
نکاراگوا	کوردوبا (ضرب نمیشود)	طلا	١٫٦٧٢	٫٩٠٠	= ١٠٠ سنتووو
نیپال	مهر	نقره			= ٥٠ پیسه .
واتیکان	عیناً مثل مسکوکات ایطالیه				
ونزویلا	بولیوار (ضرب نمیشود)	طلا	٫٢٩٠٣٢٣	خالص	= ٨٠ نوچا = ٢٠٠ سنتووو

مملکت	سکهٔ اساسی				فروعات
	اسم	فلز	وزن (گرام)	عیار	
هایتی	گورده	طلا	۰٫۳۳٤۳٦	۰٫۹۰۰	= ۱۰۰ سنت
هاندوراس	پیسو	طلا	۰٫۸۳٦	۰٫۹۰۰	= ۱۰۰ سنت
هسپانیه	پسیتا	طلا	۰٫۰٦٥٥	۰٫۹۰۰	= ۱۰۰ سانتی مو
هند	روپیه	نقره	۱۲	۰٫۹۱۷	= ۱٦ آنه = ٦٤ پیسه
هنگری	پنگو	طلا	۰٫۲٦۳۱٥۸	خالص	= ۱۰۰ هلر
یوروگوی	پسو (ضرب نمیشود)	طلا	۱٫٦۹۷	۰٫۹۱۷	= ۱۰۰ سنتی مو
یوگوسلاویا	دینار (ضرب نمیشود)	طلا	۰٫۲۹۰۳۲۳	خالص	= ۱۰۰ پاره
یونان	درهم	طلا	۰٫۰۱۹٥۲٦	خالص	= ۱۰۰لپتا

نوت :

۱ : سکه هائیکه در جدول مسکوکات عالم قید شده سکه های اساسی دول میباشد .

از باعث بحران اقتصادی دنیا و حالات داخلی ممالك ، قیمت مسکوکات و نقود دول بیك قرار باقی نمانده دایماً در تبادلات خارجی تنزل و ترقی پیدا میکند.

۲ : درجدول مسکوکات درستون‌عیار اکثراً « خالص » قیدشده، گمان نشود که طلا یانقرهٔ همان دولت خالص‌ضرب زده میشود. مراد از لفظ « خالص » مقدار معین فلز طلا ویانقره است که درسکهٔ‌اساسی مذکور مطابق قانون با غش آمیخته می شود ، در هر صورت طلا و نقرهٔ دول عیار معینه و مقررهٔ خود را دارند.





أوزان و مقیاسات ممالك همجوار

ایران

در ایران قرار قانون باید مقیاسات اعشاری از ابتدای ۱۳۰۹ جاری میشد ، اما الحال مقیاسات ذیل تا حدی عمومیت دارد :

طول :	ذرع =		۱٫۰۴	متر .
	فرسخ = ۶۰۰۰ ذرع	=	۶٫۲۴۰۱	کیلومتر .
مساحه :	جریب = ۱۰۰۰ مربع ذرع	=	۱۰٫۸۱۶	آر .
وزن :	گندم =		۴۸٫۴	میلیگرام .
	۴ گندم = نخود	=	۰٫۱۹۴	گرام .
	۲۴ نخود = مثقال	=	۴٫۶۴	گرام .
	۱۶ مثقال = سیر	=	۷۴٫۲۳۵	گرام .
	۵ سیر = عباسی	=	۳۷۱٫۱۸	گرام .
	۴۰ سیر = من تبریزی	=	۲٫۹۶۹۴	کیلو گرام .
	۱۰۰ من تبریز = خروار	=	۲۹۶٫۶۶۹۴	کیلو گرام .

(مقیاسات قدیم یعنی ذرع، جریب، من های مختلف در ولایات مختلفهٔ ایران مروج است).

مسکوکات :

سابقاً واحد مسکوکات «قران» بود. بموجب قانون ۱۸ مارچ ۱۹۳۰ مسکوکات جدید ذیل رواج یافته است:

۱۰۰ دینار = ریال .

۲۰ ریال = پهلوی = پوند انگلیسی .

پهلوی و نیم پهلوی از طلا وپنج ریالی، دو ریالی ، ریال ونیم ریال از نقره و بیست و پنج دیناری و ده دیناری وپنج دیناری از نیکل ، و دودیناری ودینار ازمس میباشد .

چین

در چین سه نوع مقیاسات رواج دارد : جدید ، موقت ، قدیم .

جدید:

عبارت از مقیاسات اعشاری (متری) است .

موقت :

بر مقیاسات اعشاری مبنی و بقرار ذیل است :

طول :	شی چیه	=	ثلث متر .
مساحه:	شی چیه مربع	=	۰٬۱۱۱ مربع متر .
وزن :	شی چین	=	نصف کیلو گرام .
حجم :	شی شنگ	=	یك لیتر .

قدیم :

طول :	۱۰ فن	= سون	=	۳٬۲ سانتیمتر .
	۱۰ سون	= چیه	=	۳۲ سانتیمتر .
	۱۰ چیه	= چنگ	=	۳٬۲ متر .
	۱۸۰ چنگ	= لی	=	۵۷۶ متر .
مساحه :		(مبنی برفوق)		
وزن :	۱۰ سو	= هائو	=	۳٬۷ میلیگرام .
	۱۰ هائو	= لی	=	۳۷٬۳ ملیگرام .
	۱۰ لی	= فن	=	۰٬۳۷۳ گرام .
	۱۰ فن	= چیئان	=	۳٬۷۳ گرام .
	۱۰ چیئان	= لیانگ (تیل)	=	۳۷٬۳۰۱ گرام .
	۱۶ لیانگ	= چن (کاتی)	=	۵۹۶٬۸۱۶ گرام .
حجم :	۱۰ شو	= کو	=	۱۰۳٬۵ ملی لیتر .
	۱۰ کو	= شنگ	=	۱٬۰۳۵۴۶۸۸ لیتر .

۱۰ شنگ = تئو	=	۱۰٬۳۵٤٦۸۸	لیتر .
٥ تئو = هو	=	٥۱٬۷۷۳	لیتر .
۲ هو = تان	=	۱٬۰۳٥٤٦۸۸	هکتولیتر .

مسکوکات :

در هرحصهٔ چین مسکوکات علحده که مجموعاً به ۱۷۰ نوع سکه میرسد رواج دارد، اکنون یك ضرابخانهٔ مرکزی در (شانگهای) تأسیس یافته که به اساس ذیل مسکوکات جدید ضرب میکنند :ـ

۱۰ کیش	=	کاپر .
۱۰۰ کاپر	=	دالر (یوان)

روسیه

از اول جنوری ۱۹۲۷ مقیاسات واوزان اعشاری (متری) درجماهیراشتراکیهٔ شورویهٔ روسیه رائج گردیده است.

مسکوکات :

۱۰۰ کوپیك	=	روبل .
۱۰ روبل	=	چروانس .

چروانس از طلا ؛ روبل ونیم روبل و۲۰ کوپیك و۱٥ کوپیك و۱۰ کوپیك از نقره ؛ ۱،۲،۳،٥ کوپیك از روی و مس ونیم کوپیك از مس ضرب میشود . لیکن نوت های خزانه ۱ـ۳ـ٥ روبل ونوت های بانك دولتی ۱ـ۲ـ۳ـ٥ـ۱۰ـ۲٥ـ٥۰ چروانس زیادتر رواج دارد .

هند

طول :	انچ	=	۲٬٥٤	سانتیمتر .
	۱۲ انچ = فت	=	۳۰٬٤۸	سانتیمتر .
	۳ فیت = گز (یارد)	=	۹۱٬۳۳	سانتیمتر .
	۱۷٦۰ گز = میل	=	۱٬٦۱	کیلومتر .
مساحت:	۲٥ مربع گز = مرله	=	۲۱٬۹۳	مربع متر .
	۲۰ مرله = کنال	=	٤٬۳۸٦	آر :
	٤ کنال = بیگه	=	۱۷٬٥٤٤	آر .
	٤۸٤۰ مربع گز = ایکر	=	۰٬٤۰٥	هکتار.

وزن :

۸ رتی	= ماشه	=	۰٫۹۷	گرام .
۱۲ ماشه	= توله	=	۱۱٫۶۷	گرام .
۵ توله	= چتانك	=	۵۵٫۳۶	گرام .
٤ چتانك	= پاو	=	۲۳۳٫۳	گرام .
٤ پاو	= سیر	=	۰٫۹۳۳	گرام، (سیرپشاوری=۱۰۵ توله=۱٫۲۲۵ کیلوگرام).
٤۰ سیر	= من	=	۳۷٫۲۹۸	کیلوگرام ، (من پشاوری = ٤۹ کیلوگرام) .

در صوبهٔ بمبئی اوزان برطانیه رواج دارد بدینقرار : -

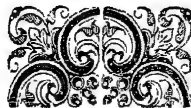
۷۰۰۰ گرین= ۱۶ اونس	=پوند=		٤۵۳٫۶	گرام .
۱٤ پوند	= ستون	=	٦٫۲۵	کیلوگرام .
۲ ستون	= کوارتر(من بمبئی)	=	۱۳٫۵	کیلو گرام .
٤ کوارتر	= هندرویت	=	۰٫۵٤	کنتال .
۲۰ هندرویت	= تن	=	۱٫۰۱٦	تن اعشاری .

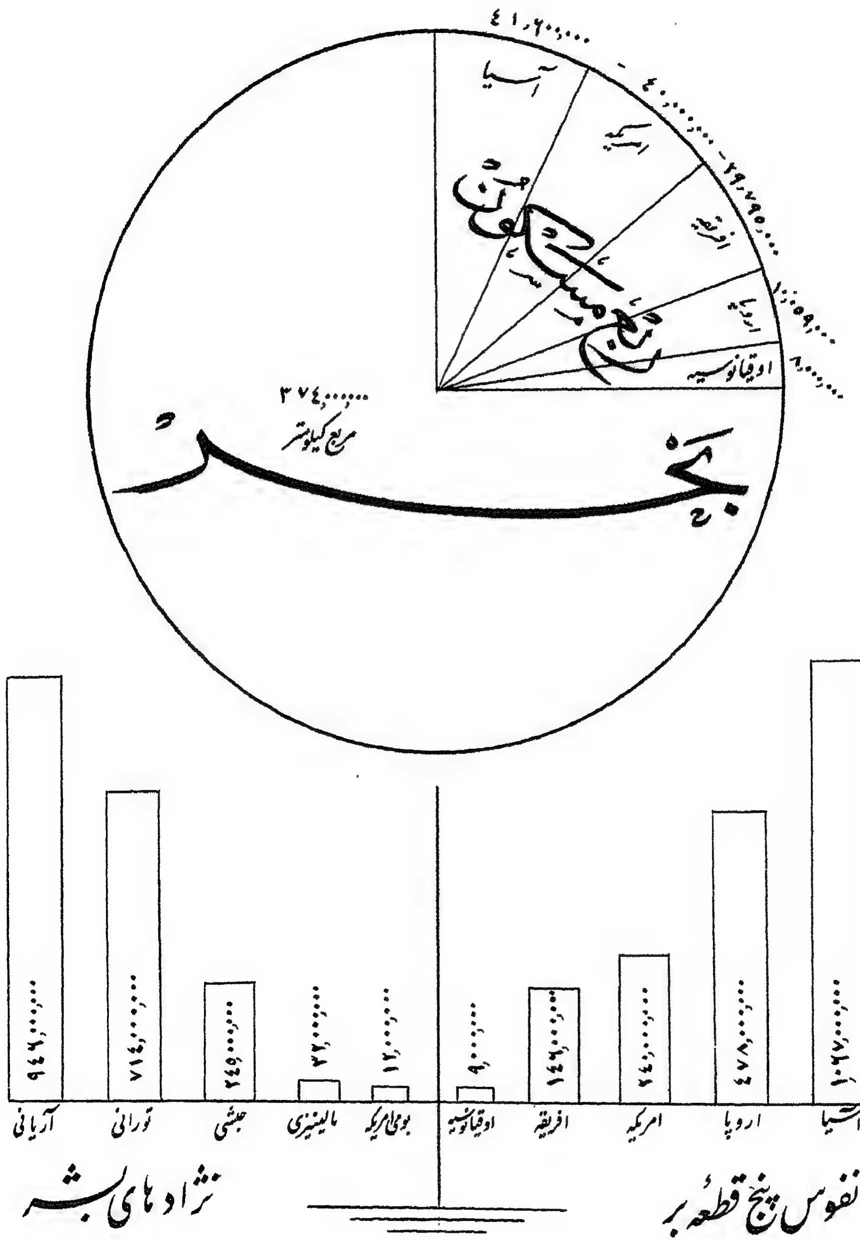
مسکوکات :

۳ پائی	=	پیسه .
٤ پیسه	=	آنه .
۱٦ آنه	= روپیهٔ کلدار =	(یك ونیم شلنگ برطانیه) .

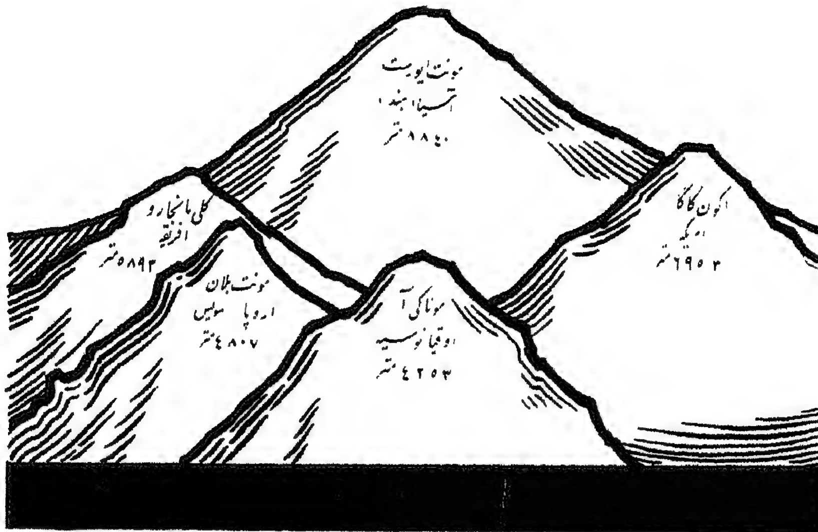
روپیه ونیم روپیه (اتنی) و ربع روپیه (چونی) از نقره ، نیم روپیه و ربع روپیه ودو آنه (دونی) وآنه از نیکل ، نیم آنه و پیسه و نیم پیسه وپائی از روی ضرب میشود .

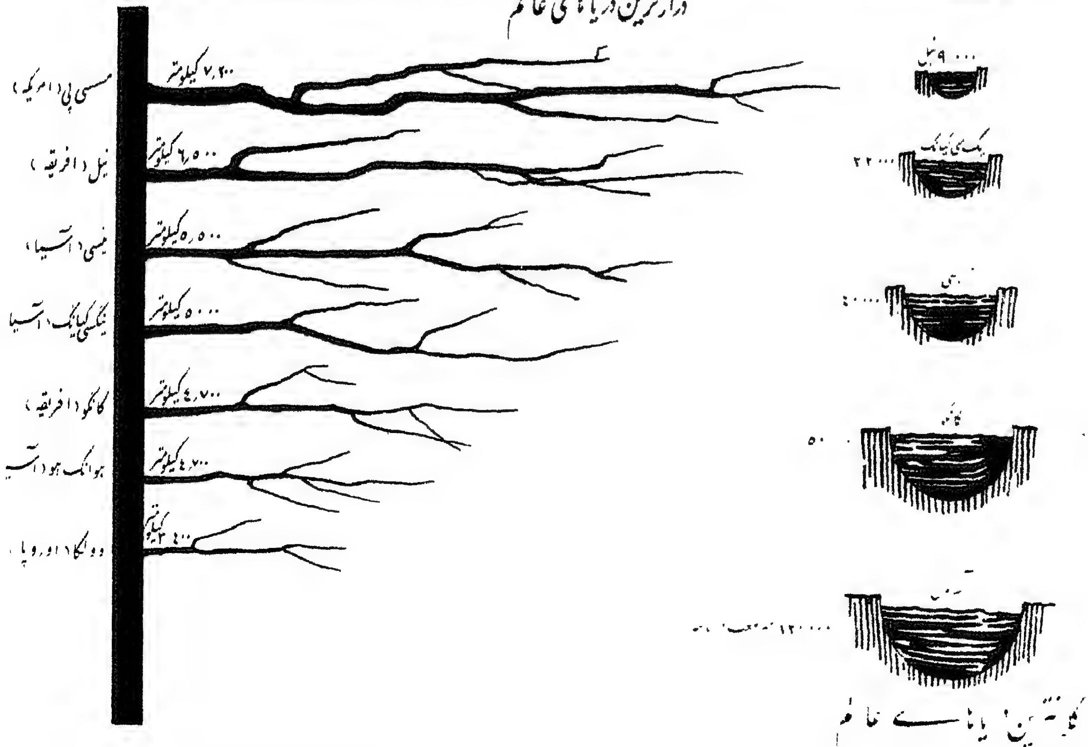
نوت های ۵ روپیه ، ۱۰ روپیه ، ۵۰ روپیه ، ۱۰۰ روپیه - ۵۰۰ روپیه ۱۰۰۰ روپیه بسیار معمول است .



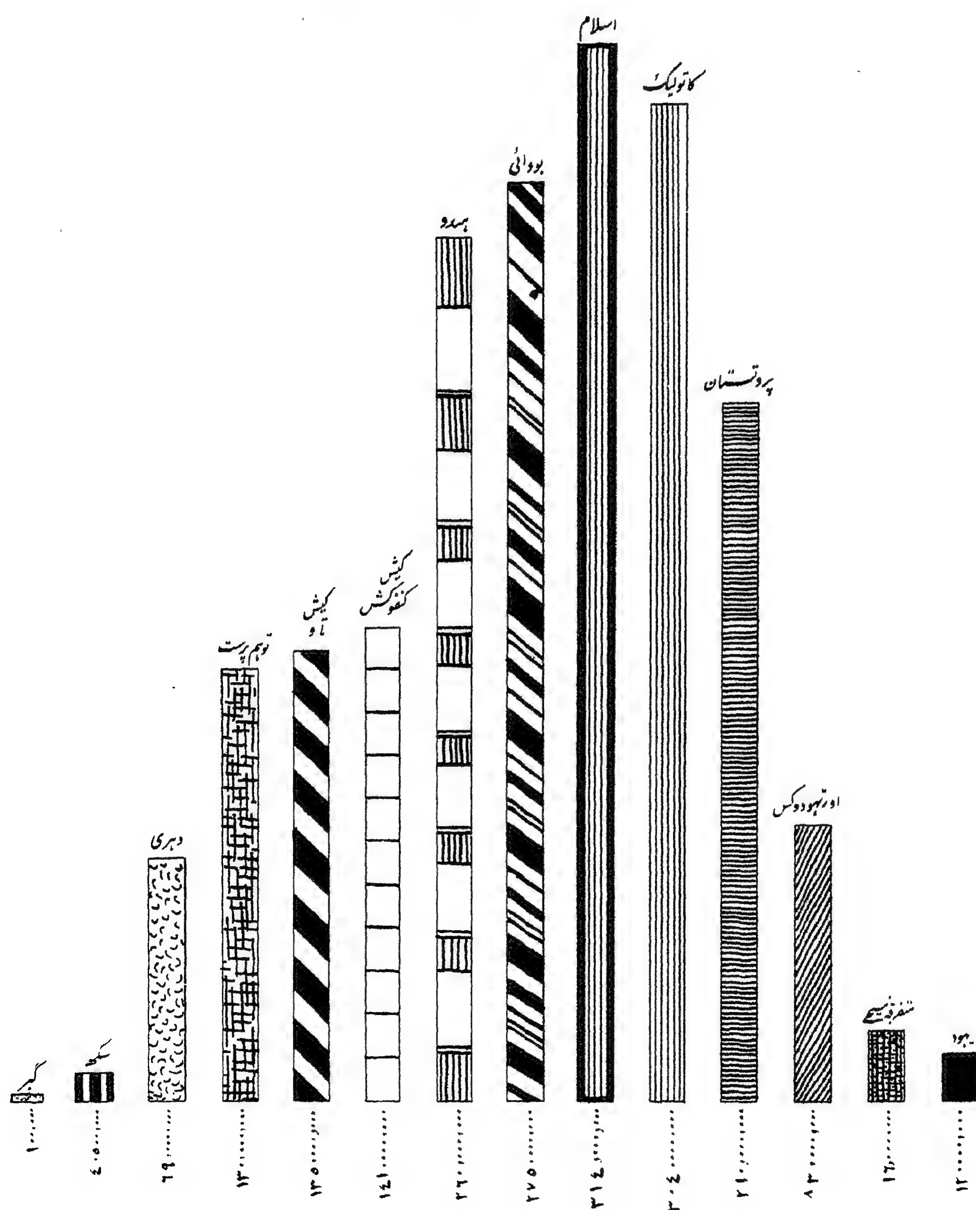


مساحهٔ بحر و بر
بحساب مربع کیلومتر
۴۱،۶۰۰،۰۰۰
آسیا
امریکا
افریقا
اروپا
اوقیانوسیه
۸،۰۰۰،۰۰۰
۳۷۴،۰۰۰،۰۰۰
مربع کیلومتر
بحر
نژادهای بشر
آریانی
تورانی
حبشی
مالینزی
بومی امریکه
۹۴۹،۰۰۰،۰۰۰
۷۱۴،۰۰۰،۰۰۰
۲۴۵،۰۰۰،۰۰۰
۳۲،۰۰۰،۰۰۰
۱۲،۰۰۰،۰۰۰
نفوس پنج قطعهٔ بر
آسیا
اروپا
امریکه
افریقه
اوقیانوسیه
۱۰۶۷،۰۰۰،۰۰۰
۴۷۸،۰۰۰،۰۰۰
۲۴۰،۰۰۰،۰۰۰
۱۴۹،۰۰۰،۰۰۰
۹،۰۰۰،۰۰۰

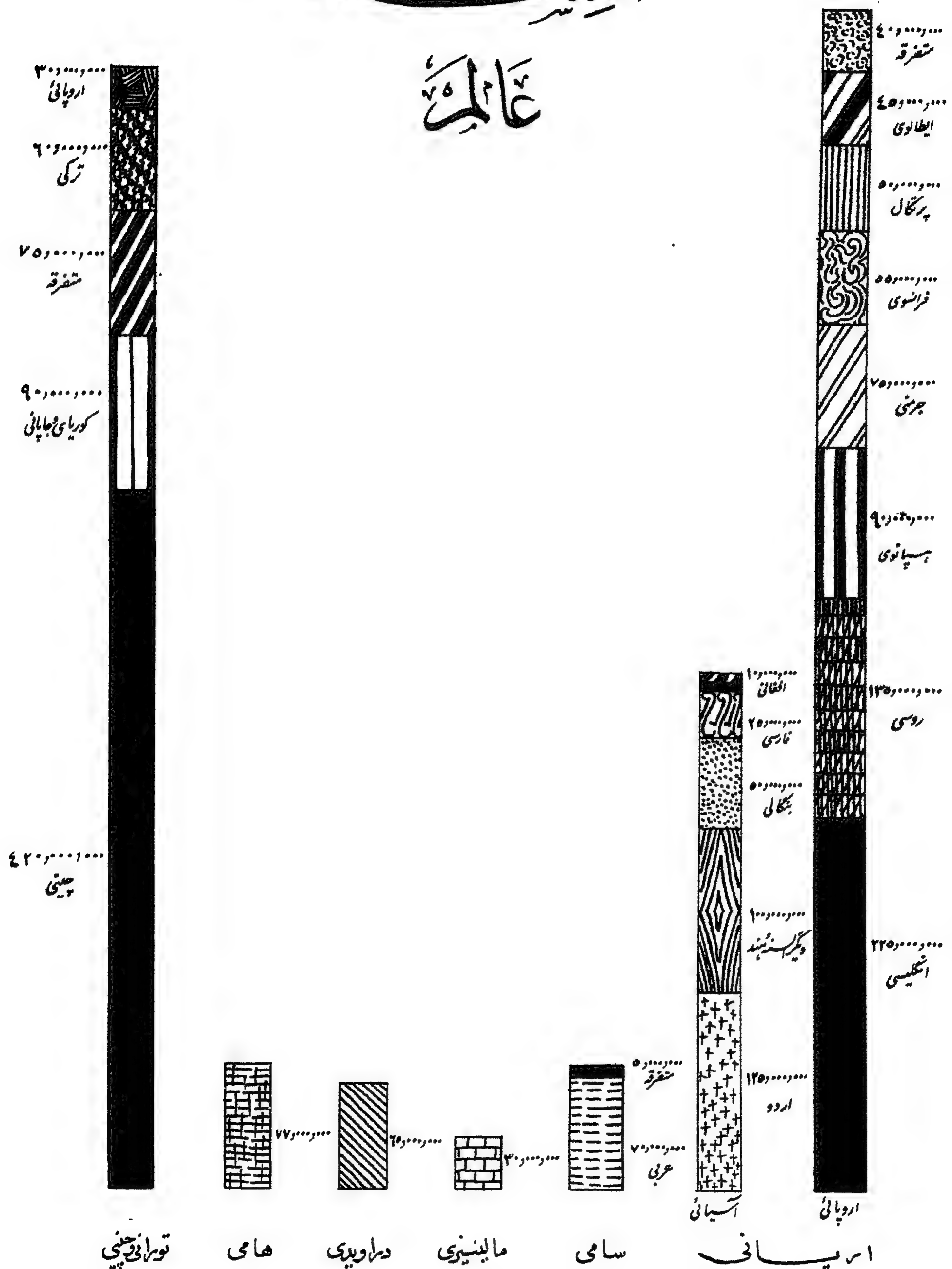

بلندترین قله های هر قطعهٔ بر
مونت اورست
آسیا (هند)
۸۸۴۰ متر
کلی مانجارو
افریقه
۵۸۹۳ متر
مونت بلان
اروپا سویس
۴۸۰۷ متر
مونا کی آ
اوقیانوسیه
۴۲۵۳ متر
اکونکاگا
امریکه
۶۹۵۳ متر


درازترین دریاهای عالم
مسسی پی (امریکه)
۷,۲۰۰ کیلومتر
نیل (افریقه)
۶,۵۰۰ کیلومتر
ینسی (آسیا)
۵,۵۰۰ کیلومتر
یانگسی کیانگ (آسیا
۵,۰۰۰ کیلومتر
کانگو (افریقه)
۴,۷۰۰ کیلومتر
هوانگ هو (آسیا
۴,۷۰۰ کیلومتر
وولگا (اروپا)
۳,۴۰۰ کیلومتر

أديان عالم



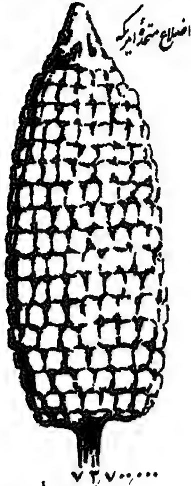
گبر
سيكھ
دهري
توتم پرست
كيش تاو
كيش كنفوكش
هندو
بودائى
اسلام
كاتوليك
پروتستان
اورتودوكس
يهود



السنۂ
عالم
۳۰،۰۰۰،۰۰۰ اروپائی
۶۰،۰۰۰،۰۰۰ ترکی
۷۵،۰۰۰،۰۰۰ متفرقہ
۹۰،۰۰۰،۰۰۰ کوریائی و جاپانی
۴۲۰،۰۰۰،۰۰۰ چینی
۷۷،۰۰۰،۰۰۰
۶۵،۰۰۰،۰۰۰
۳۰،۰۰۰،۰۰۰
۵،۰۰۰،۰۰۰ متفرقہ
۷۰،۰۰۰،۰۰۰ عربی
۱۰،۰۰۰،۰۰۰ افغانی
۲۵،۰۰۰،۰۰۰ فارسی
۵۰،۰۰۰،۰۰۰ بنگالی
۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دیگر السنۂ ہند
۱۲۵،۰۰۰،۰۰۰ اردو
۴۰،۰۰۰،۰۰۰ متفرقہ
۴۵،۰۰۰،۰۰۰ اطالوی
۵۰،۰۰۰،۰۰۰ پرتگال
۵۵،۰۰۰،۰۰۰ فرانسوی
۷۵،۰۰۰،۰۰۰ جرمنی
۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ہسپانوی
۱۳۵،۰۰۰،۰۰۰ روسی
۲۲۵،۰۰۰،۰۰۰ انگلیسی
آسیائی
اروپائی
تورانی و چینی
حامی
دراویدی
مالینیزی
سامی
اریانی

حاصل یکسالۂ جواری

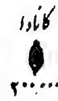
بحساب تن













حاصل یکسالۂ گندم

بحساب تن









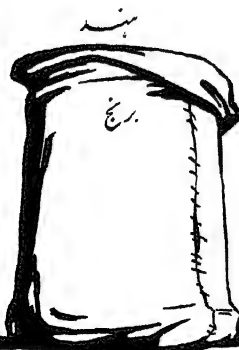




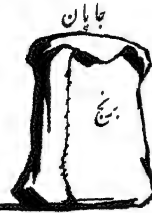


حاصل یکسالۂ برنج

بحساب تن

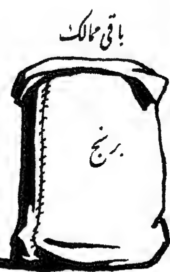


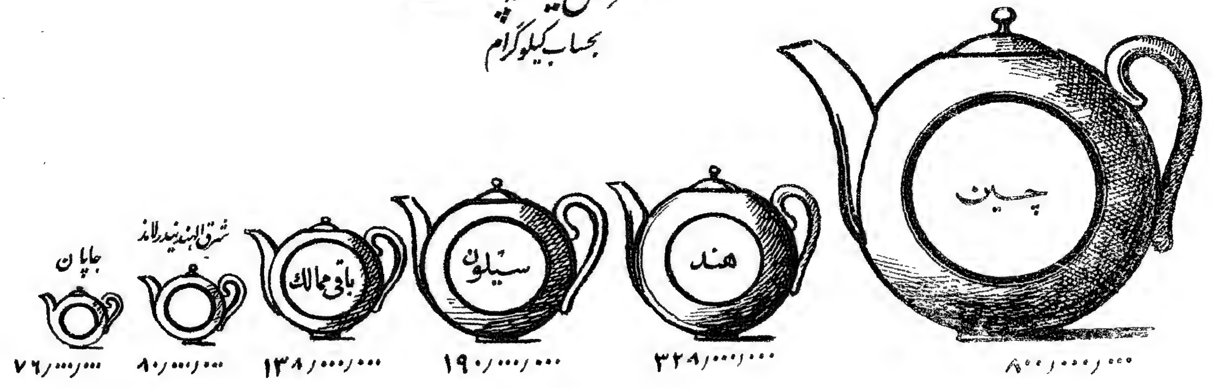




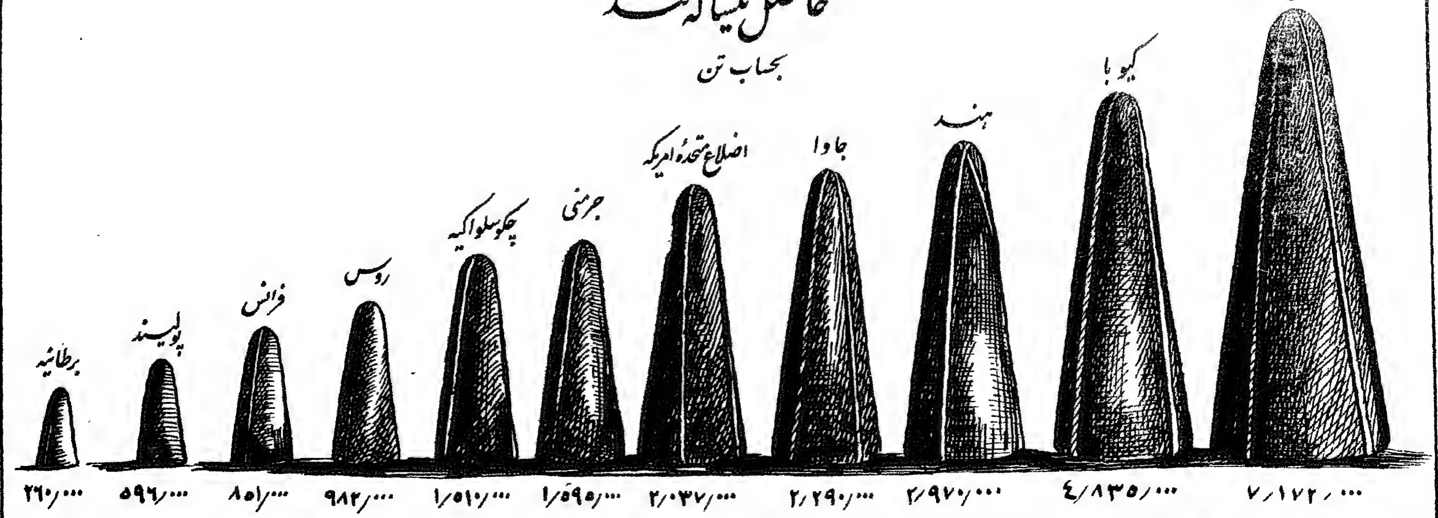






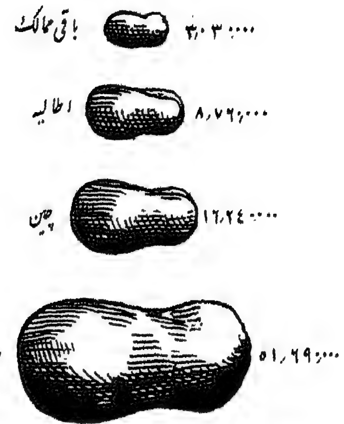


حاصل یکیاله چای
بحساب کیلوگرام
چین
٨٠٠/٠٠٠/٠٠٠
هند
٣٢٨/٠٠٠/٠٠٠
سیلون
١٩٠/٠٠٠/٠٠٠
باقی ممالك
١٣٨/٠٠٠/٠٠٠
شرق الهند نیدرلاند
٨٠/٠٠٠/٠٠٠
ژاپون
٧٦/٠٠٠/٠٠٠



حاصل یکیاله قند
بحساب تن
باقی ممالك
٧/١٧٢/٠٠٠
کیوبا
٤/٨٣٥/٠٠٠
هند
٢/٩٧٠/٠٠٠
جاوا
٢/٢٩٠/٠٠٠
اضلاع متحدهٔ امریکه
٢/٠٣٧/٠٠٠
جرمنی
١/٥٩٥/٠٠٠
چکوسلواکیه
١/٥١٥/٠٠٠
روس
٩٨٢/٠٠٠
فرانس
٨٥١/٠٠٠
پولیسند
٥٩٦/٠٠٠
برطانیه
٢٦٠/٠٠٠

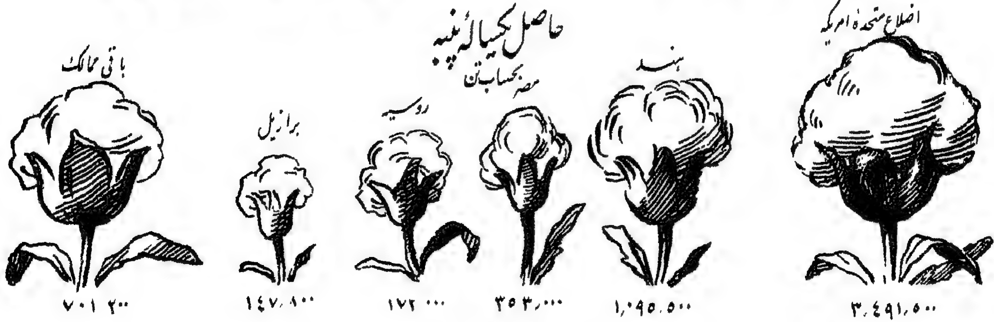
حاصل کمیالهٔ ابریشم خام
بحساب کیلوغرام



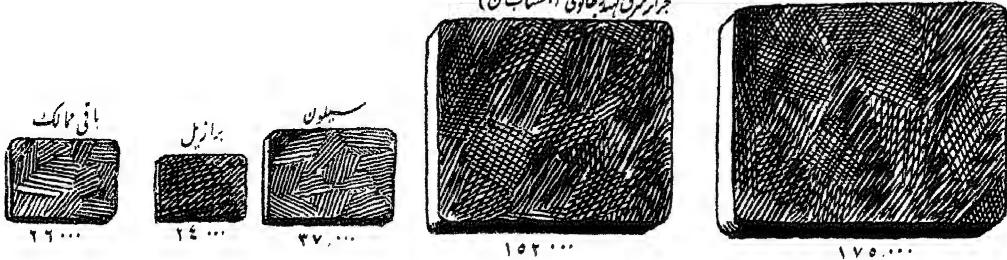
حاصل کمیالهٔ پشم
بحساب تن



حاصل کمیالهٔ پنبه
بحساب تن



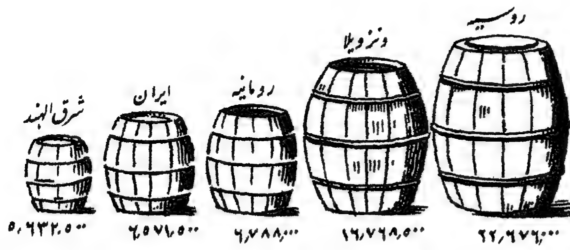
حاصل کمیالهٔ رابر خام
(بحساب تن)

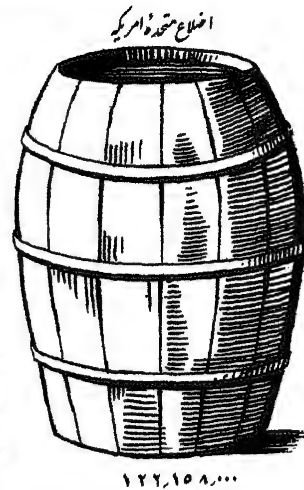


حاصل یکسالهٔ نفت (تیل خاک)

بحساب تن

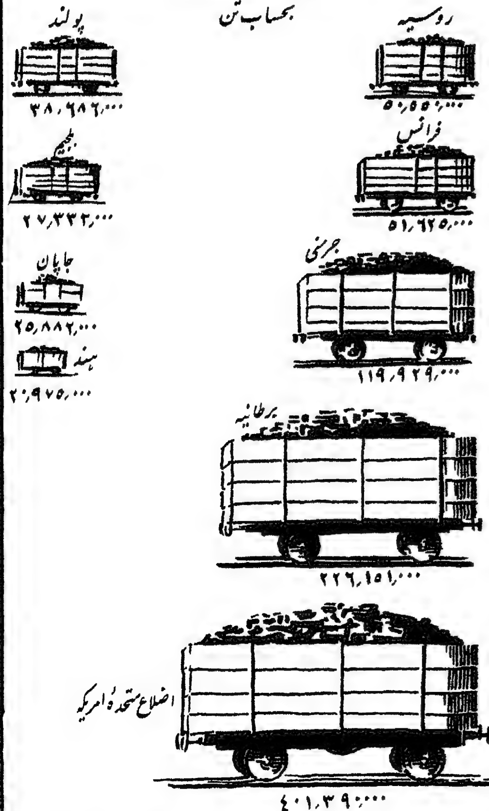






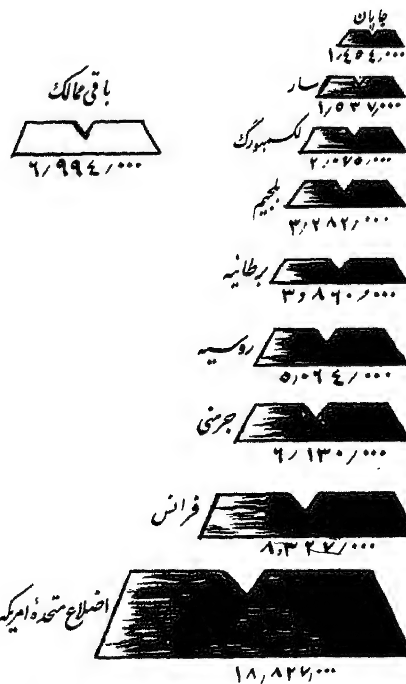
حاصل یکسالهٔ ذغال سنگ

بحساب تن



حاصل یکسالهٔ چودن

بحساب تن



حاصل یکسالهٔ طلا
بحساب کیلوگرام

ترانسوال ۲۳۴,۵۰۰
اضلاع متحدهٔ امریکه ۶۹,۷۰۰
کانادا ۶۵,۸۰۰
روسیه ۴۰,۶۰۰
مکسیکو ۲۰,۹۰۰
آسترلیا ۱۹,۱۰۰
رودزیا ۱۷,۳۰۰
هند ۱۱,۳۰۰
باقی ممالک ۵۹,۵۰۰

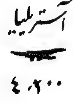
حاصل یکسالهٔ نقره
بحساب کیلوگرام

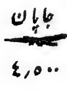
مکسیکو ۲,۸۹۰,۰۰۰
اضلاع متحدهٔ امریکه ۲,۰۴۴,۰۰۰
کانادا ۶۰۶,۳۰۰
آسترلیا ۳۳۸,۰۰۰
اسپانیه ۹۹,۴۰۰
باقی ممالک ۱,۴۲۲,۳۰۰

حاصل یکسالهٔ فولاد
بحساب تن

اضلاع متحدهٔ امریکه ۲۷,۱۹۳,۰۰۰
جرمنی ۸,۳۵۲,۰۰۰
فرانس ۷,۹۳۰,۰۰۰
برطانیه ۵,۴۹۶,۰۰۰
روسیه ۵,۴۴۷,۰۰۰
بلجیم ۳,۱۶۵,۰۰۰
لکسومبورگ ۲,۰۵۷,۰۰۰
جاپان ۱,۸۲۰,۰۰۰
باقی ممالک ۹,۲۷۹,۰۰۰

طیاره هاے عالم











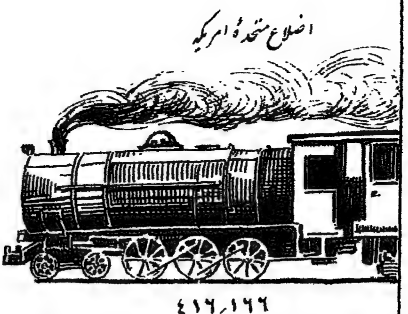








خطوط آهن عالم
بحساب کیلومتر



























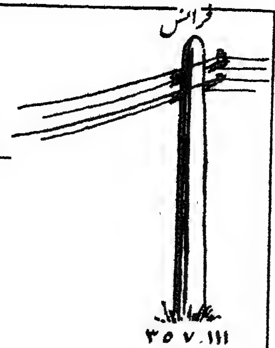


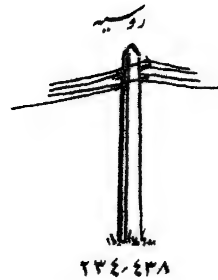


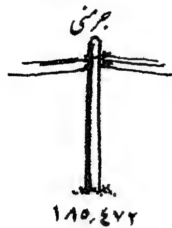


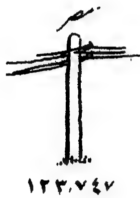
خطوط تلگراف دول

بحساب کیلومتر

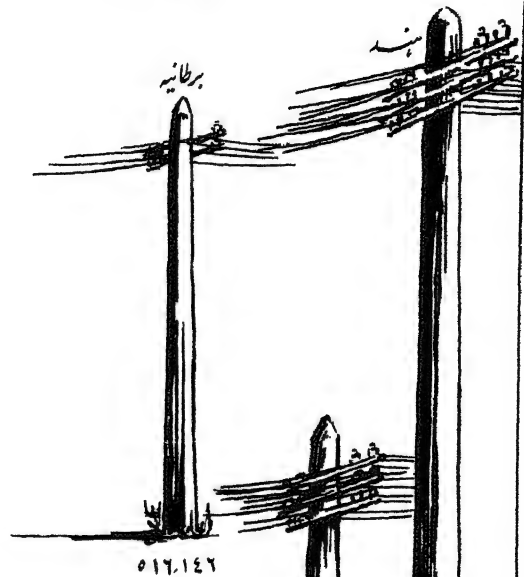


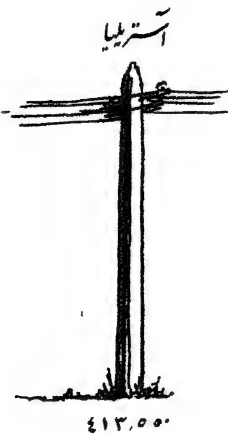






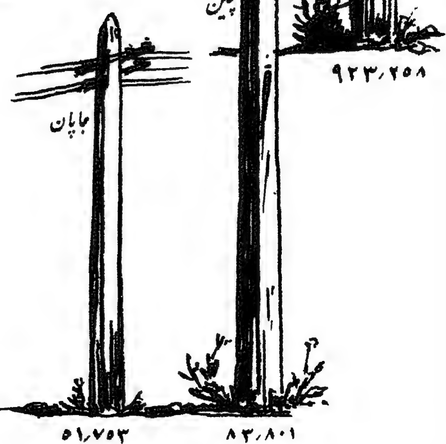


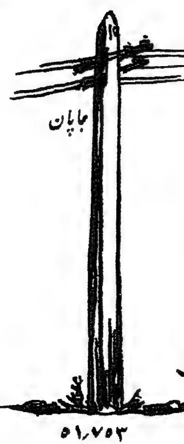






مقیاس اشکال ذیل مختلف است - بغرض مقابلهٔ خطوط تلگراف چین بهر دو مقیاس نشان داده شده است





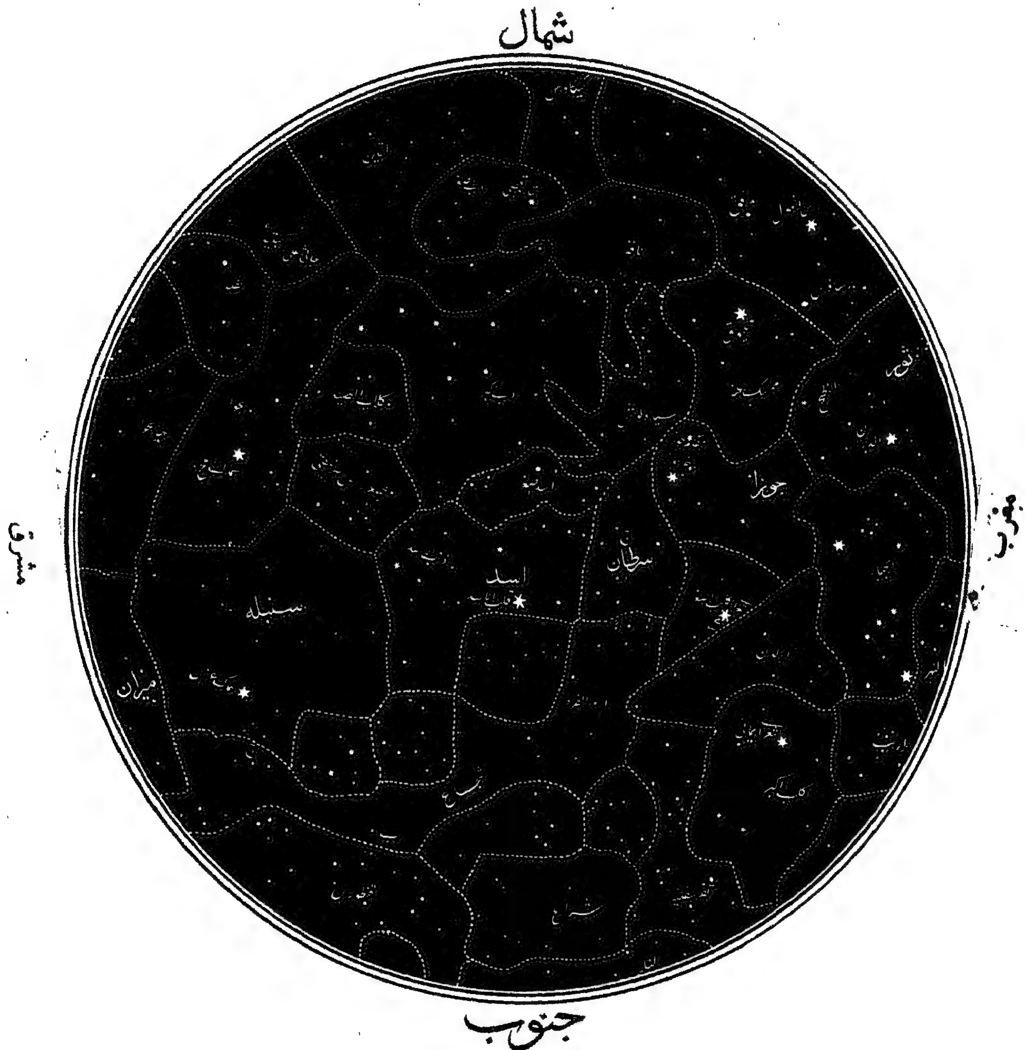






نگاهی بافلاك

درین نقشه ستاره هائی است که به‌اول حمل بوقت نه ونیم بجهٔ شام دیده می شود باید دانست که به ۱۵ حمل همین منظر بوقت ۹ بجه وبه اول ثور به‌هشت ونیم‌بجه دیده خواهد شده درین ماه ها بسیار ستاره ها روشن و قشنگ به نظر می آیند ـ حالات مختصری از مجامع النجوم مشهور در ذیل بیان می شود .



۱ ـ دب اکبر(Ursa Major) یکی از مجامع‌النجوم مشهور فلکی بوده «بنات‌النعش» گفته می شود .
ستاره های مذکور را بواسطهٔ علامات مخصوص آن بسهولت شناخته میتوانیم ، چه بدور آن ستاره های روشن تری بترتیب مخصوص قرار گرفته اند . ستاره های مزبور عبارتند از ، (الف) ـ ظهرالدب ،

(ب)مراق‌الدب (ج) فخذالدب(د) مغزرالدب (ه) الثیه یاالجون (و)مئزر یاالعناق(ی) القایده . امتداد خط‌واصلهٔ ستارهٔا ـ ب ـ به ستارهٔ قطبی منتهی می شود بنابران ستاره‌های مذکور « ها دئین» خوانده می شود وهمچنان ستاره های ه ـ و ـ ی ـ بعضی اوقات بنام بنات‌النعش یاد می شوند .

چون ستاره های مذکور ثابت بنظر میرسند لذا آنها را ثوابت مینامند مگر حقیقةً هر کدام حرکت مخصوصی داشته به سمات مختلفه حرکات مختلفه را انجام میدهد .

باید دانست که ترتیب امروزهٔ ستاره‌ها بعد ازمدت مدیدی بدل شده صورت دیگری رااختیارخواهد کرد، چه فاصلهٔ مابینی آنها بقدر زیاد است که با وجود حرکت سریع شان مدت هزاران سال لازم است تا فرق محسوس‌شود . چنانچه میگویند که بعد از مدت یکصد هزار سال ستاره‌های ا ، ب ، ج بخط مستقیم خواهندآمد.

ستارهٔ مئزر یا العناق:ـ ستارهٔ خوبصورت و قشنگ استو بچشم برهنه ستارهٔ کوچکی موسوم به « سها » را بدور آن میتوان ملاحظه کرد . مردم بواسطهٔ دیدن (سها) میتوانند قوهٔ باصرهٔ اشخاص را امتحان کنند چه چشم های ضعیف ستارهٔ مذکور را ملاحظه کرده نمیتوانند ، اگر بواسطهٔ دور بین ستارهٔ مئزر دیده‌شود معلوم‌می شودکه یك ستاره‌نیست‌بلکه‌ازاجتماع‌دوستارهٔ کوچك تشکیل یافته و هر کدام آنها نیز به نوبت خود از دو ستارهٔ کوچکتر دیگری تشکیل گردیده اند که بصورت واحد جلوه می نمایند حتی بواسطهٔ دور بین قوی هم مجزا نمودن شان دشوار است، ولی بذریعهٔ طیف نما (Spectroscope) توانسته اند این نظریه را به ثبوت برسانند . عجب این است که عربها در زمان قدیم ستارهٔ مئزر را مثنی گفته اند .

مئزر از دوستاره یا بعبارت دیگر دو آفتاب تشکیل یافته است که هر کدام آنها دور دیگربمدت بیست و نیم‌روز گردش می‌نماید وفاصله مابین شان ۵۷ ملیون کیلو متر می باشد مجموعهٔ هر دو بیست چندشمس است .

ستارهٔ مئزراز کرهٔ ارض خیلی دور بوده بعد از مدت ۹۹ سال نور آن بزمین میرسد . بعد آنرا از این حساب که رفتار نور در هرثانیه قریباً (۲۹۹,۵۰۰) کیلومتر است تعین‌میتوان‌کرد.

مئزر در هر ثانیه ۱۳ کیلومتربطرف زمین میلان حرکت دارد اما بعد زیادهٔ آن مدت هزاران‌سال‌بکاردارد که روشنی آن اضافه‌تر بزمین برسد .

ستارهٔ قطبی : ـ بیان شد که اگرخط واصل بین‌ستارهای (الف) و (ب) امتدادداده‌شود به ستارهٔقطبی منتهی می شود ازین است که ستارهٔ مذکور به تنهائی واقع شده وهیچ ستارهٔ روشن دیگر نزدیك آن دیده نمی شود وباین جهت شناختن آن سهل بوده تفحص آن چندان دقتی بکار ندارد .

ستارهٔمذکورنزدیك قطب شمالی‌فلکی واقع بوده‌درهنگام گردش کرهٔ فلکی‌چنین بنظر میرسد که ستارگان بدور آن گردش میکنند، در زمانیکه قطب آسمان ازستارهٔ مذکور فاصلهٔ بعیدی داشت، عربها ستارهٔ مذکور را « جدی » نام نهاده بودند .

۲ ـ برساؤس(Perseus) :ـنام‌این مجمع « حامل‌راس الغول » بوده ستارهٔ(الف) به «مرفق»موسوم‌است که قلب برساؤس میباشد و رأس برساؤ س‌ستارهٔ (ج) است که در یکطرفش شمشیر ودر طرف دیگر آن سرمیداسا میباشدوستارهٔ (ب) « راس‌الغول » است .

ستارهٔ «مرفق»در بین مجره واقع بوده ، بواسطهٔ دور بین اطراف آن خیلی قشنگ بنظر میرسد. سبب دیگرشهرت ستارهٔ « راس‌الغول » این است که ستارهٔ مذکورمتجلی بوده نوبت تغییر آن ۲ روز و۲۱ساعت میباشد وتا ۲ روز ۱۳ ساعت به ستارهٔ قدر دوم نزدیك میباشد . و میتوان گفت که ستارهٔ مذکور مانند ستارهٔ قطبی روشن بوده بعد از ٤ ساعت روشنی آن تخفیف می یابد و در قدر چهارم شامل شده مدت ۲۰ دقیقه دوام میکند وبعد از دو ساعت دیگر بحالت اصلی خود رجوع می‌نماید .

۳ — ثور (Taurus) :- برج دومین بوده مشهور ترین این جمع عبارت ازنسق ثوابت«ثریا» می‌باشد، ستارهٔ (الف)بنام« الدبران » وستارهٔ (ب) باسم«النطح» یادمی‌شوند در بارهٔ ستارهٔ مذکور یونانیان قدیم روایت داده اند :

« وقتیکه (مشتری) خیال تسخیر محبوبهٔ خود (یوروپا) را در دماغ پرورانیده برای حصول مقصد خود دامی گسترانیده خود را بصورت نرگاؤ قشنگی مبدل نموده پئ مطلب خودروان وبدر باغی رسید که (یوروپا)با کنیزان خود درانجا تفرج مینمود ، چون نظرش به نرگاؤ (مشتری) افتاد بلا تامل بران سوار گردید نرگاو فوراً پرواز نموده به جزیرهٔ قبرس فرود آمد ، ازینست که حصهٔ پیش روی آن نرگاو (ثور) درآسمان و حصهٔ ثانوی آن در بحر مدفون است . »

ثریا (Pleiades):-مشهورترین‌ستاره‌های نسق ودروسط‌آن ستارهٔ بزرگی‌بنام «وسط‌الثریا»واقع‌است، (بزبان انگلیسی هر ستاره اسم مخصوصی دارد مگر در فارسی و عربی بی‌نام و نشان است) .

بواسطهٔ دوربین‌کوچك«وسط‌الثریا»به شکل مثلث بنظر میرسد و میگویند که بااین نسق ستارهای دیگری نیز وجودداشت‌که یك جرم آن ناپدید شده،شش جرم دیگر آن بچشم برهنه بنظر میرسد، مگر حقیقتاً تعداد آنها بیشتر بوده و باچشمهای قوی تا ۱۱ جرم مشاهده میشود .

الدبران (Aldeberan) :- ستارهٔ مذکوربصورت فوری بعد از «ثریا»طلوع میکندبدان سبب باین اسم مسمی شده . الدبران از جملهٔ ستارگان قدر اول و نمونهٔ درستی از آنست .

«شعرای یمانی» و«نسرالواقع»نسبت‌بآن‌روشن تر مگر«ذنب‌الدجاجه»و«قلب‌الاسد»نسبت بآن تاریك تر اند .

بتوسط دوربین قوی الدبران مثنی معلوم می‌شود - رنگ آن‌به‌سرخی‌مایل و٥٤ سال‌نوری اززمین دوراست و٥٥ کیلومتر درهر ثانیه می‌پیماید و نسبت بآفتاب سرد تر است .

٤ — جوزا (Geminii):-این‌مجموعهٔ ستاره‌ها مشهور و مقبول بوده «جوزا» نامیده میشود-دوستارهٔ روشن (الف) (ب) « مقدم‌التوامین » و «مؤخرالتوامین » نام دارند .

مقدم‌التوامین (Castor) : - ستارهٔ قدر دوم و در زمانهٔ قدیم ازستارهٔ (ب) روشن تر بود وبدان سبب آنرا درین‌مجموعه ستارهٔ (الف) قرار داده اند .

بواسطهٔ دوربین کوچك این ستاره مثنی بنظر میرسد - مزیت آن این است که هر رکن آن بذات خود مثنی است . و ۱۱٦ سال نوری از زمین فاصله دارد .

مؤخرالتوامین (Pollux) :- ستارهٔ قدر اول و از کرهٔ ارض ۵۱ سال نوری فاصله دارد ، این ستاره از اتحاد شش ستارهٔ دیگر تشکیل یافته هر روزه بنظام شمسی قریبتر شده میرود .

۵ — سرطان (Cancer) : - اگرچه چندان مجموعهٔ روشنی نیست و کدام ستارهٔ روشنی هم ندارد مگرچونکه در منطقة البروج واقع است مشهور است - وقوع آن در برج چهارم و دارای یك نسق ثوابت که به « نثرةالمعلفه » موسوم است میباشد .

اگرستارگان این نسق واضح بنظر بیایند برصافی‌هوادلالت میکند ، ستارگان نثرةالمعلفه به تعداد کم بوده اما بتوسط دوربین نظارهٔ آن خیلی قشنگ است « گلیلیو » تعداد آنرا ۳۶ گفته مگر بتوسط دوربین های قوی تا ۳۰۰ جرم به تعداد مشاهده شده ، ستارهٔ (ز) یك ستارهٔ مثلث است که ارکان آن بتوسط دوربین ملاحظه میگردد .

۶ - اسد(Leo):-درتحت(اسدالاصغر)واقع‌وبرج پنجمین است ستاره های ا-ج-ز-م- و - ر یکجا شده بصورت داسی مشاهده میشوند این مجموعهٔ نجوم در اکثر حصص آسمان ظاهر بوده وچونکه در منطقة البروج واقع است ازان سبب خواه مخواه یکی از سیاره ها همیشه درین مجموعه مشاهده می شود .

ستارهٔ(الف)را«قلب‌الاسد»ستارهٔ(ب)را«ذنب‌الاسد»وستارهٔ (ج)را«الجبهه»میگویند-«الجبهه»ستارهٔمثنی‌میباشد.

قلب الاسد (Regulus) :- ستارهٔقدر اول‌بوده روشنی‌آن یك ثلث‌حصهٔروشنی «نسرالواقع»وسیزدهم‌حصهٔ روشنی«شعرای یمانی» میباشد . «قلب‌الاسد» ستاره ایست‌که نور ازآن در۱۵۰ سال بمامیرسد و۱۰۰۰ برابر شمس حجم دارد .

۷ - سنبله (Virgo) : - یك مجمع‌النجوم بزرگ است برطریق الشمس وقوع داشته دارای بسیاری سحاب (nebula) میباشد .

ستارهٔ (الف) «سماك اعزل» و ستارهٔ (ب) «زاویه» نام دارندستارهٔ (ج) به دوربین مثنی بنظر میرسد .

سماك اعزل :- (Spica) ستارهٔ قدر اول میباشد - فاصله اش اگرچه از زمین بسیار است ولی روشن بنظر میرسد - خیال دارند که روشنی این ستاره هزار چند آفتاب خواهد بود - بعدد دوربین مثنی معلوم میشود که ارکانش درمدت چهار روز گردش میکنند .

۸-دب اصغر(Ursa Minor) :-این‌مجمع‌النجوم‌قریب‌قطب‌شمالی‌فلکی‌واقع‌است ستارهٔ‌مشهورش‌ازقدردوم است که ستارهٔ‌قطبی‌خوانده‌میشود-ستاره‌های(ب-ج)دورستارهٔ قطبی گردش میکنند و«فرقدین» نامیده‌میشوند و ستارهٔ (ج) «اخفی الفرقدین » نام دارد .

۹ - التنین (Draco):-این مجموعهٔ ستاره ها اطراف (دب‌اصغر) را فرا گرفته است ستارهٔ مشهور این (الف)«ثعبان»گفته‌میشوداین‌ستاره‌سه‌صدهزار سال قبل از مسیح ستارهٔ قطبی بوده و در سال ۲۳۰۰۰ مسیحی دوباره‌ستارهٔ‌قطبی‌خواهدشد این نظریه که« ثعبان» ستارهٔ قطبی بوده از اصول بنای اهرام مصری دانسته میشود ببالای(جاثی‌علی‌رکبتیه) چهار ستارهٔ دیگر واقع اندکه«سرتنین» گفته‌میشوند ستارهٔ(ج) را «رأس‌تنین»خوانند.

سبب تبدیل شدن ستارهٔ قطبی این است که قطب گرد یك محور دور میزند ـ قطب دورهٔ خود را در ۲۶هزار سال ختم مینماید ،مقصود اینست کههمان ستاره که امروز بقطب واقع است ۲۶هزارسال بعد باز ستارهٔ قطبی خواهد شد بمروز این زمان ستاره های مختلفه ستاره قطبی خواهند شد .

۱۰ ـعوا (Bootes) : ـ مجمع النجوم بزرگ و درکرهٔ فلکی شمالی به جنوب (دب اکبر) و مغرب(الفکه) جایدارد ـ شکل آن مانند «شبان»بوده وستارهٔ (ب) سرشباناست و(ج) مشابه شانهٔ چپ آن ـ و بدستش تازیانه بوده و به تحت ستارهٔ(ر)پای آن میباشد .

ستارهٔ مشهوز ترین عوا « سماك رامح » است و ستارهٔ (ب) « کعب ذیالعنان » نام دارد .

سماكرامح (Arcturus) : ـ ستارهٔ مشهور قدر اول بوده ، رنگ آننارنجی است ، در هر ساعت ۳۲۰ کیلومتربطرف سنبله میرود ، مگر حرکت مذکور بواسطهٔ فاصلهٔ زیاد در ۱۰۰۰ سال محض نصف درجه میباشد و ۱۳۵ سال نوری فاصله دارد . جسامت آن نسبت بآفتاب از بیست هزار چند هم زیاد است ـ بعضیخیال میکنند کهدر کرهٔ فلکی شمالی« سماك رامح »نسبت بجمیع ستاره ها روشن تراست مگر بعقیدهٔ اکثر مردم « نسرالواقع » نسبت به « سماك رامح » روشن تر است « عیوق » مساوی « سماك رامح » میباشد اسم دیگر آن « حارس » شمالی است .

۱۱ ـ الفکه (Corona):ـ بمشرق «عوا» واقع استویك تاج ازستارههایکوچك میسازد ستارهٔ روشن ترین (الف) « نیرالفکه » گفته می شود که ستارهٔ « قدر » سوم است .

۱۲ـ الجاثیعلیرکبتیه(Hecules):ـمعنی«جاثیعلیرکبتیه» (بسرزانو ایستاده)است ستارهٔ(الف)«رأسالجاثی» نامیده می شود و ستارهٔ (ب) درین مجموعه از کل ستارها روشن تر است و بمثابهٔ شانهٔ راست آن می باشد و(د) شانهٔ چپآن است «رأسالجاثی» خیلی قشنگ وستارهٔ مثنیاست،اگربدوربینیکه ۳ انچ قطر داردملاحظه گردد ستارههای این دسته جدا جدا معلوم می شود .

۱۳ ـ کلب اکبر (Canis Major) : ـ بجنوب مشرق(الجبار) يكمجموعهٔ ستارههای معروف است شکل سگ را اختیار کرده اند . ستارهٔ (الف) را « شعرای یمانی » میگویند و ستارهٔ (ب) را « مرزم یمانی » گفته می شود ، ستارهٔ (د) « العذرا » نام دارد .

شعرای یمانی : ـ(Sirius) در تمام ستارهای آسمان روشن تریناست رنگ آن نیلگون بسفیدی مایل در اثنایدرخشیدن رنگ آن کم وزیاده میگردد، روشنی آن از «الدبران» ۱۲ چندافزونتروازآفتاب ۲۰ مرتبه زیاده روشنی دارد . حرارت آن نیز از آفتاب زیاد و فاصلهٔ آنهشتونیمسال نوریست ـ نزدیکترین ستارهٔ بما بوده درهرثانیه ۸ کیلومتربما نزدیك میشود ، از سوماسد تاسیزدهم عقرب طلوع این ستاره و شمس بیکوقت میباشد و روز های مزبور را « ایامالکلب » نامند این ستاره هم مثنی است .

۱۴ ـ کلباصغر (Canis Minor) : ـ مجمع ستاره های کوچك است درینمجمع «شعرایشامی» ستارهٔ «قدر» اول است وفاصلهٔ آن ازنظام شمسی ۱۰ سال نوریست. حرارت آن از «شعرای یمانی» کمتر مگر ازشمس زیاده تر اشت درهر ثانیه چهارکیلومتر بزمین قریب شده میرود . و ستارهٔ (ب) را « مرزم شامی » گویند .

۱۵ — الجبار (Orion): — روشن ترین مجمع النجوم سماوی بوده ؛ اکثر ستارگان از قدر اول ودوم میباشد :

نام ستارهٔ (الف) « ابطالجوزا »

« « (ب) « رجل الجوزا »

« « (ج) « منکب الیسرا »

ونام ستارهٔ(د) «منطقةالجوزا»بوده ستارهٔ مثنی میباشد و بادور بین کوچك ارکانش یگان یگان دیده میشود. ستارهٔ (ك) بنام « سیف الجوزا » معروف است.

ابطالجوزا (Betelgeuse) : — ستارهٔ قدر اول بوده و تنها ستاره ایست که درروشنی آن تغیرات مشاهده میشود ، میعاد تغییر آن ۲۰۰ روز بوده ، باوجود تغیرات ستارهٔ مذکور از قدر اول است، رنگ آن نارنجی و فاصلهٔ آن ۱۰۰ سال نوری است .

رجل الجوزا (Rigel): — ستاره ایست نیلگون بسفیدی مائل، فاصلهٔ آن ٤٥٠ سال نوریست، بتوسط دوربین مثنی معلوم میشود .

سحاب الجبار : — ستارهٔ (ت) که دروسط « الجبار» واقع است مشتمل برچهار ستاره یعنی مربع میباشد بتوسط دور بین سادههم ملاحظه میشود مگر بواسطهٔ دوربین قوی بسهولت مشاهده میگردد، این ستاره بفاصلهٔ ملیونها کیلومتر واقع است .

۱٦ — النهر(Eridanus):- از «رجل الجوزا» شروع شده بطرف «قیطس» بصورت یك قطاردرازستارگان امتدادیافته ، ستارهٔ (الف) بنام« آخرالنهر»(Acherener) وستارهٔ (ب)بنام «کرسی»مشهور است وستارهٔ (ج) که مثنی میباشدباسم«زورق»موسوم است «آخرالنهر» ازستاره های قدراول بوده وبافق جنوبی بنظر آمده بعد از لحظهٔ غائب میگردد .

۱۷ — ممسك الاعنه(Auriga):— مجمع النجوم مشهور وستارهٔ (الف) «عیوق» نیز شهرت دارد. ستارهٔ (ب) باسم « کعبهٔ ذی العنان » یاد می شود .

عیوق (Capella):- معلوم کردن این ستاره در آسمان سهل است چراکه این ستاره قریب سه ستارهٔ دیگر است که بشکل مثلث متساوی الساقین میباشد .

رنگ آن سبز مایل بزردی و جرمش از شمس بزرگتر میباشد واز قدر اول بوده و اگر احیاناً شمس درین فاصله وقوع میداشت دارای قدر پنجم و یا ششم ستارگان میبود .

«عیوق» ستارهٔ مثنی بوده ٤۹ سال نوری دور و در هر ثانیه قریباً یك کیلومتر از زمین دورشده میرود.

۱۸ — قنطورس (Centaurus) :- مجمع النجوم بزرگ و از قریب خط استوا بنظر میرسد ـ ستارههای شمالی آن نیزبنظر میآیند ستارهای (الف) ـ (ب) قدر اول میباشند وستارهٔ(الف) را «رجل قنطورس»

مینامند، (ب) نزدیك آن واقع است. ستارهای مذکور بالای افق کابل بنظر نمی آیند و «رجل قنطورس» نسبت به تمام ستاره‌ها نزدیك بآفتاب واقع است ـ فاصلهٔ آن ۳؟٤ سال نوری و مثنی میباشد ـ ارکان آن بدوران ۸۱ سال گردش میکند و «رجل قنطورس» برابر شمس جسامت دارد.

۱۹ — سفینه (Argonavis) : ـ مجموعهٔ ستارگان زیاد بوده بواسطهٔ زیادتی تعداد آن به چهار حصه منقسم میشود ازینقرار :

« تفر سفینه » ، « دقل سفینه » ، « شراع سفینه » و « لنگر سفینه » .

بزرگترین وروشن ترین ستاره درین‌مجموعه ستارهٔ «سهیل» است هرچند ستاره‌های روشن‌دیگر هم درین مجموعه هستند مگر بسبب قرب به افق جنوبی چندان روشن بنظر نمیرسند .

سهیل— (Canopus) :ـ بلحاظ روشنی بعداز «شعرای یمانی» قرار گرفته درثانیه ۱۹ کیلومتر بعد اختیار میکند و فاصلهٔ آن هنوز معلوم نشده . بهر کیف از ۳۰۰ سال نوری بیشتر است ـ جسامت آن از شمس زیاده بوده لااقل ۶۰۰۰ چند شمس خواهد بود،ستارهٔ مذکور آنقدر بزرگ است که نظیرندارد و از افق جنوبی عبور نموده مانند چراغ افروخته بنظر میرسد .

۲۰ ــ شجاع (Hydra) : ـ این مجمع النجوم خیلی طویل بوده و یك ربع سما را فرا گرفته مگر عرض‌آن کمتر بوده مانند اژدها معلوم میشود ، سر این اژدها در تحت (سرطان) ومغرب(اسد) بوده تاد نبالهٔ برج (عقرب) امتداد دارد .

بعضی اوقات ستارهٔ (الف) را «الفرد» خوانند، شاید بدان سبب است که ستارهٔ مذکور در خط‌ستارگان کم نور جلوه میکند و اسم دیگر آن «قلب‌الشجاع» بوده بتوسط دوربین قوی ساوی مثنی بنظر میرسد .



بقلم سید قاسم خان مترجم
انجمن ادبی (۱)

تاریخ مختصر هوابازی

فکر پرواز در هوا و تسخیر طبقات جویه از بدو تکوین در دماغ بشر جایگیر ومتمکن بوده است وهمین شوق یا آرزو از زمانه های قدیم یکی از مشغولیات مهمهٔ انسان بشمار میرفته و راجع به این فکر درهر دوره تحقیقات و اظهارات بعمل آمده است ، برای اثبات این دعوی که فکر هوا بازی وتسلط برفضا از تاریخ بسیار دوری درمغز بشر جاداشته ، ذکر قصهٔ کیکاؤس و نمرود درقرون قبل المیلاد که میخواستند برای جنگ باخدا (العیاذبالله) بآسمان بروند و به این مقصد محفهٔ را به دوش چهارمرغ (عقاب) بسته بالای سر آن ها پارچه های گوشت آویخته بودند تا عقاب ها از مشاهدهٔ گوشت برای رسیدن بآن رخ به بالا صعود کنند ، کافی خواهد بود .

ولی اگر این دلیل مکفی شمرده نشود تشریحات دیگری هم موجوداست که برای مزید معلومات و اثبات این ادعا ذیلاً ذکر میشود :

مصریها دو هزار سال قبل در افسانه های خود اسم و تصویر انسانی را که بواسطهٔ



فکر پرواز درهوا : ـ صفحهٔ از کتاب قلمی قرن شانزدهم عیسوی

(۱) از کتاب « تاریخ هوا بازی » که از طرف مجلهٔ ایلوستراسیون فرانسه . بطبع رسیده ، اخذ شده است .

بال پرواز میکرد ذکر نموده اند ، هندی‌ها وچینی‌ها درهمان تاریخ عقیده داشتند که ارباب انواع شان بواسطهٔ ماشینی که بقوهٔ سحر بحرکت می‌آید سوی آسمان پرواز مینمایندچنانچه نقشهٔ این ماشین درکتب قدیمی هنود وچینیان موجود است .

مردم هند چینی درزمانه های بسیار قدیم کاغذ پرانهای مقوائی مکعبی میساختند و میان آن چراغ روشن کرده بقوت باد بهوا بلند میکردند .

اوروپائی های قرون اولی هم شیطان را بال دار میدانستند و کاغذ پران را میشناختند .

خلاصه اینکه بشر از زمانه های بسیار پیش یعنی هر طائفه در زمان اقتدار خود که آرام و متمول بوده این فکر را درسر داشته ودران خصوص تحقیقات کرده یا اشیائی ساخته است که ساختمان آنها اعتقاد ایشانرا به پرواز در هوا واضح مینماید .

یك نفر مسلمان اندلسی در زمان عبدالرحمن ثانی (قرن نجم) درمدینة الزهرا برای خود بال ها ساخته از بالای کوهی خود را بزیر انداخته و بواسطهٔ بالهای مذکور سلامت بزمین رسیده این اولین تجربه بود که بعمل آمد .

ولی مهمتر و قیمتدار ترین تحقیقات مربوط به پرواز بشر درفضا بواسطهٔ فیلسوف و صنعتگر معروف دور احیای علوم Renaissance ایطالیا یعنی لئونار دو ونسی Léonard de Vinci بعمل آمده ومیتوان گفت که ترقیات و کامیابی های امروزهٔ بشر در دائرهٔ طیاره رانی و هوا بازی از برکت افکار اوست .

مفکورهٔ فنی لئونار دو ونسی راجع بامکان پرواز در هوا :

لئونار دوونسی نقاش وفیزیك دان معروف ایطالیا دردورهٔ «رنسانس» ازابتدای عمر مساعی خودرا به تحقیق امکان پرواز بشر در هوا ، موقوف داشته پس از مطالعات عمیق و تحصیل علم الطیور و علم الحشرات و تفکر در اطراف ساختمان جسمی هر پرنده وتعمق درکیفیت وچگونگی پرواز واینکه بواسطهٔ کدام آلات (اعضاء) پرندگان پروازکرده‌میتوانند بالآخره درسنهٔ ۱۶۰۷ کتابی راجع به پرواز درهوا تألیف کرده و دران بالصراحه نوشت که انسان درهوا پرواز کرده میتواند وضمناً بعضی آلات را تشریح داد .

لئونار دو ونسی ابتداء تعبیهٔ بالهائی را که بقوت دست وپای انسان حرکت کند ، مد نظر داشت ولی دراخیر کتاب خود ازین فکر منتقل شده صریح نوشت که انسان بواسطهٔ ماشینهای فنری وغیره اقتدارپرواز درهوا را پیدا خواهد کرد . نقشه ها ونظریات این شخص بحدی صحیح ودقیق است که هر یك ازعلمای مابعد برای افکار شخصی خود سنجشهای او را اساس صحیح قرار داده اند حتی کسیکه ٤۰۰ سال بعد طیاره را ایجاد میکرد هم ابتدا افکار لئونار را مورد مطالعه قرار داده ازروی تحقیقات و تدقیقات او نظریات خود را تکمیل نمود .

بعد از او درسنهٔ ۱۶۷۰ یك نفر ژزویت موسوم به فرانسو در شهر برسیا (ایطالیا) دراطراف نظریات لئونارد تحقیقاتی نموده وبالنتیجه نقشهٔ یك کشتیٔ طیاره را ترتیب داد .

کشتی مذکور عبارت از یك بدنهٔ شبیه به زورق های معمولی بود که بالای آن باد بانی برای تسهیل فرود آمدن و جلوگیری از سقوط فوری تعبیه کرده ودر دوطرفش دوعدد جپه پارچهٔ برای حرکت دادن بواسطهٔ دست وپای ساخته بود وعلاوه برین مخترع منبور در اطراف کشتی ٤ دانه کلولهٔ جستی تیار کرده و مدنظر داشت که ابتدا از سوراخ بالائی درگلوله ها آب ریخته آنها را پرکند وبعد سوراخ بالا را بسته از مجرای پائین آب را بکلی کشیده ودرجوف کلولهٔ مذکور خالیگاه تولید نماید یعنی هوای آن را بکلی بکشد تا کشتی سبکتر از هوا شده به کمك جپه وباد بانها بلند شود . اگرچه این نقشه روی کاغذ و درمغز مخترع ماندهعملی نشد ولی فکر عالم مذکور که بقسم بسیار ساده خلا را تولید می کرد ، بسیار قابل تقدیر میباشد .

کمی بعد بسنیهٔ Besiner فرانسوی آلهٔ دیگری برای پرواز انسان ساخت و آن عبارت از دومیل چوبی بود که در دوطرف آن شاه پرهای پارچهٔئی تعبیه شده بود وبسنیه فکر میکرد که انسان هریك ازین میلها را که کمر آن بواسطهٔ فنر فلزی قات شده میتوانست بیك دست گرفته شاه پرهای پیش روی را بادستها ، وشاه پرهای عقب را بواسطهٔ ریسمانیکهبپاهای خود بسته،همراه پای حرکت دهد ، این فکر هم جز بواسطهٔ مخترع آنهم در منزل خودش مورد تجربه قرار نگرفت وتااینوقت عوامالناس وسلاطینی که راه کامیابی علمای مذکور را درین راه مسدود می پنداشتند چندان توجهی بافکار ونظریات ایشان نمودند .

ولی در سنه ۱۷۰۹ گوسماو Gusm ave ، پرتگالی ماشین طیار ایجاد کرده و آن را به حضور شاه پرتگال ژان پنجم تجربه نمود .

ماشین مذکور مشتمل بر یك سبد و ٤ بال و یك باد بان بود که بقوتحرکت دادن ریسمان ها از زمین بحرکت در آمده و بلند می شد . اما اینقدر بود که انسان درینماشین نشسته نمیتوانست ، تجربهٔ اینماشین بصورت بسیار بی اهمیت صورت گرفت زیرا فقط دوسه ذرع از زمین بلند شد و پس ازان بزمین خورد .

این پیش آمد چندی علما را مکدر ساخته وآنها را مورداستهزاء عوامالناس قرار داد بقسمیکه درظرف تقریباً نیم قرن هیچکسی بفکر ساختن ماشین طیار نیفتاده و اگر هم علما این فکر را تعقیب می کردند بطور خفیه و در داخل منزل خود شان بود نه در محضر عام .

ترقیات هوابازي و افکار علما در نیمهٔ دوم قرن ۱۸ :

بقسمیکه در فوق ذکر رفت در نصفهٔ اول قرن ۱۸ تحقیقات هوابازی که از چندی قبل در تمام مراکز اوروپائیاهمیت یافته بود معطل ماند تا آنکه در۱۷۵۷ جان چایلد John child امریکائی بالها تیار کرد و خودرا ازارتفاع برج کلیسای شهربوستون Boston بپائین انداخته بکمكبال های فوقالذکر از سقوطفوری جلوگیری نموده چند صد قدم را در هوا بر فراز شهر طی کرد .

این دومین تجربهٔ بود که بواسطهٔ انسان در هوا صورت گرفت .

بعد در ۱۷۷۲، اسفورژ Esforge فرانسوی یك سفینهٔ طیار را نقشهکرد. بفکراو اینماشین ، عبارت بوداز یك سبد (نشیمن گاه)، دوبالمتحرك که بواسطهٔ دست، بسیار زود زودحرکت کند، یك پاراشوتی کهاز

سقوط فوری جلوگیری نماید ، افکار اسفورژ بسیار متین مینمود ، و خودش چندین بار ماشین خود را تجربه کرد ولی بفاصله های بسیار کوتاه ، اسفورژ در اخیر عمر خود کتابی نوشته و دران شرح داده که ماشین مذکور اگر تکمیل شود در ساعت صدکیلومتر،در روز هزارکیلومتر طی مسافت خواهد نمود . اسفورژ برای پیلوت کلاه گوش پوش و عینك را لازم می دید .

چندی بعد در۱۷۸۱ بلا نشار Blanchard ، فرانسوی کشتی طیاری را که ٤ بال، دوبرای دست‌ودو برای پای، داشت نقشه کرد ، ولی کامیاب نشد .



بالون دیریژابل — اختراع بلانشار سنه ۱۱٦۰ ش

در همین اوقات در انگلستان بلیك Black ، در جینوا باربیه دو تینان Barbier de Tinan و ولتا Volta راجع به تیار کردن بالون غازدار تحقیقاتی کردند ولی بالآخره در ۱۷۸۳ دوبرادر فرانسوی موسوم به شارل مونتگولفیر Ch. Montgolfière و اتین‌مونتگولفیر Etinne Montgolfière تحقیقات‌قدیمهٔ اشخاص مقدم الذکر را موردنظر واساس قرارداده بالونی ساختند که میان آن با دود پر میشد چون دود از هوا سبکتر است عقیده داشتند که کامیاب شده اند در حقیقت هم این اختراع ایشان راه کامیابی را برای بشر باز کرد ، در ۱ کتوبر ۱۷۸۳ اتین مونتگولفیر، بالونی از پارچهٔ ابریشمی ساخته میان آنرا با دود پرکرد و آنرا بحضور لوئی ۱٦ پادشاه فرانسه و ماری آنطوانت ملکهٔ آنعصر ، بهوا بلند ساخت ، و چون کامیابی او باعث جوش و هلهلهٔ ملی‌شده و کنجکاوی عمومی را تحریك نمود هر دو برادر مذکور بفکر افتادند که دربالون برای نشستن خود هم جائی تعبیه کنند .

سفر هوائی دربالون :

درخزان۱۷۹۳، اول اتین مونتگولفیر وبعد پیلاتر دوروزیه Pilatre de Rosier دربالون خود جائی برای نشستن انسانها تیار کردند و بتاریخ ۱۹ اکتوبر پیلاتر دوروزیه بالونی از ابریشم‌که ۸۰ قدم‌بلندی‌داشت ساخته ۲۵۰ متر بلند شد و۵دقیقه و٤۵ ثانیه در هوا دوام کرد. این کامیابی همهمهٔ بزرگی را درمردم تولید

کرده تمام مردم پاریس برای تماشا حاضر شدند . پیلاتر تجربهٔ خود را تجدید کرده همراه یکنفر معاون خود ۳۲٤ متر بلند شد .

پس ازان در ۲۱ نومبر همان‌سال‌هوانورد مذکور بهمراهی کونت دارلاند Comte d'Arlandes یکی از اعیان فرانسه ۲۵ دقیقه پرواز نمود. این دفعه بالون ایشان ۷۰ قدم بلندی، ٤٦ قدم قطر، ۲۲۰۰متر مکعب حجم وقریباً ۸۰۰ کیلوگرام وزن‌داشت وروی پارچه راج مالیده بودند تا هوا بداخل آن‌نفوذ نکند این بالون ۲۵ دقیقه در هوا دوام کرده ۱۲ کیلومتر مسافت را در اطراف پاریس پیمود ، و بعد بدون صدمه در آبادی فرود آمد .

بالون مزبور را با دود پرکرده و هم بالای سبد نشیمن خود یکمقدار زیاد کاه و هیزم حمل کرده‌بودند ودائم کاه مذکور را آتش‌کرده دودآنرا به بالون‌داخل‌میکردند تا از باعث کم شدن دود بالون فوری‌سقوط نکند. بالون پردود بیش ازچند روز دوام نکرد زیرا در اول دسمبر ، شارل وروبر Charles ، Robert دونفرجوان فرانسوی صعود بالونرا بواسطهٔ غاز هایدروجن تجربه کردند و بالون ایشان ۳ساعت و۵دقیقه در هوا طیران داشت ، جوانان مذکور مخترع اصلی بالونهای هاید روجن که تا امروز دوام کرده بشمار می آیند و همین اشخاص‌یکقسم وارنش را برای مسدود ساختن منافذ جلد بالون ایجاد کرده، استعمال ریسمان، سبد نشیمن چوبی (بافتگی) ، سرپوشک برای جلوگیری ازخروج غاز که بعدها اساس بالونهای هایدروجن شد ، بواسطهٔ این دو نفر بعمل آمد .

بالونهاي ديريژابل (قابل‌رهنمائی) :

بلانشار معروف تحقیقات خود را در اواخر سال ۱۷۸۳ به اتمام رسانیده ، بالون دیریژابل یعنی بالونهائیرا که بتیل‌پیلوت قابل‌رهنمائی باشند اختراع کرد ، ودربالون پروانه (آلهٔ دوار مقابل طیاره) تعبیه نمود که‌بواسطهٔ حرکت دادن آن بیک سمت، بالون به سمت دیگر میل کند .

برون Brown جرمنی در همن اوقات این قسم بالون را تکمیل نمود بقسمیکه بالونها بزیر اختیار آمدند و انسان هر طرف میخواست بتیل خود رفته میتوانست .

سال بعد گراوین Greiwn در بالون برای ادارهٔ آن بعلاوهٔ پروانه ، دوتاجیه هم ساخت .

اولین قربانی هوا بازي :

پیلاتر دوروزیهٔ هوا باز مشهور فرانسوی بتاریخ ۱۵ جون ۱۷۸۵ ، از بالون افتاده مرد .

اختراع باراشوت :

گار نرم Garnèrm بتاریخ ۲۳ اکتوبر باراشوت را ، اختراع کرد ، باراشوت مثل چتری معمولی یك آلهٔ است که انسان بواسطه آن از ارتفاع زیاد بدون خطر پائین شده میتواند .

هوا بازی در ابتدای قرن ۱۹ :

روبرت‌سون (RobertSon) باشندهٔ همبورگ جرمنی در سال ۱۸۰۴ در بالون سکان‌دار (قابل رهنمائی) بارتفاع ۷۳۰۰ متر صعود کرده، در هوا راجع به‌برق تحقیقات نمود. گای‌لو ساك (Gay Lesac) فیزیك دان معروف فرانسوی درپروازهای‌خود ، در خصوص مقناطیس ، فیزیك و تشریح تحقیقات بعمل آورد .

جارج گایلی و طیارهٔ ماشینی :

در ۱۸۰۹ ، جارج گایلی (G. Gayli) عالم‌متبحر انگلیسی پس از مطالعات دقیقانه و صرف یك عمر، کتاب مفصلی راجع به ماشین طیار تقدیم انجمن علوم لندن نمود ، این عالم را میتوان بانی فکر ساختن طیارهٔ ماشین دار امروزی دانست ، گایلی در خصوص طیاره چنین میگوید :

کامیابی به‌ساختن طیارهٔ که من مدنظر دارم بکشف حقایق ذیل مربوط است « برقرار کردن نقشهٔ یکوزن فرضی ، که بواسطهٔ قوهٔ قابل ، برای مغلوب‌ساختن مقاومت هوا تحریك شده باشد . »

گایلی مدنظر داشت طیارهٔ ساخته شود که بواسطهٔ ماشین بخاری یاتیلی (روغن قطران) یاروغن گیلو بود « کبریت » متحرك شود .

افکار راسنیه و ژاکوب :

ابتداء راسنیهٔ (Rasnier) فرانسوی وبعد ژاکوب (Jacob) ساعت‌سازسویسی بفکر تیار کردن ماشینی افتادند که بقوت فنرهای‌شبیه به فنر وماشین ساعت طیاره را بلند کند .

راسنیه با ماشین خود ٦٨ متر مسافه را در حالیکه از زمین ۳۰ متر بلند بود طی کرد . و ساعت ساز سویسی بالی ساخت که با ماشین ساعت حرکت مینمود و بال های خود را در ۱۸۱۳ در پاریس و در ۱۸۱۷ در وین تجربه کرد .

اهمیت و خدمت بالون ها در محاربات عصري :

از سنه ۱۷۹۳ بالون را برای کشافی وشمولیت درجنگ تخصیص دادند . اولین بار بالون به محاصرهٔ مایانس در ۱۷۹۳ (جنگهای بعد ازانقلاب فرانسه) برای کشافی و قاصدی کار داد ، و بعد در سال جنگ الجزیره قشون فرانسه یك بالون را بافریقا برد . در محاصرهٔ میلان (بواسطهٔ اطریشیها) بالون کاغذی اعلانات را که بواسطهٔ اشتعال یك کبریت ، خود بخود از بالون می افتادند ، منتشر نمود .

در سنه ۱۸۰۳ فرانسویها خواستند بواسطهٔ بالون در خاك انگلستان داخل شوند .

در سنه ۱۸۱۲ لوپیچ (Lepich) المانی بالونی از مس نازك مخصوص برای جنگ ساخت .

در سنه ۱۸٤۹ بمب بواسطهٔ بالون انداخته شدولی انجنیرها مدنظرگرفته بودندکه دربالون‌کسی نباشد وبمب در دقیقهٔ معین منفلق شود . بدبختانه در اثر عدم سنجش از تمام بمبها که دران روز در بالون گذاشتند فقط یك

بعب در موقع اردوی دشمن افتاده باقی واپس باردوگاه خود فرانسویها مراجعت کرده در آنجا افتاد و خسارت زیاد رسانید .

اولین پرواز های هوائی در ممالك دور دست :

لوئی ۱۶ برای امپراطور چین ۱۶ عدد بالون کوچك (که بدون داشتن پیلوت برای نمایش بلند میشد) تحفه فرستاد وبلند شدن این بالون ها دران مملکت هیاهوی غریبی تولید کرد .

لیپروز در چیلی (امریکای جنوبی) بالون برده در هوا پرواز نمود ، و موجب حیرت و شگفت کل اهالی شد .

پرواز از یك مملکت بدیگر مملکت :

چارلس گرین (CH. Grein) لندنی در سنه ۱۸۳۶ یك بالونی که ۲۵۰۰ متر مکعب حجم داشت از پارچهٔ ابریشمی ساخت و آنرا از لندن پرواز داد و خودش همراه یکنفر سیاح دران نشسته جانب مشرق حرکت کردند ، ازبحرمانش گذشته شمال فرانسه را عبور کرده از راه بلژیك و آلمان به ناسو (المان) فرود آمدند ، پرواز ۱۸ ساعت دوام کرد و درین مدت ۶۰۰ کیلومتر مسافه طی شد .

علاوه برین گرین پروانهٔ موازنه وسکان صحیح ساخت .

گرین کسیست که بالون را تکمیل نموده ومسافرت های طولانی را دربالون ممکن ساخته .

اختراع بالون بیضوي :

مونك ماسون (Monc Maçon) فرانسوی درسال ۱۸۴۳ بالون بیضوی شکل از رقم دیریژابل اختراع کرد که پروانهٔ آن بواسطهٔ ماشین فنری مثل ساعت حرکت میکرد و بخواهش هرسوراننده میشد این اختراع را درسال ۱۸۸۴ بارتریژ (Bartrige) فرانسوی تکمیل نمود .

بعدازین بالونهای بزرگ ساخته شد . دلامارن(Delamarne) فرانسوی وماجوربومونت(MajorBeaumont) انگلیسی ازجملهٔ پیلوت های ماهر آخر قرن ۱۹ بشمار میروند .

اولین بالون در ممالك اسلامی :

در موقع عروسی محمد علی پاشا باملکهٔ عادله ،قوباش نام تورکی الاصل بالونی ساخته درمجلس عروسی آن را درشهر قسطنطنیه پرواز داد (۱۸۴۵) .

اولین پرواز هوائی از بالاي کوه آلپ :

فرانسیسك اربان (F. Arban) فرانسوی در ۱۸۴۹ تنها دربالونی نشسته از مارسیل حرکت نموده پس ازعبوراز ارتفاع ۴,۰۰۰ متر(کوه آلپ) فردای آن درشهر تورن (ایطالیا) فرود آمد .

تجربه های ماشین طیار :

در ۱۸۴۳ و ـ س هنسن (W-S-Henson) انگلیسی بفکر طیارهٔ ماشین‌دار از رقم ماشین بخار، افتاد ودرین خصوص مطالعاتی بعمل آورده افکار خود را بعلمای آنزمان ارائه داد این شخص نقشه های واضح ودقیق کشیده بود سال بعد لوبریهٔ (Leberrier) فرانسوی ماشین بخار کوچك ساخته تجربه کرد و با ماشین مذکور چند متر بلند شد .



تجربه پرواز در هوا — اتولیلیانتال

چهارسال بعد سترنگفلوو (Stringfelow) جرمنی از روی نقشه های دو نفر مذکور ماشین خوبی ساخته آنرا پروازداد ولی درتمام این پروازها طیاره فقط چند متر بلند شده مسافت کوتاهی را طی مینمود .طیاره هم عبارت بود از یك آلهٔ دو باله (یك بال یکطرف و یك بال طرف دیگر) و یك ما شین بسیار کوچك .

درسال ۱۸۸۳ تیساندیهٔ (Tissandier) فرانسوی درکتابی ساختمان ماشین‌طیاررا تشریح کرده‌برمعلومات علما افزود .

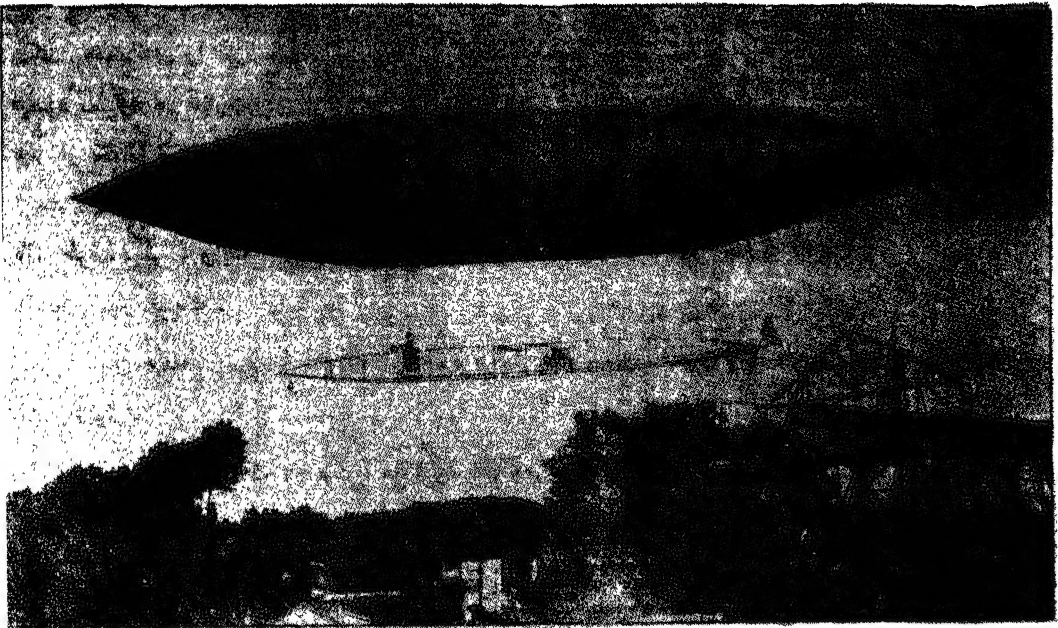
این شخص در سنه ۱۸۹۶ یك بالون بیضاوی شکل ماشین دار ساخته پرواز داد و باین قسم قوه ومقاومت بالون را مضاعف ساخت این اختراع را میتوان ابتدای دیریژابل های عصری دانست .

ولی کسیکه بیش‌ازهمه فکر پروازدادن ماشین‌بخاری‌را دردماغها قوت‌داد کلیمان‌آدر (Clement Ader) فرانسوی بود (در ۱۹۲۵ وفات یافت)این شخص مطالعات دقیق درعلوم هوابازی وطیاره سازی‌بعل آورده تجربیات قیمت داری را صورت‌داد وبالآخره درسال ۱۸۹۶ یك‌طیارهٔ کوچك‌بشکل پرنده‌های (آلباتروس) ساخته ماشین بخاری‌کوچکی رادران نصب‌نمود ، وطیارهٔ خودرابحضور جمع بزرگی‌تجربه کرد، باین‌قسم‌که پیلوت دروسط خود را آویخته موازنه را بواسطهٔ پاهای خود اداره میکرد، و اگر میخواست بطرف راست برود هردو پای خودرا براست میگردانید وهرگاه بچپ گشتن میخواست پاهای خود را جانب چپ حرکت میداد ، آلهٔ طیاره را ازبلندی تپه حرکت داده باین قسم آنرا در پای تپه چندقدم بلند میکردند .

ودرین پرواز ۵۰۰ متر بلند شده پس ازطی مسافتی دوباره نزول نمود. کلیان آدر ، در زمان پیری خودهم راجع بطیاره رانی کتاب ها نوشته است بعد ازاوتولیلیانتال (Ottolilianthal) فرانسوی درخصوص امکان پروازدادن ماشین های ثقیل تراز هوا تدقیقات علمی بعمل آورده درسال های ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ چندین بار طیاره های بخاری ثقیل ترازهوا را تجربه نمود .

ترقی دیریژابل :

بالون دیریژابل (قابل رهنمائی) در اواخر قرن ۱۹ ترقی زیادی کرد، چنانچه کوکسول (Cocsol) انگلیسی بواسطهٔ یك دیریژابل بارتفاع ۸۸۰۰ متر بلند رفت و تحقیقات علمی (فیزیکی) خود را درطبقات بلند انجام داد .



بالون دیریژابل، اختراع سانتودوموند

عکاسی ازهوا :

ابتدای عکاسی از هوا را نادار (Nadar) عالم فرانسوی اختراع کرده و در سال ۱۸۵۹ عکس های اولی را از بالون برداشت .

بالونهای بزرگ و بخاری درجنگ :

چنانچه در قبل ذکر رفته از اواخرقرن ۱۸ بالونها را برای امور جنگی استعمال کردند ولی در آخر قرن ۱۹ که بالونهای قابل رهنمائی وبالونهای بخاری و غیره ترقی زیاد پیدا کردهاین فکر قوت گرفت و هر مملکت برای خود ادارهٔ هوا بازی جنگی که امروز بشعبهٔ فلوت هوائی نظامی موسوم شده تأسیس کرد .



زیپلین L-Z-8 ارساز دویچلند دیریژابل معروف المان

انگلیس ها در ۱۸۷۹ در جنگهای افریقا و فرانسویها در۱۸۸٤ درجنگ تونکن (هندچین) وایطالیائیها در محاربهٔحبشه ازبالونها برای بماردمان و کشافی و پسته و غیره کار گرفتند .

مساعی علماء فرانسه وجرمنی در آخر قرن۱۹:

در سالهای اخیر قرن ۱۹ کلیمان آدر فرانسوی ماشین بنزین را امتحان کرده ، طیارهٔ بقوت ۳۰ اسپ و ۳۲ کیلو وزن تعمیر نمود .

درجرمنی درهمین‌سالها جنرال فردیناند کونت‌زیپلین (Gal. Ferdinand. C. Zeppelin) بالون بیضاوی‌الشکل ازقسم دیریژابل تیار کرد که برخلاف تمامی بالونها جلد داخلی آن از پارچه و جلد بیرونی آن‌ازیکورق آلمونیم بسیار نازك بود و درین بالون ماشین بنزین تعبیه کرد تجربه های کامیابانه را انجام داد، بزرگترین بالونی‌را که دران‌آوان ساخت ۱۲۸ متر طول و دو انجن از رقم ۱۵ اسپ قوه داشت .



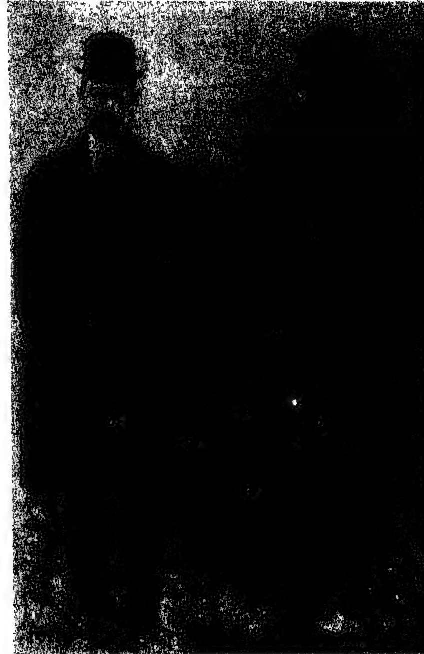
کونت فردیناند فون زیپلین آلمانی مخترع زیپلین

قرن ۲۰ و هوابازی :

قرن بیستم را میتوان عصر طیاره نامید زیرا از شروع آن‌طیاره‌های امروزی ازعرصهٔ‌تجربه‌بعرصهٔ کامیابی

و عملیات پا گذارده و پیش از تمامی اختراعات اخیره ، افکار علما و عوام را به خود مشغول داشته است .

اگر انصاف گفته شود ، طیاره و دیریژابل (بالون بزرگ بیضاوی ، دارای ماشین های بنزین) هردو را یکنفر اختراع کرد آنهم میان سال ۱۹۰۱ و ۱۹۰۶ این شخص قابل قدر سانتو دوموند (SantoDumond) برازیلی است که زحمات زیادی درراه کامیابی خود کشیده ، اما اینقدرهست که سانتودوموند، اساسی برای هردو ماشین طیار، (طیاره ودیریژابل) قائم کرد حالانکه درتجربیات شخصی خود بیش از ٥ دقیقه در هوا دوام کرده نتوانست. در همان زمان دو برادر امریکائی موسوم به ویلبر ریت (Vilbur Wrigt) و اورویل ریت (Orville Wrigt) تحقیقاتی نموده در سال ۱۹۰۳ بالآخره طیارهٔ ماشینی‌را برای باراول بقرار خواهش خود بهوا بلند کرده به اطراف حرکت دادند . این تجربهٔ کامیابانهٔ اولی طیاره باعث‌سرور علما وحیرت تمامی ملل‌شد درین‌دفعه هردو برادر ، طیارهٔ خود را از روی تپه حرکت داده بلند کردند ومدت نیم ساعت در فضا گردش نمودند .


برادران ریت مخترعین طیاره

لهذا اختراع طیارهٔ حقیقی که امروز در دنیا جریان دارد بدو برادر مذکور (ریت ها) نسبت داده میشود.

بعد ازین علمای عصری و پیلوت های ماهر بطرف جزئیات نواقص طیاره رانی و هوا بازی وفن بلند کردن و فرود آوردن طیاره توجه نمودند . در اندک‌زمان طریقهٔ پرواز را که از روی تپه ها بود ، تغیر داده مثل سیم ریل خط های آهن تیار کردند که سر نشیبی داشته طیاره از بالای آن سوی نشیبی دو یده زود پرواز نماید .

درین دورهٔ تجربهٔ ابتدائی اگرچه سقوط ها و پیش آمد های نا گوار بسیار واقع میشد ولی از باعث سبکی طیاره و کمی ار تفاع آن از روی زمین چندان خسارهٔ جانی نمیرسید .

عبور طیاره ازروی آب و پرواز از یك مملکت بدیگر مملکت :

اولین دفعه که طیاره از روی دریای شور عبور کرده وازیك مملکت به مملکت دیگر سفر نمود بتاریخ ۲۵جولائی۱۹۰۹ بود، طیاره چی فرانسوی موسوم به‌بلی ریو (Bleriot) باطیاره ۲۵ اسپه بارتفاع ۸۰-۱۰۰ الی ۱۵۰متر از روی آب ، درظرف ۳۳ دقیقه مسافت بین فرانسه وانگلستانرا طی کرد. درهمین‌سال فن عکاسی از طیاره که سابق بواسطهٔ بالون کشف شده بود رواج یافت .

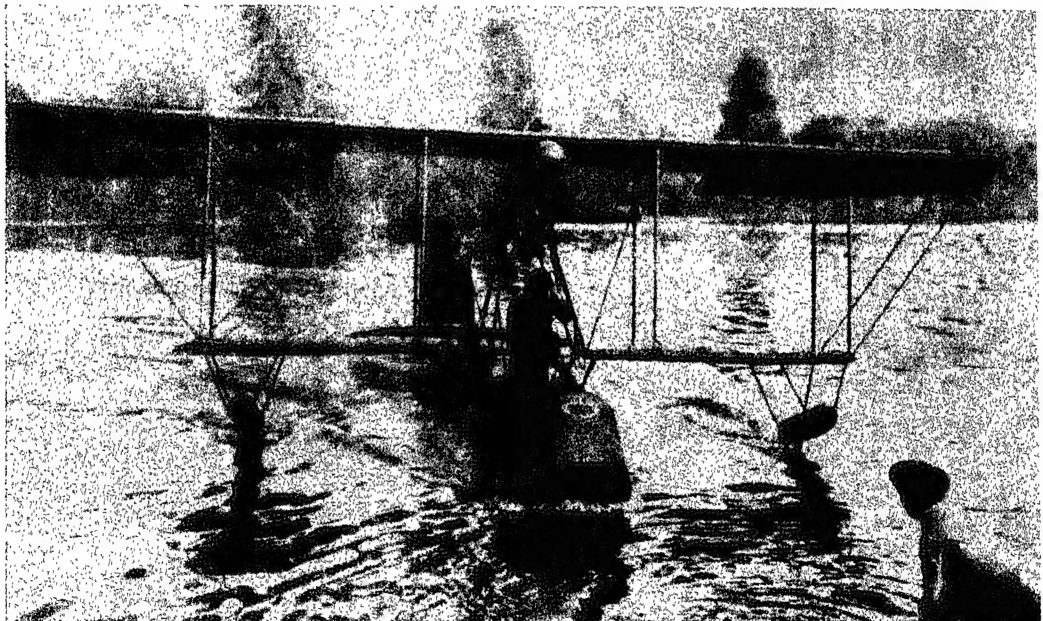
مساعی‌فون زیپلین در جرمنی :

فون زیپلین عالم معروف جرمنی تحقیقات خودرا ادامه‌داده دیرژابل های عظیم الشان که‌بالای‌آن اسم خودرا (زیپلین) گذاشته بود ساخته تجربه نمود، بزرگترین این سفاین موسوم به (ویکتوریالویز) بود که‌درمدت دوام خود ۳۸۴ بار پرواز نموده۱۳٤۵ ، نفر را بدون هیچ واقعه و صدمه حمل ونقل داد .

طیاره درامریکا، اختراع طیارهٔ بحری :

بعد از اختراع طیاره بواسطهٔ ریت امریکائی ، فن هوا بازی در ممالك متحده ترقی زیاد پیدا کرده پیلوت های ماهر پیدا شدند .

کور تیس (Curtiss) آلمانی میان سنه ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲ هیدراویون را اختراع کرد. طیارهٔ بحری (طیارهٔ است‌که هم روی بحر رفتار و نشسته می‌تواند وهم در هوا پرواز میکند) فن طیاره سازی وطیاره رانی در ممالك متحده ترقیات نمایانی نمود .



هیدراویون یا طیارهٔ بحری اختراع کورتیس المانی ۱۲۹۱ هجری ۱۹۱۲ عیسوی

صنعت طیاره سازی :

پس ازتجربیات اخیره وبعداز آنکه ثابت شدکه طیاره برای بشرخدمات مهم ومتعددی را انجام میدهد حکومات ممالك بفکرتأسیس کار خانه جات طیاره‌سازی وشرکت های تدویر خطوط هوائی افتادند. درفرانسه شرکت ها ازقبیل کمپانی انتوانت وفرمان وغیره تأسیس یافت و کار خانه جات مشغول تیار کردن آلات فلزی وچوبی لازمهٔ طیاره‌ها شدند وبه این قسم روز بروز نواقص طیارات رفع شده رفت و صنعت طیاره سازی جز وصنایع مهمهٔ مملکتی شد .

شبگردی به طیاره :

ابتدای شبگردی‌را به طیاره، هانری فرمان (Henri Farman) فرانسوی شروع کرد وچراغ های تیلی و شمعی را دراطراف طیاره نصب نموده چندین گردش شب را انجام داد .

چندین بعد (۱۹۱۱) در اتازونی این چراغ ها را مبدل به چراغ برق نمودند ودر میدان های طیاره هم چراغ های برق بزرگ نصب کردند و پرواز در شب تعمیم یافت .

اختراع پاراشوت طیاره :

پاراشوت اگرچه از سابق اختراع شده بود ولی آن پارا شوت ها برای بالون کار میدادند که حرکت آن بطی بود و استعمال آن در طیاره ممکن نمیشد . لهذا در سنه ۱۹۱۲ بیری (Berry) نام امریکائی در سنت لوی (اتازونی) پاراشوتی ساخت که از هر ارتفاع بواسطهٔ آن فرود آمدن بدون خطرممکن میباشد . پیگود (Pegoud) این پاراشوت را تکمیل و تعمیم نمود .

سفرهای بزرگ به طیاره :

اولین پروازمهم طیاره بواسطه کاگلیانی (Gagliani) ایطالیائی در ۱۹۱۲ صورت گرفت ـ طیاره ران مذکور از لیورن (ایطالیا) به باستیا (جزیرهٔ کورس) سفر کرد.

بعد از او در ۱۹۱۳ گاروس (Gaross) فرانسوی بفکر عبور از بحر روم و ربط دادن اروپا به افریقا افتاده ازمقام سنترا فائل (فرانسه) با ۲۵۰ لیتربنزین ذریعهٔ طیارهٔ ۶۰ اسپه‌حرکت کرده‌بیك‌روز پرواز در بیزت (تونس) فرود آمد . این مسافرت که مشتمل بر ۷۳۰ کیلومتر و از آن جمله ۵۰۰ کیلومتر روی بحر بود ، هفت ساعت و ۵۳ دقیقه دوام کرد .

اولین دورهٔ اروپا به طیاره :

برندژونك دومولینه (Brindjonc de Moulinais) فرانسوی به‌مقصد گردش دور اروپادر۱۹۱۳ از پاریس‌حرکت کرد. طیاره اش ۸۰ اسپ قوت داشت. برند ژونك ازراه وان،برلن، ورشو به‌سنت پطرزبورگ رفت و از آن جا بازگشته ازطریق شمال : ریول ، ستاکهالم ، کوپنهاگ ، هامبورگ ، لاهه ، کامبره به پاریس مراجعت نمود . تمام مسافتیکه بواسطهٔ مولینه طی شد عبارت از ۵۰۰۰ کیلومتر بود .

مسافرت هاي هوائي به شرق:

ژول (Jules) نام پیلوت فرانسوی بیك پرواز ازپاریس بهقاهره رفت. ودرین (Védrine) فرانسوی از راه نانسی ، پراگ ، وین ، بلگراد ، صوفیه ، استامبول ، قونیه ، سوریه ، جافه ، بیروت به قاهره مسافرت کرد .

طیاره چی‌های‌فرانسوی و انگلیسی‌میان سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۱۴مسافرت‌های‌بزرگی‌را درممالك‌شرقی: هند چین ، هند ، و غیره انجام دادند و عظمت و قدرت طیاره در تمام ممالك معروف و ثابت گشت .

اختراع طیارهٔ یك بالهٔ جدید :

بشرو (Bechereau) طیاره‌زان معروف فرانسوی طیارهٔ رقم جدید یك باله اختراع کرد که ۱۶۰ اسپ قوه داشت و ۲۰۰ کیلومتر را در یك ساعت طی می نمود .

موارد استعمال طیاره :

در قرن بیستم حکومات ممالك به این فکر متوجه شدند که طیاره نه تنها برای تفریح و جنگ کار داده میتواند ، بلکه برای خبر رسانی و حمل و نقل منظم نیز استعمال آن ممکن و مفید است .

اولین خط‌پوسته‌هوائی درهندوستان جاری شد وپاکت (Paquet) نام هوا بازفرانسوی ازاختیارداران علاقهٔ اله آباد اجازهٔ تدویر یك خط پسته را بین آن مقام و شهر های اطراف حاصل کرد .

سپس در ۱۹۱۰ موقع تاج پوشی جارج پنجم شاه‌انگلستان یك خط حمل و نقل موقتی هوائی بین لندن وندسر (انگلستان) تأسیس یافت .

چندی بعد (۱۹۱۱) ممالك متحدهٔ امریکا بین شهر های بزرگ خط حمل و نقل هوائی جرائد دائر کردند ودر۱۹۱۲ درالمان بین برلن وشهر های مهم پستهٔ هوائی جاری شد .

اختراع مخابرات واشارات‌هوائي :

مهمترین اختراعیکه برای طیاره بعمل‌آمده ، اختراع مخابرهٔ الف بای مورس (تلگراف) است که منسن (Menson) انگلیسی تجربهٔ آن را در سال ۱۹۱۳ به اثبات رسانید .

طریقهٔ جدید برای فرود آوردن طیاره :

از بدو اختراع طیاره برای فرود آمدن آن طریقهٔ سهلی بدست نیامده بود و اکثر در موقع فرودآمدن صدمات زیاد به طیاره و پیلوت میرسید ، یکنفر طیاره چی مشهور فرانسوی موسوم به پیگود بفکر افتاد که در فرود گاه های طیاره چنان ستون های قوی ایستاده کنند و روی آن سیم های محکم بکشند که طیاره در موقع پائین شدن روی آن نزول کرده در هوا معلق بماند و به زمین فرود نیاید و در وقت پرواز

از همان جا بواسطهٔ سیم های مثل خط آهن بشدت سوی زمین فرود آمده بهمین قسم بلند شود . طیاره چی مذکور این تجربه مدهش را دو سه بار تکرار کرد ولی علما به آن موافقت نکرده در اطراف طریقهٔ فرود آمدن انواع طیور تحقیقات کرده اخیراً طریقهٔ روی کار آوردند که طیاره بدون صدمه بزمین نزول کند .

اختراع آلهٔ تلگراف بی‌سیم در طیاره :

مورتن (Morten) نام امریکائی درسنه ۱۹۱۰ تلگراف بی‌سیم را در طیاره اختراع کرده مخابره را ازهوا باستاسیون های بی سیم زمینی وهوائی دور و نزدیك امتحان واثبات کرد .

درهمین سال پیگود معروف درطیاره معلق زد و طیاره را بخواهش خود هرقسم : سرپائین ، سربالا ، به پهلو ، گردانید .

وبستروو (Bestrow) روسی طیاره را به انواع مختلف در هوا چرخ داد ولاپنگ (Loopings) های مختلف را اجرا نمود .

اختراع طیارهٔ سلندر دار باآب سرد :

تا ۱۹۱٤ طیاراتیکه ساخته شدند ، عموماً موتر بنزینی مثل اتوموبیل های معمولی آنوقت ، داشتند . درین سال انجنیر ها سلندر را درموتر (ماشین طیاره) اختراع کرده قوت طیاره را به ۱۷۵ اسپ رسانیدند وسفاش ٤ سلندر و ٦ سلندر ساختند . و درماشین‌طیاره رادیاتور (آلهٔ که‌دران‌آب‌سرد‌برای سردنگه داشتن ماشین ها می‌اندازند) تعبیه کردند .

فکر عبور ازاتلانتیك به طیاره :

علما درهمان سالهای اول اختراع طیاره بفکر قائم کردن سرویس منظم هوائی بین اروپا و امریکا بودند. مخصوصاً انجنیرماهرالمانی موسوم به‌کورتیس (Curtiss) طیارهٔ برای این اقدام ازقسم هیدراویون (طیارهٔ که روی‌آب‌فرود آمده میتواند) ساخت ولی وقوع جنگ عمومی انجام نقشه اش را معطل کرد .

هوا بازي درجنگ عمومی :

ممالك اروپائی ازهمان قدم اول این آلهٔ جدید را برای مقاصد حربی خود تخصیص دادند چنانچه در ظرف کم مدت ، هرمملکت فلوت هوائی جنگی باشعبات بمباردمان وکشافی وغیره ترتیب داد .

وقوع جنگ افکار ممالك را درخصوص استعمال طیاره درجنگ، تسریع نمود وهردولت علما را مخصوص برای‌یافتن طریقه‌های جدیده‌جهة پیشرفت هوابازی جنگی خود گماشت. متحدین دوطرف، هرکدام قوهٔ حربی

منظمی داشتند : فرانسه ۱۵٦ طیاره ، انگلستان ٦۳ طیاره جمله ۲۱۹ طیارهٔ جنگی داشتند جرمنی به تنهائی ۲۵٦ طیارهٔ مخصوص حرب را مالك بود .



مقابلهٔ هوائی طیاره های جنگی المان و انگلیس در جنگ عمومی

جنگ در گرفت و طیاره ها خدمات نمایانی از قبیل کشافی ، برداشتن عکس اردوگاه و استحکامات دشمن ، بمباردمان ، حمل و نقل و خبر رسانی ، انهدام جهازات بحری دشمن انجام دادند ، حتی در اخیر

جنگ گاز زهردار توسط طیاره منتشر می شد .

خلاصه هر قدر جنگ شدت کرد بهمان اندازه طیاره رانی وهوا بازی اهمیت یافت ، هوا بازان متهوریکه در دوران جنگ بین الدول مصدر اقدامات دلیرانه و خارق العاده شده اند ، در تاریخ شجاعت بشری نام بزرگی از ان ها باقی است .

هوابازی امروزی :

از فردای روز متارکهٔ جنگ، حکومات ممالك اروپائی ، دربودجه‌های خود مبلغ بزرگی را برای ساختمان طیارات جنگی منظور کرده و هم به‌ترقی طیاره های تجارتی و پوستی توجه زیاد نمودند چنانچه در اندك زمان طیاره های بزرگ جنگی تیار وسفائن‌عظیم الشان تجارتی برای حمل ونقل‌دارای‌دوموتر،که گنجایش ٥الی١٣ نفر مسافر را بمعهٔ لوازم حیاتی ایشان وعملهٔ خود طیاره وتیل سوخت داشت ، تعمیر شد . و مابین تمامی شهرهای مهم ومراکز صنعتی سرویس منظم حمل ونقل پوسته ومسافرین تأسیس یافت : بین لندن و پاریس ، بین پاریس وبروکسل ، بین پاریس وکازابلانکا (مراکش) خط پوستهٔ هوائی جاری شد .

عبور از اتلانتیك به طیاره :

فکرعبوربحر اتلانتیك بذریعهٔ طیاره که از زمان قبل از جنگ در دماغ‌های‌علما جای گرفته بود ، بالآخر در١٩١٩ جامهٔ عملی دربرکرده‌بتاریخ ١٦ می١٩١٩ کپتان رید (Cap. Read) امریکائی باسه‌طیارهٔ سه‌ماشینه که هریك ١٢٠٠ اسپ قوه‌داشت‌ازراه ارض جدید (امریکا) سوی اروپا حرکت کرد . بتاریخ ٢٠ ماه می به‌مونتاریکا، ٢٧ می به‌لیزبن ، ٣٠ می به فیرول ، ٣١ می به پلیموت « انگلستان » که نقطهٔ مقصد بود ، رسید . در هر طیاره ٦ نفر نشسته و آلات تلگراف بی سیم (که در آب ١٤٠ کیلو متر ودر خشکه هزار کیلو متر کار میداد) بااسباب دریا نوردی‌حمل کرده بودند .

درهمین وقت ادارهٔ‌جریده‌دیلی‌میل(Daily Mail)امریکا برای کسیکه باطیاره،٣٠٤٠ کیلومتر (فاصلهٔ بین ارض جدید و آیر لند) راطی کند ، جائزه تعین‌کرد . هاوکر(Hawker) امریکائی به این مقصد حرکت کرده باوجود عوارضی چندکه در راه گرفتار آن شد ، جائزهٔ مذکور راکه عبارت از ٥٠٠٠ ستر لنگ بود ، گرفت .

چندی بعد الکوك (Alcok) باطیارهٔ دوماشینی از رقم (رولز رایس) ٣٦٠ اسپه که فی ساعت دوصد کیلو متر طی مسافه مینمود ، از ارض جدید پرواز نموده به کلیفدن (آیرلند) توقف نمود .

اولین پرواز دیریژابل از اتلانتیك :

ماجور سکوت (Major Scott) انگلیسی بایك دیریژابل بزرگ که ٢٠٤ متر طول و ١٢ بالون خورد برای گنجایش ٥٥٠٠٠ مترمکعب غازداشته با پنج موتر،هریك‌دارای ٢٧٠ اسپ‌قوت، مجهزبود ووزن‌تمام طیاره ٣١ تن میشد و ٢٩,٥ تن وزن را بخوبی حمل کرده میتوانست و بدنهٔ آن از چوب و روکش آن از المونیم مثل دیریژابل (زیپلین) های جرمنی بود ، از مقام فورتون (انگلستان) حرکت کرده به مینولا

نزدیك نیویورك فرود آمد . این اولین پرواز بزرگ طیارهٔ دیریژابل (رقم زیپلین) بود که در دنیا اجرا شد . هر ٤ پرواز بر فراز بحراطلس که در فوق ذکر شد وجههٔ ارتباط امریکا واروپا بعمل آمده درتاریخ هوا بازی اهمیت بزرگی دارد .

پرواز های مهم طیاره :

درماه اگست ۱۹۱۹ روس سمیث (Ross Smith) و ۳ همراه او ازراه‌بصره‌و بندر عباس وجنوب هند،اروپا را به استرالیا وصل کردند .

درفروری ۱۹۲۰ فرارن (Fararn) و مازیرو (Maziro) هوا بازن ایطالیائی از راه روما ، هند وهند چین ارتباط هوائی را بین اروپا و جاپان قائم نمودند .

۳۰۰ کیلومتر در ساعت :

سادی لوکوانت (Saadi Lecointe) فرانسوی درماه فروری ۱۹۲۰ ریکارد های‌سابقهٔ سرعت را شکسته در فضای فرانسه به یك ساعت ۳۰۰ کیلومتر مسافه را طی کرد .

۱۰،۰۰۰ متر ارتفاع :

ماجور گرویدر (Major Groider) انگلیسی درسال ۱۹۲۰ بمقام رایتون (انگلستان) طیاره‌را به ارتفاع ۱۰،۰۰۰ متربلند کرد .

اختراع هیلیکوپتر :

هیلیکوپتر طیاره ایست که چندین بال در اطراف خود دارد و میتواند که درفاصلهٔ چندمترعموداً اززمین بلندشود.

فکر ساختن هیلیکوپتر از همان سالهای اول اختراع طیاره در ذهن علما قرار گرفته ولی هرسیستمی را که روی کار میآوردند در تجربه نا کام میافتاد . تا آنکه در۱۹۱۹ رشمیشن (Reschmichen)درفرانسه، پسکارا (Pescara) در ایطالیا ، و برلینر (Berliner) در اتازونی مشغول تحقیقات صحیح شده ، هر یك سیستم جدیدی اختراع نمودند .



هیلیکوپتر : طیارهٔ که عموداً بهوا‌ٔبلند می شود اختراع پسکارای ایطالیائی
۱۳۰۰ هجری ۱۲۲۱عیسوی

رشمیشن در طیارهٔ خود یك بالون غاز دار که وزن طیاره‌را ۷ تن سبك تر مینمود تعبیه کرد و ماشینی که ۲۵اسپ قوه و ۲٦۷ کیلو وزن داشت دران نصب نمود . ولی تجربه های اوچندان کامیابی حاصل نتوانست .

پسکارای ایطالیائی بخدمت فرانسه داخل شده طیارهٔ از رقم هیلیکوپتر دارای وزن یك تن ساخت . این طیاره بخوبی وبفاصلهٔ بسیارتنگ پرواز کرده درتجربهٔاول مدت یك‌دقیقه درفضاء بحرکت بایستاد و پس ازاندك تعدیل همین هیلیکوپتر ده دقیقه و ده ثانیه در فضا توقف کرد . (آخر ۱۹۲۲) .

ظهور طیارات شخصی و کراهی:

بعد از ۱۹۲۰ طیاره در اروپا عمومیت کامل یافته کارخانجات متعدد در هر مملکت مشغول طیاره سازی شدند بطوریکه علاوه بر سفائن جنگی و جهازات هوائی تجارتی و پوستی متعلق دولت ، متمولین هم برای تفریح و مسافرت های خود طیاره خریدند و در استاسیون های هوا بازی هر روز طیارهٔ کراهی حاضر شده، تا اشخاص بکرایه سوار طیاره شده گردش نمایند .

مسافرت دور عالم به طیاره :

ماجور مارتین(Major Martin)امریکائی اولین بارمسافرت هوائی دور عالم رامدنظر گرفته از کالیفورنیا (امریکه) حرکت نموده وازراه جاپان و کلکته ۵۵،۰۰۰ کیلومتر را طی کرده به واشنگتن توقف نمود .

مسافرت های هوائی به قطب شمال :

مهمترین مسافرت به قطب شمال توسط پیلوت امریکائی موسوم به بیرد (Byrd) بتاریخ ۹ماه می ۱۹۲۶ انجام گرفت و بعد از آن هوا نوردان مختلف برای کشف مناطق جامدهٔ قطبی مسافرت های طولانی را انجام داده بسا از آنها درین راه جان دادند . چنانچه هلسن (Helson) و بورلند (Borland) جانب قطب شمال رفته پس از چندین پرواز درشروع سال ۱۹۳۰ درنواحی قطبی نزدیك سائبیریا مفقود شدند . این دوهواباز دلیر در اثر شکستن طیاره و خرابی آلات بیسیم دران حدود از گرسنگی و خنك هلاك شده بودند تا آنکه طیاره های روسی از آن جاعبور کرده نعش هردو نفر مذکور وسفینهٔ شان را کشف نمود .

کشف قطب جنوب:

قطب جنوب هم بواسطه کپطان بیرد کشف شده است .

لند برگ امریکائی وارتباط مستقیم نیویورك و پاریس :

لندبرگ (Lindberg) امریکائی که جوانی کم سال و متهور بود از بدو جوانی به طیاره رانی پرداخته درین مسلك اقدامات وعملیات خارق العاده و دلاورانه انجام داد که اسمش را مشهور و درصفحهٔ تاریخ شجاعت بشری بخط درشت مرقوم ساخت . لند برگ درامریکا مسافرت های بسیار بین نقاط مختلفهٔ آنجاانجام داده بالاخره بفکر افتاد که نیویورك را به پاریس ازراه فضا ملحق سازد .

تا آنوقت پروازهای ماورای بحر اطلس که انجام گرفته‌بود، فقط بین‌ساحل جزیرهٔ ارض‌جدید وآیرلندبود. اما لندبرگ می‌خواست تقریباً یك ونیم برابر این مسافت‌را که عبارت از مسافت بین نیویورك وپاریس باشد، بیك پروازطی کند.

درابتداء افکار لندبرگ راعلما قبول نمیکردند ومعتقد بودندکه باآلات حاضره بزرگترین ریکاردمسافت همان بوده که بواسطه کپتان ریدوغیره هوا نوردان، انجام گرفته‌است. لندبرگ بحرف کسی گوش نداده بفکر شخصی‌خود نقشهٔ ترتیب داد ودر اواخر ماه می۱۹۲۷ از نیویورك‌حرکت‌کرده از راه آیرلند به پاریس فرود آمد ـ دران‌روز تاریخی ۲۰۰,۰۰۰ نفر درایستگاه پاریس منتظراو بود .

پس از پیاده شدن در خاك فرانسه درگردن لند برگ حلقه هـای گل انداختند و با تجلیل و احترام‌زیادرئیس جمهور فرانسه او را پذیرائی کرده نشان ـ (لژیون دونور) را از طرف ملت فرانسه در عوض شجاعت و ثبات عزم بی نظیری که نشان داده بود ، برایش تقدیم کرد .



لندبرك هوابازمعروف امریکائی که اولین بار مسافت بین‌نیویورك و پاریس رابیك‌پرواز طی کرد.

اختراع اوتوژیر :

اوتوژیر تقریباً مثل هیلیکو پتر طیاره ایست که در قسمت فوقانی خود ٤ عدد پرهٔ بزرگ‌دواردارد که‌بسرعت ۲ چرخ‌فی‌ثانیه‌حرکت‌میکند وبواسطهٔ‌آن،طیاره عموداً بلندشده‌هرمدتی که‌میل‌پیلوت‌باشد درفضا بدون‌حرکت دریك نقطه ایستاده شده میتواند و هر اندازهٔ که انسان بخواهد آهسته درفضاء حرکت میکند. قوت ومقاومت آن بمقابل طوفان های هوائی بیشتر و تکان های دیگر طیاره ها دران محسوس نمیشود .



اوتوژیر: طیارهٔ که عموداً بهوا بلند شده در یك نقطهٔ فضا توقف کرده می‌تواند اختراع سیروای‌اسپانیولی ۱۳۰۲ هجری ۱۹۲۳ عیسوی

این‌نوع طیـاره را اگرچه‌درابتداء سیروای (Cierva) اسپانیولی اختراع کرده بود ولی هـانری بوشـه (Henri Boucher) فرانسوی‌آنرادر ۱۹۲۸ تکمیل نمود . این سفینهٔ جدیدالاختراع مسافت بین‌خاك‌فرانسه وانگلستان یعنی‌بحرمانش را درمدت ۱۸ دقیقه طی کرد .

گراف زیپلین ودور عالم :

مملکت المان پس از جنگ باوجود مشکلات اقتصادی وغیره نقشه های خودرا درباب تعمیر طیارات زیپلین عظیم الشان تعقیب کرد. هوانوردان المانی سیستم های جدید طیاره را درزیپلین های بزرگ تطبیق داده مسافرت های مهمی را در داخل المان انجام دادند وبالآخره درسنه ۱۹۲۸ سفینهٔ عظیمی موسوم به گراف زیپلین ساختند که پنج ماشین، هریك دارای قوهٔ ۵۳۰ اسپ دارد ، طوالش ۲۳۶ متر ، قطر وسطی ۳۰،۵ متر و جلد آن مخلوط از فلزات میباشد . این سفینهٔ هوائی عظیم الشان ۱۱ اطاق بزرگ ، ۲ خوابگاه مخصوص ، یك اطاق طعام خوری عمومی و یك مطبخ دارد ، ۱٤ الی ۲۰ مسافر دران بفراغت بود و باش کرده میتواند . اطاقهای عمله که تقریباً ٤٠ نفر میباشد ومحفظه های تلگراف بیسیم و عکاسی ومخزن تیل علیحده است. گراف زیپلین بتاریخ ۱۱ اکتوبر ۱۹۲۸ بقیادت داکتر اکنر (Ekner) برای مسافرت از مقام فردریش هافن (المان) حرکت کرده در ظرف ۱۱۱ ساعت به لاکهورست (وسط اتازونی) رسید . بواسطه خرابی هوا وقت زیاد تلف شد . در مراجعت مسافت بین لاکهورست و فردریش هافن را در ۷۵ ساعت طی کرد . حالانکه ٦۱ نفر دران نشسته بود .

سال بعد گراف زیپلین در ظرف ۲۱ روز (۸ الی ۲۹ اگست) به ٤ پرواز دور عالم را طی کرد . ازفردریش هافن تاتوکیو .(جاپان)،از توکیو به لوزان جولس (اتازونی) ، ازلوزان جولس به لاکهورست واز لاکهورست به فردریش هافن .

در سال ۱۹۳۰ گراف زیپلین ۱٥۱،۰۰۰ کیلومتر مسافه را در ظرف ۱۱٥٥ ساعت ودر ۱۰۹ پرواز طی کرده ۷ ٤۰ ٤۰ مسافر و ۸۷٥ تن مواد مفیده را حمل و نقل داد .

در ۱۹۳۱ گراف زیپلین ۷۲ پرواز مهم را انجام داده در ۱۱۷٦ ساعت ۱۱۸،۰۰۰ کیلومتر را طی نمود و ۲۰٥٦ مسافر و ٦۸۱ تن مواد مفیده بواسطه آن حمل و نقل داده شد .

در سنه ۱۹۳۲ از ۱٥ مارچ که تاریخ اولین پرواز گراف زیپلین درین سال است تا ۷ ماه‌ی که ٥۲ روز شود ٦٦،۰۰۰ کیلومتر به ٦۳۹ ساعت پیموده شد در حالیکه سفینهٔ بزرگ ۹ بار بحر اطلس شمالی را عبور کرده بود .

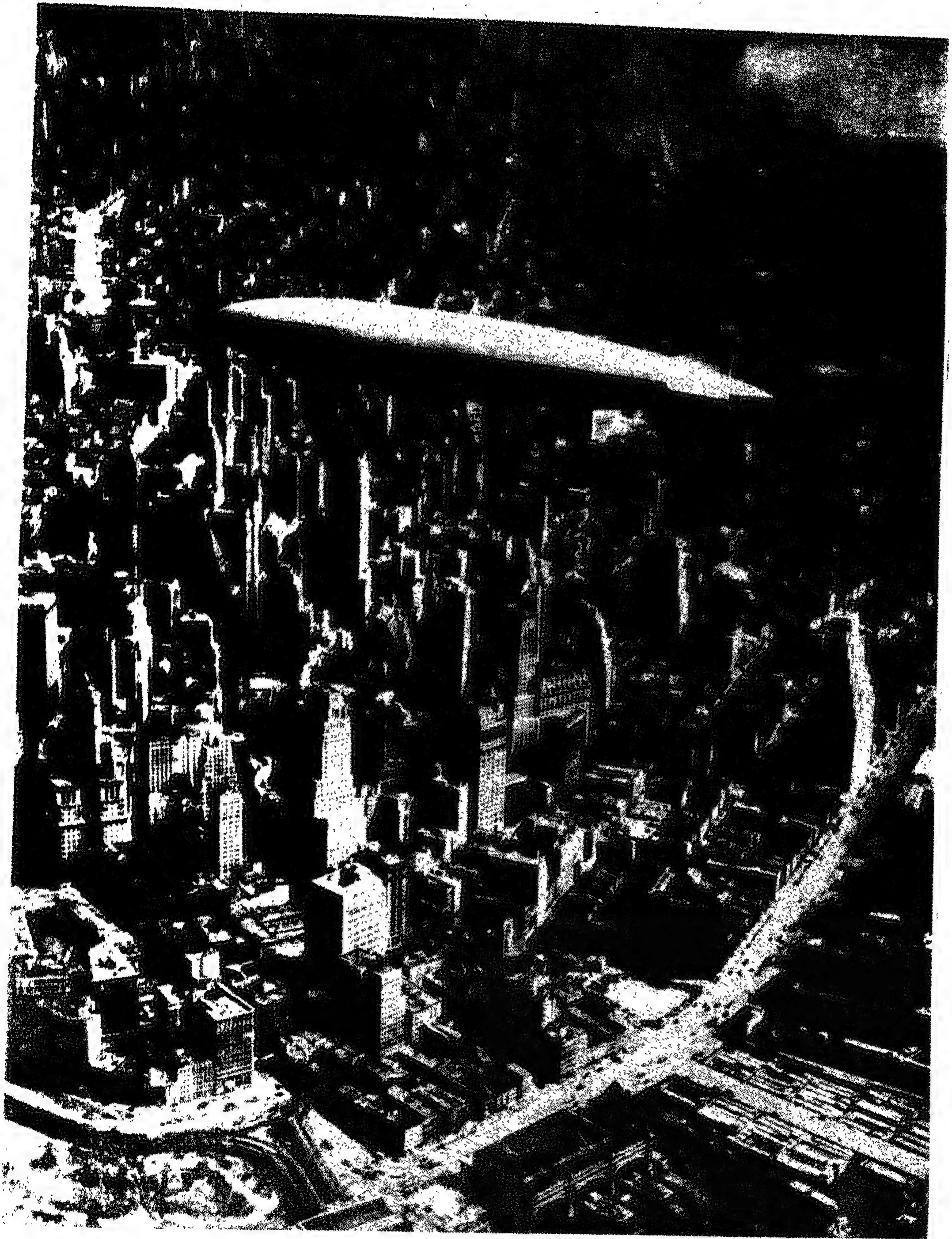
این تشریحات بخوبی واضح میسازد که گراف زیپلین جرمنی بهترین سفائن هوائی عصر بشمار میرود .

دورهٔ زمین به ۸ روز :

پوست گاتی (Post Gatty) درسال ۱۹۳۱ ریکارد سرعت را شکسته با یك طیارهٔ که ٤٥۰ اسپ قوه داشت و در ساعت ۲٥۰ کیلومتر طی مسافه مینمود از مقام روزولت فیلد (اتازونی) حرکت کرده از راه بحر اطلس شمالی برلن، مسکو ، امسك ، ایرکوتسك ، خاباروفسك ، کمچتکا ، السکا ، کانادا پس به اتازونی مراجعت کرد ، تمام مدت پرواز تا وقت مراجعت ۸ روز طول کشیده بود .



طیارهٔ انگلیسی به رهنمائی «مک انتائر» قلهٔ ایورست (همالیه) را به ارتفاع
۸ الی ۹ هزار متر عبور میکند (۳ - اپریل ۱۹۳۳ عیسوی) .



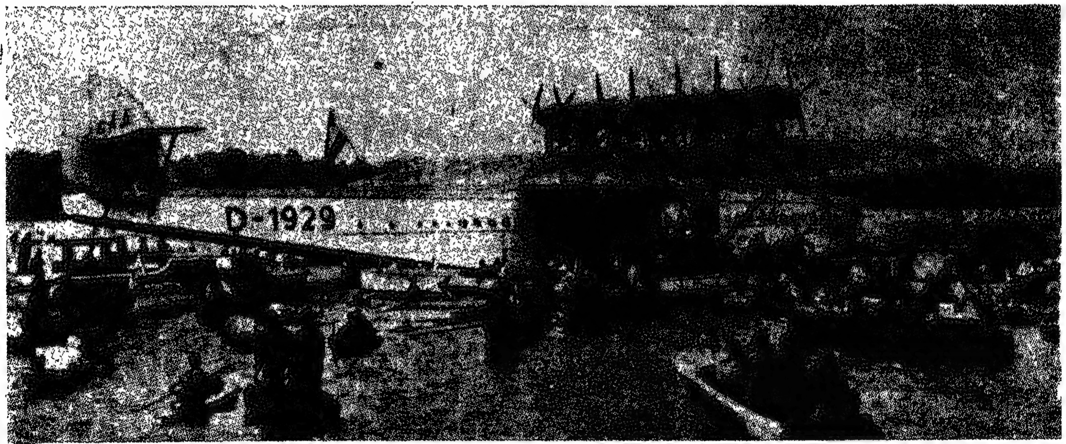
لوزان جولس ZR-3 زپلین معروف امریکا که ۲۰۰ متر طول و ۵ ماشین ۴۰۰ اسپه دارد، از فضای شهر نیویورک عبور مینماید.

مسئلهٔ میدانهای طیاره :

طیاره های عادی که مسافت بزرگی برای پائین شدن خود بکار دارند در اکثر ممالك اسباب زحمت شده زیرا در داخل شهر ها اکثرچنین میدان پیدا نمیشود و لازم میگردد که ۱۶ الی ۲۰ کیلومتر دورتر ازشهرایستگاه طیاره را بنا کنند ، لهذا بعضی مهندسین مدنظر گرفته اند که میدان های طیاره در داخل شهر ها بنا شود خواه روی رود خانها را پوشیده میدان طیاره بسازند و خواه در بالای تعمیرات و منازل میدانهای هوائی بنا کنند . تا حال این افکار عملی نشده است .از طرف دیگر امید میرود که طیاره های اوتوژیرو هیلیکوپتر که شرح آن دربالا آمده ، جای طیاره های معمولی امروزی را گرفته این مشکل (داشتن میدان وسیع) بکلی مرتفع گردد .

سفائن عظیم الشان امروزی :

درسالهای اخیربرای حمل ونقل مسافرین ومال التجاره درمسافت های بعیده، طیارات خیلی بزرگ میسازند که باسفائن سابقه مثلاً طیاره های ۱۹۱۸ قطعاً طرف مقایسه نمیباشد زیرا طیاره های امروزه دارای ۴، ۸ الی ۱۲ موتر میباشد و قوهٔ مجموعی آنها به تفاوت از ۲۰۰۰ به ۴۰۰۰ و ۸۰۰۰ اسپ میرسد این طیاره ها



طیارهٔ معروف المانی (دورنیه D0-X-I) که بزرگترین طیاره های عالم بشمار میرود و ۱۲ ماشین و ۳۴ اطاق داشته ۹۶ نفرمسافررا حمل و نقل میدهد

علاوه برعمله وتیل وغیره لوازم طیاره ۴۰ ـ ۸۰ الی صد نفرمسافر را درمسافت های بعیده حمل ونقل داده میتوانند هریك ازین طیاره های عظیم ۲۰،۱ الی ۳۴ خانه داشته میباشد و حجم آن به ۲۰۰، ۳۰۰ و ۴۰۰ متر مکعب میرسد .

در سال ۱۹۳۲ در انگلستان زیپلنی ساخته شده که(اکرون) نام داردطول‌آن ۲۴۰ متر و حجمش ۱۸۵ هزار متر مکعب است این‌سفینه بزرگترین دیریژابل های عالم بشمار میرود و درماه اگست سال گذشته (۱۹۲۲) تکمیل یافته .

برداشتن عکس رنگه از هوا :

عکاسی هوائی در سالهای اخیر ترقی زیاد کرده اخیراً در سال ۱۹۳۱ یك نفر فرانسوی‌موسوم به‌شمپل (Champel)برداشتن عکس رنگه را ازهوا اختراع نموده تجربه‌کرد که بذریعهٔ‌شیشه‌های لومیر(Lumière) که ۶۰ بار بیشتر از دیگر شیشه های معمولی روشنائی لازم دارد میتوان چند رنگ را بیکدفعه‌در یك شیشه بدست آورد .

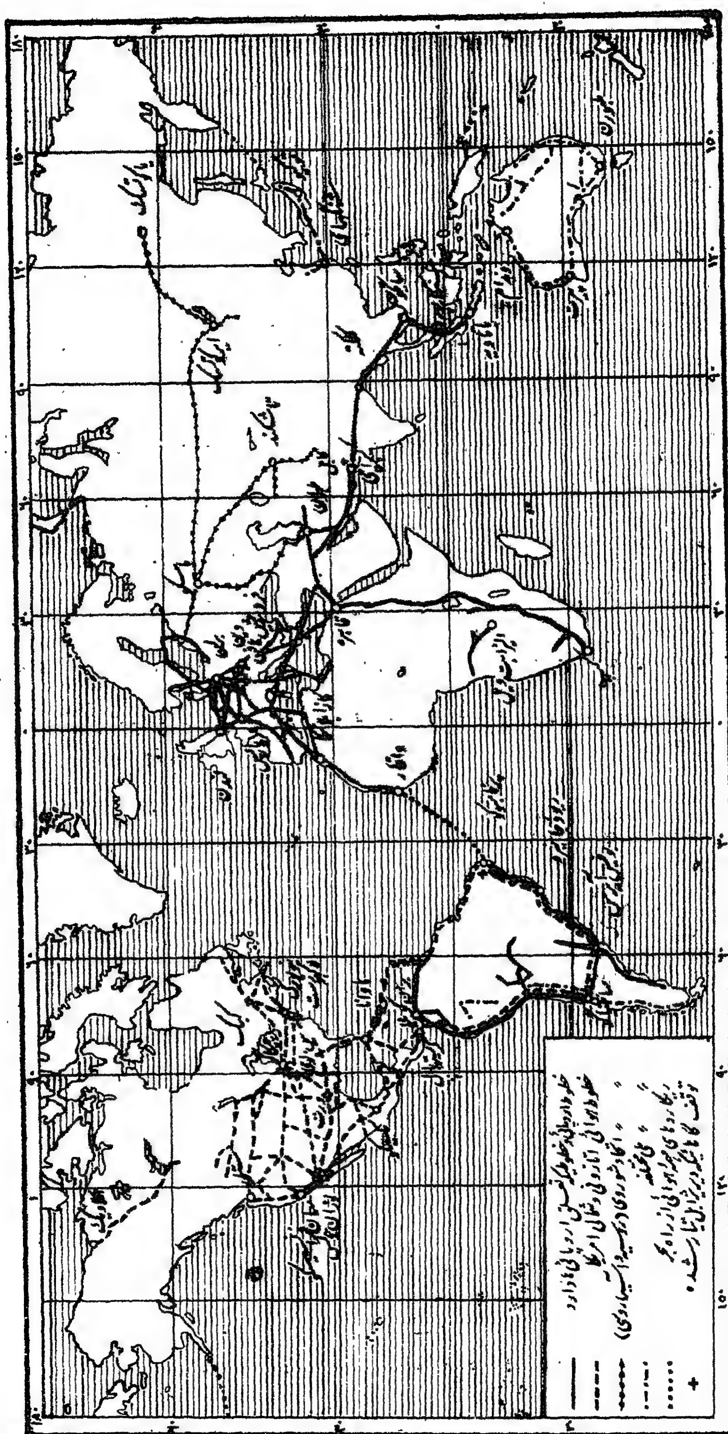
اختراع پارا شوت طیاره :

در سالهای اخیر روسل (Russel) نام هوا باز یك پاراشوتی اختراع کرده که همراه آن طیاره در وقت‌خراب‌شدن‌ماشین وغیره اتفاقات بدون آسیب به آهسته‌گی بزمین فرود آورده میشود .

مهمترین ریکارد های هوائی

سرعت اصل باساس ۳ کیلو متر	ارتفاع	مسافت به‌سرکویت محدود
بونت‌فرانسوی‌بتاریخ ۱۱ دسمبر ۱۹۲۴ باطیارهٔ رقم برنارد هوبرت ۲ ـ V که بایك‌ماشین هسپانوسویزا دارای ۵۴۰ اسپ قوت‌مجهز بود ۴۴۸ کیلومتر را دریك ساعت طی کرد .	سوسك‌امریکائی‌بتاریخ ۶ جون ۱۹۳۰ باطیارهٔ رقم ریت یك ماشینی که ۴۵۰ اسپ قوه داشت به ارتفاع ۱۳۱۵۷ متر بلند رفت.	بوسوتروت وروسی‌هوا بازان فرانسوی بتاریخ ۲۳الی۲۶ اکتوبر ۱۹۳۲ باطیارهٔ رقم بلیریو که ماشین آن ۵۰۰ اسپ قوه داشت ۱۰۶۰۱ کیلومتر را طی کردند .

مسافت به‌خط مستقیم	مدت پرواز	وزن انتهائی
بواردمن وپولیندو (امریکائی) باطیارهٔ رقم بلانکا که ماشین آن ۶۳۰۰ اسپ قوت داشت بتاریخ ۲۸الی ۳۰ جولائی ۱۹۳۱(۸۰۶۵) کیلومتر را پیمود .	لیزوبروسی امریکائی بتاریخ ۲۵ الی ۲۸ می ۱۹۳۱ باطیارهٔرقم بلانکا که موتر آن‌پکار و ۳۳۰اسپ قوت داشت ۸۴ ساعت و۳۲دقیقه درفضا دوام کرد .	آنتونینی ایطالیائی بتاریخ ۲۲ فروری ۱۹۳۰ ذریعهٔ طیارهٔ رقم کاپرونی که ۶ موتر ۱۰۰۰ اسپه (قوت)داشت ۱۰,۰۰۰ کیلوگرام وزنی را حمل نمود .



خطوط هوائی مهم دنیا

آخرین اقدامات هوا بازی :ـ

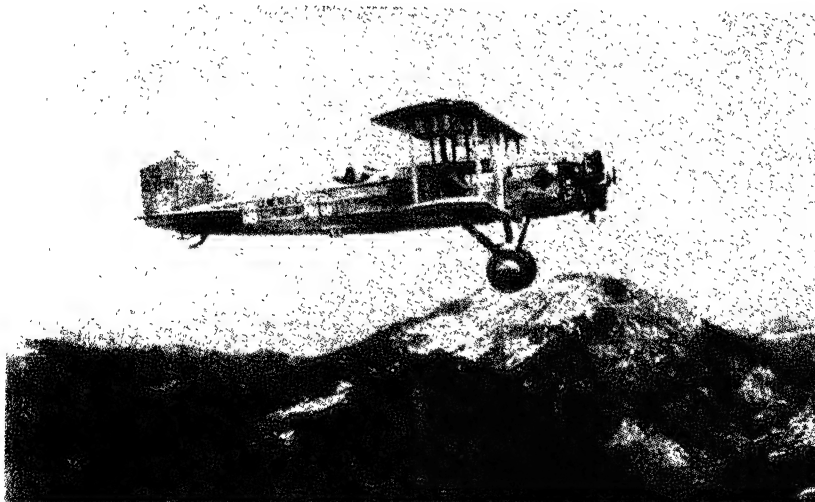
بهترین کامیابی های هوابازی در سال ۱۹۳۱ از قرار ذیل است :

دورعالم به ۸ روز، اولین عبور از بحرالکاهل ، مسابقه‌های‌هوائی امریکا ،پروازهای‌جویهٔ پروفیسور پیکارد (۱۵۰۰۰ متر ارتفاع)،مسافرت های گراف‌زیپلین .

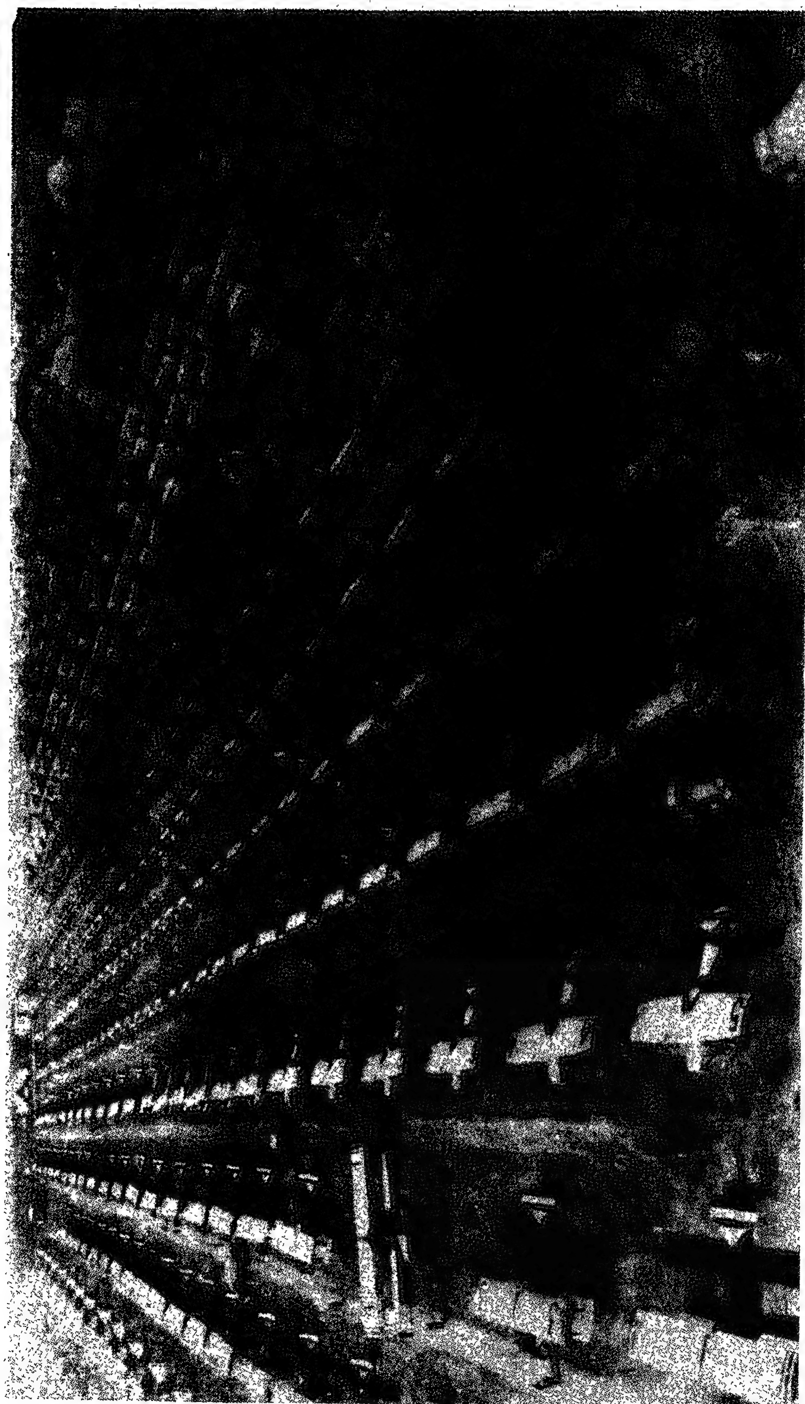
ولی انصاف باید داد که مسافرت های هبرت هنکلر (Hebert Hinckler) و ریکارد بواردمن (Boardman) و پوليندو (Polando) امریکائی نیز در جملهٔ پرواز های‌مهم سال‌مذکوربشمار می‌آیند زیرا هنکلر در اواسط سال ۱۹۳۱ با یك طیارهٔ یك بالهٔ ضعیف سیاحتی ، دارای ۱۲۰ اسپ قوت، از کانادا حرکت کرده از راه نیویورك به جامائیك (امریکای وسطی، جزائر آنتیل) و از آنجا بجنوب افریقا رسیده برای اولین دفعه بحر اطلس جنوبی را پیمود .

وبعد ازرو بواردمن وپولیندو با طیارهٔ قوی تری بیك پرواز نیویورك را به اسلامبول وصل کردند .

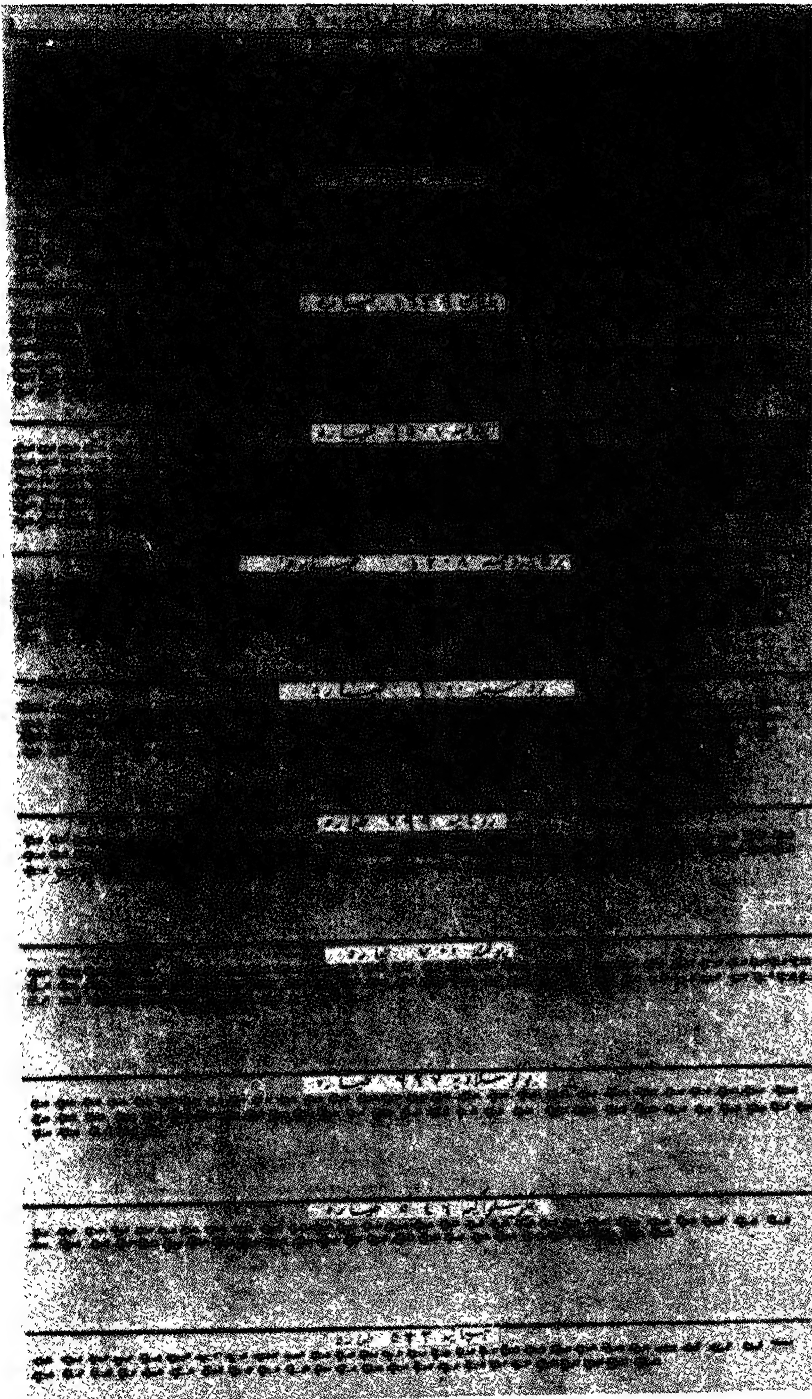
وپس از این تا امروز هر روز هوا نوردان دلیر اکتشافات جدیدی می نمایند وریکارد های مختلف در سرعت ، دوام پرواز ، مسافت واندازهٔ حمل‌ونقل مال‌التجارهٔ سنگین قائم‌میکنند بقسمیکه درهر جریده وروزنامهٔ که ورق زده شود چندین مسابقه وفسخ وقیام ریکارد های جدیدهٔ مذکور میباشد .



طیارهٔ پوستهٔ امریکائی از قلل مرتفعه عبور مینماید .



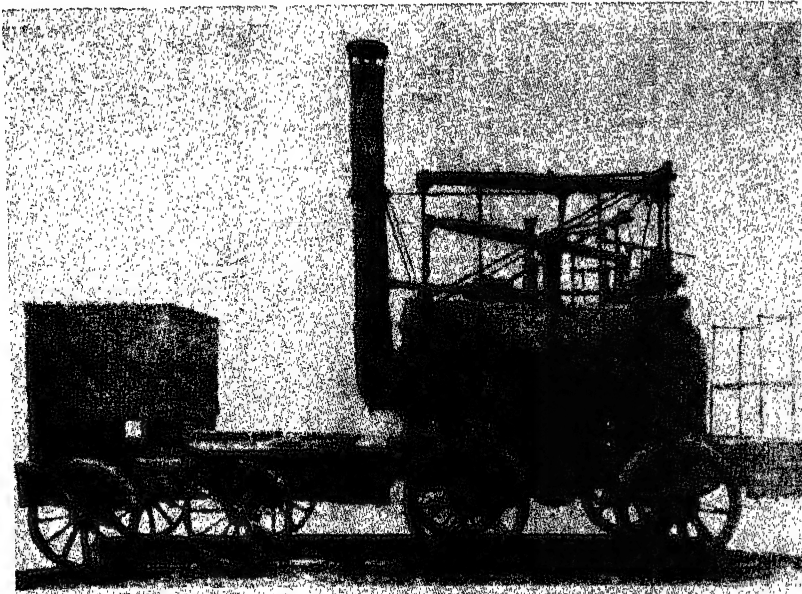
میدان طیارهٔ ایطالیا که دران ۶۰۰ طیارهٔ جنگی وجود دارد (۱۳۱۱ هجری ۱۹۳۲ عیسوی)



قوای هوائی جنگی دول درسال ۱۳۱۱ هجری ۱۹۳۲ عیسوی

راه آهن

فوائد خط آهن در تسهیل حمل و نقل به‌نسبت سرکهای معمولی بقدری آشکار است که حاجت به بحث وتشریح ندارد . خدماتی را که راهای آهن در ارتقای تجارت تاحال نموده هرگاه به خوبی اظهار کنیم کافی است که بگوئیم درصورتیکه درسالهای آخر قرن نوزدهم گندم بتوسط راه‌آهن وجهاز ازاضلاع متحدهٔ امریکه به‌یك بندر اروپائی به‌فاصله ۵٫۰۰۰ ۲کیلومتر نسبت به‌یك‌حصهٔ امریکه که ازراه‌آهن مجض ۲۵ کیلومتر دور بود ارزان تر تمام میشد ، گویا کرایهٔ حمل‌ونقل آن درین ۲۵ کیلومتر ازان مبلغی‌که برای حمل ونقل آن دره ۲هزار کیلومتر پرداخته میشداضافهٔ تربوده است. حقیقتاً خطوط راه‌آهن تنها وسیله ایست که بواسطهٔ آن مال التجاره های سنگین را ازیك جا بدیگرجا مخصوصاً درممالکیکه راهای بحری درستی ندارند بسرعت حمل ونقل نمایند. چون بواسطهٔ راه آهن مقدار مال التجاره بیشتر حمل و نقل میگردد لذا درنرخ کرایهٔ آن نیز تنزل فوق العاده رخ داده وبالآخره راه آهن برای تهیه نمودن مقدار کافی مال التجاره برای جهازات بزرگ حتمی و لازمی است. درتحت این عنوان ذکر این مسئله نیز خارج ازموضوع نخواهد بود که بگوئیم راه آهن چنانچه میدانیم نه تنها یك تجدد فوری درحمل ونقل اموال تجارتی واقع میکند، بلکه مانند اکثرایجادات و اختراعات براساس اختراعات سابقه متدرجاً ترقی‌یافته.مثلاًراه آهن قبل‌ازلوکوموتیف وهمچنین انجن‌های بخارقبل ازلوکوموتیف‌های بخار وجود داشته است . راه آهن بار اول برای گادی ها ساخته شده بود که بتوسط اسپ ها رانده میشد ونیز برای کراچی های خورد خوردی بوده که در کانهای ذغال معمولی میگردید . اگرچه از اختراع وات Watt در بین ۱۷۶۹ — ۱۷۸۶ نتیجهٔ عملی گرفتند ، ولی محض در ۱۸۰۱ تریوتیك Trevithick بساختن اولین‌لوکوموتیف (ویاموتریکی بتوسط بخار حرکت میکرد) موفق گشت و در۱۸۱۳هدلی Hedly و ستیفن سن Stephensonخالی از تقلید ویابمعاونت یکدیگر به ساختن لوکوموتیف بهتری که لوکوموتیف امروزه نیز از همان قبیل بوده و بعد ازاصلاحات زیادی بما رسیده موفق گردید .



لوکوموتیف « پفنگ‌بلی » ۱۸۱۳ع

اولین‌راه‌آهن بخارکه‌برای نقلیات‌عمومی‌افتتاح گردیددر بین‌ستاکتن‌Stocktonو دارلنگتنDarlington در برطانیه در سنه ۱۸۲۵ع بوده .

خص آهن لور پول و مانچستر در سنه ۱۸۳۰ع بازگردیدو دو سال بعد اولین راه آهن مسافرین در بر اعظم امریکه از البانی Albany الی شنکتادی Sckenctady (نیویارک) تعمیر شد و در ۱۸۳۵ راه آهن بین برسلز Brussels و مالین Malines که اولین راه آهن براعظم اوربا بوده افتتاح یافت .

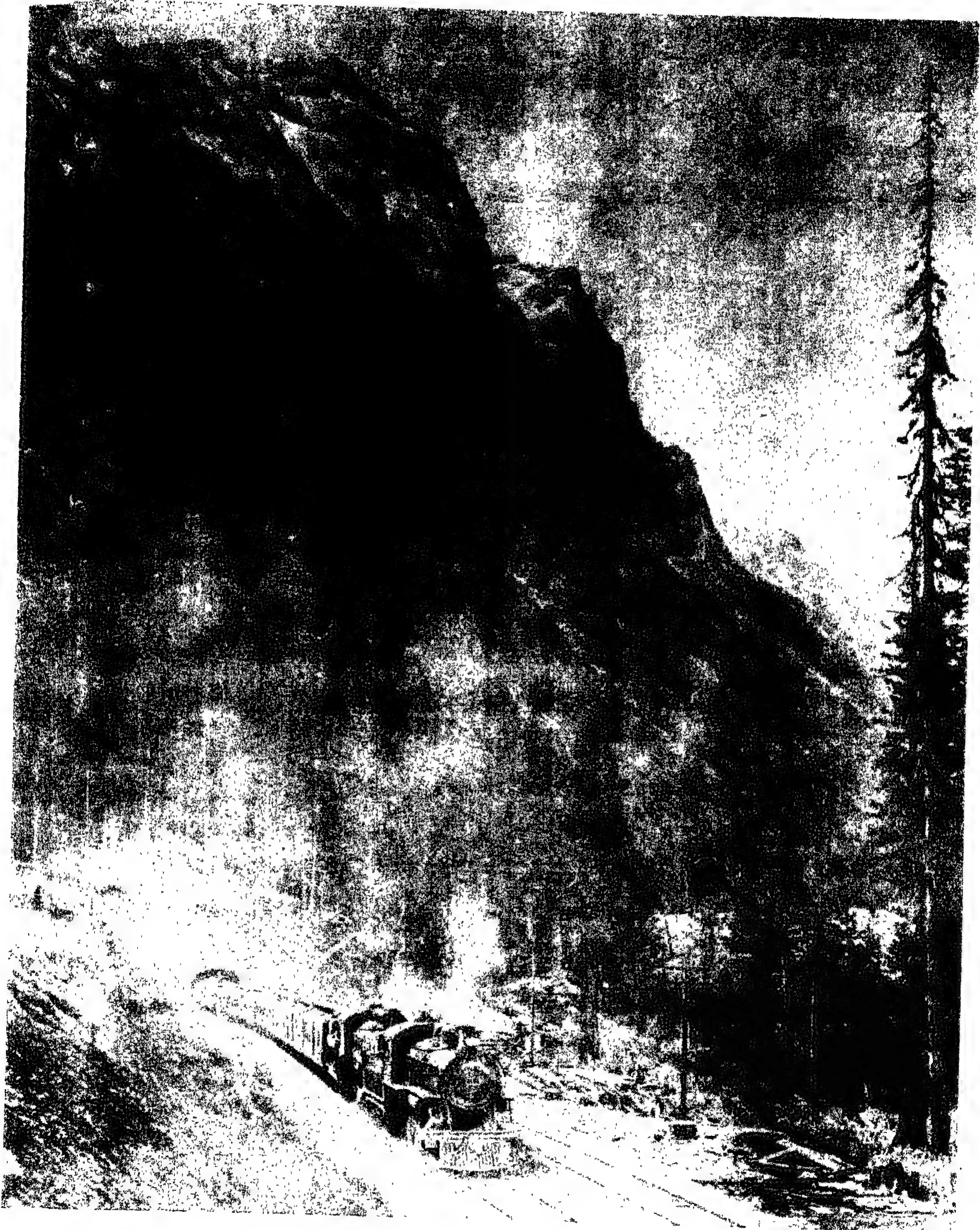


لوکوموتیف « راکت » سنه ۱۸۲۵ع

ساختمان طبیعی یك مملکت برای خط آهن و سرك های آن موثر است ، اما این ساختمان طبیعی سطح ممالك از لحاظ کشیدن راه آهن نسبت به سرك های معمولی بیشتر اثر دارد . ولی شك نیست که اگر ساختن راه های ریل در یك مملکت خیلی دشوار هم باشد چونکه فوائد راه آهن



لوکوموتیف « پلانت » سنه ۱۸۳۱ ع



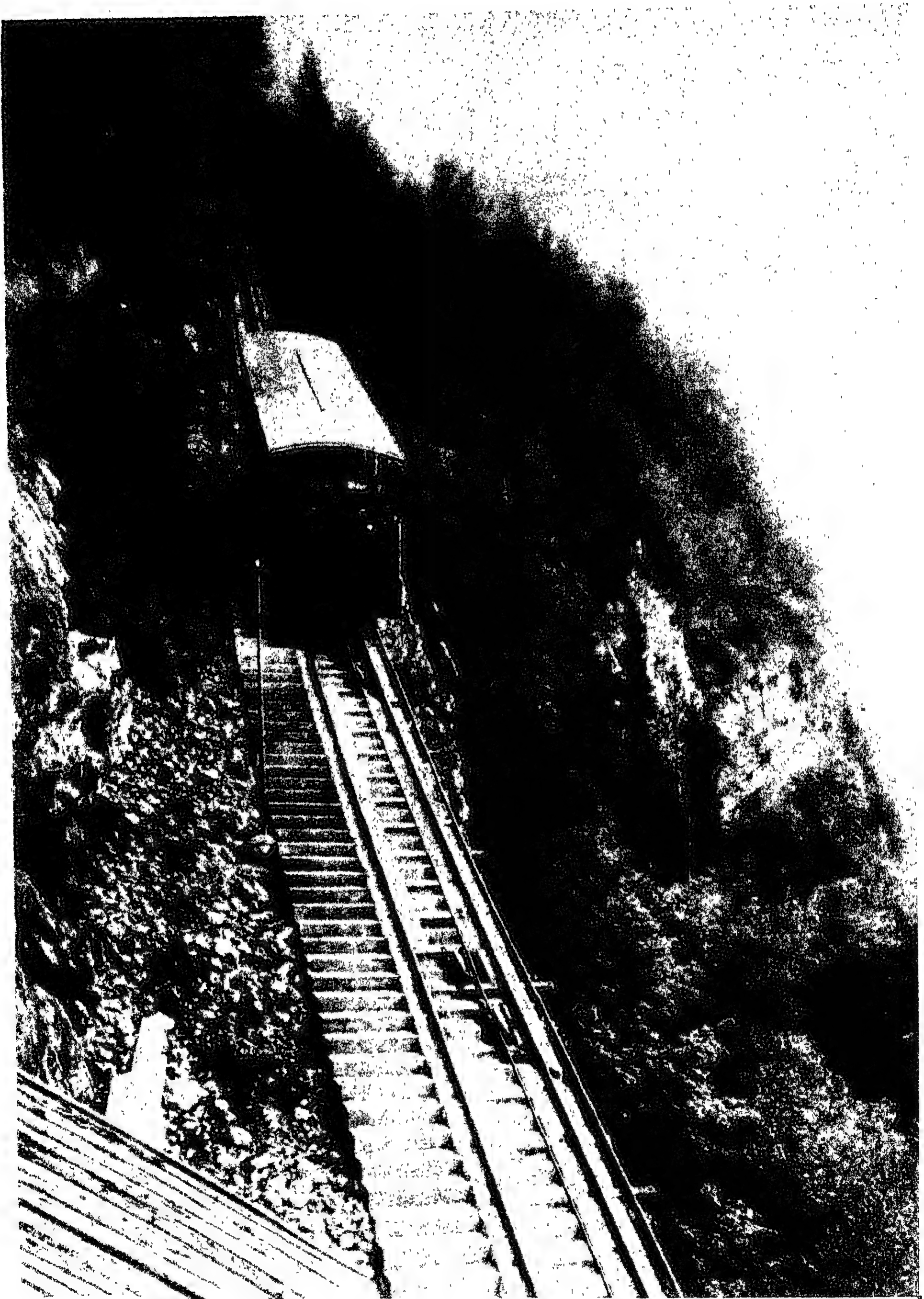
دهانهٔ تونل

از نقطهٔ نظر حمل و نقل خیلی زیاد است ، لهذا ساختن راه های آهن در چنین ممالك نیز خیلی مفید ثابت شده . چنانچه در کوه اندیز Andes راه آهن رابه ارتفاع ۴۷۰۰ متر برده و در نقاط مختلف آنرا بواسطهٔ تونل ها نیز عبور داده اند ، که مهم ترین آن تونل لیما اورویا Lima Oroya است . در کوه های الپ نیز تونل ها خط آهن از ۱۱ تا بیشتر از ۱۹ کیلو متر امتداد دارد . تونل سمپلون Simplon درسویٹزرلیند قریباً بیست کیلو متر طول دارد و از همین سبب است که راهای

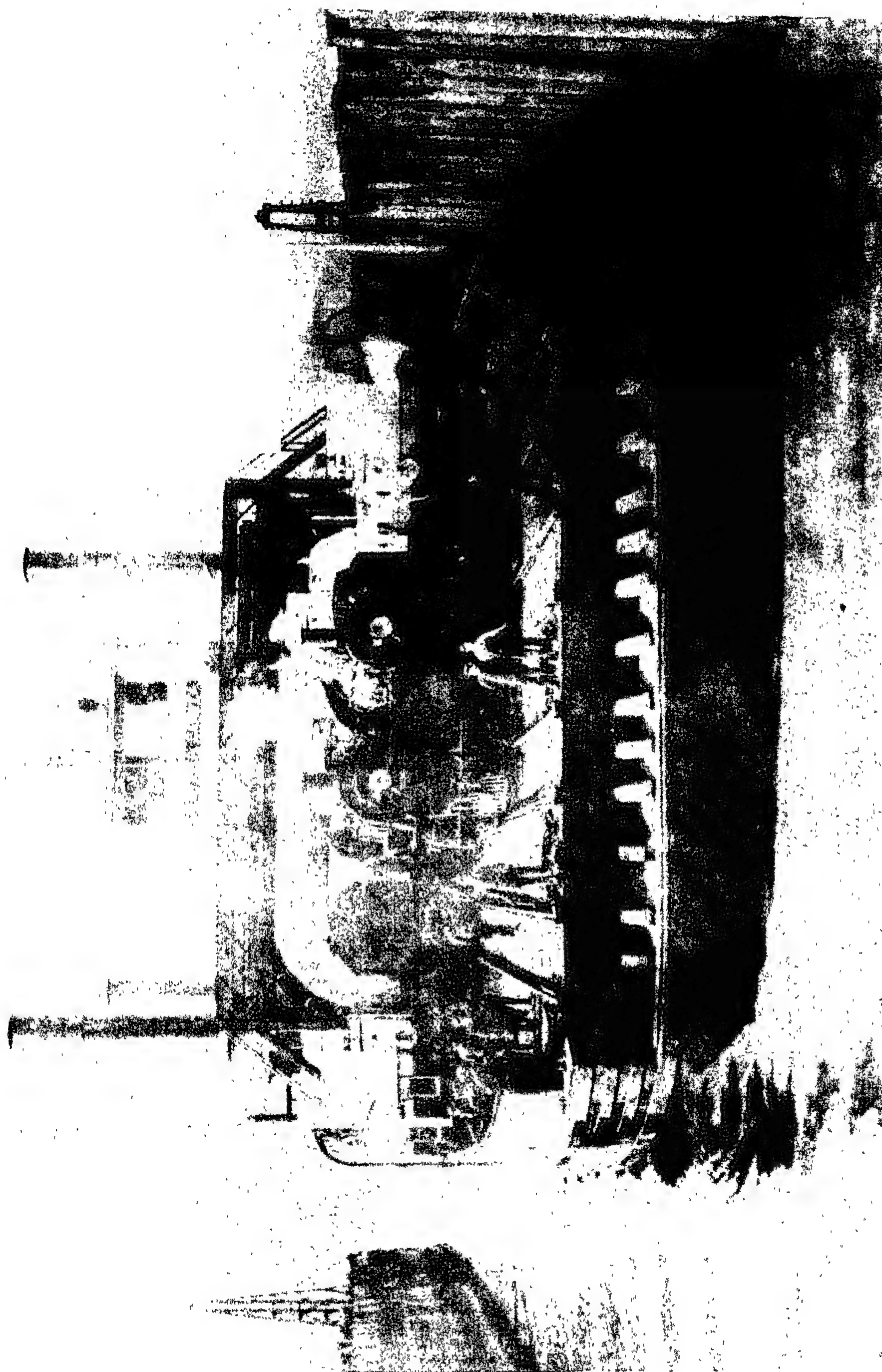


لوکوموتیف « ستار » ۱۸۴۱ ع

آهن سمت سرك های معروفه را همیشه تعقیب نمیکند . مثلاً خط آهنیکه از کوه های چیوتیز Cheviots انگلستان میگذرد سرك قدیمه را که وادیهای ریدRed وجیدJed را پیوست میکند تعقیب نمی نماید وخط آهنیکه از فلورانس Florence تابولونا Bologna ممتد است راه قدیمه را که از درهٔ لافوتا Lafuta میگذرد تعقیب نه کرده بلکه متصل دامنهٔ کوهای اپی نائین Appenines بطرف پستوجا Pistoja منحرف میگردد تا اینکه بردرهٔ آمبرون Ombrone بالا گردیده و بعدها بتوسط یك تونل از وادی رینو Reno عبور میکند . تخمین کرده اند که اگر راه آهن فیصد دو ارتفاع حاصل کند ، مصارف یك قطار آهن در یك کیلومتر مساوی مصارف دو کیلومتر عنان قطار آهن بر زمین هموار میگردد . در ممالك کوهی گاهی ریك ریلوی Rack Railway و یا فونی کولر Funicular و بالخاصهٔ یك نوع مخصوصهٔ آن که به ابیتAbt موسوم است نیزاستعمال میشود، زیرا بتوسط دندانه ها ویازنجیری لوکوموتیف بر راهائیکه نشیب خیلی تند دارد (حتی اگر نشیب از یك بر دو هم اضافه باشد) بکمال خوبی حرکت میکند و چون به مواضع هموار میرسد بطریق معمول راه میرود



برگنبستاك فولی کولر ریلوی (خط آهن کوهی)



ترین فیری (کشتی بزرگ که قطار ریل را ازیکجا بجای دیگر نقل میدهد)

اولین راه آهن دندانه دار بر کوه واشنگتن در نیوهمپاشائر (در اضلاع متحدهٔ امریکه) بنا گردید که مارش Marsh آن را در ۱۸۶۸ به تکمیل رسانید.



پایونیر— اولین لوکوموتیف در شیکاگو (امریکه)

برای اینکه در راه ریل بواسطهٔ حائل شدن غدیر های وسیع معطلی و غیره واقع نشود قطار ریل را بذریعهٔ کشتی هائی که به بالای عرشهٔ آنها خط آهن نصب است عبور میدهند. و آن را ترین فیری Train Ferry مینامند.

عوامل جغرافیائی ساختمان را های آهن را بطریق مختلفه تحت نفوذ خود میگیرد. معلوم است که یك لوکوموتیف باید هم گادی وهم مال التجاره هردورا نقل بدهد، ولی تنها مؤخر الذکر مفید ثابت شده لذا هر قدر که وزن خود واگون کمتر باشد همانقدر فائده بیشتر حاصل میشود واین منافع درانصورت در واگونهای بزرگ بدست می آید که مال کافی برای حمل ونقل شان مهیا گردد. اما نمیتوان در هرجا برای واگونهای بزرگ بار کافی پیداکرد، در مواقع که مقدار زیاد اشیای وزنی مانند غله، ذغال سنگ، سنگ های معدن و چوب بجاهای معین فرستاده میشود، البته فواید واگون های بزرگ زیاد است و بالخاصه وقتیکه برای واگونهای مذکور از هر دو طرف اینچنین بار های کافی موجود باشد فواید بسیار زیاد بدست می آید. ابتداء فکر تخفیف مخارج حمل و نقل بتوسط استعمال واگون های بزرگ در حصص شمال غربی اضلاع متحدهٔ امریکه در مناطقیکه در آن غله می روید به ظهور رسیده، یك عرصهٔ زیادی مسئلهٔ استعمال واگونهای بزرگ در ممالك دیگر تحت مباحثه گرفته شده بود ولی بالآخره معلوم گردید که این گونه واگونها درهر جا

از نقطهٔ نظر اقتصادی مفید نیست . در امریکه در بعض جاها و با لخاصه دو راه آهنیکه پیتس بورگ Pittsburg را با بنادر غدیر پیوست میکند استعمال واگونهای پنجاه تن مفید ثابت گردیده ، زیرا که درینجا واگونهای مذکور ازیک طرف به سنگ معدن آهن و از طرفی دیگر به ذغال سنگ مملو میشود .



کلانترین لوکوموتیف در عالم

واگونهائی که در براعظم اروپا استعمال میشودازواگون‌های‌معمولهٔ امریکه خورد تر ولی از واگونهای برطانیه خیلی بزرگ تر اند . بسیاری از کمپنی های ریل برطانیه استعمال واگونهای بیست الی چهل تن‌را تجربه نموده اند ولی فوائد که از آنها توقع میشد درهیچ صورت بدست‌نیامد وحتی در بعض مواقع ساختمان راهای آهن وفضاهای تو نل آن مملکت مانع‌گردیده نگذاشت که این تجارب صورت عملی بخود اخذ نماید . در جاهائی که برای حمل و نقل اسباب سنگین شرائط لازمه موجود باشد البته بتوسط واگون های طویل اگرچه از خانهای خوردی مرکب باشد فوائد زیاد بدست می آید، ولی اگر قطار آهن‌درازبوده وخانه‌های آن نیز بزرگ باشد فواید آن خیلی زیاد تر خواهد بود . در امریکه قطار های آهن دراز نیز خیلی معمول است چنانکه در صورت واگونهای بزرگ تذکار نمودیم. در براعظم اروپا نیز نسبت بمملکت برطانیه ازهمان باعث واگونهای طویل‌تر بیشتر مستعمل است .

فرق در بین راهای آهن امریکائی در بار ها و حجم واگون هاست واغلباً از دو سبب غرض‌اندام‌نموده یکی چنانکه قبلاً نیز بآن اشاره نمودیم موجود بودن مسافهٔ‌بزرگ بین مناطق صنعتی و زراعتی اضلاع متحدهٔ امریکه ، گویا مناطق صنعتی‌امریکا بامناطق‌زراعتی‌آن‌همان‌نسبتی‌دارد که‌برطانیه‌ویاجاپان‌با بازار های‌عالم دارد واین مسئله دران‌دومملکت منجربه وجود جهازات بزرگ بحری گردیده بصورتیکه که در اضلاع متحده این تجارت بوجود ریل های بزرگ مقتضی میگردد. بطوریکه مقدار اشیای‌که بالاوسط فی کیلومتر راه‌آهن در امریکه حمل و نقل گردیده نسبت به برطانیه خیلی زیاد است .

تشکیل راهای آهن خفیف که مصارف اولیهٔ آن کمتر و مخارج ترمیم آن نیز بالنسبه کم تر است از ۱۸۶۵ در فرانسه رائج گردیده و در سایر ممالك براعظم اروپا واضلاع متحدهٔ امریکه نیز درین اواخر

جاری گردیده،طرز بلجمی در ۱۸۸۵ شروع گشته و یك طریقهٔ خیلی خوب است که دو آن تا درجهٔ بسیارزیاد از سرك های معمولی استفاده گرفته میشود .

راه آهن دیگر موسوم به مونوریلوی Mono-rail در نمونهٔ راه آهن که چندی قبل بین لس تووله Listowell و بالی بنین Balybunion در جنوب غربی آئرلیند بنا گردید بود . لوکوموتیف وقطار های راه آهن بالای یك خط آهن واحد حرکت نموده و بردو خط خورد تری که درهردو جانب این خط واقع بود متکی می باشد.



مونو ریلوی

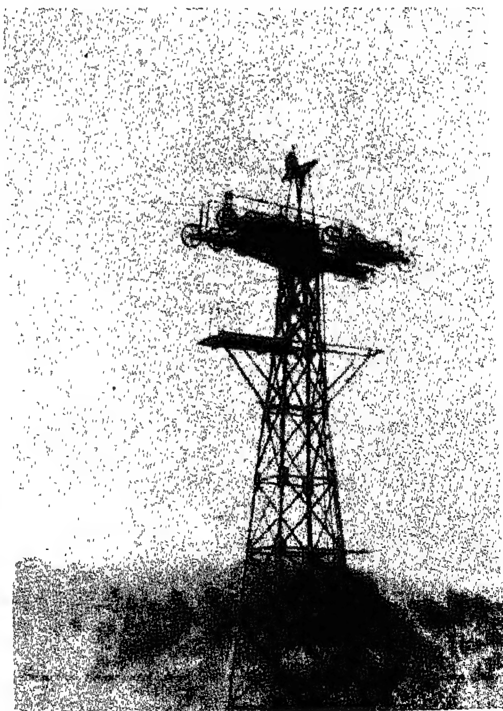
ساختن ترامری ها به بعض را های آهن خفیف بتوسط استعمال برق درین اواخر خیلی سریع میباشد رقابت موترها در ترقی راه آهن خفیف وترامری موانع زیاده حادث نموده . زیرا موتر ها میتوانند ازاستعمال سرك های معمولی استفاده بردارند،گویا موترها برراه آهن تفوق راکه راه‌آهن برکانال‌ها دارد دارا میباشد ، زیرا بتوسط این موتر ها میتوان در بین نقاط مختلفه مال لتجاره راساً حمل و نقل نمود که بدون شك در توزیع اسباب صنعتی وحتی زراعتی اهمیت زیادی دارد . این‌موترها بعضی انواع مال‌التجاره را عیناً از نقطهٔ تولیدآن گرفته راساً به نقطهٔ مصرف منتقل می‌نماید.

چنانچه پیشتر گفتیم موتر ها ازسرك های معمولی نیز استفاده میناید،علاوه ازین ازباعث قوهٔ زیاده که نسبت به حیوانات دارند،میتوانند که به سرك ها و راه‌ی برهم و خراب نیز حرکت نمایند و حتی بر راهائیکه در نتیجهٔ عبور و مرور ساخته شده‌نیز میتوانند که حرکت نمایند . از همین‌جهت موترها اهمیت‌زیاده‌داشته ووسیلهٔ خوبی برای رفت و آمد بین قریه ها و طرق دور و دور از خطوط آهن است .



کیبل‌وی بر کوه اندیز

برای مسافرت در زمین‌های پست وبلند که دارای نشیب‌وفراز تند باشند استعمال روپ وی Rope way و کیبل وی Cableway که هر دو باهم تقریباً شبیه‌اند فواید زیاده را دارا میباشد. هردو دارای یك ریسمان هوائی بوده که دران دلوها Buckets آویزان میباشند ، کیبل وی را میتوان از بالای علف زار ها و کشت زار ها بدون اینکه به کشت نقصانی عاید گردد گذرانید. حتی آن را بالای زمین های ناهموار وجویچه ها نیز میتوان نصب کرد در مواضعی که این‌ها بتوسط برق حرکت میکند،این طریقه به‌تیلیفریج Telephrage موسوم است، که درنتیجهٔ زحمات پروفیسر فلی مینگ جنکسن Prof. Fleming Jenkins وپروفیسر آیرتن Irton وپیری Perry بوجود آمده.درین‌طریقه دلوهای خورد استعمال میشودکه‌ازیك‌تن‌بیشترگنجایش‌ندارد ولی،یك دیگررا برفتار سریع تعقیب میکند . در انگلستان خط اولین تیل‌فیریج ا کتوبر ۱۸۸۵ به مقام گلند Glynde بنا گردید وطول آن تقریباً یکنیم کیلو متر بود . درایطالیه خطیکه طول آن تقریباً ۱۹ کیلو متر بود برای بردن ذغال‌سنگ ازساون Savone به سان گیوسب دی کیرو San Guisppd de Cairo که محل تقاطع راهای آهن تورین و میلان است بنا شد . در ۱۹۱۳ ادارهٔ پوسته نیز این طریقه را برای فرستادن پارسل ها استعمال کرد . در مملکت کولمبیا یك خط آهن تا فاصلهٔ ۷٤ کیلومتر امتداد دارد و بالای کوه اندیز تا ارتفاع ۳۷۵۰ متر رفته است .



یك پایهٔ کیبل‌وی

در بعض حصص دنیا مانند روسیه و وادی کنگا احتیاج سرك های‌طرزقدیم بواسطهٔ دریاهای های قابل کشتی رانی مرتفع گردیده . اما امروزه این مسئله به اثبات رسیده‌که دست قدرت مملکتی را که وسایل ساختن راه آهن‌عطا نموده نسبت به مملکتی که برای آن دریا های قابل کشتی رانی داده است بهتراست ، زیرا بواسطهٔ دریاها نمیتوان مال‌التجاره

را رأساً به مقاماتی که بخواهیم رسانید .

راهای آهن نه تنها در تیز رفتاری و سرعت حمل ونقل بر دریا هـای قابل کشتی رانی فضیلت دارد بلکه علاوه برآن بتوسط راهای آهن میتوان دربین نقاط مختلف مملکت راساً سلسلهٔ رفت و آمد را برقرار نمود ، علاوه بران اگر این راهای آبی برکنارهای خود دارای مقاماتیکه بتوان درآنجا مال‌التجاره را فرود آورده و یا از آنجا مال‌التجارهٔ جدیدی گرفته نباشند چندان مفید ثابت نخواهد شد . و همین مسئله تا اندازهٔ زیادی اهمیت دریای (پو) رامی کاهد، همچنین دریای مسسسیپی امریکه تافاصلهٔ زیاد درمقامات جریان دارد که فرود آوردن مال‌التجاره ممکن نیست. درصورتیکه راهای آهن دارای ایستگاهای متعددی بوده میتوان درمواقع مختلفه حسب خواهش ایستگاهی مقرر کرد و علاوه ازین فایدهٔ دریا از نقطهٔ نظر حمل و نقل تا درجهٔ زیاد بر موسم نیز وابسته است ، درصورتیکه موسم مختلفه برراهای آهن آنقدر تاثیر ندارد. درجا هائیکه زمستان خیلی شدید است از باعث انجماد آب برای یک‌حصهٔ سال کشتی رانی معطل میماند .

استعمال برق در راهٔ آهن :

در سالهای آخر قرن‌نوزدهم قوهٔ برق را برای حرکت‌برراهٔ آهن استعمال ودرسال اول قرن بیستم این طریقه در اروپا و امریکه فوق‌العاده مورد استعمال گردید. یکی از فوائد مهم این طریقه نجات وسرعت رفتار یافتن از دود و بخار است. درتونل‌های متصل شهر های بزرگ دود وبخار باعث تکا لیف زیاد میگردید و در ممالک کوهستانی چون سوئتزرلیند وغیره قوهٔ زیاد برای حرکت لازم بود ، ممالکی که دارای معادن ذغال سنگ نیست میتواند از قوهٔ آب درین خصوص فوائد کلی بردارد .

احصائیهٔ خصوط راهٔ آهن دنیا

اسم مملکت	بحساب کیلومتر	اسم مملکت	بحساب کیلومتر
ابی سینیا	۷۸۷	ایران	۷۵۲
اتحاد افریقهٔ جنوبی	۲۰ ۷۲۶	ایکوادور	۱ ۰۲۹
ارجن‌تائن	۴۰ ۹۵۰	برازیل	۳۱ ۹۴۲
آستریا	۶ ۶۸۸	برطانیه	۳۹ ۲۸۴
آستریلیا	۴۲ ۸۳۴	بلجیم	۶ ۵۹۰
استونیا	۱ ۲۴۱	بلغاریا	۲ ۹۳۲
اضلاع متحدهٔ امریکه	۴۰۰ ۹۷۴	بولیویا	۹۲۶
اطالیه	۲۲ ۱۵۱	پارا گوئی	۱ ۰۶۱
الجزائر	۴ ۸۴۵	پانامه	۷۷
البانیا	۳۵	پرتگال	۳ ۲۲۲
آئرلیند	۴ ۸۰۷	پولیند	۱۷ ۳۲۰

اسم مملکت	بحساب کیلومتر	اسم مملکت	بحساب کیلومتر
پیرو	٤ ٤٢٤	کوسته‌ریکا	١ ٦١٢
ترکیه	٦ ١٨٤	کولمبیا	٢ ٩٧٢
تونس	٢ ٠٣٨	کوریا	٣ ٨٥٦
جاپان	٢٠ ٦٤٢	کیوبا	٤ ٩٢٣
جرمنی	٥٣ ٧٩٥	گواتی مالا	١ ٠٥٠
جزائرشرق الهند	٧ ٤٢٥	لاتویا	٢ ٧٦١
چلی	٨ ٩١٩	لتوانیا	١ ٦٩٩
چیکوسلواکیا	١٣ ٢٣٢	لکسمبرگ	٥٤٣
چین	١٩ ٨٥٩	مانچوریا	٢ ٩٩٠
دنمارک	٥ ٢٩٧	مراکش	٢ ١٨٦
دومه‌نیکا	٦٤٧	مصر	٦ ٧٩٦
روسیه	٧٧ ٦٦٠	میکسیکو	٢٩ ١٧٢
رومانیا	١١ ١٣٠	ناروی	٣ ٨٣٧
سالوادور	٥٣١	نکاراگوا	٣٤٥
سوتزرلیند	٥ ٤٢١	نیپال	٤٠
سودان	٣ ٢١٢	نیدرلاندز	٣ ٦٨٢
سوریه	٨٨٢	نیوزی‌لیند	٥ ٥٣٦
سویدن	١٦ ٨٠٩	وینزویلا	٩ ٠٣٧
سیام	٢ ٩١٨	هاندوراس	١ ٧١٢
طرابلس	٤٠٣	هائتی	٢١٧
عراق	١ ٢١٢	هسپانیه	١٦ ٣١٧
فرانس	٤٢ ١٤٥	هند	٦٨ ٠٧٢
فنلاند	٥ ٤٠٠	هنگری	٨ ٦٧٥
کانگو	٣ ٨٩٩	یوگوسلاویا	١٠ ١٠٤
کانادا	٦٧ ٧٤١	یوروگوی	٢ ٧٨٤
		یونان	٢ ٦٨٥

جراید و مجلات مشهورهٔ عالم اسلام

جراید و مجلات ایران

«مطبوعات یومیهٔ طهران»

از طرف صبح :

ایران ، شفق سرخ ، کوشش ، ستارهٔ جهان ، مساوه دو طهران ، گلشن، حصار عدل ، آئینهٔ ایران، اقدام .

از طرف عصر :

اطلاعات ، تجدد ایران ، ایران آزاد .

هفته گی :

امید ، قانون .

مجلات :

مجلهٔ عدلیه ، قشون ، مذاکرات مجلس شورای ملی ، مجلهٔ پولیس ، مجلهٔ بلدیه، ارمغان ، شرق ، سودمند ، ارمان، تشویق ، اطاق تجارت، قلم آزاد .

اخبار تلگرافی خارجه :

ریوتر ، بی‌سیم فرانسه ، بی‌سیم مسکو ، بی‌سیم برلن .

مطبوعات اردبیل :

جریدهٔ هفته گی: جودت.

روز نامهٔ کامگار که هفتهٔ سه شماره نشر میشود .

مطبوعات اصفهان:

روز نامهٔ اخگر ، روز نامهٔ عرفان .

جریدهٔ راهٔ نجات، ماهٔ دومرتبه . جریدهٔ دانش اصفهان، ماهٔ دو مرتبه . جریدهٔ صدای اصفهان، ماهانه .
جریدهٔ گیتی نما، ماهانه . مجلهٔ بلدیه، ماهانه . جریدهٔ منتش ایران، ماهٔ دومرتبه.

بال فروش :

روزنامهٔ طبرستان، هفتگی . جریدهٔ خلیج ایران، هفتگی.

تبریز :

روزنامهٔ تبریز، یومیه . روزنامهٔ سهند، یومیه . مجلهٔ شاهین، هفتگی. مجلهٔ الدین والحیات، ماهانه .

رشت :

جریدهٔ معیشت ملی، هفتهٔ پنج شماره . روزنامهٔ پرورش، یومیه . روزنامهٔ فکر جوان، یومیه . روزنامهٔ البرز، یومیه . روزنامهٔ صورت، یومیه . روز نامهٔ ترغیب، یومیه . روز نامهٔ بدر منیر، یومیه . مجلهٔ سعادت نسوان .

زنجان :

جریدهٔ پروین خمسه ، درهفتهٔ سه شماره نشرمیشود .

شیراز :

روز نامهٔ عصر آزادی، هفتگی . روز نامهٔ تخت جمشید، یومیه . روزنامهٔ گلستان، یومیه . روزنامهٔ بیان حقیقت، هفتگی . روز نامهٔ ظریف، هفتگی . روزنامهٔ بهار ایران ، هفتگی. مجلهٔ الاسلام ، هفتگی .

قزوین :

روز نامهٔ نوروز ، روز نامهٔ باز پرس .

جرايد و مجلات تورکیه

روز نامه و مجلات آطنه :

اهالی، روزنامهٔ سیاسی. صدای داکتر ، ماهانه طبی. سخن تورك، روزنامهٔ سیاسی. نوآطنه، روزنامهٔ سیاسی.

مجلات آطه پازاري :

آطه پازاری ، هفته گی سیاسی . مجموعهٔ مکاتب ملت ، ماهانه ادبی .

افیون قره حصار : صون خبر، روز نامهٔ سیاسی .

اقسرای: اقسرای ، هفته گی رسمی .

روز نامه و مجلات انقره :

جریدهٔ عدلیه ، ماهانه رسمی . اقلیك از شگوفه های انقره ، پانزده روزه اجتماعی و ادبی و فکاهی .

سربرات انقره ، ماهانه طبی . تاریخ ماه ، ماهانه سیاسی . سالنامهٔ دولت ، سالانه رسمی . مجموعهٔ مالی ، ماهانه از طرف بانك زراعت . عقیده آرزو ، ماهانه تربیوی و اجتماعی . بینش ، ماهانه علمی و صنعتی . تورك تنومند ، ماهانه از طرف حمایهٔ اطفال . حاکمیت ملیه ، روزنامهٔ سیاسی . مجموعهٔ خاق ، هفته گی از طرف وزارت معارف . خاق بیلگیسی ، مجموعهٔ غیر معین ، غیر سیاسی . خسته خانه ، ماهانه طبی . هواجیاق و اسپور ، هفته گی مسلکی . همه جوانی ، ماهانه ، ادبی . خوش بین ، ده روزه ادبی . اداره ماهانه ، ازطرف وزارت داخله . اوامر ژاندار مری ، پانزده روزه ، رسمی . مجموعهٔ ژاندار مری سه ماهه . روز نامهٔ دهقان ، پانزده روزه غیر سیاسی . مجموعهٔ پلیس ، ماهانه رسمی . مجموعهٔ صحیه ، ماهانه از طرف وزارت صحیه . هلال احمر ترك ، ماهانه مسلکی . ترك یوردی ، ماهانه ، علمی . روزنامهٔ زراعت ، ماهانه ، زراعتی . اقتصاد وکالتی ، از طرف وزارت اقتصاد .

مجلات انطاکیه :

جریدهٔ انطاکیه ، هفته گی . زمردین ، هفته دوبار سیاسی .

آیواق : آیولق ، هفته دوبار ، سیاسی .

بافرا : تنویر افکار هفته گی ، سیاسی .

روز نامه ومجلات بالکیسر :

بالکیسر ، هفته گی . صدای بالکیسر ، هفتهٔ دو بار سیاسی مستقل . راهٔ جوانان ، ماهانه غیر سیاسی . استقلال ، روز نامهٔ سیاسی . لسان تورك ، روز نامهٔ سیاسی .

بارطین : بارطین ، هفته گی ، غیر سیاسی .

بیله جك : بیله جك هفتگی رسمی .

بولی : بولی ، هفته گی .

مجلات بوروسه :

عصری چیفتچی ، ماهانه زراعتی . صدای حق ، هفته دو بار سیاسی . قارداش ، هفته گی سیاسی . رسملی بوروسه ، هفته گی . فکر تازه ، هفته گی سیاسی .

چناق قلعه : چناق قلعه ، هفته گی .

مجلات چانقری : چانقری ، هفته گی . دویغو ، هفته گی سیاسی .

چوروم : چوروم ، هفته گی .

مجلات دنزلی :

دنزلی ، هفته گی . یوچهل ، پانزده روزه فکری و اجتماعی .

دیار بکر : دیار بکر ، هفته گی .

مجلات ادرنه :-

ادرنه پوسته سی ، ده روزه سیاسی . ملی غزته سی ، هفته دوبار سیاسی . رسملی ادرنه هفته گی رسملی .

العزیز : العزیز ، هفته گی رسملی .

مجلات ارض‌روم :

ارض روم ، هفته گی . وارلق ، هفته دوبار ، سیاسی .

مجلات اسکیشهر :

ادوقات مجموعه سی ، ماهانه مسلکی .

سقاریا : هفته‌گی ، سیاسی .

مجلات غازي غیتاب :

بیلگی ، پانزده روزه ادبی . غازی غیتاب،هفتهٔ دو بار سیاسی . لسان خلق ، هفتهٔ دو بار سیاسی .

ایچ‌ایل : طاش ایلی ، هفته‌گی .

ایلنه بولی :سیاح ،هفته‌گی .

گیره‌سون: یشیل گیره سون ، هفتهٔ دوبار سیاسی .

مجلات و روزنامه‌هاي‌استانبول:

آق با با، هفتهٔ دوبار ، فکاهی و سیاسی . آقشام ، روزنامهٔ‌سیاسی . مجموعهٔ عملی‌الکتریك،ماهانه مسلکی . آخری تورك ، ۱۵ روزه سیاسی . بیطاری مجموعه ، ماهانه مسلکی . بیلدیریش ، هفته‌گی سیاسی . بوش بوغاز و یاوه‌گو ، ده روزه سیاسی . برادو ، هفته گی فکاهی . جمهوریت ، روز نامهٔ سیاسی . چوجوق انسیتقلوپه دیسی ، مجموعه . چوجوق سنی، مجموعه . دارالبدایع ، مجموعهٔ پانزده روزه مسلکی . دارالفنون ادبیات فاکولته سی مجموعه سی ، دوماهه . دارالفنون فن فاکولته سی مجموعه سی ، دو ماهه . دارالفنون‌طب فاکولته‌سی‌مجموعه‌سی، دوماهه. دمریوللری‌مجموعه سی، ماهانه. دیشیجیلك عالی، ماهانه . سه‌توتون افیناس، ماهانه اقتصادی . ایل‌ایش ، پانزده روزه مسلکی . فن و اقتصاد تورکیش، ماهانه مسلکی . فیلم ، هفته گی مسلکی غیر رسمی . غربه دو غری ، ماهانه مجموعهٔ جوانی . غلوریا ، هفته‌گی غیر سیاسی . غول ، هفته گی . اسپور. هفته‌لق سینما ، هفته گی غیر سیاسی . خلق دوستی ، روز نامهٔ سیاسی . خواجه نصر الدین ، هفتهٔ دو بار سیاسی فکاهی . حقوق بیلگیلر ، ماهانه غیر سیاسی . حر آدم ، روز نامهٔ سیاسی . اجتهاد ، پانزده روزه غیر سیاسی . اقتصاد جی ، پانزده روزه مسلکی . انقلاب ، روز نامهٔ سیاسی . استانبول باروسی مجموعه سی ، ماهانه مسلکی . استانبول سریر باقی ، هفته گی مسلکی . استانبول شهرامانتی مجموعه سی ، ماهانه . استانبول تجارت و صنایع اوطه‌سی ، مجموعهٔ ماهانه . استانبول ولایت غزته سی ، روز نامهٔ رسمی . استطلاعات بحربه ، هفته پنجروز مسلکی . قلم گوز، هفته گی‌سیاسی وفکاهی . قارا،هفتهٔ دوبار سیاسی‌وفکاهی. قازانج غزته، هفتهٔ دوبارغیرسیاسی . ملی‌سه قونوی،مجموعه .ملی مجموعه ، پانزده روزه فن‌و صنعت . ملیت، روزنامهٔ سیاسی . معلم سسی ، ماهانه ، مسلکی . مصور تورك سینماسی ، هفتگی . مهندس مکتبی مجموعه سی ، ماهانه . ادولی یورد ، ماهانه سیاسی . ارومان واد ، ماهانه غیر سیاسی . پولتیقا ، روزنامهٔ سیاسی . رفیق اسپور، پانزده روزه .رسملی آی، ماهانه . رسملی‌حکایه‌سی،هفته گی . رسملی صحی‌صحیفه‌لر، ماهانه طبی . رسملی‌ادیانش،هفته گی سیاسی . سینماغزته‌سی ،روز نامه . سیزك ایچون ، هفته‌گی فکاهی . صوك پوسته ، روزنامهٔ سیاسی . اسپور عالمی، هفته گی . تداوی نوطلری ، ماهانه طبي . تورك باطیار لاری بعضاً ، مسلکی .

تورك جراحی‌مجموعه سی، ماهانه . تورك اجزاجی‌عالی ، ماهانه‌طبي. تورك اوفتری مو لو ژی، ماهانه‌مسلکی .

تورك اسپور، هفته گی . توتون انحصار اداره سی مجموعه سی، سه ماهه . تورکیه سالنامه‌سی، سالانه . تورکیه تجارت غزته سی ، هفته گی غیر سیاسی . اونیون قو س سیال ، ماهانه تجارتی . وقت ، روز نامهٔ سیاسی . ورم ، دوماهه‌طبی. صباح، روزنامهٔ سیاسی . یکی کور اوغلی ، هفتهٔ‌دوبار سیاسی وفکاهی. یکی محیط ماهانه، غیرسیاسی. یکی تورکستان ، ماهانه سیاسی . یشیل هلال ، ماهانه غیر سیاسی .

مجلات ازمیر :

اناطولی، روزنامهٔ سیاسی . فکر لر مجموعه سی ، پانزده روزه علمی و صنعتی .

خلقنی سیسی ، روز نامهٔ سیاسی . خدمت ، روز نامهٔ سیاسی . حریت ، روزنامهٔ سیاسی . لولوان ، روزنامهٔ سیاسی فرانسوی . سربست جمهوریت، روز نامهٔ سیاسی . صحت ، ماهانه صحی . تجارت غزته‌سی ، روز نامهٔ سیاسی . ینی عصر ، روز نامهٔ سیاسی .

اسپارطه : اسپارطه، هفته گی .

قارص : قارص ، هفتهٔ دوبار .

مجلات قسطمونی :

طوغرولق ، هفتهٔ دوبار سیاسی . آچیق سوز ، هفتهٔ دوبار سیاسی . قسطمونی ، هفتهٔ‌سه بار .

قیصری : قیصری ، هفتهٔ دوبار ،

کلیسا : کلیسا ، روز نامهٔ سیاسی .

مجلات قرقلر ایلی :

رسملی قرقلر ایلی ، هفته گی.

تراکیا : یشیل یورد ، هفتهٔ‌دوبار سیاسی .

قیر شهر : قیرشهر، هفته دوبار .

مجلات قوجا ایلی :

حرفکر، هفته گی سیا سی . تورك یولی هفتهٔ یکبار سیا سی . قوجا ایلی هفتهٔ یکبار .

مجلات قونیه :

بابالق، روزنامهٔ سیاسی . قونیه، هفته گی . ینی فکر، پانزده روزه غیر سیاسی .

مجلات کوتاهیه :

کوتاهیه، هفته گی. کوتاهیه مجموعه سی، پانزده روزه ادبی وزراعتی .

مجلات ملاطیه :

ینی ملاطیه ، هفته گی غیر سیاسی . یکیلیك ، هفته گی اقتصادی و سیاسی .

مجلات ماردین :

خاق سسی،هفته گی سیاسی . ماردین هفته گی .

مجلات مرسین :

آ قین،روزنامه . خلق،روز نامهٔ سیاسی . مرسلنده یبی یورت ،ماهانه تربیوی ادبی.طوردی،پانزده‌روزه غیر سیاسی . یبی مرسین،روزنامهٔ‌سیاسی .

مفلا : روز نامهٔ سیاسی .

مجلات اردو :

گوزل اردو، هفته گی‌سیاسی . تکامل،هفته گی سیاسی .

نیکده : پیلگی ، هفته گی .

مجلات صامسون :

اهالی ،هفتهٔ دوبار سیاسی . چاغلیان مجموعه‌سی، ماهانه‌فلسفی ادبی اجتماعی اقتصادی. دویغو دویلك، ماهانه . نکیسن، هفتهٔ دو بار سیاسی . صامسون،هفتهٔ دوبار.صامسون تجارت غزته‌سی،هفته گی غیر سیاسی . یورویوش، ماهانه ادبی .

سینوب :سینوب، هفته گی .

مجلات سیواس :

قیزیل ایرمق، هفتهٔ‌دوبار سیاسی .

سیواس هفتهٔ دوبار .

طرسوس : یبی‌طرسوس، روز نامهٔ سیاسی .

تیکر داغ ، هفته‌گی رسمی .

توقات : توسیا وادیلك، پانزده روزه .

مجلات طرابزون :

اقبال،دوروزه سیاسی. نجم آی، پانزده‌روزه ادبی‌اجتماعی. طرابزون تجارت غزته‌سی، هفته گی‌غیرسیاسی . یکی یول،هفته گی سیاسی .

مجلات اورفا :

اورفا هفته گی . اورفا ملی غزته‌سی، هفته گی سیاسی .

بوز غات : یوز غات، هفته گی .

زونقولداق : زونقولداق هفته گی .



خطاط معروف وطن جناب میر علی هروی متوفا در سال ۹۶۶





خطاط معروف وطن جناب سلطان محمد خندان هروی



خطاط شهیر وطن جناب میر عبد الرحمن هروی

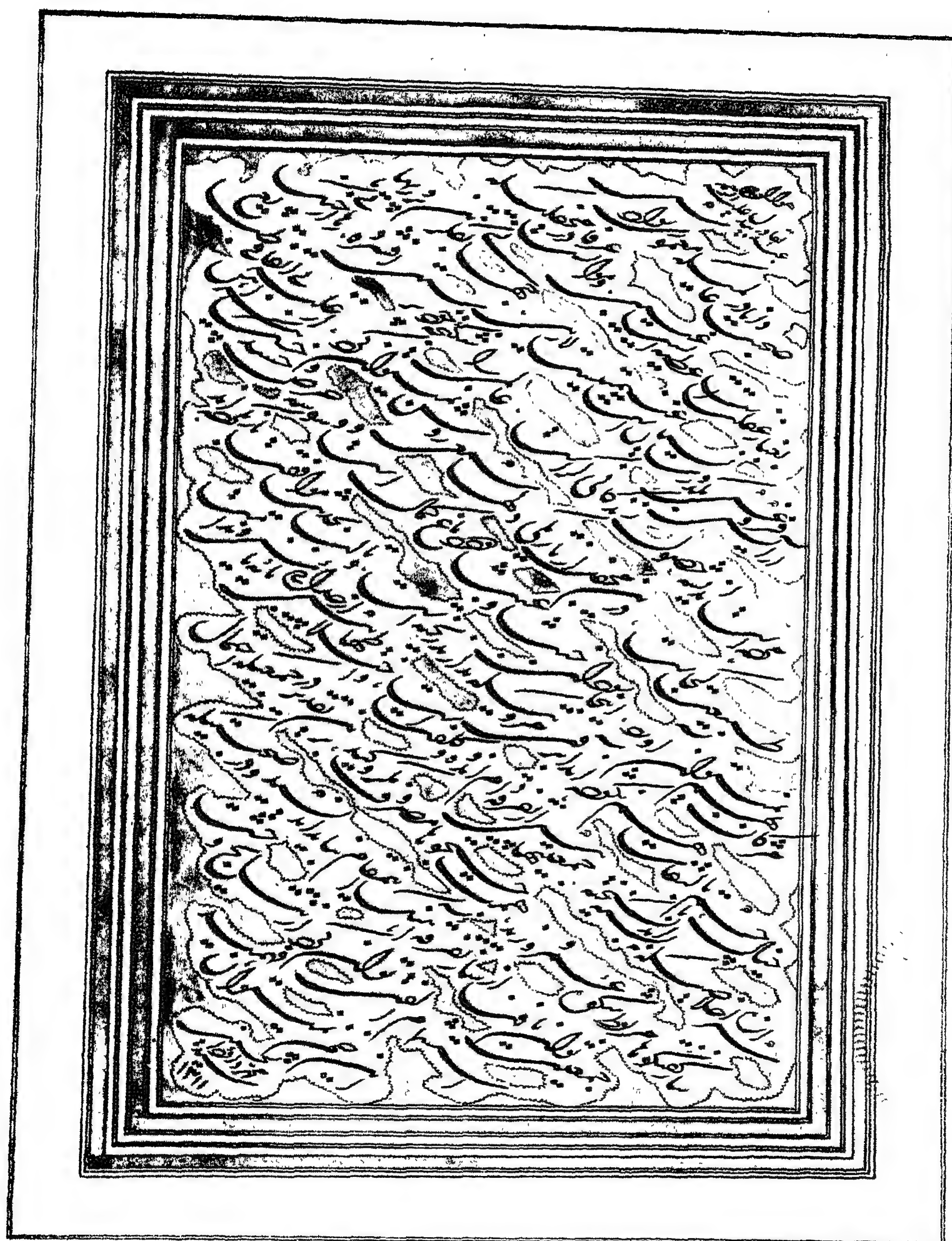




خطاط نامدار وطن جناب سید عطا محمد خان قندهاری متوفا در سال ۱۳۴۱



از شعرا و خطاطان معروف وطن جناب میرزا محمد یعقوبخان
متوفا در سال ۱۳۴۲ ق



نمونهٔ خط شکسته آمیز



هو المعز

ریشه با آب چو سازد گل احمر گردد

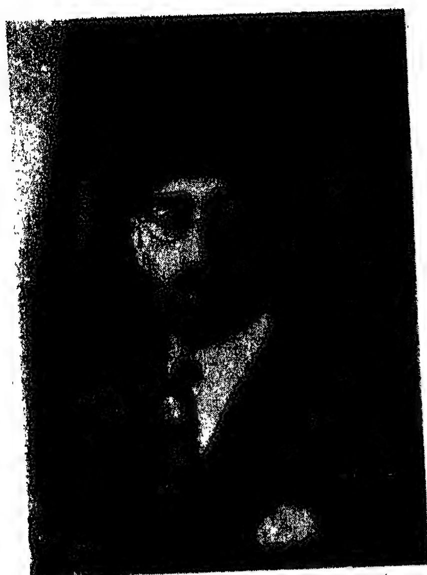
خاک چون طالب خورشید شود زر گردد

صحبت صاف دلان جوهر اکسیر غناست

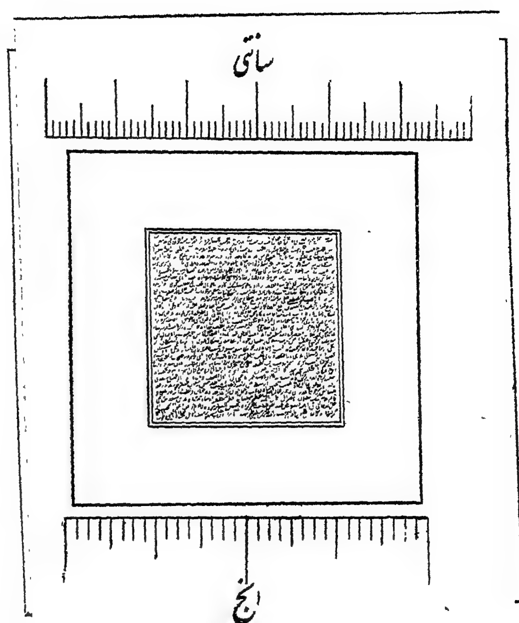
بی صدف قطره محالست که گوهر گردد

سید محمد داود الحسینی تحریر نمود

نمونهٔ خط نستعلیق



آقای سید محمد داؤد الحسینی خطاط معروف



نمونهٔ از خط و کوچک نویسی فاضل آقای سید محمد داؤد خان الحسینی خطاط معاصر و معروف کابل که اخیراً قلم توانا و مهارت شان دو هزار و دو صد هفتاد (۲۲۷۰) حرف را که پنجصد و پنجاه پنج (۵۵۵) کلمه میشود عیناً در کتیبهٔ فوق در یک انچ مربع انشا کرده و برای نوشتن این کتیبه بجز قلم معمولی ابداً ذره بین و عینک و دیگر لوازم بکار نبرده اند علاوةً بر نمونهٔ فوق قبلاً در یکدانه برنج باریک بسم الله شریف، سورهٔ فاتحه، سورهٔ اخلاص را تمام و اسم خود و تاریخ و سنهٔ نوشتن را نیز تحریر نموده اند

جراید ومجلات مصر، عرب وعراق

دردنیا ٤٧٤ جرائد و روزنامه های عربی است که از مقامات ذیل شائع میشود :

قاهره ٩٦، دمشق ٢٢، سار دنیه یك، اسکندریه ٢٨، حاماوحمص ١١، مالتا یك، سائر مصر وسودان ٦، لبنان ٢٤ ، بیروت ٦٠ ، حلب ١٥ ، الجزائر ٦ ، بیت المقدس ٥، لتاکیه ٣ ، مراکش ٣ ، استامبول ١٦ ، سائر ترکیه ١٣، تونس ٢٦، یافه ٣، پاریس ١٢، نیویارك ١٢، بغداد ٣٣، مارسلز یك، بیونس ایریس ٥، بصره ٩، لندن ٤، ساوپالو ٨، طرابلس وشام ٩، زنگبار ٢، رایودی جینرو ٣، سائر امریکه ٨، مانیترل ٣، سنگاپور ٢، طرابلس غرب ٣. باقی از ممالك دیگر .

مجلات عربی دردنیا از مقامات ذیل نشر میشود :

قاهره ١٢١، اسکندریه ٢٤، سائر مصر ٧، بیروت ٣٤، استا مبول یك، یافه یك، بغداد ٤، طرابلس وشام ٣ دمشق ٥، حاما حمص ٤، لبنان ٨، حلب ٢، سائر ترکیه ٦، مارسلز یك والجزائر یك، مراکش یك، تونس ٤، لکهنؤ ١ نیویارك ٥، بیونس آیرس ٣، ساؤ پالو ٢، مانیترل ١، دیوبند ٢ .

مجلات مصر به لسان های ذیل نشر میشود :

عربی ٥٧ - فرانسوی ١٢ - یونانی ٨ - ارمن ٣ - مالطائی ١ - عبرانی ١ - انگلیسی ولاطینی ٨ - درعصر حاضره تعداد جرائد رو به ترقی است چنانچه قبل از محاربهٔ عمومی تعداد اشاعت اعظمی یك جریدهٔ عربی بیست هزار بود لیکن حالا تعداد هر یك روز نامه از چهل هزار کمتر نیست . جرائد مشهور مصر درین ایام عبارت از جرائد ذیل است که همهٔ آنها سیاسی است : الاهرام ، الخاتم، البلاغ ، رودنیل ، المحروسه ، المصور ، الاخبار، السیاسة.

در مجلات، مجلهٔ «المنار» در صف اول است که بنیاد آن را شیخ محمد عبده گذاشته و بعد از وفات شان شاگرد رشیدش سیدرشید رضا این مجله را ترقی داد ، این مجله یك مجلهٔ مذهبی است ودر هر شمارهٔ آن تفسیر کلام پاك وانتقاد و تبصره برکتب شائع میشود، لیکن چندان اشاعت زیاد ندارد .

اعراب عموماً خبرهای خود را از قاهره وصول میکنند در ١٩١٦ ع جریدهٔ « القبله » از مکهٔ معظمه جاری شد ، لیکن طباعت آن در قاهره میشد ، این جریده یك جریدهٔ سیاسی بود امرای مکهٔ معظمه بواسطهٔ آن سیاست خود را اجرا میکردند. در عصر سلطان ابن سعود این جریده تقریباً سقوط نمود و یك جریدهٔ دیگری بنام «ام القرا » جاری شد .

فعلاً یك جریدهٔ دیگری بنام « صوت الحجاز » جدیداً دارای امتیاز گردیده است .

از بغداد که یك شهر مشهور تاریخی است تنها پنج جریده و از بصره دوجریده نشر میشود ، اما حسیات ترقی در جرائد آتولا فعلاً تولید شده چه « المفید » و «الاستقلال » جرائد سیاسی میباشند و برسائر احزاب سیاسی عراق عرب انتقاد مینماید .

جراید و مجلات اسلامی هند

جرائد و مجلات اسلامی در مدراس و حیدر آباد :

۱ آزاد هند (اردو) تریلیکین ، ۲ دارالسلام (تامل) مدراس ، ۳ گنتاتاسیریان (تامل) وجاپورم ، ٤ حکیم اور وطن مدراس ، ٥ جتیهاتیه (ملایلم) کالی کت ، ٦ اسلام دوتان (ملایلم) کیام کلم ، کریلا جندرکا (انگلیسی ، ملایلم) تراونکور ، ۸ ملابار اسلام (انگلیسی و ملایلم) ریاست کوچین ، ۹ مخبر دکن (اورد) مدراس ، ۱۰ منیرالاسلام (ملایلم) کیام کلم ، ۱۱ مسلم (ملایلم) تراونکور ، ۱۲ مسلم سائیکاری (ملایلم) کالی کت ، ۱۳ نیلگری تائمز (انگلیسی) اوتکمند ، ١٤ قاسم الاخبار (اردو تامل وانگلیسی) مدراس ۱٥ قومی راپورت (اردو) مدراس ، ١٦ رهبر دکن ، (اردو) حیدر آباد ، ۱۷ مجله المعالج (اردو) افضل گنج ، ۱۸ رساله اتالیق (اردو) حیدر آباد ، ۱۹ مجله محبوب‌النظیر (اردو) حیدرآباد ، ۲۰ مجله نو نهال (اردو) حیدر آباد ، ۲۱ مجلهٔ واعظ (اردو) حیدر آباد ، ۲۲ النساء (اردو) ، حیدرآباد، ۲۳ صحیفهٔ (اردو) حیدرآباد، ٢٤ سیف‌الاسلام (تامل) مدراس، ۲٥ شمس‌الاسلام (ملایالم) کارنگاپلی ، ٢٦ اردو (اردو) اورنگ آباد « دکن » .

جرائد و مجلات اسلامی در بمبئی :

۲۷ آفتاب اسلام(گجراتی) راجکوت پارا، ۲۸ اخبار(گجراتی) بمبئی ، ۲۹ اخبارالاسلام (گجراتی) بمبئی ، ۳۰ العزیز (گجراتی) جودیا، ۳۱ الحقیقت (گجراتی) لرکانا ، ۳۲ الحق (انگلیسی وسندهی) سکر ۳۳ الاسلام و مومن مترا (گجراتی) بمبئی ، ٣٤ الاکمال (گجراتی) بمبئی، ۳٥ الاحنیفا (انگلیسی‌وسندهی) لارکانه ، ٣٦ الوحید (انگلیسی و سندهی) کراچی، ۳۷ بیگ مومن (گجراتی و اردو) امریلی ، ۳۸ بهائی نیوز (انگلیسی وفارسی) کراچی ، ۳۹ بهار مجلس (گجراتی) بمبئی، ٤٠ فیض عام (گجراتی)احمدآباد، ٤١ گلزار سخن (اردو) پوناصدر ، ٤٢ انصاف (گجراتی) بمبئی ، ٤٣ عرفان (اردو) بمبئی ، ٤٤ اشاعت‌الاسلام (گجراتی) بمبئی ، ٤٥ اسماعیلی (انگلیسی و گجراتی) بمبئی ، ٤٦ کانیهاوار (گجراتی)اپنیا، ٤٧ خلافت (گجراتی) بمبئی ٤٨ خلافت بلتین (انگلیسی) بمبئی ٤٩ نهار (گجراتی) بمبئی ، ٥٠ میمن‌مترا (گجراتی) بمبئی ، ٥١ میمن سماچار (گجراتی) کراچی ، ٥٢ مرچینت ادور تائزر (گجراتی) بمبئی ٥٣ محب (گجراتی) لمبدی ، ٥٤ مسلم هرلد (اردو) بمبئی ، ٥٥ پولتیکل بوهیمو (گجراتی وانگلیسی) احمدآباد، ٥٦ راه نجات (گجراتی) بهاونگر ، ٥٧ خلافت (اردو)بمبئی، ٥٨ ستیشت پرکاش (گجراتی) احمدآباد، ٥٩ سنده زمیندار (انگلیسی و سندهی) سکر ، ٦٠ سلطان‌الاخبار (اردو) بمبئی ، ٦١ تامل(سندهی) حیدرآبادسنده ، ٦٢ توحید (سندهی و عربی) کراچی ، ٦٣ وفادار (انگلیسی وگجراتی واردو) نواساری (برودە) .

جرائد و مجلات اسلامی در صوبهٔ متحده و آگره اوده :

٦٤ آگره اخبار (اردو) آگره ، ٦٥ البشیر (اردو) آتاوه ، ٦٦ البرید (اردو) کانپور ،

۶۷علی گره گزت(اردو)علیگره ، ۶۸ الامداد (اردو) مظفرنگر ، ۶۹ الخلیل (اردو) بجنور، ۷۰ الله آباد ایدور تائزر (انگلیسی) الله آباد ، ۷۱استاد (انگلیسی) الله آباد .

۷۲ الناصر (اردو) لکهنؤ ، ۷۳ دبدبهٔ سکندری (اردو) رامپور ، ۷۴ دربار (اردو) آگره، ۷۵ دلچسپ اخبار (اردو) فتح پور ، ۷۶ حق (اردو) لکهنؤ ، ۷۷ حقیقت (اردو) لکهنؤ ، ۷۸ همدم (اردو) لکهنؤ ، ۷۹ استقلال (اردو) کانپور ۸۰ انصاف (اردو) کانپور ، ۸۱ سچ (اردو) لکهنؤ، ۸۲ همت (اردو) لکهنؤ ، ۸۳ اندین ورلد (انگلیسی) کانپور ، ۸۴ انقلاب (اردو) لکهنؤ ، ۸۵ اقدام (اردو) مرادآباد ، ۸۶ اتحاد (اردو) امروهه ، ۸۷ جادو (اردو) جونپور ، ۸۸ مصور(اردو) بجنور ، ۸۹ مشاهیر (اردو) بدایون، ۹۰مشرق(اردو)گور کهپور ، ۹۱ مکه مدینه (اردو) مراد آباد ، ۹۲ مدینه (اردو) بجنور ، ۹۳ ملت (اردو) دهلی ، ۹۴ معارف (اردو) اعظم گده ، ۹۵ مخبر عالم (اردو) مراد آباد ، ۹۶ نیر اعظم (اردو) مراد آباد ۹۷ نجات (اردو) بجنور ۹۸ نقیب (اردو) بدایون ، ۹۹ نوید (اردو) بلند شهر ، ۱۰۰ نظام عالم (اردو) کانپور ، ۱۰۱ اوده پنچ لکهنؤ، ۱۰۲ پیغام (اردو) فیض آباد ، ۱۰۳ پرده نشین (اردو) آگره ، ۱۰۴ رهنما (اردو) مرادآباد، ۱۰۵ رهیلکهند گزت (اردو) بریلی ، ۱۰۶ روزانه اخبار (اردو) بریلی ، ۱۰۷ سیاره (اردو) لکهنؤ ، ۱۰۸ شیعه کالج نیوز (اردو) لکهنؤ ، ۱۰۹ سرمهٔ روز گار (اردو) آگره ، ۱۱۰ تبلیغ (اردو) آگره ، ۱۱۱ ظریف (اردو) سهارنپور ، ۱۱۲ ذوالقرنین (اردو) بدایون ، ۱۱۳ مبصر (اردو) لکهنؤ ، ۱۱۴ نگار (اردو) لکهنؤ ، ۱۱۵ النجم (اردو) لکهنؤ ، ۱۱۶ صحیفه وارث (اردو) دیوه .

جرائدومجلات اسلامی درصو به متوسط و برار:

۱۱۷ ادیب (اردو) ناگپور ، ۱۱۸البرهان(اردو) برهان پور ، ۱۱۹ گلزار حکیمی (گجراتی) خاماگاؤن، ۱۲۰ سیسمی ساها (اردو وگجراتی) نرسنگه پور ، ۱۲۱تاج (اردو) جبل پور .

جرائد ومجلات بهار اوریسه :

۱۲۲ اصلاح (اردو) رگهناتهه پور ، ۱۲۳ المبشر واتحاد (اردو)پتنه ، ۱۲۴ بهارستان (اردو)پتنه، ۱۲۵ ندیم (اردو) گیا ، ۱۲۶ الجامعه (اردو) مونگهیر ، ۱۲۷ اقدام (اردو) پتنه .

جرائد ومجلات بنگال :

۱۲۸ الهلال (اردو) کلکته ، ۱۲۹ اهل حدیث (بنگالی) کلکته ، ۱۳۰ ابلاغ (اردو) کلکته ، ۱۳۱ پیغام (اردو) کلکته ، ۱۳۲ الجامعه (اردو) کلکته ، ۱۳۳ هند (اردو) کلکته ، ۱۳۴ الکمال (اردو) کلکته ، ۱۳۵ الرفیق (اردو) کلکته ، ۱۳۶ بهادر (بنگالی) کلکته ، ۱۳۷ بنگیا مسلم ستهیه تیر کلی (اردو) کلکته ، ۱۳۸ بنگال پریسیدنسی گزت (بنگالی و انگلیسی) ناتور ، ۱۳۹ دهمکیتو (بنگالی) کلکته ، ۱۴۰ هنتر پتکار (اردو) کلکته ، ۱۴۱ انقلاب زمانه (اردو) کلکته ، ۱۴۲ اسلام درسن (بنگالی) کلکته ، ۱۴۳ جادو (اردو) دهاکه ، ۱۴۴ حور (اردو) کلکته ، ۱۴۵ محمدی (بنگالی) کلکته ، ۱۴۶ مسلمان (انگلیسی) کلکته ۱۴۷ نوکهلی تهاشی (بنگالی) نوکهلی ،

۱٤۸ نوکهلی‌سمیلان (اردو) نوکهلی ، ۱٤۹ پیس (انگلیسی) دهاکه، ۱۵۰ رتناکر (بنگالی) اسنسول ، ۱۵۱ رعیت‌بندهو (بنگالی) کلکته، ۱۵۲ ستاربهارت (بنگالی‌وانگلیسی) کلکته ۱۵۳، سلطان(بنگالی) کلکته ۱۵٤ چونچ (اردو) کلکته ، ۱۵۵ آفتاب (اردو) کلکته ، ۱۵٦ هند جدید (اردو) کلکته .

جرائد ومجلات اسلامی درپنجاب:

۱۵۷ زمیندار (اردو) لاهور ، ۱۵۸ الحدیث (اردو)امرتسر ، ۱۵۹ انقلاب (اردو) لاهور ، ۱٦۰ سیاست (اردو) لاهور ، ۱٦۱ اختر (اردو) لاهور ، ۱٦۲ الواعظ (اردو) پتیاله ، ۱٦۳ البرهان (اردو) لاهور ، ۱٦٤ البشری (انگلیسی) قادیان ، ۱٦۵ الفلاح (اردو)جالندهر ، ۱٦٦ الفقیه (اردو) امرتسر ، ۱٦۷ الفضل (اردو) قادیان ، ۱٦۸ الحکم (اردو) قادیان ، ۱٦۹ الحکم (اردو) لاهور ، ۱۷۰ الاسلام (اردو) لاهور ، ۱۷۱الکمال (اردو) لاهور ۱۷۲ ،المعالج (اردو) امرتسر ۱۷۳، المنیر (اردو) لاهور ، ۱۷٤ انگاره (اردو) امرتسر ، ۱۷۵ انوار الصوفیه (اردو) لاهور ، ۱۷٦ داکتر (اردو) لاهور ، ۱۷۷ درنجف (اردو) سیالکوت ، ۱۷۸فاروق (اردو) قادیان ۱۷۹، همدرد (اردو) لاهور ، ۱۸۰ هزار داستان (اردو) لاهور ، ۱۸۱ همایون (اردو)لاهور، ۱۸۲ حریت (اردو) لاهور ، ۱۸۳ اند ین آوچی تکت (اردو) لاهور ، ۱۸٤ اندین ستیتوز ایند کیسز (انگلیسی) لاهور ، ۱۸۵ انتخاب لاجواب (اردو) لاهور ، ۱۸٦ تازیانه (اردو) لاهور ۱۸۷، اشاعت اسلام (اردو)لاهور ۱۸۸ اشاعت القران (اردو) لاهور ، ۱۸۹ اصلاح (اردو) لدهیانه ، ۱۹۰ اسلامك ورلد (انگلیسی) لاهور ، ۱۹۱ اسماعیلی صداقت (اردو) راولپندی ، ۱۹۲ استقلال (اردو) پانی پت ، ۱۹۳ اتحاد اسلام (اردو) امرتسر ، ۱۹٤ نیشنل میگزین (اردو) لاهور ، ۱۹۵ کشمیری (اردو) لاهور ، ۱۹٦ منظر (اردو) لاهور ، ۱۹۷ مشیر الاطباء (اردو) لاهور ، ۱۹۸ مستر گزت (اردو) لاهور ۱۹۹ محبت (اردو) لاهور ، ۲۰۰ مسلمان (اردو) سندهوره ، ۲۰۱ مسلم اوت لك (انگلیسی) لاهور، ۲۰۲ مسلم راجپوت (اردو) امرتسر ۲۰۳، ضارع (اردو)جالندهر ، ۲۰٤ نقشبند (اردو) سیالکوت ، ۲۰۵ نور (اردو) قادیان ، ۲۰٦ نیرنگ خیال (اردو) لاهور ، ۲۰۷ نصرت (اردو) لاهور ، ۲۰۸ پیسه اخبار (اردو) لاهور ، ۲۰۹ پیام‌محبت (اردو)لاهور ۲۱۰، پهول(اردو)لاهور، ۲۱۱ پولتیکل‌رهنما (اردو) لاهور ، ۲۱۲پولتیکل رهنما (اردو)امرتسر، ۲۱۳ پنجابی خیالات (اردو)بتاله ۲۱٤، رفیق صادق (اردو) بتاله ، ۲۱۵ رفیق تعلیم (اردو) لاهور ، ۲۱٦ رهنمای‌صحت (اردو) لاهور ۲۱۷، ریلوی یونین (اردو) لاهور ، ۲۱۸ ریاض هند (اردو) امرتسر ، ۲۱۹ مجلهٔ انجمن حمایت اسلام (اردو) لاهور ، ۲۲۰مجلهٔ ستلج (اردو) لدهیانه ، ۲۲۱ مجلهٔ شیخ قانون گو (اردو) لایل پور ، ۲۲۲ سنت (اردو) لاهور ، ۲۲۳شباب اردو (اردو) لاهور ، ۲۲٤ سلك مرواريد (اردو) بتاله ، ۲۲۵ صوفی (اردو) پندی بهاؤالدین ۲۲٦،طبیب(اردو) لاهور، ۲۲۷ تبلیغ (اردو) لاهور ، ۲۲۸ ایسترن تائمز (انگلیسی) لاهور ۲۲۹ تفریح (اردو)لاهور ، ۲۳۰ مجلهٔ عالمگیر (اردو)لاهور ، ۲۳۱ تاریخ (اردو) لاهور ، ۲۳۲تهذیب نسوان (اردو) لاهور ، ۲۳۳ توحید (اردو) لاهور ، ۲۳٤ استانی (اردو) امرتسر ۲۳۵، وطن(اردو)

لاهور، ۲۳۶ ادبی دنیا(اردو) لاهور، ۲۳۷ وکیل (اردو) امرتسر، ۲۳۸ اخبار تعلیم (اردو) لاهور .

جرائد و مجلات اسلامی برما :

۲۳۹ اراکان نیوز (انگلیسی) اکیاب ، ۲۴۰ شیر (اردو) رنگون .

جرائد و مجلات دهلی :

۲۴۱ امان (اردو) ، ۲۴۲ پیشوا (اردو) ، ۲۴۳ دین و دنیا (اردو) ، ۲۴۴ عدل (اردو) ، ۲۴۵ عصمت (اردو) ، ٦٤٦ جامعه (اردو) .

جرائد ومجلات اسلامی درجزایر شرق الهند نیدرلاندي :

شهر سورابیا وشهر بتاویا مراکز جراید است . جراید وروز نامه های اسلامی که از جزایر مختلفه نشر میشود قرار ذیل است :

جاوا : ۸ ، جزایر متصل جاوا : ۳٦ ، سماترا : ۱۰ . علاوه بران ۵ مجلهٔ مذهبی و ۳ مجله عربی نیز از جزایر شرق الهند شایع میگردد ، از آنجمله : لایت آف سماترا ، ینگ جاوا ، ینگ سماترا، لایت آف نیدر لاندز اندیا ، لایت آف میلاناسیا ،ریویو آف اسلام ، اگریمان ، دس اگریمنت ، ایرا آف اسلام ، مشهور اند .

جراید ومجلات اسلامی درممالك دیگر :

درشام چین وجاپان وروسیه وسیلان وبلغاریا ،ویوگوسلاویا ورومانیا ومجارستان وفرانس و برطانیه وجرمنی واضلاع متحدهٔ امریکه وبرازیل وارجنتائن وگیانا وجزایر غرب الهند ، وا کثرجاهیرامریکه جنوبی ومستعمرات اوروپائی وباقی ممالك آسیا ، افریقه، جراید ومجلات اسلامی نشر میشود .

اهمیت جراید اتازونی

اهمیت مطبوعات را در امریکا ازین امر میتوان فهمید که تنها جریدهٔ (نیویارك تایمز) در هر شمارهٔ خود ۱۱۰,۰۹۵ تن کاغذ و۲,۱۲۰,۳۳۵ کیلوگرام سیاهی بصرف میرساند، شمارههای روزانهٔ این اخبار دارای ٤۹ صفحه ، و شمارهٔ های روز یکشنبه آن در۲۰۲ صفحه انتشار میابد . ادارهٔ این جریده فی روز ده هزار بار تیلفون میکند ، پوستهٔ یومیه به این اداره میرسد عبارت از شانزده هزار مکتوب و جراید یومیه میباشد .

جوجیدس

مفهوم لفظ جودو و یا جوجیدس (که اول آن جاپانی و ثانی آن محرف با انگریزی است) استعمال قدرت و قوه است در مقابل دشمن در حال مدافعه و تعرض .

در زمانهای قدیم عساکر جاپانی این فن را در مجادلات با اسلحهٔ ادوار ماضیه، مانند تیر و کمان و شمشیر استعمال مینمودند و هم این هنر در جنگ ها اکثر اوقات بدون اسلحه و هنگامی بااسلحه نیز اجرا میشد .

اقسام تعرض آن قرار ذیل است :

اصول حمله بر دشمن و غلطاندن آن بر زمین و مجروح وخسته ساختن وایراث ضربه بر پای وفشار دادن گلوی آن ، اصولاً شکستاندن پای ودست و بازوی دشمن میباشد ، مقصد ازین اعمال اسپورتی محض مغلوب ساختن و کمزور نمودن دشمن است ،علاوةً دران بسااقسام مدافعه نیز موجود است که ذریعهٔ آن خود را از دشمن حفظ میتواند .

در این موضوع اکنون درجاپان مکاتب عالی افتتاح گردیده و (پروفیسر کینو) که ازمشاهیر پروفیسر های این فن است از پنجاه سال باین طرف درین فن خیلی اصلاحات قیمتداری نموده و آنرا درجملهٔ اسپورت فنی عالم داخل کرده است .

بالآخر درین‌فن تنها حمله ومدافعه وایراث ضربه مطلوب نبوده بلکه برای تقویت معنویات و قلب هم بعضی اصولات مفید را حائز است و هم رفته رفته روز بروز این فن تکامل مینماید و حاضراً درجاپان (جوجیدس) بطور عمومی لازمی و ضروری و تحصیل آن لابدیست ، زیرا استعمال و دوام آن بر دلاوری و جسارت شخص می‌افزاید و هراس و خوف را از افراد بر طرف میگرداند ،ماهرین این فن (جوجیدس) را بدوقسم تقسیم نموده اند : قسمت اول بنام (کاته) و دوم آن بنام (اندری) یاد میشود .

کاته صرف بطور یك (ادمان‌و اسپورت) است ، و اندری بقسم (تعرض و مدافعه است) مگر گاهی تعرض هم در قسمت کاته تعلیم میشود ، زیرا اگر این قسمت در اندری تعلیم شود برای طلبه مورث مضرت میگردد، ازانرو تعرض را نیز در تحت عنوان کاته داخل نموده اند.در مشق (جوجیدس) ازضربه رسانیدن بچشم و بپای و مجروح ساختن دندان ، و تاب دادن انگشتان که خلاف رویهٔ انسانیت است احتراز کرده میشود،طبیعی‌این‌اصولات درداخل درخانهٔ مخصوص آن تعلیم و استعمال آن صرف بوقت ضرورت جائزاست.

از سیستم پهلوانی ، و کشتی‌گیری قدیم ، بخوبی فرق میشود چه دران صرف قوت زیاد بمقابل دشمن ضروربود وباید دشمن ضعیف می بود .اما در(جوجیدس) ضرورت به استعمال‌قوهٔ زیاد نیست، درجوجیدس

یك شخص قوی بر یك شخص ضعیف که فن جوجیدس میداند غالب آمده نمیتواند و میشود که آن ضعیف قوی را خیلی بسهولت مغلوب کند ،زیرا شخص ضعیفیکه (جوجیدس) میداند ازپهلوها وقسمت هـای ضعیف وجود مخـالف خود باخبراست .

مثلاً اگر یك شخص قوی بالای شخص ضعیف هجوم میکند آنوقت آن شخص ضعیف مجبور نیست که در مقابل صرف قوت و مقابلهٔ آن توقف کند بل در اثنای شدت هجوم خود را یکقدم پس برده بعد مهاجم را بطرف خود کش میکند ، مهاجم موازنهٔ خود را از دست داده و شخص ضعیف باآسانی آنرا مغلوب میسازد ، الحاصل مشق (جوجیدس) بر جرئت و جسارت انسـان می افزاید .

این اسپورت به تنهائی اجراشده نمیتواند، باید اقلاًدونفر یازیاده ازان موجود باشد. درمملکت جاپان جوجیدس ازاسپورتهای بسیار ضروری و لازمی و به تمام مکاتب عسکری و پولیسی و بدیگر مراکز علمی و فنی تعمیم شده است،علاوه ازان در جوجیدس اخلاق ، وظیفه شناسی،صداقت، و وفا و غیره هم درس داده میشود .

در مکتب فنون حربیهٔ کابل علاوه از دروس واسپورتهای مروجهٔ عسکری وغیره جوجیدس نیز آموخته میشود ، و برای تعلیم اینکار موسیوتاکاتائی ژاپانی را که یکی از پروفیسر های خیلی مشهور و دارای دپلوم های عالی این فن میباشد حکومت متبوعهٔما استخدام نموده وموسیوی مذکور درمکتب حربیه مشغول تعلیم جوجیدس میباشد .



رسم عروسی در چین

برای یك شخص متمدن امروزه آسان نیست که بعضی از عادات و تقالید چینیان را فهمیده بتواند ، چه تمدن آنها قدیم وروحاً و اخلاقاً باین تمدن جدیده اختلاف دارد ، و چیزیکه از عادات اهل چین مردم را بحیرت میاندازد این است که در آنجا درمقام مصافحه دست راست را بدست چپ محکم میگیرند ، و درساعات حزن و ماتم عوض جامه های سیاه سفید میپوشند ، جوان چینی عروس خود را خود اختیار و انتخاب نمیکند اختیار را بوالدین خود میگذارد و کسی را که آنها اختیار نماید با اعتماد و اطمینان کامل قبول میکند و پیش از عروسی زوجهٔ خود را نمی بیند ، حفلهٔ عروسی چندین روز دوام داشته و اهم ترین چیزهائیکه از سایر ایام آنرا تمیز میدهد کثرت اصوات موزیکه و وفورا کل وشرب است که بهاندازهٔ زیادی بعمل میآید. چینیان اشخاص معین را برای ولیمه دعوت نمیکنند، بلکه از راه و بازار بهر که مقابل شوند او را دعوت مینمایند، چه اوقات مخصوصی برای نشستن بالای سفره درایام عروسی ندارند ، بلکه دسترخوان شان در تمام روز پهن میباشد، پس برای هر انسانی که داخل میشود بدون صرف طعام و استماع موسیقی که هرگز قطع نمیشود دیگر کاری نیست، دروازه برای دخول و خروج همیشه مفتوح است ، عروس با جمعیت زیاد و هدایای مختلفی بخانهٔ شوهر میرود، البسهٔ محتشم بعروس پوشانیده میشود، هر که او را می بیند خیال مینماید که بسیار عالمه و مهذبه میباشد. و هم از چیزهائیکه در احتفالات عروسی آنها جالب دقت است شکل مطبخ آنهاست که مخصوصاً در بیرون منزل آنرا برپا میکنند و گوشت و مرغ را برای هر شخص که خواهش تناول آنرا داشته باشد شب وروز کباب میکنند ، آواز های موسیقی وسرود های گوناگون را باهم میآمیزند، بیننده و شنونده از دور میداند که در انجا مجلس عروسی منعقد شده است وداعما احتفال را بهذبایح ختم میگردانند و درآنوقت موسیقی خاموش شده مدعوین ثنا گویان پی کار خود میروند .



تلگراف وحشی ها

از مقوله های برجسته و معروفیست که میگویند : احتیاج مادر ایجاد است . واقعاً اختراعات مهمه اسباب و وسایل عالیهٔ که در آسایش و رفاهیت تودهٔ بشر امروز خدمت میکند غالب آنها ناشی از همین مطلب می باشد .

یکی ازسیاحین افریقا مینویسد هنگامیکه در ولایت « کانگو » سیر ومسافرت داشتم،میدیدم اهالی اخبار مسافرت من با دیگر حوائج خود شان را از یك قریه بدیگر قریه بوسیلهٔ دهل اخبار میمایند . این دهل ها عیناً کار تلگراف بی سیم را میداد و طرف مقابل از آواز این دهل بخوبی فهمیده و اخذ نتیجه میتوانست ، چه بمشاهدهٔ خودم پیوسته بود که درقریهٔ که توقف کرده ومیل داشتم فردا بقریهٔ مقابل بروم اهالی این قریه بذریعهٔ دهل اخبار کردند ، وقتا که بآن قریهٔ مطلوبه قریب شدم دیدم اشخاص منتظر من بوده و اطلاعات و سابقهٔ خود شان را نسبت بورود من اظهار کردند .

این تلگراف عجیب عبارت ازتنهٔ میان خالی درخت است که دارای سوراخ طویل بوده و از مرکز بطرف پایان امتداد یافته است . نواختن این دهل بذریعهٔدودانه کوبه های چوبی و در حین نواختن از یکطرف سوراخ آواز زیر و از دیگرسو صدای بم خارج می شود . الفاظ را بترتیب مخصوص در سوراخ های معین این دهل بذریعهٔ کوبه ها مینوازند و بعد نواختن هر جمله یا لفظ اندك مکث می نمایند، تا خبرها مغشوش نشود. در مقابل اشخاص بی سابقه عموماً این اصوات مثل صدا ها و هنگامهٔ عادی دهل چی ها معلوم وشنیده میشود، ولی در عین زمان نزد متخصص و دهل چی طرف مقابل همهٔ این اصوات دارای نظم و ترتیب خاصی هست که از آنها الفاظ و جملات را تفکیك می نمایند .



تلویزیون

نام تلویزیون کم وبیش بگوش ما رسیده است ولی معرفت واطلاع کاملی هنوز ازان ندارم ، بنابران مضمونی را که راجع به تلویزیون در جرائد خارجه نشر شده اقتباس و ذیلاً مینگاریم .

آلهٔ تلویزیون دستگاهیست که بوسیلهٔ آن میتوان ازمسافت بعیده اشخاص واشیاء و مناظر ومجالس عمومیه راتماشا کرد، بعبارت روشن‌تر همان طوریکه بوسیلهٔ دستگاهٔ تیلفون با دوستان وآشنایان و اشخاص دیگر صحبت می‌کنیم ، همین طور هم با تلویزیون ، اشخاص واشیاء را می بینیم ، ولی تفاوت بین تیلفون و تلویزیون خیلی زیاد است .

تلویزیون مولود عجائب رادیومیباشد، ما بوسیلهٔ رادیو ، تلگراف بی سیم و تیلفون بی‌سیم داریم (حتی از دور هم‌بوسیلهٔ رادیو عکس برمیدارند تلویزیون در عین حالیکه مناظر و اشخاص را نشان میدهد صحبت آن‌ها را نیز بگوش میرساند) مثلاً فرض کنید شما در جلال آباد نشسته و میخواهید با یکی از دوستان خود در هرات یا میمنه مذاکره کنید وقتی پشت این دستگاه قرار گرفتید علاوه از آن‌که با دوست خود درچند صد کیلومتر مسافت صحبت می کنید خیال تان می شود که چند متر دور تر از شما ایستاده یا نشسته مشغول صحبت است .

با این مقدمه خوب میتوانید اهمیت این اختراع عجیب را درك کنید که تا چه اندازه میباشد و در صورتیکه تعمیم پیدا کند چه انقلاب عظیمی را در زندگی اجتماعی ایجاد خواهد کرد .

با داشتن یك دستگاهٔ (تلویزیون) کایهٔ تیاتر ها و اوپرا ها ؛ نطقهای مهم ، موزه های تاریخی وملی دول ، مناظر طبیعی و کلیه محافل و مؤسسات عمومی‌وکنسرتها خوانندگان شهیر را در منزل با چشم خودمجسم دیده آواز آنهارا بگوش میشنوید.انقلاب اجتماعی را ازآنجا حادث می‌نمایند که زندگی مردم با استعمال رادیو دستگاهٔ تلویزیون مستریح‌تر میشود ، بعلاوه امروز مجبور هستید که برای رساندن مطلب و مقصدخود به‌نماینده یادولت خویش که در ولایت دیگر یا خارجه ساکن است تلگراف کنید ولی فردا احتمال‌قوی دارد که حاجت باین مخابره نماند بل‌شفاهاً ازدور اورا دیده‌صحبت کنید ویا آنکه عکس مراسلهٔ شمارا عیناً ازمبداء بمقصد منتقل نموده کارشما با حسن وجه صورت بگیرد . خوب درك مینمائید که تاچه اندازه دروقت صرفه جوئی شده و چقدر کارشما پیشرفته است،انقلابی که رادیو ودستگاهٔ تلویز یون درزندگی اجتماعی آینده حادث خواهد نمود بیشمار است .

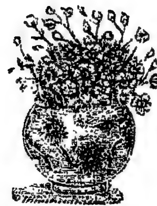
مطابق شرحی که اخیراً روز نامهٔ « فوشیس زاتیونك » آلمانی نشر داده است مملکت آلمان نخستین مملکتی خواهد بود که رسماً استعمال تلویز یون را قبول کرده است، در واقع میتوان تلویزیون را از مخترعات انگلیس هاو امریکائیها محسوب داشت، که هنوز هم مشغول رفع نواقص وتکمیل اختراع مزبور میباشند ، ولی آلمانها دراستعمال آن عملاً وارد کار شده‌اندچه رسماً مقرر گردیده است که ایستاسیون تلویز یون را درونتزلین بعد از افتتاح نمایشگاه بی‌سیم که قریباً منعقد میشود ایجاد کنند . این ایستاسیون را شرکت (تیلفون گن) آلمان تأسیس خواهد نمود ، مخابرات تلویز یون بوسیلهٔ امواج کوتاه (ترا کوت) صورت میگیرد بطوریکه

طول هرموجی هفت متر باقوهٔ پنج کیلوات میباشد (برای روشن شدن ذهن خوانندگان توضیح میدهیم که دربی سیم دو نوع امواج الکتریك بکار برده میشود ، یکی امواج دراز ودیگری امواج کوتاه . امواج کوتاه ازین‌حیث رجحان وبرتری دارد، که چون امواج‌الکتریك کوتاه باشد،قوهٔ خودرا درموقع انتشار ومخابره ازمبدأ تانقطهٔ مقصد درفضا از دست نداده وبواسطهٔ اتصال امواج مزبور بهمدیگر همان قوای‌اولیه رادارد و درنتیجه مخابره واضحتر وآشکارتر بمقصد میرسد.برعکس امواج درازکه بواسطهٔ طول موجهای الکتر یك‌قسمت‌عمدهٔ آن درفضا ازبین رفته و هنگامیکه بمقصد میرسد آن وضوح کامل‌را ندارد، اکنون درتمام بی‌سیم های دنیا امواج کوتاه را بکار میبرند) .

ادارهٔ پست آلمان تصمیم نموده است که ایستاسیون مزبور را پس‌از آزمایشهای لازمه که بعد ازافتتاح آن بعمل میآورند دردسترس استفادهٔ عمومی قرار بدهد .

وظیفهٔ تلویزیون انتشار صور واصوات در آن واحد میباشد،که هردورا باهمان سیستم بی‌سیم نشر میدهد. مهندسین دربادی‌امر بامشکلاتی زیاد مواجهه شدند وجهت ساختن یك‌دستگاه‌گیرنده توفیق حاصل‌نمودندولاکن شرکت« تیلفون گن » اخیراً براثر اختراع پروفسور«کالو روس»این اشکال را مرتفع نموده است والبته شکی نیست یگانه راهی که برای برداشتن عکسهای ثابت‌یامتحرك وجود دارد عبارت از اینست که‌عکس های مربوطه را بشکل مربع یا دائره مانند تجزیه نموده و بهر قسمتی همان مقدار نوری که مناسب بارنگ آن باشد مسلط نمود و برای‌اینکار هیچ دستگاهی بهتر از دستگاهی که پروفیسور «نیکوس» روسی‌اختراع نموده وجود ندارد. ادارهٔ پوست آلمان هم این دستگاه را در ایستاسیون تلویزیون که قریباً افتتاح خواهد شد بکار خواهد برد و امتحان کرده‌اند که هر اندازه صوراشیأ بزرگتر باشد،نقل آنها بمسافات بعیده آسانتر و بدون هیچ اشکالی صورت میگیرد .

درین استاسیون در هرثانیه دوازده عکس برداشته میشود. دستگاهٔ گیرنده بهقیمت ۳ هزار فرانك درمعرض فروش گذارده خواهد شد که هر کس بتواند باآن دسترسی پیدا بکند .



معلومات صحی

ضرورت ویتامینها درحیات

شاید هر شخص در این بیست سال اخیر راجع بویتامینها یکحصه معلوماتی حاصل نموده و نام آنها را از هر جائی میشنود .

ویتامین همان اشیای مستور و صاحب فوائدیست که در غذا موجود بوده، اما نه بچشم دیده میشود و نه رایحهٔ آن استشمام شده ونه مزهٔ مخصوصی دارد . ثابت شده است که شخصیکه مقدار کافی ازین ویتامین ها برایش نرسد مآلش بمرض دچار گردیده ودر نتیجه زندگانی را پدرود خواهد گفت . انواع ویتامین‌هائیکه تا امروز کشف شده است شش میباشد که هر کدام آن ها در حفظ کیان جسم وظیفهٔ معینی دارند .

تا امروز فقط همین شش نوع ویتامینها میباشند که علما در وجود داشتن شان اتفاق دارند و میگویند انواع دیگری هم دارد اما تا هنوز وجود شان اثبات نشده است .

در هر حال جسم باید از هر شش رقم ویتامین مزبور که هر کدام در یك نوع غذای‌مخصوصی موجود میباشد حصه بگیرد والابیك مرضی معروض خواهد شد .

بعد از تطور چندین قرن مردم عادت گرفته اند که غذای شان عبارت از گوشت و سبزیجات ومیوه‌جات باشد وهمین اغذیه است که دارای انواع ویتامین‌ها بوده و انسان‌ها قبل ازینکه بدانند یا کشف نمایند به نیل مایحتاج خویش موفق گردیده اند .

اگر ما حد اکثرمدت اکتشاف ویتامین ها را از سی سال باینطرف حساب نمائیم باز هم بعض شواهد دیگری است که در خلال قرون ماضیه بروز نموده است مثلاً انتشار مرض (اسکربوط) که بین ملاحان و دریانوردان و سیاحینی که به سفرهای طولانی دریا ها قیام مینمودند ملاحظه میشد و حالا ثابت شد که این مرض از نقص یکی از ویتامین‌ها که ویتامین C است تولید میشود وچون این ویتامین در بسیاری از اقسام میوه‌جات و سبزیجات تازه موجود میباشد، سفاین که عادةً ذخایر غذائی خودها را از گوشتهای قاغ (قدید) و اطعمهٔ که در قطی ها محفوظ نگهداشته میشود باخود حمل مینمودند ازین رو نفری کشتی‌نشینان ازخوردن همان میوه‌جات وسبزیجات تازه محروم مانده و درنتیجه بمرض مذکور معروض میگردیدند .

سفاین انگلیسی عادت داشته اند که از چندین سال پیشتر آب لیو را بین شیشه ها با خود حمل نمایند ،

زیرا برای معالجهٔ مرض اسکر بوط این آب رامفید ملاحظه کرده بودندوراز فائدهٔ آنهم معلوم نبوده تا اینکه ظاهر شد که آب لیمو ودیگرمیوه های تازه دارای این‌نوع ویتامین بوده وبرای‌اینگونه امراض مفید میباشد.

در تاریخ ذکر شده است که اغسطوس امپراطور رومانی بمرض خطرناکی که نزدیك بمرگش ساخته بود دچار شده و بخوردن کاهو خیلی اظهار میل کرده و در طلب آن الحاح مینمود ، اما طبیب مخصوص وی بجهة خوف از صحتش خوردن کاهو را مانع میشد تا اینکه امپراطور این طبیب را تبدیل کرده و طبیب دیگری را اختیار کرد آن طبیب خوردن کاهو را برایش اجازه داد که بلافاصله پس از خوردن آن صحت یاب شده و تماماً از مرض شفا یافت .

بعضی از اطبای عصری دراین مسئله بحث و تدقیق کرده و در نتیجه برایشان معلوم شد که حتماً امپراطور مزبور به مرضی که از نقص ویتامین پیدا میشود دچار بوده وشاید بعقیدهٔ شان ویتامین A یا B بوده وخوردن کاهو را که برایش منع کرده بودند دارای این ویتامین است که به مجرد خوردن آن شفا یافت .

اما باید بگوئیم که این‌را قاعدهٔ عمومی برای تمام امراض نباید قرارد ده وگمان نمود هر غذائیکه مریض بخوردن آن میل مینماید حتماً دارای یك ویتامینی که جسمش بآن محتاج است میباشد ، مثلاً مریض بخوردن‌شکر وشیرینی میل مینماید درحالیکه به قند هیچیك ویتامینی یافت نمیشود. همچنان بسیاری اشخاص بمرض (بلاگرا) و یامرض دیگری مبتلا شده و بهمان امراض میمیرند بی آنکه بخوردن اغذیهٔ که دارای این ویتامین هامیباشند اظهار میل کرده وبدان وسیله خودهارا ازمرض نجات بدهند .

علما در اول امر بنام گذاشتن ویتامین هایکه کشف کرده اند متحیر و متردد بوده بدواً آنها را حسب او صافیکه دارا میباشند نام گذاشتند مثل (ویتامین چربی دار و قابل‌ذوب) و امثالها، اما بعد ها اتفاق حاصل کردند که آنها را بحروف هجائی اسم بگذارند ، و از همان وقت این شش ویتامینی که تا امروز کشف شده است باسامی ویتامین های (A.B.C.D.E.F.G) نامیده شده اند، هر چند که این‌نامها بصورت موقتی است و تاموقعی که علما بمعرفت وکنه هر ویتامینی جداگانه موفق شوند ، بهمین نامهای که ذکر شد یاد می شود .

ویتامین F مشابه بویتامین B میباشد و فقط بباعث اینکه بعض از متتبعین دیدند که یك جزئی از ویتامین اخیرالذکر دارای خواص معینی است لذا بنام جداگانه موسوم گردید . در مقدمهٔ ویتامین هائیکه خواص وفوائد شان ثابت شده ویتامین D میباشد که باثبات رسیده است که هرگاه کمیت وافری ازان داخل غذای اطفال نباشد اطفال مذکور مبتلا به مرض تشویهٔ اعضا میشوندکه این مرض استخوان‌ها را نرم‌ساخته و در نتیجه ساقهای پای شان مقوس شده و سینه های آنها بد شکل و زشت میگردند .

هم چنان اجسام بزرگان را از یك وجه دیگری زشت و بد ترکیب میسازد . از قرن های خیلی درازی معروف بوده که روغن جگر ماهی بهترین دوائی برای این مرض است وبرای طفل هرگاه قبل از اینکه زشتی اعضا خیلی زیاد شده و استخوان ها خیلی نرم نشده باشد داده شود مفید واقع میشود . حالا راز این مسئله واضح و ثابت شده و معلوم گردید که روغن جگر ماهی و روغن یا مادهٔ که درجگر های بسیاری از حیوانات یافت می شود محتوی مقدار زیادی از ویتامین D میباشد ، هم چنان این ویتامین در سفیدی تخم ، نیز به وفرت موجوداست واز همین جاست که اطفالیکه تخم تازه‌خیلی صرف مینمایند ازمرض تشویهٔ استخوان مصئون‌میباشند.

اطفالیکه در شهر ها زیست مینمایند نسبت به اطفالیکه در دهات بزرگ میشوند معروض باین مرض می باشند و سبب آنهم وجود علاقۀ محکمی بین ویتامین D و روشنی آفتاب است وبوضوح پیوسته که شعاع آفتاب بامصدردیگری از اشعۀ ماورای بنفشی مرض تشویۀ استخوان‌هارا عیناً مثل‌روغن جگرماهی شفامی بخشد. وازاین مسئله هم بدواً معلوم نبود تا اینکه ظاهر شد که اشعۀ ماورای بنفش دارای میزۀ مخصوصی است وآن تکوین ویتامین D در جسمیکه بآن معروض می شود میباشد. جسم انسان ها و هم چنان از یکعدۀ حیوانات و نباتات محتوی مادۀ کیمیوی است که (ارجوسترول) نامید میشود و این یك مادۀ چربی است که در اوایل اهمیتی بدان نمی نهادند ، اما اخیراً واضح شد که اگر این روغن به اشعۀ ماورای بنفش معروض گردد بمادۀ کیمیوی تحویل میشود که غالباً میتوان گفت همین ویتامین D است .

اخیراً چند نوع غذا را برای تبدیل (ارجوسترول) به ویتامین D دراشعۀ ماورای بنفش معروض نمودند و شاید باین ذریعه از ویتامین مذکور بدست آورده و بقسم مستحضرات در دوا خانه ها بفروش برسد با آنهم نباید آنرا بدون استشارۀ دکتور استعمال کرد . و تنها کفایت مینماید که در ضمن غذائیکه انسان صرف میکند یك حصه تخم تازه نیز داخل باشدکه باین ذریعه تمام ویتامین D که جسم بدان محتاج میباشد داخل بدن شده و احتیاجی به حصول این ویتامین بوسائل صناعی نمی افتد .

یك ویتامین دیگری هست که میتوان آنرا نیز تحلیل کیمیوی نمود وآن ویتامین A است که عبارت از مادۀ زردرنگی موسوم به (کاروتین) میباشد واین همان ویتامینی است که به زردك ، رنگ زرد می دهد واشتقاق اسم آن از کلمۀ Carrot در انگلیسی است که معنیٔ آن زردك میباشد .

این ویتامین نیز دربسیاری از اقسام سبزیجات مثل سبزی پالك و امثال آن یافت میشود . وبلحاظ سبزیٔ رنگی که سبزی پالك دارد رنگ زردیرا که این ویتامین دارا است میپوشاند .

معروف است که مخصوصاً سبزی پالك وزردك مقدار زیادی ازویتامین را محتوی میباشند . بعض از علمای انگلیسی باین عقیده هستند که مادۀ راکه (کاروتین مینامند ، یاعیناً خود ویتامینA میباشد و یااینکه بآن تحویل میشود ، بهمان صورتیکه (ارجسترول) به ویتامین D تبدیل میباید .

بزرگترین میزۀ ویتامین اینست که انسانرا از جراثیم ریزش و سرما خوردگی وامراض دیگر وقایه میکنند .

یکی ازاطباء باثبات رسانیده است که اگر درغذای انسان بقدر کفایت شیر وسبزیجات سبز و زرد موجود باشد مرض ریزش کمتر بانسان اصابت مینماید . بین ویتامین A و ویتامین D یك علاقه موجود است . وبوضوح پیوسته که اگر انسان بدرجۀ کافی در آفتاب نشیند قوۀ مقاومتش درمقابل جراثیم زیاد میگردد .

بعداز ویتامین B ویتامینA میباشد که‌وظیفۀ آن وقایۀ جسم است ازامراض‌مختلفۀعصبی مثل (نوراستنی وغیره. وشاید انتشار امراض عصبي دردنیا مولود همین علت باشد که عادةً مردم مقدار کافی ازویتامین مذکوررا صرف نمی نمایند واین مقدار باید پیشتر ازمقادیری باشد که درزمانه های گذشته بآن احتیاج می افتاد زیرا این عصر ، عصر سرعت است که تأثیرات خیلی سوئی براعصاب بخشیده و بآن تگ و دو وتزاحم که بالای رزق روز بروز شدت میباید زیاده میگردد .

ویتامینBدرگندم وحبوبات‌دیگر وجگر وکاهوموجود است. چنانچه دیده‌میشود اشخاصیکه این اغذیه‌را بیشتر صرف مینمایند عادةً دارای اعصاب قوی میباشند.سبزیجات نیز محتوی مقدار زیادی از ویتامین است ، اما نسبت به جگر و کاهو مقدار آن ها کم میباشد . اینك در جدول ذیل بصورت ایجاز، انواع ویتامین ها و وظایف شان و اطعمهٔ که دارای این ویتامین ها میباشند شرح داده می شود :

اسم ویتامین	فوائد	اغذیهٔ که در آنها یافت می شود
ویتامین A	از مرض سرما خورده گی جلوگیری کرده و از جراثیم آن صیانت مینماید . همچنان برای صحت مفید بوده و به نموی اطفالی کمك میکند . از مرض موسوم به (کسیروفتالمیا) جلوگیری می نماید .	شیر، مسکه، گوشت تازه، سبزیجات مثل سبزی پالك ، سبزیجات زرد مثل زردك .
ویتامین B	اعصاب را محافظه وتقویت نموده واز مرض عصبی موسوم به Polyneuritis (التهاب اعصاب) جلوگیری میکند . اشتها را زیادکرده و به نموی اطفال کمك می نماید .	گندم و حبوبات دیگر ، جگر ، کاهو ، خمیره .
ویتامین C	صفائی خون را محافظه کرده و از مرض (اسکربوط) جلوگیری مینماید .	لیمون ، پرتقال ، انگور ، کلم ، تخرد ، بادنجان رومی، تراتیزك ، سبزی پالك ، شلغم ، فلفل ، سیر .
ویتامین D	به نموی استخوان ها کمك کرده و از مرض تشویهٔ اعضا مخصوصاً دراطفال صیانت مینماید و از فساد و نقص دندانها جلوگیری میکند .	جگر ، روغن جگرماهی ، سفیدی تخم ، استریدیه . اشعهٔ آفتاب‌ومخصوصاً اشعهٔ ماواری بنفش .
ویتامین E	بحیات جنین و نموی آن قبل از ولادت کمك می نماید .	روغن، گندم و حبوبات سایره . گوشت تازه و روغن حیوانات، کاهوی تازه .
ویتامین F	مثل ویتامین B	مثل ویتامین B
ویتامین G	مرض جلدی موسوم به (بلاگرا) و امراض جلدیٔ دیگر را جلوگیری می نماید .	شیر تازه یا تخمیر شده ، سبزیجات (هر چند بین قطی هم باشد ، مثل سبزیجاتیکه در قطی های سربسته از اروپا میآید) کیله ، خمیره .

شئون عائله

نوشیدن آب :

مادر ها عقیده دارند که نباید اطفال‌شان بسیار آب بنوشند، مخصوصاً در اثنای غذا ، در حالیکه این عقیده عاری از حقیقت است . زیرا نوشیدن آب در صورتیکه طفل دچار مرضی نباشد ابداً مضر برایش نمیباشد بلکه دلیل بر احتیاج جسم وی بهمان اندازه آب میباشد . اینهم پوشیده نیست که انسان در تابستان به نسبت زمستان بیشتر آب مینوشد زیرا در تابستان آب تبخیر میشود. همچنین خوب نیست در حالت عرق آب خیلی سرد یا برفدار بنوشند .

نصائح بمادر :

چون مادران صاحب تعلیم و مهذب متدنی به بعضی نصایح اند که در تربیهٔ طفل نو تولد شان کمک نماید . یکی از اطبای متخصص دربناره نصایح ذیل را می نماید :

۱ - غذای طفل باید باوقات معینه داده شود و اگر موقع غذا رسید و طفل خواب باشد لازم است که بیدار کرده شود ، و اگر پیش از موقع غذا بیدار شد باید کمی آب تعقیم کرده برایش داده شود .

۲ - طفل باید در چند هفتهٔ اولی حیاتش یومیه و در اوقات معین وزن شود و بهتراست که عمل وزن کردن قبل از میعاد استحمام انجام بگیرد .

۳ - دهن طفل نو تولد با آب مسح نشود .

٤ - ناخن او وقتی که دراز شود باید بگیرند تا خود را مجروح نماید .

٥ - طفل را بجائی بگذارند که از هر سو غالمغال و سروصدائی نباشد وبدست هرکسیکه داخل خانه می شود مرد باشد یازن ندهند .

٦ - درنزدیك طفل باید تمام نفعالات عصبی را ترك نمود .

۷ - طفل را لباس زیاد پوشاندن دور از حکمت است .

۸ - اگر طفل را موقعیکه گریه میکند از بسترش بجای دیگر نقل دهند دور از احتیاط و عقل است و هر روزی باید در بعضی اوقات او را بگذارند تا گریه نماید زیرا فریاد و گریه شش های او را قوی میسازد .

۹ - بعد از غذا طفل را بطرف راست بخوابانند زیرا این وضعیت به هضم مساعدت می نماید .



آقای عبدالمجید خان رئیس شرکت اسهامی افغانستان یکی ازجوانان
فعال و وطن پرست مملکت بوده ، تحصیلات ابتدائی در هرات
و در شعبهٔ اقتصاد در ماسکو تحصیل خصوصی نموده است.
عبدالمجید خان ۱۲ سال در روسیه و دو سال در جرمنی
مشغول تجارت افغانستان بوده و ضمناً در ترقی اقتصاد
افغانستان از قبیل تأسیس اولین شرکت در هرات
و سائر امور تجارتی نسبت باقتصادیات مملکت
ابرازفعالیت نموده است .



آقای غلام حیدر خان مختار زاده
معاون عمومی



آقای دوست محمد خان ایماق عضو و نمایندهٔ
موقتی شعبهٔ هند



آقای سید کریم خان عضو و نمایندهٔ
دائمی شعبهٔ قندهار

نگهداشت تخم مرغ :

تخم مرغ از بهترین مواد غذائیه است، اما سریع‌الفساد میباشد، وعلت فساد آنهم نفوذ هوا بداخل آنست که از راهٔ مسام هائیکه درپوست تخم میباشد داخل می‌شود. بناءً علیه برای جلوگیری ازفساد آن وبرای اینکه تخم مدت زیادی دوام نماید باید پوست آن بامادهٔ صمغی یاچربی چرب شود تامادهٔ مذبور مسام ها را مسدود کرده ومانع نفوذ هوا بداخل تخم گردد . باین طریقه تخم مدت زیادی بدون فاسد شدن باقی میماند .

جریان لعاب دهن موقع خواب :

لعاب دهن بعضی از اطفال در اثنای خواب جاری می شود وعلت آن غالباً وجود کرم در امعأ است در چنین حالتی لازم است که بدکتور متخصص درتداوی کرم ها مراجعه شود تاقبل از اینکه مرض ظهور نموده وتخریبات نماید کرم های مذکور رفع ودفع گردند .

معالجهٔ عرق :

عرق مرض نیست بلکه یکی ازمظاهر عصبیت است زیرا پوشیده نیست که غده های عرقیه تحت سیطرهٔ جهاز عصبی واقع وجهاز مذکور بالای آنها حاکم میباشد و بقداریکه جسم احتیاج داشته میباشد وادار شان میسازد تاعرق افراز نمایند . چنانچه هروقتیکه حرارت وگرمی زیاد باشد غدد مذکور بسیار عرق افراز میکنند.

درینصورت اگر خللی درجهازیکه بالای عرق حاکم میباشد وارد شود عرق زیادتی یانقصان پیدا میکند بناءً علیه معالجهٔ این جهاز خیلی ضرورت است تاحال طبیعی خویش برگردد .

بنابرین بیفایده استکه بوسیلهٔ پودر بخواهند جسم طفل را از عرق کردن منع نمایند . زیرا پودر مسام ها را بند کرده مانع افراز عرق بخارج میگردد در چنین حالتی ضرر بزرگی به طفل عائد میشود .

حفظ‌الصحهٔ اطفال :

یکی از بهترین کارها این است که اطفال خود را از کوچکی معتاد بورزش وتربیت جسمی درهوای آزاد کنید . بشرط آنکه بحد افراط نرسیده وموجب کشتن غده های زیر پوست نشود .

بسیاری از اطفال هستند که در دنبال طبیعت خود بورزش وحرکات بدنی بیشتر اهمیت داده ولی بدرس ووظایف مدرسه اهمیت نمیدهند .

برخانمها لازم است که اطفال خود را از ۲ و ۳ سالگی مطابق دستور ذیل پرورش داده وتربیت نمایند .

۱ ـ شست وشوی هر صبح با آب پاك و درصورت عدم امکان آن در دو روز یکمرتبه ورنه در سه روز تاآنکه‌در حد اقل هفتهٔ یکبار حتماً باید شست وشو نمایند .

۲ ـ شستن دندان ها ودهان قبیل ازهر خوراك وبعد ازان .

۳ ـ خواب دیر وقت‌معین وبیداری در وقت معین وباز گذاردن دریچه ها ومانند اطاق درموقع خواب وبیداری.

٤ ـ باتأنی غدا خوردن وجویدن کامل هرلقمه .

۵ ـ خوردن شیر بجای چای وقهوه وککاؤ وغیره .

٦ ـ خوردن سبزیجات ومیوه ها درهر روز .

۷ ـ خوراك خوردن درساعات معینه واوقات مشخصه .

۸ ـ راست راه رفتن وراست ایستادن وراست نشستن .

۹ ـ ورزش بدنی درهوای آزاد همه روزه صبح وعصر .

۱۰ ـ تخلیهٔ معده درهر صبح وشب .

۱۱ ـ تنظیف لباس ودستمال وجوراب، اقلاً هرهفته دوبار.

۱۲ ـ عدم افراط دراستعمال مواد قندیوکثرت استعمال مرکبات وانواع لیموها وپرتقال‌ها .

مباحثه دراطراف خوراکه

خوراکه و یاغذای شبارروزی ، چیزیست که همیشه جالب توجه و غور و خوض واقع گردیده ، انسان افکار خود را در بهبودی غذای خود معطوف می نماید ، و از غذاهائیکه جالب تلذذ و نشاطش واقع گردد ، تناول نموده، وازغذا هائیکه باعث کراهیت طبع واقع می گردد صرف نظرمی‌نماید .

اما میتوانیم بگوئیم که « طول مباحثه در مورد خوب وبدغذا » هم یکی ازغلطی های بزرگی ثابت شده‌است چه بسا اشخاص‌ازعلوم کیمیاوی وتشریحی، کمتر وقوف‌دارند، ضرب المثل عوام‌است «که‌علم کم باعث زحمت‌میشود» بتکالیف زیادی برخورده، افکارسالم خودهارا دربحث بی‌فائده این و آن کاربوهائیدریت (Carbohydrate) و کالوری های (Calorie) ماکولات علیل نموده ازلذات متنوعهٔ ماکولات ومشروبات محروم مانده ، بالآخره تلون مزاج وپریشانی برایشان عائد گردیده خوراکهٔ متلذذ بنظر شان‌مثل عملیات بی نشاط کیمیاوی جلوه میدهد ونیز دیده‌شده که بعضی ازمردمان بباعث همین احتیاط ، و انتخاب اغذیه ، ناخوشی های گونا گونیرا متحمل شده‌اند و درعوض اشخاصیکه ازاقسام مختلفهٔ خوراکه تناول می نمایند سالم وتندرست می باشند .

وبعلاوه بعضی نقائص یا بعبارهٔ دیگر بی مبالاتی هائیکه تحت توجه قرار نگرفته اند ، هم موجود است که قوانین علمی به‌منع واجتناب ازان توصیه می کنند . بسا اشخاصند که به‌غذا های خود اهمیت نداده بدست خود خودرا معلول مینمایند. واگر چیزی برای آنها گفته‌شود، دلائل چندی‌که نتیجهٔ بی‌علمی‌وبی معلوماتی شان است ایراد میکنند . باید فهمید که دنیای امروزه ما ازدنیا دیروزهٔ مغایرت کلی دارد :

چنانچه قصبات امروزهٔ ازشهر های بزرگ دیروزه معمورتر وآبادتر بوده، نفوس زیادی را مالك‌است. و اقسام خوراکهٔ دیروزه و پریروزه از اعتبار افتاده ، بسکت ، کاچه ، چاکلت و کیك که دیروز تعارفی نداشتند ، به ناشتهٔ امروزه خورده می شود .

ذخائر ما کولاتی امروزه بار ها بهتر و بیشتر آسایش مردمان را فراهم آورده، بعموم نشاط می بخشد ،
چون خوراك های امروزی بالعموم بیشتر بوده ، دست بشر توانسته است که اغذیهٔ طبیعی را بکمال
لطافت مهیا و بصورت اطعمهٔ لذیذ مصنوعی تبدیل داده حظ ببرد و از کرختی و فاضلهٔ غیر ضروری آن
صرف نظر نماید .

بدبختانه چندی قبل بواسطهٔ محدود بودن قواعد علمی نتوانستیم معلوم نمائیم که فهرست مشروحهٔ غذای
ضروری ، که اخیراً بعضی از علما آنرا تشریح داده اند بدانیم کدام است ؟ و چون کیفیات اجزای ویتامین
(Vitamine) وحصه های مهمهٔ دیگر نباتات ومرکبات رزقیه ، بظهور پیوست معلوم شد که ما در اشتباه
بودیم . اجزائی را که در سابق به ترك آن تاکید می نمودیم ، ذرات آنها حصهٔ مهمی از ناخوشی ها رامانع
آمده خدمت بزرگی در بقای صحت و تندرستی ما اجرا می نمایند .

همین است که بعد ازبرداشتن گامهای وسیع به طرف معالجه ازین گونه اشیاء ، طعام پزان و طعام
دهندگان توانسته اند که فوائد زیادی بردارند، چنانچه کلچه و نانی را که میفروشند ،حاوی همان اشیائی میباشند که
سالهای قبل « آسیابان ها » ازانها صرف نظر نموده ، کناره پرتاب میکردند ، و دکاندار های امروزه
مسکهٔ بفروش میرسانندکه حقیقةً مسکه نبوده ،بلکه دارای مواد حل شدهٔ چربوست که عیناً مثل مسکهٔ تازهٔ
حقیقی جلوه میدهد .

باغبان ها در تمام سال میوه هائی بما میدهند که به قیمت خیلی ارزان بدست می افتد ، حال اگر ما از
چنین سهولت ها فائده نگیریم - باید خود را مقصر دانسته سلامتی خود را بر دیگران بار نکنیم .

تفحصات عمیقه و غور و خوض دقیقهٔ مجلس تحقیقات طبی انگلیس در بارهٔ معلوم کردن مسئله که آیا
خوراکهٔ روزانه ماحاوی تمام اجزای حفظ الصحه می باشد یا خیر ؟ نتائج خوبی استنباط نموده راپورت مکملی به
وزارت صحیهٔ خویش داده است ، تا بلحاظ رفع توجهٔ مخصوصی به اغذیه و صحت مردم مبذول نماید .

و بعد از ملاحظهٔ هزاران اطفال شهری به ثبوت رسید که فیصد ۵۰ طفل شیر خوار از باعث خوردن
چیزهائیکه دارای مواد کافی تولید خون صحیح نبوده است مریض بوده اندکه ضمناً این مریضی مرضهای
دیگری را نیز تقویت داده شدت آنرا دوبالا میکند .

ونیز معلوم شد که این مرض محض ازنداشتن مقدار کافی آهن درمواد شیری، عائد میشود. لهذا برای دفاع
آن سعی بلیغی بجا آوردند ، ومعلوم کردند که به دادن دوای امونیوم سیترات (Ammoniom Citrate)
ممکن است این مرض تخفیف شود ، چنانچه از استعمال دوای مذکور این ناخوشی کم گردید .

معلوم شد که مرض(Rickets) « استخوان نرمی » نیز از باعث قلت همین مواد (ویتامین Vitamine)
بوده و مواد مذکوره عموماً در شیر تازه و روغن ماهی بمقدار زیادی موجود است .

حتی پیشتر از اکتشاف مواد مذکوره در روغن ماهی (Cod Liver Oil) ماهی کاد Cod
قیمت بلندی داشت .

بعد از تجارب کثیرهٔ معلوم گردید که اجزای ویتامین (Vitamine) در جسم اثر فوق العادهٔ دارد و جسم را مهیای سازد که چونه وفوسفیت یا بعبارهٔ دیگر اجزای مهم استخوان را از شیر بگیرد . و چون جسم طفل نمیتواند مقدار کافی وا که شاید و باید از شیر جذب کند ، مرض استخوان نرمی برایش عارض میگردد .

معلومات و تحقیقات جدیده نیز ظاهر میسازد که در اغذیهٔ بسیاری از اطفال و مادر های شان فقر ویتامین و کلیسیوم وفوسفیت نسبةً همیشه میباشد . اگرچه مرض استخوان نرمی به معنی حقیقی آن از سی سال گذشته کمتر واقع میشود ، فوق‌العاده سرایت مینماید .

این را نیز نباید تصور کرد که محض مرض استخوان نرمی از باعث کمی مواد کلیسیوم وفاسفورس بوجود میآید بلکه محکم نبودن دندان که مرض عامهٔ قرن بیستم انسانهای متمدن است نیز وابسته به کمی مقدار سابق الذکر است .

ویگانه وسیله برای جلوگیری که تحت مذاکرهٔ وزارت صحیهٔ انگلستان واقع شده همین است که برای مادران و دیگر اولیاء فامیلی دستورات لازمهٔ داده اند تا ایشان اطفال سینه‌گیٔ خودها را روز مره بصورت منتظم (Iron, Amon, Citrate) بنوشانند. واگر اطفال شان سینه‌ئی نباشند درانصورت نیز درشیر شان از دوای مذکور مخلوط نموده بالای شان بنوشانند . تا از امراض مذکور مصئون بمانند .

وبالآخره بر ما نیز لازم است که مقدار وافری از شیر تازه به مادران ودایه‌گان و اطفال کوچك نوشانید وحتی‌الوسع باید دراستعمال تخم مرغ ، مسکه واقسام ماهی ها از قبیل (Mekesele, Spret, Hereings) کوتاهی نشود ، و اگر در پیدایش مقدار کافی شیر و مسکه مشکلاتی پیش میشد لازم است از روغن ماهی فائده گرفته مورد استعمال قرار داده شود .

جویدن غذا :

خدا که برای ما بیره هاو دندانها را عنایت کرده است فقط برای جویدن وعیده ساختن غذا است وهرگاه باندازهٔ کافی غذا را بجویم هضم آن در معده خیلی آسان می شود ، زیرا جویدن غذا را بیك کتلهٔ نرمی تحویل میدهم که برای افرازات معده تسهیلات پیش کرده و افرازات مذکور داخل آن شده غذا را حاضر مینماید تا بصورت نهائی در امعأ به هضم برسد .

جویدن کم به سوء هضم نتیجه داده و این مرض صورت مزمن اختیار می نماید و بالآخره در معده تمدد حاصل شده و علاج آن هم خیلی مشکل میباشد .

آب لیمو در تابستان :

چند سال پیشتر در یکی از جرائد سوالی از تمام طبا شده بود : که بهترین مشروب تازهٔ که انسان در



صداقتمآبان داکتران و مامورین ومتعلمین شفاخانه مرکزی وقطعات عسکری کابل

موسم تابستان بنوشد چیست ؟ دوکتور ولیم کالب صلیبی جواب داده بودکه : آب لیموی تازه و سرد بهترین مشروبی در موسم تابستان است .

واقعاً بقدریکه ویتامین در آب لیمو موجود است نمیتوان در هیچ مشروب دیگری یافت و هرگاه قند را هم که از مواد مغذیه است بآن ایزاد نمائیم بهترین مشروب فرح بخشی برای ایام گرمی می شود . بناءً علیه مادرها باید اولاد خویش را درموسم تابستان تا اندازهٔ که در استطاعت دارند ازین مشروب بنوشانند زیرا این مشروب بهترین و با اثر ترین مشروبی میباشد که در عین حال غذائیت زیاد هم دارد .

منع ترکیده گی جلد

بعضی ها عقیده دارندکه پوست دست ها یا پاپها جز در موسم زمستان که ازباعث شدت خنك ترکیدگی پیدا میکند در تابستان نمیترکد . در حالیکه جلد درموسم تابستان نیز بباعث شدت عرق معروض به ترکیدگی میباشد مخصوصاً بین انگشت های پای . بناءً علیه برای جلوگیری ازین ترکیدگی پاپها را همیشه اولاً بآب گرم و سپس با محلول ضعیف حامض کاربولیك یا آب اوکسیژن پراکساید شسته سپس آنها را خوب خشك کرده کمی پودر بالای آنها پاش داده شود . باین ذریعه از ترکیدگی جلوگیری بعمل میآید .

حفظ الصحهٔ خانه

در طرز ساختمان منازل تا امروز خیلی کم مراعات حفظ الصحه شده است واغلب خانه های کابل بر خلاف مقررات صحی محروم ازهوای کافی ، روشنی ، نورآفتاب ، وحتی نظافت میباشندکه ازطرفی خرابی ساختمان خانه‌ها واز طرف دیگر بی اعتنائی وعدم فهم مردم بمسایل صحی خیلی ازاشخص را ازپا درآورده ویك قسمت رنجوری وضعف وعلالت اشخاص ازین رهگذر است .

مراعات مجزا بودن اطاق هـای خواب ، خوراك ، خانهٔ مهمان وغیره ، دراکثریه خانه هـا نمی شود و از یك خانه همه کار گرفته می شود . بسیاری از خانه ها حتی از اشعهٔ آفتاب که بهترین مواهب الهی برای انسان ها وقاتل غالب جراثیم مضره است نیز محروم میباشند . در نظافت حویلی ، اوطاق ها ، مجاری آب ، مستراح ، مطبخ وغیره کمتر توجه میشود . درحالیکه حفظ الصحهٔ خانه علاقه وارتباط مهمی بحفظ الصحهٔ عمومی داشته ودر شهریکه خانه هـا مطابق حفظ الصحه نباشد سـاکنین آن شهر غالباً مواجهه بامراض‌مسری وخطرناکی میباشند . ازین رو اهمیت حفظ‌الصحهٔ خانه را بایستی هرفردی مدنظر داشته وباندازهٔ قدرت‌وتوان خود باید دستورات صحی‌را درخانهٔ خویش مراعات نماید ، چه برعلاوهٔ اینکه ساکنین یك خانهٔ مرتب ونظیف وصحی از بسیاری امراض ورنجوریها محفوظ میمانند ، یك استراحت روحی ومعنوی نیز برای صاحبـان یك خانه نظیف مترتب است که مخصوصاً برای رفع خستگی های صاحب خانه که از سعی و عملی روزانه مانده‌و کوفته داخل منزل و باصطلاح (سر پناه) خود می شود خالی از اهمیت نیست .

بناءً علیه سعی کنید تا دستورات ذیل را که خیلی ساده و بسیط است اقلاً درخانه های خویش مراعات نمائید .

۱ ـ دروازهٔ اطاق ها ومخصوصاً اطاق خواب باید هر روزه برای دو ساعت ازطرف صبح جهت داخل شدن اشعهٔ آفتاب باز مانده شود .

۲ ـ کلکین ها و دروازه های اطاق باید خیلی زیاد باشد تابرای ادخال مقدار کافی و زیاد از هوای صاف کفایت نماید .

۳ ـ از روی شیشه های کلکین ها باید پرده های رنگه پس کرده شود تا نور آفتاب مستقیماً داخل اطاق شود .

٤ ـ برای اطفال اجازه داده نشود ، در جائیکه چشم های شان بنور مستقیم آفتاب معروض باشد بنشینند .

٥ ـ رطوبت تا اندازهٔ که ممکن است کم باشد .

٦ ـ آب خوردنی دریك جائی گذاشته شود که ازتمام ملوثات مأمون باشد .

۷ ـ درتمام اطاق های خانه شرائط تامه خیلی مراعات شده ، وبانتظام و بوقت های معین (هر فردی از روی اعتیاد) بآب گرم یا سرد غسل نماید .

۸ ـ ترتیب مطبخ واطاقهای خانه وتحویلخانه از هر جانبی موافق دستور حفظ الصحه باشد .

وصایاي ده گانهٔ صحی

۱ ـ در خوراك خرد حکیم باش ، شیر وسبزیجات ونان خیلی صرف نموده وقند و گوشت کمتر استعمال کن ، از مشروبات مسکره بکلی اجتناب نما .

۲ ـ جسم خود را در هوای آزاد تربیه کن ، و وقتیکه نشسته و یا ایستادهٔ قامتت را راست نگهدار .

۳ ـ رئتین خود را به هوای آزاد تمرین بده و هوای صاف را در شب و روز تنفس نما ، خود را در معرض آفتاب قرار بده ، زیرا نور آن برای جسم خیلی مفید و برای صحت و تندرستی تمام لازم میباشد .

٤ ـ نظیف و تمیز باش ، قبل از صرف غذا دست های خود را با صابون شست و شو نما ، و در نظافت جسم بوسیلهٔ غسل های متعدد یومیه خیلی سعی کن ، دندان هـای خودرا صبح ، و شب قبل ازخواب پاك و نظیف نما .

٥ ـ قوای جسدی وعقلی خود را با موریکه فوق طاقت آن ها باشد خسته نکن ، نیم ساعت استراحت بعد از غذا بهترین مقویات میباشد . و طوریکه میگویند دلیل خمول و کسالت نیست .

٦ ـ در اوقات صرف غذا و خواب منتظم باش .

٧ ـ موازنهٔ عقلی خودرا حفظ نما ، هم وغم‌را نگذار که برتو غلبه نماید ، یك حصهٔ وقت خود را یومیه برای تفریح و بازی تخصیص بده .

٨ ـ از شر دوری بجو ، از شخصیکه مبتلای زکام باشد و در موقع عطسه نمودن دستمال را پیش بینی خودنمی گیرد دوری اختیار نما ،در گیلاسی‌که عموم آب می نوشند آب ننوش ، و دستمالیکه مخصوص خودت نباشد مورد استعمال قرار نده .

٩ ـ هرگاه انحراف بسیطی در صحت تو پیدا شود استراحت نموده برای معالجه به دکتور مراجعه کن ـ زیرا خیلی واقع شده است که نقص و علت کلی بباعث اهمال های جزوی واقع شده است و هرگاه این اصل را اشخاصیکه بزکام بسیط مبتلا میشوند مراعات نماید از خطرهٔ شدت مرض نجات می یابند .

١٠ ـــ با آنکه صحت باشی هرسال‌در تاریخ معین خودرا به دکتور امراض‌داخلی‌ودکتور امراض دندان نشان بده‌و بهدایات شان عمل نما .

سگها و گربها امراض خطر ناکی را نقل میدهند

درین اواخر در تمام شهرهای دنیا تربیهٔ سگها و گربها بین خانه‌ها انتشار و رواج یافته و چون صاحبان این حیوانات در تنظیف شان خیلی مبالغه میو زند لابد در اثنای پاك کردن و یا حمل نمودن و یا نوازش کردن شان انواع مختلفهٔ‌میکروبها را که در جلد آنها موجود است بخود نقل میدهند .

یك مرض خطر ناك دیگر است که از ین حیوانات بصاحبان آنها ذریعهٔ لیسیدن منتقل میشود . چنانچه وقتیکه دست ها یارو یا کدام قسمت دیگر جسم صاحبان خود را میلیسند ، درهر جائیکه زبان آنها تماس کرده باشد مرض عارض میشود و علت آن همین است که در جهاز هضمیٔ این دو حیوان طوریکه یکی از بزرگترین اطبأ تائید مینماید تخمك های است که « اشینو کوك » (Echinocoques) نامیده میشوند و هنگامیکه گربه یا سگ قسمتی ازاعضای صاحب خودرا لیسید بواسطهٔ لعاب دهن شان بعضی ازین اشینوکوك های میکروسکوپی باعضای مذکورمنتقل میشود. و اگریکی ازین اشینوکوك داخل معدهٔ انسان شد نمو حاصل کرده واز آنجابه کبدورئتین ودماغ سرایت مینماید ودراین جایها بیك شکلی‌که کیسه های آبی (Cystes Hydatiques) نامیده‌میشود تکوین یافته و این علت ذریعهٔ موت اشخاصی که دچار آن شده باشند میگردد .

بعضی امراض دیگری نیز میباشند که بوسیلهٔ سگ ها و گربه ها پیدا میشوند که مهمترین آنها جرب ، دانهٔ سر ، و سل است و مخصوصاً سل که از امراض خطرناك میباشد واگر در اول ظهور آن علاج نشود بموت منتهی میشود .

وسایل جدید برای جلوگیری از ضرر حشرات

از زمانه های بعیدی است که انسانها با عالم حشرات موذیه روبرو شده و مقابل این دشمنان کوچك عاجز میگردیدند ، ولی از چندی باینطرف است که علما درصدد دفاع برآمده ومیل داشتند ازین مخلوق کوچك ومضر نکلی جلوگیری کنند زیرا مقدار مضرت این دشمنان را باندازهٔ که تعیین ومعلوم کرده اند واقعاً ازخوفناك ترین دشمنان انسانی بشمار میروند . پشه ها و مگس ها درراس این دستهٔ دشمنان انسانی قرار گرفته اند . اطبا معلوم کرده اند که وسیلهٔ انتقال بسی امراض دروجود انسانی همین حشرات میباشند لهذا آخراً کیمیادانها وسایل وادویاتی اختراع کردند که استعمال آن مضرتی عاید بانسان و دیگر حیوانات نکرده مستقیماً حشرات را فانی ویحس میگرداند .

یکنفر کیمیادان ماهر این فن تمام اطلاعات خودش را راجع باقسام حشرات و انواع ضرر آنها و صورت هائی که برای مدافعه سنجیده است مرتباً اظهار میدارد واین بیانیهٔ مذکور توجهٔ تمام مردم مخصوصاً آنهائی را که بامور ادارهٔ خانگی علاقه مندی زیاد دارند بخود جلب کرده است این شخص فاضل مسترزن Ren است که دریك علاقهٔ شیکاگو داخل عملیات شده ومقابل آفات حشرات خانگی آغاز بکار نموده است مستر رن متعلق حفظ الصحه ودیگر عواملیکه دریك جمعیت وسیع تجدید جنگرا بهمراهٔ هفت دشمن مشهور خانگی ، مگسها ، پشه ها، پروانه ها ، کیکها ، مورچه ها وغیره باشد آغاز نموده است.

از سالهای در از معلوم است که یکی از چیزهای نفرت آور در زندگی مگس است که تقریباً بسی مرض مسری در وجود او منحصر است و این بلای مبرم تقریباً ۶۳,۰۰۰ نفر را سالانه رهسپار دیار عدم میسازد مگسها فیصد هشتادوپنج در شهر و فیصد نودوپنج در اطراف مملکت محرقه و غیره امراض را انتشار میدهند وتعداد آنها به سرعت تمام زیاد شده میرود مخصوصاً ازابتدای ثور الی آخر سنبله که درینوقت یك مگس ماده تقریباً ۵,۵۹۸,۷۲۰,۰۰۰,۰۰۰ تخم میدهد ویك مگس تقریباً ۶,۰۰۰,۰۰۰ جراثیم رابرده میتواند، جسم وبالهای آن ظاهراً لشم ودرخشان است ولی تمام وجود آن ازمویهای خورد ذره بینی مستوراست که مقامهای خوب را برای جراثیم مهیا میکند، دراثنائیکه مگس ها ازکثافتها برخاسته بالای طعام واشیای خوراکه می نشیند وبقدرلزوم حصه گرفته جراثیمیکه با خود آورده اند آنهار گذاشته طعام و خوراکه را بوجود این جراثیم ملوث و زهردار ساخته سم قاتلی برای انسانها آماده میدارند . مگسها برای طعام یکوقتهٔ خود از یك الی سی میل سفر و تقریباً نصف وزن خود را بلع میکنند ، و اگر نکنند در نیم دقیقه خود را مملو از طعام می نمایند .

لاینقطع جمعیت شان بعضی اوقات در شهر ها زیاد شده میرود . و موسم گرما برای تزئید تعداد شان بسی مساعد است .

پشه‌ها بیشترطرف‌تنافر عموم بوده وگزیدن آن ها خیلی‌الم ناك است و تقریباً شصت قسم آنها موجود است. پشه ها نیز مجرم قرار داده شده اند زیرا که طاعون و غیره وابسته بآنهاست .

ضرر بزرگ پشه ها اینست که پشه ها رأساً بعضی جراثیم را درخون آفت رسیده داخل میکنند خارش وآماسیدگی‌که‌ازباعث‌گزیدن‌پشه‌عائد میشود صرف ازالم نیش های آنها واز سبب مواد زهری داریست که‌دروقت جرح شدن پوست منتشر میشود ،یعنی این جراثیم بعد از پیدا کردن راه درخون انسان فوراً تأثیرات سمی خودشان‌را القا میکنند .

(سیسک ها) Roach تقریباً چهار سال عمرمیکنند وچهارقسم‌آنها خیلی مهم است چه‌آفت و جراثیم امراض خناق ، جیلی و مراق منحصر بآنهاست .

(کویه ها) یا پروانه ها تقریباً در سالی بقیمت ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ افغانی قماش هارا بلع میکنندوآنها مخصوصاً دشمن البسهٔ خانم ها هستند : کشتن پروانه ها بذریعهٔ بعضی دوا ها قدری مفید است اماعلاج بهترین گم کردن‌تخم آنهاست .

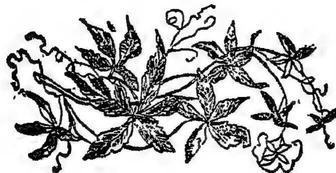
خرابی زیاد وابسته به‌حالت کرمی Larvae میباشد، چون از تخمها میبرایند نمو کرده برای خوراک خودها بسیار پشم ، پر و غیره را که تقریباً دوازده چند جسم خود آنهامیباشندمیخورند، استعمال دوای‌مؤثر کیمیاوی برای رفع اینگونه ضرر ها مفید شمرده میشود .

شبگزها بسیارامراض ازقبیل چیچک، سرخکان، تب وتب موسمی ومرض‌برص‌وغیره وابسته به‌شبگزهاست، گزیدن دردناك آنها انسانرا زبون میسازد . همچنانکه منتشر کنندهٔ امراض اند همانقدر مخوف اند، وآنقدر بوی بد دارند که پرندگانیکه دیگر انواع حشرات را بشوق میخورند بآنها مس نمیکنند.

بعضی ترتیبات کیمیاوی برای قتل آنها بسیار مؤثر ثابت شده .

مورچه ها وکیك ها نیز در ردیف دیگر دشمنان عمومی مثل بلع کنندهٔ اشیا و انتشار کنندگان امراض میباشند اقسام مختلف مورچه ها ۶,۰۰۰ وازآنجمله چهارقسم: مورچهٔ زردریزه، خورد سیاه ، بجار، ومورچهٔ قرشها بسیار مضر است .

استعمال بعضی دواهای‌کیمیاوی اسباب هلاکت موزمیشود. این ادویات‌کیمیاوی‌که‌مخصوصاً کشندهٔ حشرات مضره‌است بذریعهٔ جاروب هـا موقع تنظیات درخانه وغیره استعمال میشود، برای محوکردن این حشرات مضرکه تامدتی طرف توجه نگشته بود، متخصصین آلات وادویه مهیا نموده وبا آنها مبارزه ومقابله مینمایند ولی تا حال تمام حشرات مضره بکلی محو نگردیده،زیرا اقسام حشرات در دنیا تقریباً از ۲۰۰,۰۰۰ تا ۱,۰۰۰,۰۰۰ بوده و هزار ها رقم آن برای انسانها مضر است .



ترکیب اصلیهٔ جسد انسانی

دکتور ایف ، ای ، لاوسن ، که یکی از مدققین درجهٔ اول انگلستان میباشد در ۲۴ نومبرسال گذشته کنفرانسی راجع به ترکیب جسد انسانی در وستمنستر (Wistminster) لندن داده و با تصورات قابل قبولی ترکیب جسم یك انسانی را که متوسطاً تا ۶۳ کیلو گرام وزن داشته باشد چنین فرض نموده است : -

آب	: ۴۵ لیتر
مواد مشحمه	: بمقدار کافی وبرای ساخت هفت کلچه صابون .
ذغال	: ازاین ذغال ۹,۰۰۰ دانه پنسل ساخته میشود.
یك مقدارفاسفور	: که با آن میتوان ۲,۶۰۰ کلهٔ گوگرد تهیه کرد .
از امونیوم	: مقداریکه جهته ترکیب کوچك املاح کفایت کند.
آهن	: بهوزنی که دریك میخ متوسط المقدار محتوی باشد .
آهك	: بقدر کفایت سفید کردن یك سقفی که سطح کوچك داشته باشد .
سلفر	: (سنگ گوگرد) که برای نجات دادن یك سگ از کیك هایش کفایت کند .

دکتور موصوف اظهار داشته است که قیمت موجودهٔ مواد خام ، تمام مواد فوق الذکر را که محتوی ترکیب جسد انسانی است میتوان بیك مبلغ ۲۵ الی ۳۰ افغانی خریداری وتحصیل کرد .



زراعت و فلاحت

بعض هدایات در باب زراعت خربوزه

راجع به زراعت خربزه گرچه ممکن است هیچ هدایتی لازم نباشد زیرا تمام زارعین دران باب اطلاعات کافی داشته وچون طریقهٔ زراعت مذکور بسیار ساده است تشریحات اصول فنی دران چندان گنجایش ندارد ولی آنچه از روئیدن تاقطع کردن خربزه بارباب ذوق مبهم است مسئلهٔ دقت در عملیات رویانیدن آنست که اینك درین جا ذکر می شود :

گرچه عملیات رویانیدن خربزه نیز مانند زراعت‌آن بسیارساده میباشد اما برای آنکه بهتر و بقسم واضح فهمیده شود تمام آن به پنج دوره تقسیم میگردد :

دورهٔ اول :

چون بیارهٔ خربزه ٤ دانه برگ برآورد ، ساقه را از موضع بالائی دوبرگ اولی می برند ، ولی باید « لبهٔ زیر برگ نبات » بریده نشود و بمجرد بریدن ساقه زخم مذکور باقدری خاك پوشانیده شود تاشیرهٔ نباتی که باعث نموی آن است ، زیاد خارج وتلف نگردد .

دورهٔ دوم :

مراد از عملیات قطع اول این بود که قوت نبات در دوبرگ اولی ولبه های مذکور حلول کرده‌ازانجا دوشاخهٔ موسوم به « شاخه‌های تولید کننده » بوجودمی‌آید پس‌چون شاخه های مذکوره پیدا شدند ، لازم میشود که آنها را از موضع بالای ۳ یا ٤ برگ ، درین دورهٔ ثانوی نیز لبه هارا که بکلی بی ضرر میباشد قطع کردن لازم نیست .

دورهٔ سوم :

دورهٔ سوم فقط شاخه های کوچك را که نوسرزده وبطول ۳۰ الی ٤۰ سانتی متر (نیم گز) رسیده باشند قطع می نمایند .

دوره چهارم :

این دورهٔ مهمترین دوره های خربزه میباشد ، و دران شاخه هائیرا که ازبن برگ سوم که بعد از عملیات دورهٔ سوم سر زده میبرند ، مگر باید بسیار دقت شود زیرا اکثر اوقات این شاخه هائیکه بعد از برگ سوم میرویند . شاخه های میباشند که از پهلوی آنها میوه بوجود می آید ، پس باید شاخه را بگذارند که قدری بزرگ شود آنگاه اگر علائم پیدایش میوه ظاهر می شد عمل قطع را بالاثر

از آن اجرا خواهند نمود والاخیر ، خربزه عموماً دارای گل های مؤنث و مذکر است طوریکه گل های مؤنث آن بسیار به آسانی شناخته می‌شود شاخهٔ آن بیك غوزهٔ خوردی که به بزرگ شدن میوه خواهد شد مربوط میباشد .

دورهٔ پنجم :

چون میوه قدری سخت و شاخهٔ آن به ساقه بیاره محکم شد ، آنگاه وجود برگهائی که از اطراف آن پیدا میشود لازم نخواهد بود ولی در قطع آنها باید احتیاط شود تاشیرهٔ نباتی زیاد خارج و سبب بدمزه‌گی یاکوچکی میوه نگردد وباید این برگ ها به مجرد ظاهر شدن بریده شوند ، درهربیاره بیش از ۵ الی ٦ میوه را نباید گذاشت واگر میوه ها زیاد باشند باید همان هائیرا که بزرگ تر و شکل شان منتظم تراست نگهداشته مابقی را قطع کنند .

مراجعت هاي لازمی

بعد ازقطع ثانی‌باید اطراف بیاره هانوك داس (وجین) شوند وقدری پارو (انبار) هم برای هربیاره داده شود .

برای آنکه خربزه ها شیرین ولطیف بوجود بیایند لازم است که تاحد امکان کمتر آب داده شوند و بگذارند که بیاره ها ازخشکی قدری زرد شوند وچون ضرورت قطعی آب دادن محسوس شود ، یعنی موقعیکه برگ‌ها پژمرده گردند ، باید بیاره ها آب داده شود و مدعای اصلی اینست که بیاره های خربزه دیر،دیر اما بوفور آب داده شود، وقتیکه خربزه ها به یك بزرگی مناسبی رسیدند بهتر است که در زیر هرکدام آنها یك تخته ویایك پارچه ازسفال (تیکر) یاخشت پخته گذاشته شود تابه زمین تماس نداشته باشد ، این احتیاط بسیار مفید است و اگر این قاعده صرف نظر شود مخصوصاً درسال های بارانی که زمین نمناك میباشد همان قسمت خربزه که بازمین تماس دارد درخاصیت ومزه باسائر قسمت ها که از نور آفتاب وهوا متمتع است اختلاف کلی پیدا می کند .

رسیدگی خربزه آنوقت شناخته می‌شود که خربزه تغییر رنگ داده ویك سوراخ قوس مانندی در دنبالهٔ (موضع الحاق) خربزه باساقه احداث می‌شود وعلاوه برین علامت رسیدن خربزه این است که قسمت مقابل دنبالهٔ آن نرم می‌شود وازان عطر خوبی نشئت میکند واین خود بخود پخته شدن خربزه را میفهماند ، از بین دوخربزهٔ متساوی الحجم که از حد الحاق بریده شده باشند ، بهتر همان است که وزنش بیشتر باشد .

چون خربزه ها در مزه بسیار مختلف میباشند ـ بسیار مشکل است که اقسام خربزه درین جا شرح داده شود ، تنها آنچه صفت ممتازهٔ خربزه شمرده می شود . لطافت وشیرینی آنست .

برای تکمیل چند نصائح فوق ، خاطر نشان میشود که ازموقع روئیدن الی دورهٔ دوم خربزه ها همواره مورد حملهٔ مالوش (یك نوع حشرهٔ کوچك) وگاوك (یك نوع کرم پیچ پیچ)واقع می شوند . برای جلوگیری

از ضرر دشمنان پاشیدن یك مقدار خاکستر یاچونهٔ آب نارسیده دراطراف بیاره ها کفایت خواهد نمود اگر باران زیاد میشد باید این کار تکرار شود ، تاحیوانهای مذکوره به میوه وبیاره ضرر رسانیده نتوانند .

گاه گاهی برگ های بیاره های خربزه نیز سفیدمیشوند وبایك نوع گرد خاکستری رنگ در سطح و پشت برگ های مذکوره مشاهده میشود این گرد سفید ازیك نوع مرض بهوجود میآید که اسمش « نوبلان » یا (مرض سفید) است برای تداوی بیاره ها ٤ یا ٥ بار پاشیدن گوگرد (سوفر) دراطراف آنها کافی بوده همیشه مؤثر و مجرب واقع میگردد .

زراعت بادنجان رومی

بادنجان رومی که امروز درتغذیهٔ بشری مخصوصاً ملل متمدن اهمیت بزرگی را دارا گشته زراعت آن طریقهٔ آسانی دارد که تقریباً درتمام ممالك بیك صورت میباشد وفقط اختلاف درموسم بذر وحاصل گرفتن است .

تخم پاشی :

در ماهٔ جنوری (مطابق دلو) تخم بادنجان را میان صندوقهای چوبی بزرگ دربین خاك نرم وپارو داده که مدتی در آفتاب گذاشته شده باشد میکارند و صندوقها را در گرم خانهٔ جای داده آبیاری می کنند تا تخم ها نیش بزنند .

نهالی شاندن :

وقتیکه بته ها ساقه و شاخه پیدا کرد یعنی درماهٔ اپریل (حمل) آنهارا بقسم نهالی در زمینیکه پس از فصل گذشته تیار شده و آفتاب خورده باشد و مخصوصاً در زمینیکه قبلاً دران کچالو کاشته شده باشد مینشانند وآب وپارو بقدر کفایت میدهند . درظرف یکماه بته ها بزرگ میشوند و گل میدهند و میوه پیدا میشود آنگاه لازم استشاخه هارا از زمین بلند کرده بهم نزدیك سازندوهمراهٔ نخ یاساقه‌های رشقه یادیگر نباتات بسته کنند تامیوه روی خاك نیفتد . علاوه برین باید چندین نوبت علف های هرزه چیده و بیخ بته‌ها نرم شود تا آب به آسانی تبخیر نماید . اگر دربته ها و میوه ها آثار مرض دیده شود وبرگ ها پژمرده وبادنجان ها زرد شوند معلوم است کدام میکروب مضره در آنها جا گرفته و لازم است که فوری یك مقدار شورهٔ زمینی (سولفات) را درآب حل کرده زیر بته ها بپاشند .

عموماً یك قسم کرم دربادنجان پیدا میشود وآنرا خراب میکنند برای دفع آن قدری عسل‌را همراه سنکیه (آرسنیك) مخلوط کرده درظرفی که دهن آن تنگ باشد میاندازند وآن ظرف‌را نزدیك بته های بادنجان میگذارند،کرم ها دران داخل شده پس ازخوردن آرسنیك میمیرند واگر بعضی ازآنها زنده بماند سرظرف مذکور را بسته دور میبرند و کرم ها را درگودالی زیر خاك دفن میکنند .

انبار :

پاروی مصنوعی که دارای مواد نوشادری (آمونیاك) فوسفات دو سود و پوتاس باشد ، یا انبار حیوانی برای تقویت مزرعهٔ بادنجان مفید است .

جنس بادنجان :

بهترین انواع بادنجان رومی‌همان قسمی است که رنگک سرخ نارنجی دارد، پوست آن کاملاً لشم وخارهایش بسیار کم می باشد .

چیدن بادنجان رومی :

بادنجان را وقتی می‌چینندکه رنگک آن کاملاً سرخ وشفاف شود .

در ممالك معتدله بادنجان رومی از وقت نهالی شانی تاسه ماه حاصل میدهد که اگر درماه حمل نهالی آن ازگرم خانه بزمین نشانده شود درشروع سرطان چیده می‌شود .

بادنجانی که باین طریق تربیه شود هربتهٔ آن بحد اوسط درزمین ۲ کیلوگرام (یك چارك) و در گرم خانه ۳ کیلوگرام (یکنیم چارك) حاصل میدهد .

طریقهٔ بار بندي و فروش :

طریقهٔ بار بندی وفروش بادنجان رومی دربازار ، درهرمملکت علیحده و مختلف است .

تبصره :

اگر تخم بادنجان رومی بعوض کاشته شدن در گرم خانه در ماه حمل بخود زمین بکارند هم نتیجهٔ مطلوب بدست میآید وبادنجان ها در اوائل ماه اسد پخته میشود .

طریقه زراعت توت زمینی یا اشتابری

دراول‌بهار که نهالی اشتابری درجویه های‌کوچك نشانده شد بته های‌آن‌تا تیرماه بزرگك میشود ودرزمین نمو می یابد در زمستان باید آنها را بطریق باغبانی زیر خاك کرد تا از سرما خشك نگردند . چون بهار شد دراوائل ماهٔ جون (مطابق ماهٔ جوزا) وقتیکه از بیخ‌های پارساله شاخه ها برآمد شاخه های دراز را درحد وسط آن همراهٔ یك چنگك چوبی یا سیمی بشکل(∩) بخاك وصل میکنند وهمان جای را که بزمین وصل شده قدری زیر خاك مینمایند ، درظرف یکماه ازهمان نقطهٔ که زیر خاك شده ریشه پیدا میشود و بزمین فرورفته نشو ونما می‌یابد . آنگاه ساقه های مذکور را که ریشهٔ علیحده پیدا کرده از بتهٔ اصلی جدا میکنند بقسمی که آن ساقه ها بته های علیحده میشوند درین حال چندی صبر باید کرد تابته های تازه نشو ونما یابدوریشه بدواند .

آنوقت یعنی در اخیر برج سنبله یا اوائل میزان این بته هـای تازه را از زمین مزبور کشیده در جـویه های علیحده که زمین آن نرم وپارو داده باشد می‌نشانند وآبیاری میکنند وچندی‌باصراقبت تمام آنها را تربیه کرده گیاهای هرزه را ازگرد و نواح آن دور مینمایند،آب میدهند وبیخ آنها را نرم‌میکنند تاقوت ونمویابد، این بته ها بسال آینده ثمر میدهند .

سال آینده وقتیکه بته ها سبز شد ، گـل کرد ، ثمر معلوم گشت باز بقسم سال گذشته سـاقه هـای

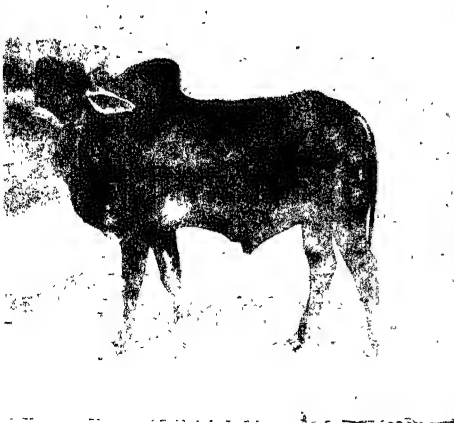
از دائرهٔ تربیهٔ حیوانات



یك جوره گاوان نر و ماده از نسل (اوان کاری)

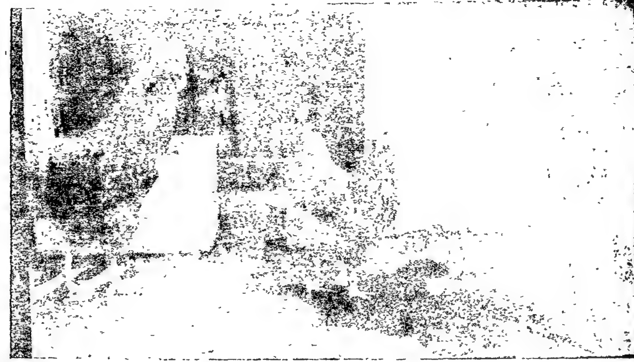


گاو و گوسالهٔ شیری از نسل (منگمری) که در خود کابل تربیه شده و فی روز (۳۲ پوند) شیر میدهد



یك فرد گاو برای نسل گرفتن قلبه‌از نوع .

از دائرهٔ تربیهٔ حیوانات



یك جوره مرغ (بف آپتن) از انگلستان



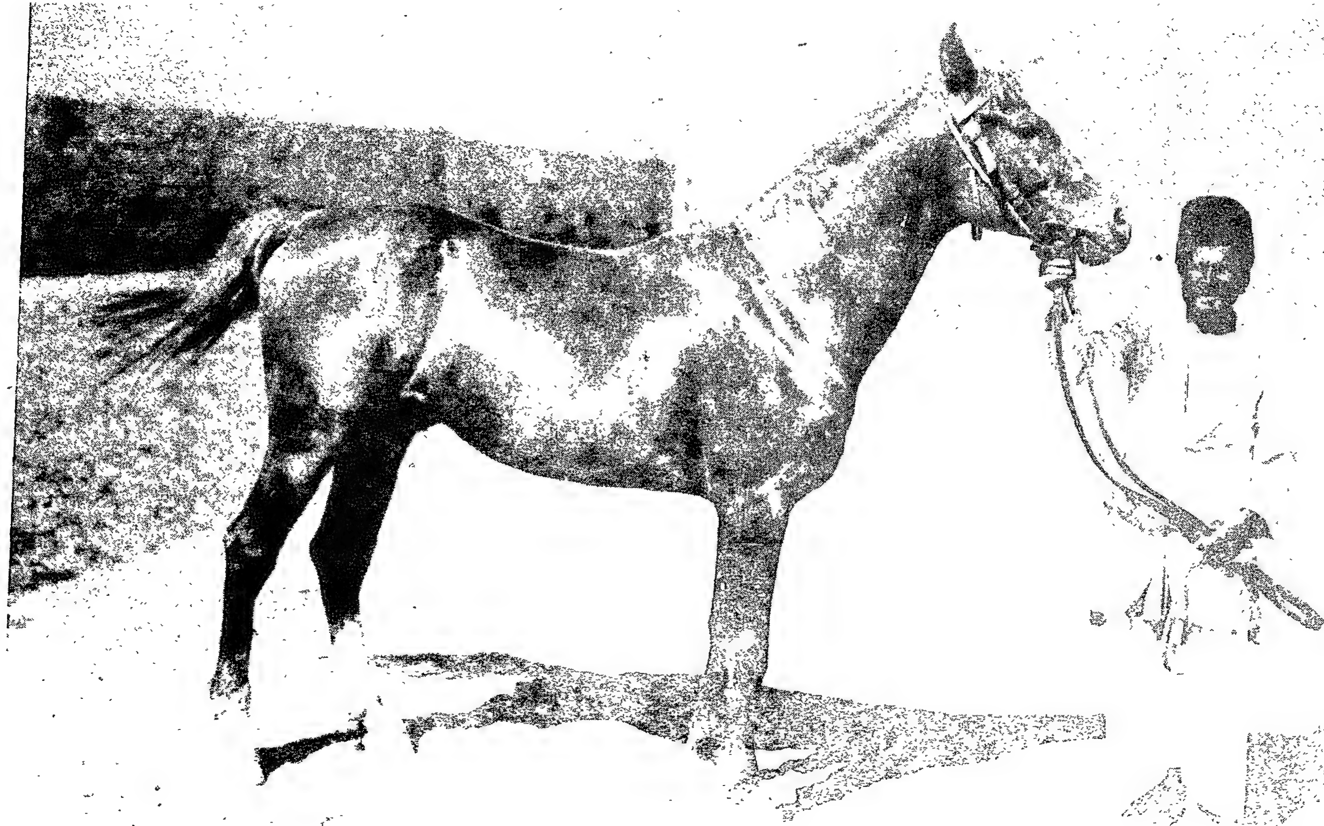
سه قطعه مرغ های (لیت سسکس) از انگلستان



یك جوره مرغان (بلوپونش) از پولند



ازگاو های تربیه شده دردائرهٔ تربیهٔ حیوانات که باثر مساعی رئیس محترم دائرهٔ مذکور حیوانات مغلی این دائره صحیحاً تربیه شده میرود



از اسب های تربیه شدهٔ دایرهٔ تربیهٔ حیوانات (علی آباد)

دراز را زیر خاك میکنند ، چون ریشه پیدا کرد علیحده کرده دردیگر جای نشانند ، برای اینکه بتهٔ اصلی از ثمر نماند وضعیف نشود ازهربته سه ساقه را جدا میکنند وباقی ساقه ها را که از ۴۰ سانتیمتر (تقریباً یك فت چیزی اضافه تر) دراز باشند قطع مینمایند تا بته قوت پیداکند ومیوهٔ ها کوچك نشوند .

وقتیکه میوه شروع کرد به پخته شدن زیر هر بته یکمقدار کاه سفید هموار میکنند تامیوه ها خاك آلوده وازتماس بازمین خراب نشوند .

میوه ها وقتی میرسند که رنگ شان قرمزی گردد انگاه یك ظرف پاك را که روی ،آن برگهای سبز یا کدام پارچهٔ نرم گذاشته شده باشد گرفته میوه ها را ازبن ساقه همراه یك قیچی خوردبریده میان ظرف مذکور بالای علف یاپارچهٔ نرم میگذارند تا ازضربت دست یا فشار ظرف فشرده وخراب نشوند .

یك بته که باینقسم تربیه شده باشد ٤ سال عمر دارد وخوب حاصل میدهد ولی بهتر است درهرسال بته های پیر از بیخ کنده وعوض آن بته های نو بطریق فوق شانده شود . درصورت مراعات تمام نکات مراقبت باغبانی که درفوق ذکر یافت میوهٔ توت زمینی به بزرگی یك چار مغز خواهد شد .

دوشیدن گاوان شیری

مراعات نظافت هنگام دوشیدن

عمل دوشیدن چطور صورت باید بگیرد : ـ

دوشیدن گاوان شیری یکی از مهمترین عملیات است که طریقهٔ تعمیل آن اثربزرگیراجع به مقدار وصفت شیر و ادامهٔ آن « مدت شیر دادن گاو » تولید میکند . شیرمایعی است که بسرعت تمام فاسد می شود و دران میکروب بکمال سرعت تکثیر می یابد ازین رو ضروری است در تمام عملیات اخذ شیر اصولات طهارت و نظافت بصورت دقیقانه مرعی شود . شیر که از یك پستان صاف خارج می شود هیچ میکروب ندارد . فقط بمجردیکه در ظرف جمع میشود مرحلهٔ ابتدائی فساد آن شروع میگردد . همین که این مرحله شروع شد هر چه حرارت آن زیاد باشد نطفهٔ مکروب هم کثرت میکند . برای اینکه شیر مقداراً زیاد و مادتاً خوب باشد و علاوتاً فصل شیر دادن گاو زیاد دوام کند بایست تا صورت ممکن قوانین ذیل را مراعات کرد :

۱ : قبل از دوشیدن :

الف : نظافت گاو خانه : ـ قبلی از عملیات شیر دوشی باید هوای گاوخانه تجدید شود و حتی المقدور کوشش باید کرد تا در موقع دوشیدن فضای اصطبل غبار و بوی بد نداشته باشد (دربن فرصت از جاروب کردن و شور دادن کاه و تقسیم علف خشك اجتناب باید نمود .)

« درمملکت سویدن موسیو بارتل مدیر لابراتوار لبنیات در موقع تقسیم علف خشك دریك سانتیمتر مکعب هوا ۷۶۰,۰۰۰ میکروب و در یك سانتیمترمکعب شیر ۶۶,۰۰۰ میکروب یافته است . »

دوشیدن در خارج اصطبل در چراگاه و چمن زار ها غالباً مرجح تر است .

ب : نظافت گاو : باید از نظافت گاوان شیر غفلت نشود ، آنها را همیشه باید شست و برس کرد ، و روز یك مرتبه پستانهای آنها را تمیز نمود ؛ مخصوصاً قبل از دوشیدن لازمی است پستانهای گاو با پارچه شسته و پاك کرده شود .

چنانچه این تجربه بعمل آمده و نشان میدهد : گاویرا که پستانهایش را قبل از دو شیدن تمیز نکرده اند شیرش در سانتیمتر مکعب ۲,۷۰۰ میکروب داشته و چون پستانهایش را تمیز کرده دوشیده اند از ۳۳۰ میکروب فی سانتیمتر مکعب متجاوز نیافته اند .

ج : نظافت اشخاص : شخصیکه گاو را میدوشد باید لباس مخصوص ویا اقلاً پیش دامنی پاکی داشته باشد، شیر دوش باید از امراض مسریه نیز مصئون باشد .

د : ـ نظافت ظرف : ظروفیکه برای شیر دوشی وامثال آن بکار میرود حتماً بعد از هر دوشیدن بانهایت مواظبت مطابق اصولیکه بعداً ذکر میکنیم پاك وتمیز شود ، برای شیردوشی ظروفیکه منفذ آن تنگ باشد مرجح تر است .

۲: اصول دوشیدن :

باید عمل دوشیدن باکمال سرعت قطراً بقسمیکه تمام پستان در دست گرفته شود چون منفذ نل اندرونی پستان امکان کثافت دارد ، باید جریان اول و دوم در شیر یکجا نشود چنانچه تجربه نشان داده که جریان اول و دوم ۲,۶۰۰ میکروب داشته و بعد ها از ۴۰۰ زیاده نیافته اند .

دوشیدن تا قطرهٔ آخر سبب از دیاد مواد روغنی است .

دوشیدن گاو چون شروع شود نباید آنرا منقطع ساخت چراگاوان‌شیر را نگه میدارند عمل دوشیدن اگربه ساعات معینه و توسط یکشخص معین صورت بگیرد بهتر است . در موقع دوشیدن باید بکمال آرامی باگاو پیش بیایند و تا حد ممکن نباید او را آزار دهند .

بعد از ختم دوشیدن باید پستانهای گاو را بقسمیکه گوساله می‌مکد یعنی از پائین به‌بالا مالش داده شود. در اثر این عملیات میشود یکدفعهٔ دیگر هم گاو را دوشید و در این دفعهٔ ثانی شیر مخصوصاً ذرات قیماق میداشته باشد .

نباید شیر گاوان معمولی را با شیر گاوی که تازه زائیده باشد مخلوط کرد و ۸ روز صبر باید کرد همچنین نباید شیر چند روزه ، شیرگاوان مریض ، شیر فاسد ، شیریکه رنگ آن متغیر باشد با شیر سائر گاوان مخلوط نمود .

۳ : بعد از عملیات دوشیدن :

الف مواظبت شیر : بمناسبت اینکه بوی بد و غیره در شیر تاثیر نکند بصورت فوری باید از اصطبل خارج کرده شود ، زیرا شیر برای جذب‌تعفن خیلی حساس است .

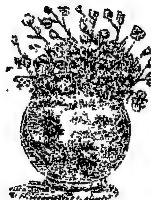
چون باوجود تمام احتیاط های مرعی‌الاجرا بازهم همیشه کثافت از قبیل (تارموی ، گرد وغبار ، پرکاه وعلف ، مگس وغیره) درشیر می افتد باید آنرا توسط پارچهٔ ململ و یاقیفیکه شبکهٔ فلزی داشته باشد صافی نمود .

بعد ازصاف‌کردن فوراً باید شیر سرد کرده شود تامواددی (مایه) که به‌عملیات صاف نمیشود عبور آنرا مانع شده‌کسب تزاید نکنند. بدین ملاحظه میباید شیر را در یك اطاق سرد وتمیز برده تا درصورت ممکن‌ظرف شیررا درآب سرد فروبرند . روی ظرف را باپارچهٔ پاکی پوشانیده بعد از مرور یك ساعت بایدآنرا با قاشق شور داد تاتمام آن سرد شود وبدین سان ظروف شیر را تاوقت استعمال سرد نگاه باید کرد .

ب : مواظبت درنظافت ظروف : همینکه از مواظبت حفاظت شیر فارغ شدید بایدتمام ظروفیکه برای دوشیدن بکار برده اید تمیز نمائید وبقسمیکه اول با آب سرد وبعد ازان با آب جوش وباز دفعهٔ ثالث باآب‌سرد شسته آنهارا درآفتاب بگذارید تاخشك شوند . تجربه ثابت کرده است که چون شیر تازه را درظرفیکه فقط با آب سرد شسته شده بود گذاشته اند درهر سانتی متر مکعب آن ۴۲۰۰ نطفهٔ میکروب یافته اند وچون ظرف را با آب گرم شسته و بعد شیر را دران گذاشته اند، از ۱۵۰ نطفهٔ میکروب زیاد وجود نداشته .

کثرت دوشیدن :

در بدوفصل شیردادن گاو اگر عمل دوشیدن را سه مرتبه‌در روز تعیین کنند بهتر است چرا که کثرت دوشیدن پستانهای حیوان را قوی می سازد و درنتیجه شیر مقدار زیاد بدست می آید بعضی گاوهاشیرشان‌را محافظه میکنند ، این حادثه ایست که دراثر عصبانیت حیوان تولید میشود ، درین صورت باید از درملایت پیش آمده خوراك اورا بهتر کرد و گوساله اورا نزدیکش آورد .



تغذیهٔ طیور اهلی

اگر به تغذیهٔ ماکیان ها نظر افگنیم ظاهراً معلوم می شود که سبزیجات ازباعث زیادتی آب برای ماکیان ها مضر بوده جاغور آنها را از اندازه زیاد پر ودر هاضمهٔ شان خللی وارد میکند ، اماعملاً برعکس ثابت شده زیرا اگر برای سی ماکیان دو یا سه کلم برگدار بیندازیم باشتهای زیاد آنرا بلع نموده و در ظرف یک ساعت اثری ازان در جاغور شان باقی نمیاند . چه عللی است که این حیوانات به سبزی جات بیش ترمتمایل هستند؟

در بدو امر گمان خواهیم کرد که از خوردن آن احساس لذت میکنند ! در حالیکه علت حقیقی غیر ازین بوده ، قوهٔ فطری شان آنها رابخوردن سبزیجات وادار ساخته باین عمل ترغیب میدهد .

اگر ما بخواهیم که ماکیان ها دارای صحت خوب وخون تازه باشند اول تر لازم است که مواد جگری (که بسا اوقات از عدم سبزیجات برای ماکیان عارض می‌شود) قطع گردد چنانچه لزوماً در ترکیب تغذیهٔ شان بایستی قدری برگ سبز داخل نمائیم . صحت این اصول از تجربه هائی که در لابوراتور های زراعتی (تجزیه خانه ها) مملکت دنمارك نموده شده بطور وضوح باثبات رسیده است .

در نتیجهٔ تجارب متعددی در موضوع دخول مواد نباتی سبز در ترکیب تغذیهٔ ماکیان ها باختلاف سنین‌عمر طیور معلوم گردیده که در حاصلات تخم ، و در وزن خود مرغ ها افزونی پیدا شده ـ و صحت آنها نیز رویهمرفته خوبتر و بهتر گردیده ، چنانچه :

١٣ ماکیان دو ساله باختلاط سبزی درخوراك شان درظرف یکسال ١١٦٦ تخم حاصل داده اند .

١٣ ماکیان دو ساله بدون سبزی در خوراك شان در ظرف یکسال ١٥٦٨ تخم حاصل داده اند .

٣٦ ماکیان جوان باسبزی در ظرف یازده ماه ٦٥٤٧ تخم حاصل داده اند .

٣٦ ماکیان جوان بدون سبزی در ظرف یازده ماه ٤٩٢٠ تخم حاصل داده اند .

در تمام دورهٔ سال لازم است که مرغانچهٔ طیور در جائی بنا شودکه با سبزی‌جات محاط باشد خصوصاً کاهو که بسیار مفید ثابت شده و دارای ویتامین Vitamines های خوبی بوده ودر حاصل تخم می افزاید .

برگ کلم هم اگر داده شود مفید است .

یك گیاهی که در مملکت ما (افغانستان) موسوم به سوزنک است خیلی مفید ثابت شده زیرا خوردن آن مرغ ها را مشتهی ساخته وزیاده تر تخم می دهند و نموی چوچهٔ مرغ ها سریع تر می شود .

رشقه و شبدر نیز مفید است که برحسب درجات اهمیت داده شود .

باغهای سر میز

اگرچه این امر بدواً ناممکن معلوم می شود ، اما باوجود آن میتوان بعضی درختان میوه‌داررا در خانه ها تربیه کرد که در شکل وهم چنین در نشوونما بدرختهای باغات مقابله کند ؛ بالای یك میز میتوان در گلدانی درخت را تربیه نمود که در تمام صفات خود با درخت باغی‌همسری کند مگرقامتش پست‌تر خواهد بود (مثل درخت سیب، ناك ، شفتالو وغیره).

برای اینکه بدانیم نشو ونمای این چنین درخت ها درخانه چگونه ممکن است باید چیزی معلومات ازین‌گونه درختهای کوتاه را توضیح کرد .

یکی از دلچسپ ترین نظاره های درخت های کوتاه قد منظرهٔ نباتی جاپانی ها است‌که هرکس میداند ، این درخت ها قریب دکانها برای نظاره نهاده می شود تاجلب توجه هر شخص واقع شود بعضی خانه ها نیز هست که یك اطاق آن دارای این درختها میباشد .

هم چنین درنقشه های نباتی‌جاپانی ها میتوان‌جهیل ها ، سرك ها،میدان ها و باغ ها مشاهده‌نمود. پس‌این یك امر قابل تعجب نیست که جاپانی هابرای تربیه‌دادن درختان میوه دار سرمیز تجارب بسیاری کرده اند، بلکه اصول‌نشو و نمای این درخت ها را که تابه بلندی های کافی میرسد نسل های گذشته گذاشته اند و بعضی از درختان آن زمانه تااندازهٔ (۲۰۰) سال معمر میباشد .

اصول تربیه و نشو و نمای جدید آن بالکل مخالف طبعیت است قریباً (۱۵) سال گذشته است‌که یك باغبان جاپانی در جنوب فرانسه رفته ومالك املاك گردیده است،پنج سال بعد ازآن این جاپانی به تمام باغهای اروپا معروف گردید ، مدتی باغبان مذکور به این وسیله یعنی (تربیهٔ درختان پست قد) معاش کافی حاصل میکرد حتی رفته رفته متمول گردید و یك حصهٔ ازثروت خود را برای‌مشاهدات این تجربیات خود وقف‌نمود ، آخراً باغبان مذکور این راز را مخصوص خود نساخته به تمام باغبانان دیگر آموخت ، در مدت ده سال این رازجاپانی به تمام باغبان‌ها منکشف گردید . یك باغبان فرانسوی طریق دیگری برای تربیهٔ این درختان کشف نمود که باعث تعجب استادان این فن (چینی ها و جاپانی ها) گردیده است جاپانی ها تربیهٔ این درخت ها را به اصطلاح مخصوص خود (تسکری، نو) میگویند ابتداءمحدود بدرخت های صنوبر بوده وبرای درخت های میوه دار هیچ کوششی کرده نمی شد .

ممکن‌است بعضی درخت های صنوبررا دریك گلدان منبت کاری دیده باشید که تمام نظاره های جاپانی‌مثل فیوجی هامه ، پل ها (پگودا ها) (برج مشهور) جاپانی ها را نشان میدهد ، یقین دارم که اگر این چنین درخت هارا دیده باشید متعجب شده خواهید گفت که چطور این درخت ها را منبت می‌کنند ، آیا ریشه‌اش را می برند یاشاخش را بواسطهٔ کدام دوای کیمیاوی غرس می‌کنند .

اگر به جنگل برویم خواهیم دید که بعضی درخت ها قوی‌البنیه هستند و بعضی دیگر که آن ها نیز از خاندان این درخت های قوی‌البنیه میباشند ؛ باوجود آن پست قد و کم زور وبی تربیه به نظر می آیند .

چون که در بعضی سنگ لاخ ها ونشیب کوه ها رطوبت و اغذیهٔ نباتی را کمتر تهیه می کنند لذا بوته ها ودرخت ها نمی توانند که مثل میدان ها وجاهائیکه زمین مستعد دارند نشو ونما کنند .

درمیدانها ودامنهٔ کوها چونکه روشنی آفتاب وخاك به آسانی مهیا میشود لذا درخت های شان قوی‌البنیه بوده نشو و نمای خوب میکنند ، اگر روشنی آفتاب کافی و خاك نیز مستعد و مناسب باشد درختهای صنوبر قوی البنیه بوجود می آیند .

الحال چونکه مسئله حصول کود (۱) از کره هوائی ظاهر گردیده لذا میتوان گفت که چرا یك درخت یا قامت‌بلند نشو ونما می کند،حالانکه درخت دیگر قدش پست ونشو و نمای آن نیز کمتر است این یك مسئلهٔ عادی است که می‌توان درخت ها را درخانهٔ خود رویانید ، اما برای این مطلب صبر باید کرد .

طریقهٔ غرس کردن درخت های پست قد این است :

ابتدا شاخ های درخت باریشه هایش متواتر بریده بهم دیگر بسته می شود که از نقص رساندن رطوبت محظوظ ماند ، این طریقه عموماً مخصوص درخت صنوبر میباشد که برای تربیت آن اجرا می شود اگر بخواهیم که درخت در گلدان نشو ونما کند طریقهٔ مخصوص دیگری دارد که شرح طویل میخواهد . درخت های میوه دار میوه نمی کنند تازمانی که نهال شان غرس نشود لذا برای بوجود آوردن این قبیل اشجار که بوتهٔ آنرا درگلدانی غرس می کنند باید نهال مکمل باشد .

بطور مثال میخواهید که یك درخت شفتالورا در گلدان غرس نمائید می توانید که درخت های خورد آن را از باغبانی بدست آورده یابوته هائی بخرید که شفتالوهای پخته را بار آورده باشد اگر بخواهید که بوته‌های آنرا بخرید شما را لازم است که‌ببینید آیا این بوته ریشه های خوب دارد یانه و هرگاه بخواهید خستهٔ آنرا غرس کنید می توانید ولی درصورتیکه نهال آن دو ساله یا کمتر ازان باشد .

اگر بخواهید که درخت شفتالو از خستهٔ آن بعمل آید پس آنرا در تحت کدام آبشار بیندازید بعد ازان در اوائل بهار مشاهده خواهید کرد که خسته های مذکور سبز شده وبوته بقدریك فوت بلند از آنها بوجود می آید بعد آنها را بزمین غرس کنید والی بهار سال آینده پرورش داده معطل کنید بعد در بهار آتیه این بوته ها قطع وپیوند کرده می‌شود ، وطریق قطع وپیوند کردن اینگونه نهال های بزدقی شفتالو این است که اگر از بدو سن آنها الی موقع قطع‌کردن ۲ سال‌منقضی شده باشد بقدرهشت سانتی‌متر بالای خاك‌بریده میشود شاخچه را کمی تراشیده‌بالای آن شاخچهٔ دیگر که از درخت قوی گرفته شده باشد بسته کرده شود ، لاکن آنها ئیکه لایق پیوند نباشند باید که بدون معلومات صحیح از آنها کار گرفته نشود .

در موسم تابستان شاخ مذکور غنچه خواهد کشید و بقدر سه یا چهار فت نمو خواهد کرد ، سال سوم این شاخچه و نهال مذکور در یك گلدان شانده می شود که دران نمو میکند .

طریقه های عملی بعد از این بکار انداخته میشود ، اولاً بذریعهٔ قطع کردن ریشهٔ وسطی نهال و این

(۱) اصول تغذیه ازنائیتر وجن که بعضی اشجار ونباتات‌کم‌تر وبعضی زیادتر ازان تغذیه می‌نماید .

طریقه‌را اختناق میگویند ، تار ها یا سیم ها قریب قاعدهٔ درخت بسته کرده میشوند و این عمل درخت را از نمو می اندازد که در نتیجه پست قد میشود ، درین موقع بعضی شاخچه ها بریده میشوند تا که عمل تبخیر را مانع شود ، هرگاه خاك انداخته شود لازم است که مقدار کافی باشد یعنی درخت را بی حس نکرده مانع نموی فوری آن گردد . ـ اگرچندسنگ های کوچك را دربین‌خاك بیندازیم ، می بینیم که ریشه چندان نمو نمیکند .

سال چهارم و پنجم و ششم در موسم اول بهار یا تابستان نیز همین عمل جاری کرده می شود حتی که محقق‌شود که نهال مذکور زیاده تر از این نمو نمی کند ، و درتنهٔ خود ضخیم شده میرود و این زمان معرفت رشدش می باشد و درین موقع درخت مذکور میوه میکند .

خاصیت نهال شانی نهال های پست قد را بواسطهٔ عمل انتشار نباتات نیز میتوان معمولداشت ، پوست یك شاخه چند بار شگافته میشود وقریباً در حدود ۱۰ سانتی‌متر آن خاك بسته کرده می شود .

دور این خاك جامنك بقه Moss نهاده میشود ، پس ازان بواسطهٔ تار بسته میشود لاکن تا موقعی که ریشه نبراید خاك آن مرطوب نگه کرده شود . و بعد ازین از قاعده اش بریده در گلدان غرس کرده میشود . هرگاه بخواهیم تعداد زیاد ازین نهال را بدست بیاریم باید که پیوند های کثیر درخت میوه دار بدست داشته باشیم ، نتائجی که ازین درخت های پست قامت بدست میآیند نسبت باقتضای وقت‌پیشتر میباشند زیرا که دران صبر و انتظار و احتیاط لازمه بکار انداخته شده است . ثانیاً میوه هائی که ازان درخت های خانگی حاصل میشود حس میکند که چیز غریب و قابل تعجب بوجود آمده است .

دشمنان قشنگ باغبان

غالباً آنهائیکه دهقان یا باغبان نیستند ، پروانه های قشنگ خوشرنگ راکه از گلی برگلی می پرند و در روشنیٔ آفتاب هزار ها پرافشانی و ناز میکنند ؛ جانوران نهایت بی آزار می پندارند ، شبههٔ نیست که علی‌العموم از جملهٔ مخلوقاتی بحساب میروند که بجز تعقیب یك حیات نمایشی‌کاهلانه کاری ندارند ، ولی در حقیقت دو نسل این پروانه های کوچك بالدار (سفید کلان و سفید خورد) برای زارعین آفت آسمانی شمرده میشوند، گمان نکنند که خود این پروانه ها در حالیکه بالهای زر افشان را بدوش خود میکشند ، مضر ثابت میشوند ، بلکه خصومت خود را در روز های اولین حیات مختصر و پر از تلون خود که به شکل کرم های سبزرنگ اثبات وجود می نمایند اجرا میدارند . درینحالت به کال طماعی ببلعیدن حصص داخلی برگ های کلم گرائیده حتی برگ های بزرگ خارجی را نیز شبکه دار می سازند ، نقصاناتی که رسانیده میتوانند بسیار زیاد و مهم است زیرا درین شکل حیات دارای علامه های سخت شاخی بوده هر چیزی را مثل مقراض بریده می توانند ، وقتیکه سی روز بلعیدن و فرو بردن شان بآخر میرسد و از آن مرحلهٔ خارق‌العاده که ایشان را از حالت کرمی به پروانهٔ‌گی تحویل میدهد میگذرند ، از شرارت و فساد عاری گشته جای علامه های سخت شاخی را یك خرطومك نهایت کوچك نفیس فرا میگیرد ، ولی اگرا خوب دقیق شویم درینحالت نیز برنگی‌شریر هستند زیرا حصهٔ مؤنث این اجسام لطیف باقی ماندهٔ ایام خود را بنهادن تخم و تأمین دوام نسل خود برای

بزبادی و تبـاهی کلم ، زردك ، ترب و غـیره مصروف میدارند ، هر یك از پروانه هـای ماده باندازهٔ صد تخم می نهد .

اشخاصیکه ازین مضرت ها و تخریب ها متضرر نمیشوند ، مضامین دلچسپی در ایضاح و تشریح حیات این نفائس قدرت می یابند مثلاً علاوه بر اختلاف در بین دو جنس مؤنث و مذکر دو تفریق جداگانهٔ واضحهٔ رنگ آمیزی و تلون را ابراز میدهند ، باید تذکار نمود که ماده زیاده تر موجب دقت و دارای خالها و رنگ آمیزی های زیادیست ولی چون هر دو جنس با همدیگر شباهت تامی بهم میرسانند ، کافی خواهد بود مشخص تر این دو اقسام در زیر ایضاح و تشریح گرفته شود ،اینقسم مراد از سفید خورد خواهد بود .

در بهار تمام پروانه های سفید که بعد ازشکافتن پوش عجیب خود ظهور میکنند دو خال سیاه بر بالهای پیشین و یك خال بر کنارهٔ فوقانی بالهای پسین خود داشته میباشند و علاوه برین دولکهٔ سیاه دیگر بر دو زاویهٔ بالهای پیشین آن دیده میشودکه لکهٔ مذکور درپروانهٔ بزرگ درین موسم تیره‌ترمیباشد این‌پروانه ها که در بهار می برآیند نسل تابستان را که مادهٔ آنها لکهٔ سیاه خورد بر نوکهای بال پیشین خود داشته و خالهای آن بزرگ تر میباشد بوجود می‌آورند ، در جنس مادهٔ سفید بزرگ این نسل، لکهٔ سیاه سر بالها بسیار بزرگ است .

باین اختلافی که در بین اجناس بهاری و تابستانی موجود است چه‌توجیه داده شود در حالیکه تمام اقسام دیگر پروانه ها که در یکسال دو نسل بار میآورند اینچنین اختلاف را در رنگ ظاهر نمیسازند علاوه بران کرم های شان نیز هیچیك تباین موسمی نشان نمیدهد و کلید انکشاف این رمز پر از حیرت و استغراب در تاریخ حیات و اعاشهٔ اجناس پروانهای کوچك براعظم یورپ موسوم به اراشنیالیوانا Arachnia Levana باتخاذ باخام رنگ آمیز Painted Lady و پروانگان کاسهٔ سنگپشت Tortoiseshell Butterfly یافت میشود . پروانه هائی که در بهاری برایند محصول تخم هائی هستند که در تیر ماه گذاشته شده میباشد اینها کرمی را بعمل می آورند که مرتبهٔ پیوپال Pupal (حالیترا گویند که پروانها بعد از حالت کرمی Larvae و پیشتر از حالت پروانه گی برداشت میکنند) را پیشتر از آمدن زمستان تکمیل کرده و شتارا بحالت انجماد بسر رسانیده میباشد یا اینکه کرم های تا وقت‌که بمجرد از تخم بر آمدن انجید کرده میباشند ، در هر دو صورت پروانه‌هائیکه به ثمر میرسند سرخ و دارای داغهای سیاه میباشند .

تخم این محصولات ، نسل ثانوی سال را تشکیل میدهد و پروانه هائی را به ثمر میرساند که بکلی ازنسل بهاری یعنی لیوانا Levana متفاوت میباشند ، ماهرین قدیم علم حشرات (لیوانا) را از اجناس آ . پروسا A. Prossa میدانستند زیرا رنگ آمیزی آن تقریباً سیـاه و دارای رده های سفید میباشد یك سلسلهٔ تجارب طولانی ظاهر ساخته که این دو نسل که هر کدام آن نسل جداگانه تصور میشد محض تغیر شکل موسمی نسل واحده آ . لیوانا A. Levana است که در حالت کرمی و یا پیوپائی تغیرات درجهٔ حرارت را برداشت کرده میباشد ، دوکتور پرونت بعداز سرد ساختن این جنس بدرجهٔ مناسب در مرتبهٔ لازمه ، میگوید که ممکن است از کرم (لیوانا) بعوض پروسا ، لیوانا بعمل آورد که تنها درمدارج حرارت

تابستان بعمل آورده شده میتواند ، باینصورت بواسطهٔ تسخین متناسبه پروانهٔ پروسا از کرم پروسا نیز حاصل میشود ، کرم پروسا اگر بحالت طبیعی گذاشته شود پروانهٔ (لیوانا) بوجود می آورد در حالیکه این قیافه محصول تخم خریفی پروساست .

چیزیکه راجع بجنس (لیوانا) حقیقت دارد راجع بیك تعداد اجناس دیگر که بعض از آنها در جزائر برطانیه است نیز حقیقت واثقه را داراست درینجا حرارت عامل بزرگ و مهم این نتائج محیرالعقول است ولی در ممالکیکه سال بمواسم تر و خشك بعوض گرم و سرد تفریق میشود باعث این تغیرات و تبدلات قشنگ رطوبت است و بعضی از پروانه های افریقای جنوبی از نسل پریسیس تغیرات موسمی خیلی زننده و مشخص است درینجا ظاهراً دو نسل جداگانه و بکلی از هم دیگر مختلف داریم که یکی آن پریسیس موسمی P. Sesanus و دیگران پریسیس طبعی P. Natalemsis از طرف ماهرین علم حشرارت موسوم شده اند، ولی سرگی مارشال Sir Guy Marshale یکی از بزرگ ترین مدققین موجودهٔ پروانه ها و عالم علم حشرات الارض ظاهر داشته است که این دو جنس اشکال موسمی جنس یگانه است کشف این حقیقت را دوکتور مذکور بواسطهٔ تجارب نسل گیری نموده و از کرم (پریسیس نا تالینسس P. Natalensis سرخ موسم تر ، پروانهٔ سیاه و آبی موسم خشك را بعمل آورده ، این دو پروانه تا باندازهٔ که خیال شود از هم دیگر متباین و متفاوت است ، در شکل، قیافه ، رنگ ، اندازه، وتلون سطوح فوقانی وتحتانی بالهاء بلکه در عادات و اطوار این تباین و تفاوت علانیه محسوس میشود .

در نسل پ ، ناتالینسس بالها دارای سرخی مس وداغهای سیاه وسطح تحتانی وفوقانی آنها یك رنگ و همرنگ میباشد ، در جنس پ ، سیزامس سطح فوقانی بالها از رنگ تیرهٔ بلوبلیك (نیلگون) و حاشیه های آبی و سرخ بعمل می‌آید ، در حالیکه سطح تحتانی یك رنگ آمیزی تدریجی سیاه و سیاه‌خاکی را نشان داده لمات سیاهٔ سرخ رنگ ازان تراوش میکند ، در حالیکه این تلون محکوم اثرات فیزیکی ، از قبیل رطوبت و خشکی کرهٔ نسیمی است ، در همین زمان چاکر عوارض و اتفاقات حیاتی نیز میباشد که در هر یك از پروانهارنگ های حمایتی ایجاد میکند واین‌هم بااوضاع هر یك ازحشرات دراشکال دوگانهٔ حیات آن ارتباط نزدیکی را داراست زیرا سطح سیاه بالهای جنس(خشك) وظیفهٔ پنهان داشتن وکتمان اورا در مواضع مکتوم وپوشیده که همیشه بتلاش آن میباشد ، اجرا میدارد ، در حالیکه رنگ آمیزی زننده، ومشخصهٔ سطح تحتانی پروانهٔ موسم (مرطوب) که از سطح فوقانی زیاده‌تر خوش رنگ وقشنگ است باطبع فعال وحرکات زیادهٔ زنده و جهندهٔ این جنس که بتلاش فضا های باز هوای آزاد است ، علاقهٔ عمیقی دارد .

درحالیکه این سطح تحتانی مثل سطح فوقانی بالها اختلاف سرخی و سیاهی را در رنگ داراست ما این رنگ را اخطاریه می پنداریم زیرا حیوانات حشرات خور از هر قبیل که باشد از حشرات این رنگ کناره جوئی میکنند ، زیرا کم از کم ازروی تجربه آنهارا بدمزه یافته اند .

موسم خشك چنانچه پروفیسر پول تن نشان میدهد،(این شخص تمام عمر خودرا درتحقیق و تدقیق ارتباط درمیان رنگ آمیزی حیوانات وجد و جهد شان برای زندگی صرف نموده است) برای حیات پروانه ها شداید وموانع زیادی‌را نسبت بموسم‌تر دربردارد زیرا اگرچه درینموسم مخاصمین حشرات بالنسبه کمتر است ولی خود

حشرات نیز بالتناسب دراقلیت واقع میشود . درین موسم جماعات بزرگ حشرات خود را درزمین دفن کرده غائب میگردند وتکالیف ومشقت حیات بردوش آنهائیکه برسطح زمین می مانند باثقالت غیر قابل تحمل می شود ، علاوه بران پروانه های موسم خشك به نسبت موسم مرطوب زیاده‌تر راکدوساکن بوده علی‌العموم در یك حالت غنودگی وخمود بسر می‌برند در صورتیکه مانده شوند زیاده‌تر فعالیت وشطارت بخرچ داده وگرفتن شان به نسبت پروانه های‌موسم‌مرطوب دشوارتر است ازجانب دیگردرموسم مرطوب پروانه ها هر یك ازتاثیراشعهٔ خورشید بال‌می‌یابند و از دشمنانیکه باید حذرکنند آنهائی هستند که بابال ایشان را تعقیب میکنند ویادر وقفه های مختصر استراحت برآنها محرمانه چیره می شوند ازین‌سبب‌قیمت واهمیت رنگ آمیزی پروانگان موسم مرطوب در یك وقتیکه اغذیهٔ دیگر کمیاب و مجادله برای حیات شدیدتر است قابل توجهٔ مخصوص است .

تجارب درانواع و اجناس مختلفهٔ دو اشکال ممیزه یعنی جنس بهاری و تابستانی ویا نوع خشکی وبارانی را ظاهر داشته نشان میدهد که عوامل راسخه موسمی خود شان را در مواقع مختلفهٔ تاریخ حیات مؤثر میسازد دربعضی ها این اثر درحالت گرمی ودربرخی درمرتبهٔ (پیوپائی) واقع میگردد .

آنهائیکه زحمت را برخود رواداری کنند ، می توانند بظرف کمی وقت ، تجارب دلچسپی در بسیاری از پروانه های اهلی که اختلاف وتباین محیرالعقول درنسل های بهاری وتابستانی نشان میدهند ، حاصل نمایند این اشکال موسمی بنهایت درجه دلچسپ است زیرا اکثر این تباین و اختلاف نه‌تنها لمات مختلفهٔ تلون بلکه نمونه های جداگانهٔ رنگ آمیزیرا تشکیل میدهند که انسان را واله وشیدا می سازد .

عمر اشجار

در اکثر احصائیه‌های زراعتی راجع به عمر اشجار تشریحاتی داده شده، یکی از احصائیه هائی‌که جدیداً ترتیب شده حیات اشجار را که همه در یکسال بریده شده قرار ذیل تصریح میکند :

سرو تا ۷۰۰ سال عمر کرده می تواند .

کاج ٤۲٥ سال .

سپس درخت هو ازنوع سرو طویل العمر ثابت شده که ٤١٥ سال عمر دارد .

بلوت ۳۰۰ سال .

موریات ۲۷۰ سال .

شجرالنبع ٤۲٥ سال .

برگ لرزان ۲۱۰ سال .

درخت عان ۲۰۰ سال .

زبان گنجشك ۱۷۰ سال .

درخت آقطی ١٤٥ سال .

پشه خانه ۱۳۰ سال .

ویك تعداد زیاد درختان دیگر هم عمرشان از یکقرن (۱۰۰ سال) تجاوز میکند . بدینقرار ضرب المثل مشهوری که « عمرش مثل عمر درخت بلوط دراز است » باید ملغی شده سرو و کاج جانشین آن شود .

پښتو ته یوه کتنه

لیکونکی امین الله خان «زمرلای»

انسان طبعاً تولنې او اجتماع ته د خپل همجنس مجبور او محتاج دی ایعنی سبب د تشکیل د تولنې او اجتماع د بشر، علم د قدرت دانسان دی پر تنهائی حیات.

پیدا کول او تهیه د شخصي او فردي مصالح بیله کمك او لاس ورکول یو و بل ته امکان نلري، هر قوم او ملت چه اجتماع او تولنه ئې ډیره ده، تمدن او مدنیت ته نیږدې دے، وسائل د ما یحتاج د ژوندون ئې ډیر او آسانه دي او هر قوم چه یکوشه کښې پروت او د تولنې او اجتماع سره ئې علاقه نه لري او ده له تمدن څخه لرے او وسائل د ما یحتاج د ژوندون ئې محدود او په سختۍ لاسته ورځي، یعنې انسان تنها ژوندون نسي کولای، خواه مخواه باید داخل د تولنې او اجتماع سي. زیات پر دے، دلیل او بیان ودے فلسفي ته حاجت نلري.

وقتي چه انسان له اجتماع څخه چاره نلري او په داخل د اجتماع کښې ژوندون کوي، باید د هغه وقت او زمان او د هغه تولنې مدنیت قبول او حاصل کي، په دے وقت کښې اساس او تهداب د مدنیت تماماً پر علم دئ، هر قوم او ملت چه علم ډیر دی مدنیت ئې ډیر دی، هر قوم او ملت چه علم لري بختیار دی، کولای سی چه خپل حیات، ملیت، استقلال په ښه ډول سره تأمین کي با شرفه او مسعود ژوند ون وکي، په بهترین وسائلو د ما یحتاج د ژوند ون کامیابه سی، هغه قوم او ملت چه علم نلري نه باشرفه ژوند ون کولای سی او نه هغوی مرتبو ته د ترقی او تعالی د ژوندون چه په دی وقت کښې باید دی رسید لاسے سی او نه نوم د یوه مدني انسان گټلای سی.

څکه: چه دد ے زمانے او د ورے ژوندون له پخوانیو دورو د ژوندون څخه ډیر امتیاز او فرق لري، ما یحتاج ئې ډیر دی او انسان په دے ژوندون کښې د ډیرو شیانو ته احتیاج پیدا کوي چه پلاس راوستل او پوهیدل په هغو نهایت مشکل دی، او دا اشکال او سختی ماهیت او حقیقت د هغه شی دی، چه په کمك او مدد د علم سره سړی پر پوهیږی او لاسته ئې راولی.

یا په بل عبارت سره علم دی چه هغه تیاره او پنډه پرده چه په مابین د سترګو او فکر و د انسان او حقیقت او ماهیت د هر شي کښې حائل ده بیرته کوي ئې او انسان په حقیقت د هر شي رسیږی او پر حاصلولو ئې کامیابیږی.

علم دی چه په انسان کښې میل د لوړتیا او علویت، ترقي، ښه والی د اخلاق او معاشرت، محبت د پلټنے او اختراع جرئت د کار او د سعي او عمل چه اساس د مدنیت دی پیدا کوي، چس د اول والی او حاکمیت په ده کښې ترقي او نمو کوي، بیله

علما امکان نسته چه په اسباب او وسائل د ماحتاج د ژوندون دے څوك کامیابیږی ، یعنی ژوندون او علت د ژوندون وړنج ترلی دی په علم سره علم ضرورا او بیله علمه په ښه ډول سره ژوندون کول یا تمدن ته رسیدل امکان نلري .

نتیجه دا سوه چه علم ضروري دی او بې علمه چاره حصر ده پس صورت د حاصلولو د علم په آسان صورت او طریقه سره کمه ده ؟ د هر ملت یا قوم خپله ژبه ده چه د ایچ وتاب انسان ته لنډه وی او انسان خپل مقصد ته چه مدنیت یا تمدن یا په بل عبارت سره باشرفه ژوندون دی رسوی .

ځکه : دا ښکاره خبره ده چه هیڅ قوم یا ملت د بل په ژبه سره ندی عالم سوی او نه و مدارج د ترقی ته رسیدلی فرضاً که رسیدلی وی په زرو یا لکو کښ به یو وی چه هغه هم حکم د نیستی لري .

هر قوم او ملت علاوه پردی چه په ترك د خپلی ژبې مدنیت ته نسی رسیدلای او علم نسی حاصلولای . خپل مزایا او ملی شعائر هم بایلی بلکه نوم او نښان ئے له مځکی د مخه محوا و نابود کیږی ، او تر وحشیانو هم د دحال بدتروی ! ولی چه وحشی بیا هم په خپل حال سره یوه آزادی او خپل واکی لري ، دی نسی کولاے چه خپله آزادی او خپل واکی وساتی . او که څوك وغواړی چه د بل په ژبه علم زده کی یا مدنیت ته ورسیږی نو ده د پاره د دوه عمره لازم او باید دی چه په یوه کښ دی پردے ژبه زده کی او په بل کښ په هغه زده کړے ژبه سره علم زده کی یا هم هغه سی چه یو عامی سړی د خپلی ژبې په اصطلاحاتو او باریکیو باندے پوهیږی یو عالم د بل د ژبې تول مزایا او باریکی نسی زده کولای . او دا هم امکان نلري چه یو سړی دی د وه عمره پیدا کی لدے جهته هیڅ څوك نسی کامیابیدی او نه څوك خپل مقصد ته رسیدلای دی .

یا په بل عبارت سره که یو سړی وغواړی چه د بل په ژبه مدنی سی یا علم زده کی ده ته شل کاله پکاردی ، چه په لس کاله ژبه زده کی او په لسو نورو کښ علم زده کی او مدنیت ته ورسیږی . بالعکس که څوك وغواړی چه په خپله ژبه علم زده کی لس کاله ورته پکار دی ، ځکه : چه د ژبې و تحصیل ته حاجت نلري ، هغه لس کاله چه ده کتلی په ښه ډول سره خپلی جامعی او خپل ملت ته غوره خدمتونه او کارونه کوی او خپله جامعه او تولنه مسعود او د بل د احتیاجه باسی یعنی لس کاله پخواه خپل احتیاجات پوره کولای سی .

یا که څوك خپلی ژبے ته ترقی ورکی علوم په خپله ژبه ترویج او تعمیم کی ، قوم او ملت د ده هم هغه علم چه په خپله ژبه ئے وی په ښه ډول سره استقبال کوی . منفعت ورځنه حاصلولی او په تعمیم ئے کوشش کوی ، علاوه پردے یو روحی او معنوی حظ او مزه ځنی آخلی ، او که علم د بل په ژبه وی بیله هغه سړی چه په ډیر مرارت او سختی او لوی استقامت سره ئے زده کړے بل څوك منفعت او ګټه نسی ځنی آخستلاے . او هغه علم عمومیت نسی پیدا کولای منحصر په فرد وی ، تولنه او ملت هغه سی په جهالت کښ پاتیږی .

عالم چه څپله ژبه یعنې د ملت او د قوم په ژبه عالم وی، خبره او رهنمائی دده په خپل ملت تاثیر کوی. ملت او قوم محبت، اخلاص، صمیمیت ده ته په زړه کښې نسی او دی محترم او معزز کنی.

لنډه دا چه اساس د ترقی، علم، محبت، اتفاق، ثروت، مدنیت د خپلې ژبې ترقی او ساتنه ده بیله خپلې ژبې هیڅ کار نکیږی او هیڅ قوم ترقی نسی کولای او نه په منځ د افراد د هغه ملت اتفاق او محبت پیدا کیږی.

د مترقی اقوامو د ترقی یو لوی سبب ئے دا دی چه خپلې ژبې ته ئے ترقی ورکړه او علوم ئے په خپله ژبه کړل او علمی او فنی اصطلاحات ئے په خپله ژبه جمع کړل او هم روځ په روځ په وسعت او پراخوالی کښې ئے کوشش کوی، نو پدې حساب سره اول ضرورت د هر قوم د خپلې ژبې پراخوالی او ترقی ده.

پښتون هم چه دده د تورے خرپ په هر ځاے کښې بروت او دده د مدنیت ترسورے لاندے ډیر اقوام آسوده وه او دده شجاعت ضرب المثل او ترحمایت لاندے ئے ډیر ملتونه او طائفے اوسیدلی او ډیر و پیشرو او راهبروه په دا ضرورت و پوهیده چه له پاره دا عادی او بیرته راوستلو د خپل عظمت، خپلې شیرینی او خوږے ژبې ته «پښتو» ترقی ورکی او یوه علمی او مدنی ژبه ئے وګرزوی او شلیدلی شیرازه د نفاق په توحید سره دده ملی ژبې دوباره ترتیب او وتړی.

وړاندې ترصورت دا حیا او توجه و پښتو ته کلې وړاند حالت دده ژبې بیان سی بیځایه نده.

دا معلومه ده او اکثرو تاریخونه او آثار او ډیر علماء د (انتوغرافی) پدے قائل دی او بیانوی ئے چه ملت او قوم د افغان او افغانستان هغه شجاع او میړه زوی د آریان دی چه په خپل اصلی وطن کښې د پلار یعنی (آریان) چه سلسله د هندوکش د غرو ده استوګنه کوی. دا خپله اصلی مینه ئے نده خالی کړې او نه ئے پر بله خواه هجرت کړی دی؛ دا ساتنه د خپلې مینې یوه دلیل دده پر شجاعت دی، ډیر نسلونه او تګران دده شجاع او غیور او مستقل قوم ګڼه بیل او په هره خواه تللی دی.

دده شجاع قوم ژبه «پښتو» هم هغه اصلی ژبه ده چه تر اوسه ئے په هغه خپل عظمت او خپل قواعد سره په خپلو غرو کښې چه نشان او علامه د لوړ همت او مزایا د استقلال او آزاد طبیعت د دوی ده ساتلی ئے ده چه پیشرو او پلار د دیرو ژبو بلله کیږی! او که بعضی روایات دا بیانوی او بعضی اشخاص وائی چه پښتو اشتقاق د بلې ژبې څخه لکه سانسکریت یا د نوروده یا بعضی او سنی چه بخان محقق یا د دی فن متخصص بولی پدے باب کښې بعضی روایات کوی یا بعضی کتابونه ئے لیکلی دی، ګمان کوم دا دلیل چه کشته بیانیږی کافی دی چه پښتو اصلی ژبه د پښتانه چه اصلی وارث او جانشین د آریان بلل کیږی ده، او له هیڅ ژبې څخه مشتق او راوتلی نده.

نکات اولغات د دې ژبې چه پښتو علماؤ تحلیل کړی او تحقیق ئې پکښې کړی دی دا ژبه مبنی ده پر صوتیه او هجائیه کلمو باندې او پر دې باندې ډېر دلیلونه هم لری او د نورو بعضی علماؤ ، آخرین تحقیقات هم دا دی چه پښتو یوه شعبه د آرین چه شاخه د آریا ده او هغه هم قدیم ژبه د افغانستان وه ده چه زموږ و مقصد ته چه پښتو د سانسکریت او نورو ژبو څخه نه مشتق سوی ، نیږدې روایت دی .

دلیل د عدم د اشتقاق د پښتو دادی چه : هیڅ څوك دا نسی ثبوت ولای چه پښتون د بله ځایه راغلی او په افغانستان کښې ئې استوګنه نیولې ده یا د بل قوم او ملت ټوك دی او دا هر څوك وائی چه افغانستان اصلي ځای د آریان ، پښتون اصیل آرین او اصلی او دا ئې ځائې د غه افغانستان دی او ټوله ټوکونه او شعبې د آریان د د غه ځایه جلا او په هره خواه ئې هجرت کړی دی ، البته هر قوم چه په خپل ځای پروت او په حال کښې ئې تغیر پیدا نسی ژبه ئې هم خپله اصلی او قدیمی ژبه بلله کیږی ؛ که چیری پښتون له هندوستانه یا له بله ځایه راغلی وای نو دا ګمان بلکه یقین کیده چه ژبه د دوی هم یوه برخه یا اشتقاق د سانسکریت یا د نورو ژبو څخه ده ، یا کوم یوه مستشرق چه اشتقاق د پښتو ئې لیکلی دی دے لیکلو ته ئې اعتبار نسته ځکه چه مآخذ د ده هغه زوړ روایت دی چه په باب د اشتقاق د پښتو کښې له سانسکریت یا د بلې ژبې څخه پاتې دی ، یا خپل تطبیقات او تحقیقات ئې دی چه په یوه کال او دوه کاله ئې کړی دی دے تحقیقات او تطبیقات ته چندان اعتبار نسته ، ځکه چه یو سړی د پردې ژبې چه د ده اصلی او مورنی ژبه نوی په یوه سیاحت او ګذر سره په یوه کال او دوه کاله نسی کولای او نه د هغه ژبې نکات او لغات او مزایا ورمعلومیږی لکه (جارج مارګن سټرن) د سویډن چه یو وقت راغلی وه او یو کال یا نیم ئې په عبور او مرور کښې تیر کی په نتیجه د خپل تحقیقات کښې ئې یو کتاب په باب د ماهیت او اشتقاق د «پښتو» ولیکی ، آیا دا تحقیقات د ده یا قول د ده په باب د پښتو غونډې ژبې کښې صحیح او پر ځای دی ؟ یا قابل د اعتبار دی چه څوك اعتبار او اعتماد ورباندې وکی ؟ خیر !

بل دادی چه د سانسکریت په لغاتو کښې چه یو زوړ او قدیمی کتاب دی ، او په انګریزی ترجمه سوی دی په وضاحت سره لیکلی دی چه پښتو مستقله د یوه قوم ژبه ده ، او کتاب د (آثار عجم) هم په شجره د السنو کښې پښتو یوه مستقله ژبه د آریا بولی .

تذکیر او تأنیث او عروض د دې ژبې چه وګورو او د نورو ژبو سره مطابقت ورکو نو ممکنا پښتو دا ډول ئې ژبو سره یو رنګوالی لری بلکه د دې ژبې ډیر لغات په هغو ژبو کښې پیدا کولای سو .

نو پدې جهت چه پښتون اصلی آرین او مقیم په خپل ځای کښې دی او نورا قوام او تګړان د ده څخه جدا سوی

او هرې خوا ته تللې دي د دې ژبې ته اصلي ژبه ویلای سو. مشتق ئې له بلې ژبې څخه نه بولو او نه د بلې ژبې څخه مشتق ده.

په دغو نه بیان د ابحث لنډه وو او څه ناضرورت هم ودې بیان ته نلرو چه پښتو د بلې ژبې څخه مشتق سوې یا بله ژبه د پښتو څخه. فرضاً که پښتو د بلې ژبې څخه اشتقاق سوې هم وي له اهمیت او مزایا څخه ئې څه نه کمیږي لکه عربي ژبه چه له عبراني څخه مشتق سوې ده آیا د اشتقاق له اهمیت د عربي نه څه کم کړي دي؟ یا څه نقصان ئې ورسولی دی؟ بلکه اعتبار او اهمیت چه نن ورځ په واسطه د ښوونما د ادب او علوموا و فنونو عربي لري د یرې ژبې ئې نلري.

صرف داهم موږ ته کفایت کوي چه پښتو د اسې نښکیالي او شجاع او باغیرت قوم ژبه ده چه د ده ملتیت او تشکیلونه د شاهنشاهیت په ایشیا کښ تاریخونه په لوړ او غټ عنوان سره لیکلي دي.

پښتو ولې تر هوسه په خپله احاطه کښ محدود پاتې سوې ده، پراخوالی او تعمیم ئې تر خپلې احاطې د باندې ندی پیدا کړی؟

اول سبب دا دی چه پښتون په نهایت سره آزادي خواه او استقلال پسنده قوم دی آزادي او استقلال له خاصو مزایا ؤ څخه د ده ده. هیڅ کله د چا سیادت پرځان نه قبلوي او نه د چا تر اثر لاندې کیږي هیڅ پردی قوم او ملت پر ده باندې سیادت ندی کړی او نه ئې خپل حکم باندچلولی او نه ئې بنه روخ ځني لیدلی ده. که کوم قوم او ملت په کومه زمانه کښ تسلط او حاکمیت باندې پیدا کړی دی، هغه هم د خومدې لپاره موقتي وه آخر هغه قوم په خپل تسلط او حاکمیت باندې پښیمانه او په اصطلاح سره سر او مال سوي ځني تللي دي. په دې سبب نه بل د ده و ژبې ته میښه کړې ده او نه ده د بل اثر او ژبه قبوله کړې ده.

بل دا دی چه فارسي ژبه د افغانستان (۱) په سبب د دې چه په دربار او حکومت کښ له ډیرو تیرو زمانو په رسمیت سره پیژندلې سوې ده عموماً معاملات د دفترا و د حساب او نور لیکل په دې ژبه سره جاري وه او دي، او عربي په جهت د دې چه یوه اسلامي ژبه ده او عموماً احکامات د اسلام پدې ژبه سره لیکلي سوي دي، ډیره ترقي وکړه او عمومیت ئې پیدا کی، پښتو هم فارسي ته له جنبې د رسمیت څخه او عربي ته له جنبې د علم او اسلامیت توجه وکړه او پښتو پر خپل حال پاتې سوه پراخوالی ئې پیدا نکړ، او دا د وه احتیاجه چه رسمیت د دربار او علوم دیني

(۱) دا خیال د دې نوي چه فارسي پره دي ژبه ده، بلکه فارسي هم لکه پښتو د افغانستان ځواني او اصلي ژبه ده او له افغانستان څخه خارج ته تللې ده له خارج نه افغانستان ته نه ده راغلې.

یا دنیوی دی د ژبې په پراخوالی کښ لوی عامل او مؤثر بلل کیږی.

بل علت ئې دا دی چه پښتون له پاره د ساتنې دخپل استقلال او آزادی له تعرضا تو څخه دهغو کسا نو چه دده آزادی او وطن ته غله وه مدام په کشمکش او جنګو او انقلابو کښ ئې عمر تیرسو، وقت او فرصت ده ته پلا س رانغی چه په باب د وسعت او پراخوالی دخپلی ژبې توجه او کوښښ وکی یا دا خپله ژبه علمی وګرزوی، بیا هم که چا کوښښ کړی یا څه آثار ئې د رلود په انقلاب او جنګو کښ محو او نابود سوی دی.

بل دا دی چه ساتنه او ترقی دهرې ژبې په ادبا ؤ او آثار د ادبا ؤ د هغه ژبې د ی، پښتو د محمد تر شا هنشا هیت دمحمود غزنوی با قاعدهٔ رسم الخط نه د رلود او لیکل ندی پکښ سوی، شعرا او ادبا ؤ به خپل آثا ر و خپلی حافظې ته سپارل مرګ به د دې آثار د ده د واړه ترخا ورولاندې وسپارل، نو آثار د پښتو ندې پاتې سوی او نه ئې ترقی او پراخوالی پیدا کړی، شاید نورعلتونه هم وی چه سبب د پاتنه کیدوا و محدود والی د پښتو سوی وی.

پښتو او لیکل د پښتو:-

وقتی چه معروف شاهنشاه د افغانستان «محمود» زابلی تشکیل د شاهنشاهیت د افغانستان جوړ کی او اساس او ستن د حکومت او شاهنشاهیت ئې پښتون وه او خپل احتیاج ئې د پښتو له لیاره او ورده معروف شاهنشاهم پښتنه او د قندهار وه نو د پښتو ژبې ته ئې اهمیت ورکی او لیکل ئې په با قاعده رسم الخط سره رواج کی ګویا اساس لیکل د پښتو له حکومت څخه د محمود زابلی شروع کیږی، چنانچه په قاضی جمرانه د بیا پیدا کیږی د پښتو [illegible] چه د ده خپله جوړه کړی لیکلې ده [illegible] ([illegible]) محمود په بیا د حسین [illegible] قاضی سیف الله [illegible] مخصوص اشکال جوړ او معین کړل).

پس له هغه پښتو خپلی ژبې او خپلو آثا رو ته توجه وکړه او ترقی ئې وموند په درجه ئې ژبانه وه دا ترقی تر آخر د سلطنت د احمد شاه بابا دوام د رلود، اګرچه په دې زمانه کښې هم پښتون له مدا خلو او تعرض د یوه دوی او د کور د جنګو څخه خلاص نه وه بیا هم د یو نامدار شاعران او ادیبان په دې ژبه کښ پیدا سول چه دا کثر د اثرات ئې نو هوسه باقیدی، هغه نامدار شاعران او ادیبان چه څوانی دی یا پس له احمد شاه بابا دی او د دې تحریر ته تر یوې اندازې معلوم سوی، او پلا س را غلی دا دی:-

(۱) ملا محمد حسن د قندهار: اولین شاعر د پښتو دی اولین نظم دده شاعر مناجات وه چه محاورات او الفاظ دده مناجات په قرار د بیان ( ) سره هغه اصلی او خالص پښتو وه چه نمونه ئې او س پلا س نه راځی. (۲) شیخ مالی یوسف زی:

چه تاریخ دصوات دفتح ئے په نظم سره په (۱۴۲٤) مبیجی لیکلی دی او پخپله شیخ مالی رئیس دخیل قوم وه او دافتح هم ده پخپله کړی ده
دااولین کتاب دپښتو دی چه موجود دی تردے وړاندې چه لیکل یا آثار دپښتو دچا و لاس ته ندی راغلی دا کتاب په کتبخانه
کښ د (برټش موزیم دلندن) موجود دی . (۳) عصام (٤) یونس (٥) حسین (٦) سکندر (۷) احمدشاه (۸) صدرخان
(۹) ابوالقاسم (۱۰) قلندر (۱۱) خواجه محمد (۱۲) کاظم خان «شیدا» (۱۳) فاضل (۱٤) هجری (۱۵) دولت (۱٦)
صمد (۱۷) دوست محمد (۱۸) فضیل (۱۹) مهین (۲۰) اشرف (۲۱) خوشحال خان (۲۲) عبدالرحمن (۲۳) محمدی
(۲٤) احمد (۲۵) معزالله (۲٦) غفور (۲۷) عثمان (۲۸) عبدل (۲۹) فتحعلی (۳۰) پیرمحمد (۳۱) کاظم (۳۲) ابراهیم
(۳۳) علیم (۳٤) صدیق (۳۵) عبدالقادر (۳٦) عبدالحمید (۳۷) کامگار (۳۸) میرزا (۳۹) صدرخوشحال *
(٤۰) بابوجان (٤۱) فیاض مصنف دنظم دقصے دشهزاده بهرام اوګل اندامه (٤۲) عبدالکبیر (٤۳) بوعلی شاه
(٤٤) شاه افضل (٤۵) امیر (٤٦) احمدکلاچی (٤۷) ملاعبدالعظیم (٤۸) ملاقیوم (٤۹) آخند درویزه (۵۰)
پیرروښن (۵۱) حافظ رحمت الله (۵۲) واصل (۵۳) ارزانی (۵٤) انصاری (۵۵) مولوی حمیدالله .

علاوه پردے کیدا نو شاید فور ډیر شاعران او ادیبان تیرسوی وی چه یا آثار ئے ندی پاته یاو ماته ندی معلوم
او معاصر شاعران او ادیبان او هغه طبیعی شاعران چه پکوشه او کنار کښ پراته دی حساب ئے تو سوو تیر دی ، اوزه پوره
معلومات هم نلرم (شاید که خدای وکی په کومک دا دباؤ په باب د لیکلو دمفصلی تذکری دپښتو شعراؤ په آینده کښ
کوشش وکړم) اودا پوره ته کیدا ن چه ولیکل سول اکثره علاوه پرشعر او ادب په نورو علوموکښ هم فضلاء ولود او ډیر لوی
عالمان تیرسوی دی اوله بعضو نه آثار په عربي او فارسي کښ هم پاته دی .

دداخلی علماؤ او دباؤ ښې لرشاهنشاهیت د احمدشاه بابا چه ددن اثریا ته ندی ځکه چه افغانستان بیا داخلی ددکشمکش
او په داخلی نیناقو او دبا ندنی جنګو کښ سرګردان او اخته سره په هغه اندازه چه لاوروه پښتو په داخل کښ ترقی ونکړه
مګر بیا هم بعضی علماؤ دپښتو په داخل او دباندکښ پلدے ژبه کی ډیر کوښښ کړی دی ، اوکتابونه ئی لیکلی دی فهرست
دمعتبرو کتابو که پخوانی دی یا اوسنی او ماته معلوم دی لپاره دافادے دپښتو په قرار ذیل سره دادی :

(۱) توبة النصوح (۲) عنوان النصائح (۳) ظفرالنساء (مرحوم سیدنعمان الدین احمد کاکاخیل) (٤) جمال افغانی
تذکره دسیدجمال الدین افغان (مولانا عبدالحمید اتمانخیل مهمند (۵) ترجمه د مسدس حالی (غلام محمدخان پوپلزائی)
(٦) وافیه صرف اونحو دپښتو (قاضی میراحمدشاه خان صاحب رضوانی) (۷) خیراللغات (لغات دپښتو) (قاضی خیرالله
دپشاور) پراوردو (۸) اخوان الصفا ترجمه (حافظ رحمت الله) (۹) کلیله اودمنه (ترجمه دملا ابوالحسن هراتی)

---

* آثار ددے شاعرانو په کتاب دچمن بی نظیر کښ منتخب ولیکل سوی او اکثره بیل بیل دیوانونه هم لری .

(۱۰) قرآن شریف او بعضې احادیث (ترجمه د قاري حبیب الله خان او مولوي عبدالمجید خان) (۱۱) تفسیر یسیر (ترجمه د مولوي محمد علي) (۱۲) راحت القلوب منظوم (مولوي حمیدالله) (۱۳) خزینهٔ افغاني (مولوي محمد اسمعیل خان) طبع د لاهور ۱۸۸۹م (۱٤) بهارستان او شکرستان د پښتو (قاضي میر احمد شاه رضواني) طبع د لاهور (۱۵) آدم خان او درخانۍ غوړ قیصه او خوکسانو لیکلې (۱٦) قصه د شهزاده بهرام او گل اندامه (فیاض) (۱۷) رشید بیان (ملا عبدالرشید) (۱۸) اسرار العارفین منظوم (مولانا شیر محمد اخندزادهٔ هوتك (قندهار) (۱۹) کتاب د علم تجوید (ملا محمد عمر صاحب اسحق زائی ساکن د لغمان د وننه) قلمي دی چاپ شوی نه دی (۲۰) منهاج العابدین منظوم (حبیب الله آخندزادهٔ کاکړ، مشهور په (حبو) آخندزاده د قندهار (۲۱) مهملات صدیقي منظوم محمد صدیق آخندزادهٔ سلیمانخیل د قندهار، چاپ شوی نه دی (۲۲) عین العلم (عبدالحکیم آخندزاده کاکړ د قندهار) چاپ شوی نه دی (۲۳) تهذیب الواجبات منظوم (عبدالباقي صاحب کاکړ د قندهار (۲٤) تفسیر یسیر (ملا فقیر کاموی) (۲۵) فوائد فقیر (فقیرالله صاحب کاموی (۲٦) تاریخ مرصع (محمد افضل خان زوی د اشرف خان زوی د خوشحال خان خټك (۲۷) فوائد الشریعه (آخوند محمد قاسم) (۲۸) کتاب د بابوجان (بابوجان) (۲۹) مخزن الاسرار (آخوند درویزه) (۳۰) گلدسته ترجمه د گلستان (عبدالقادر خټك (۳۱) گنج پښتو (مولوي احمد د هشتنگر (۳۲) تاریخ سلطان محمود غزنوي (مولوي احمد) (۳۳) انشا د پښتو (۳٤) چمن بې نظیر (۳۵) دیوان د عبدالرحمن (۳٦) دیوان د خوشحال خان خټك (۳۷) دیوان د عبدالحمید (۳۸) دیوان د خواجه محمد (۳۹) د میرزا جان انصاري (٤۰) دیوان د محمد کاظم خان شیدا (٤۱) دیوان د اشرف خان خټك (٤۲) یوسف زلیخا د جامي ترجمه د (عبدالقادر) (٤۳) دیوان د عبدالقادر خټك (٤٤) دیوان د احمد شاه بابا ی (ابدالي) (٤۵) کلیله او دمنه یا علم خانهٔ دانش (محمد افضل خان خټك) (٤٦) غل قاضي مولوي احمد (٤۷) هغه دغه، علاوه پر دې دیر کتابونه نور هم شته چه ما ته معلوم نه دي یا کښي کتابونه چه تعداد ئې تر ریو رقم دی او د لته ئې ذکر باعث د اوږدوالي کیږي.

علاوه د پښتو څخه خارجیا نو هم په پراخوالي او ترویج کښې د پښتو ژبې ډیرې ښه خدمتونه کړي دي، او ډیر کتابونه ئې لیکلي دي تعداد او نوموته د بعضو مهمو او قابل د اعتنا کتابو چه ما ته معلوم دي دا دي :-

بعضې کتابونه د پښتو

Some Pushtu Books

لغات :-

Dictioneries :-

1. A Dictionary of Pushtu Language by Dorn, St. Petersburg. 1845
(۱) لغات د پښتو مؤلف (دورن) طبع د پترسبورگ ۱۸٤۵ع

2. A Dictionary of Pushtu Language by Raverty, London. 1860
(۲) « « « (راورتي) « لندن ۱۸٦۰ «

English	پښتو
3. A Dictionary of Pushtu Language by Pellew, Lahore. 1867	(۳) لغات دپښتو مؤلف (بیلو) طبع د لاهور ۱۸۶۷ع
4. (Russian) Grammar & Vocabulary of Pushtu by Tumanovitch, Tashkent. 1908	(٤) (روسی) گرامر او فرهنگ دپښتو مؤلف (تومانوویچ) طبع د تاشکند ۱۹۰۸ع
5. Etymological Dictionry of Pushtu-Morgensterne, Oslo. 1927	(۵) لغات داشتقاق دپښتو مؤلف (مارگن سټرن) طبع د اسلو ۱۹۲۷ع
6. An English-Pushtu Colloquial Dictionary, Gilbertson, Hertford. 1929	(٦) لغات د محاورئ پښتو « (گلبرسن) طبع د هرت فورد ۱۹۲۹ع
7. (German) Etymologie & Lautlehre des Afghanischen by Grieger.	(۷) (جرمنی) اشتقاقات دپښتو مؤلف (گرایگر)

Grammars :-	گرامر (صرف او نحو) :-
1. A Grammar of Pushtu by Vaughan. London	(۱) گرامر دپښتو مؤلف (واهن) طبع د لندن
2. A Grammar of Pushtu by Raverty, London. 1860	(۲) « « « (راورټی) « « « ۱۸۶۰ع
3. A Grammar of Pushtu by Bellew, Lahore. 1868	(۳) گرامر دپښتو مؤلف (بیلو) طبع د لاهور ۱۸۶۸ع
4. Notes on Pushtu Grammar by A. Cox. Lahore	(٤) « « « (کاکس) « « «
5. A Grammar of Pushtu by Ernest Trump, London. 1873	(۵) « « « (ارنیست ترومپ) طبع د لندن ۱۸۷۳ع
6. A Grammar of Waziri Pushtu by Lorimer, London. 1902	(٦) گرامر د وزیرو دپښتو مؤلف (لاریمر) طبع د لندن ۱۹۰۲ع
7. Syntax of Colloquial Pushtu by Lorimer, Oxford. 1915	(۷) نحو د محاورئ پښتو مؤلف (لاریمر) « « اکسفورد ۱۹۱۵ع

Manuals :-	منول قواعد او محاوره او ترجمه :-
1. Pushtu Manual by Raverty, London	(۱) منول دپښتو مؤلف (راورټی) طبع د لندن
2. A Manual of Pushtu by Roose Kepple, London. 1901	(۲) « « « (روس کیپل) « « «
3. A Guide to Pushtu by Mohammed Ismail Khan, Lahore.	(۳) واهنما « « (محمد اسمعیل خان) « «
4. How to Speak Pushtu by Qazi Ahmad Jan, Peshawar.	(٤) پښتو څه رنګه وائی مؤلف (قاضی احمد جان) طبع د پشاور.
5. Pushtu Colloquial by Feroze-ud-Din, Ludhiana.	(۵) روزمره پښتو « (فیروزالدین) « « لودهیانه.
6. The Pushtu Language by Gilbertson, Hertford. 1929	(٦) دپښتو ژبه « (گلبرسن) « « هرت فورد ۱۹۲۹ع

Text Books :-

منتخب ادبی او کلاسی کتابونه :-

1. Gulshan-i Roh by Raverty, London	(۱) گلشن روه مؤلف (راورټی) طبع د لندن
2. Kalid-i-Afghani by Hughes, Lahore	(۲) کلید افغانی « (هیوز) » « لاهور
3. A First Book of Pushtu by Gilbertson, Benaras.	(۳) اول کتاب د پښتو « (گلبرسن) « « بنارس

Poetry :- اشعار :-

1. Afghan Poetry of the 17 th Century by Biddulph, Woking.	(۱) اشعار د قرن (۱۷) « (بیدلوف) « « وکنګ
2. (French) Chantes Populaires des Afghanes by Darmester, Paris.	(۲) (فرانسوي) ملی ترانې د پښتو « (دارمس) « « پیرس

Prose :- نثر :-

1. Some Current Pushtu Folk Stories by Malyon, Calcutta.	(۱) ملی قصې د پښتو (مالیون) « « کلکته

اعلیحضرت امیر شیرعلیخان هم ورته ملی ژبې ته توجه وکړه ټول عنوانونه او القاب ئې د عسکری او کشوری په پښتو کړه او قوماندې او بولی د عسکری ئې په پښتو ژبه ترجمه او ترویج کړې او څه کتابونه ئې پکښې ولیکل مګر جنګو او انقلابو زیات دوام ورنکی اګر چه په حکومت د اعلیحضرت امیر حبیب الله خان کښې هم پښتو داخل د نصاب د تعلیم د مرکزد مکتبونو او په دوره د امانی کښې هم یوه توجه ورته وسوه او یو مجلس په نامه « مرکه د پښتو » جوړسه ، او یو څو ابتدائی کتابونه پکښې ولیکل او چاپ سول او یو کتاب د لغت پکښې ترتیب سو .

امّا اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی ، په جمله کښې د نورو لوړ و او اساسی کارو ، پښتو ته هم اساسی توجه وکړه او د ا ښایسته ژبه ئې چه یو لوی او شجاع قوم باندی ګویانه د ی ژوندی ئې وګرزوله او پدې سبب چه احیاد ژبې پواسطه د ادبا او علماء د هغه ژبې د ی ، انجمن ادبی د پښتو ئی په قندهار کښې چه مرکز د پښتو د ی منظور او تأسیس کی ، علاوه پردې پښتو یوه لوی برخه په مطبوعاتو د وطن کښې ونیوله لکه طلوع افغان د قندهار ، اتحاد مشرقی د جلال آباد او په بعضی نورو کښې هم پښتو په ښه برخه سره لیدل کیږی .

علاوه پردې په ارادهٔ سنیه د اعلیحضرت همایونی سره پښتو په عموم مکاتبو د افغانستان جزو د تعلیم او نصاب سوه اوله مو تر څو څو چه خبر یو ، یوه شعبه د پښتو چه مرکب د څو اعضاؤ او رئیس څخه ده په دار التألیف کښې د وزارت معارف هم منظور سوی ده چه عنقریب به افتتاح او په کار به شروع وکی . او هم یو کورس (تعلیمګاه) په وزارت معارف کښې افتتاح سوی چه اکثر مأمورین او ټول کسان بعد له رسمی وخته د پښتو درس وائی .

دا احیاد پښتو ژبې ګویا احیا د پښتنو ده او پښتون به هیڅ کله د دی خپل ناجی مهربانی او توجه و پښتو ته ایوه نکی او د لوی خدایه ورد ی شا غلی او ناجی او غمخوار پادشاه ته تمنا د اجر کوی ، ترقی او عظمت د ملت د افغانستان د مهربانه خدایه غواړی . او توفیق ورد ی نادری مؤسسو ته تمنا کوی چه پدې لار کښې روڼا او ښا یانه خدمتونه وکی .

عجائب هفتگانهٔ تاریخی عالم

(۱) معبد « دیان » در اَیفز ، که درزمان یونانی ها در ایالت ایفز بنا شده و درعظمت وکار وظرافت بی نظیر بوده است و اخیراً ازطرف ایروستات شاه جنگجوی یونانی حریق شد .

(۲) مقبرهٔ موزول ، بنای عظیم الشانی بوده که در سنهٔ ۳۵۲ قبل از میلاد مسیح توسط ارتیمزوم ملکهٔ هالیکارناس (حکومتی در آسیای صغیر) درموضع مذکور بالای قبرشوهرش موزول که او هم یکی ازشاهان آن خطه بود بنا شده است .

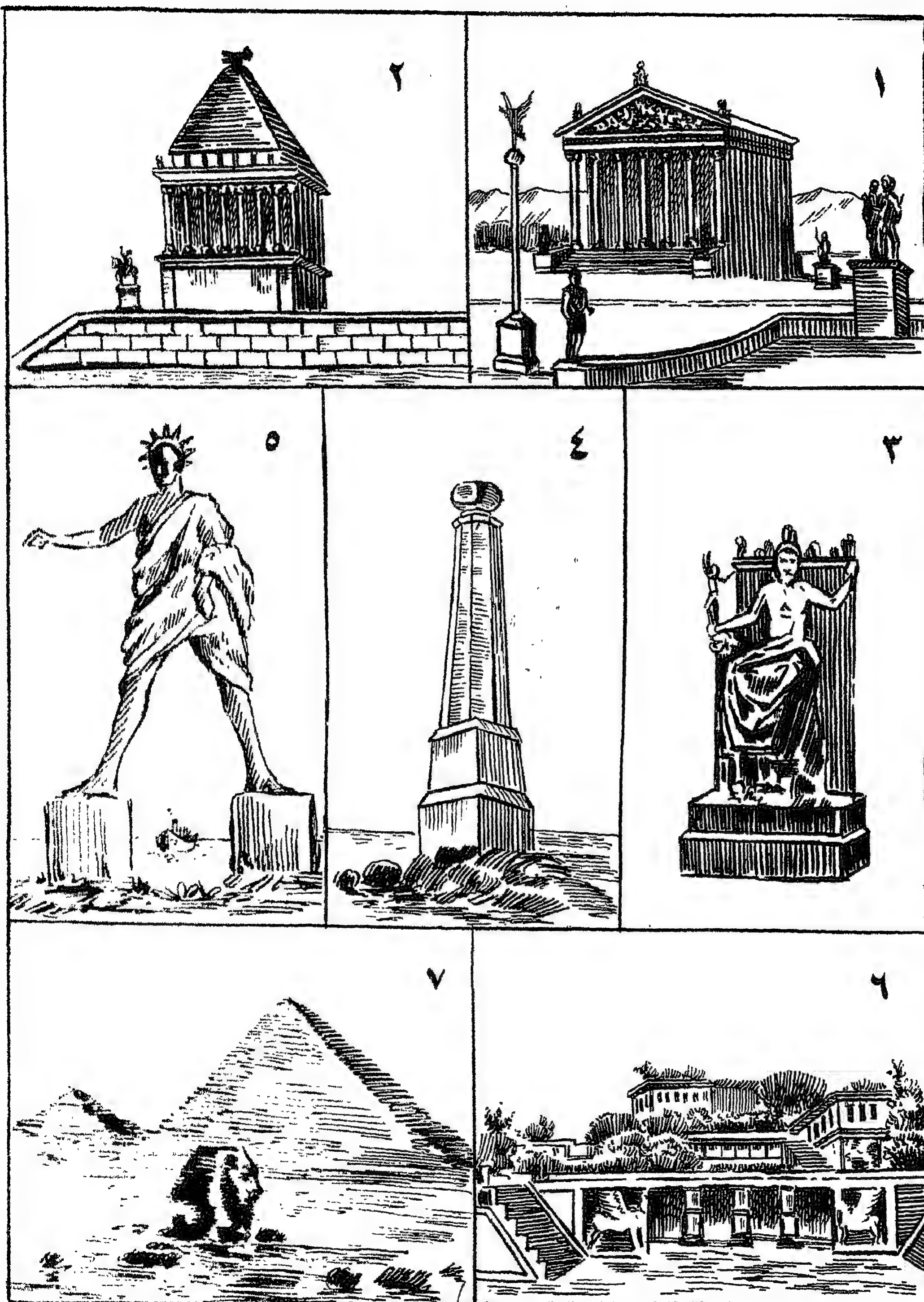
(۳) مجسمهٔ ژوپیتر ، که بواسطهٔ حجار زبردست یونانی فیدیاس در ایالتی از یونانی های قدیم ساخته شده و در صنعت حجاری یکتای دوران بوده است .

(٤) فانوس اسکندریه ، درنزدیکی بندرگاه اسکندریهٔ امروزی بنا شده این منار از سنگ مرمرسفید ۱۲۵ مترارتفاع داشته است .

(۵) مجسمهٔ آپولون ، که در مدخل جزیرهٔ رودس از روی بنا یافته و درعظمت بی نظیربود و آخر در اثر یک زلزلهٔ شدید منهدم شده است . این مجسمه آنقدر بزرگ بود که جهازات بزرگ ازمیان هردو پای آن گذشته میتوانست .

(٦) سبعهٔ معلقه یا باغ های معلق سیمرامیس ، که درزمانه های قدیم برای ملکهٔ سیمرامیس زن نینوس شاه معروف کلده در بابل قدیم ساخته شده وساختمان آن بالای خالیگاه های مرتفع پل مانندی بنا یافته بود میگویند نینوس این باغ ها را برای تفریح زنش سیمرامیس که یک دخترکوهستانی بود ، و در ملک کلده کوه کم بود ساخته است .

(۷) هرم کیوپس ، یکی ازجملهٔ اهرام معروف مصرکه کیئوپس نام یکی ازفراعنهٔ سلسلهٔ چهارم مصرقدیم آنرا بنا کرده وطول قسمت تحتانی آن ۱۳۸ متراست .



١
٢
٣
٤
٥
٦
٧

معلومات متنوعه

مسافرت حج

هرسال هزار ها نفر از اهالی افغانستان برای ادای فریضهٔ حج میروند ، چونکه بسیاری از ایشان قبلاً بخارج مملکت سفری کرده نمیباشند ازمخارج راه وطرز مسافرت درخارج وذریعهٔ حمل ونقل بیخبر بوده درحین مسافرت دچارمشکلات میگردند برای اینکه حضرات ازطریق مسافرت درخارج (حج) واقف گردند معلومات ذیل راجع بهپاسپورت ، سفر ریل درهند ، وسفر در جهاز بحری ، مصارف ، قرنطین ، پول ممالك خارجه وغیره داده میشود .

پاسپورت و ویزه :

اشخاصیکه میخواهند به حج کعبة الله وزیارت نبوی صلعم مشرف شوند ، اولاً باید از قوماندانی های کوتوالی و مراکز دیگریکه صلاحیت دادن پاسپورت را دارند ،پاسپورت حاصل نمایند ، بعدها پاسپورت را بویزهٔ سفارت برطانیه درکابل ویادرقندهار وجلال‌آباد به ویزهٔ قونسلگری های برطانوی برسانند ، (بموجب موافقهٔ دولتین ویزه مجانی است) .

پول مصارف :

شخصیکه درجهاز وریل بدرجهٔ ۳ ودرحجاز بسواری شتر سفر نماید ، اقلاً باید دوهزار و پنجصد افغانی باخود داشته باشد اشخاصیکه بپول کمتر ازین سفر نمایند ممکن است به مشکلاتی دچار گردند .

اشخاصیکه بخواهند بدرجهٔ اول ویادوم سفر نمایند ، لازم است که برای مخارج درجهٔ اول ٦ هزارافغانی و برای مصارف درجهٔ دوم چهارونیم هزار افغانی داشته باشند .

طریق بردن پول :

لازم است تاسرحد افغانی پول افغانی برای مصارف باخود داشته باشند بعد ازان برای مخارج در هند کله دار خواه کاغذی باشد یا نقرهٔ لازم است ، درکراچی باندازهٔ مخارج حجاز کله دار را بپوند طلائی تبدیل نمایند زیرا در حجاز تمام مصارف به طلا میشود ، پوند کاغذی یا پول هند اگر کسی باخود درحجاز ببرد برای وی مفید ثابت نخواهد شد ، زیرا بقیمت خیلی نازل پول هند وپوند کاغذی درحجاز قبول میشود برای اینکه پول سرقت نشود بهترین اصول اینست که اشخاص پول خود را حین مسافرت بحری به کپطان جهاز تحویل داده ورسید حاصل نماید ووقتیکه از جهاز خارج میشود بستاند .

زاد سفر :

از جملهٔ مبلغیکه درفوق ذکرشده اقلاً بیست پوند طلائی باید نزد حاجی موجود باشد .

خوراکه :حاجی هاضرورت ندارند که خوراکهٔ خود را از وطن مالوف و خانهٔ خود باخود حمل کنند ، زیرا در استیشن های ریل و درهر موضع حتی جهاز مایحتاج خوراکه بوفرت پیدا میشود ، صرف بواسطهٔ احتیاط اگر حاجی تکت جهاز را بانان نگرفته باشد یکمقدار کمی خورا که از ینطرف از کراچی و ازانطرف از جده گرفته‌می تواند ، چرا که درسفر بار زیاد باعث تکلیف وصعوبت است .

نظافت : صابون معمولی مروجی درآب‌های شور بحر ها مفید ثابت نمیشود و رخت را خوب تمیز نمیکنند صابون باید یاازکراچی یا ازجده خریده شود که مخصوص آب های شور است .

مایحتاج سفر :

اسبابیکه لزوم دارد وحاجی ها باید باخود داشته باشند : قرآن کریم ، مصلی،تسبیح ، سطل،عینک‌رنگه ، چتری ، مشکوله ، گلاس ، آفتابه ، بشقاب ، پیالهٔ چای، شمع سوز ، چاقو ، احرام ، کفن ، ترشی ، مربا ، سرکه ، جوهر لیمو ، پیراهن وزیر جامهٔ بهاری بقدر کفایت واستطاعت ، کمپل ، قطیفه ، رختخواب مختصر ، مسواك ، پاکی و مقراض وغیره اسباب توالت ، قفل ، اگر خواننده و نویسنده باشد کتابچه و قلم ، سوزن و تار،ظروف برای طبخ - چوکی وچپرکت سفری درصورت استطاعت در بنادر ارزان دستگیری میکنند اگر گرفته شود باعث استراحت است .

حاجیان قبل از رفتن بحج باید درباب اوقات روان شدن جهاز معلومات موثوق حاصل کنند تاباعث معطلی بیموجب درحین راه وسرگردانی برایشان نشود .

درکراچی وبمبائی ، قونسل خانه های افغانی موجود است ونیز از طرف حکومت هند مأمورین بنام محافظ حجاج و خدمت مقرر است حاجیان می توانند که به‌نسبت سفر وتسهیلات خود هرگونه معلومات بگیرند - و نیز درجده درموسم حج‌قونسل‌و درمکهٔ شریف شفاخانهٔ افغانی موجود است که به حاجیان معاونت وتداوی مریض ها را بنمایند ونیز از طرف حکومت حجاز کتابچه های معلومات مجانی برای حجاج تقسیم میشود حاجیان باید معلومات سفریهٔ خودرا از موضع واشخاص مذکور بگیرند ازدلال‌ها پرهیز و اجتناب کنند تاپول‌شان بیجا بمصرف نرسد.

قبل‌ازسوار شدن بجهاز بایدخال چیچك و انجکشن هیضه زده شود وتصدیق هم گرفته شود: زیرا بدون این‌به‌جهازمجاز نیست وخال زدن وانجکشن به شفاخانه های بندر ها مجانی است .

مصارف :

کراهٔ‌ریل از پشاور و چمن در جدول های صفحهٔ (۴۰۷و۸) مذکور است .

مقدار کراهٔ جهاز ، سال بسال تعین میشود یعنی کم و زیاد میشود .

جدول کراهٔ جهاز بحساب کلدار

درجه	کرایهٔ یکطرفه		کرایهٔ رفت و آمد		ملاحظات
	باخوراك	بدون‌خوراك	باخوراك	بدون‌خوراك	
اول	٤٥٠	٣٧٥	٦٥٠	٥٥٠	خانه‌با سامان مهیا است
دوم	٣٥٠	٣٠٠	٥٢٥	٤٥٠	» »
سوم (عرشهٔ جهاز)	١٤٠	١١٠	٢١٥	١٦٠	بر روی عرشه باید بستره و سامان برای خود تهیه کند .

درجهـازات حجاج، آشپز مسلمان است و نان بطرز اروپائی داده می شود اما غیر مشروع چیزی نیست علاوه برین یك هوتل طرز هندی نیز موجود است که ازان حجاج نان خریده می توانند و اشیای خام و میوه نیز فروخته می شود .

ا گر شخصی نان خود را خود پخته کند چوب رایگان داده میشود .

آب خوراکهٔ شیرین بقدر معینه مفت داده میشود برای وضو و غسل آب شور بمصرف میرسد از آب شیرین برای وضو و غسل استعمال نمیشود .

مصارف حجاج در حجاز :

کلدار			پوندطلائی		قرش امیری	
پائی	آنه	روپیه				
	٨	١		کرایهٔ‌قایق ازجهاز تا ساحل‌درجده ـ (لنگر انداختن جهاز تعلق به میزان هوای دریاست به سه‌صورت)	٨	
	٢	١		» » » » » اگرداخل بندرلنگراندازشود	٦	
٣	١٤			» » » » » اگرقریب‌ساحل‌لنگراندازشود	٤	٣٠
٣	١			اجرت فرود آوردن سامان از قایق بساحل		١٠
	١٢			اجرهٔ حمال از ساحل تا جای سکونت	٤	
	٦			اجورهٔ حمال از منزل تا کشتی	٢	
٦	٤			کرایهٔ منزل در جده برای سه شب اول فی شب	١	٢٠
	٣			» » بعد از سه شب فی شب	١	
	٦	٣		حق‌الزحمهٔ وکیل معلم بوقت ورود	١٨	
	١٥			» » » خروج	٥	

کلدار پائی	کلدار آنه	کلدار روپیه	پوند طلائی		قرش امیری	[illegible]
	۹			حق‌الزحمهٔ ناظر وکیل بوقت ورود	۳	
	۳			« خادم وکیل که در سفر مکهٔ مکرمه همراه می باشد	۱	
	۱۵			اعانهٔ تنویر	۵	
۹	۲	۱		اعانهٔ مجلس حج	٦	۱۰
٦	۱			حق‌الزحمهٔ قاپوچی		
۹	۳			محصول بلدیه فی‌شغدف (کجاوه) که‌بران دونفرسوار میشوند	۱	۱۰
	۱۵			اجورهٔ حمال در مکهٔ مکرمه بوقت ورود	۵	
	۱۵			« « « « خروج	۵	
	۸	۱		اعانهٔ نهر زبیده	۸	
	۱۵			« « زراقه	۵	
	۱	۲		حق‌الزحمهٔ سقاء زمزم	۱۱	
	٤	۲		« شیخ المتوفین	۱۲	
	۸	۱۸		« معلم	۱۰۲	
	۱٤	۱۱		کرایهٔ خانه	٦۵	
	۱۱	٤		کرایهٔ‌خیمه در منا و عرفات	۲۵	
	۱۳	۵		کرایهٔ شغدف (کجاوه) از جده تا مکهٔ مکرمه یکطرفه‌فی‌نفر	۳۱	
			۱۱	« اشترازمکهٔ مکرمه‌یا ازجده‌تا مدینهٔ منوره دوطرفه دونفر	۱۱۰۰	
			۹	« « « « « یك طرفه	۹۹۰	
		۱۰	۱	کرایهٔ موتر از جده تا مکهٔ مکرمه یکطرفه فی نفر		
			۱	کرایهٔ لاری از جده تا مکهٔ مکرمه یکطرفه فی نفر		
			۱۵	کرایهٔ موتر از مکهٔ مکرمه تا مدینهٔ منوره رفت و آمد		
			۱۰	لاری		
			۱٦	کرایهٔ موتر از ینبوع تا مدینهٔ منوره و از مدینه تا مکهٔ‌مکرمه		
			۱۱	لاری		
			۸	کرایهٔ موتر از مدینهٔ منوره تا مکهٔ شریفه		
			۵	لاری		

نرخنامه از طرف حجاز برای اشیای خوراکه مقرر است و قرار آن خرید و فروش میشود، حاجیان اگر مریض [شوند بواسطهٔ داکتر حاجی خانهٔ افغانی تداوی میشوند اگر شکایت داشته باشند به قونسل افغانی رجوع فرمایند .

برای حجاج افغانستان که فعلا بتوجه اعلحضرت دیانت پرور محمد نادر شاه غازی در کعبهٔ مکرمه حاجی‌خانه ساخته و آماده شده ، حجاج افغانی درانجا بکمال راحت‌بوده و ازین مؤسسه خیریه پادشاه مملکت خود بخوبی استفاده‌کرده میتوانند .

کرایه ریل از پشاور الی مقامات ذیل

مقام	مسافهٔ کیلومتر	بحساب کلدار پول هند				
		درجهٔ اول	درجهٔ دوم	درجهٔ‌متوسط	درجهٔ سوم	اسباب‌فیمن
اجمیر	۱۳۲۰	۸۶/ ۶	۴۳/ ۳	—	۱۲/۱۴	۷/ ۹
					۱۱/۱۵	بذریعه داك
امرتسر	۵۱۵	۳۴/۱۱	۱۷/ ۶	۷/ ۸	۵/ ۰	۳/ ۵
بمبئی	۲۱۹۱	۱۴۷/۱۳	۷۳/۱۴	۳۶/۱۲	۲۲/ ۶	۱۱/ ۸
					۲۱/ ۶	بذریعه داك
چمن براه شیر شاه	۱۵۵۴	۹۵/ ۵	۴۷/۱۱	۱۹/ ۸	۱۱/۱۳	۸/ ۵
« براه لاهور	۱۷۳۴	۱۰۵/۱۳	۵۲/۱۵	۲۱/ ۸	۱۳/ ۰	۸/۱۴
دهلی	۹۴۲	۵۹/ ۹	۲۹/۱۲	۱۲/ ۶	۷/۱۳	۵/۱۱
راولپندی	۱۷۴	۱۳/ ۸	۶/۱۲	۲/۱۱	۱/۱۳	۱/۱۳
شمله		۷۷/۱۰	۳۹/ ۸	۱۶/ ۷	۹/۱۵	۷/ ۶
کراچی براه شیر شاه	۱۴۹۹	۹۲/ ۰	۴۶/ ۰	۱۸/۱۱	۱۱/ ۶	۸/ ۴
« براه لاهور	۱۶۸۰	۱۰۲/ ۸	۵۱/ ۴	۲۰/۱۱	۱۲/ ۹	۸/۱۳
کلکته براه دهلی	۲۳۹۴	۱۳۴/ ۷	۶۷/ ۴	۳۲/ ۷	۱۸/ ۰	۱۱/۱۵
« براه سهارنپور	۲۳۵۶	۱۳۰/ ۹	۶۵/ ۳	۳۲/ ۰	۱۷/ ۹	۱۱/۱۵
کویته (براه شیر شاه)	۱۴۲۰	۸۶/۱۳	۴۳/ ۷	۱۷/۱۱	۱۰/۱۳	۸/ ۰
« (براه لاهور)	۱۵۹۱	۹۷/ ۵	۴۸/۱۱	۹ /۱۱	۷/ ۰	۸/ ۹
لاهور	۴۶۴	۳۱/۱۱	۱۵/۱۴	۶ /۱۴	۴/۱۰	۳/ ۳
لندی کوتل	۵۱	۴/ ۰	۲ / ۰	۰ /۱۳	۰/ ۹	۲/ ۱

کرایهٔ ریل از چمن الی مقامات ذیل

مقام	مسافهٔ کیلومتر	بحساب کلدار پول هند									
		آنه	روپیه	آنه	روپیه	آنه	روپیه	آنه	روپیه	اسباب قیمن	
اجمیر	۱۵۳۷	۱٤	۱۰۱	۱۵	۵۰	.	.	۳	۱٦	۷	۸
								.	۱۵		
امرتسر	۱۳۲۳	۱۵	۸۱	۱۵	٤۰	۱٤	۱٦	۵	۱۰	۱۰	۷
بمبئی براه ماروار	۲۲٤۱	۱۲	۱٤٤	٦	۷۲	.	.	۱۵	۲۳	۱۱	۱۱
								۱۰	۲۱		
بمبئی براه سماسته	۲۹۰۱	۵	۱۸۱	۱۱	۹۰	۷	٤۳	۲	۲٦	۰	۱۳
								۲	۲۵		
بمبئی « لاهور	۳۱۳٤	۱۵	۱۹٤	۷	۹۷	۱	٤٦	۱۰	۲۷	۰	۱۳
								۱۰	۲٦		
پشاور براه شیرشاه	۱۵۲۰	۵	۹۵	۱۱	٤۷	۸	۱۹	۰	۱۳	۵	۸
« براه لاهور	۱۷۰۰	۱۳	۱۰۵	۱۰	۵۲	۸	۲۱	۱۳	۷	۱٤	۸
دهلی براه سماسته	۱۳۵٤	۱	۹۳	۹	٤٦	۱	۱۹	۹	۱۱	۷	۸
« براه لاهور	۱۱۱۷	۱۱	۱۰٦	۵	۵۳	۱۱	۲۱	۱	۱۳	۳	۹
شکارپور	٤۸۳	.	۳۳	۸	۱٦	۱٤	٦	۷	٤	۷	۳
شمله براه سماسته		۱۵	۱۱۵	۱۰	۵۸	۱۲	۲۳	٤	۱٤	۰	۱۰
« براه لاهور		۱۲	۱۲٤	۱	٦۳	۷	۲۵	٤	۱۵	۱۳	۱۰
کراچی	۱۰۰٦	۷	٦۳	۱۲	۳۱	٤	۱۳	٤	۸	۱٤	۵
کلکته براه دهلی	۲۹٦۷	۱۵	۱٦۷	۱	۸٤	۳	۳۹	۱۲	۲۲	۰	۱۳
« براه سهارنپور	۳۰۱۰	۱٤	۱٦۸	۷	۸٤	۱۰	۳۹	۱٤	۲۲	۰	۱۳
کویته	۱٤۳	۸	۸	٤	٤	۱۳	۱	.	۱	۱۰	.
لاهور	۱۲۷۰	۱۳	۷۸	۷	۳۹	٤	۱٦	.	۱۰	۳	۷
نوکندی براه دزد آب ایران	۱۰۰۸	۹	٦۳	۱۲	۳۱	۵	۱۳	٤	۸	۱٤	۵

کرایهٔ جهاز از کراچی الی مقامات ذیل

مقام	بحساب کلدار پول هند			
	درجهٔ اول	درجه دوم	درجه‌متوسط	درجه سوم
اسکندریه	۵۳۵	۳۹۰		۲۱۵
بمبئی	۱۰۰	٦۵		۱۳
بوشهر	۲۵۲	۱٦۰		۳۰
بصره	۲۸٤	۱۸۹		۳٦
جده	٤۵۰	۳۵۰		۱۵۰
سویز	۵۰۷	۳۷۳		۲۰۰
لور پول	۷۷۳	۵٦۰	٤۹۳	۲٦۷
لندن	۸۰۰	۵۷۵	۵۰۸	۲۸۰
مارسیلز	۷۲۰	۵۲۰	٤۵۳	۲٤۰

کرایهٔ جهاز از کراچی تا بصره و ریل و موتر وغیره از بصره تا مقامات ذیل

مقام	بحساب کلدار		ملاحظات
	درجه اول	درجه دوم	
بغداد	۳۵٦	۲۳۱	
جلب	۵۳٦	۳۸۱	
استامبول	٦۹٤	۵۰۲	
صوفیه (بلغاریه)	۷۹۵	۵۷۵	
بلغراد (یوگوسلاویه)	۸۳۹	٦۱۰	
تریست (ایطالیه)	۹۱٦	٦٦۹	
وینس (ایطالیه)	۹۳۸	٦۸۵	
میلان (ایطالیه)	۹۷۰	۷۰۷	
لوزان (سویتزرلیند)	۱۰۱۱	۷۳۸	
پاریس	۱۰٦۵	۷۷۱	
لندن	۱۱۳٦	۸۲۰	

کرایهٔ سفر بصیاره از کراچی الی نقاط ذیل

مقام	پوند استرلنگ
بوشهر (ایران)	۲۳
بصره (عراق)	۲۹
بغداد («)	۳٤
دمشق (سوریه)	۵۵
قاهره (مصر)	۵۸
آتنه (یونان)	٦۹
برندیزی (ایطالیه)	۸۱
پاریس (فرانسه)	۹۵
لندن (برطانیه)	۹۵
برلن (جرمنی)	۹۵

کرایهٔ جهاز از بمبئی الی مقامات ذیل بحساب کلدار

مقام	اول	دوم	متوسط	سوم
کراچی	۱۰۰ کلدار	٦۳ کلدار		۱۳ کلدار
بوشهر (ایران)	۲۸۳ «	۱۸۰ «		۳٤ «
بصره (عراق)	۳۱۵ «	۲۱۰ «		٤۰ «
جده (عرب)	۵۰۰ «	۳۷۵ «		۱۵۵ «
دارالسلام (افریقه)	٤۱۰ «	۲٦۳ «		۷۷ «
دربن («)	٦۳۰ «	٤۵۰ «		۱۲۵ «
عباسه («)	۳۷۵ «	۲۳۰ «		٦۷ «
سنگاپور (ملایا)	۳۰۰ «	۲۰۰ «	۱٤۰ کلدار	۱۰۰ «
هانگ‌کانگ (چین)	٤۷۵ «	۳۲۰ «	۲۱۵ «	۱٤۵ «
شانگهائی («)	۵۳۰ «	۳۵۵ «	۲٤۰ «	۱٦۰ «
یوکوهاما (جاپان)	٦۲۰ «	٤۱۵ «	۲٦۵ «	۱۷۵ «

کرایهٔ جهاز از بمبئی الی مقامات ذیل بحساب پوند استرلنک

مقام	اعلی	اول	دوم	متوسط	سوم
عدن		۲۳	۱٦	۱۲	۸
سویز (مصر)	۱۳۹	۵۵	٤۰	۲۳	۱۵
اسکندریه (مصر)	۱٤۲	۵۷			۱۵
جنوا (ایطالیه)		٦۵	٤۵	۳۰	۱۸
مارسیلز (فرانسه)	۱۵٦	۷٤	٤٦	۳۲	۱۹
لندن (برطانیه)	۱٦۵	۷۸	٤۹	۳٤	۲۱
نیویارك (امریکه)	۲۵۵	۱۲۰	۸۰	٦۸	٤۰
ملبورن (آستریلیا)		٤۸	۳۲	۲۵	۲۰
سدنی («)		۵۱	۳٤	۲۷	۲۲

کرایهٔ طیاره بین مقامات ذیل

از کابل تا تاشکند	۲۷ونیم پوند استرلنگ	یا ۲٦۰ ربل طلائی
« « الی ترمز	۱٦ونیم «	« ۱۵٦ « «
« « الی مزار	۱٤ «	« ۱۳۰ « «
« مزار « تاشکند	۱۳پوند و۱۵ شلنگ	« ۱۲۵ ربل
« « « ترمز	۲ ونیم پوند	« ۲٦ «

مسافرین تا ۸ کیلوگرام وزن بهمین تکت برده میتوانند .

علاوه ازین ۱ کیلوگرام وزن از تاشکند تا کابل ۸شلنگ یا ۳ونیم ربل، از ترمز الی کابل ۵ شلنگ یا۲ربل، از ترمز الی مزار ۱ شلنگ یا ۵۰ کپیك ، از مزار الی کابل ٤ شلنگ ۱۲ پنس یا ۱ونیم ربل .

یك کیلوگرام پوستهٔ سیاسی از تاشکند الی کابل ۱۲ شلنگ یا ۵ ربل و۷۰ کپك، از ترمز الی کابل ۵ شلنگ یا ۱۲ ربل .

حرکت طیارهٔ شوروی از تاشکند ۲۸ هرماه ، حرکت طیاره افغانی از تاشکند ۱۸ هرماه ، رسیدن طیارهٔ شوروی از تاشکند به ترمز ۲۸ هرماه ، رسیدن طیارهٔ افغانی به ترمز ۱۸ هرماه .

حرکت طیاره شوروی از ترمز ورسیدن بکابل ۲۹ هرماه، حرکت طیاره افغانی از ترمز و رسیدن بکابل ۱۹ هرماه ، حرکت طیارهٔ افغانی از کابل ۱۵ هرماه، حرکت طیارهٔ شوروی از کابل اول هرماه ، رسیدن طیارهٔ افغانی به ترمز وتاشکند ۱۵ هرماه و رسیدن طیارهٔ شوروی به ترمز وتاشکند اول هرماه .

بعد مسافهٔ طرق و سرك‌های معروفهٔ داخلی

کابل	الی گردیز سمت جنوبی	۲۹۲ کیلومتر	شوسهٔ موتر رو
»	» جلال آباد	۱٦٤ »	» »
جلال آباد	» دکه	۷۱ »	» »
دکه	» طورخم	۱۵ »	» »
تورخم	» پشاور (خارج مملکت)	٦۰ »	» »
کابل	» چهاریکار	۱۰۱ »	» »
»	» بامیان	۱۷۲ »	» »
»	» مزار شریف	۵۵۰ »	» »
»	» غزنی	۱٤۳ »	» »
غزنی	» قندهار	۳۷۵ »	» »
قندهار	» قلعهٔ جدید	۹۳ »	» »
»	» چمن (خارج مملکت)	۱۰۵ »	» »
»	» گرشك	۱۲۵ »	» »
»	» هرات براه شمال	٦٤۵ »	» »
هرات	» اسلام قلعه	۱۳۰ »	» »
»	» کشك (سرحدشوروی)	۸۳ »	» »
»	» میمنه	۳۸٦ »	» »
میمنه	» بلخ	۲۰۹ »	» »
بلخ	» مزار شریف	۲٦ »	» »
مزار شریف	» کابل براه بامیان	۵۵۰ »	» »

تعینات کرایهٔ موتر

کرایهٔ موتر لاری یك تن	فی کیلومتر	۱ افغانی و ۱۰ پول
» » » یکنیم تن	» »	۱ » » ۵۰ »
» » » دوتن	» »	۲ » » ۲۰ »
» » » ۳ تن	» »	۳ »
» » تیز رفتار	» »	۱ » » ۱۰ »
» یك نفر	» »	۱۰
» یك کیلوگرام وزن		۰٬۱۵

رهایش درهوتل کابل

(مقررات)

۱ : مهمانان راحت انفرادی را دارا بوده حتی الوسع مستخدمین هوتل بجهت فراهم ساختن تسهیلات وپذیرائی مهمان خودش حاضر وآماده است .

۲ : قیمت خوراکهٔ یك نفر دراطاق یك نفری برای ۲٤ ساعت همراه کرایه (۱٦) افغانی میباشد .

۳ : مصارف یکنفر مهمان باخوراکه در ظرف ۲٤ ساعت که رهایش میکند قرار آتیست :

الف : از طرف صبح :

۱ : چای بمعهٔ کیك .

۲ : برکفاست مرکب ازتخم مرغ هرقسمیکه مهمان خواهش کند ۲دانه ، کیك ، نان دبل ، چای شیر ، پارچ باپنیر .

ب : از طرف چاشت طعام پخته :

۱ : شورباء (سوپ).

۲ : سالان نمبر اول ودوم (۲) رقم.

۳ : میوه .

٤ : چای .

ج : از طرف عصر :

چای معهٔ کیك وپستری .

د : از طرف شب :

۱ : شورباه .

۲ : سالان نمبر اول ودوم (۲) رقم .

۳ : پدبن .

٤ : چای .

ه : یکوقته آب گرم برای غسل .

و : رنگ وپالش بوت .

قیمت خوراك ومصارفات ۱۰ افغانی
کرایهٔ اطاق یکنفری ٦ افغانی
جمله ۱٦ افغانی

٤ : کرایهٔ اطاق های دونفری درظرف ۲٤ ساعت (۱۲) افغانی تعیین شده و ازاطاق های یکنفری (٦) افغانی میباشد .

ه : مهمانان هرگاه درهوتل دعوت بدهند و یا ازاصل بست مقررهٔ یومیهٔ هوتل از قسم طعام وغیره اضافه تر خواهش نمایند ، قبلاً توسط پیشخدمت باشی باداره هوتل اطلاع نمایند تا ازطرف هوتل تهیه وپول قیمت آن در بل افزود شود .

۶ : اجرت دوبی ، خیاط ، فیس بلیارد ، کرایهٔ گراژ ، سواری موتر وگادی ، مصرف چوب بخاری ازبست مقرره در بل افزود میشود .

۷ : کرایهٔ اطاق از بچه های خورد سال در ۲۴ ساعت قرار ذیل گرفته میشود :

الف : اطفالیکه سن شان از سه سال متجاوز بوده الی ۷ ساله باشند (۲) افغانی .

ب : متجاوز ازهفت ساله الی ۱۲ ساله (۳) »

ج : بالاتر ازسن ۱۲ مطابق اشخاص بزرگ گرفته میشود .

۸ : قیمت خوراك اطفال در ۲۴ ساعت ازقرار ذیل گرفته میشود :

الف : اطفالیکه ازسن ۳ الی ۷ ساله باشند (٤) افغانی

ب : متجاوز ازهفت الی ۱۲ ساله (٦) »

ج : بالاتر ازان مطابق اشخاص بزرگ گرفته میشود .

۹ : درکرهٔ رهایش اگر طعام خورده شود باستثنای اشخاص مریض یك افغانی علاوه از بست مقرره درشباروز گرفته میشود .

۱۰ : مهمانهائیکه درهوتل باخود ملازم شخصی می‌آورند قیمت خوراکه وکرایهٔ اطاق ملازم قرار ذیل است :

الف : از یك نفر ملازم در ۲۴ساعت کرایه (۲) افغانی

ب : » » » » » (طعام دو وقته، چای یکوقته، ناشتاء) ۳ ونیم »

۱۱ : عندالحاجت سامان و البسه و لوازم مهمان باخود مهمان درکره میباشد . از سامان و اشیای زائده که درتحویلخانهٔ هوتل گذاشته میشود در ۲۴ ساعت (٤۰) پول اخذ میگردد .

۱۲ : اقسام طعام های افغانی و اروپائی درهوتل کابل موجود و بخواهش مهمانان تهیه میشود .

۱۳ : دعوتهای عمومی وخصوصی را مدیریت هوتل بعد ازمذاکره ومفاهمهٔ علیحده متحمل خواهد شد .

۱٤ : خوراکها بطریق اروپائی ساخته شده باوقات ذیل برای مهمانان داده میشود .

الف : چای صبح ازساعت ۷ ونیم الی ۸ ونیم بجه .

ب : برکفاست » ۸ ونیم » ۹ ونیم »

ج : طعام چاشت » ۱۲ » ۱ ونیم »

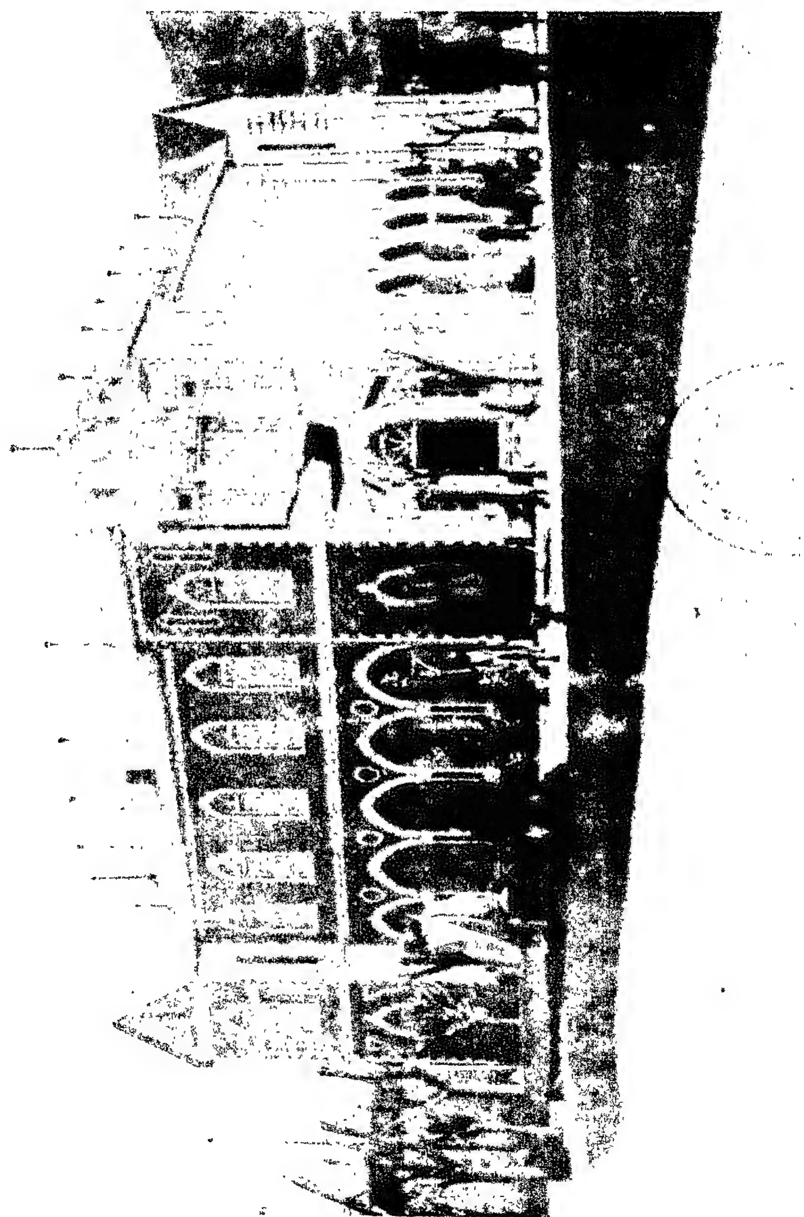
د : چای عصر » ۳ ونیم » ٥ ونیم »

هـ : نان شب » ۷ ونیم » ۹ »

۱۵ : مهمانان هرگاه دراطاق خود خواهش برکفاست را نمایند درفی صدده افغانی اضافه گرفته میشود واگر بهراستور ان میخورند مختاراند.

۱٦ : برای راه بلدی موزه خانه وکرایه نمودن موتر وگادی جهت مهمان های خود مدیریت هوتل مکلف است ، و اگر برای همراهی دوائر و موزه خانه ها برفتن نفر ضرورت واقع شود درانصورت حق الزحمهٔ راه بلدی نیز گرفته میشود .

۱۷ : مستخدمین هوتل عموماً معاش مکفی دارند وممنوع هستند که از مهمانها بخشش بگیرند.



حوت	دلو	جدی	قوس	عقرب	میزان						سنبله	اسد	سرطان	جوزا	ثور	حمل
۳۰	۲۹	۳۰	۲۹	۳۰	۳۰						۳۱	۳۲	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
دوشنبه	یکشنبه	جمعه	پنجشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	۱	۸	۱۵	۲۲	۲۹	پنجشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه
سه‌شنبه	دوشنبه	شنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	۲	۹	۱۶	۲۳	۳۰	جمعه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه
چهارشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	۳	۱۰	۱۷	۲۴	۳۱	شنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه
پنجشنبه	چهارشنبه	دوشنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	٤	۱۱	۱۸	۲۵	۳۲	یکشنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه
جمعه	پنجشنبه	سه‌شنبه	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	۵	۱۲	۱۹	۲۶	۰	دوشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه
شنبه	جمعه	چهارشنبه	سه‌شنبه	یکشنبه	جمعه	۶	۱۳	۲۰	۲۷	۰	سه‌شنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه
یکشنبه	شنبه	پنجشنبه	چهارشنبه	دوشنبه	شنبه	۷	۱٤	۲۱	۲۸	۰	چهارشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه

۱۳۵۱ هجری قمری — حمل (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	حمل	ذیقعده	مارچ	ایام تعطیل
سه‌شنبه	۱	۲۴	۲۱	
چهارشنبه	۲	۲۵	۲۲	
پنجشنبه	۳	۲۶	۲۳	
جمعه	۴	۲۷	۲۴	
شنبه	۵	۲۸	۲۵	
یکشنبه	۶	۲۹	۲۶	
دوشنبه	۷	۳۰	۲۷	
سه‌شنبه	۸	ذیحجه	۲۸	
چهارشنبه	۹	۲	۲۹	
پنجشنبه	۱۰	۳	۳۰	
جمعه	۱۱	۴	۳۱	
شنبه	۱۲	۵	اپریل	
یکشنبه	۱۳	۶	۲	
دوشنبه	۱۴	۷	۳	
سه‌شنبه	۱۵	۸	۴	
چهارشنبه	۱۶	۹	۵	[illegible]

حصهٔ دوم

ایام	حمل	ذیحجه	اپریل	ایام تعطیل
پنجشنبه	۱۷	۱۰	۶	
جمعه	۱۸	۱۱	۷	
شنبه	۱۹	۱۲	۸	
یکشنبه	۲۰	۱۳	۹	
دوشنبه	۲۱	۱۴	۱۰	
سه‌شنبه	۲۲	۱۵	۱۱	
چهارشنبه	۲۳	۱۶	۱۲	
پنجشنبه	۲۴	۱۷	۱۳	
جمعه	۲۵	۱۸	۱۴	
شنبه	۲۶	۱۹	۱۵	
یکشنبه	۲۷	۲۰	۱۶	
دوشنبه	۲۸	۲۱	۱۷	
سه‌شنبه	۲۹	۲۲	۱۸	
چهارشنبه	۳۰	۲۳	۱۹	
پنجشنبه	۳۱	۲۴	۲۰	
۰	۰	۰	۰	

قدر و قیمت وقت را عزیز و محترم باید شمرد

۱۳۵۲ هجری قمری — ثور (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	ثور	ذی الحجه	اپریل	ایام تعطیل
جمعه	۱	۲۵	۲۱	
شنبه	۲	۲۶	۲۲	
یکشنبه	۳	۲۷	۲۳	
دوشنبه	۴	۲۸	۲۴	
سه‌شنبه	۵	۲۹	۲۵	
چهارشنبه	۶	غرهٔ محرم ۱۳۵۲	۲۶	
پنجشنبه	۷	۲	۲۷	
جمعه	۸	۳	۲۸	
شنبه	۹	۴	۲۹	
یکشنبه	۱۰	۵	۳۰	
دوشنبه	۱۱	۶	می	
سه‌شنبه	۱۲	۷	۲	
چهارشنبه	۱۳	۸	۳	
پنجشنبه	۱۴	۹	۴	
جمعه	۱۵	۱۰	۵	دهم محرم [illegible]
شنبه	۱۶	۱۱	۶	

حصهٔ دوم

ایام	ثور	محرم الحرام	می	ایام تعطیل
یکشنبه	۱۷	۱۲	۷	
دوشنبه	۱۸	۱۳	۸	
سه‌شنبه	۱۹	۱۴	۹	
چهارشنبه	۲۰	۱۵	۱۰	
پنجشنبه	۲۱	۱۶	۱۱	
جمعه	۲۲	۱۷	۱۲	
شنبه	۲۳	۱۸	۱۳	
یکشنبه	۲۴	۱۹	۱۴	
دوشنبه	۲۵	۲۰	۱۵	
سه‌شنبه	۲۶	۲۱	۱۶	
چهارشنبه	۲۷	۲۲	۱۷	
پنجشنبه	۲۸	۲۳	۱۸	
جمعه	۲۹	۲۴	۱۹	
شنبه	۳۰	۲۵	۲۰	
یکشنبه	۳۱	۲۶	۲۱	
۰	۰	۰	۰	

علم و دانش بهترین یار و نیکوترین مددگار است

۱۳۵۲ هجری قمری — جوزا (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	جوزا	محرم	می	ایام تعطیل
دوشنبه	۱	۲۷	۲۲	
سه‌شنبه	۲	۲۸	۲۳	
چهارشنبه	۳	۲۹	۲۴	
پنجشنبه	۴	۳۰	۲۵	
جمعه	۵	غرهٔ صفر	۲۶	
شنبه	۶	۲	۲۷	
یکشنبه	۷	۳	۲۸	
دوشنبه	۸	۴	۲۹	
سه‌شنبه	۹	۵	۳۰	
چهارشنبه	۱۰	۶	۳۱	
پنجشنبه	۱۱	۷	جون	
جمعه	۱۲	۸	۲	
شنبه	۱۳	۹	۳	
یکشنبه	۱۴	۱۰	۴	
دوشنبه	۱۵	۱۱	۵	
سه‌شنبه	۱۶	۱۲	۶	

حصهٔ دوم

ایام	جوزا	صفر	جون	ایام تعطیل
چهارشنبه	۱۷	۱۳	۷	
پنجشنبه	۱۸	۱۴	۸	
جمعه	۱۹	۱۵	۹	
شنبه	۲۰	۱۶	۱۰	
یکشنبه	۲۱	۱۷	۱۱	
دوشنبه	۲۲	۱۸	۱۲	
سه‌شنبه	۲۳	۱۹	۱۳	
چهارشنبه	۲۴	۲۰	۱۴	
پنجشنبه	۲۵	۲۱	۱۵	
جمعه	۲۶	۲۲	۱۶	
شنبه	۲۷	۲۳	۱۷	
یکشنبه	۲۸	۲۴	۱۸	
دوشنبه	۲۹	۲۵	۱۹	
سه‌شنبه	۳۰	۲۶	۲۰	
چهارشنبه	۳۱	۲۷	۲۱	
۰	۰	۰	۰	

رحم بر مسکینان و غریبان مایهٔ ظفر و کامیابیست

۱۳۵۲ هجری قمری — سرطان (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	سرطان	صفر	جون	ایام تعطیل
پنجشنبه	۱	۲۸	۲۲	
جمعه	۲	۲۹	۲۳	
شنبه	۳	۳۰	۲۴	
یکشنبه	۴	ربیع الاول	۲۵	
دوشنبه	۵	۲	۲۶	
سه‌شنبه	۶	۳	۲۷	
چهارشنبه	۷	۴	۲۸	
پنجشنبه	۸	۵	۲۹	
جمعه	۹	۶	۳۰	
شنبه	۱۰	۷	جولائی	
یکشنبه	۱۱	۸	۲	
دوشنبه	۱۲	۹	۳	
سه‌شنبه	۱۳	۱۰	۴	
چهارشنبه	۱۴	۱۱	۵	
پنجشنبه	۱۵	۱۲	۶	۱۲ ربیع الاول [illegible]
جمعه	۱۶	۱۳	۷	

حصهٔ دوم

ایام	سرطان	ربیع الاول	جولائی	ایام تعطیل
شنبه	۱۷	۱۴	۸	
یکشنبه	۱۸	۱۵	۹	
دوشنبه	۱۹	۱۶	۱۰	
سه‌شنبه	۲۰	۱۷	۱۱	
چهارشنبه	۲۱	۱۸	۱۲	
پنجشنبه	۲۲	۱۹	۱۳	
جمعه	۲۳	۲۰	۱۴	
شنبه	۲۴	۲۱	۱۵	
یکشنبه	۲۵	۲۲	۱۶	
دوشنبه	۲۶	۲۳	۱۷	
سه‌شنبه	۲۷	۲۴	۱۸	
چهارشنبه	۲۸	۲۵	۱۹	
پنجشنبه	۲۹	۲۶	۲۰	
جمعه	۳۰	۲۷	۲۱	
شنبه	۳۱	۲۸	۲۲	
۰	۰	۰	۰	

صحبت دانشمندان مربی فکر و منور خیال است

۱۳۵۲ هجری قمری — اسد (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
یکشنبه	۱	۲۹	۲۳	
دوشنبه	۲	غرهٔ ربیع الثانی	۲۴	
سه‌شنبه	۳	۲	۲۵	
چهارشنبه	۴	۳	۲۶	
پنجشنبه	۵	۴	۲۷	
جمعه	۶	۵	۲۸	
شنبه	۷	۶	۲۹	
یکشنبه	۸	۷	۳۰	
دوشنبه	۹	۸	۳۱	
سه‌شنبه	۱۰	۹	اوت	
چهارشنبه	۱۱	۱۰	۲	
پنجشنبه	۱۲	۱۱	۳	
جمعه	۱۳	۱۲	۴	
شنبه	۱۴	۱۳	۵	
یکشنبه	۱۵	۱۴	۶	
دوشنبه	۱۶	۱۵	۷	

حصهٔ دوم

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
سه‌شنبه	۱۷	۱۶	۸	
چهارشنبه	۱۸	۱۷	۹	
پنجشنبه	۱۹	۱۸	۱۰	
جمعه	۲۰	۱۹	۱۱	[illegible]
شنبه	۲۱	۲۰	۱۲	
یکشنبه	۲۲	۲۱	۱۳	
دوشنبه	۲۳	۲۲	۱۴	
سه‌شنبه	۲۴	۲۳	۱۵	
چهارشنبه	۲۵	۲۴	۱۶	
پنجشنبه	۲۶	۲۵	۱۷	
جمعه	۲۷	۲۶	۱۸	
شنبه	۲۸	۲۷	۱۹	
یکشنبه	۲۹	۲۸	۲۰	
دوشنبه	۳۰	۲۹	۲۱	
سه‌شنبه	۳۱	۳۰	۲۲	
چهارشنبه	۳۲	غرهٔ جمادی الاول	۲۳	

شخص با هنر به هیچکس محتاج نیست همه کس محتاج اوست

۱۳۵۲ هجری قمری — سنبله (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
پنجشنبه	۱	۲	۲۴	
جمعه	۲	۳	۲۵	
شنبه	۳	۴	۲۶	
یکشنبه	۴	۵	۲۷	
دوشنبه	۵	۶	۲۸	
سه‌شنبه	۶	۷	۲۹	
چهارشنبه	۷	۸	۳۰	
پنجشنبه	۸	۹	۳۱	
جمعه	۹	۱۰	سپتمبر	
شنبه	۱۰	۱۱	۲	
یکشنبه	۱۱	۱۲	۳	
دوشنبه	۱۲	۱۳	۴	
سه‌شنبه	۱۳	۱۴	۵	
چهارشنبه	۱۴	۱۵	۶	
پنجشنبه	۱۵	۱۶	۷	
جمعه	۱۶	۱۷	۸	

حصهٔ دوم

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
شنبه	۱۷	۱۸	۹	
یکشنبه	۱۸	۱۹	۱۰	[illegible]
دوشنبه	۱۹	۲۰	۱۱	
سه‌شنبه	۲۰	۲۱	۱۲	
چهارشنبه	۲۱	۲۲	۱۳	
پنجشنبه	۲۲	۲۳	۱۴	
جمعه	۲۳	۲۴	۱۵	
شنبه	۲۴	۲۵	۱۶	
یکشنبه	۲۵	۲۶	۱۷	
دوشنبه	۲۶	۲۷	۱۸	
سه‌شنبه	۲۷	۲۸	۱۹	
چهارشنبه	۲۸	۲۹	۲۰	
پنجشنبه	۲۹	۳۰	۲۱	
جمعه	۳۰	جمادی الثانی	۲۲	
شنبه	۳۱	۲	۲۳	
.	.	.	.	

در یکسال بسیار خدمات برجسته برای وطن میتوان کرد

۱۳۵۲ هجری قمری — میزان (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
یکشنبه	۱	۳	۲۴	
دوشنبه	۲	۴	۲۵	
سه‌شنبه	۳	۵	۲۶	
چهارشنبه	۴	۶	۲۷	
پنجشنبه	۵	۷	۲۸	
جمعه	۶	۸	۲۹	
شنبه	۷	۹	۳۰	
یکشنبه	۸	۱۰	اکتوبر	
دوشنبه	۹	۱۱	۲	
سه‌شنبه	۱۰	۱۲	۳	
چهارشنبه	۱۱	۱۳	۴	
پنجشنبه	۱۲	۱۴	۵	
جمعه	۱۳	۱۵	۶	
شنبه	۱۴	۱۶	۷	
یکشنبه	۱۵	۱۷	۸	

حصهٔ دوم

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
دوشنبه	۱۶	۱۸	۹	
سه‌شنبه	۱۷	۱۹	۱۰	
چهارشنبه	۱۸	۲۰	۱۱	
پنجشنبه	۱۹	۲۱	۱۲	
جمعه	۲۰	۲۲	۱۳	
شنبه	۲۱	۲۳	۱۴	
یکشنبه	۲۲	۲۴	۱۵	
دوشنبه	۲۳	۲۵	۱۶	[illegible]
سه‌شنبه	۲۴	۲۶	۱۷	
چهارشنبه	۲۵	۲۷	۱۸	
پنجشنبه	۲۶	۲۸	۱۹	
جمعه	۲۷	۲۹	۲۰	
شنبه	۲۸	رجب	۲۱	
یکشنبه	۲۹	۲	۲۲	
دوشنبه	۳۰	۳	۲۳	

راحت و سعادت هر شخص بقدر سعی و عمل اوست

۱۳۵۲ هجری قمری — عقرب (هجری شمسی) ۱۳۱۲ — ۱۹۳۳ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
سه‌شنبه	۱	۴	۲۴	
چهارشنبه	۲	۵	۲۵	
پنجشنبه	۳	۶	۲۶	
جمعه	۴	۷	۲۷	
شنبه	۵	۸	۲۸	
یکشنبه	۶	۹	۲۹	
دوشنبه	۷	۱۰	۳۰	
سه‌شنبه	۸	۱۱	۳۱	
چهارشنبه	۹	۱۲	نوامبر	
پنجشنبه	۱۰	۱۳	۲	
جمعه	۱۱	۱۴	۳	
شنبه	۱۲	۱۵	۴	
یکشنبه	۱۳	۱۶	۵	
دوشنبه	۱۴	۱۷	۶	
سه‌شنبه	۱۵	۱۸	۷	

حصهٔ دوم

ایام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایام تعطیل
چهارشنبه	۱۶	۱۹	۸	
پنجشنبه	۱۷	۲۰	۹	
جمعه	۱۸	۲۱	۱۰	
شنبه	۱۹	۲۲	۱۱	
یکشنبه	۲۰	۲۳	۱۲	
دوشنبه	۲۱	۲۴	۱۳	
سه‌شنبه	۲۲	۲۵	۱۴	
چهارشنبه	۲۳	۲۶	۱۵	
پنجشنبه	۲۴	۲۷	۱۶	
جمعه	۲۵	۲۸	۱۷	
شنبه	۲۶	۲۹	۱۸	
یکشنبه	۲۷	۳۰	۱۹	
دوشنبه	۲۸	غرهٔ شعبان	۲۰	
سه‌شنبه	۲۹	۲	۲۱	
چهارشنبه	۳۰	۳	۲۲	

اقتصاد گنجیست بیرنج و ثروت بی اقتصاد دولتیست بارنج

١٣٥٢ هجری قمری — قوس ١٣١٢ هجری شمسی — ١٩٣٣ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	قوس	شعبان	نومبر	ایام تعطیل
پنجشنبه	١	٤	٢٣	
جمعه	٢	٥	٢٤	
شنبه	٣	٦	٢٥	
یکشنبه	٤	٧	٢٦	
دوشنبه	٥	٨	٢٧	
سه‌شنبه	٦	٩	٢٨	
چهارشنبه	٧	١٠	٢٩	
پنجشنبه	٨	١١	٣٠	
جمعه	٩	١٢	دسمبر	
شنبه	١٠	١٣	٢	
یکشنبه	١١	١٤	٣	
دوشنبه	١٢	١٥	٤	
سه‌شنبه	١٣	١٦	٥	
چهارشنبه	١٤	١٧	٦	
پنجشنبه	١٥	١٨	٧	

حصهٔ دوم

ایام	قوس	شعبان	نومبر	ایام تعطیل
جمعه	١٦	١٩	٨	
شنبه	١٧	٢٠	٩	
یکشنبه	١٨	٢١	١٠	
دوشنبه	١٩	٢٢	١١	
سه‌شنبه	٢٠	٢٣	١٢	
چهارشنبه	٢١	٢٤	١٣	
پنجشنبه	١٢	٢٥	١٤	
جمعه	٢٣	٢٦	١٥	
شنبه	٢٤	٢٧	١٦	
یکشنبه	٢٥	٢٨	١٧	
دوشنبه	٢٦	٢٩	١٨	
سه‌شنبه	٢٧	غره رمضان	١٩	[illegible]
چهارشنبه	٢٨	٢	٢٠	
پنجشنبه	٢٩	٣	٢١	
.	.	.	.	

قومیکه صنعت را در وطن رایج نمود از احتیاج غیر خلاص میگردد

١٣٥٢ هجری قمری — جدی ١٣١٢ هجری شمسی — ١٩٣٤ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	جدی	رمضان	دسمبر	ایام تعطیل
جمعه	١	٤	٢٢	
شنبه	٢	٥	٢٣	
یکشنبه	٣	٦	٢٤	
دوشنبه	٤	٧	٢٥	
سه‌شنبه	٥	٨	٢٦	
چهارشنبه	٦	٩	٢٧	
پنجشنبه	٧	١٠	٢٨	
جمعه	٨	١١	٢٩	
شنبه	٩	١٢	٣٠	
یکشنبه	١٠	١٣	٣١	
دوشنبه	١١	١٤	١٩٣٤ جنوری	
سه‌شنبه	١٢	١٥	٢	
چهارشنبه	١٣	١٦	٣	
پنجشنبه	١٤	١٧	٤	
جمعه	١٥	١٨	٥	

حصهٔ دوم

ایام	جدی	رمضان	دسمبر	ایام تعطیل
شنبه	١٦	١٩	٦	
یکشنبه	١٧	٢٠	٧	
دوشنبه	١٨	٢١	٨	
سه‌شنبه	١٩	٢٢	٩	
چهارشنبه	٢٠	٢٣	١٠	
پنجشنبه	٢١	٢٤	١١	
جمعه	٢٢	٢٥	١٢	
شنبه	٢٣	٢٦	١٣	
یکشنبه	٢٤	٢٧	١٤	
دوشنبه	٢٥	٢٨	١٥	
سه‌شنبه	٢٦	٢٩	١٦	
چهارشنبه	٢٧	غره شوال	١٧	[illegible]
پنجشنبه	٢٨	٢	١٨	
جمعه	٢٩	٣	١٩	
شنبه	٣٠	٤	٢٠	

مملکتی مسعود است که در تمام طبقات جامعهٔ آن علم تعمیم گردد

١٣٥٢ هجری قمری — دلو ١٣١٢ هجری شمسی — ١٩٣٤ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	دلو	شوال	جنوری	ایام تعطیل
یکشنبه	١	٥	٢١	
دوشنبه	٢	٦	٢٢	
سه‌شنبه	٣	٧	٢٣	
چهارشنبه	٤	٨	٢٤	
پنجشنبه	٥	٩	٢٥	
جمعه	٦	١٠	٢٦	
شنبه	٧	١١	٢٧	
یکشنبه	٨	١٢	٢٨	
دوشنبه	٩	١٣	٢٩	
سه‌شنبه	١٠	١٤	٣٠	
چهارشنبه	١١	١٥	٣١	
پنجشنبه	١٢	١٦	فروری	
جمعه	١٣	١٧	٢	
شنبه	١٤	١٨	٣	
یکشنبه	١٥	١٩	٤	

حصهٔ دوم

ایام	دلو	شوال	جنوری	ایام تعطیل
دوشنبه	١٦	٢٠	٥	
سه‌شنبه	١٧	٢١	٦	
چهارشنبه	١٨	٢٢	٧	
پنجشنبه	١٩	٢٣	٨	
جمعه	٢٠	٢٤	٩	
شنبه	٢١	٢٥	١٠	
یکشنبه	٢٢	٢٦	١١	
دوشنبه	٢٣	٢٧	١٢	
سه‌شنبه	٢٤	٢٨	١٣	
چهارشنبه	٢٥	١٩	١٤	
پنجشنبه	٢٦	٣٠	١٥	
جمعه	٢٧	غره ذیقعده	١٦	
شنبه	٢٨	٢	١٧	
یکشنبه	٢٩	٣	١٨	
.	.	.	.	

هیچ قوم از فشار پنجهٔ جهل رهائی نمی یابد الا بقوهٔ علم

١٣٥٢ هجری قمری — حوت ١٣١٢ هجری شمسی — ١٩٣٤ عیسوی

حصهٔ اول

ایام	حوت	ذیقعده	فبروری	ایام تعطیل
دوشنبه	١	٤	١٩	
سه‌شنبه	٢	٥	٢٠	
چهارشنبه	٣	٦	٢١	
پنجشنبه	٤	٧	٢٢	
جمعه	٥	٨	٢٣	
شنبه	٦	٩	٢٤	
یکشنبه	٧	١٠	٢٥	
دوشنبه	٨	١١	٢٦	
سه‌شنبه	٩	١٢	٢٧	
چهارشنبه	١٠	١٣	٢٨	
پنجشنبه	١١	١٤	مارچ	
جمعه	١٢	١٥	٢	
شنبه	١٣	١٦	٣	
یکشنبه	١٤	١٧	٤	
دوشنبه	١٥	١٨	٥	

حصهٔ دوم

ایام	حوت	ذیقعده	فبروری	ایام تعطیل
سه‌شنبه	١٦	١٩	٦	
چهارشنبه	١٧	٢٠	٧	
پنجشنبه	١٨	٢١	٨	
جمعه	١٩	٢٢	٩	
شنبه	٢٠	٢٣	١٠	
یکشنبه	٢١	٢٤	١١	
دوشنبه	٢٢	٢٥	١٢	
سه‌شنبه	٢٣	٢٦	١٣	
چهارشنبه	٢٤	٢٧	١٤	
پنجشنبه	٢٥	٢٨	١٥	
جمعه	٢٦	٢٩	١٦	
شنبه	٢٧	غره ذیحجه	١٧	
یکشنبه	٢٨	٢	١٨	
دوشنبه	٢٩	٣	١٩	
سه‌شنبه	٣٠	٤	٢٠	

همت عالی منت نمی‌نهد و هیچگاه منت بر نمیدارد

افغانستان

مقیاس یک به سه ملیون

۳۰۰ ۱۵۰ ۱۰۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰

میل انگریزی

تشریحات خطوط و علامات

ولایت — حکومت اعلی — حکومت کلان

خط سرحد

خطوط فاصل ولایات داخلی

دریا

راه

DRAWN BY S.M. [illegible] KABUL





فهرست مضامین سالنامهٔ کابل

مضمون	صفحه
دنمارك	۲۳۲
دومه‌نیکا	»
رومانیه	۲۳۳
روسیه	»
ازبکستان	۲۳۵
تاجکستان	»
ترکمنستان	»
قفقاز	»
آذربایجان	۲۳۶
ارمنستان	»
گرجستان	»
سالویدور	»
سان‌مارینو	»
سویدن	۲۳۷
سویتزرلیند	»
سیام	۲۳۸
عراق	»
عرب	۲۳۹
عرب سعودیه	»
عمان	۲٤۰
فرانسه	»
افریقهٔ غربی فرانسوی (صحرای اعظم)	۲٤۳
الجزائر	»
اندورا	»
تونس	»
سوریه	۲٤٤
شام	»
لبنان	

مضمون

مضمون	صفحه
یمن	۲۵۷
یوروگوی	»
یوگوسلاویا	»
یونان	۲۵۸
جمعیت اقوام	۲۵۹
دوائر بین‌المللی	۲٦٤
حکمرانان دنیا	۲٦۷
بعضی از حکمرانان ریاست های هند	۲۷۱
تعداد مسلمانان عالم	۲۷٤
عساکر دول	۲۷٦
بحریهٔ دول معظمه در ابتدای ۱۳۱۱	۲۷۹
مسکوکات عالم	۲۸۱
اوزان و مقیاسات ممالك همجوار	۲۸۵
ایران	»
چین	۲۸٦
روسیه	۲۸۷
هند	»
بحر و بر ـ نژاد ها	۲۸۹
بلند ترین قلل ـ طویل ترین رود ها و بزرگترین رود ها	۲۹۰
ادیان	۲۹۱
السنه	۲۹۲
حاصل یکسالهٔ گندم ، جو ، برنج	۲۹۳
» » چای و قند	۲۹٤
» » ابریشم ، پشم ، پنبه ، رابر	۲۹۵
» » تیل خاك ، ذغال سنگ و چودن	۲۹٦
» » طلا و نقره	۲۹۷
قوای فضائی دول	۲۹۸
خطوط آهن عالم	۲۹۹

فهرست مضامین

فهرست تصاویرسالنامهٔ« کابل»

فهرست تصاویر

فهرست تصاویر



غلطنامهٔ سالنامهٔ «کابل»

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵	۲۵	Monpélier	Montpelier
۸	۹	مدنیت های آسیائی	مدنیت های اسیای وسطی.
۸	۲۸	غدیر و یکتوریا	غدیر پامیر
۸	۲۹	کول ویکتور یا	کول پامیر
۱۳	۲۰	یوتید یموس دویم	یوکراتیدس
۱۳	۲۲	پادشاه	یوتید یموس
۱۳	۲۶	چورا سمی‌ها	خوارزمی‌ها
۱۸	۱۷	ازقرن شش تاهفت	ازقرن پنج تاهفت
۲۱	۲۳	قرن‌شش قبل‌المیلاد	قرن شش بعدالمیلاد
۲۲	۳۳	اندکی ازمذهب قدیم	اندگی ازانها درپنجاب‌وقدری. از مذهب قدیم
۹۰	۳۳	اندوش	اندوس
۳۵	٤	فارسی ها (هرای)	فارسی ها (هرای‌و)
٤٤	۲۷	اسمار	اسمار ،بدخشان
٤۵	۷	معارف، تجارت، مالیه	مالیه، تجارت،معارف
۵۵	تحت فوتو	متصدع	متصدی
۵۷	۱	۱۲٦۰	۱۲٦٤
۵۷	۵	۱۲۹٦	۱۳۰۰
٦۳	۷	مدیر مامورین عبدالسلام خان	مدیر تحریرات عبدالسلام خان
۳٦	۸	.	مدیر مامورین محمد میر خان.
۷٤	تحت‌فوتو	نائب‌الحکومه	وکیل نائب‌الحکومه
۸۲	۱۷	وایزنگی	دایزنگی
۸۳	۱۳	سرنی	سروبی
۸٤	۱٤	تولك وتـگابستان	تولك‌وتگاب اشنان
۹٤	۱	همایونی	همایون
۹۷	۷	بی‌ماهرو	بی‌بی ماهرو
۱٦۸	عنوان ۲	کورسهای السنه‌خارجه	کورسهای السنه
۱۱٤	۲۲	منظور	منفور
۱٦۸	۲٦	باغراض	اغراض
۱۷۰	زیر عکس	شاه جدید	رئیس جمهور جدید.

صفحه	سطر	غلط	صحیح
١٧٢	٣٠	بسهولیت	بسهولت
١٧٣	٢٧	استقامت	استقامت
١٧٤	اول آخر سطر	بهم خودگی حروف	هر چه روشن تر شود
١٧٤	٢٣	تحریکاف	تحریکات
١٧٦	٦	این‌دولت احزاب ، سیاسی	این دولت،احزاب سیا
١٧٧	٤	قال	قال
١٧٧	٢٤	نظر شخصیت	نظر بشخصیت
١٨١	٢	قصفیه	تصفیه
١٨١	١٧	قری	قوی
١٨٢	١٥	سول‌داس روبی دینس	سول‌دیس اوبی دی
١٨٥	١٥	یشه	همیشه
١٨٦	٢	مقررت	مقررات
١٨٨	١٣	متحده	
١٨٨	١٩	امریکا	ممالك متحدهٔ امر
١٨٨	٢٩	اقتدار	اقتدار
١٨٨	٣٠	دمکرات	دموکرات
١٩٠	١	١٢١١	١٣١١
١٩٢	١٣	اتومانیك	اتوماتیك
١٩٢	٢٦	قربی	قریبی
١٩٤	٩	کثری	کثیری
٢٠٠	١٨	HILE	HAILE
٢٠٠	٨	بافلا	باقلا
٢٠٥	٤	ملیون	
٢٠٥	١٦	شروط	مشروطه
٢٠٦	٦	ژریم	رژیم
٢٠٨	١٠	صیح	صحیح
٢١٤	١٣	درند	دارند
٢١٥	١٧	نفاذ	انفاذ
٢١٧	عنوان سر صفحه	جغرافیه‌ی	جغرافیای
	سطر		
٢١٧	٦	گورنرجال	گورنر جنرا
٢١٨	١	حودپهور	جودپهور
٢٢٢	١٣	قانون وضع	وضع قانون

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۲۹	زیرعکس	NASARYK	MASARYK
۲۳۴	۲۰	توکرین	یوکرین
۲۴۴	۲۳	نفرس	نفوس
۲۴۵	زیرعکس	گونز الیزپونکالیزویگوئز	کلیتوگوانز الیندیکوئز
۲۵۹	۹	از	در
۲۶۷	۲۳	موسیکی کی	موسیکی
۲۶۸	۲	قبت	تبت
۳۰۶	۲۳	متت وای	متساوی
۳۱۰	۸	Besliner	Besnier
۳۱۱	۱۴	Etinne	Etienne
۳۶۱	۱۲	ددوانه	دو دانه
۳۸۵	۷	برده‌تا	بردویا
۳۸۶	۱۶	۱۵۶۸	۱۰۶۸
۳۸۷	۹	جلب	جالب
۳۹۴	۱۵	،	به
۳۹۵	۱۴	انتو	اتنو
۳۹۷	۶	تن	نن
۳۹۷	۱۶	اصطلاحه	اصطلاح
۳۹۷	۲۲	پبنتو	پبنڈو
۳۹۹	۲	چه	خه
۴۰۰	۱۶	ترر	ترزر

غلطهاي ذیل در قسمت اعداد جغرافیا تصحیح شود

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۰۰	۸	۱۱۲ ۷۷۵ ۰۴۶	۱۲۲ ۷۷۵ ۰۴۶ مجموع
۲۰۳	۱۵	۹ ۲۴۳ ۸۳۲	۹ ۲۴۳ ۸۳۰ مجموع
»	۲	۱ ۶۴۲ ۶۵۸	۱۱۴ ۴۱۷ ۷۰۴
۲۰۳	۲۰	۹ ۵۵۸ ۸۶۵	۹ ۵۵۸ ۲۴۴ مجموع کل
		مجموع	مجموع (مع مساحه قطعات آب وتعدادبوی‌هائی امریکه)
۲۰۷	۸	۲ ۴۲۳ ۱۱۹	۲ ۴۲۳ ۰۹۸ مجموع

صفحه	سطر	غلط	صحیح	
٢٠٧	٩	٧٩ ٨٠١ ٤٦٦	٤٣ ٥٢٥ ٥٦٤	مجموع کل
٢١٠	١٤	٥ ٢٠٥ ٠٧٥	٥ ١٠٥ ٠١٥	مجموع
٢١٠	١٤	٣٣٢ ٦٥٠ ٠٠٠	٣٢٥ ٣٦١ ٠٠٠	مجموع
٢١١	١٤	٥٠ ٧٠٤ ٠٠٠	٥٥ ٦١٨ ٠٠٠	مجموع
٢١١	آخر	١١ ١٤٢ ٠٠٠	١٢ ٥٥٦ ٠٠٠	مجموع
٢١٣	١١	٧ ٧٩٥ ٠٠٠	٨ ١٢٦ ٠٠٠	مجموع
٢١٣	١٢	٤٤٩ ٨٩٠ ٠٠٠	٦٦٨ ٨٧٩ ٠٠٠	مجموع کل
٢٢١	آخر	٢ ٨٩٦ ٢٤٣	٢ ٤٤٦ ٢٤٣	مجموع کل
٢٢٥	٦	١٧٩ ٢٠٥	١ ١٨٥ ٢٠٥	مجموع
٢٢٥	١٢	٢ ١٠٠ ٠٠٠	٢ ٠٧٥ ٠٠٠	مجموع
٢٢٥	١٣	٢ ٢١٧ ٠٢٠	٢ ٠٩٧ ٨١٠	مجموع کل
٢٢٥	١٣	١٤ ٤٣٧ ٩٣٠	٧ ٧٨٩ ١١٥	مجموع کل
٢٢٧	٢٣	٩٠ ٣٢٦ ٠٧١	٩١ ٧٢٣ ٧٠٩	مجموع
٢٢٧	٢٥	٦٧٨ ٥٠٠	٦٧٨ ٥٣٧	مجموع کل
٢٢٧	٢٥	٩٠ ٣٩٥ ٦٩٨	٩١ ٧٩٣ ٣٣٦	»
٢٣٤	٢٢	٢١ ٩٢٨ ٣٨١	٢١ ٩٣٩ ٣٨١	مجموع
٢٣٤	٢٢	٤٥ ٤٧٦ ٠٧٣	١٣٥ ٤٧٦ ٠٧٣	»
٢٣٤	٣٢	١١ ٨٤٧ ٢٣١	١١ ٨٤٧ ١٣١	»
٢٣٦	٣٢	١١٥ ٩٦٣ ٨٣٦	٢٥ ٩٦٣ ٨٣٦	»
٢٣٦	٣٥	٣٣ ٧٨٦ ٦١٢	٣٣ ٧٨٦ ٥١٢	مجموع کل
٢٤١	٢٥	٧٦٣ ٥١٠	٩٦٣ ٥١٠	مجموع
٢٤١	٢٥	٢٦ ١١٦ ٧٩٤	٢٤ ٣١٦ ٧٩٤	»
٢٤٢	١٨	١١ ٥١٣ ٥٩٠	١٢ ٥١٣ ٥٩٠	»
٢٤٢	١٨	٣٢ ٦٦٤ ٤٦٩	٣٢ ٦٦٤ ١٦٩	
٢٤٢	٢٣	٥٢٨ ٨٦٣	٥٢٨ ٩١٣	مجموع
٢٤٢	٢٧	١٣ ١٤١ ٤٩٠	١٤ ١٤١ ٤٩٢	مجموع کل
٢٤٢	٢٧	١٠١ ٣١٤ ١٥٤	٩٩ ٤٢٧ ٧٤٦	مجموع کل
٢٥٣	٢١	٦٠ ٧٣١ ٠٢٥	٩٠ ١٢٨ ٤٢٥	مجموع
٢٥٣	٢٥	٢٠ ٠٥٢ ١١٢	٢ ٠٥٢ ١١٢	مجموع کل
٢٥٣	٣٥	٦٨ ٨٨١ ٠٠٣	٦٨ ٢٧٨ ٤٠٣	مجموع کل
٢٥٦	٩	٦٠٠ ٢٩٩ ٦٠٠	٣١٩	مجموع
٢٥٦	١٠	٨٠٤ ١٠٠	٨٢٤ ١٠٠	مجموع کل

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۰	۵	۷۷ ۱۰۶ ۰۰۰	بورنیو-برونی-سراواک ۷۶۷ ۰۰۰
۲۱۰	۷	۳۹۱ ۰۰۰	هانگ کانگ ۸۴۰ ۰۰۰
۲۱۰	۸	۲۴۶ ۰۵۵ ۰۰۰	هند برطانوی ۲۴۱ ۰۰۳ ۰۰۰
۲۱۰	۱۴	۹۴۸ ۰۰۰	فلسطین ۹۴۶ ۰۰۰
۲۱۱	۳	۷ ۲۳۶ ۰۰۰	اتحاد افریقه جنوبی ۶ ۹۲۹ ۰۰۰
۲۲۵	۵		
۲۷۴	۱۸ تاجکستان	۱۷۰ ۰۰۰	۱ ۱۷۰ ۰۰۰
»	۲۱ مجموع	۱۸۸ ۳۰۸ ۰۰۰	۱۸۹ ۳۰۸ ۰۰۰
۲۷۵	۷ »	۶۴ ۷۶۱ ۰۰۰	۶۵ ۷۶۱ ۰۰۰
»	۱۳ مجموع کل	۳۱۲ ۸۵۱ ۰۰۰	۳۱۴ ۸۵۱ ۰۰۰



اعلان

دورهٔ سال سوم مجلهٔ کابل از سرطان ۱۳۱۲ آغاز میکند، و در هر ماه در صد صفحه مصور با قطع و حجم مناسب حروف نو، مضامین ادبی، اجتماعی و تاریخی انتشار میبابد، علاقه مندان باشتراک در داخله مملکت بقیمت ۱۴ افغانی و در خارج نیم پوند انگلیسی میتوانند دورهٔ یکسالهٔ او را طلب نمایند.

جاده ارگ، انجمن ادبی کابل، افغانستان



اعتذار

کارکنان انجمن ادبی کابل در نظر داشت تصاویر غالب فضلا و مشاهیر وطن و هیئت های محترم انجمن ادبی قندهار و هرات و تمام آقایانیکه به مجلهٔ کابل مقاله داده بودند در سالنامهٔ کابل چاپ شود، متأسفانه تصاویر بعضی نرسید و از آنهائیکه رسید هم بعلت نقص فوتوگرافی قابل زنگوگراف نبود، امید است در سالنامهٔ آینده و یا در مجلات کابل تلافی مافات گردد.

(انجمن)